



ده است تا هر چه از خیر و شر بر سر فرزند آید و بکین پس نکوید تا مضرتی و گزند بی بوی نرسد و در جبر و اجور و در  
 فرشته را ملک الهی بخشد و همه که او گشت چون بومنی خوابی بیند یا ویزا بخواب بیند واجبست دانستن  
 بدستیک بهره شادی برگیرد و از خواب بدختر کند یعنی بدعا و عبادت و صدقات مشغول شود و آبر  
 الله الله علیه گوید که مرتبه این علم و علمهای دیگر چنانست که هر که علی طلب کند از اصلش نکرده و قیاسش تغییر  
 برین آن مخلص نکند مگر این علم از اصل نکرده و از احوال مردم بهیات و صفت و قدر و دیانت و بهمت و ارادت  
 با اختلاف و قیاس میگرد و زیرا که وقتی تغییر مثل یا باصل باید کرد و وقتی بصدد گاه از بهر مردمان باشد و گاه از بهر مردمان  
 علام یعنی خوابهای شوریده و بدانکه هر علمی که صلی دارد و مستغنی باشد از علم دیگر الا معتبر باید که تغییر  
 هر کتاب و مصطفی علیه السلام و امثال شعاع عرب و عجم و نوا در و اشتقاق لغت و الفاظ متداوله یعنی که از یک  
 و لطیف و اریب باشد و شمایل و احوال مردم نیک شناسد و بهیاس و علم سهل نیک اندویدیم  
 خواهد تا او را بگرم خویش راه نماید و بر زبانش صلاح و صواب را ند و اینچنین حق سبحانه و تعالی بکسی  
 نام خوردن و از سخنها می ناکار و دور باشد و از معاصی احتراز نماید تا در سلک اهلکاء  
 غیران باشد پس بر خردمندان واجب باشد و انشع علم تفسیر و شناختن قوانین  
 مگر آن قوم را که حق جل و علا در شان ایشان گفت اولئک الله  
 اعلم بالصواب فصل اول در شناختن مزاج خوابها  
 غایب از بخارهای ترشحات  
 منضم مفضل شود و در است



بودی و در چه اندیشه خفتی تا بیان تعبیر کند یا کسی که بخواب در میان برفت و باران و بچ و سرباز گرفتار است چون بیدار  
 شود جامه خواب از وی دور شده باشد آن سرباز بخواب دیدن سبب برپیشی باشد و بی جا کنی او بود و آنجا  
 را اصلی نباشد و اگر بخواب بیدار که اندر کمر او یا آفتاب و حرارتی در خود بیند چون بیدار شود جامه بسیار بر خود  
 پیچیده باشد و آن گرمی یافتن سبب جامه بسیار بود که بر خود پیچیده باشد و اگر کسی بیدار که از غلغله می نالد و در روی  
 در اندام وی افتاده بود و بر او رنجور میداشت و همان در و در و آنچه در خواب بیدار که بول میکرد چون بیدار شود بیدار  
 که در جامه خواب بول انداخته بود و یا بول بروی غالب شده باشد این چنین خوابها را اصلی نباشد فصل ششم  
 در دانستن تفاوت میان خوابها و تفصیل خواب هر کسی این سیرین رحمة الله علیه گوید که خداوند خواب از  
 دو حال بیرون نیست یا مؤمن است یا کافر و این اصل را چهارده نوع است نوع اول خواب پادشاهان  
 دوم خواب قاضیان سوم خواب مفتیان چهارم خواب عالمان پنجم خواب آزادگان ششم خواب بندگان  
 هفتم خواب مردان هشتم خواب زنان نهم خواب صالحان و دهم خواب فاسقان یازدهم خواب ثروتمندان  
 دوازدهم خواب درویشان سیزدهم خواب بالغان چهاردهم خواب کودکان نابالغ و ازین جمله خواب  
 پادشاهان راست تر و درست تر است و گفته اند که خواب پادشاهان را بر دیگران چندان فضیلت است  
 که پادشاهان را بر رعیت چنانکه در سبانه و لغت جمل علما پادشاهان را بر گزیده و سرور می داده و خلق فرموده تا  
 وی بجا آورند قوله تعالی یا ایها الذین امنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر من  
 و رسول صلی الله علیه و سلم فرمود من اطاع الامیر فقد اطاع الله و من سخطه پس هر چه  
 خوابیکه پادشاه عادل مصلح بیدار آن خواب مقرون پادشاه را نزدیک بود و بخواب پادشاه نزدیک تر  
 او درست تر است و خواب قاضی را فضیلت است بر خواب دیگران زیرا که عدل و انصاف و نظر  
 و کارهای خاص و عام بستان و کشان با مورخلایق همه از قاضیان بود و خواب فقهارا فضیلت است  
 بر خواب عوام چه ایشان و انا اند باصول فقه و حد و مسلمانی و فرائض و سنن و حلال و حرام از قول ایشان  
 بتوان دانست و خواب آزاد را از فضیلت است بر خواب بندگان از برای آنکه حق سبحانه و تعالی جل و علا  
 و نسب داده است ایشان را بر بندگان و خواب علماء افضل از برای آنست که حق سبحانه و تعالی ایشان را  
 و توفیق داده است تا خلق را بر راه راست آرند و بخیرات و طاعات رغبت نمایند و خواب بنده خداوند  
 را منفعت دهد که بنده را از آن نصیب باشد و خواب مردان را بر زنان فضیلت است از برای آنکه باری  
 سبحانه و تعالی ایشان را بر گزیده بر زنان و بچند چیز رجحان داده تفصیل نها و قوله تعالی الرجال قوامون  
 علی النساء و پیغمبران را علیهم السلام فرستاد همه مردان بودند و جای دیگر فرمود و جعل و امی اتان محرم

تَرَضُّونَ مِنَ الشَّهَادَةِ بِدَيْهَةِ عَقْلٍ سَتِ صَبْرٌ وَجَدَ وَرَامِي وَشَجَاعَتِ وَسَخَاوَتِ وَعِلَامَتِ وَخَدَمِ هُنَالِ آن  
 همه در جملة مردان مذکور گردانیده و خواب زمان نزدیکست بخواب بندگان و خواب صالحان از افضلست برخواب  
 فاسقان از بهر آنکه خواب صلاح بطاعت میل می کنند و از معصیت دور باشند و خواب فاسقان که روز قیامت  
 بر ایشان حجت باشد چنانکه بر کافران زیرا که فاسق بر معاصی دلیری کند و خواب تو انگر غرور و بیش فضل دار و زیرا که  
 تو انگر زکوة و صدقه ده و حج و غزا کند و رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که يَدُ الْعَلِيِّ خَيْرٌ مِّنْ يَدِ السُّفْلِيِّ  
 یعنی دست بخشنده بر از دست ستاننده است و گریه ای از معبران گویند که خواب درویشان را اصلی نباشد زیرا که همواره  
 دل ایشان را پریشان باشد از غم کسب و عیال چون درویش خواب نیکو بیند اثر آن ویرید آید و چون به بیدار شود  
 آن درویش را هر کرد و خواب تو انگر از خلاف این باشد و خواب اهل بلوغ معتبر باشد زیرا که شهوت بر ایشان  
 غالب باشد و نابالغ ادب و عقل ندارد بعضی از معبران گویند که خواب کودک نابالغ چون نیک باشد نیکی آن پدر و  
 مادر و بدی آن زبان دارد و خواب کودک نابالغ را دو قولست قوی است که خواب ایشان درست و درست  
 حکمش پدید آید زیرا که دل کودک از گناه صافی باشد و از معصیت و شغل دنیا فارغ باشد و قوی دیگر خواب  
 ایشان را عقل و تمیز چنانچه باید نباشد و خواب مست و جنب و زن حایض درست باشد چنانچه صفیه بنت مبشر  
 را خواب دید که ماه و افاق از آسمان هر دو بکنار وی افتاد و چون بیدار شد امیر خیر را ازین خواب آگاه کرد و امیر خیر  
 که این خبر بر روی وی زد و گفت اگر این خواب راست میگوید محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم خیر است و در آنرا نیکی  
 از رسول الله علیه و سلم خیر گرفت و شکر اسلام صفیه را پیش برد و رسول صلی الله علیه و سلم از صفیه پرسید که آیا  
 چیزی روی که بر روی است خیر است صفیه این صورت خواب را گفت همچنان بود که دیده بود و تاویل خواب او راست آمد  
 و ابتدا علم بالصواب فصل بیستم در معرفت فرق میان خوابها که مانی رحمه الله علیه گوید که خواب سلمان راست  
 از خواب کافران باشد و خواب دانا بهتر از خواب نادان و خواب صالح بهتر از خواب فاسق قوله تعالی اِنَّ حَسْبَ  
 الْكَافِرِينَ اَجْرُهُمْ السَّيِّئَاتِ اِنْ جَعَلْنَاهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءٌ تَحْيَا كُنْتُمْ وَتَمُوتُوا  
 مَا يَجْكُمُونِ و خواب بیزان بهتر و راست تر از خواب کودکان و خواب زن آزاد بهتر از خواب کنیز بود  
 هر کس صبر را بایده در وقت گذاردن خواب مراتب نیکو نگاه دارد و چون از خداوند خواب سؤال کند و الفاظ  
 که بشنود همه را بقبایس عقل راست کند چنانکه لفظ اول با خبر بود و از آن آخر تا اول را و آنرا تعبیر کند و هر کدام که  
 از تعبیر باصول همان لفظ تعبیر کند تا چون بیزان کلام نگاه داشته باشد و از غلط نیفتد و آنچه گوید صواب بود  
 در حدیثی قدیم قیاس چنین کردند و صواب و راست آمدی حکایت چنین گویند مردی از ابن سیرین  
 علیه السلام سؤال کرد که خواب دیدم که بانگ نماز گفتن این سیرین گفت حج اسلام بگذاری هم در آنوقت مردی میاید



و گفت که خواب دیدم که بانگ نمازی گفتم گفت ترا بزرگی می کشد شاگردان گفتند که این دو خواب می  
داشت که بانگ نمازی گفتند چگونه تعبیر این مخالفت کند گفت از سیاهی صلاح دیدم فتم کج گویی قوله نقله  
وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ رَجَعَا لَكَ وَرَأَى دِيكَرِ سَيَّامِي اِبْل فساد و دیدم مخالفت در تعبیر فتم که ترا بزرگ  
قوله تعالى فَأَذِّنْ مُؤَذِّنَ آيَتِهَا الْعِيدُ إِنَّ كُفَّارَ قَوْمٍ جَفَّ صَادِقُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ كَوَيْدِ كِه وَ قَتِي بَاشَر  
بیند و تاویل آن هم در آن روز باشد و خوابی اندر شب بیند و تاویل آن کیسان باشد و خوابی در شب بیند و تاویل  
شش ماه باشد و وقتی باشد که خوابی بیند که بیست سال درست شود و باشد که تا چهل سال بکشد چنانچه  
المؤمنین حسین رضی الله عنه و آن چنان بود که رسول صلی الله علیه و سلم خواب دید که سبکی خون و می  
بعد از چهل سال در شبی آن خواب پدید آمد که او را تشهید کردند جابر مغربی رحمه الله علیه کوید که تاویل خواب  
از خواب روز باشد و خوابی که اول شب بیند درست نباشد اکثر اکثر از کثرت اندیشه و اشتغال و خوابی که در نیم شب  
از فتم ضغاث و احلام بود پس درست تر خواب سحرگاه بود زیرا که خواب سحرگاه فرشته مقرب از لوح محفوظ  
بنماید ازین سبب تاویلش درست و راست بود این سیرین رحمه الله علیه کوید خوابیکه در اول شب بیند تاویلش  
بر پنج سال پید شود و اگر میان شب بیند تاویلش بر پنجاه پید شود و اگر در سحرگاه بیند تاویلش تا ده روز  
شود علی الجملة هر چند که شب بر روز نزدیک تر بود خواب درست تر و نزدیک تر بود تاویل آن فصل هشتم در تفسیر  
زجر تا بر معبر است آید و انبیا علیه السلام کوید هر که خوابد که تعبیر خواب کند ناچار است از آنکه علم زجر کوید  
استادان قدیم را و دنیکن بدانند چنانکه اگر کسی از وی تعبیر خواب پرسد باید که معبر نام سائل پرسد اگر نامش نیک  
باشد دلیل بر نیک کند چنانکه محمد و احمد و حسین و فضل و سنبیل و بشیر و حبیب و محبوب و آنچه بدین مانند در کتاب  
را دالات بر خیر و فرج بود و بر آنکس که رسیده اگر نام بخلاف این بود دلیل کند بر شر و اندوه که بر و رسد و چون سائل از  
تعبیر خواب پرسد معبر در آن زمان پیش اسپ یا استر یا خر بیند بدانند که خوابش پسندیده و نیک باشد و نیز بیند  
خواب سفر کند خاصه که اسپ و استر یا زین و لکام بیند قوله تعالى وَالْجَنَّةُ وَالْجَنَّةُ وَالْجَنَّةُ لَتَرْكَبُنَهَا  
بِزِينَةٍ و اگر سائل از وی تعبیر خواب پرسد و از زمان کلاغ سله بار بانگ کند دلیل بر خیر و نیک کند و اگر کلاغ دو بار  
بانگ کند دلیل بر بدی بود که بوی برسد جابر مغربی رحمه الله علیه کوید شخصی خوابی می پرسید از عبد الله بن عباس  
رضی الله عنه در آن حال کلاغی بیاید و بر دیوار خانه نشست و دو بار بانگ کرد و عبد الله بن عباس گفت دلیل آن  
بتورسد هم در آن شب دزدی بخانه وی رفت و سوراخی کرد و هر چه داشت ببرد عبد الله گفت که من بایاران گفتم  
که اگر کسی تعبیر خواب پرسد و کلاغ دو بار بانگ کند دلیل بر مصرت و زبان بود و اگر چهار بار بانگ کند دلیل بر خیر  
و نیکوئی و اگر پنج بار کند و اگر شش بار بانگ کند نیک باشد این سیرین رحمه الله علیه کوید که بانگ کلاغ

طاق باشد دلیل بر خیر باشد و چون جنت باشد دلیل بر تباهی بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر مردی بخندد  
 به نیت آنکه خوابی به بیند و از آن خواب احوال نیک و بد باز داند اگر در خواب گویند یا بگوید یا گاه یا اسپ و مانند  
 این باشد که گوشت وی چیزی خوردند دلیل بر تباهی کار او باشد اگر ببیند در بسته از بر او کشادند و با حلا می شیرین  
 یافت و خورد دلیل بر نیک کنه فصل نهم در خوابیکه فراموش کرده باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید چون کسی  
 از خواب بیدار دیده باشد فراموش کند و معبر خواب دهد که خواب او بد اند طریق آنست که نامش برسد و حرفهای نامش  
 بی دستار و بحساب بگذرد نه از وی بیدار و نگاه کند که چند مانده است مثلا اگر نه مانده باشد شهر را خواب بدنامش  
 لایشان بر فساد کند قوله تعالى وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ شَجَةٌ رَهْطٌ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَكَانَ  
 أَبُو ذَرٍّ الْأَرْبَشْتُ مَانِدَةً بِاشْتِغَالِهِ بِتَرْجُومَةٍ وَبِهِ بِاشْتِغَالِهِ بِتَرْجُومَةٍ وَبِهِ بِاشْتِغَالِهِ بِتَرْجُومَةٍ  
 و اگر بهفت مانده باشد دیوان یا سکان دیده باشد قوله تعالى يَقُولُونَ سُبْحَةَ وَثَامِنَهُمْ كَلْبَهُمْ  
 و اگر شش مانده باشد و خداوند خواب دستور باشد دلیل کند که فرشتگان و اهل صلاح را خواب دیده باشد تاویش  
 تمامی شغال می باشد و اگر خداوند خواب مغسود بود دلیل کند که دیوان و اهل فساد خواب دیده باشد دلیل بر تباهی حال  
 او کند قوله تعالى خَلَقَ السَّمَوَاتِ بَعْدَ عَمَلٍ تَرَوْهَا ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ و اگر پنج مانده باشد بیان  
 و سلاجه خواب دیده باشد و اگر چهار مانده باشد آسمان و ستارگان خواب دیده باشد فی رُبْعَةٍ آيَاتٍ سَوَاءٌ  
 لِّلشَّاقِطِينَ و اگر سه مانده باشد دلیل که با کسی کاری گفته باشد مایکون مِنْ جُحَى ثَلَاثَةَ الْهُوَ  
 و دیگر گفت ثَلَاثَةُ آيَاتٍ إِلَّا أَكْرَدَ مَانِدَةً بِاشْتِغَالِهِ بِتَرْجُومَةٍ وَبِهِ بِاشْتِغَالِهِ بِتَرْجُومَةٍ وَبِهِ بِاشْتِغَالِهِ بِتَرْجُومَةٍ  
 فِي الْفَارِادِ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ تَاوِيشَ آنست که آنچه میترسد باین کرد و این سیرین رحمة الله علیه گوید چون  
 کسی خوابی دیده باشد فراموش کرده بود و معبر خواب دهد که خواب بد اند خداوند خواب را گوید دست بر عضوی نه از اعضا  
 خویش اگر بر سر بند که در خواب دیده باشد و اگر چشم نه چشم آب شود دیده باشد و اگر بر بینی نهد دهن کوه دیده باشد  
 و اگر بر خنجر نهد مرغزار دیده باشد و اگر بر دامن نهد چشمه آب خوش دیده باشد و اگر بر گوش نهد شکار و مخاکا دیده  
 باشد و اگر بر ریش نهد کیاها در خواب دیده باشد و اگر بر شکم نهد رودخانه در خواب دیده باشد و اگر بر عورت نهد  
 خرابات در خواب دیده باشد و اگر بر دوش نهد کوشک و منظر دیده باشد و اگر بر بازو نهد درخت سیوه دیده باشد  
 و اگر بر گشتان نهد شاخهای خور و درخت دیده باشد و اگر بر مقعد نهد مبله دیده باشد و اگر از نو نهد کربوه دیده باشد  
 اگر بر ساق نهد درخت بی بر دیده باشد و آنیال علیه السلام گوید که چون کسی خواب ببیند فراموش کند از چهار چیز بود  
 باشد یکی از بسیاری گناه دوم از کردار مختلف سوم از ضعف نیت چهارم مختلف طبع که چون از حال بگردد و لا جرم خوابها  
 فراموش کند فصل دهم در گذاردن خواب بقول جابران کرمانی رحمه الله علیه گوید اهل علم و حکمت جایز ندانند که

کسی خواب پیش جابل گوید یا تعبیر آن از جابل پرسد و اینکه گویند اگر کسی خوابی دیده از نادانی پرسید و او تعبیر کرد و آنچه  
 مبر گفته باشد واقع شود و این محالست زیرا که نمایند خواب فرشته است و هرگز خطا ندهد و آنچه که بد حق باشد حق  
 بقول نادان باطل گردد و میان عالم و جابل فرق بسیار است **قوله تعالى قل هل يستوي الذين يعلمون والذين لا يعلمون** و رسول صلی الله و سلم فرمود که **لا يستوي العالم و الجاهل** و چون نمودار خواب فرشته  
 است که از لوح محفوظ گفته باشد و اگر بیند که خبر خواب رسیده یا نشود هر که عالم و جابل خواهند که آنرا بگردانند و آنچه رسیده  
 بود برسد مگر قضای معلنی بود که بدعا و صدقه دفع شود چون ملک ریان خواب بدید چنانکه حق تعالی فرمود **قل**  
**الضغاث احلام و ما تحن بئنا و بئالاحلام بعالمین** قوم خویش را بخواند و این خواب پرسید و گفت  
 تعالی یا آیتها الملائه افقونی فی رؤیای ان کنتم للرویا تعبرون یعنی ای بزرگواران قومی که  
 مرادین خواب قوم او گفتند یا تعبیر این خواب بنمیدانیم پس یوسف علیه السلام تعبیر کرد و حدیث هفت ساله قضا بگفت  
 بدین عجب دانستیم که هر چند جابلان تعبیر خواب کنند حق باطل نگردد و فصل یازدهم در معرفت خوابها از حال باوقات  
 و اصناف و هیئات این سیرین رحمه الله علیه که بد خواب باوقات کرد و چنانکه اگر کسی شب خواب بیند که بر سیلی  
 نشسته است دلیل که بزرگی کند و شغلی که او را باشد اندر آن منفعت اندک بود و اگر این خواب بروز بیند دلیل که بزرگی  
 طلاق دهد و اگر شب بیند که مرغ سگ را بگرفت دلیل که او را بامردی ابد کار افتد و اگر بروز بیند بیمار گردد و خضر صا  
 رضی الله عنه که بد که خواب از اهل نکر و بقدر دین و صنعت و حرفت و کسب کردن چنانکه تاویل همان خواب بر یکدیگر  
 عذاب بود **قوله تعالی غلت ایدیهم و لغوا بیما قالوا** چون این خواب مردی صالح بیند دلیل که دست از کارها  
 و کارهای ناسزا بردارد و چنانکه محمد بن عبد الغفری روایت کند با سناد درست از عبد الرحمن سلمی که پیغمبر صلی الله علیه و سلم  
 میان ابو بکر صدیق و سلمان پارسى رضی الله عنهما برادر می کرده و او و سلمان خوابی دید مرابو بکر گفت و سبب آنرا  
 از وی دور شد و ابو بکر رضی الله عنه گفت که دست از سر تو کوتاه شده تا بقیامت سلمان رضی الله عنه ازین خواب بد  
 عالم را صلی الله علیه و سلم خبر داد و تاویل همان فرمود که ابو بکر رضی الله عنه گفته بود و ابو سلمه رضی الله عنه روایت کرد  
 از عطاء بن خباب که محمد بن سیرین رحمه الله علیه که بد که تاویل خواب کسیکه بر منبر بود و چنین کرد که اگر از اهل صلاح است خبر  
 و بزرگی یابد و اگر از اهل فساد است برادرش کنند و در حدیث آمده است که احمد بن سعد روایت کرد از ابو عبید  
 که زنی از محمد صلی الله علیه و سلم پرسید خواب دیدم که ستون سقف خانه من بر من شکسته بود گفت که شوهرت از سفر  
 باز آید بار دیگر همین خواب دید پیش ابو بکر رضی الله عنه رفت و از او پرسید گفت شوهرت بیهوش خواب بر روی می بود  
 اما تا ویش از اختلاف وقت بکشت و ابو حاتم روایت کند از اصمعی که اشعری پرسید که خواب دیدم که گندم بجز  
 فرو ختمی گفت شعر بقرآن بدل کنی و گندم جواز اهل بگردانید از گشتن حال مرد و اگر کسی همین خواب بیند باشد که حساب

سمعی حدیث کرد و کرمانی رحمه الله علیه گوید هر خواب که در فصل بهار بیند امیدوار باشد و نیکو اما در حکم تاویش  
 تاخیر بود و خوابیکه در فصل تابستان بیند حکم تاویش زودتر و قوی تر باشد و هر خواب که در فصل خزان بیند  
 تاویش درست نیاید و بر دست استی این سخن دلیل آنست که مردی از ابو بکر صدیق رضی الله عنه پرسید که خواب  
 که شنیده از زوی بمن داده اند ابو بکر گفت بخت و چوب بر تو زنند در آن هفته بخت و چوب بروی بزود پس همین سال بکر  
 از خواب دید همان هفته و بکر از ابو بکر صدیق رضی الله عنه پرسید گفت هفته و هزار درم بتو دهند گفت یا امیر المؤمنین  
 می و سه سال همین خواب دیدم تا ویل آن هفته و چوب بود اما سال هفته و هزار درم مرا گفتی از فصل این خبر کن گفت پارسا فصل  
 ل این سال دیده بودی در آنوقت در خزان همه خشک می شدند و بکر میسخت تا ویل آن آن بود و اما سال بهار است و  
 در آن زمان روی باقبال دارند تا ویش اینست آنروز هفته و هزار درم یافت و آنسال علیه السلام که یکده چون کسی در اقبال خواب  
 پرسید ای من از باد تا نمرود حکم تا ویش بر اقبال و نیکوئی باشد و بعد از زوال تا شبگاه دلیل بر شر و فساد بود و تعبیر آن  
 خواب بر روز و برف و باران و بوقت آمدن و فرو شدن آفتاب نشاید پرسید جای مغربی رحمه الله علیه گوید درست  
 ترین خوابها آنست که بوقت سحر تا آفتاب برآید بیند یا استوار آفتاب خواب نیکو و درست و راست باشد و تا ویش  
 و شکفتن درختان و رسیدن سیو یا خوابهای عظیم نیکو بود و تا ویل آن درست آید و خوابیکه روز رستان بیند حکم تاویش  
 ضعیف باشد که روز رستان باد و باران دارد و در بهار جهان خوش و خرم است فصل و واز و موسم  
 در معرفت شرایط آواب با اهل خواب و انبیال علیه السلام گوید مجرب باید که دانا و پارسا باشد و ساکت و عظیم و از خصایص  
 و دور باشد و بوقت آنکه از وی تعبیر پرسند حاضر و بیدار بود و خواب از سایل با حقیقت تمام بشنود و بداند که سایل با حقیقت  
 یا رعیت کتر است یا ماهر عالمست یا جاهل از او است یا بنده غریب است یا شهری توانگر است یا درویش مردا  
 یا زن فارغ دست یا مشغول در تابستان دیده است آن خواب یا در رستان چون اینها جمله بدانند هر یکی را باقی  
 عقل چنانکه استادان این علم گفته اند تا ویل کند و از خود نگوید این سیرن رحمه الله علیه گوید با وجود آنکه درین علم با هم چنانکه  
 بود با اینهمه فضل خوابهای که تعبیر آن ندانستی گفتی و ابو حاتم روایت میکند از اسمعی از ابوالمقدم که این سیرن از سایل  
 که پرسیدندی یکت خواب گفتی و باقی را تعبیر گفتی پس معجب باید که اول سخن بیند خواب نیکو بشنود و آنرا تعبیر نکند بداند و در  
 تاویل کند و اگر سخن درست باشد و معنی آن صحیح باشد چنانکه احتمال تاویل کند آنگاه تعبیر کند و اگر سخنی در میان سخن باشد  
 آن جزو از وی جدا بکند و بر اصل تاویل کند و اگر همه سخن مختلف باشد هیچ بیکه نماند اضعاف و احلام است و تاویل  
 آن بخت و اگر تاویل آن پوشیده بروی از آن مخفی پرسد از سایل که تنگ و دست یا خوشدل و آنچه از او بشنود بنا بر تعبیر  
 خواب بر آن نهند و اگر نتواند گفتن و معبر آن خواب نتواند دانستن بنام تعبیر کند یا بطبع عبارت و کفایت و روشنی و نیکوئی  
 و دروغ و راست و اگر تاویل خوابش بر چیزی بد بود نگوید و بروی پوشیده دارد و کرمانی رحمه الله علیه گوید هر فصل خواب است

چیز است یکی جنبش دوم صفت سوم طبع و جنبش پن دختان و مرغان بود این همه در تامل مراد باشد و صفت ششم  
 که معبر بدانند که درخت کدام است و این مرغ از چه جنبش است و از چه صفت است و اگر درخت کردگان بقیاس براند  
 که مروی عجمی است زیرا که در عرب درخت کردگان نباشد و اگر مرغ طاوس باشد عجمی بود و اگر شتر مرغ باشد مروی عربی  
 بود و طبع آنست که بدانند طبع آن درخت از چه نوع است پس تاویل بر نوع آن درخت کنند اگر درخت کردگان بود مروی توکم  
 بود ولیکن بد معاطله و تحلیل و تنبیح بود زیرا که چون کردگان بجنبانی بانک کنند و تانگنکی مغزش بیرون نیاید و اگر درخت  
 خرمای باشد کاری اعتبار کنند که آسان باشد کشفه طیبیه اصلها ثابت و فرعها فی السماء و شجره طیبیه  
 درخت خرمای بود و اگر مرغی باشد که بی پروا بداند که این مرد سفر کند پس طبع مرغ نیز باید دانستن که اگر کلاغ باشد مروی  
 بد عهد بود و نیز بینه خواب باید که مردی راست و بادبانت باشد و هیچ سخن در آنچه دیده باشد زیادت و نقصان  
 نکند زیرا که همه خواب را بر زبان آورد و اگر کسی خوابی ببیند و از آن برسد باید که سله بار آیت الکسی بخواند و باد بر خوشنیت  
 و بگوید اَعُوذُ بِرَبِّ مُوسَىٰ وَآلِ هَارُونَ الَّذِي وَمِنْ شَرِّ الزُّفَا الَّذِي رَأَيْتُهَا مِنْ مَنَاهِي أَنْ تَضُرَّنِي  
 فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَمَعِيشَتِي عَزَّ جَارُكَ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ پس از آن دور کند  
 ناز بخواند و صدقه دهد شتران بخورد و مرغی رحمة الله علیه گوید ابلیس علیه اللغه در همه خوابها اعتراض کند و همه چیز را  
 مانند مکر بخدای عزوجل و فرشته مکان و پیغمبران و آسمان و آفتاب و ماه تاب و ستارگان خود را بداند تشبیها مانند  
 نتواند کردن و اگر ویرا قوت آن بودی که خود را مانند اینچیز یا نمودی میان غلابی فتنه بگفتندی که گاهی خود را بصورت  
 پیغمبران نمودی و گفتی که من از تو خوشنودم هر چه خواهی میکنم باو بگری میکنی که من آفریدگار تو ام کنایان ترا عفو کردم  
 و ترا آمرزیدم و چیز گفتی که بندگان خدا بتعالی عزوجل را که کردی جعفر صادق رضی الله عنه گوید هرگاه که ابلیس علیه  
 اللغه قصد کند که خود را بصورت مصطفی علیه السلام نماید از آسمان آشتی فرو و آید و از بسوزاند و صعبترین کار را بر ابلیس  
 علیه اللغه آن باشد که دل مؤمن روشن بود حق تعالی عزوجل را بداند و خوابهای او راست باشد فضل سیر و هم  
 در آداب نگاه داشتن بپایل و مبر که مانی رحمة الله علیه گوید بگناه داشتن مبر آن بود که آهستگی و هوشیاری سر نایه خود را  
 بوقت سؤال تا خواب نیکو بشنود و در یاد و بر دین و مذہب و اعتقاد او واقف گردد و تا بداند که سخن او راست است  
 که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود اَصْدَقُكُمْ رُؤْيَا اَصْدَقُكُمْ حَدِيثًا هر که راست گوید تراست خواب  
 او راست تر گوید و جعفر صادق رضی الله عنه گوید و احببت بر مرد عاقل که با طهارت خند و بهنگام خفتن خدای  
 تعالی را یاد کند و این دعا وقت خفتن بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ نَفْسَیْ اِلَیْکَ وَوَجْهَکَ وَجْهَیْ  
 اِلَیْکَ وَوَضَعْتُ اِلَیْکَ وَالحَادِثُ ظَهَرَ لِي اِلَیْکَ لَا مَلْجَاَ مِنْکَ اِلَّا اِلَیْکَ تَبَارَکَتْ وَتَبْنَا  
 وَتَعَالَيْتَ اَنْتَ الْغَنِيُّ وَنَحْنُ الْفُقَرَاءُ اَسْتَغْفِرُکَ وَاتُوبُ اِلَیْکَ اَللّٰهُمَّ اِنَّا لَوُیَا صَادِقَةً

غَارِيَّةٌ خَيْرٌ فَاسِدَةٍ خَيْرٌ نَجْوِيَّةٍ رَافِعَةٍ غَيْرِ رَاضِيَةٍ وَچون بجنبه بروست راست بجنبه  
 وچون بیدار شود همچنین حق سبحانه و تعالی را یاد کند اگر خواب نیک دیده باشد شکر کند و صدقه دهد و اگر خواب شوریده  
 دیده باشد عوذ بالله من الشیطان الرجیم گوید و قل هو الله احد تمام بخواند و با بر سوی دست چپ خویش و بر و بگوید  
 یا رب تودائی و من نافعکم اگر خیر است خیر این خواب بمن رسان و اگر شر است شر این خواب از من و از جمله مسلمانان  
 و در و از یا مجتنب دعوت المضطربین یا الله العالمین و یا ارحم الراحمین و بوقت خفتن و برخواستن  
 و ابتداء کار یک کند این دعا بخواند بسم الله الرحمن الرحیم یا الله الذی لا یضو مع اسمیه شیئی فی الارض  
 و لا فی السماء و هو السميع العليم و با دعا چون از نماز فارغ شود و در خویش از قرآن و دعوات بخواند آنگاه بخیر  
 و نزد یک معبر رود باید که وقتی نیک باشد و چون خواب گوید زیادت و نقصان نکوید این سیرین رحمة الله علیه گوید شرط  
 معبر نیست که چون خواب شود با طهارت باشد و اگر کسی دشمن یا باشد از بهر دشمنی خلاف نکوید و شر شخصی که بداند با دیگران  
 نکوید مغربی رحمة الله علیه گوید هر که خوابی بنماید که زیادت و نقصان نکوید و از دروغ احتراز کند که در خبر است که خواب  
 راست و حقیقی باشد از حق سبحانه و تعالی و هر که وحی کم و بیش کند دروغ بر حق سبحانه و تعالی بسته باشد و خواب مانعی  
 است میان خدا و تعالی و بنده و رسول صلی الله علیه و سلم فرمود هر که بر من که رسولم دروغ میگوید بر نسبت فساد میکند و اگر  
 تباهی بر خود میدید پس هر که خواب دروغ اقرار میکند بقول رسول الله صلی الله علیه و سلم عافی میشود و این دلیل است  
 بر تعظیم و بزرگی خواب و شرط ادب نگا داشتن بر معبر و سایل و هفت فصل چهارم در معرفت آنکه تعبیر چند  
 نوع باشد این سیرین رحمة الله علیه گوید معبر باید که نخستین نام و مقدار و مرتبت و مذهب و سیرت و عقل و فهم سایل معلوم  
 کند و وقت دیدن خواب که در روز و در شب معلوم کند و نگاه کند که سایل در وقت سوال چه حرکت میکند و خواب  
 بر چه نیت میکند و فصل نام پاری و روز ماه تازی بداند آنگاه آنچه بصواب نزدیکتر باشد تاویل کند و انیال اگر چه چون  
 کسی از معبر خواب پرسد اگر نام وی یا نام پدر وی از نامهای پیغمبران بود از راه زجر خالی لیل کند بر خیر و بشارت و خورمی  
 و اگر نام وی نامی بد باشد دلیل بر شر و فساد کند و انیال علیه السلام گوید خواب در اول روز کشنده نیکو بود که خلق با فساد  
 در اول روز و مشقه تعلق بجاه دارد و نیکو باشد و در اول روز مشقه تعلق بر ریخ دارد و پرسیدن خواب نشاید و در اول روز چهارشنبه  
 تعلق ببطا رود و در قوم بود و اصحاب السعادت شادند هم نشاید پرسیدن و در روز پنجشنبه مشترک باشد اول روز خواب  
 دلیل بر سعادت و عشرت بود و در اول روز آینه زهره را بود و دلیل بر طرب و نشاط و خوشی و عیش و جمیعت خاطر باشد  
 مغربی رحمة الله علیه گوید معبر باید که او را تجربه بسیار می باشد و در کردن خواب چنانکه طلبیب را تجربه به بیمار و محالبت او  
 حکایت امیر المؤمنین حمید بن عثمان بنی بخواب دید که روی او سیاه گشته بود چون بیدار شد ترسید و معبر از جمیع کرده خواب  
 گفت و تاویل معبران در ماند و تاویل آن مذللند ابراهیم کرمانی رحمة الله علیه که بسا و معبران بود حاضر آوردند خواب

خلیفه بنی لغت ترا و ختری آید معبران گفتند ترا دلیل برین چیست گفت **وَإِذْ ابْتِغَىٰ أَحَدُهُم بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهَهُ**  
**مُؤْنَةً** و هو کظمه پس امیر المؤمنین هزار درم بکرمانی دادیم در آن روز او را و ختری آمده هزار درم دیگر بابرهم کمانی  
 تحت حکایت مردی بجا بید که او را خصمی گردانید بنزد یک معبر آمد و پرسید که روی گفتند این مرد و دو بید و دیگری  
 گفت از فرزندان جدا گرد و دیگری گفت حدّه او نقصان کند و دیگری گفت نسل او بریده شود و دیگری گفت زن او طلاق  
 و بد پس روزگاری بر نیاید که زن او را طلاق داد و فرزندان بر گرفت و غم سفر کرد و در دیار گشتی نشست با جمعی مخالف  
 برخواست و لشتری غرق شد و در میان دریا ماهی ذکر و خصمیت او بخورد و مال فرزندان او جمله بلات شدند و بعضی خواب  
 چنان آمد که معبران گفته بودند که آن رحمت الله علیه گوید باید که معبر در کوستانها تعقیب خواب کند و سایل در وقت سأل است  
 گوید که در زندان یوسف علیه السلام گفت **قُضِيَ الْأَمْرُ الَّذِي فِيهِ كُنتُمْ تَنَاجَوْنَ** هر دو فال که پرسیدند راست آمد  
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از چهار کرده خواب پرسیدن روان باشد یکی از بیدستان دوم از زمان سوّم از جا بلان  
 چهارم از دشمنان **فصل** نایز و هم در دانشن سایل که تعبیر آن مقلوب باشد بدانکه بسیار سایل بود که از سایل پرسید  
 که تعبیر آن مقلوب بود چنانکه ما بعضی از آن درین فصل بیان کنیم تا بر معلّم پوشیده نماند این سیرین رحمت الله علیه گوید که طالع  
 در خواب دیدن کارزار باشد و بیداری و کریمت در خواب شنای بود و بیداری و حجامت کردن در خواب قبالة دشمن  
 بود و در و دندان محوئی دیدن خود را دلیل کند که در گوش کنند و در خواب خود را و گردن و بدن و دل کند که در زندان کنند  
 به بیداری و در خواب خانه خراب شدن و ختران دادن بود و ختران دادن در خواب کشتن بود و تله کشا و کفر خوف که نام  
**حیث** که آن ششم نیک در خواب که پاسبان تنیدن بود و کر پاسبان تنیدن در خواب نیک کردن بود و انجیر خوردن پاسبان  
 خوردن بود و سایل بجای آمدن دشمنی بود و بیداری و آمدن همه چیز که نواز نیک باشد که نواز باشد و هر چیز که  
 در خواب کس آن بد باشد نواز نیک باشد چنانکه موزه نواز اگر کسی بی سلاح پوشد بد بود و غم و اندوه باشد و اگر کسی با  
 سلاح موزه کشته پوشیده بود در خواب و در بیداری خرمی و شادی بود و اگر در خواب غلامی خرید بد باشد و اگر میفرود  
 نیک باشد و اگر کثیر یک میخرب نیک باشد و اگر میفرودخت بد باشد ازین قسم معکوسات بسیار است اگر جمله را با کنیم  
 کتاب دراز کرد لیکن شرح هر یکی در موضع خویش بگوئیم انشاء الله تعالی **فصل** شانه و هم در دیدن خدا تعالی  
 و مشتگان و پیغمبران علیهم السلام میگوید مصنف این کتاب رحمت الله علیه که استاد این ضعیف بود تا وایل دیدن  
 خداوند تبارک و تعالی و مشتگان و پیغمبران در اول کتاب یاد کرده اند بنا برین مقدمه ماینر صواب چنان دیدیم  
 که در اول کتاب باو کثیر باطل کتابها و خوابهای دیگر برنشق حروف مجسم بترتیب چنانکه در دیباچه فکر کردیم باز نامیم تا استخراج  
 آن برخوانند و موزنده آسان کرد و تا وایل و بدن خداوند تبارک و تعالی و انبیا علیهم السلام کوید هر بنده مؤمن که خدا  
 تعالی غرض جل با در خواب بیند چون و چگونه چنانکه در اخبار آمده است دلیل کند که او را دیدار خویش روزی کرداند و

و حاجت های او را کند و اگر چنان بود که ایستاده بود و خدای عزوجل او را میدید دلیل بر صلاح کار و سلامتی نفس باشد  
و بغیرت مخصوص کرده و اگر گناهکار بود تو به گناهایش برین رحمت الله علیه کوید اگر بیند که حق سبحانه و تعالی بادی را که  
دلیل کند که آنکس نزدیک حق سبحانه و تعالی گرامی کرد و قوله تعالی وَفَقَّيْنَاكَ يَحْيَا اَكْرَمِيكَ که از پس حجاب بادی سخت  
دلیل که او را در بین خلق یا خطائی باشد قوله تعالی وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ اَنْ يُكَلِّمَهُ اللهُ اِلَّا وَحْيًا اَوْ مِنْ وَرَاءِ  
حِجَابٍ و اگر بیند که او را مقرب و عزیز و گرامی گردانید و بادی حساب کرد و او را بسیار زیاده دلیل کند که او را بسیار مزد و آقا  
در دنیا بادی گرامی و اگر بیند که خداوند عزوجل او را پند میدهد دلیل کند که رضای خدای عزوجل در آن نبود و لقوله  
يُعْطِيكَ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ اگر بیند که حق تعالی او را مژده داد و برینکی دلالت کند بر خوشنودی خدای تعالی و اگر بیند  
که او را بیم کرد و دلیل کند بر غضب خدای عزوجل اگر بیند که خداوند تبارک و تعالی ایستاده بود و سر در پیش آنکنده دلیل  
که غم و اندوه رسد قوله تعالی وَلَوْ تَرَى اِذِ الْخُرُوجُونَ فَاَكْسَوْا وُجُوهَهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ كَرَاهِي وَخِشْيَةً عَلَيْهِمْ  
که اگر بیند که خدای تعالی او را چیزی داد و دلیل کند که در دنیا بلا و محنت بروی گمارد و اگر بیند که بنظر لطف در وی بدید  
دلیل کند که بهشت و لقای خود او را روزی کند و اگر بیند که او را از متاع دنیا چیزی داد و دلیل که بیماری سخت کند و از آن  
اجر و ثواب یا بد بعضی از معبران گفته اند که مستوجب عقوبت کرد اگر خدای عزوجل بیند اگر کسی او را کوید که این خدا  
عزوجل است دلیل که او را بیائنهایی حاجت افتد و اگر بیند که خدای عزوجل بر زمین فرو آمد یا در موضعی دلیل کند که اهل  
آنموضع مظلوم باشند و حق تعالی اهل آنموضع انصرت دهد و اگر در آنموضع خطا و تنگی بود و فراخی مبدل گردد و اگر  
اهل آنموضع گناهکار و حامی باشند حق سبحانه و تعالی ایشان را توبه دهد و اگر بیند که حق سبحانه و تعالی در خانه فرد  
می آید و بطرف دستی بر سر وی مالید یا او را خلعتی پوشانید یا برگرفت یا بر بخانید این همه کرم حق سبحانه و تعالی  
امادر دنیا برنج و بیماری بکشد و اگر خدای تعالی را بر مثال نوری بیند چنانکه وصف آن تواند کرد و آنرا دلیل عیش  
و اندوه کند و اگر بیند که خدای تعالی او را نامی دیگر نهاد و دلیل که شرف و بزرگی کند و اگر بیند که بروی چشم گرفت  
دلیل که زهد و پارسائی یابد و اگر بیند که خدای تعالی او را نزدیکی خود خواند و دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد  
مغربی رحمت الله علیه کوید اگر کسی خدا را عزوجل در شهری یا در دهی بیند دلیل کند که آنموضع آنانکه مصلح اند و  
شرف و مرتبت یابند و دست ظلم از آنموضع دور شود و قوله تعالی اللهُ يُخَيِّمُ عَلَيْكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ  
تَخْلَفُونَ و اگر بیند که خدای عزوجل بر اهل آنموضع خشم گرفت و دلیل کند که قاضی انشهر میل بدست کند یا امیر  
انشهر یا رحمت ظلم کند یا عام انشهر بدین باشند و اگر اینجا بدزدی بیند دلیل کند که دست و پای وی بر  
و در انشهر فتنه و بلا افتد و قتل واقع گردد و قوله تعالی وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً  
حَتَّىٰ اِذَا جَاءَ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفِرُّونَ عباد بن عباس رضی الله عنهما



اگر کسی خدای عزوجل را بچون و بچگون در خواب بیند از ترس و بیم این کرد و اگر کافر باشد مسلمان شود و اگر مسلمان  
بود در آخرت ویدار حق تعالی بید و بید که تعالی للذین احسنوا الحسنی و زیاده مفسران تفسیر و تفسیر حق  
سجانه و تعالی گفته اند که اگر او را بصورتی بیند که مثل انصورت ندیده باشد دلیل کند بر فضل کرم خداوند تعالی و اگر  
بر صورت مردی بیند دلیل کند که آن مرد و قاهر و نامدار کرد و اگر خداوند تبارک و تعالی را در نماز و تسبیح بیند دلیل کند  
بر رحمت و آمرزش آنکس که دیده باشد و اگر خدای تعالی را غازیان در غزا بیند دلیل کند که آن غازیان از انصرت باشد  
و اگر خدا تعالی را بر سر تربت مردگان بیند دلیل کند که آن مردگان از بیا مرز و و اگر بید که خدای عزوجل را دشنام  
میداد و دلیل کند که آنکس کافر کرد و اگر بید که خدای تعالی بر تختی نشسته بود و یا خفته این همه صفات نامست  
و دلیل کند که بیننده این خواب بدین و عاصی بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید تا وید ویدین خدای تعالی بر تخت  
وجه بود اول عفو و مغفرت دوم ایمنی از بلا و محنت سوم نوز و هدایت و قوت در دین چهارم تطهیر ارباب ظلم و عیب  
ایمنی از بلا و عقوبت و عذاب آخرت ششم دران دیار آسانی و عدل پادشاه به قهر و شرف و بلندی و در دنیا و  
آخرت چون بر رحمت نظر کند و اگر لغو باشد منما بنظر قهر نگاه کند بر خلاف آن باشد و اگر قاضی بیند که خداوند تعالی  
عزوجل را وی با خشم بود دلیل کند که از شرع تجاوز کند و او مظلوم ندیده و اگر پادشاه بود دلیل بر سبیل کند و اگر عالم بود  
در دین و اعتقاد و خلل بود فی الجمله اگر بنظر رحمت و غفران بود و هر گاه بنظر قهر بیند رحمت و عذاب بود و رحمت  
با آنست که گوئیم خدای عزوجل موجود است ویدین او را از راه عقل باشد پس باید که خواب دیدن خدای تعالی عزوجل  
منکر نباشد ابو حاتم از محمد بن سیرین شنید که گفت از خوابها هیچ درست تر از آن نباشد که حق تعالی غاسمه را بخواب  
بچون و بچگونه نه و نه الهامایک تا وید ویدین و شکان دلیل کند بر پادشاه کامکار با دین و دیانت و با عالمی پر  
کار و برتر کترین طایفه چهارم از جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل علیهم السلام این سیرین رحمة الله علیه گوید  
که اگر کسی جبرئیل علیه السلام را در خواب بیند خوش طبع و گشاده روی دلیل کند بر روشن ظنر باید و میرا در رسد و اگر جبرئیل  
این بیند دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بخواب بیند که او را جبرئیل مرده داد و او عده و نیکو یا از کار می باز داشت و دولت  
و عزت و جمعیت یا بدو اگر بیند که جبرئیل را چیزی داد و دلیل کند که از پادشاه قدر یا بد بعضی از سیران گفته اند که اگر جبرئیل  
بوی چیزی داد و دلیل بر ترس و بیم عظیم بود که بوی رسد و اگر در خواب بیند که مردم بدو گویند که تو جبرئیلی و دلیل کند که آن  
فصح کرد و مراد بیا بد و با امانت و دیانت مشهور کرد و اگر کسی میکائیل علیه السلام در خواب بیند چنانکه صورت  
اوست دلیل کند بر خیر و بشارت بدو رسد زیرا که جبرئیل آنده عذاب و میکائیل آنده بشارت و خیر و نعمت است  
بن سیرین رحمة الله علیه گوید که اگر در خواب بیند که میکائیل را عطا داد و دلیل کند خیر و بزرگی یا بدو اگر بخواب بیند  
که گویند تو میکائیلی دلیل کند از وی خیر و بشارت بدو رسد و پیش مردم قدر و منزلت یابد ویدین اسرافیل را

ویدین اسرافیل را

ابن سیرین رحمه الله علیه که دید که اسرافیل با پنجاب دیدن چنانکه صورت اوست دلیل بر قوت و بزرگی و جاه و مال و علو نش  
 بود و در دیار که او را بنیاد دلیل بر اینی و آبادانی آن دیار بود و اگر بیند که صور در دست داشت و میدید دلیل بر بلا و فتنه کند  
 زیرا که او را امر خدای تعالی بدیدن صور است و هر جا که دیدن صور پیدا شود سبب تشویش و فتنه و بلا باشد قوله تعالی  
 وَفُتِحَ فِي الصُّورِ فَصَبَقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَكَرِهَ اسرافیل علیه السلام صور در دست  
 داشت و میدید دلیل که در آن شهر فتنه و بلا و بیم و ترس افتد و اگر بیند که اسرافیل در خانه او آمد و او خفته بود و زود بیدار  
 شود و دلیل که پادشاه آن شهر بروی چشم گیر و کرمانی رحمه الله علیه که بدید که اسرافیل با پنجاب بیند که اندوکیدن بود و صور میدید  
 و او بختنا آه از صور می شنید دلیل که در آن دیار و زمین مرگ بسیار بود و ظالمان طاک شوند و اگر بیند که اسرافیل تازه روی بوی  
 و شادمان در روی نگاه میکرد دلیل که او را از پادشاه خیر و اینی رسد و اگر بیند که اسرافیل بر نامه مهر کرد و بدید و او دلیل که جلش  
 نزدیک باشد و اگر بیند که اسرافیل بروی بانگ زد و ناپدید شد دلیل که او را از پادشاه زیان رسد و بدین خرافات را  
 ابن سیرین رحمه الله علیه که بدید که اگر کسی ملک الموت را بر آسمان بیند و خود را بر زمین دلیل در کاریکه بود مغرور شود و اگر ملک الموت  
 را نزدیک خود بیند دلیل که جلش نزدیک رسیده باشد و اگر ملک الموت را شادمان بیند دلیل که شهید گردد و اگر بیند که  
 با ملک گشتی گرفت و افتاد و دلیل که از دنیا زود برود و اگر بیند که ملک الموت را بیدار است بعضی از مجربان گفته اند که بیا نشو و ایستاد  
 ماید مغربی رحمه الله علیه که بدید که هر که ملک الموت را پنجاب بیند خورم و شادمان دلیل که زندگانی او دراز باشد و اگر بیند که ملک  
 الموت بروی سلام کرد و دلیل که جلش نزدیک رسیده باشد و خانه کاروی بر شهادت نود و اگر بیند که ملک الموت  
 بروی چیزی شیرین داد و دلیل که جان کندن بروی آسان بود و اگر بیند که ملک الموت بروی بخشم نگرست دلیل که با خطر  
 مرگ او باشد و اگر بیند که ملک الموت بروی خیری تلخ داد و دلیل که جان کندن بروی دشوار باشد و اگر بیند که او را خبر داد  
 که ملک الموت بظان حاست و او از دور نگاه کرد و دلیل که او را بپادشاه کار افتد و اگر بیند که ملک الموت به کشت  
 دلیل کند که او دشمن خلق گردد و بدین حمله العرش آن فرشتگان اند که عرش ابامرحی جل علیه السلام بوده اند اگر کسی  
 ایشان را پنجاب بیند دلیل که با سلطانی کار افتد و مراد بابد و اگر بیند که ایشان پیوستگی داشت و دلیل که او را بپادشاه  
 بزرگ کار افتد و خیر و منفعت بیند که کرمانی رحمه الله علیه که بدید دلیل که با کسی که اهل دین باشند پیوستگی کند و هیچ کار  
 قوله تعالی وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ یُحْمُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَاکْرَامِهِ ان او را بنیاد  
 و هر بندگی خویش باز داشتند و دلیل که جلش فراسیده باشد که اما کاتبین مولا که در دار و گفتار خلافت از نیک و بد  
 می نویسند ابن سیرین رحمه الله علیه که بدید که اگر کسی که اما کاتبین را پنجاب بیند اگر مصلح باشد خیر و صلاح و وجهانی حاصلش  
 شود و اگر مفلس بود غم و اندوه بسیار کند قوله تعالی یَحْمُونَ مَا نَقُصُّونَ ابن سیرین رحمه الله علیه که بدید که اگر بیند  
 که فرشتگان با هم جنگ و نبرد میکردند و دلیل که کهنکار و عاصی بود و مستوجب عذاب حق تعالی باشد قوله تعالی

[illegible]

و اگر اهل آن موضع و رعم و اندوه و سختی و ملامت باشند نیکو باشد و اگر بدین و نیکو و صلاح و آبادانی کار دین و دنیا و اگر بنید که پیغمبر از  
 زجای نقل میکرد و ندو بر اهل آن موضع دعای بد میکرد و ندو دلیل خداست تعالی بای عظیم بر اهل آن موضع فرستد که توبه کنند و نه  
 خدا تعالی بآنز کرمانی رحمت الله علیه که دید هر بنده مومن که پیغامبری را در جای خود تازه روی و شادمان بنید و دلیل  
 عزه جاه و نصرت یا بد و اگر از چیزی خشمگین بود دلیل به بد حالی و رنج و سختی بود و اگر بخواب از پیغمبران چیزی شنود دلیل  
 از علم آن پیغامبران بهره یا بد و شادمان شود و اگر بنید که پیغامبر را بکشت دلیل که خیانت کرده باشد لقوله تعالی فَمِنْهُمْ  
 نَفْسٌ مِّنْهُمْ مَّبِيتًا قَتَلَهُمْ وَكَفَرَهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ وَقَتْلَهُمْ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقِّ جَعْفَرُ صَادِقٌ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ  
 گوید که اگر آدم علیه السلام را بخواب بنید بزرگی و ولایت یا بد قوله تعالی وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى ثُمَّ اجْتَبَاهُ  
 رَبُّهُ قَتْلًا عَلَيْهِ وَهَدَى و اگر بخواب بنید که آدم علیه السلام با وی سخن گفت دلیل که علم آموزد و علم آدم  
 الْأَنْبِيَاءَ كُلِّهَا و اگر بنید که آدم دست او گرفت بزرگی و مملکت یا بد و اگر بخواب بنید که آدم را طاعت نکرد دلیل  
 که عاصی و بد بخت شود و حوا علیه السلام را بخواب بنید دلیل که دولت و اقبال یا بد و عیش و خوشی و نعمت فراوان و خوش  
 دراز کرد و نوح علیه السلام را اگر بخواب بنید عمرش دراز کرد و دلیس کن از دشمن رنج و سختی بنید و عاقبت برادر رسد  
 او در پس علیه السلام را اگر بخواب بنید کارش نیکو شود و عاقبت محمود کرد و بود علیه السلام را اگر بخواب بنید دشمنان  
 بروی افسوس کنند و عاقبت برایشان ظفر یا بد و لوط علیه السلام را اگر بخواب بنید کارش بصلاح باز آید و مراد دل بنید  
 صالح علیه السلام را اگر بخواب بنید از جای بجای تحویل کند و در خیر بروی کشاده شود ابراهیم علیه السلام را اگر بخواب  
 بنید حج اسلام بگذارد و بعضی از معبران گویند که از سلطان ظالم بروی ستم رسد و نیز گویند که بدخوی کند با مادر و پدر ایل  
 علیه السلام را اگر بخواب بنید بشارت فتح و غنیمت یا بد قوله تعالی وَكَثُرْنَا لَهُ يٰ اِسْحَاقُ بَشِّرْكَ مِنَ الصَّالِحِينَ ه  
 یعقوب علیه السلام را اگر بخواب بنید از قبل فرزندان غم و اندوه خورد و عاقبت از غم فرج یا بد یوسف علیه السلام  
 را اگر بخواب بنید خویشان بروی بهتان نهند و عاقبت بزرگی یا بد شعیت را اگر بخواب بنید خصم بروی علیه کند و بعد از آن  
 بروی ظفر یا بد موسی علیه السلام را اگر بخواب بنید مبتلا کرد و با اهل و عیال و بعد از آن حالتش نیکو کرد و در دشمن ظفر یا بد لقوله عز وجل وَوَهَبْنَا  
 لَهُ مُزًا وَجَنَّتْنَا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا لِّبَعْضِ عِبْرَانِ كَوْنِهِ كَمُوسَى و اگر بخواب بنید که پادشاه دین و دینار پلاک شود و او و عا  
 حق تعالی او را بزرگ و پادشاهی و نعمت و مال و جاهش زیادت کرد و اندر که ما علیه السلام را اگر بخواب بنید حق تعالی  
 او را توفیق دهد و طاعت بجای علیه السلام را اگر بخواب بنید حق تعالی او را توفیق دهد در خیر خضر علیه السلام را اگر بخواب  
 بنید سفری دراز کند یا امینی و زرق و عمر و راز پولش علیه السلام را اگر بخواب بنید از غنا فرج یا بد و در تاریکی روشنائی  
 آید انشاء الله تعالی ایوب علیه السلام را اگر بخواب بنید کارهای مرده بروی زنده کرد و توفیق طاعت و خیرت یا بد  
 حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم را اگر بخواب بنید از همه غنا فرج یا بد و اگر و مادر باشد و پیش گذارد و شود و اگر

بنده و زندان بود و زمانی یا بدو اگر ترس باشد ایمنی یا بدو اگر در محظوظی بود و فراخی یا بدو بعضی گفته اند که هر کس که توانگر بود  
 در ویش شود و ابوهریره رضی الله عنه گفت از رسول الله صلی الله علیه و سلم شنیده ام هر که مراد خواب دید حق دیده باشد  
 که مَنْ وَافَى فَقَدْ رَأَى الْحَى فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَقْتُلُ بَنِي بَدْرَسِي وَرَسِي که شیطان بصورتی محض متجلی نشود اگر  
 کسی مراد خواب بیند غم و اندوه بومی نرسد عجب دارد که تاویل دیدار من بر سخاوت حضرت بیشتر باشد اما اگر محمد ص را نرسد و ی  
 بخواب بیند دلیل برستی وین و استیلا را شدن بدعت و آن و یا بدو و اگر رسول الله صلی الله علیه و سلم مراد خواب بیند که در  
 جای بانکت بگردد دلیل که اگر آن و یا در خواب بودا باوان گردد و اگر او را بد که چیزی میجوید دلیل که صدقه و زکوة باید داد  
 او اگر روی در جانی بیند که در آنجا هیچ بلا و محنت نبوده و اهل آن موضع را نعمت زیاده کرده و خاصه که اگر او را در مسجد بیند و اگر در غنما  
 یا بار بیند وین و ضعیف بود که زمانی رحمه الله علیه گوید که اگر محمد مصطفی راضی الله علیه و سلم در شهری یا جانی بیند دلیل که  
 در آن موضع نعمت فراخ شود و مردم را حقیقت بدید و اهل آن موضع بر دشمن ظفر بایند اگر بیند که اندامی از اندامهای رسول  
 صلی الله علیه و سلم کم بود دلیل که مردم آنجا در راه شریعت است باشند زیرا که نقصان اندام وی نقصان بن او باشد  
 و اگر بیند که مصطفی صلی الله علیه و سلم از بیوای تر با خشک بومی داد و او را درین و یا برسانی مرتبت حاصل شود این سیرین  
 رحمة الله علیه گوید که اگر کسی رسول الله صلی الله علیه و سلم ناقص بیند نقصان آن بر بیند و بلکه اگر او را رسول الله صلی الله علیه و سلم  
 را مردم نیک بخواب بیند و مردم نیک را مرده و بنده بود و بخیر یا که بومی خواهد رسید و مردم بد را خد فرماید از محصیت  
 کردن تا از حقوقت برتر گردد زیرا که رسول الله صلی الله علیه و سلم بشیر و نذیر بود و بشیر مؤمنان و نذیر کافران و اگر او را در یک  
 بیند بد باشد عبد الله بن عباس رضی الله عنه گوید که اگر کسی جنازه رسول الله صلی الله علیه و سلم بخواب بیند و اندامی از محصیت  
 بسیار بود و اگر بد که اگر جنازه رسول الله صلی الله علیه و سلم میرفت دلیل بر مراد بدعت باشد اگر بیند که او را زیارت میکرد  
 دلیل که مانع نعمت و ولایت یا بدو اگر بیند که رسول الله صلی الله علیه و سلم بر وی افسوس میکرد دلیل که کارش و بقوله تعالی  
 قُلْ أَدَّبْتُكُمْ وَإِنِّي أَنُتَكِرُونَ لَأَنفَكُوا قَدْ كُفِّرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ جعفر صادق رضی الله  
 عنه گوید که زیارت پیغمبران در خواب برده بود یکی رحمت و ده نعمت سوم غرت چهارم بزدلی پنجم دولت ششم  
 ظفر هفتم سعادت ششم جمعیت نهم فوت و هم خیر و جهانی و نیکویی مردم آن موضع که آنجا خواب بیند تاویل و دید  
 را شنیدن اول بر المؤمنین ابو بکر صدیق رضی الله عنه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر کسی ابو بکر را رضی الله عنه در خواب  
 بیند دلیل شادی و کرامت بود که زمانی رحمه الله علیه گوید که اگر کسی ابو بکر را رضی الله عنه زنده در شهری بیند دلیل که بر  
 اندام او انشهر زکوة و صدقه بسیار و هند چون او را کشاده روی و خوش طبع بیند و اگر ترش روی بیند و خوش طبع بیند  
 این ابو بکر المؤمنین عمر بن الخطاب رضی الله عنه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر کسی امیر المؤمنین عمر خطاب را رضی الله  
 عنه بخواب بیند دلیل که واد کرد و با انصاف بود و اگر او را در شهری کشاده روی و خوش طبع بیند دلیل که در انشهر عدل

بسم الف

با انصاف بود و اگر او در شهری گشته روی و خوش طبع بیند و لیل که در آن شهر عدل و انصاف پیدا آید امیر المومنین  
 عثمان ابن عفان رضی الله عنه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر کسی امیر المومنین عثمان ابن عفان رضی الله عنه و خراب  
 بیند و لیل که در رخ و زهد و پرستشکاری اختیار کند و اگر او در شهری خوش طبع و گشاده روی بیند و لیل که مردمان شهر  
 بقرآن و علم آموختن رغبت نمایند امیر المومنین علی مرتضی رضی الله عنه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر کسی امیر المومنین  
 علی رضی الله عنه بخواب بیند خندان و خوش طبع و لیل که کرامت و شجاعت و سروری یابد و اگر در شهری بیند آن شهر عدل  
 و انصاف موصوف گردد و لیل که گاه میان ایشان خصومت بود تا ویل صحابه رضوان الله علیهم جمیع ابن سیرین  
 رحمه الله علیه گوید که اگر کسی صحابه را بخواب بیند و لیل که در راه دین و اسلام یکانه باشد و در میان مسلمانان جهاد و  
 القول گردد و بدیانت موصوف گردد و لقوله علیه السلام اصحابی کالجوهر یا یاهم اقتدا یسثم افسثم ثم خرجت منک  
 علیه و سلم یاران من ستار گانند هر که اقتدای آنها کند راه یابد امیر المومنین حسن و حسین رضی الله عنهما را بخواب بیند  
 خیر و راحت برسد و عاقبت درجه شهادت یابد جعفر طیار رضی الله عنه را اگر بخواب بیند و لیل که حج و غزاه ابوهریره  
 و انش بن مالک رضی الله عنهما اگر بخواب بیند و لیل که بسنتها را غلب بود و علم و شریعت دوست دارد و مسلمان  
 فارسی را رضی الله عنه بخواب بیند و لیل که حق جل و علا او را علم و قرآن روزی گرداند و عاقبتش محمود گردد و عبد الله  
 بن عباس ابن مسعود رضی الله عنهما را بخواب بیند و لیل که بکار دین مجتهد باشد بلال حبشی رضی الله عنه را بخواب بیند  
 و لیل که معروف گردد و ثواب مؤذنان یابد و براه سنت و جماعت و دینی الجمله دیدن یاران رسول الله صلی الله علیه  
 علیه و سلم و لیل بر خیر و منفعت و دنیا و آخرت وی باشد و اگر کسی را از علما و حکما و زما بخواب بیند و لیل که بر کار  
 خیر و طاعت توفیق یابد و علم حاصل کند زیرا که علما و ارثان مصطفی اند صلی الله علیه و سلم و راه نمایان مسلمانان اگر  
 بیند که در شهری و یا در محلی گروه علما و حکما جمع آمده بودند و لیل که مردم آن شهر را نصرت باشد بر جاهلان بگفتا و کرد  
 امر و نهی منکر تمام بخیر و باب رویت حق جل و علا و فرشتگان و پیغامبران و صحابه تابعین بعد ازین تعبیر خیر نای و دیگر که بیند  
 بر حروف و بحسم بیان کنیم بگویند ان الله تعالی حرف الالف من کتاب کامل التفسیر آبادانی ابن سیرین گوید  
 اگر بیند که جایگاه خراب را آبادان می کرد چون مسجد و مدرسه و خانقاه و آنچه بدین نماید و لیل کند بر صلاح دین و خرد و ثواب  
 آخرت که ویرا حاصل گردد و اگر بیند که زمینی خراب از خود آبادان می کرد چون سر و دکان و مانند این دلیل کند که خیر و فایده  
 اینجا یابد و اگر بیند که جایگاه آبادان بیفتاد و خراب شد و لیل کند که اهل آنجا بیکاه را بلا و مصیبت رسد جابر مغربی گوید که  
 اگر کسی خوشین بخواب در جایگاهی آبادان مقیم بیند دلیل کند که خیر و منفعت یابد بقدر آبادانی که ویده بود و اگر بخلاف بیند  
 دلیل بر شر و فساد و مضرت وی کند حضرت صادق میفرماید که دیدن آبادانی بخواب بر چهار وجه بر او اول بر صلاح کار  
 اینجا فی دویم خیر و منفعت سیم بر داد و کامرانی چهارم بر کشایش کار نای بسته آب بدانکه زندگانی همه چیز است

بسم الف

تَوَاتُرًا كَمَا كَانَ مِنَ الْمَاءِ كُلِّ شَيْءٍ حَيٍّ ابْنُ سِيرِينَ كَوَيْدُكَ بَرَفَرِزَابِ بِي رَفْتِ چُون آب دریا و رودخانه و آنچه بدین نام  
 و دلیل کند بر قوه ایمان و اعتقاد پاک وی و اگر بیند که از آب صاف خوشگوار و بسیار بخورد و دلیل کند که عمرش دراز و سعادت  
 وی خوش بود و اگر بیند که آب تیره یا شور همی خورد و تاویل بخلاف این بود و اگر بیند که از دریا آب صاف خوش همی خورد و دلیل  
 کند که بقدر آن از پادشاه مال و نعمت یابد و اگر بیند که جمله آب دریا را بخورد و دلیل کند که پادشاهی همه جهان را بگیرد و بعضی  
 گویند که بقدر آن از آب دریا خورده بود و بر بزرگی و مال و نعمت حاصل کرد و چون آب روشن و صافی بود اما اگر تیره بود  
 آنچه بدو رسد یا رنج و سختی و بیم و ترس بود که مانی گوید که اگر بیند که آب گرم همی خورد و دلیل بود که بیماری و رنج کشد اگر بیند  
 که بروی آب گرم همی ریختند چنانکه او را خرباشد دلیل کند که بیماری کرد و یا غمی سخت بدو رسد و اگر بیند که در آب سفید و دلیل  
 کند که در رنج و غم گرفتار گردد و اگر بیند که آب بجام یابد و داشت دلیل کند که بر مال و زندگانی فریفته گردد و اگر بیند که در کاشه  
 آب بکشد بزن خویش داد و کاشه آب بکشد نسبت بچهره زنان کرده اند و آب که در کاشه آب بکشد بود و فرزند طفل بود که در شکم مادر  
 باشد اگر بیند کاشه شکست و آب بر ریخت دلیل کند که بخت او میرود و فرزندش بماند و اگر بیند که آب بر ریخت و کاشه  
 ماند دلیل کند که فرزندش میرود و زن او بماند و اگر بیند که بی بها آب بمرد همی داد و دلیل کند که در دنیا و آخرت خیر او بمرد همی  
 و جایگاه خراب را آبادانی کند و اگر بیند که در خانه که اندر آن آب ریخته بود داخل شد و دلیل کند که غم و متفکر گردد و اگر  
 بیند که آب صافی پیاله مانند سکی خورد و دلیل کند که زندگانی بعبث و عشرت گذرانند اما کاری کند که بلا و فتنه بدو رسد که مال  
 جمع را اندک اندک ببرد و آن بخشد و بخیالت خرج کند جای مرغی گوید که آنها که بوقت زیاده شود دلیل کند که در آنسال فراخی  
 و نعمت بود و اگر آنها را بسیار دید که زمین خورد و دلیل کند که مردمان عامه را سلامت و عافیت بود و قوله تعالی وَقِيلَ  
 يَا اَوْصِيَ ابْنُكَ بِمَا تُكْرَهُ وَيَا سَمَاءُ اَقْلَعِي وَغِيْضُ الْمَاءِ و اگر بیند که آنها از سر مردمان فرو می آید و دلیل کند که در آنسال  
 نعمت و فراخی بود و آن دیار قوله تعالی اِنَّمَا سَبَّبَ الْمَاءُ صَبْبًا و اگر بیند که در خانه او آب صافی بود و دلیل کند که نعمت و خرمی  
 و محبت یابد و اگر بیند که در خانه وی آب تیره ایستاده باشد تا ویش بخلاف این بود و انبالی گوید که آب داود باغ و کشت  
 از حیاه و رود و دلیل کند بر مال و دستکاری از غم و اندوه و آب داود مردمان را دلیل کند بر دین و دیانت و کردارهای  
 نیک و پسندیده بود و اگر بیند که آب اندر همی رفت و اندران وقت تن و قوی بود و دلیل کند که بشغل صحت مشغول گردد  
 از قبل بیستی و قول و اندران مقبول بود و خاصه کاری اندران کار ظاهر گردد و اگر بیند که در آب صافی رفت و تن او پوشیده بود  
 و دلیل بر قوت دین بود و توکل کردن بر ایزد تعالی و استقامت کاری و اگر بیند که آب بیاض همی برد و دلیل کند که زن خواهد  
 یا کمترین خرد و اگر بیند که آب پاک بروی ریخت دلیل کند که از آن کس خیر و منفعت بدو رسد و اگر بیند که آب تیره بروی ریخت  
 تا ویش بخلاف این بود و حضرت صادق علیه السلام میفرماید که آب فرو رفتن بخواب مستحبران برنج و جبهه بکشد اول یقین  
 دویم قوت سیم کار دشوار چهارم ندی چپ سیم عمل از جبهه رئیس شهر بدانکه تاویل باران و در حرف بی بیان کنیم و تاویل آب

در باب  
تأیید

در باب  
تأیید

چاه آب جوی را بحر جیم و آب دریا را بحر وال و آب رود و بحر را آب کار بر بحر کاف و بحر قیاس  
 خوانهای دیگر را بر ترتیب بحر جیم بموضعش باز نمائیم تا معلوم بود آب بینی و انیال کوید که آب بینی و انیال بر فرزند کند و اگر  
 آب بینی او بمی آمد دلیل کند که وی را فرزند آید و اگر بینی او بر من آمد دلیل کند که مانی کوید اگر بینی که آب بینی او آب  
 فرو می آمد دلیل کند که و امش گذارده شود و از پنج و سختی و غم مرید و اگر سیار بود و شفا یا بدین سیرین کوید که آب بینی در خواب  
 فرزند بود لیکن اگر بینی که آب بینی بر اندام او افتاد دلیل کند که و بر آب سر آید و اگر بینی که بر زمین افتاد و دلیل کند که و اگر بینی  
 که آب بینی بر زن خویش افتاد و دلیل کند که زن او آبستن کرد و لیکن فرزند را بیفتند و اگر بینی که زن بر وی آب بینی افکند دلیل  
 کند که او را پسری آید و اگر بینی که آب بینی در سراسر میسایه افکند دلیل کند که زن بمسایه خیانت کند و اگر بینی که آب بینی خود  
 را در بستر مردی افکند همین دلیل کند این سیرین کوید اگر بینی که آب بینی خود را همی خورد و دلیل کند که مال خود را بر عیال خود بدل  
 کند اگر بینی که آب بینی زن خویش را همی خورد و دلیل کند که او را فرزند نشود و اگر بینی که آب بینی او سیاه و تیره بود و دلیل کند که فرزند  
 او را ندیده و صیبت رسد و اگر بینی که آب بینی او زرد بود و دلیل کند که فرزندش بیمار گردد و آب تا ختن این سیرین  
 که اگر کسی بینی که آب تا ختن کند بجای کاهی که موضع آن نباشد اگر خداوند خواب نمکین و وام دارد و دلیل کند که از غم فرج  
 یابد و و امش گذارده کرد و اگر بینی در خواب تو انکر کرد و دلیل کند که مالش نقصان آید بر قدم آب تا ختن و انیال کوید اگر بینی  
 که در جای کاهی مجهول آب تا ختن کند دلیل بود که از اهل آن موضع زن خواهد یا کینه کرد اگر بینی که آب تا ختن خون چشم  
 و دلیل کند که او را نقص آید و اگر بینی که آب تا ختن بریم میرفت دلیل کند که او را فرزند می آید و بعضی متبرن گفته اند که آب تا ختن مال  
 بود و اگر بینی که آب تا ختن همی خورد و دلیل کند که مال حرام خورد و مانی کوید اگر بینی که اندر جای آب تا ختن کرد و دلیل کند که اگر کسی مال حاصل کند و  
 بینی که آب تا ختن همی کرد و دلیل کند که او را فرزند می آید که قرآن ظاهر خواند و عالم و دانا گردد و اگر بینی که برخی از آب تا ختن بر چشمه برخی  
 با خود داشت و دلیل کند که برخی از مال وی برود و برخی اندوه و غم از وی جدا گردد و اگر بینی که در دمان از آب تا ختن جوی  
 مسح همی کردند دلیل کند که او را فرزند می آید که عالم و دانا گردد و مردمان متابع او گردند و اگر بینی که در مسجد  
 آب تا ختن همی کرد و دلیل کند که مال خویش خرنیه کند نه بر وجه خویش و اگر بینی که جائه وی باب تا ختن آلوده کشت و دلیل کند  
 که مال خویش بر فرزند خویش خرنیه کند حضرت صادق علیه السلام میفرماید که آب تا ختن در خواب بموضع خویش مرد را تو انکر  
 رسد اما آنکه در ویش باشند و بنده را آزادی بود و بیمار را شفا بود و مجوس را فرج بود و مسافر را باز آمدن بود و عامل  
 معزولی بود و خلیفه را مرکب بود و قاضی را عزل و بازگامان را زیان بود و تجارت استعیل اشعث کوید که اگر بینی که در  
 خانه خویش بموضعش آب تا ختن همی کرد و دلیل کند که مال خویش بر عیال خویش خرنیه کند لیکن بعضی آن باز آید و الله تعالی و ما انفک  
 مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ مُحِيطٌ بِهِ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ آنچه این سیرین کوید اگر کسی در خواب بینی که آنجا نه می ساخت  
 و دلیل کند که بجمع کردن مال دنیا حرص کرد و در آغوب کرد و تو انکر که از مال خود چیزی خرج کند و بعضی از معبران گفته اند

در باب  
تأیید





خواسته مال و را حاصل کرد و کرمانی کوید اگر بیند که برتن او آبله بود و دلیل بود که بقدر آن مال حرام حاصل شود حضرت  
صادق علیه السلام فرماید که آبله برتن دیدن برنج و جود بود اول از باقی مال دو نیم زن خواهد سیم پیرش آید چنان  
حاجت روا شدن پنجم از ترس و سیم امین کرد و چون آبله سفید آید بنوس این پیرین کوید که دیدن آبنوس در خواب  
بروی بود در کار خویش سخت و محکم بود اما تا نکند و بخیل بود و از وی چیزی بکس نرسد کرمانی کوید که آبنوس در خواب  
زنی بود هم برین صنعت که یاد کرده شد حضرت صادق میفرماید که آبنوس در خواب کسی باشد هم برین صنعت  
که گفته کردید آتش و انیال کوید اگر کسی آتش بید و در خواب بیند دلیل که بیادش می نزدیک کرد و کار بسته او  
گشاده کرد و اگر بیند که کسی ویران آتش فکند و آتش بر او سوخت دلیل که پادشاه بروی ستم کند لیکن زود خلاص  
یابد و بشارت نیکوئی یابد چنانکه این دعا را در کلام مجید فرموده قلنا یا فاق کوئی بنده و سلا ما علی  
اینها هم و اگر بیند که آتش در آتش و دلیل کند که روی بگراست سفری کند و اگر آتش را بافت و مورد و سوزید  
دلیل کند که از علت شب چهار کرد و اگر بیند که آتش اندام وی را سوخت دلیل کند که بقدر آتش خنکی و پیرانج و سفر  
رسد و اگر کسی بیند که آتش در خانه وی افتاد و همه اندام او را سوخت و زبانه می زد و از سیم و ترس در دل نیاید  
و دلیل کند که از محنت و مصیبت که بدو رسد سبب بیماری و ضعف بود چون سهر و طاعون و آبله و سرخه و آبله  
ماند و اگر بیند که از آن آتش فرار گرفت دلیل کند بقدر آن از پادشاه مال حرام بوی رسد و اگر بیند که آتش را در دلو  
و دلیل کند که مال حرام وی را برنج و تخار حاصل کرد و با جنک و خصومت و اگر بیند که از آتش گرمی و پیش بوی میرسد  
و دلیل کند که کسی وی را زود و رنجبت کند کرمانی کوید اگر بیند که شعله آتش بر دامن می انداخت و دلیل کند که در میان مردم  
عداوت و دشمنی افکند و اگر بازگانی بیند که آتش در و کان و کالای او افتاد و دلیل کند که کالائی که دارد بر باد و دزدان  
بدر می آید و دلبسته درم فروشد و بر کسی شفقت نبرد و اگر بیند که آتش در خانه کسی افتاد و دلیل کند که آنکس در جنگ و شهنه  
و جو سلطان افتد و اگر بیند که آتش جامه او را سوخت و دلیل کند که با خولیشان جنک و خصومت کند و از سبب آن  
اندوکیدن کرد و اگر کسی آتش عظیم در زمین بیند دلیل کند که در آن موضع فتنه و جنک افتد و اگر چیزی سوخته بیند دلیل  
کند که از جهت زمان ویرانیا کسی خصومت کند و اگر بیند در شهری یا در محله و در سرائی آتش افتاد و چنانکه هر چه بود همه را سوخت  
آن آتش زبانه میزد و آواز سهکین می داد و دلیل کند که در آن موضع جنک و کارزار بود و یا بیماری مصیبت افتد و اگر بیند که  
برخی چیزها را سوخت و برخی را نکرد و آواز سهکین نداشت دلیل بود بر جنک و کارزار در آن موضع و اگر زبانه و فروغ  
نداشت دلیل بر بیماری صعب کند و اگر آتش را باد و بیند دلیل کند بر ترس و بیم اندر کارها و اگر بیند که آتش از آسمان  
بیفتد و شهری یا محله یا سرائی سوخت دلیل کند که آن بلا و فتنه که گفته شد بر آن موضع شهر بود و اگر بیند که آواز سهکین داشت  
و زبانه می زد و در جانی افتاد و لیکن کند زبانه نیک و دلیل بود که در میان اهل آن موضع گفتگوی و خصومت افتد زبانه و اگر بیند

سجده

سجده

سجده

باب الف

که از زیر زمین آتشی همگین بر آید و سومی آسمان شد دلیل بود که آموذخ و دوشان با حق تعالی حرب کنند بدروغ و بهتان گفتن بود  
 بقدر و قوه آن آتش که دیده بود اگر بنید آتشی از جانی بجائی همی رفت و آن آتش هیچ کردند نمیکرد بلکه دلیل بود که در آن منفعت  
 یابد و اگر در ویش بود تو انگر کرد و اسمعیل اشعث کو پیکه اگر کسی بیند که از آسمان مانند باران آتش میبارد و دلیل بر بلا و خون بخین  
 بود از جهت پاوشا بان در آموذخ و اگر بیند که آتشی از آسمان بیاید و چیزی های خوردنی که از آن آید و بسوخت و دلیل کند که عذاب  
 وی نزد حق تعالی پذیرفته کرد و قوله تعالی یقرآن یا کله النار و اگر بیند که از آسمان آتش همی آید و کسی را سوخت هم عذاب  
 حق تعالی باشد قوله تعالی عذاب النار التي كنتم بها تكذبون و باشد که از پادشاه و پیرایم بود و اگر بیند که بر سر آتشی بزرگ  
 گرم میشود دلیل کند که پادشاهی بزرگ نزدیک کرد و اگر بیند که بر آتشی چیزی همی بخت که شغل دنیا و دنیاوی تمام کرد و اگر بیند  
 که آتشی از آسمان فرو آمد و نبات زمین را سوخت و دلیل بود که در آن دیار لغو و فساد شد مرک مغافات بسیار بود و اگر بیند که آتشی  
 قبه یا مناره سوخت دلیل کند که پادشاه آموذخ هلاک کرد و بعضی از معتبران کویند که اگر کسی بیند که آتشی از زمین بر آید و فروغ  
 مسید و دلیل کند که در آموذخ کج بود حضرت صادق علیه السلام میفرماید اگر بیند پاره های آتش میخورد و دلیل کند که مال بیهان خورد  
 قوله تعالی الذین یاکلون أموال الیتامی ظلما انما یاکلون فی بطونهم فان و استصلون سعیرا  
 و اگر بیند که زو مان وی آتش بیرون می آید و دلیل کند که سخن دروغ و بهتان گوید و اگر بیند که بر جانی آتشی میسوزند و میگرفت و دلیل کند که از  
 بر جانی میبانی کند میان رعیت و مردمان پادشاه و اگر بیند که در پهلوی او آتشی افروخته بود و او را زیان نداشت دلیل کند که بدو  
 خیر و نیکی رسد قوله تعالی انما یاکلون أموال الیتامی ظلما انما یاکلون فی بطونهم فان و استصلون سعیرا  
 قوله تعالی کلما او قلنا و نارا للحب و اگر بیند که آتش در مردم میزد و دلیل نصرت بود و او را بر دشمنان و اگر بیند که آتش وی  
 سوخت و آن آتش نوز نداشت و دلیل کند که از غلت سرسام بهاری کند و اگر بیند آن آتش را نوز بود و دلیل بود که کسی را از آتش  
 و فرزندان وی فرزدی آید که مردمان بروی ثنا گویند و مال و بزرگی یابد بقدر نور آن آتش و اگر در زمره مکاه آتش بیند و دلیل کند  
 بر بهار ریای صعب چون آبه و طاعون و سرسام و مرک مغافات لغو و فساد و اگر آن آتش را باد و دود بیند و دلیل کند که از پادشاه  
 او را ترس می بود و اگر آتش را در بازار بیند و دلیل کند بر بیداری اهل بازار و اگر اهل بازار در تجارت انصاف نمیند و بر خریده و در  
 گویند و اگر در دیاری آتشی افتاده بیند و دلیل کند که در مردم انجا مصادره بود از پادشاه و از او بر رعیت ظلم رسد و اگر در راه مجهول  
 آتش بیند و دلیل بر دینی بود و اگر آتش در جایی افتاده بیند و دلیل کند که انگس را مصیبت و ترس و بیم بود و اگر خوشی را بر آتش  
 ایستاده بیند و دلیل که او را بخت رسد آتش افروختن ابن سیرین گوید که آتش افروختن بخواب پادشاه را قوت بود و آتش سید  
 فروغ قوت بود و خواسته و آتش باد و پادشاه ستم و غم داند و در میان بود و اگر بیند که آتش بر افروخت تا گرم کرد و کسی  
 دیگر بدان گرم شود و دلیل کند که چیزی طلب کند که از آن منفعت یابد و اگر بیند که بیفایده آتشی بر افروخت و دلیل کند که بی سببی  
 جنگ و خصومت کند و اگر بیند که آتشی بر افروخت تا چیزی بریان کند و دلیل کند که کاری پیش گیرد و بسبب عنایت مردمان

تذکره

باز

تا طلب حال کسی کند و اگر بیند که از آن بریان بخورد و دلیل کند که بقدر آن روزی بوی رسد با غم و اندوه و اگر بیند که بریزد  
آتش می افروخت و در یک کوشش بود و یا چیزی دیگر دلیل کند که کاری بسیار که از آن کار که با بوی خانه ر منفعت رسد  
و اگر بیند که در آن و یکسبب طعام نبود و دلیل کند که از آن کار و غم و اندوه بود و اگر بیند که آتش بر افروخت حلقه پرو و دلیل کند  
که او را سخی نیکو کند و اگر بیند که آتش بر افروخت از برای روشنائی دلیل کند که کاری را بخت و بر مان روشن گرداند که بی کوی دیگر  
بیند و جایگاهی آتش بر افروخت تا ابل آن جایگاه را بسوزاند دلیل بود که ابل موضوع را غیبت کند بی کوی دیگر و اگر بیند که  
در تنور یا در آتش دان همی افروخت بی آنکه طعام پزد و دلیل کند که با موی از خویشتان و یا ابل میت او را جنک و خصومت  
افتد و اگر بیند که خواست تا آتش بر افروزد و از بهر منفعت جیش و آن آتش بر همی افروخت و روشنائی میداد و دلیل کند که از  
علم خویش هر خرداری باید و اگر این کس پادشاه بود و عروجه و دولتش افزون گردد و اگر بیند که آن آتش که افروخت بر  
دلیل کند که بلاک گردد و جابر گوید اگر بیند که در میان آن آتش می افروخت که مردمان از نور آن آتش راه می یافتند و هر کس وضع  
و مقام خویش می یافتند دلیل کند که مرموز علم و حکمت او بهره یابد و راه راست گیرند و اگر بیند که آن آتش فرو میرود و فوراً و  
زایل میگردد و دلیل کند که هوا آتش متغیر و باشد که از دنیا رحلت کند و اگر بیند که آن آتش در میان افروخت و بر از راست  
همی درخشد دلیل کند که علم او مردمان را بر راه ضلالت برد و اگر بیند که آتش در موضعی بر افروخت تا آنکه منظر بسوزد و آتش  
آزاد سوخت و آن باز در کان بود و دلیل که خرد و فروخت بفقار کند و مالش حرام بود و اگر بیند که از خانه همسایه آتش  
همی برود و دلیل کند که مالی حرام بدور رسد و روشنائی آتش این سیرین گوید اگر کسی در خواب روشنائی آتش بیند چنانکه  
بدان روشنائی راه توان رفت دلیل کند که زاهدی یابد و اگر روشنائی آتش را ایستاده بیند و دلیل کند که سبب دولت  
او همانجا بود و اگر در کفر و فحشه دلیل کند که در آن دیار رویت سلطان پدید آید و اگر در خانه خود آخردید چنانکه از نور آن خانه  
روشن بود و دلیل کند که کارش بالا گیرد و دولتش زیاده گردد و اگر بیند که آن آخرا کشت و دلیل کند که در خانه از او  
خصومت و داری بود آتش پرستیدن و انبیا گوید اگر بیند که آتش را می پرستید و سجد میکرد و دلیل که با او شکر را  
سجد کند و بخدمت مشغول گردد چنانکه او را تشکیمد اگر بیند که تنور یا آتش یا چراغ را سجد میکرد و دلیل که بخدمت  
مشغول گردد و اگر بیند که آتش را بوسه می داد و می پرستید و دلیل کند که صاحب خبر پادشاه گردد و اگر بیند که در میان  
آتش مرا خد می کرد و دلیل که پادشاه بطوع و رغبت بازگردد و لیکن عاقبت کارش بر خطر بود و خاصه که از آتش تن  
او کردند رسد و اگر آتش تن او را هم کردند و دلیل کند بر همه رسالت سلامت نفس جمعیت بار و کار او از پادشاه  
و اگر بیند که در میان آتش رفت و دلیل کند که بقدر آن از پادشاه منفعت یابد و اگر بیند که آتش از روی یا از جامه یا از دست او  
روشنائی میداد چنانکه خلق از نور او محیر بودند و دلیل بود که بر دشمن ظفر یابد و مرد و جهانی حاصل گردد و قوله تعالی و اخلا  
یَدُ لَکَ فِی حَبِیْبِكَ مَخْرُجٌ بَیْضَاءٌ مِنْ غَیْرِ سَوَّیٍّ و این حجره حضرت موسی بود و با فرعون اسمعیل شش

روشنی آتش

آتش پرستیدن

باب  
در خواب

که بد که اگر کسی در خواب بیند که آتش میسپرد و دلیل کند که باز داری و عوامی کند آن آتش که میسپرد اگر شکل اختری بود که  
غرض از این صبح کردن مال بود و مال حرام بسیار حاصل کند شعله آتش ابن سیرین گوید که شعله آتش در خواب بخند  
باشد که بوی رسد و اگر بقیاس شعله آتش در روی می افتد و دلیل کند که در جنت بلای سخت گرفتار کرد و گمانی گوید  
اگر بیند که در شهری یا کوچه شعله آتش می افتد و دلیل کند جنات و فتنه در آن موضع پیدا آید و اگر بیند که شعله آتش  
سخت بزرگ بودند دلیل بود که عذاب خدای عزوجل بدو رسد یا بدان موضع رسد قوله تعالی اِنَّهَا تَرْمِي بِشَرِّ  
كَالْقَصْرِ كَاَنَّهَا لَمِنْ شَفْرِ اَوْ كَرَيْنَ که شعله آتش در میان مردمان افتد دلیل کند که مردمان آن موضع با یکدیگر  
جنگ و خصومت افتد و آتش را فتنه و بازی کردن با آتش سخت شست گفتم بود جابر مغربی گوید اگر بیند که باره آتش  
در دست و پشت دلیل کند که بکار پادشاه مشغول گردد و اگر بیند که با آن آتش دود بود و دلیل کند که در آن کار او را  
سیم و ترس بود و اگر بیند که آن آتش در دست می فرو مرد و دلیل کند که در خدمت پادشاه مالی حرام بدست آورد و اگر  
که از آن آتش پاره مردم را بوی داد و دلیل کند که از کار روی مردمان را بچ و مضرت رسد و مردمان دشمن او شوند و اگر بیند  
که چیزی از نزد وی بروی می بخشد و میخورد دلیل کند که سخنها می خوش شود و حضرت صادق علیه السلام میفرماید که دیدن آتش  
در خواب بر میت و رخ و وجه بود اول فتنه بود و دوم کار از اسیرم فسا و چهارم مرگ بخت چشم خصومت ششم سخنان  
هفتم منع از کام و مرد و هشتم خشم پادشاه نهم عقوبت دهم نفاق یازدهم پیری دوازدهم علم و حکمت سیزدهم  
راه پدی چهاردهم مصیبت پانزدهم ترس سیم شانزدهم سوختن هفدهم خدمت پادشاه هیجدهم طاعون نوزدهم  
سیزدهم بیت و یکم کتایش کار با بیت و دوم فضیلت بیت و سوم مال حرام بیت و چهارم روزه  
بیت و پنجم مغفقت آتش دان ابن سیرین گوید که آتش دان بخواب زنی بود که خدمت خانه کند اما اگر آن آتش دان  
آتشین بود و دلیل کند که آن از خویشان اهل آن خانه بود و اگر آتش دان چوبین بود و دلیل کند که آن از خویشان  
اهل آن خانه بود و از اهل نفاق بود و اگر آتش دان از کل بود و دلیل بود که آن زن اهل درن گشته باشد و از مشرکان نیز  
بود و حضرت صادق علیه السلام میفرماید که دیدن آتش دان بخواب بر دود و وجه بود اول زن خادمه دوم کینه آتش زن ابن  
سیرین گوید که آتش زن و سنگ آتش دان این هر دو انبار باشند که از ایشان یکی قوی و دلیل بود و دوم سخت دل بود و این هر دو  
بر شرف و کارهای بزرگ در آورند گمانی گوید اگر بیند که از آتش زن آتش بیرون می آید و از او شمع یا چراغ برافروخت اگر بیند  
پادشاه بود و دلیل کند که رعیت از عدل و انصاف او آسایش یابند و اگر بیند خواب عالم بود و دلیل کند که مردم از علم و دانش او  
نیابند و اگر از یکان بود و دلیل کند که بامر دمان خیر وجود و احسان کند و اگر درویش بود و دلیل کند که مردمان از سیرت و کردار وی  
مستفید یابند حضرت صادق میفرماید که اگر بیند که از آتش زن بیرون آورد و دلیل کند که مال حرام از جهت پادشاه حاصل کند یا مال  
او مشغول گردد و از ثروت مال بدست آید و اگر بیند که از آتش زن نتوانست اخراج و فتنه و دلیل کند که مال طلب کند و نیابد

خواب

خواب

خواب

این سیرین کوید که آتشکده و خواب جایگاه کرده بود کرمانی کوید که آتشکده جایگاه مردم حق و خالی بود و اگر میند که آتشکده رفت  
 و از آنجا چیزی بوی رسید و لیل کند که آنقله نالت و خاری بوی رسید لیکن از بدی بر بد و سر انجام پشیمانی نور و آه و کون بدست  
 آرد و کون شکوه است دیدنش در خواب لیل برنج و هماری بود آرد و دلیل بود بر مال و نعمت حلال که بی رنج بد و رسید نایل  
 گوید اگر میند که در چون برف از هوای آمد و لیل کند که بقدر آن مال نعمت حلال و حاصل کرد و از آنجا که امید ندارد این سیرین کوید  
 جوینا و دل درستی دین بود و آرد و کند مانی بود و از تجارت که بسیار فایده بود و آرد و کاورس ال اندک بود که حاصل کرد و جابر مغزی کوید که از  
 فروش خواب دیدن مردی باشد که دین خود را بدینا آورده بود آرد و سیر کرمانی کوید که آرد و نیز خواب بروی باشد که در میان دوستان  
 و خویشان بی کرد و این سیرین کوید که آرد و نیز خواب زنی بود و فضول یا خادمی بود بد اگر میند که آرد و نیز بزرگ نافرمانی گرفت با کسی  
 بوی و دلیل کند که زنی یا خادمی چنانکه گفتیم خدمتکار و دوست وی کرد و بعضی از مقبران کوید که مروی مصلح که در خدمت او می  
 بود و دوست وی شود حضرت صادق علیه السلام کوید که آرد و نیز خواب بر چهار وجه بود و اول مروی مصلح و دوم زنی فضول سیم خام چهارم سیم منفعت  
 مذک آن روح کرمانی کوید که اگر میند که در خواب آرد و نیز بر می آورد و دلیل بود که سخی کوید که او را از آن جرعتی بود اگر میند که با آرد و غلط  
 بود و از کلویش بیرون آمد و دلیل کند که اجلش نزدیک بود و محمد بن سیرین کوید که اگر میند که آرد و نیز ترش ناخوش بر آورد و دلیل کند که سخی کوید  
 که از آن حضرت و خطر میند و اگر میند که آرد و نیز چون دو دو بر آورد و دلیل کند که بی بی حکام سخی کوید که از آن اورا عیب کوید و ملاست کنند  
 و سر انجام از آن پشیمانی خورد از او شدن و انیال کوید که اگر کسی میند که از او شدن یا کسی با او آزا کرد و دلیل کند که اگر باری بود و شفا یاب  
 و اگر وام دار بود و امش کناره ده کرد و اگر حج کرده باشد بگذار و اگر سنده بود آزا کرد و اگر کناره کار بود تو بر کند و اگر غمگین بود پشیمان  
 کرد و از غم فرج یابد و اگر عبوس بود و خلاص یابد و علی الحمله از او می در خواب بخایت نیکو و پسندیده است آستانه کرمانی کوید آستانه  
 بالاین در خواب که خلدی خانه بود و آستانه زیرین که بانوی خانه و اگر میند که آستانه بالاین در و بیفتا و در خواب سید و دلیل کند که خلدی خانه میر و اگر آستانه  
 خانه میند که آستانه زیرین خانه بیفتا و یا بسخت و دلیل کند که بانوی خانه میر و این سیرین کوید که اگر میند که خلدی خانه زیرین آستانه بالاین بود و دلیل  
 کرد و دلیل کند زن اطلاق و بدون دیگر بجزا و اگر میند که آستانه بالاین را بجز و دلیل که خود را هلاک کند و اگر میند که هر دو آستانه خوشتر بجز و در خواب  
 کند که که بانو که خدا بر و هلاک کرد و آسمان و انیال کوید که اگر کسی خویش را در آسمان دل میند و دلیل کند که اجل وی نزدیک است  
 آمده بود و اگر خود را بر آسمان و دویم میند و دلیل که علم و دانش حاصل کند و اگر بر آسمان سوم میند و دلیل کند که عز و اقبال چنانچه یابد  
 و اگر آسمان چهارم میند و دلیل که پادشاه را دوست و مقرب کرد و اگر بر آسمان پنجم میند و دلیل کند که بیسبت و ترس و بیم یابد اگر  
 بر آسمان ششم میند و دلیل کند که بخت و دولت و نیکی یابد و اگر میند که بر آسمان هفتم برشته و لیکن در آستانه دید و دلیل کند که  
 کارهای وی بسبب مردی بزرگ بسته کرد و اگر میند که در آسمان هشتم است نگاه کردن و سرافراز کند و بود و دلیل که از دیدار مرد  
 بزرگ جدا کرد و اگر میند که فرشتگان از آسمان فرو آیند و بروی بکشد و دلیل کند که درهای علم و حکمت بروی کشا و کرد و دلیل  
 سیرین کوید که اگر کسی خود را بر آسمان میند و دلیل که او را سفری پیدا شود و در آن سفر و از مرتبت دنیا و غرض حاصل کرد و اگر میند که بر آسمان

سیرین کوید که آتشکده  
 و از آنجا چیزی بوی رسید  
 و لیل کند که آنقله نالت  
 و خاری بوی رسید لیکن  
 از بدی بر بد و سر انجام  
 پشیمانی نور و آه و کون  
 بدست آرد و کون شکوه  
 است دیدنش در خواب  
 لیل برنج و هماری بود  
 آرد و دلیل بود بر مال  
 و نعمت حلال که بی رنج  
 بد و رسید نایل گوید  
 اگر میند که در چون برف  
 از هوای آمد و لیل کند  
 که بقدر آن مال نعمت  
 حلال و حاصل کرد و از  
 آنجا که امید ندارد این  
 سیرین کوید جوینا و دل  
 درستی دین بود و آرد  
 و کند مانی بود و از  
 تجارت که بسیار فایده  
 بود و آرد و کاورس ال  
 اندک بود که حاصل کرد  
 و جابر مغزی کوید که از  
 فروش خواب دیدن مردی  
 باشد که دین خود را بدینا  
 آورده بود آرد و سیر  
 کرمانی کوید که آرد و  
 نیز خواب بروی باشد  
 که در میان دوستان و  
 خویشان بی کرد و این  
 سیرین کوید که آرد و  
 نیز خواب زنی بود و  
 فضول یا خادمی بود  
 بد اگر میند که آرد و  
 نیز بزرگ نافرمانی  
 گرفت با کسی بوی و  
 دلیل کند که زنی یا  
 خادمی چنانکه گفتیم  
 خدمتکار و دوست وی  
 کرد و بعضی از مقبران  
 کوید که مروی مصلح  
 که در خدمت او می بود  
 و دوست وی شود حضرت  
 صادق علیه السلام کوید  
 که آرد و نیز خواب  
 بر چهار وجه بود و  
 اول مروی مصلح و دوم  
 زنی فضول سیم خام  
 چهارم سیم منفعت  
 مذک آن روح کرمانی  
 کوید که اگر میند که  
 در خواب آرد و نیز  
 بر می آورد و دلیل  
 بود که سخی کوید که  
 او را از آن جرعتی بود  
 اگر میند که با آرد و  
 غلط بود و از کلویش  
 بیرون آمد و دلیل  
 کند که اجلش نزدیک  
 بود و محمد بن سیرین  
 کوید که اگر میند که  
 آرد و نیز ترش ناخوش  
 بر آورد و دلیل کند  
 که سخی کوید که از آن  
 حضرت و خطر میند  
 و اگر میند که آرد و  
 نیز چون دو دو بر  
 آورد و دلیل کند که  
 بی بی حکام سخی  
 کوید که از آن اورا  
 عیب کوید و ملاست  
 کنند و سر انجام از آن  
 پشیمانی خورد از او  
 شدن و انیال کوید  
 که اگر کسی میند که  
 از او شدن یا کسی  
 با او آزا کرد و  
 دلیل کند که اگر  
 باری بود و شفا  
 یابد و اگر وام دار  
 بود و امش کناره  
 ده کرد و اگر حج  
 کرده باشد بگذار  
 و اگر سنده بود  
 آزا کرد و اگر  
 کناره کار بود  
 تو بر کند و اگر  
 غمگین بود  
 پشیمان کرد و  
 از غم فرج یابد  
 و اگر عبوس بود  
 و خلاص یابد  
 و علی الحمله از او  
 می در خواب  
 بخایت نیکو و پسندیده  
 است آستانه کرمانی  
 کوید آستانه بالاین  
 در خواب که خلدی  
 خانه بود و آستانه  
 زیرین که بانوی  
 خانه و اگر میند که  
 آستانه بالاین در و  
 بیفتا و در خواب  
 سید و دلیل کند که  
 خلدی خانه میر و اگر  
 آستانه بالاین بود و  
 دلیل کرد و دلیل کند  
 زن اطلاق و بدون  
 دیگر بجزا و اگر  
 میند که آستانه  
 بالاین را بجز و  
 دلیل که خود را  
 هلاک کند و اگر  
 میند که هر دو  
 آستانه خوشتر  
 بجز و در خواب  
 کند که که بانو  
 که خدا بر و هلاک  
 کرد و آسمان و  
 انیال کوید که اگر  
 کسی خویش را در  
 آسمان دل میند و  
 دلیل کند که اجل  
 وی نزدیک است  
 آمده بود و اگر  
 خود را بر آسمان  
 و دویم میند و  
 دلیل که علم و  
 دانش حاصل کند  
 و اگر بر آسمان  
 سوم میند و دلیل  
 کند که عز و  
 اقبال چنانچه  
 یابد و اگر آسمان  
 چهارم میند و  
 دلیل که پادشاه  
 را دوست و مقرب  
 کرد و اگر بر  
 آسمان پنجم  
 میند و دلیل کند  
 که بیسبت و ترس  
 و بیم یابد اگر  
 بر آسمان ششم  
 میند و دلیل کند  
 که بخت و دولت  
 و نیکی یابد و  
 اگر میند که بر  
 آسمان هفتم  
 برشته و لیکن  
 در آستانه دید  
 و دلیل کند که  
 کارهای وی بسبب  
 مردی بزرگ بسته  
 کرد و اگر میند  
 که در آسمان  
 هشتم است نگاه  
 کردن و سرافراز  
 کند و بود و  
 دلیل که از دیدار  
 مرد بزرگ جدا  
 کرد و اگر میند  
 که فرشتگان از  
 آسمان فرو آیند  
 و بروی بکشد  
 و دلیل کند که  
 درهای علم و  
 حکمت بروی  
 کشا و کرد و  
 دلیل سیرین کوید  
 که اگر کسی خود  
 را بر آسمان  
 میند و دلیل  
 که او را سفری  
 پیدا شود و در  
 آن سفر و از  
 مرتبت دنیا و  
 غرض حاصل  
 کرد و اگر  
 میند که بر  
 آسمان

آسمان

باب الف

مفسر

سجده

آسمان سپردیم سفری بود با نعمت و برکت و اگر بیند که همچنان در است میسرید تا آسمان رسید دلیل کند که مضرت و رنج نیند و اگر  
بیند که آسمان رفت بدان نیت که بر زمین باز نیاید دلیل کند که نریکی و پادشاهی یابد و کاری بزرگ طلب کند و بسیار بد و اگر بیند که از  
آسمان بایست نمودن می تلخ و در دلیل کند بر خیر و سلامت و اگر بیند که مرغی از آسمان با وی سخن گفت دلیل بود که شادمان کرد و اگر  
گویی که اگر بیند که از آسمان سبب یاد بست چنانکه مردمان را از زمین بنیاد بود و دلیل که اجاش نزد یک بود و اگر بیند که بنیاد  
چون بنیاد دنیا از پشت و کل و کج و اجزا دلیل بود که خداوند خواب در دنیا مغرور کرد و اگر بیند که از آسمان انگبین می بارید دلیل کند  
مردمان را خیر و نعمت و غنیمت بود و اگر بیند که از آسمان ریخت یا خاک میبارید و اگر اندک بارید دلیل کند که نیک بود و اگر بسیار  
بود دلیل آن بد بود و اگر بیند که از آسمان کرم یا مار یا سگ می بارید دلیل بود بر عذاب خدای عزوجل بدان و بار و اگر بیند که خود را از  
آسمان فرو آورد و بخت دلیل کند که کار او بلند کرد و چاه بر خرابی که دیگران بیند که بر بالای هفتم آسمان رفت بجائی که و هم آنجا بکشد و فرو نیاید  
و دلیل کند که اجل او نزدیک آمد و بود و غایت که در این سبب بود و اگر خداوند خواب مستور بود و صبح و بیند که در آنجا فرو آمد دلیل که در آن  
دین را بد کرد و اگر خداوند خواب صبح و مستور نباشد دلیل بود که توبه کند یا هلاک کرد و اگر بیند که از آسمان بر زمین آمد و دلیل کند که از  
و بیماری بسر قهلاک رسد و بعد از آن شفا یابد و اگر بیند که در میان آسمان زمین بنیاد می بود چون قبه یا کوشکی که نه از سنگ و آجر  
بود و دلیل بود که خداوند خواب در اصل و عمل مغرور گشته بود و اگر بیند که در آسمان کشتی فرو دلیل کند که عمارت آن سال مستجاب کرد و  
و باران بسیار بار و آبها فراوان بود و قوله تعالی **فَفُتِحَتْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ** و **سَاءَ مَقِيلٌ** برای **بَابُ الْأَرْضِ عِوْنَا فَالْتَقَى الْمَاءُ كُلُّهُ**  
**أَمْرًا قَدْ قِيلَ** و اگر بیند که در آسمان در می از بهر روی یا از بهر مردم آند بار کشته کرد و دلیل کند که بر خیر و نعمت مردمان آند بار میبارد  
که با کشتن آن در اثر خیر ظاهر کرد و اگر بیند که آسمان بفتاد و دلیل کند که این و تعالی با وی بخشنه بود اما م جعفر صادق علیه السلام میفرماید اگر بیند  
که آسمان بکوبد و دلیل بود که در آن و یا خیر و صلاح و ایمنی بود و اگر بیند که بکوبد و دلیل بود که آن موضع رنج و بیماری بود و اگر  
بیند که آسمان رخ بود و دلیل کند که در آن و یا رخت و خون ریختن بود و اگر بیند که آسمان سیاه بود و دلیل که در آن و یا باران و فتنه عظیم بود  
و اگر بیند که آسمان روشن تر از آن بود که بود دلیل کند که او را حق تعالی روشنی تمام درین حاصل کرد و اگر بیند که باران او آسمان کشته  
شد و دلیل کند بر خیر و روزی بر او کشته کرده کرده عالم حکیم کرد و دوازده روزی بسیار ببرد و رسد و اگر بیند که در آسمان علامت های رنج  
بگرد و رعد و دلیل کند که پارسایان آن موضع را علامت مضرت بود و اگر بیند که آسمان را می پرستید و دلیل کند که بیدین و کراه کرد و دلیل  
اشعت که دیگر کسی بیند که از آسمان سنگ چون باران می آید دلیل کند که بلا می خفت و عذاب بابل آن موضع رسد و قوله تعالی **وَأَمْطَرْنَا**  
**عَلَيْهِمْ حِجَابًا مِّنْ سَاجِدٍ** و اگر بیند که از آسمان کندم و جو میبارید و دلیل کند که از آن و یا نعمت های الهی بقیاس بود و خلق با  
ایمنی و کسب و معیشت بود آستانه ابن سیرین که دیگر بیند که آستانه خانه وی بلند کرد و دلیل کند که بر قه آن مال و نعمت یابد  
و شرف و منزلت و اگر بیند که آستانه خانه او بفتاد و دلیل که از شرف و منزلت بفتاد و نزد مردمان خوار کرد و اگر بیند که از آستانه  
خانه وی آب صافی چون باران می بارید و دلیل که بقدر آن مال و نعمت باشد و اگر بیند که آستانه خانه وی مار و کرم می افتاد و دلیل

پادشاه یا از بزرگی و اراغ و اندوه رسد که مانی گوید اگر بیند که آستانه خانه بروی میفتاد و در زیر آن گرفتار گردد و دلیل کند که او بهیم  
 بلاست بود تو له تعالی حکیمانم الشکف من فقر قهرم و اگر بیند که آستانه خانه او برنگهای بتون و منقش بود دلیل کند که  
 و آرایش و نیا مشغول کرد و آسباب و انیال که بداند اگر بیند که در آسباب غله بردارد و آری کرد دلیل کند که از خداوند آسباب  
 خیر و منفعت رسد اگر بیند که سنگ آسباب شکست و از کا بهفتا و دلیل که خداوند آسباب بلاست کرد و اگر بیند که سنگ آسباب  
 بشکافت تا خلی در وی پدید آید دلیل که در معیشت خداوند آسباب سستی و غللی پدید آید اگر بیند که سنگ آسباب را کسی بر  
 و دلیل که خداوند آسباب را منفعت او مضرت شود این سیرین گوید که در آسباب بخواب جنگ و خصومت بود اگر کسی در  
 در آسباب بیند دلیل کند که او را با کسی جنگ و خصومت افتد اما اگر او را که آسباب شکست و او آسان تر بود و اگر که در آسباب غله داشت و اگر  
 که آسباب چگونگی بود و دلیل که سفر شود و اگر بیند که سنگ آسباب ریس یا از پنج یا از آهین بود این جمله دلیل بر جنگ و کارزار بود و اگر  
 بیند که سنگ آسباب از آهین بود دلیل کند که خصومتش با زبان بود و اگر بیند که آسباب سنگ یا آهن بجای غله آرمیکرد دلیل  
 کند که او را با کسی جنگ و خصومت سخت افتد و لیکن بیند که آسباب را بدست میگردانید دلیل کند که او را انباری سخت دل بود  
 و بوی غله او کارش نظام نباشد حضرت صادق فرماید که آسباب در خواب دیدن و آتش برینج وجه بود اول پادشاه دوم رئیس  
 ستم نوا که بکار مردم و دلیر جلد پیچم و آستانه لار پادشاه و دیدن جایگاه آسباب جای ریس بزرگ بود و اگر بیند که آسباب از خاک جنگ کرد دلیل  
 که اندران چیزی که آسباب منسوبست خراب کرد و آسبابان در خواب کسی بود که روزی اهل خانه بسبب آن بود که میکرد و دیگری  
 بدست می آورد و تا ابل آن خانه بدان تعیش کنند این سیرین گوید که دیدن آسبابان در خواب بتاویل مردی بود که مردم را در دست  
 او روزی بود و چون آسبابان جوان بود بتاویل نیکو باشد و اگر بیند که بت یا بخر میکرد دید یا با بستر و آورد  
 نیکو فرومی آید و دلیل بود که آسبابان را دولت و اقبال بود و اگر بوقت کردیدن آسبابان با ناک سنگ آسباب میشنود و دلیل کند که  
 کار وی خیر بود و آشتی کردن این سیرین گوید اگر بیند که کسی آشتی کرد و دلیل که عرش دراز کرد و اگر بیند که در آشتی کسی را  
 بفساد وین خواند دلیل که ویرا بصلاح خیر و راه دین خواند اگر بیند که دشمن کسی را بصلاح دین میخواند دلیل که وی را بفساد و راه شر  
 خواند حضرت صادق میفرماید که آشتی کردن در خواب دلیل کند بر سه وجه اول بر درازی عمر و دوم بر قوه ستم بر سیرت عقدا  
 پسندیده آغوش گرفتن کرمانی گوید اگر کسی بیند که معروفی در آغوش گرفت دلیل کند که اگر آنکس مستور بود و مصلح از وی خیر  
 دین یابد و اگر بیند که کودی را در آغوش گرفت دلیل بود که خوشکار و محب فرزند بود و اگر بیند که شیر یا در آغوش گرفت دلیل  
 که با دشمن مصلح کند آفتاب و انیال که بداند که آفتاب در خواب پادشاه بود یا خلیفه بزرگوار اگر بیند که آفتاب را از آسمان  
 فرافت یا ویرا بلاست خویش گرفت دلیل که پادشاهی و بزرگی یابد یا دوست و مقرب پادشاه کرد و اگر بیند که خود آفتاب  
 دلیل کند که پادشاه کرد و بر غله و روشنائی آفتاب اگر از ابل آن نباشد بر قوه و همت و اصل خویش بزرگی و عظمت یابد  
 و اگر بیند که با آفتاب جنگ بود دلیل که پادشاه با او جنگ و خصومت کند و اگر بیند که جایگاه آفتاب با جایگاه ماه قمر

پادشاه یا از بزرگی و اراغ و اندوه رسد که مانی گوید اگر بیند که آستانه خانه بروی میفتاد و در زیر آن گرفتار گردد و دلیل کند که او بهیم

بلاست بود تو له تعالی حکیمانم الشکف من فقر قهرم و اگر بیند که آستانه خانه او برنگهای بتون و منقش بود دلیل کند که

و آرایش و نیا مشغول کرد و آسباب و انیال که بداند اگر بیند که در آسباب غله بردارد و آری کرد دلیل کند که از خداوند آسباب

خیر و منفعت رسد اگر بیند که سنگ آسباب شکست و از کا بهفتا و دلیل که خداوند آسباب بلاست کرد و اگر بیند که سنگ آسباب



شد دلیل که پادشاه گرد و مملکت بروی تقیم گرد و قرار گیرد و اگر بیند که نور آفتاب بسته دلیل که ملک از پادشاه بزرگستان  
 و اگر بیند که آفتاب را فرات گرفت لیکن نه از آسمان و نور و شعاع داشت و نیز تاریک و تیره هم نبود دلیل که ملک از عظمای  
 فرج یا دیگر بیند که آفتاب تیره و تاریک بود و بجای خویش نبود دلیل که پادشاه محتاج کارهای وی شود و این سیر  
 که آفتاب در خواب پادشاه بزرگوار بود و ماه و روز و هر روز پادشاه و عطا دهد و پادشاه و هیچ پهلوان پادشاه و ستارگان  
 دیگر لشکر او بود و جابر مغربی گوید که آفتاب در خواب بدر بود و ماه و روز بود و ستارگان دیگر لشکر پادشاه بود چنانکه حق تعالی در کتاب خود  
 یوسف صفت یاف کرده است قوله تعالی اِنَّ رَاسِیَ وَ اَنْتَ اَحَدُ عَشَرَ كَوْكَبًا وَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ وَ اَمَّا قَوْمُکَ مِنْ سَاجِدِیْنَ  
 و هر زیادت و نقصان که در آفتاب و ماه بیند دلیل بر پدر و مادر و برادران بود و اگر بیند که آفتاب روشن و پاکیزه برآمد و در خانه  
 وی یافت دلیل کند که از خویشان خود زن خواهد اگر بیند که بر یا چیزی دیگر نور آفتاب را بر پادشاه ندلیل که حال بر پادشاه مقرر  
 و الحاشی بر شود و خاصه وقتی که بیند آفتاب منکسف گردید و اگر بیند که آفتاب از تیرگی روشن شد دلیل کند که پادشاه بیمار گردد لیکن  
 زود بر شود و اگر بیند که بر جرم آفتاب رسی یا رشته فرو بسته بود و دست بر این رسن زد و دلیل که از پادشاه او را فوت و یاری بود  
 و اگر بیند که آن رسن گسست و او بیفتاد و دلیل که از بزرگی و منزلت بخت و اگر بیند که آفتاب یا ماه را سجد کرد و دلیل که گناه یا خطائی از او ظاهر  
 و اگر بیند که آفتاب یا ماه یا جمله ستارگان در یکجا جمع شدند و او جمله را گرفت و نور ایشان بسته دلیل که پادشاهی جهان بکشد و پادشاه  
 جهان جمله مطیع او شوند و اگر بیند که آفتاب و ماه و ستارگان را گرفت و همه تیره و سیاه بود و دلیل کند که بیند خواب ملک کرد و خاصه  
 که ظالم و ستمگر بود و گمانی گوید اگر بیند که در میان آفتاب نقطه سیاهی بود و دلیل کند که پادشاه از بخت ملک دل مشغول بود و اگر بیند که دو  
 پادشاه را با هم جنگ و خصومت بود و دلیل که دو پادشاه را با هم جنگ و خصومت افتد و اگر بیند که آفتاب بر زمین و بهج نور داشت  
 و دلیل بود که پادشاه اندام را محزون کرد و او را مملکت بی بهره ماند و اگر آفتاب را بدست خویش دید سیاه گردید و دلیل که پادشاه را غمی بزرگ  
 رسد و او را نیز از آن بهره جو و اگر بیند که آفتاب در سوراخی فرو شد و ناپدید گردید و دلیل که پادشاه از دنیا رحلت کند و عاقله مردم را غم  
 رسد و اگر بیند که آفتاب در ستارگان را بر آید پادشاه بیند دلیل که پادشاه و لشکرش از پیش دشمن بهریمت شوند و اگر بیند که آفتاب را بهی  
 پیوسته دلیل که پادشاهی بزرگ مقرب گردد و اسمعیل اشعث گوید اگر کسی دید بر فلک نشست و روی آفتاب کرد پس دیگر بار  
 روی از آفتاب برگردانید و دلیل که اگر سخت گاف و بود پس سلمان کرد و در اجابت کافر کرد و اگر بیند که آفتاب باز و دیده دلیل بود که پادشاه  
 اندام را بخت خیری جزئی رنجی رسد از جای که امید ندارد و اگر بیند که آفتاب با وی سخن گفت و دلیل کند که پادشاه جاه و حشمت  
 و بزرگی یا حضرت صادق میفرماید که تاویل دیدن آفتاب بر پشت و چه بود اول خلیفه و دوم سلطان بزرگ تقیم پیش چهارم عالمی  
 بزرگ پنجم عدل پادشاه ششم منفعت و عیت هفتم و رازن و زن رانشی هشتم کار و وس نیکو و هم او گوید اگر بیند که آفتاب را سجد  
 کرد و دلیل که سلطان او را بنواز و مقرب خود گرداند و کار وی بالا گیرد و عدل و انصاف و شرف و امیران و یارید و یا در شعل  
 آفتاب بخراب ویدن ضد آن بود که گفتیم آفتاب به این سیرین گوید که آفتاب به در خواب زن خادمه بود و یا کینه که چراغ خانه بد

بایک

بایک

بایک

بایک

بایک

بایک

بایک

تسلیم کنند و بعضی از متبحران گفته اند که آفتابه خادم قومی بود که آن قوم بطاعت او گرد آید و از عصیت پرسی کنند و اگر بیند که آفتابه  
 داشت یا کسی بدو داد و دلیل کند که در خادومه یا کثیره کی حاصل کرد و بدین صفت که گفتیم و اگر بیند که آفتابه شکست و دلیل که خادومه یا  
 لیکت بیمار کرد و یا میر و اگر بیند که آفتابه ارضایع کرد و دلیل که خادومه یا لیکت او بگیرد یا از او جدا کرد و حضرت صادق علیه السلام میفرماید  
 که آفتابه در خواب بر نه وجه بود اول زن و دوم خادم سیم کینه چارم بوم پنجم ششم عمر در از به قتم مال و هفتم بستم خیر و ثبوت  
 نهم راحت از جهت زمان الحج بدانکه الحج را بتاری رغو و کوسید اگر کسی در خواب بیند که الحج بهی خورد و دلیل که او را حج و بیماری رسد بقدر آن  
 کرمانی که دید اگر بیند که الحج داشت یا کسی داد یا آنرا از خانه بیرون ریخت و از او بخزد و دلیل که از حج و بیماری امن کرد و علی الحلیه خوردن  
 الحج در خواب در او هیچ خیر و منفعت نباشد آگاس ابن سیرین که دیدن آگاس در خواب مال بود اگر بیند که بر تن او آگاس پیدا شده  
 بود و دلیل کند که بقدر آن او را مال حاصل کرد و خاصه چون که در آن آگاس بریم بیند که بسیار بود کرمانی که دید اگر بیند که بر تن او آگاس بود  
 چنانکه او را هیچ نماید و دلیل که بقدر آن مال خلال یا بدو اگر آگاس حیان نباشد که بدو هیچ نماید و دلیل بر مال حرام کند حضرت صادق علیه السلام میفرماید  
 که دیدن آگاس بر تن هیچ وجه بود اول مالش زیاده کرد و دوم زنی با منفعت خواهد سیم پسر آور و چهارم حاجتش روا کرد و پنجم  
 ایمن کرد و از غنما و اگر همه تن خود را آگاس بیند دلیل که این پنج چیز که یاد کردیم او را حاصل کرد و آگاس و انیال کوید که اگر کسی  
 بیند که با آگاس موی از تن بستر و دلیل که اگر مال دار و بقدر آن موی که بسترده بود او را مال حاصل کرد و اگر غمگین بود از غم فرج  
 یابد و اگر دایم دارد و دوش گذارده کرد و ابن سیرین که دید آگاس کردن در خواب توانگر را زبانی مال بود و در ویش را گذارن دایم  
 و کافران ایشان مسلمان می باشد حضرت صادق علیه السلام میفرماید که آگاس در خواب بر تنه وجه بود اول خبر بد بود و دوم خشمنا می رشت تا پیش  
 سیم کارهای دشوار و عمارت کردن با آگاس در نایل بدو و آگاس ابن سیرین که دید که آگاس معمول بخواب دیدن نادید بود و اگر  
 نه معمول بود چیزی از متاع دنیا بدو رسد بقدر آن و اگر بیند کسی بیند که آگاس بوی او اند و دلیل که از متاع دنیا بقدر آن آگاس چیزی بدو مشکلی  
 کوید که هر آگاس که کسی بخواب بیند که آن بسبب صلاح دارد و از منسوب پادشاه بود چنانکه خدای عزوجل در کلام مجید خود فرموده است قُلْ لِّعِبَادِیَ  
 الْحَدِیْدُ فِیْهِ بَاسٌ شَدِیْدٌ وَمَنْ فَخَّ لِلنَّاسِ وَآلَکَ بَیْنَهُمْ اَکْبَرُ و اگر بیند که آگاس از سنگ بیرون می آورد و دلیل کند که او را سختی پیش آید  
 قَوْلَهُ تَعَالٰی فَلَکُمْ اَنْحَارٌ مِّمَّا یَخْرُجُ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِمْ مِنْ جَبَلٍ مِّنْ سَمَرٍ و اگر کسی بخواب بیند که آگاس  
 سیکرد و نه از این کار بود و دلیل که او را با کسی خصومت افتد و اگر آگاس بود و دلیل کند بر خیر و منفعت و بعضی از متبحران گفته اند که اگر  
 بتاویل پادشاه بر گشت بود و او را ابن سیرین که دید که آگاس بخواب چون معروف بود و دلیل پادشاه بود و اگر معروف بود و دلیل  
 نیک و بد آنچه دیده بود و با آگاس باز کرد و اگر بیند که آگاس یا مس می گذاخت و دلیل کند که این کس مرد ما را از خبیثت کند و شقی  
 کوید حضرت صادق علیه السلام میفرماید هر چه از آگاس بخواب بیند که از وزن بود آن هم منفعت و قوه و ولایت و توانائی و نظیر یافتن بر دشمن بود و آگاس  
 کوید اگر بیند که آگاس را گرفت و دلیل که لیکت خبری او را حاصل کرد و اگر بیند که کلوی آگاس برید و دلیل که دشمنی که دشمن را برید و اگر بیند که آگاس  
 کلوی برید و دلیل که با لیکت بخلاف شریعت مجامعت کند و اگر بیند که پوست آگاس را بکشد و دلیل که با زنی غریب زنا کند

و اگر بیند که پوست آهوا بهی خورد و دلیل که او را از زنی خوب روی حاصل گردد و اگر بیند که پوست آهوا با گوشت یا پیاز اورد  
عاید شد دلیل که او را از زن مال رسد و اگر بیند که آهوا بکشت دلیل که از قبل زن اندوین کرد و این سیرین که پدر اگر بیند که بی انگ  
گرد آهوا رو و بیفکند دلیل که کنیز یا زنی را و پیشتر کی نبرد و اگر بیند که آهوا وقت شکار بیفکند دلیل که غنیمت یابد و اگر بیند که آهوا  
در خانه اورد و دلیل که از جبهه زن غم و اندوه بدور رسد و اگر بیند که آهوا را بسکت یا به تیر زد و دلیل که سختی نماند و اگر زنی را با خنجر یا  
کود اگر بیند که چاقو را گرفت یا کسی بدو داد و دلیل که ویران از کنیز کی فرزند آید حضرت صادق علیه السلام فرمود که وینا بود خواب بر چاه و  
بود اول زن و دیم که کنیز ستم فرزند چهارم منفعت از زنان آواز ابن سیرین گوید که آواز مرد در خواب چون بلند بود دلیل  
کند که در میان مردم بزرگی یابد اگر کسی بیند که آوازش بلند گشته بود دلیل کند بر قدر بلندی آواز و نام و با کنش بلند کرد و اگر بیند که  
آوازش ضعیف گشته بود دلیل که با ناک و نامش ضعیف گردد چنانکه کس یا داد و کند که مانی گوید بلندی آواز مردان را دلیل شرف  
و بلندی نام کند اما بلندی آواز زنان در خواب نیکو نباشد و بخلاف آواز مردان بود بسیاری آویختن و انیال گوید اگر کسی  
بیند که پادشاه فرمود تا او را بیاورند و دلیل که از پادشاه حشمت و جاه و بزرگی یابد لیکن دلیل که در پیش خلل افتد و اگر بیند  
که هنگام آویختن مردمان نظر دوری میکردند و دلیل که بر عدالت و تقوم مهتری و فرمان روائی یابد اگر بیند که روی صبح و ویران  
و دلیل که بر تقوم مهتری و فرمان روا کرد و اگر بیند که پیری مجهول و پیرایا و بخت و مردمان بنظر آید و بی بود و دلیل که بر خلق  
جهان فرمان روا کرد و چون بیند که خوشان بنظر آید و بی بود و اگر بیند که خوشین را بیایا و بخت و بیچس روی بنظر آید  
بلکه خور آویخته بی دید دلیل کند که خواهد بر خوشان خود و مهتری کند و لیکن کسی مطیع او نکند و جابر مغربی گوید چون دیر آویخته  
بود و در میان برید و بیفتاد و دلیل که از بزرگی و جاه و حرمت پیفتد آئینه ابن سیرین گوید که آئینه در خواب جاه و ولایت  
بود و اگر بیند که آئینه داشت یا کسی آئینه بوی داد و دلیل کند که بقدر بزرگی آئینه جاه و منزلت و ولایت و نعمت یابد و اگر  
بیند که آئینه کسی داد و دلیل که مال و متاع خویش پیش کسی نهد و اگر بیند که در آئینه سیمین نگاه میکرد و دلیل که از حرمت و جاه و  
کرامت بلند تر که معجزان آئینه سیمین را کرده و بیند و اندک مانی گوید که اگر مردی در آئینه آئینین بی نگرید دلیل که اگر زن  
بی حاله بود پس آورد که بجهت چیز مانده پدر بود و اگر زن بیند که در آئینه سیمین است و آئینین بود و دلیل که دختری آورد که بجهت  
چیز مانده ما و بود و اگر زن آئینین نباشد و دلیل که شوهر را طلاق دهد و زن دیگر بخوابد و آئینین شوهری دیگر کند و اگر بیند  
که در آئینه نظر میکرد و دلیل که او را برادری آید و اگر دختری نگاه کند و برادر خواهری آید و اگر پادشاه یا عالمی نگاه کند معزول  
گردد و ولایت از دست او برود و کسی دیگر بجای او نشیند جابر مغربی گوید که روی نیکو در خواب آئینه دید چون معروض  
بود پادشاه بود و اگر معروض نباشد تاویل نیک و بد هر چه دیده باشد آئینه باز کرد و حضرت صادق علیه السلام فرمود که  
دیدن آئینه بجای شش وجه بود اول زن دیم که پس ستم جاه و فرمان چهارم یار و دوست است پنجم آواز ششم کار و  
هفتم او گوید اگر مردی غیب آئینه در خواب بلند دلیل که زن خواهد و بزرگی یابد و اگر دختر بیند دلیل که شوهر خواهد و بر شوهر عزیز

باب

حرکت

در بخت

در آئینه

برای

و گرامی بود و اگر بیند که مردی مجهول آئینه بدو داد و در وی نگریست دلیل که بدین دوستی غایب شود مان کرد و  
ا بر دیدن در خواب و انیال کوید که بر بخت بدیدن برشش نوع بود اول بر سفید و سیاه و زرد و سرخ و ابر بارنده و نابارنده  
و بر بخت بر بخت بر بخت است و اگر کسی خویش را در زیر بر سفید بارنده و بدلیل که خدای عزوجل بر علم و حکمت ارزانی داد  
و مردمان از علم و حکمت او منفعت رسد و اگر بیند که در زیر بر زرد و بود دلیل که بهیچان که بعضی از متعبران گفته اند که زنی خواهد  
و از وی بخت و غم و اندوه کشد اگر بیند که در زیر بر سرخ بود دلیل که بر محنت و بلا گرفتار گردد و زیرا که خدای عزوجل بر هر کس که عدا  
و ستاوی بخت بر سرخ بر فرازان ظاهر شدی و اگر بیند که بر فراز بر سر راست با ایستاد دلیل که بقدر آن فرمان روائی نماید و اگر  
بیند که بر سر سبزی میگذشت دلیل که او را با کسی نیکو جاده و نیکو عهد صحبت افتد و مراوش از وی حاصل گردد و این سیرین  
اگر بیند که بر سر ابرو و بخت ابرو را ندلیل که او را با علما و حکما صحبت افتد و اگر این خواب را با پادشاه بیند دلیل که در ولایت خویش  
رسولان و صاحب خیران فرستد و اگر بیند که بر سر از بخت و بخت و بر زمین آورد و دلیل که کارش نیکو گردد و بزرگی یابد و علم حاصل  
و اگر بیند که بر سر سبزی سایه می کرد و دلیل که در آن سال خیر و نعمت بسیار یابد و قوله تعالی وَحَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغُلَامَ فَاَنْفُلْنَا  
عَلَيْهِمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّكَّوْیَ کَلَّا اَکْرَبْنَاهُ اَنْ یَّجْزَا جَاسَ و در وقت بود و در پوشید دلیل که چندان علم حاصل کند که کس  
بنمود و اگر بیند که بر سر بهمان را پوشید و هیچ باران نبود و دلیل که بدو گرفتاری کوید که اگر بیند که بر سر جمع کرد و بار داشت یا بخود  
دلیل که در میان حکیمان محتار نشود و در دانش یگانه گردد و در جابر مغربی کوید که اگر بیند که بر سر میخورد و دلیل که در حدیث او از  
حکمت بود و اگر بیند که بر سر سیاه بر فراز موضع جامی کشیده بود و دلیل بر ششم و غذا جفتی بود و اندک اریس هر که اندران بر نرنگت تر بیند و غذا  
حتی که نزدیک بود و اگر بر باران بیند و دلیل بر هجتم و خیرات کند و اگر بیند که از بار باران همی خورد و دلیل که بقدر آن ویرانست نیکوئی رسد و اگر  
با بر باران و در حدیث بود و دلیل که بر ترس از دعای مادر و پدر یا از دعای مسلمانان و اگر با بر حد برق بیند این غذا بهمانه و تیر بود و اگر  
صاعقه را عذاب صعب تر بود و اگر بیند که در خانه وی و جایگاه نشستن ابر کشیده شده است دلیل که فرزند او از پیش  
حکمت بود و دانش نیز حاصل کرد و بر قدرشکی و تاریکی حضرت صادق ع فرماید که اگر بخت خواب دیدن بر نه وجه بود اول حکمت  
و دوم ریاست سیم پادشاهی چهارم رحمت پنجم بر بخت کار می ششم عذاب هفتم شطه هشتم با نهم فتنه اسمعیل شصت  
کوید که ابر سیاه بخت و دلیل سیم و ترس و سختی بود و ابر باران برکت و خیر و فراخی بود و نیز غم و اندوه بود و اما آن ابر که از کتا  
دریا آرند که بتازی آنرا سفید خوانند دیدن وی در خواب غنیمت بود و بر قدر آنچه دیده بود ابر و با این سیرین کوید ابر و  
دیدن بخت و این بود و اگر بیند که ابر و دانش تمام بود و هیچ نقصان در آن نبود و دلیل که در زینت وی تمام و کمال بود و اگر بیند  
که ابر و دانش خود بخت و دانش بخلاف این بود که مانی کوید که اگر بیند که ابر و دانشت یا موی ابر و دانشت و دلیل که اینک  
چیزی کند که از آنچه می خواهد نامی و فساد و این حاصل کرد و اگر بخلاف این بیند دلیل که قصد چیزی کند که ویرانیت نامی صلاح  
و این حاصل آید و اگر بیند که ابر و دانش سفید گشته بود و دلیل که علم و استسکی وی زیاده کرد و لیکن مالش را نقصان بود و جابر مغربی کوید

و

باید  
باید  
باید

اگر کشت بر وی نویشتار بخت دید و یکد و یکد کند و مال و جاه وی نقصان افتد و بعضی گفته اند که دلیل  
بر نقصان زینت دین وی کند ابریشم بداند که تاویل بریشم همچو تاویل قریب و دور حرف خاف گفته میشود و خواهد شد بل افسوس  
و انیال کوید که دیدن بلیس بجای لیل بر دشمنی بود بدین و دروغ زن و فریبده و بیستم و نوسم از نیکی و مردمان را همه بدی آموز  
و شرف و فساد اگر بیند که با بلیس در جنگ و بنزد بود و او را شکر کرد و دلیل که دیر بخیر و صلاح میل بود و اگر بیند که بلیس بر وی غلبه کرد و دلیل  
که براه شرف و فساد میل بود و اگر بیند که بلیس با وی سخن میگفت و دلیل کند که او را از راه بگرداند و او را از طاعت باز دارد و اگر بیند که بلیس  
او را بضیعت میکرد و وی را خوش می آمد و دلیل که او را هم مال و هم بدن حضرت رسد و اگر بیند که بلیس دست او گرفت و بجای میبرد  
و او گفت که لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم دلیل که بکجا بزرگ مبتلا کرد و بعد از آن بضیعت کسی از آن گناه باز آید  
و اگر بیند که بلیس را بر گردن غل نهاد و دلیل که اهل دین و صلاح را شاد می رسد و اگر بیند که بلیس ضعیف و ورمانده بود و دلیل که  
و مردمان مصطلح را قوت بود که مانی کوید اگر بیند که بلیس را مطیع شد و دلیل که هوای نفس مبتلا کرد و اگر بیند که بلیس چیزی را عطا  
داد و اگر آنچه نیک بود و دلیل که مال حرام یا بد و اگر آنچه بد بود و دلیل بر فساد دین کند و اگر بیند که بلیس شاد و مفرح بود و دلیل که کار  
مردمان بفساد و قوی کرد و اگر بیند که بلیس را خواست که شمشیر زند و بکشد و بکجایت و دلیل کند که ولایتی بدست او رود و عدل  
و انصاف کند و اگر بیند که بلیس را بکشت و دلیل که نفس خود را فدا کند و راه صلاح و رزق و از دین برین سیرین کوید اگر بیند که از زیر  
داشت و دلیل که بر فزاد و دیرا چیزی از متاع دنیا حاصل کرد که در زیر آلتها بود چون کاسه و طبق و مانند این و و اند که ملک است  
و دلیل که بقدر آن و دیرا خدمتکار و چاکر بود که مانی کوید اگر بیند که از زیر می که اخذ و دلیل بود که در زبان مردم افتد بدی خضر صفا  
فرماید که دیدن از زیر در خواب ستم و جبه بود و اقل منفعت و دیم خدمتکار ستم متاع خانه از ش ابن سیرین کوید اگر بیند که بارش  
یا چیزی دیگر بارش می چید و او را سود و منفعت بود جابر کوید اگر بیند که رسن یا جامه شین بود و دلیل که در سفر بقدر آن مال حرام بد  
از ۵ ابن سیرین کوید اگر در خواب بیند که بازه درختی را و گیل کند که از صحبت مردی که تقی بدان درخت دارد و مغارت چید و او را بسیار  
و تاویل بر درختی در حرف و ال همان کنیم و اگر بیند که فرزند یا برادر یا خواهر خویش را بازه بد و پاره ببرد و دلیل که مانند آن دیرا فرزند  
و دیگر بسیار دیرا خواهر کرمانی کوید اگر بیند که از ۵ فراق گرفت یا بگریه یا کسی بد و او دلیل که اگر سپردار و دیرا سپر سیه و دیگر  
و اگر دختر دار و وی را دختری دیگر آید و اگر فرزند ندارد و چهار پای دارد و دلیل که چهار پایی مثل آن و بر حاصل کرد و خضر صفا قوی فرماید که از  
در خواب دیدن بر ستم و جبه بود و اقل فرزند و دیم خواهر یا برادر ستم انباز از ابن سیرین کوید که از در خواب زن بود و اگر بیند  
که از در میان بست و دلیل که زن خواهد یا کنیزی خورد و اگر بیند که از راه وی ضایع شد و دلیل که از زن جدا کرد و اگر بیند که از راه  
دیرا دلیل نقصان و عیب زن بود و اگر بیند که از راه وی با شش سوخت و دلیل آفت و بیماری زن بود و جابر مغربی کوید اگر بیند که از راه  
بیشین یا پنه بود و دلیل که زن او ستیزه و دین دارد و اگر بیند که از راه وی چرخ داشت و دلیل که خلاف این بود و اگر بیند که از راه  
فرزند یا برایشین داشت و دلیل که دیرا زنی معاشره یا منکر بود و پیغمبری و انیال که کوید اگر بیند که او پیغمبری شد از جمله پیغمبران خلق

باید

باید

باید

باید

باید

بخدا منزه و راه توحید می نمود و دلیل کثرت محبت و ملاک غنا کرد و بعد از آن بروشمنان ظفر یا بدو اگر بیند که راه مستقیم  
 همین دلیل کند لکن محبت و بلا می وی در دنیا کمتر از آن بود و اگر بیند که او ششم و نوا نکر کرد و بیعت و دنیا بروی فراخ کرد و اما دین را  
 تنه کرد و کرمانی گوید اگر بیند که نام وی تغییر شد چنانکه او را نام نیک خوانند چون محمد و محمود و سعد و سعید و صالح و علی  
 و مثل این دلیل بود که او را بدگر خیر و نیکی یا سازند و اگر بخلاف این بیند مردمان و برایش و بدی یا نکنند و اگر بیند که او یا دشمنان یا  
 یا قاضی شد و دلیل که در شغل خویش عدل انصاف نگاه دارد و اگر بخلاف این بیند دلیل شر و بدی بود جا بر مغربی گوید اگر بیند که  
 صلاح نفسا و متبدل شد و دلیل که بدگر بخشی و او باری وی و اگر بخلاف این بیند دلیل بود بر سعد و اقبال و دین و دنیا می وی از او یا  
 ابن سیرین گوید از او را بخواب دیدن دشمن بزرگ و اندر دشمنی قوی بود و اگر بیند که از او بی داشت دلیل که بزرگان  
 اگر بیند که با از او با جنگ و نبرد میگرد و بر او خیره شد و دلیل که بر دشمن او را جنگ و خصومت افتد و سر انجام دشمن را قتل کند اگر  
 که از او را بکشت و کشت وی بخورد و دلیل که بر دشمن ظفر یا بدو مال بتاند و هزینه کند جا بر مغربی گوید اگر بیند که از او را بخورد  
 و دلیل که بر دشمن بود که دشمن و بر ملاک کرد و اند اگر بیند که بر پشت از او نشته بود و از او مسطح و فرمان بر او بود و دلیل که  
 بزرگ و بر او مسطح و فرمان بر او و کارهای او بنظم کرد و اسپندان کرمانی گوید اگر اسپندان بیند دلیل غم بود اگر بیند که  
 همی خورد و دلیل که بقدر آن و بر غم و اندوه رسد اگر بیند که کسی اسپندان بدو داد و دلیل که غمی از انگس بر دل می حاصل کرد و اگر بیند که  
 اسپندان و بخشی را و غمی از وی بر دل او حاصل کرد و اسامعیل اشعث گوید اگر بیند که اسپندان داشت لکن بخورد یا بکسی او  
 یا از خانه بیرون نکند و دلیل که او را غم و اندوه کمتر بود و اسب و انیال ماکوید که اسب تازی را بخواب دیدن و دلیل بزرگی  
 و غم و جاه بود و اگر بیند که بر اسب تازی نشسته بود و آن اسب مسطح و فرمان او بود و دلیل که غم و بزرگی و دولت یا بد بر قدر  
 نیکوئی و وقت است اگر بیند که اسب را فرار گرفت و نه تازی بود یا کسی بدو داد و بروی نشست دلیل که شرف و بزرگی یا بد  
 لکن کمتر از آن که در اسب تازی کفتم و اگر بیند که از آن اسب چیزی کم بود یا زین یا بند زین یا لکام و دلیل که بر قدر آن نقصان  
 و بزرگی او بود و اگر بیند که اسب ویران نبوده و دراز بود و دلیل که بر قدر آن وی را خادمان باشند و چاکران و اگر بیند که زین  
 اسب و بریده بود و دلیل که ویران خادمان و چاکران نباشند اگر بیند چیزی از اندام اسب و ناقص بود و دلیل که بقدر آن از غم و شرف  
 او نقصان بود و اگر بیند که با اسب جنگ و نبرد می کرد و اسب غالب بود و فرمان بروی نبود و دلیل که معصیت و کناه که محبت  
 ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که بر اسب برهنه نشسته و دلیل که معصیت و معصیت و کناه و بیشتر بود اگر آن اسب از کسی دیگر بود آنچه  
 خداوند اسب را بود و اگر بیند که اسب برهنه بود لکن مسطح او شد و دلیل بزرگی و شرف او بود و اگر بیند که بر اسبی نشسته بود و آن  
 اسب بر بام خانه یا بر دیوار ایستاده بود و دلیل آنچه گفتیم از کناه بیشتر و معصیت کند و اگر بیند بر اسبی نشسته بود و آن اسب در  
 حی پرید یا بیند که آن اسب را پر را بود چون مرغی پرید دلیل که بر شرف و بزرگی بود و دین و دنیا و باشد که خداوندش سفر کند  
 کرمانی گوید اگر بیند که بر اسب ایستاده بود و دلیل که کاری کند که بروی کواهی دهند و اگر بیند که بر اسب سیاه نشسته بود و دلیل که

سیاه

سیاه

سیاه

سیاه

باب

کند که ویرا مال و هتري مایل کرد و اگر بید که بر اسب کیت نشسته بود دلیل که از پادشاه فوت و بزرگی یابد و اگر بید که بر اسب  
 اشخرب بود دلیل که بر صلاح دین و حرمت او از پادشاه و اگر بید که بر اسب زرد بود دلیل که اندک بیماری یابد و بر اسب سهند  
 دلیل بود و اگر بید که بر اسب سمر بود دلیل که بدخیر و صلاح و اگر بید که بر اسب سلیس بود دلیل که زن خواهد و اگر بید که از اسب فرو و آمد  
 دلیل که از شرف و بزرگی برفت و اگر بید که از اسب برهنه فرو آمد دلیل که از گناه و محصیت باز آید و اگر بید که بر اسب نشسته بود و  
 تمام پوشیده بود دلیل که شرف و بزرگی یابد چنانکه کس را از آن مانع نباشد و دشمن بر او ظفر نیابد و اگر بید که اسب را می تاخت تا  
 جنگ کند دلیل که از وی گناهی در وجود آید یا ترس و دوی بدورسد بر قدر تافتن اسب و اگر بید که بر اسب نشسته بود  
 و اسب او را در مسجد برود دلیل که هیچ خیر از این نبود مگر بید که اسب او را از آنجا بیرون آورد و اگر بید که اسب او را مر اعتر  
 می کرد دلیل که مال و دولت یابد و اگر بید که اسب با وی سخن گفت دلیل بود که کاری کند که مردمان را از آن شکفتند  
 و اگر بید که اسب بیکانه در سرای وی درآمد یا در کوچه وی دلیل که مردی شریف نام دارد و سرای او در کوچه وی درآمد بقدر  
 و حقیقت اسب در آنجا مقام سازد و اگر بید که اسی از کوچه او بیرون رفت دلیل کند که مردی شریف نام دارد و در کوچه  
 او غایب گردد یا بمیرد یا برکد و اگر بید که اسب ما دیان فرا گرفت یا کسی بدو داد و بروی نشست دلیل کند که زن  
 خواهد و بروی مبارک بود و اگر بید که آن ما دیان بگونه سیاه بود دلیل کند که آن زن شریف و نامدار نباشد و اگر بید که آن  
 ما دیان ابلق بود دلیل کند که زن را مادر و پدر از یک نسل نباشند و اگر ما دیان جرمه باشد دلیل کند که آن زن خوب  
 روی و با جمال بود و اگر آن ما دیان سبزه رنگ باشد دلیل که آن زن دین دار و پرستگار باشد و اگر اشقر بود دلیل که آن زن  
 غریز و خداوند جاه بود و اگر کبیت بود دلیل که آن زن معاشر و طرب دوست بود و اگر بید که آن ما دیان کره داشت  
 دلیل کند که زن را فرزند بود چنانکه اگر کره او نر بود دلیل که آن زن را پسر بود و اگر ماده بود دلیل کند که فرزند زن دختر بود  
 و اگر بید که کدشت اسب همی خورد دلیل که پادشاه او را خاستار کرد و دو بخوشتن نزد یک کند و اگر بید که در پس کسی  
 با سپر نشسته بود دلیل کند که آن مرد که در پس وی نشسته بود تاج او کرد و اگر بید که اسبان بسیار پیر من سرایا کوچه او بود  
 دلیل که در آن موضع باران بارد یا سیلاب روان کرد و اسمعیل اشعث کوید اگر بید که بر اسب رهوار نشسته بود دلیل که  
 توانا با صلاح برنی بخاهد و اگر اهل آن نباشد زیرا که با چنین فی مصاحبت افتد و از او منفعت و نیکویی یابد و اگر بید که گوش  
 اسب او بریده بود دلیل کند که پیغام مهمتر از وی بریده کرد و اگر بید که اسب بر در آمد و زود برخواست دلیل کند که  
 بعضی از شغل وی خلل افتد و دیگر بار با صلاح باز آید و اگر بید که اسی خریذ بی دم و بر او نشسته دلیل کند که زنی بی حسن را برنی  
 بخاهد و اگر بید که با اسب بهوایر شده و بعد از آن از هوا فرو آمد دلیل کند که بر دست پادشاه پلاک کرد و اگر بید که اسب  
 ویرا لکد زود یا بگزید دلیل که عیالش بهانه مشغول کرد و اگر بید که کسی اسب ویرا بدزدیم بود که عیالش پلاک کرد و اگر بید  
 که اسب وی کم شد دلیل که زن را طلاق دهد و اگر بید که اسب خویش را بفروخت دلیل که غوغا و او کم کرد و یا عیال از وی جدا

باید

کرد و اگر بید که بر اسب باژگون نشسته بود و دلیل که از وی بقصد کاری میسر می آید که در آن ویرامضرت و علامت بود جای  
 بود که اسب در خواب هوای بیدار نفس خواب بود و اگر اسب پیش اسب بیدار نشسته بود و اسب بیدار نشسته و اگر بیدار  
 که اسب پیش مطیع و فرمان برود و دلیل که هوای نفس و صعب تر بود و بیدار و بدانکه هر اندامی از اندامهای اسب را نشانی  
 بود از پادشاه و اگر خون پادشاه را بر اسب بنشیند و در وقت خواب بود و مردم عامه را اسب خواب دیدن غرور و جفت بود و اگر  
 بنشیند که اسبی محمول از محلی بیرون آمد و دلیل که یکی از بزرگان محله از دنیا برود اما خالداصفهائی که دید که اسب بالائی خواب  
 بجفت برود و هر چند بالائی فرمان بر دار تر باشد بجفت و مطیع تر فرمان بر دار تر بود اگر بیدار بالائی در شتر یا در شتر نشسته و دلیل که در شتر  
 عجمی در اینجا پدید آید و اگر بیدار که بر اسبی دراز و دراز نشسته بود و دلیل که در ویرا تبع زیاده کرد و بقدر درازی و هم اسب و اگر بیدار  
 این بیدار دلیل که حال بروی بد کرد و در عیش بروی تنگ کرد و حضرت صادق علیه السلام فرمود که اسب در خواب بر سرخ و جبه  
 بود و اول خود و دوم مرتبت و سیم فرمان روائی چهارم بزرگی پنجم خیر و برکت چنانکه رسول خدا فرمود الحمد لله لیس فی معقود و  
 الخیل و البرکت الی یوم القيمة و الذل فی اوبار البقر و اگر بیدار که بونین بر اسب و نشسته بود و دلیل که هر دو بی بازن وی  
 فساد کند و اگر بیدار که سکی بر اسب و نشسته بود و دلیل که مغبی بازن وی فساد کند و ستر این سیرین کوید که چون ستر  
 خواب بنشیند اگر مطیع نبود و روی بد و چون مطیع بود و نیک بود و اگر بیدار که بر استری بی زمین نشسته بود و ندانست که ستر از آن  
 کیست دلیل که در سفر و چون سفر کند با سود و منفعت آید و اگر بیدار که بر ستر زمین با پالان یا  
 عمارتی نهاده بود و دلیل که زن او نازا زاینده بود و خاصه که داند ستر ملک و بود و یا کسی بر او بنشیند و بود که مانی که دید اگر بیدار که بر  
 ستر نهاده سیاه نشسته بود و بیدار بال بود و دلیل که زنی خواهد که خداوند حرمت بود و اگر ستر را بگونه سفید بنشیند آن زن که خواهد با جمال  
 و خوب روی بود و اگر ستر بگونه سبز بنشیند دلیل که آن زن دین دار و پرستگار بود و اگر ستر بگونه سرخ بنشیند دلیل که آن زن مطرب  
 دوست بود و اگر ستر بگونه زرد یا اشقر بنشیند دلیل که آن زن بهار کون و زرد روی بود و اگر ستر را بر سینه و رام کرده بود و دلیل  
 که بیدار روی ضعیف جابر مغربی کوید که ستر نهاده در خواب مولانا زاده بود و اگر ستر بود و سفر بود و بعضی از استادان این  
 صناعت گفته اند که ستر نرم بود و ستر نهاده زن و اگر بیدار که کسی ستر نهاده بخیر و دلیل که آن کسی که بیدار که ستر نهاده  
 بفر و خفت دلیل که نیک بفر و شد یا از نیک بفر و اگر بیدار که ستر نهاده نشسته بود و دلیل که نیک بفر و اگر بیدار که ستر نهاده  
 بود و دلیل که عمر وی دراز بود و مراش حاصل کرد و اگر بیدار که ستر از پس می سپید و دلیل که ویرا عجمی سید سحیل اشعث کوید که بیدار که ستر نهاده  
 و دلیل که بزرگ و قوی مال از جفت زمان و اگر بیدار که ستر وی سخن گفت و دلیل که کار عجیب و پراشید که هر مان را از آن گفت و اگر بیدار که ستر  
 و دلیل که مال یا بد و اگر بیدار که ستر وی بر و یا ضایع شد و دلیل که ناز از آن نیک تر که اگر ستر نهاده بود و دلیل که ارجحیت مردی  
 جدا کرد و بدانکه گوشت و پوست ستر مال بود و بعضی از متجربان گفته اند که گوشت  
 که بیدار و شواری و ترس و بیم وی بقدر شتر که خورده بود حضرت صادق علیه السلام فرمود که

باید

که ماده شتر را بیدار کند  
 جدا شود و او را بیدار کند



بایست  
سخن

مستحق

طرب

محتاج

نیست

دویم زندگانی دراز سیم ظریف دشمن چهارم جمال و آرایش پنجم مرد محقق بود و استراوه در وقت و بزرگی باید و اگر میند که بر آب  
و یافتن مراد بود استخوان ابن سیرین گوید که استخوان در خواب مانی بود که مردم بدان معنیست که یا بد و بر اسب سهندین  
و بران استخوان گوشت بود و لیل کند بر قدر آن گوشت خیر و مال باید و اگر میند که گوشت بود و لیل کند که از اسب فرو آمد  
که او کسی استخوان و او لیل که از او بد نکس خیر رسد که مانی گوید اگر میند که استخوان کسی را شکسته بودی که اسب یا حی یا تاخت تا  
گو مانکن باید و کردار نیک کند و بعضی از متبرن گفته اند که کار مینوی از او بنوا کرد و حضرت صادق علیه السلام که بر اسب نشسته بود  
بخت و جود او اول مال و مال دویم خدیشان سیم فرزندان چهارم قیم خانه پنجم مال ششم برادران هفتم مال ششم برادران هفتم مال ششم برادران هفتم مال ششم  
بدانکه استغفار کردن استغفار الله بود و بعضی از متبرن از خدای غرضی این سیرین گوید اگر میند که در خواب نشسته بود  
که اندک تعالی بر او مال و فرزندان را دارد و چنانکه در کلام مجید فرموده است قوله تعالی و استغفر فانیکم ان الله کان عفواً ربار  
السماء علیکم و میدار او میداند که با موال و بنین حضرت صادق علیه السلام فرمود که استغفار کردن در خواب چهار وجه بود اول  
مال دویم فرزندان سیم از حق تعالی چهارم توبه کردن از گناهان اسطلاب کرمانی گوید اسطلاب در خواب بتاویل اصحاب سلطان  
بود و مهتر بزرگ اگر میند که اسطلاب و شت یا از کسی بخیزد یا کسی بد و او دلیل که از صاحب سلطان کرد و دو مهتر فومی کرد و اگر میند  
که اسطلاب و ضایع کردید یا شکست دلیل که جاه و منزلتش نقصان یابد جابر مغربی گوید اگر میند که در اسطلاب باقی نگاه  
میکرد دلیل که بشن سلطان یا بشغل امیران وی مشغول کرد و و از ایشان خیر و منفعت بیند و بعضی از متبرن گفته اند که اسطلاب  
در خواب مری بود که ویران شای نباشد و بر کار پاینده نبود اسفاناج ابن سیرین گوید و یدین اسفاناج در خواب بیل غم و آینه  
بود و خوردن وی دلیل بر مصرت و نقصان مال بود اما اگر میند که گوشت بچینه بود و دروغن و از او همی خورد دلیل بر خیر و منفعت  
کند بر قدر آنچه خورده بود است ابن سیرین گوید اگر کسی خود را بر شتری مجهول میند که بشتاب همی رفت دلیل که بدشتر  
و اگر میند که بر شتری جولان همی کرد دلیل که نمکین و متغیر کرد و اگر میند که بر شتری نشسته بود و راه مکرده میراند و ندانست  
که راه راست کجاست دلیل که در راه خویش فروماند و هیچ تدبیر آن نتواند ساخت و اگر میند که ماهه شتری یافت دلیل که بدشتر  
خواهد و اگر شتر با بچه بود آن زن که خواهد با فرزند بود و اگر میند که شتر از پس او همی دید دلیل که نمکین کرد و اگر میند که شتر از وی رو برد  
و طبع او نشد دلیل که اندو کین کرد و دهنال گوید اگر میند که بر شتر شتم آلود نشسته بود دلیل که مردی بزرگ غلبه کند و اگر میند  
که با شتر جنک و نبرد میکند دلیل که با مردی عجمی که با او دشمن بود مر او را با وی خصومت افتد و اگر میند که ریشتران را همی حرا  
و دانست که از ناک بود دلیل که دیر ادا بیتی بود و بر مردم آن ولایت فرمان روا کرد و اگر میند که شتر را همی پوشید دلیل که  
از پادشاه مال باید بر قدر آن شتر که پوشیده بود و اگر میند که بجای شیر از پستان شتر خون آمد دلیل که آن مال که بدور سد حرام بود و اگر میند  
ویرا لکد و یا کسی بدو بخشد یا کسی او بخرد دلیل که زن خواهد یا کین بر او اگر میند که ماهه شتری که از او بود بکین یا و در و دلیل که از این  
که اسب و حی که میان ایشان خصومت افتد و اگر میند که ماهه شتر او بر و دلیل که زنش میرد و اگر میند که شتر او بر و دلیل که زنش بچاورد و او دلش ناید و اگر

باز

دود و اگر بنید که بر آب با آنکه میسیدی که دار و برسد اگر بنید که گوشت شتر میخورد دلیل که میار کرد و کرانی کوید اگر بنید که کسی گوشت شتر بسیار داد  
 بد که اسب و خاسبهای بزرگ گوشت شتر و اگر بنید که شتر را قربانی میکرد و گوشت او را بهر کسی داد دلیل که مردی بزرگ در اینجا قربان کرد و میگوید  
 که این چنین مطیع و فرمان قبول در پس آدمی آمد دلیل که سر کشته و تفکر کرد و اگر بنید که شتر را قهر و زبون خویش کرد و دلیل که دشمن را مقهور و زبون  
 بود از پادشاه و اگر بنید که رفته شتران و ندی مییاد و روی جمع میکرد و ندید دلیل که در اینجا دشمن جمع شود و پاسبان در اینجا خرابی کند یا بیماری در  
 بنید که پس مجهول از غفلت و اگر بنید که شتران را بکند و وجود داشتند دلیل که ازان دشمن در اینجا خیر و برکت بود و جابر کوید اگر بنید که  
 بخت مرده و در چند بالاشته بود دلیل که اندو بکین کرد و اگر بنید که اندام شتر روی خون زایل شد دلیل که سعادت و نعمت دنیا یا بد بقدر  
 عجبی در اینجا پدید آمد اگر بنید که مهار شتری میکشید دلیل که با مردی فرمان بردار و را خصوصیت افتد اگر بنید که در میانان شتر بسیار یا در پیش  
 اند بزرگی و فرمان روائی یا بد بر جماعت بیان کرد و اگر بنید که دو شتر یافت دلیل که مال یا بد و اگر بنید که کسی وی ر شتری داد  
 دلیل که بقدر و قیمت آن منفعت یا بد از کسی اگر بنید که قومی شتری بکشند و گوشت آنرا قسمت کردند دلیل که در آن موضع مردی  
 بزرگ بمیرد و مال و یرا قسمت کنند میراث اسمعیل اشعث کوید اگر بنید که شتران بسیار داشت و داشت که آن جمله ملک و  
 و از شتران اعرابی بودند دلیل که در دیار عرب پادشاه کرد و اگر شتران عجمی بودند دلیل که در دیار عجم پادشاه کرد و اگر زنی بنید که شتر را  
 بخورد و دلیل که از پادشاه مال و نعمت یا بد و بدانکه پوست شتر نه زمین دلیل او را و بعضی از متعبران گفته اند که میراث یا بد اگر بنید که شتر  
 با او سخن گفت دلیل که خیر و نیکی بد رسیده حضرت صیاق و عمو فایده دیدن شتر در خواب برده و جبه بود او قل پادشاه عجمی و دهم مردی به  
 ستم مرد و من چارم سیلن تخم فتنه ششم آبادانی هفتم زن هشتم حج نهم نعمت دهم مال و شتر عربی دلیل بر مردم خوب است  
 و شتر عجمی دلیل بر مردم عجمی و بدانکه شتر بانی تاویل خداوند تبارک و تعالی بود و راست کننده کار با بود و همچنین است شتر مرغ  
 ابن سیرین کوید که شتر مرغ و خواب مرد میانانی بود اگر شتر مرغ ماهه بود زن میانانی بود اگر بنید که شتر مرغ ماهه گرفت یا کسی بدو  
 داد و دلیل که زنی بدین صفت که گفتی بخوابد یا کینک بخورد و اگر بنید که بر شتر مرغ نشسته بود و دلیل که سفر بسیار آن رود و بعضی از متعبران  
 گفته اند که بر مردی میانان نشین خالک بود و و بکار می بزرگ رسد کرانی کوید اگر بنید که شتر مرغ را بکشت دلیل که بر مردی میانانی  
 دست یا بد و او را قهر کند و اگر بنید که خانه شتر مرغ یا یر یا استخوان او داشت دلیل که از مردی میانانی و یر مال حاصل کرد و اگر بنید که  
 شتر مرغ داشت دلیل که فرزند مرد میانانی او را حاصل کرد و جابر مرغی کوید اگر بنید که با شتر مرغ نشست و آن شتر مرغ او را مطیع بود  
 و او را در هوا برد و دیگر باره از هوا بر زمین آمد دلیل که با مرد میانانی بسفر در شود و باز آید با سود و منفعت بسیار و اگر بخلاف این بنید  
 بد بود شتر غاز ابن سیرین کوید که دیدن شتر غاز بخوابد یا میل غم و اندوه بود و اگر بنید که شتر غاز را گرفت یا کسی بدو داد و از او مرغی  
 و دلیل که بد بقتل آن غم و اندوه خورد و اگر بنید که وی از آن کسی داد یا بفروخت دلیل که غم و اندوه رسته کرد و اگر بنید که شتر غاز داشت  
 و بخورد و شتر همی داد و دلیل که آنکس از بهر آن شتر اندو بکین کرد و ایشک کرانی کوید اگر بنید که اشک سر و از چشم او بهی بارید و دلیل که  
 که شادی و خرمی یا بد اگر بنید که اشک بارید و دلیل که غمگین و در و مندر کرد و اگر بنید که بی کشتن اشک بر روی او بود و دلیل که یر

باز

باز

باز

باب الحجاب

در بیان

در بیان

در بیان

در بیان

در بیان

در بیان

در بیان

در بیان

بسخن طعنه زنند اگر بیند که در چشم وی بجای اشک که رو خاک جمع شده بود دلیل که بقدر آن مالی خلل فی رنج بدورسد و اگر بیند که  
 بروی او فرو و آید دلیل که مال خویش را بهرینه کند حضرت صادق علیه السلام فرمود که در خواب دیدن اشک که از چشم آید برسته و جبهه بر او آید  
 و خرمی و دیم غم و اندوه سیم نعت بود ایشان این سیرین کویدیدین ایشان بخواب لیل بر غم و اندوه کند و خوردن او دلیل بر  
 بیماری اصلح بدانکه اصلح بقا می دهنی و غم سر بر دین سیرین کویدار کسی صلح سر خواب بیند که بر سر او موی رسته بود دلیل که او را مالی آید  
 حاصل کرد و اگر بیند که او اصلح شد دلیل که از غم و اندوه رسته کرد و اما اگر زنی بیند که اصلح شد دلیل که در فرزندت کارایش او نقصان  
 پذیرد و کرانی کوید که اصلح دیدن بخواب باز رگان را فایده بود و پیشه کار را کسب و صناعت و پادشاه را تفکر و زمان را نقصان  
 بود و فروشته این سیرین کوید که فروشته آن بهر بود که در وی غم را نماند چون اندک بیند سخن خوب و لطیف و خوش بود  
 و چون بسیار بیند مالی بود که برنج و سختی بدست آورد اگر بیند که اندک فروشته کسی با و او و بخورد دلیل که از آن گس سخن لطیف  
 شنود چنانکه موافق طبع بود اگر بیند که فروشته بسیار داشت دلیل که بقدر آن مال برنج و سختی حاصل کرد و حضرت صادق علیه السلام فرمود  
 که خوردن او فروشته بخواب برسته و جبهه بر او آید سخن لطیف و دیم مال سیم مراد یافتی که در دل بود و افسرد و کرانی کوید که خوردن او  
 در خواب غم و اندوه بود اگر بیند که چیزی افسرد و همی خورد دلیل که بقدر آن ویراعم و اندوه رسد اگر بیند که افسرد و کسی بد و او و  
 وی بخورد دلیل که با کسی او را جنگ و خصومت افتد و اگر از وی هیچ نخورد و اندوهی بوی نرسد جابر سغری کوید که خوردن او  
 در خواب لیل کند که او را جنگ و خصومت افتد و علی الحمله هیچ خیر و خوردن افسرد و نباشد افسون این سیرین کوید که افسون  
 در خواب فریفتن مردم بود و کران افسون که بناهای خدای عزوجل و آیات قرآن بود و چون افسون کرد در خواب بیند که از آن  
 با کسی دیگر ریشخا و راحت پدید آمد دلیل که از غم و راجحه کام دل رسد و اگر بخلاف این بیند دلیل بر غم و اندوه کرانی کوید که  
 کردن بخواب کار باطل بود چون بوقت افسون ذکر خدای عزوجل را گوید و اگر افسون بقرآن و نامهای حق تعالی کند دلیل که کار  
 کند بحق و رستی و از آن و خیر و صلاح و وجهانی رسد افسون این سیرین کوید که دیدن افسون بخواب لیل کند بر غم و اندوه خوردن  
 وی دلیل بر غم و اندوه و مصیبت کند اله دیدن و انیال کوید که اله در خواب پادشاه قوی با سبیت و شکر بود چنانکه همه گناه  
 نرسد اگر بیند که اله را گرفت یا کسی بد و او و آن اله فرمان بر و مطیع او بود و دلیل که در زود پادشاه خاص مقرر کرد و اگر بیند  
 که اله او را برگرفت و بر بر او برد دلیل که بفرمان پادشاه سفری کند و در آن بزرگی و ناموری یا بدین سیرین کوید که اگر  
 که اله بگو چه فرو و آمد دلیل که پادشاه در آن کوچه فرو و آید اگر بیند که مردم آنکو چه اله را بکشتند آن از مملکت حزول کرد و با  
 شود و اگر بیند که اله او را برگرفت دلیل که و پناه پادشاه شود و اگر بیند که اله از دهان چیزی بد و او و دلیل که بفر  
 آنچه از پادشاه عطا یا بد و اگر بیند که اله از دست او بر دشته یا چیزی و دیگر دوست او با ند دلیل که پادشاه بر وی  
 کیر و او را از خود دور کرد و اندوهی از مال او بستاند کرانی کوید که اگر بیند که از اله شکار می گرفت دلیل که مال و خزانه پادشاه  
 در تصرف او قرار آید اگر بیند که اله بر او متقار یا بچکال بزد دلیل که او را از پادشاه رحمت و ملا رسد و مالش بستاند اگر بیند که

بنا

الوی  
بنا

جنگ و بردهی کرد و دلیل که او را پادشاه جنگ و خصومت بود و اگر میند که اله بخورد یا پادشاه را بکشد دلیل کند که بقدر آن از پادشاه مال و  
پادشاه را بکشد که اله بر سر و روی وی نشسته بود و دلیل کند که ویرا پسری آید و پادشاه کرد و حضرت صادق ع فرماید که اله در خواب و وجه  
او را اول پادشاه ظالم و ستمگر و خونخوار و دوجیم عالم بی دین است و چینی بود و بعضی گفته اند اگر کسی میند که اله داشت دلیل که عمو و راز بود  
الوی سرخ این سیرین گوید اگر خواب الوی سرخ و سیاه را وقت خود میند دلیل بر مال و خواسته بود و الوی زرد و دلیل بهاری کند  
اگر میند که الوی زرد و سیاه که بطعم شیرین بود و فراغت یا کسی بد و داد و بخورد دلیل کند که بقدر آن مال خواسته بناید اگر میند که الوی  
زرد و زرد و وقت آن بود و دلیل کند بر غم و اندوه و مصیبت و خصومت و اگر بطعم ترش بود بهتر بود این سیرین گوید اما ممت کردن اگر  
که در پیش قومی امامی کرد و امام نبود دلیل کند که در آن قوم مهتر کرد و جمله تابع او شوند چنانکه ماموم تابع امام باشد و اگر میند که جماعتی  
انبوه در نماز بودند و ویرا گفتند که ما امامی کن و پادشاه فرمود با و که امامی کن و او در پیش رفت و امامت کرد و دلیل کند که ویرا  
سیر و فرمان روا کرد و با ایشان عدل و راستی کند بقدر راستی قبله و تمام کردن نماز بر کعبه و سجود و اگر میند که از نماز چیزی نقصان  
کرد و دلیل کند که بر ایشان جور و ظلم کند بقدر آنچه در نماز نقصان کرده بود این سیرین گوید اگر میند که امامی میکرد و لیکن نشسته بود  
دلیل که بهار کرد و ویرا بر پهلوی نشسته بود و در نماز چیزی بخواند و دلیل کند که زود میرد و آن قوم بروی نماز کنند و اگر امامیرا بخواب دید  
دلیل که شرف و منزلت یا بدر قدرت و شرف و منزلت امام و اگر میند که امام را و لایقی بی داد یا با امام در خانه رفت یا امام و را چیزی  
بخشید یا با امام طعام خورد و دلیل که بر قدر آن غم و اندوه بد و رسد جابر مغربی گوید اگر میند که با امام بر جفا بود و دلیل کند که با ولایت  
و ولایت با وی شریک بود یا در مسجدی یا در دهی یا در شهری اسمعیل شافعی گوید هر چه که در امام در خلیفتن زیادت باشد و ولایت  
و بزرگی او زیاد و کرد و ویرا چه در آن نقصان میند در مال و نعمت و نقصان کرد و حضرت صادق ع فرماید که امامی اگر در خواب  
برشش وجه بود اول فرمان روائی و دوجیم پادشاهی بعد از انصاف ستم علم چهارم قصد کردن بکار خیر پنجم منفعت ششم بهیمن از بین  
و اگر میند که امامی زن آن کرد و دلیل کند بر کرد و ضعیفان دالی کرد و اگر میند که امامی از آسمان فرو آمد و قومی را امامت کرد و دلیل کند  
که رحمت بود بر اهل از بین و اگر میند که بر مرده نماز میکرد و دلیل که از پادشاه فرمان روائی یا بد اهر و این سیرین گوید که خوردن امر و  
بوقت خود چون سیر شیرین بود و دلیل کند که مال حلال یا بد و اگر میند که زرد بود و بیماری بود اگر میند که امر و میخورد و زرد بود و دلیل کند که  
کرد و که نه بهنگام او بود و اگر امر و بگو نه سیر بود و پاسخ چون بطعم شیرین بود مال بود و اگر ترش بود اندوه بود و اگر نانی گوید  
امر و سیر شیرین بوقت خود دید یافتن امر و بود و اگر میند که امر و را بهی خورد و دلیل بر منفعت بود حضرت صادق ع فرماید که خوردن  
امر و در خواب بر پنج وجه بود اول احوال و دوجیم تو اگر می سیم زن چهارم یافتن امر و پنجم منفعت و اگر میند که پادشاه امر و میخورد  
دلیل کند که امر و می بزرگوار منفعت یا بد بقدر آن که خورده بود اما و انشال گوید که اصل نارنجاب مال بود لیکن بقدر چه مردم صح  
که بوقت خود بود و اگر نه بوقت خود بود و اگر میند که نارنجاب بریده بخورد و دلیل کند که از نانی با جمال منفعت یا بد این سیرین  
گوید اگر نارنجاب شیرین نجاب میند مال صبح کرده بود و بعضی از مجربان گفته اند که کث آن شیرین خوردن نجاب هزار دم بود که سیاه بود

مرد

سیر

ترش غم و اندوه و ناری که نماند ترش یا شیرین بود بقیه شرح بن انا شیرین بود جا بخری گوید اگر کسی بیند که انا شیرین بود قشنگی  
خود و دلیل کند که هزار درم بیاید یا اینکه کمترش بخواهد و شمار بود که بیاید و باشد که آنچه دیگر گفتیم درم بیاید پس معتبر باید که بقدر محبت بزرگ  
مردم تاویل کند و اگر بیند که انا بوستان همی خورد و دلیل که بعد و هر دانه او را چوبی بر بندد در همه چیز انا ترش خوردن و وقت و بیوقت  
به بود و حکم انا شیرین میانه بود که مانی گوید اگر کسی بیند که انا شیرین بود خود میخورد و اگر باز کان بود قماشش متلع او را و اگر بود  
و اگر مسافر بود و دلیل که سفرش مبارک بود و با سود و منفعت بود اگر بیند که وانهای انا ریافت یا کسی بدو داد و دلیل که وقت آن ویرانی  
سراگرد بوقت بود و اگر بیوقت و اگر انا شیرین با پوست و پیله آن میخورد و دلیل که از همه چیز خورد واری یا بد حضرت صحت و حق بخوراید که خوردن  
انا شیرین در خواب بر سه وجه بود اول حال جمع کرده بود و دوم زن یا ساسیم شهر آبادان و لیکن انا ترش غم بود و همجمله شفت که به  
اگر با شاه بیند که اناری داشت و ولایت یا شهر یا بد و رئیس را وی بود و باز که نازده هزار درم و یا زار یا هزار درم و مردم در شهر  
و ده درم یا یک درم بود آنچه این شیرین گوید که خوردن آنچه خواب اگر و قشش بود و اگر بیوقت بدو و اگر بیند که آنچه می خورد و در هیچ  
سبک و یا کسی بدو بخشد و دلیل بود که غم و اندوه بد و رسد و باشد که کاری کند که از ان پیشانی خود در مانی گوید که آنچه خورد و خواب دیدن  
و خوردن و دلیل بیاید که کند و آنچه سیاه و دلیل بر غم و اندوه و آنچه سبز خوردن بوقت چون بطعم شیرین بود و بیانی نداد و آنچه این شیرین  
گوید اگر بیند که بخیل بی خواند و دلیل بود که از حق باطل فریفته کرد و خود را می شود و این شیرین گوید اگر بیند از کتاب بخیل بی خواند و دلیل که نداد  
کسانی از ملت عیسی باشند خیر اندک بد و رسد و اگر از بر میخواند و دلیل که از حق باطل کرد و دو و دستار ترسیان شود و انداختن مردم و این شیرین  
گوید اگر کسی بیند که کسی را بیداخت دلیل که بر خصم خیره کرد و اگر بیند که کسی او را بیداخت دلیل که خصم بر وی خیره کرد و اگر بیند که کسی  
سنگ انداخت و دلیل کند که سختی سخت بکسی گوید و بعضی از متعبران گفته اند که دلیل آنکه او را زنا یا بکنایه میثم که رانده و اگر کسی بیند که سنگ  
انداخت بهم سخن درشت بود که بکسی گوید و معتبران گویند اگر کسی بیند که سنگ یا با دام یا قند بیند اخت اگر کسی سر و ف بود و دلیل که نداد و بد  
عطا یا بد و اگر مجهول بود بدان مقدار که کسی انداخت صحت و عطا یا بد و اگر کسی بیند ازین خورد و نیما که گفتیم سوی چهار پانان آنند و دلیل  
که مال خویش بر جانان بزرگ کند اندامها این شیرین گوید که اندامهای قوم را اگر بیند که افزون شد و دلیل کند که خویشان و اهل بیت او  
زیاده کردند و او در موضع خویش مقیم بود و اگر بیند که اندامهای او بریده شد یا از تن او برفت و دلیل کند که سفر و دور خویشان او برکنه  
کردند و اگر بیند که اندام خویش میبرد و بر آید میگرد و دلیل کند که اهل بیت و خویشان خود را در شهر یا بر آید کند که مانی گوید اگر کسی بیند  
که پاره گوشت از اندامش برید و دلیل کند که آنکس را خبر و منفعت رسد و اگر بیند که اندامی از تن وی جدا شد و دلیل که کسی از مال او چیزی  
بستاد و زبرد و اگر بیند که گوشت از اندام خویش میبرد و در پیش مرغی می کند و دلیل که از مال خود چیزی که کسی بخشد جا بخری گوید اگر بیند که از مال  
از تن وی با سخن گفت و دلیل بود که میان خلق رسوا کرد و قوله تعالی قَالُوا أَنْطَقْنَا اللَّهَ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ اگر بیند که اندامی از  
خویش برای بی رفت و دلیل که کاری کند که بران اعتماد و او را اگر بیند که اندامی از تن وی جدا شد و دلیل کند که کسی از خویشان او برفت  
و اگر بیند که اندامهایش از روی او بود و دلیل که بیمار کرد و اگر بیند که مرغی از اندام وی پاره گوشت برید و دلیل که مال او چیزی بزرگ بستاد و اگر

باید

خوب

خوب

خوب

باید

بجواب

جواب

چنان

کند که گوشت از اندام خویش می برید و در پیش رخ می افکند دلیل کند که اندام خویش چیزی می بخشد جا بر مغز می گوید که اندامی از اندامهای او  
 بنا به گوشت دلیل کند که بر رست نبوده ام فصل گوید که بر رسول خدا عرض کردم یا رسول الله خوابی میگردیده ام فرمود چه دیدی عرض  
 کردم بجواب دیدم که باز و از اندام تو بریدند و بر کنار نهادند رسول خدا فرمود که خاتم را پس بگیر که در کنار تو بزرگ شود و بعد از آن از خانه  
 حسین بوجود آمد و در کنار او بزرگ شد و او را می پرورد انکبین کرمانی گوید که انکبین در خواب شمیم بود از لهله و یکی بود از کوارا  
 زیرا که در وی شقای درو با است و شمشیر روزی سید بود چنانکه حقیقتی در کلام مجید خویش فرموده است *لله تعالی فیہ شفاء*  
*للقائم من خضر صفا* و فرماید که خوردن انکبین در خواب برشته وجه بود اول روزی حلال رویم مغفقت سیم کام دل یافتن و درین  
 روزی بود که بی منت بدور سد قوله تعالی *وَأَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ وَالتَّوْحِيدَ الْاَنكُشْتَانِ* این سیرن که در هیچ بخش دست راست  
 در تایل پنج ناز بود و پنج انگشتان دست چپ فرزندان برادر بود و بعضی از سیران گفته اند که انگشت حسین لیل نماز باد و انگشت سیم نماز  
 و لیل بر نماز میشین کند و انگشت میان و لیل بر نماز و بگرد انگشت بصر و لیل بر نماز شام و انگشت خضر و لیل بر نماز خفتن و صلاح نماز  
 بود و اگر بیند که انگشت دست راست نداشت دلیل که فرزند یا برادرش میرو و بعضی گویند فرزند برادرش بر مصیبت رسد کرمانی گوید  
 اگر بیند که انگشتان را در سیم کند شمشیر داشت دلیل که سگ دست کرد و اگر بیند که انگشتان را با سیم جمع کرد دلیل که کار برادران و فرزند  
 را اصلاح آورد و اگر بیند که انگشتان را بگرداشت در سیم بسته بود دلیل کند که کار با بر روی بسته کرد و هم بر اهل بیت او جا بر مغز می  
 که اگر بیند که انگشت حسین او بریده است دلیل که قوه فالتش بود و اگر بیند که انگشت سیم او بریده است دلیل که در فریضه نماز ناقص گیرد  
 و اگر بیند که انگشت میان او بریده است دلیل که در شرو می پادشاهی یا بزرگی میرو و اگر بیند که انگشت بعد از میان او بریده است  
 دلیل کند که در اورد مال زیان افتد و اگر بیند که انگشت کوچک او بریده است دلیل کند که فرزند زاده او میرو و اسمعیل اشعشع  
 پای در خواب و بدن دلیل بر زینت آرایش و اگر انگشت پای درشت قوی بیند دلیل کند که کار که خدا فی او ساخته کرد و اگر انگشتان این بیند کار می ناسا کند  
 بخیر که انگشت پای او را قوی رسید چنانکه رفتن توانست دلیل کند که ورا سخی سخت رسد بسبب رفتن مال اگر انگشتان دست و پا  
 کسر بیند دلیل کند که کار وی بازگردد شود حضرت صاف فرماید که دیدن انگشتان در خواب بر شش وجه بود اول فرزند و سیم برادران  
 سیم خادمان چهارم باران پنجم قوه ششم پنج نماز و اگر بیند که انگشتان وی بیفتا و یا بریده شد دلیل کند که از انگشتان که گفتیم و  
 مفارقت افتد و اگر بیند که انگشت او شکست دلیل کند که یکی از اهل بیت او میرو و خلفا صنفی گوید اگر بیند که از انگشت حسین  
 او شیر می آمد یا از انگشت سنا به او خون می آمد دلیل که انکس با مادر زن خویش فساد کند و اگر بیند که از انگشت او آواز برآید دلیل کند  
 که در میان خویشان او گفتگو رود انگشتی و انبالی گوید که چون بیند نقش و صفت انگشتی دلیل که از خداوندش بدو خیر و شکی  
 و اگر بیند که انگشتی کسی بوی داد تا چیزی بدان مهر کند دلیل که از آنچه لایق او باشد بر خمی سیاه یعنی اگر لایق پادشاهی باشد  
 پادشاهی سیاه و اگر توانگر بود مال باید بقدر بقیمت انگشت اگر بیند که در سجده یا در نماز یا در غزاکسی انگشتی بوی داد اگر انگشت  
 زاهد و عابد بود و اگر بازگان بود نصیب و نفع تجارت بود و جمله هم بر این قیاس بود و اگر بیند که انگشتی سلطان بوی داد

چنان

بسیار

دلیل کند که از ملک سلطان بوسی دهد یا دلیل که از ملک سلطان بدی بدورسد یا بخویشان وی این سیرین گوید اگر کسی  
 که انگشتری او ضایع شد یا دزد برد دلیل بود که در کارهای او آفت و دشواری پیدا یابد و اگر بینه که انگشتری او بشکست و نمک  
 بماند دلیل که بزرگی او و جاه او بشود و آب و آبرو و بهایش بر جای بود و اگر بینه که انگشتر نگین او بشکست دلیل کند که آبرو و بهایش  
 بشود و جاه او بر جا ماند و اگر بینه که انگشتری خود را بکسی بخشید دلیل که از آنچه دارد و از مال و ملک برخی از آن به بخشید و اگر بینه که  
 انگشتری خویش را بفروخت و بهیاست دلیل کند که از آنچه دارد و جمله بفروشد و بهیمنه کند و اگر بهیاست آنچه دارد برخی از آن  
 بفروشد که فانی گوید اگر بینه که صناعت انگشتری او ناپسندیده است دلیل کند که از مالی که دارد چیزی بشود و پادشاه  
 بروی چشم گیرد و اگر بینه که انگشتری او از نیم بود دلیل کند که آنچه دارد پسندیده و حلال بود و اگر انگشتری از زر بینه دلیل که آنچه  
 دارد از مال مکرده و حرم حاصل کند و اگر انگشتری از آهن بینه آنچه دارد اندک چیز بود و اگر بینه که انگشتر از نقره بشود یا از  
 سپید روی بود دلیل بود بر آنچه در آهن گفته ایم اگر بینه که انگشتر او از یور بود بر بود و حقیر تر از آن جمله بود که گفته ایم جابر مغربی گوید  
 اگر بینه که در شکست وی انگشتری آهن بود دلیل کند که قوت و توانائی یابد و اگر بینه که از نرنج یا از مس بود دلیل کند که از  
 مردمان بی حاصل منفعت یابد و اگر بینه که بلور است دلیل کند که از مردم عام چیزی بدورسد و اگر بینه که از نیم است از جاه  
 بزرگ بینه که بخاطر خود دلیل بود که در سر و بدن بینه که انگشتری او بشکست یا از شکست انگشتر بدورسد و دلیل کند  
 که چیزی بدورسد و اگر از بینه که انگشتری او بشکست یا از شکست انگشتر بدورسد و دلیل کند که در میان او و  
 که زنی بنگاه بخوابد و اجابتش کند و اگر بینه که انگشتری او دو دین داشت یا کسی بدو داد که آن هر دو دین موافق یکدیگر اند و دلیل که خداوند  
 جانی افتد و اگر بینه که انگشتری او دو دین داشت یا کسی بدو داد که آن هر دو دین موافق یکدیگر اند و دلیل که خداوند  
 غلام تراده بود و اگر بینه که از آن دو دین یکی بیفتد و دلیل کند که از دو کناه یکی را توبه کند و اگر بینه که نامه نوشته بود و پاره  
 خویش مکرر و دلیل کند که چیزی پنهان بدورسد و اگر بینه که نامه کشته و در محراب کرد و دلیل کند که چیزی آشکار بدورسد و حضرت  
 صادق علیه السلام فرمود که انگشتری سپین و خواب بر چهار وجه بود اول ملک و دوم زمین و سوم فرزندان چهارم مال و انگشتری زرین  
 صاف بود و اگر زنی بینه که انگشتری او بکسین از او ضایع شد دلیل کند که حشمت و جاه او بشود یا فرزندانش میرد یا مالش تلف گردد و اگر  
 نیک بود و اگر زنی بینه که انگشتری او بکسین از او ضایع شد دلیل کند که حشمت و جاه او بشود یا فرزندانش میرد یا مالش تلف گردد و اگر  
 بدو حشر کرد و اگر زن بدید شوهرش میرد یا فرزندانش انکور و انیال عا گوید که خوردن انکور سیاه بوقت خود غم و اندوه بود و بوقت  
 ترس و بیم بود و بوقت آن گفته اند بعد و هر دانه انکور که خورده بود زخم چوب یا ناز یا نه بر او زند و خوردن انکور سفید بوقت خود غم  
 و خیر دنیا بود و بیش از آنکه امید دارد و بهیمنه وقت دلیل کند که از آن خداوند خواب سخن چیزی بیرون آید و دلیلش بر حرف مال  
 و اگر انکور سرخ بینه سپین دلیل کند که سیرین گوید که انکور سفید بوقت خود خوردن دلیل بر مالی که بدست آید و اگر انکور  
 خود خوردن دلیل بر منفعت اندک بود و هر انکوری که پوست او سخت بود دلیل که مالی بدست آید و هر انکوری که پوست  
 روشن بود دلیل بر مال حلال کند و هر انکوری که آب و تیره بود دلیل بر مال حرام بود و هر انکوری که بیدار سرخ نماید دلیل بر مال  
 کند و هر انکوری که بیدار سیاه نماید دلیل بر غم و اندوه کند و هر انکوری که شیرین تر و یا کهنه تر بود دلیل بر مال جاه نماید و هر

سیرین

سید

کرد و جابر که گویا بید که انکور بر مصیبت چوین همی فشرود دلیل که خدمت پادشاه شکو کند و اگر بیند که آن محضر از خشت و گل بود دلیل که خدمت پادشاه باو بایست کند و اگر محضر از خشت بخت یا از کج و سنگ و گنبد بود دلیل که خدمت پادشاه با سبب است و با سبب است کند و اگر بیند که انکور در پشت همی فشرود دلیل که خدمت ذلی بزرگ کند و اگر بیند که انکور در کاشه همی فشرود دلیل که خدمت شخصی خنثی کند و اگر بیند که انکور همی فشرود سبب که آن در جماعتی جمع کرد دلیل که از جهت خود مال بسیار بسبب پادشاه حاصل کند و اگر بیند که انکور بر محضر با اهل و عیال می فشرود دلیل که او را عیال در دست پادشاه منفعت رسد و اگر بیند که خواست بر خدمت پادشاه نباشد دلیل که کاری از سبب دی حاصل کند و در حضرت باوق فرماید که انکور سبب بوقت خود و بوقت برسته وجه بود اول فرزند نیک و دوم علم فراوان سیم مال حلال فزون انکور و خاتم فقرت که بیک برسته و بعد و اول اهل باخیر و دوم فراخی نعمت سیم از خطا مان یافتن قوله لکما حاتم فیسر نکات الناس و فیسر نعصر و ن افناون ابن سیرین که بید اگر کسی بخواب بیند که بروی در افتاد و دلیل توشیش او بود و خاصه در جنگ و خصومت و اگر بیند که از جای بزیرافتا و چنانکه از کوهی یا از بای می باز آید و باری دلیل کند که از روی در می بود تا مگر بر نشود و مرادش حاصل کرد و درانی که بید اگر کسی بیند که از جای بزیرافتا و دلیل بود که نمیدی و در بر نیاید و نماید و اگر بیند که از کوه بزیرافتا و دلیل که حالش بد کرد و بعد از افتادن برین در پنج رسد و اگر بیند که زخمی سخت بوی رسد و خون از آن ضرر روان شد و دلیل که بعد از زخم و یا زبانی رسد و اگر بیند که پایش بلغزید و بیفتاد و دلیل کند که زخمی و المی بد و رسد و اگر بیند که بیفتاد و در سینه روز رسد و دلیل کند که سهوا آسان بود و اگر بیند که آستانه خانه او مار و کرم و کزندگان بیفتاد و دلیل کند که او را از پادشاه یا از کسی بزرگ غم و اندوه رسد و اگر بیند که با م خانه یا دیوار بر افتاد و دلیل کند که مال بسیار بد و رسد از آنجا که امید ندارد و بدان سبب غم و دشواری کرد و کارش کشا و شود و الله اعلم بالقواب **حرف الباء من کتاب کامل التبعیر** با و ام ابن سیرین گوید که با و ام در خواب دیدن نعمت و روزی بود لکن بخصومت بدست آید اگر بیند که با و ام فراموش کرد و دلیل بود که بعد از آن ویران نعمت و روزی بود و دشوار بدست آید و معتران گویند که تاویل با و ام در خواب علم بود و شفا از رنج چون مغز او بیند بهتر بود که مانای گوید اگر بیند که با و ام با پوست داشت یا کسی بوی داد و دلیل که از مر و بخیل چیزی یا بد بختی اگر بیند که از مغز او یا تلخ روغن بیرون آورد و دلیل کند که از مر و بخیل ویران بعد از آن روغن منفعت رسد جابر مغزی گوید که دیدن با و ام در خواب و نعمت بود اما اگر با و ام با پوست بیند و دلیل کند که از مال قدری برنج و سختی بدست آورد چون با و ام با پوست بیند و دلیل که مال باسانی بدست آورد و حضرت باوق فرماید که دیدن با و ام در خواب برود و وجه بود اول مال نهانی حاصل کرد و دوم از بیماری شفا یابد و اگر با و ام ابن سیرین گوید که دوازده چیز است که بیند خواب را دلیل بر پادشاهی بود اول آنکه بیند که پیشتر او را امام کرد و دوم آنکه علم شریعت ورزد و سیم آنکه گوشه پیش او خور و بیند یعنی نظر اقامت و نماز بود چهارم آنکه بر منبر او خطبه کرد و پنجم آنکه جامه رسول پوشد ششم آنکه انگشتری بیند که در انکشت دارد و هفتم آنکه بیند که او قاتل یا مایهتاب کرد و بد هشتم آنکه بیند که تن او رو و خانه شده است نهم آنکه بیند که چشم او دیوار شهر کشته است و دهم آنکه بیند که چشم او محراب مسجد جلوس شده است یازدهم آنکه پادشاه مرده او را انگشتری دهد و دوازدهم آنکه بیند که چشم او مانند گوی شده است این دوازده چیز

سید

سید





خداوند

پیغمبر

سید

بدره

بدره

بدره

بشهری در آمد و بر پادشاه شهر غلبه کرد و دلیل کند که کارشهر نقصان یافت پذیرد و او اگر بیند که پادشاه در شهر او یعنی خانه او بخت  
دلیل کند که پادشاه را بدان حاجت افتد و شغل و عملش فرماید پاتیل به ابن سیرین گوید که پاتیل در خواب و دیدن که بانوی خانه بود  
او اگر بیند که پاتیل نو بخیزد یا کسی بدو او دلیل کند که بانوی خانه را آفت رسد که مانی گوید اگر بیند که در پاتیل چیزی بود از خود  
دلیل بود که او را از کد بانوی خانه خبر و منفعت رسد و اگر بیند که در پاتیل چیزی ناخوش بود از طعامها دلیل بود که او را از کد بانوی خانه  
ضرر رسد ابن سیرین گوید که چون پاتیل در خواب چیزی زیاده نمود با و ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که بدو بخت همی هست دلیل بود که  
مردم آند یار را بیم و ترس بود و اگر بیند که با و چنان بخت بود که در خاندانهای کند و خرابی همی کرد و دلیل کند که اهل اند یار را بلا و مصیبت  
از غلت طاعون و سرجه و مانند این که مانی گوید که با و سموم در خواب دلیل بر بیماریهای سرد کند و با و معتدل سرد ویدن در خواب دلیل  
بماریهای شوریده بود و دران دیار و معتدل ویدن دلیل بر تن درستی بود و از مردم آند یار و موجب نیکی و اکتساب اند یار کند و اگر بیند  
که با و او را از جای بیگانی میسر و دلیل کند که سفری دور کند و در آن سفر جاه و بزرگی یابد بقدر آنکه او را با و بنشین برده باشد و اگر بیند که با و  
با کرد و تارگی بود و دلیل کند بر تن هم و اندیشه آفتوم جابر مغربی گوید اگر بیند که او را با و بخت بسوی آسمانها بود و دلیل که اهل آفرین  
بود و اگر بیند که او را با و آسمان بنشین آورد و دلیل بود که بیمار کرد و عاقبت شفا یابد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن بدو در خواب بر سر و  
بود و اول بشارت دویم فرمان روائی ستم مال چهارم مرکب پنجم عذاب ششم کشتن هفتم بیماری هشتم شفا نهم راحت و اگر بیند که با و  
نشسته بود و دلیل بود که بزرگی و فرمان روائی یابد اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که با و مغرب نرم جست و دلیل که مردم آند یار را امان و غلبت  
زیاده کرد و اگر بیند که با و شمال نرم همی جست و دلیل کند بر شفا و راحت آند یار و اگر بخلاف این بود و دلیل خیر نباشد و اگر بیند که آواز باز  
همی شنید و دلیل که خیر پادشاه بزرگ دران دیار گسترده کرد و اگر بیند که با و مردم آند یار را بر گرفت و بر هوا برد و دلیل بود که آن مردمان  
و بزرگی یابند با و را که در آن ابن سیرین گوید که اگر کسی بیند که در میان مجمع مردمان با و را که و چنانکه مردمان آواز از آنرا شنیدند  
و دلیل که سختی زشت گوید که مردم بروی افسوس کنند و بسبب آن در میان مردمان رسوا کرد و اگر بیند که با و نرم را کرد و آواز از آنرا شنیدند  
تا ویش بخلاف این بود و اگر ابن خواب مردی بزند و بیند و دلیل که او را آخری رسد که مانی گوید اگر بیند که با و را که و آواز از آنرا شنیدند  
تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که با و را که و آواز از آنرا شنیدند و دلیل که او را از دست و بوی ناخوش  
نداشت و دلیل کند که آن کاری بنیاده جدا کرد و و خیرش دران بود و اگر بیند که بر قصد بادی را که در و مردمان بر او بخندند و او شرم  
میداشت و دلیل بود که از کاری بی شغل معیشت او ساخته کرد و حضرت صادق علیه السلام فرماید که با و را که در خواب بر چهار وجه بود و اول سختی  
زشت دویم تشنگی سیم کاری بلامت چهارم رسوائی اگر بیند که با و را که در و دلیل بود که آنگس بدین و بد مذنب بود و با و را که  
نوعی است از تار با ابن سیرین گوید اگر بیند که با و را که و دلیل بود که حاجت او را کرد و و فرمود یا بد نیز که رسول خدا فرمود  
الحديث ما اظلمت وما اظلمت و ما اظلمت یعنی بوی خوش و چه خوش بودی تو حضرت صادق علیه السلام فرماید که خوردن با و را که  
و خواب سه وجه بود اول حاجت روائی و دویم کام یافتن سیم دیدار غایب ویدن با و را که و دلیل بود که با و را که و دلیل بود که با و را که



١٥٠

19

10

بود اما باری زرد و لیل برنج و بیاری بود و اگر باری که بود و در لیل برکنه و مصیبت بود و اگر باری را سفید بیند و لیل بود و خیر و منفعت  
که از اجائی بد و رسد باری این سیرین که دیدی شهر و قلعه و ده و لیل بر پادشاه کند یا بر والی و معتبران گویند که باری شهر و لیل بر پاد  
بود و باری ده و لیل بر خداوند کند اگر بیند که باری شهر قوی و بلند بود و لیل بر قوه و نیکی حال پادشاه و اگر بیند که باری شهر  
سفید و و خراب شد اگر جمله سفید و لیل بر پادشاه کند و اگر برخی از آن سفید و لیل بر پادشاه والی بود و اگر بیند که باری و را نو کرد  
لیل بود که پادشاه نور آتش مستقیم کرد و اگر بعضی از باری شهر را نو کرده بیند و لیل کند که والی نور آنجا مقیم کرد و اگر باری که بیند که  
شهر و آنچه نزدیک و دروازه شهر بود و وایش عیش و اینی بود و آنچه در پس آن شهر بوده باشد و هر یک و بد و زیاده و نقصان که در  
بیند و لیل برین پنج گونه بود که اگر این سیرین گوید اگر بیند که باری بگرفت یا کسی بوی داد و آتش را مطیع او بود یعنی هر دست و شست  
و لیل کند بر بزرگی قدر وافر و بی جا و منفعت او و اگر بیند باری سفید بردست او شست و لیل که از پادشاه قدر و منفعت یابد  
و اگر بیند که باز از دست او سفید و بهر و لیل بود که از منفعت بد و روشی و چهار کی افتد که باری که گوید اگر بیند که باری سفید بیافتد اگر از  
مردمان پادشاه بود و لیل که از پادشاه ولایت و حرمت یابد و اگر از رعیت بود مال بسیار حاصل کند و اگر بیند که باری کسی بوی سفید  
و لیل که او را فرزند یا صاحب حسن و جاه و اگر بیند که باری بر ارم او شست و لیل که او را با پادشاه و صحبت افتد و از او چیزی  
یابد و اگر بیند که باز بگنجت و در خانه شد یا در زیر دامن زنی نهان کرد و لیل که از زن را پسری خوب روی پیدا یابد و اگر بیند که باری  
بای انباز شکله زمین یا حین بود و لیل که از زن را دختری آید یا بر مغزنی گوید اگر کسی بیند که باری بیافتد و او را بگشت و لیل که  
اینکس از مردم پادشاه بود معزول کرد و از عمل او اگر مردم پادشاه بنوا و را برنجی و غمی رسد از بخت اهل بیت و اگر بیند که باز از دست  
او برید و باز نیاید و اگر آنجا بر پادشاه دیده بود و لیل که مملکت از دست او برود و اگر باز نیاید و در دست او شست و وایش  
اگر مملکت و قدرت یابد حضرت صادق علیه السلام که چون بیند که باز مطیع او بود و وایش بر پنج وجه بود اقل امش و دویم شادی  
سیتم بشارت چهارم فرمان روائی پنجم یافتن مراد و مال بقدر و قیمت باز زد و هر زورم خاصه چون باز سفید و مطیع او بود  
و چون باز مطیع نباشد و وایش بر چهار وجه بود اقل پادشاه سکه دویم حاکمی که میل کند سیتم حقیت خاین چهارم فرزند که فرمان پدر و مادر  
نبرد و باری این سیرین که دید که باری در خواب برادر بود یا فرزند یا دوست متحد یا انباز اگر بیند که باری قوی بود و لیل بود که  
از ایشان منفعت و وقت رسد و اگر بخلاف این بیند و لیل که او را هیچ فایده و قوت از ایشان نباشد و اگر بیند که باری و اقل یا اگر کسی  
بازی او را برید و لیل کند که برادر یا دوست یا انباز او از دنیا رحلت کند یا از وی مفارقت جویند حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن باز  
در خواب برنش وجه بود اقل برادر دویم فرزند سیتم انباز چهارم و دوست پنجم سیریم ششم حسایه بار و نه که باری که باری  
نزدین اگر بیند که در باز داشت و لیل کند که از برادران یا از کسی دیگر او را غم و کربست رسد و اگر باز و بند سپین و بهر خبران گویند اگر بیند  
خود را یا دختر خود را بشوهر دهد و اگر این خواب زنی بیند و لیل که او را مال و نعمت و آرایش بود و اگر بیند که باری بوقت خویش دیده بود  
داشت و لیل بود که او را از برادر و وقت و یاری بود و اگر بیند که باز و بند شکست یا ضایع شد و وایش پنج گونه باشد یا نماند یا نماند یا نماند

فایده

حیث

شیت

باز

کند که آنچه بدیدیم و جایشش بود و اگر دو بعضی از معتبران گویند اگر بیند که بدشواری بر بالایی رفت دلیل که آنچه میجوید برنج و دشواری بیاورد  
و اگر بیند که برزدبان بالا میشت دلیل بود که درین شرف منزلت یا بد خاصه که نزدبان و از نعل بود و اگر بیند که نزدبان از نعل و سنگین  
دلیل بود که درین و نعل باشد که فانی گوید که از نزدبان بر بالا رفتن از نعل و سنگین دلیل که شرف و بزرگی باید در اینجا و اگر بیند که از  
خام و کل بود دلیل بود که قدر و منزلت یا بد در اینجا و اگر بیند که بر آسمان بالا رفت و باز نیامد دلیل بود که اجل و نزدیکت باشد  
و اگر بیند که بر آسمان شد و باز آمد دلیل بود که سخت بهار کرد و دوسر انجام شفا یا بد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن بر بالا شدن برنج  
و چه بود اول روانی حاجت و تقیم زن خواستن ستم قرب و بزرگی چهارم مراد یافتن حقیق بالا رفتن کمالان ابن سیرین گوید که بالا  
دیدن در خواب زن بود و اگر بیند که پالان داشت یا کسی به بهای بخیر دلیل که زن خواهد یا کینه زن خور و اگر بیند که پالان بر پشت  
داشت دلیل که مطیع و فرمان بردار زن گردد و بر وی ستولی گردد و اگر بیند که پالان از وی ضایع شد دلیل بود که زن از وی جدا  
گردد یا طلاقش دهد یا بر مغری گوید اگر بیند که پالان پاکیزه داشت دلیل بود که زن مستور سازد یا بخواجه او و غیره منفعت یا بد و اگر بیند  
که پالان در پشت و چرکن داشت دلیل بود که زنی خواهد پیروز روی و ناسازگار و از وی حضرت بیند بالمش ابن سیرین گوید که بالمش  
در خواب خادم بود و بیند خواب را اگر بیند که بالمش نو فر گرفت و آن بالمش سبز بود یا کسی بوی داد و دلیل که او را خادم یا خدمتکار  
مصلح یا رساید کرد و اگر بیند که بالمش او کمن و چرکن خور و سیاه بود تا وایش بخلاف این بود و اگر بیند که بالمش او بدرید  
یا بسخت یا از وی ضایع شد دلیل بود که خدمتکاران وی ضایع کرد و یا بگریزد یا رنج و بلائی بد و رسد و بسبب آن از وی جدا  
گردد و کرمانی گوید اگر بیند که کسی از خانه او بالمش بدید دلیل بود که کسی از بی زن او میگردد که او را بفریبد یا از بی کینه و می تویند  
گویند که دیدن بالمش در خانه دلیل بود که کسی از آن خانه میبرد و اگر مردی بیند که بالمش بسیار یافت دلیل بود که بقدر آن بالمشها او را  
خادمان و کینه زن حاصل گردد و اگر بیند که بالمش را افتاد و بالمش او بسخت دلیل بود که خادمان و کینه زن او بر وی بگریزد حضرت صادق علیه السلام فرماید که  
بالمش در خواب برنج و چه اول خادم و دوم کینه ستم ریاست چهارم دین و پنج بریز کاری و عدل با هم و اگر بیند که بر بام خانه مهمل بود دلیل که در  
خواه بر قدر بندی بام یا قدر و زشت اگر بیند که بام آن خانه معروف بود دلیل که شرف بزرگی یا بد و کاش بر نظام کرد و یا بر مغری گوید که اگر بیند که بر بام  
یا و شاه بود دلیل بود که بزرگی و منزلت یا بد و اگر بیند که از بام بنفیا و از جاه و منزلت برفت و او را اندوه رسد یا نکست و شستن  
چا نوران محمد بن سیرین گوید که بانگ داشتن جانوران و مردم خواب دلیل بود بر غم و مصیبت و آن موضع و اگر بیند که او را بانگ  
میکرد و نواز جانی دور اگر جواب داد دلیل بود که زود بمیرد و اگر بیند که جواب نمیدهد دلیل که بیمار گردد و اگر بیند که آواز کسی شنید  
دلیل بود که شادمان گردد و اگر بیند که او ناله می شنید دلیل بود که چیز ناخوش شود و اگر بیند که بانگ زاری می شنید دلیل بود که  
حاجت او را کرد و در دشمن ظفر یا بد و اگر بانگ و شنام شنود و گراستی بوی رسد و زوایل کرد و کرمانی گوید که اگر بیند که اسپین  
میگردد دلیل بود که او را بشارتی رسد و بعضی از معتبران گویند که البته که بوی رسد از بهر آنکه بهایم دروغ نگویند و اگر بیند که خر  
بانگ میکرد از دشمنی و جالبی فریاد و شناعت شنود و قوله تعالی ان انکرا الا صواب لوصف الحقیق و اگر بیند که شتر بانگ

بیج

دلیل که بچ رو و یا به تجارت دوران ویران شود و منفعت یابد و اگر بینه که کوفته می باشد دلیل که از بزرگی ویران شود و منفعت یابد  
 و اگر بینه که از بزرگاله بانهت دلیل بر خرمی و شادی و نعمت کند و اگر بینه که آهسته بانهت میگرد دلیل بود که او را کثرتی حاصل کرد و اگر بینه  
 که شیر بانهت میگرد دلیل بود که بیم و ترس یابد از پادشاه و اگر بینه که بانهت میگرد دلیل بود که او را جنگ و خصومت افتد و اگر بینه  
 که یوز بانهت میگرد دلیل که کسی بروی خشم گیرد و بروی که بینه که اگر بانهت میگرد دلیل بود که او را شغل بانهت میگرد دلیل  
 بر غم و اندیشه کند از سبب دشمنان و اگر بینه که روی بانهت میگرد دلیل بود که مردی دروغ زن بادی که حمله کند و اگر بینه که بانهت میگرد دلیل بود  
 که او را از درویش بود و اگر بینه که شتر مرغ بانهت میگرد دلیل که خادم و لیسر یابد و اگر بینه که کس بانهت میگرد دلیل بود که از خبر مردی بزرگ گین  
 کرد و اگر بانهت میگرد دلیل که خبر پادشاه شنود و اگر بینه که بانهت میگرد دلیل بود که خبر سر بیکان پادشاه شنود و اگر بینه که خبر بانهت  
 میگرد دلیل بود که خبر مردی جوهر و شنود و اگر بینه که کلاه بانهت میگرد دلیل بود که خبر مردی پوشیده شنود و اگر بینه که چغل بانهت میگرد دلیل که  
 اندوه و مصیبت شنود و اگر بینه که بوم بانهت میگرد دلیل بهین بود و اگر بینه که فاخته بانهت میگرد دلیل که خبر دروغ شنود و اگر بینه که نذر و بانهت  
 میگرد دلیل که خبر زنی با جمال شنود و اگر بینه که طایوس بانهت میگرد دلیل که خبر پادشاه عجبی شنود و اگر بینه که کلانک بانهت میگرد دلیل که خبر  
 و رویش شنود و اگر بینه که لکک بانهت میگرد دلیل که خبر مردی و بهتانی شنود و از آن خرم کرد و اگر بینه که کبک بانهت میگرد دلیل که خبر  
 زنی نیکو شنود و اگر بینه که بانهت که بانهت میگرد دلیل که خبر زنی مستور شنود و اگر بینه که بانهت که مرغ می شنود و دلیل که خبر مردی چرام  
 خوار شنود و اگر بینه که کجک بانهت میگرد دلیل که خبر خوش شنود و اگر بینه که بلبل بانهت میگرد دلیل که خبر پادشاهان بانهت میگرد دلیل که خبر و اگر بینه  
 که سار بانهت میگرد دلیل بهین بود و اگر بینه که مرغ آبی بانهت میگرد دلیل که غم و اندوه بوی رسد و اگر بینه که بط بانهت میگرد دلیل که خبر مصیبت  
 از ابل و شنود و اگر بانهت بچکان مرغ شنود و نام مصیبت رسد حضرت صادق فرماید که بانهت همه مرغان در خواب شنیدن یکدیگر بود مرغی که او را فغانی  
 که بانهت و اندوه و مصیبت بود و بانهت ترس و بیم بود و از دشمنان بانهت زنبور و دلیل بر ترس و بیم بود و بانهت وزغ دلیل که در وضعی فرو و یا  
 جا بر مرغی که بینه که از آسمان یا از زمین یا از هوا بانهت سحرین می آید دلیل بر غم و اندوه و مصیبت پادشاه و هر چند خبر  
 خیر و شر بود حکایت آورده اند که مردی پیش ابن سیرین آمد و گفت که بخواب دیدم که دایه جنبه بامن سخن می گفت ابن سیرین  
 گفت که ترا اجل نزدیک آمده است قوله تعالی **وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَأْوِلَهُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَتَكَلَّمَ لَهُمِ أَنَّ النَّاسَ**  
 و چون می گفتند برآمدند از دنیا رحلت کرد بانهت نماز ابن سیرین گوید که هر سنده که صلح و نومن و مستور چون بینه که در جایگاه  
 معروف بانهت نماز شنود و یا بانهت نماز بد دلیل که حج بیتا شنود و قوله تعالی **وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَأْوِلَهُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَتَكَلَّمَ لَهُمِ**  
 و اگر بانهت نماز در جایگاه مجهول بود و مرغی و ناپسندیده بد و رسد و اگر این خواب را مردی فاسق بیند دلیل که او را بد مردی  
 و اگر بینه بانهت نماز از مسجد یا از مناره بد و دلیل بود که مرد نماز بخواند و اگر بینه که در بستر خفته بانهت نماز میداد دلیل بود که  
 زن خود الفت دارد و اگر بینه که بانهت نماز در خانه خود میداد دلیل بود که مفلس و درویش کرد و گویند کسی از ابن سیرین  
 که بینه که بانهت در چاه یا در سرداب میداد دلیل بود که آنکس زندین یا منافق بود و اگر بینه که بانهت نماز در کوچه میداد دلیل بود که

بیج

سجده

کند که مانی کوید اگر مردی بیند که باز خود با نکت نماز میدارد و دلیل بود که از دنیا رحلت کند بزودی و اگر بیند که در کلمه های با نکت نماز میابد  
و نقصانی را در دلیل بود که مردی ستم و سبیدار کند و اگر بیند که کوکی با نکت نماز میدارد دلیل بود که پدر و مادر او دروغ گوید و اگر بیند که با نکت  
نماز در گریه میدارد دلیل بد حال او بود در دین و دنیا و اگر بیند که با نکت نماز در قافله یا در لشکرگاه میدارد تا و بیش بد بود و اگر بیند که  
مجموعی در زندان با نکت نماز میدارد و اقامت کرد از زندان ربانی باید و اگر بیند که با نکت نماز بلبه و بازی میدارد دلیل که هلاک کرد  
و اگر بیند که بر سر کوهی با نکت نماز میدارد دلیل بود که پادشاه سخن راست گوید و او را بجزای تقالی خواند و اگر بیند که در سواره با نکت نماز  
میدارد دلیل بود که بزرگی و فرمان روائی باید و اگر بیند که در کعبه خانه با نکت نماز و دلیل که در کار حق خیا نیست کند و اگر بیند که در سوار  
با نکت نماز و دلیل بود که بسفر زد و شود و در آن سفر بچ و ملا کشد ویر بماند و اگر بیند که در میان کوهی با نکت نماز کرد و دلیل بود که در  
میان قومی شکر گرفتار آید و بادی خیا نیست کند و اگر بیند که بر کسی یا بر تختی نشسته بود یا ایستاده و بلبه و با نکت نماز میکرد و دلیل بود  
که عقل از اوایل کرد و اگر بیند که دیگری با نکت نماز کرد و او بشنید و دلیل بود که بکار عبادت و طاعت کامل بود و کسی او را بخیر  
خواند و اگر بیند که با نکت اقامت شود و دلیل بود که در کارهای حق توفیق یابد و بجز در حق با نکت نماز در خواب و بیدار  
و چه بود اول حج دوم سخن سوم فرمان روائی چهارم بزرگی پنجم ریاست ششم سفر بقدم مریدین هفتم مفلسی هشتم خجسته  
و نهم جاسوسی یازدهم منافقتی و دهم دینی و دوازدهم بریدن دست پانزدهم این سیرین گوید که یکبار به پاسبان خواب دیدن سخن خوش  
و لطیف بود یا بوسه بود که نفرز تر و عیال یا بد یا بدوستی و بد و اگر پاسبان بسیار بیند نصرت و روزی حلال بود و بقدر آنکه دیده و اگر  
بیند که میره زنی بخوار یا پاسبان بد و بخشد و دلیل بود که مال نعمت و نیاید و بقدر آن که کاشن نظام گوید و اگر بیند که پاسبان بسیار  
داشت و جمله را به بخشد یا از وی ضایع شد و دلیل است که اگر نعمت دارد جمله را نفقه کند یا از وی ضایع کرد و پامی بنال  
گوید اگر کسی بیند که یکبار یا بریده بود یا شکسته و دلیل بود که نیمه مال از وی ضایع کرد و اگر هر دو پای بریده یا شکسته بیند  
بود که جمله مالش برود و یا خود میرد و خبر آن گویند که اگر کسی هر دو پای خود را بریده یا شکسته و دلیل بود که بسفر شود و اگر بیند  
که پای او آهین با مسین بود و دلیل که عمرش دراز بود و مالش باقی ماند و اگر بیند که پایش شکسته بود که عمرش زود سفری کرد  
و مالش نازد زیرا که آهینه را بقا و قوه نبود و اگر بیند که پایش شل یا مبتلا شده بود و دلیل بود که بدست و ضعف حال او باقی ماند  
زخیره شتر این سیرین گوید که اگر صالحی بیند که پایش شل شده بود و دلیل بود که بر زبانی دین او توبه تعالی و کلامی الا عجب حج بود  
بیند که پاسبان او بر سر بسته بود و دلیل بود که اگر کسی منفعتی بوی رسد و اگر بیند که پایش نبود و بچ سب راه میرفت و دلیل بود که آهنا  
بر کسی کند و از آنکس خائیا بد و اگر کسی عامل پادشاه بیند که هر دو پای او بریده بود و دلیل بود که از غل مغزول کرد و مالش تلف  
شود و اگر بیند که پای او آهین بود و دلیل بود که مالش نازد و اگر بیند که پایش سهین بود و کعبش زترین سیرین دلیل کند و اگر  
بیند که پای او در و منند و دلیل که او را زبانی رسد و اگر بیند که پای او بستنی بست و دایق و دل بهتر بود زیرا که دخت چون  
بود و سون چون مرده و اگر بیند که پای او در دایم گرفتار شده بود یا در جانی خرو رفته بود و دلیل بود که در مرگ جلیبی گرفتار

سجده

سجده

بگذرد آنکه پانی وی در آن سخت شده بود اگر بینه که پانی در میان یکای بی یاور کوری بغیر دلیل بود که از کار دین و دنیا بازماند کسی  
سختی بدو گوید که از آن رنجور گرد و اگر بینه که پانی بر ستوری بی جنبانید دلیل بود بر غایت طلب انکار که میجوید که مانی گوید که هر دو  
پای تبا و بل مار و در پیر باشد هر ضعیفی و نقصانی که در پانیند بهر دلیل بر پدر و مادر کند و اگر بینه که پای بسیار داشت دلیل که بفر  
شود و اگر در ویش بود تو انگر دو و دیدن پیش پای خود دلیل زینت بود و بود حصول مال و طاعت که کرده بود و جابر مغربی گوید که  
اگر بینه که پای او چون پای شتر یا پای گاو بود دلیل بود که قوه و مالش زیادت کرد و اگر بینه که پای او چون پای اسب بود یا چرخ  
دلیل بود که قوت و جاه او افزون گرد و اگر پای خود چون پای درنکان یا دوکان میند چیزی صرام حاصل کند و اگر پای خود چون  
چنگال مرغان میند دلیل بر قوه و کسب معیشت او بود و بر دشمن ظفر یا بر جگر صاوق فرماید که دیدن پای در خواب بر پشت جگر بود  
اوقاش عیش و دیم عمر ستم سخی کردن چپارم طلب مال بچرخ قوه ششم سفر بمقام زن و پای کو فتن در خواب غم و مصیبت بود و پای  
او رنجن ابن سیرین گوید که اگر مردی در خواب بینه که پای او رنجن در پای داشت دلیل بود که او را رنج بود و اگر بینه که سیمین بود  
رنج و سختی او کمتر بود که مانی گوید که پای او رنجن زنا تراشوی بود و زنا ترا نیک بود و پیراهن پای زمین زنا ترا نکند بود و و از ناز احوال  
و اگر بینه که او رنجن زنا تراشوی بیرون کرد یا از وی ضایع شد دلیل بود که آنکس از وی رنجور دل کرد و پند نهادن ابن سیرین گوید که اگر  
بند بر پای خود نهاده بینه دلیل بود که ترسان و حراسان گرد و اگر بینه که بر پای او دو بند نهاده بود و او در مسجد بود دلیل بود که  
او را در دین ثبات بود و یا در نماز یا در غزای یاور کار که در آن صلاح دین بود که مانی گوید که اگر بینه در خواب بند را که در پای خویش بند بود  
و او را غم سفر افتاد و دلیل که در آن سفر دیر ماند و در آنجا مقیم گرد و هر چند که بر پای بند قوی تر و محکم تر میند دلیل که اقامتش  
در آنجا بیشتر بود اگر بند فراخ بود بهتر باشد که تنگ بود و اگر بینه که بندش از نس بود همین دلیل کند و اگر بندش از آهن بود دلیل بود  
بر آنچه ناکه سخت یا کرده شده اگر بینه که بندش از رسن بود و مقیم شدن از بهر دین بود و اگر بینه که او چون چوب بود و مقیم شدن  
از بهر فساد دین بود و جابر مغربی گوید که اگر چهار بینه که بر پای او بند بود دلیل بود که از آن رحمت خلاصی یابد و اگر پادشاه بینه که یک  
او بند بود دلیل که پادشاهی بروی پایدار بود و جعفر صاوق فرماید دیدن پای بند در خواب بر سه وجه بود اول ثبات در دین و دیم  
زن خواستن ستم از سفر باز آمدن و علی الحمله هر که در خواب بینه که در پای او بند بود اگر در نیکی بود نیکی در وی پایدار بود و اگر در بدی  
بود بچنین پای تابه ابن سیرین گوید که پای تابه در خواب چون نهاده بینه مال بود و چون پای یا پیچیده بینه سفر بود و اگر  
که پای تابه بر پای پیچیده است چنانکه مسافران اینک بیا بیان کرده اند و با وی هیچ رفیق و توشه نبود دلیل بود که زود از  
و نیار حلت کند و اگر بینه که پای تابه خویش بفر خست یا بکسی بخشید دلیل بود که مال او ضایع کرد و جعفر صاوق فرماید که پای  
در خواب بر سه وجه بود اول مال و خوشه بود و دیم سفر ستم مرکب بود که بر پای پیچیده و متننا خرم بیا بیان کرده یا چیه  
ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بینه که پاچه کوفته می خورد دلیل بود که چیزی و نعمتی بدو رسد بقدر آنکه خورد و اگر بینه  
که پاچه کاه می خورد دلیل بود که در آن سال او را فراخی و نعمت بود و بر اندازد خوردن او جابر مغربی گوید که خوردن پاچه در خواب

پای او رنج

بند بر پای

پای او رنج

پای او رنج



و اما میگرد و دلیل نفسا و مایل کرد و مال حرام یا بدست خواجه بن میرین گوید اگر کسی بیند که پرستو داشت یا کسی بوی داد و دلیل بر  
که اگر کسی که از او جدا شده بود و موالت میکرد و در مقام او قرار گیرد و اگر بیند که پرستو را بگشت باز دست بکشد و دلیل بر آنست  
که اگر بگشت دارد و جلالتی بود و در شود که مانی گوید که دیدن پرستو در خواب مردی توانگر باشد و بود و اگر پرستو داده و بیند نیکی  
باشد و بود و اگر بیند که پرستو را وی بدید و دلیل بر آنست که از مردی توانگر جدا گردد و اگر بیند که پرستو در دست او بود و دلیل بر آنست که بار او  
بمیرد و در آنجا و اندوه بیند جابر مغربی گوید اگر بیند که پرستوئی را فرار گرفت و دلیل بر آنست که از غنای خود بماند و از ترس بیمین که در دست  
این میرین گوید که برف بخواب دیدن غم و اندوه و غذاب بود که از اندکی دیده بود و اگر در زمان برف بیند یا بجا یا کسی که پیوسته در آنجا  
برف بود و دلیل بر آنست که از آن موضع را غم و اندوه رسد جابر مغربی گوید که دیدن برف بخواب لشکر بزمی بود و خاصه که برف بزمی چنانست  
صادق فرماید که دیدن برف بخواب بر شش وجه بود اول روزی و تو نیم زندگانی ستم مال بسیار و از آنی از غنای چهارم لشکر بسیار  
پنجم بیماری ششم غم و اندوه و اگر بیند که بتابستان برف جمع میکرد و دلیل بر آنست که مال حلال جمع میکرد و دلیل بر آنست که بعیش خوش گذراند  
و منفعت بسیار یابد که مانی گوید که برف بخواب دیدن در سر و سپر و دلیل بر خیر و نیکی کند و در کم سیر و دلیل بر غم و اندوه و محنت و بسیار  
و اگر بیند که برف بوقت خود میوزد بهتر از آن بود که بوقت بود و برق این میرین گوید که برق در خواب خواند و از پادشاه بود و  
از متعبران گفته اند که برق و عده کردن پادشاه بود و بدی مرد و طالع را بطبع وی اگر بیند که برق را از هوا یا از بر فراغت دلیل بر آنست  
که در آن خنکی و خیر آن بود اگر بیند که برق می در شید و دلیل بر آنست که در آن سال بخت فراخ بود و خاصه که با برق باد آهسته بود و خفته بسیار  
فرماید که برق در خواب بر پنج وجه بود اول خواند و از پادشاه و تو نیم و عده بدستیم عتاب چهارم رحمت پنجم راه راست بر کشود  
این میرین گوید که بر کشود در خواب ستواری و محکم کاری بود اگر بیند که بر سپی یا بر گسوان نشسته بود و دلیل بر آنست که کار وی محکم و استوار  
گردد و در شش نفر از هم خشم را قهر کند جابر مغربی گوید اگر بیند که اسب وی یا بر گسوان در میان در زم میزد و دلیل بر آنست که کار بر او آید  
و دولت مساعدا گردد و اگر بیند که بر گسوان از اسب و در افتاد یا ضایع کرد و دلیل بر آنست که نام آید یا بد و در دست چنان مغلوب گردد  
بر پنج این میرین گوید که بر پنج دیدن بخواب مانی بود که بر پنج حاصل کرد و بعد از آنکه دیده بود که مانی گوید اگر بیند که بر پنج پنجمی خود و دلیل بر آنست  
حاجت او را کرد و خیر و نیکی بدو رسد و اگر بیند که بر پنج با گشت پنجمی خود و بهتر و نیکوتر بود و بر پنج با شتر خوردن بغایت نیک بود و اگر  
بیند که بر پنج با و غ پنجمی خود و دلیل بر پنج و اندوه کند و خضر صادق فرماید که دیدن بر پنج در خواب بر سه وجه بود اول طالع و تو نیم حاکم  
ستم خیر و منفعت که بدو رسد پرنده این میرین گوید اگر بیند که پرنده داشت و از دست او پرید و دیگر بار دست او آمد و دلیل بر آنست که  
او را کرده و اگر بیند که پرید و دلیل بر آنست که بعضی از مال او را در میان بداند که پرنده در خواب چون تا دل و پادشاه آن در حرف  
وال میان کرده شود پرنده این میرین گوید که بر پنج در خواب اگر نر بود و اگر ماده بود و فرزند بود و اگر بیند که بر پنج فرار گرفت یا کسی بدو  
و او دلیل بر آنست که او را فرزند آید و آن فرزند بروی بود و اگر بیند که بر پنج را بگشت دلیل بر آنست که فرزند او میزد و اگر بیند که گوشت بر پنج  
را بخورد و او را بسبب فرزند غم و اندوه رسد که مانی گوید که دیدن بر پنج در خواب خیر و منفعت بود و نیکی و مال حلال هم هست بقدر بر پنج

دلیل بر آنست

دلیل بر آنست

دلیل بر آنست

دلیل بر آنست

دلیل بر آنست

دلیل بر آنست

دلیل بر آنست

و کمال

بازماند

بازماند

بازماند

بازماند

بازماند

و لو چکی او و اگر بید که بره داشت و او مال غنیمت رسد بقدر آن و اگر بید که بره یا بر خاله را بکشت و آنرا بخور و نه از بهر گوشت کشت  
 و لیل بود که او را مصیبتی رسد بسبب فرزند حضرت صداق بخور نماید که دیدن بره و خواب بر چهار وجه بود اول فرزند و دوم مال طلال  
 ستم معیشت چهارم غم و اندوه بر سر منگی محمد بن سیرین که پدر اگر کسی در خواب خود را برهنه بیند چنانکه از مردم شرم دارد و پوشش طلب کند  
 و لیل بود که حج طلب کند و اگر بیند خواب روی مسطور صالح بود کنا پیش غفور کرد و اگر ندانند خواب صالح است و لیلش بد بود که مانی بود  
 اگر کسی خود را برهنه بیند و در طلب دنیا بود لیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که از آری بر میان بسته بود و لیل بود که در طاعت و عبادت محمد بن  
 جابر مغربی که پدر بر منگی در خواب لیل محنت و رسوائی بود اما اگر عورت را پوشیده بیند و صالح را نیک بود و فاسق را بد بود حضرت جابر  
 فرماید که بر منگی در خواب و صالح را خیر و منگی بود و مرد و مفسد را بدی و رسوائی و بجز مرتی پروانه این سیرین که پدر که پروانه در خواب دیدن  
 مردی ضعیف و نادان بود که خود را بنا وانی در ملک اندازد که مانی که پدر اگر بیند که پروانه از پس پشت او برید و اینکس را اگر فرستد لیل  
 که مکنیزی و شیرازه دراز کند از وی پسری آید اگر بیند که پروانه از پشت او ملاک شد و لیل که فرزندش ملاک کرد و  
 بروت در خواب دیدن و لیل بر مصیبت مرد کند اگر بیند که کسی بروت را بمقتراض بسیار است تاویل نیکو بود و او بر حضرت رسد  
 و اگر بیند که بروت او در وقت پیراستن از تن برید یا بستر و لیل نقصان مصیبت مرد بود که مانی که پدر اگر بیند که بروت دراز شده بود و لیل  
 که او را قوتی بود و اگر بیند که کسی بروت او را بر کند و لیل که با کسی خصومت کند و اگر بیند که بروتش سفید گردیده بود و لیل که از کار او قوتی  
 باز آید و اگر بیند که او را بروت بود و اگر دراز بود و لیل بر غم و اندوه بود و اگر اندک بود و لیل بر غم و اندوه و مراد کند بر ج و انیال کویر  
 که دیدن حمل و اسد و قوس لشکر پادشاه بود و دیدن ثور و سبیل و جدی پسر پادشاه و دیدن خنجر و نیزان و دو لو قاضی و ساجت  
 پادشاه بود و دیدن سرطان و عقرب و حوت و دیار صاحب شرطه و شراب و پادشاه بود این سیرین که پدر اگر کسی حمل را بخواب بیند یا مر  
 محترم را کارهای افتد و حاجت او را کند و اگر ثور را بیند یا مردی حامل و ناوان و کارهای افتد و حاجت او را کند و اگر خنجر را بیند یا مردی  
 با زبان و نا کارهای افتد و حاجتش را کند و اگر سرطان را بیند یا مردی با حمل کارهای افتد و حاجتش را کند و اگر دو نیزکی و جواهر یا بد و اگر سبیل را بیند یا  
 یا مردی کشتاور زیاده کارهای افتد و مایش را بیند یا اگر نیزان را بیند یا مردی قاضی کارهای افتد و هر و عده که ده و خاکند و اگر عقرب را بیند یا مردی  
 مفسد بد کارهای افتد و او را رحمت رسد و غلین کرد و اگر قوس را بیند یا مردی سالار و ماهر کارهای افتد و حاجت او را کند و اگر دو  
 او را دوست دارند و اگر حوت را بیند یا مردی غریب ساده دل و نیکوای حرمیان کم سخن کارهای افتد و حاجت او را کند و اگر دو  
 بد است بعضی گفته اند که دشمن بود و بعضی گفته اند محبت است و کامروانی در انکار که بد بود و بریره که بد از رسول خدا  
 مردی در خواب دولت و بزرگی بود و دوست و دوست او نهادن و با او سخن گفتن و لیل غرضی بود محمد بن سیرین  
 که دیدن که خوشنوی و شادمان و خوب روی بود و لیل که خود دولت یابد و اگر از رشتن و غمگین بیند و لیل بر غم و اندوه  
 کتار بری خوش را مرد بیند کار او شوریده کرد و اگر با بری جنگت میکرد و لیل که کار او آشفته کرد که مانی که پدر این بعضی سگ  
 در خواب و دیدار دوست و محبت و دولت بود و آنچه کافر باشد و دیدار ایشان و دیدار دشمن و او با و اندوه بود و انیال که پدر اگر کسی در خواب

خواب

و تویم بزرگی و رفعت سیم مرتبت چهارم مال خیم عمر در از ششم تا بقدر بزرگی بدانکه چون نساط فروش چون بباستانه بخواب  
 این بود بستر برین سیرین کوی که بستر در خواب بن بود و نیک و بدان تعلق زن دارد و اگر بید که بستی خرید یا بستی را بدل کرد یا از  
 بستر بستر دیگر شد دلیل بود که زن دیگر خواهد زن نخستین را طلاق دهد و اگر بید که بستر از حال خود متغیر کرد و دلیل بود که زن او از حال  
 بجال دیگر کرد و اگر بید که بستی بستر دیگر شد بهتر از آن یا کمتر از آن و دلیل کند که زنی خواهد زن نخستین را طلاق دهد و اگر بید که بستی  
 خوشتر از پیشینیت یا در نوشت دلیل بود که زن را طلاق دهد یا از او غایب گردد و یا از ایشان یکی ببرد و کافی کوی اگر کسی خود بر بستر  
 بجهول بید دلیل که بقدر قیمت آن او را زانی رسد و اگر بید که بستی بر تختی بجهول بستره بود و بر روی نشسته بود دلیل بود که زن بزرگی  
 و منزلت یابد و دشمنان را قهر کند جابر مغربی کوی که بستر در خواب ولایت و تن آسائی بود و توله عالی متکبرین علی فوش  
 ببطائیکما هو استتوی و اگر بید که بستر از خانه بیرون انداخت و بعد از آن بخانه آورد دلیل بود که میان او و زن طلاق می  
 افتد و اگر خوشین را به ستم بستر چهارم بزرگی افتاده بید دلیل کند که بشماره هر بستی زنی بخوابد یا کمتر ضرر و اگر بستر خود را در خانه  
 بید یا در مخاک که از آنجا بیرون نخواست و دلیل بود که زنش بر خود کرد و از آن پنج خلاصی نیاید و اگر خویش را بر بستر نرم  
 بسترده بید که خفته بود دلیل بود که آنسال بروی مبارک کرد و اگر بید که بستر از پیشم کنده بود دلیل بود که زن او را خواهد و اگر  
 که بستر او دیده بود یا سوخته بود دلیل بود که اجل او نزدیک آمده باشد و عیالش را دین و دینت و شرم نباشد اگر بید که بستر او از  
 بود یا بستر که پاسبین بدل کرد دلیل بود که زن فاسقه را دست داده زن مسوره بخوابد و اگر بید که بستی او پیش سرور از که ده بود دلیل  
 بود که میان آن او و کسی را سزا معاطی اتفاق افتد و بفساد و  
 طلاق دهد و در وی کوی حواهد یا بیستی خود در مالی کوی اگر بید که لیجان آسمان سپید دلیل کند که بید که از سستی خود بستر بجهول  
 سپید دلیل کند که اجل او نزدیک آمده باشد و باید از کناه تو بکند اگر بید که بر داشت لیکن بجا از بستر مخان دلیل کند که بیا کرد و در نزد  
 بطلان رسد و عاقبت شفا یابد و اگر بید که از جانی بجائی پرواز همبکر و دلیل کند که سفر نزدیک کند حضرت باوق فرماید که بستر بجهول  
 وجه بود اول سفر و دوم سیم بزرگی چهارم تغییر خان خیم ساری و مرک لغو با بقدر بر بیان محمد بن برین کوی که بریان در خواب غاوه  
 سخن بود و در فراخی طلب روزی و گوشت پخته تناول بهتر از گوشت خام بود و زمانی کوی اگر کسی بید که بریان از گوشت که سفید خورد  
 دلیل کند که بقدر آن مال پنج و سختی بدست آورد و اگر بید که بریان از گوشت کاو خورد و دلیل بود که از ترس و بیم این کرده و اگر بید که  
 بریان همی خورد و دلیل بود که او را مالی اندک حاصل کرد و بعضی از متبران گفته اند که خوردن تره پخته در خواب دلیل آمدن سپری کند جابر مغربی  
 کوی اگر بید که سر بریان میخورد و دلیل بود که او از متری منفعت رسد و اگر بید که مرغ بریان میخورد و دلیل بود که مالی از جهت زنی بگریز  
 بدست آورده و اگر بید که مای بریان کرده میخورد و دلیل بود که بسفر شود و بطلب علم یا بصحت مری بزرگ پیوندد و اگر خداوند خواب  
 بود و اگر مقصد بود و دلیل بر پنج و عظم دانه بود و دشمن و مای بریان کرده چون تازه بود بهتر از شور بود و مای بزرگ بهتر از خورد بود  
 و دیدن بریان فروش در خواب مری بود که بسبب وی دیگر از فراخ روزی کردند بتر از بجا مری جاسه فروش بود و دیدن مری بود  
 عظیم خطر ناک زیرا که بهای حامی دم و دینار بود که دهند و ستاند و مایل درم و دینار مکرده و اندیشه بود و در آن هیچ خیر نباشد لکن اگر

چ

ب

بسیار  
بسیار  
بسیار

گوید اگر خواب بیند که بست میخیزد یا بست دارد دلیل بود که بقدر آن غم و اندوه خورده و اگر بدید که بست کسی را دانا بفرخواست دلیل بود  
 که از وی بداند که غم و اندوه رسد جای مرغی گوید اگر بیند که بست داشت و از خانه بیرون ریخت یا کسی بخشد و هیچ ازان نگردد دلیل بود که از  
 غم رسته کرد و ازان خلاصی یابد بستان فروز این سرین گوید که بستان فروز در خواب دیدن نشاوی بود لکن بدین بدو اگر بیند  
 بستان فروز فرگفت یا کسی بدو داد دلیل بر حرم و شادی بود که تحرم کرد و اگر بیند که بستان فروز کسی داد دلیل بود که در حرم کرد  
 گرمانی گوید که بستان فروز چون بوقت خواب میخیزد و بعضی از متعبران گویند که زن بازگانی تواند بود با حال و خوش طبع و اگر  
 بیند که بستان فروز در خواب در جایگاه خویش میگرد دلیل که دیر بازگانی دوست و مصاحب افتد و اگر بیند که از زمین بکشد دلیل که از  
 صحبت مردی جدا گردد بستان در خواب و خمر بود و آنچه در بستان بیند از زیادت و نقصان صلاح و فساد آن جمله بر دختران کند و اگر بیند  
 که از پستانش شیر روان کرد و دلیل که بر دخترش نعمت و روزی فراخ کرد و مال حلال یابد و اگر بیند که بدل شیر از پستانش خون نشد  
 بود و دلیل بود که مال حرام یابد و اگر بیند که پستان او پیش از اندازد فرو و آنچه بود و دلیل بود که او را دختری آید و اگر مردی بیند که پستان او  
 شیر جج کرده بود و اگر زن ندارد زن خواهد و فروزندش آید و اگر زن دارد و تو اگر کرد و اگر این خواب را بجز زده بیند دلیل بود که در پیش روی  
 و اگر زن جوان این خواب را بیند دلیل بود که عمرش دراز بود و اگر دختری بیند دلیل بود که هم در خردی هم در جوانی گوید اگر مردی بیند که پستان  
 مردی میکید دلیل بود که بیمار گردد و اگر زنش آبستن بود پس اگر زن بیند که از پستان چیزی و دلیل بود که کار دنیا بر وی بسته گردد  
 جای مرغی گوید بستان در خواب زن او بود و بستان زن و دختری و اگر زنی بیند که پستان او بر سر بود و دلیل بود که دخترش  
 بجز خود دلیل کند که بیمار گردد و دوز و دشمنی بدو بپوشد و میسر نرسد اگر زنی بیند که در پستان پستانی دیگر برآمد و دلیل بود که دختر او  
 یا بیافت یا بجز دلیل کند که دیر از فرزند میبارد آید و اگر برغاله ریخت و دلیل که فرزند او مالک گردد و اگر جمید که گوشت بر غاله آید و اگر  
 دلیل که از مال فرزند چیزی بجز و حضرت صادق فرماید که نر بر در خواب مقدم لشکر بود و اگر بیند که نر بر بیافت و بروی نشست دلیل بود که آن  
 مرد مقدم لشکر گردد و اگر از مردم غامه بود و دلیل که او را با مقدم لشکر صحبت افتد و تو اگر کرد و حضرت صادق فرماید که از پیش شبنم که فرو  
 که هر که نر از خواب بیند که بجز بدو بجا پیش روی از وی دور گردد و دیدن فروش و خواب مردی بود که مردان و زنان را جمع کند گرچه  
 گوید که نر ماده و خواب دیدن و گوشت او خوردن مالی صحیح گردان بود و بعضی از متعبران گویند که مالی صحیح کرده او را حاصل کرد و جای مرغی  
 گوید که نر ماده دیدن و خوردن دلیل خیر و منفعت کند چون بطعم خوش میگوید و اگر بطعم ناخوش بود و دلیل بر غم و اندوه کند و نر  
 قطو نا این سرین گوید که دیدن نر در قطو نا و خواب لیل بر غم و اندوه کند و خوردن وی دلیل بر نقصان مال بود بقدر آنکه خورده بود  
 بساط یا نکه بساط و خواب شاد روان بود و اگر بیند که بساطی بکشد و بروی نشست دلیل بود که روزی بر وی فراخ گردد و خوش  
 دراز بود جای مرغی گوید اگر بیند که بساط پاکیزه و نو داشت و بزرگ فراخ و دلیل بود که نعمت و مال او بسیار گردد و خاصه که بکشد و بیند  
 اگر بساط خویش بفرخت یا کسی بخشد دلیل بود که در مال وی نقصان شود و اگر بیند که بساط او بسوخت دلیل کند که روزی بر او  
 بسته گردد و حالش بد شود حضرت صادق فرماید که دیدن بساط و خواب چون بزرگ و نو بود بر شش وجه بود اول غرق و جا

بسیار  
بسیار  
بسیار

نیم

نیم

نیم

نیم

رسد و اگر بید که پشت بدو درشت و با قوه بود و دلیل بود که او را فرزند می بیند و نا و عاش بود و اگر بید که چتری بر پشت گرفت دلیل  
 که بقدر آن کرانی و غم و اندوه بودی رسد و اگر بید که مرده بر پشت گرفت دلیل بود که ثنوت کسان مرده بودی بود و اگر بید که پشت او  
 بر پشت دلیل بود که حال او در کوه و جابری که بید که پشت دشمن بخواب دیدن ایمنی بود و از شر دشمن و دیدن پشت زن دلیل شدن  
 دنیا بود و اسمعیل اشعث که پشت بخواب دیدن برادر بود و اگر بید که پشت او شکست دلیل که برادرش میسر و اگر بید که پشت  
 او در و همبیکر و دلیل بود که ویران برادر یا از مرگ غم و اندوه رسد و اگر بید که بسبب خلقی پشت او داغ کرد و دلیل بود که بر صلاح دین  
 و دنیا می روی و اگر بید که پشت بدو بار بار داغ و دلیل بود که بسفر شود و مال حاصل کند حضرت صادق علیه السلام فرماید که پشت بخواب دیدن  
 برود و از ده وجه بود اول قوه و دوم برادری ستم یا چکارم پادشاه پنجم وزیر ششم تحت بهتیم پدر ششم برادر نهم میسر و هم مال را نگه  
 یاری و اوان و از ده وجه بدو و معتبران گفته اند که دیدن پشت کافران ایمان بود و فاسق را توبه و جادو را اسلام و منافق را  
 اخلاص پشت این سیرین گوید که اگر که وید در پشت زمین نامون نشسته بود یا بر پشت کوهی دلیل بود که بر مردی بزرگوار که شرف و منزلت  
 یابد که شرف و منزلت وی بقدر فراخی آن زمین بود که سیرین کو بهست و اگر بید که بر سر آن پشت ایستاده بود و دلیل که بزرگوار مردی بود  
 شود و از وی مال و حرمت یابد و اگر بید که آن پشت ملک و موضع او بود و دلیل بود که مردی بزرگوار و اشراف کند و نصرت و مال او است  
 و بجای او میقیم کرد و اگر بید که بعضی از آن پشت ملک او است و دلیل بود که بقدر آن نصرت و بزرگی یابد و اگر بید که از آن نصرت  
 یا کسی او را بزرگوار داشت و دلیل بود که بسبب مردی بزرگوار بر حیرت کرد و حضرت عیسی و اگر بید که بر آن پشت بدو شاری و نصرت بالا  
 می رفت دلیل بود که غم و اندوه بدو رسد حضرت صادق علیه السلام فرماید که پشت دیدن بخواب بر چهار وجه بود اول بلندی و دوم مال تیم  
 قوه چهارم تو سندی چشم این سیرین گوید که پشت در خواب دیدن از همه وجهی مال حلال و روزی بود و پیشمی که باقیه نباشد بهتر بود  
 و بیکه نیز و اگر بید که چشم داشت یا کسی بدو داد یا بخرد یا بوضع خویش بود و دلیل بود که بقدر آن او را مال حاصل کرد و قوله تعالی *وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا*  
*وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسًا فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ* و اگر بید که چشمی بود که مال خود را بهرینه کند و اگر بید که بر تن وی جامه نشین بود و دلیل بود که مال  
 از زنان مال حاصل کرد و اگر بید که جامه نشین یا پشمه بخرد یا بستر از پشم داشت و دلیل که زنی توانگر بخوابد جابر بر مغرایی که او  
 که پشمه اشتر و خواب مال بود و از قبل پادشاه و معتبران گویند که میراث بود و پشت این سیرین گوید که پشمه مردی ضعیف و خوار و مال  
 بود و کاری اندک و حقیر کند و اگر بید که با پشت جنگ میگرد و دلیل بود که با مردی ضعیف خصومت کند و اگر بید که پشت بکلوی او فرو شد  
 و دلیل بود که با مردی حقیر کاری حقیر شغل کرد و از او اندک چیزی بدو رسد و اگر بید که پشت بسیار بر تن او جمع شد و او را میگرد  
 دلیل بود که در زبان مردم عوام افتد و از ایشان بوی حضرت رسد و باشد که او را زبان رسد زیرا که پشت خون مرد و اگر بید که پشت  
 گوش از بینی او فرو شد و از او بوی و گزند یافت و دلیل بود که از مردم ضعیف بدو بوی و گزند رسد که مانعی که اگر بید که پشت بسیار بجا آمد و او را دلیل  
 که او را غم و اندوه رسد و اگر بید که پشت کان غلبه کردند و در خانه او جمع شدند و دلیل بود که بر شمس ضعیف باشد و اگر بید که پشت در بینی او فرو شد و



در خواب

ب

چند

ب

ب

گفته از او غله که او گفت که پیش محمد بن سیرین بودم مردی بیاد و گفت خواب دیدم که از مینده آب میخورم و آن مینده را در درون آب  
 آب شیرین خوش میخورم و از یکی آب شور و تلخ این سیرین گفت تو زنی داری و ظاهر زنی و بهر دورا یکا رسیداری تو بکن و از خدا بیگانه  
 بترس مرد و گفت چنین است که تو گفتی تو بکردم و بخدا باز کردیم بلفهم و بدین ابن سیرین که بدید که بلفهم در خواب مانی بود که بوجه صلاح  
 اعمال الفقه کند کسی خواب ببیند که بلفهم بجای کاهی بکشد انداخته تا ویش بخلاف این بود اگر ببیند که بلفهم سفید از کلور بر انداخت بجا  
 یا کینه دلیل کند که مال بوجه صلاح نفقه کند که مانی کوید اگر بیماری ببیند که بلفهم را بکشد دلیل بود که از بیماری شفا یابد و اگر ببیند که بلفهم  
 بکشد دلیل بر غم و اندوه کند و اگر ببیند که بلفهم خون آلود بود دلیل بود که از مال می چسبی نقصان کرد و اگر ببیند که بلفهم بدرون خانه  
 نرود انداخت دلیل بود که مال بر یکا بکشد نفقه کند و اگر ببیند که بلفهم در مسجد است دلیل بود که مال نه بوجه صلاح بر یکا بکشد نفقه  
 برکت ابن سیرین کوید که در خواب دیدن برکت درخت بر درخت خلق و خوی به بیننده خواب بود و خاصه به بینکام وی و اگر  
 که برکت بتر از درخت پاره فرا گرفت یا کسی با داد دلیل بیننده خواب را خلق و خوی خوش بود و نیکو که مانی کوید اگر  
 ببیند که از درخت بکشد تازه فرا گرفت دلیل بود که او را بقدر آن درم حاصل کرد و جای بر مغربی کوید که برکت درختان میوه  
 شیرین دلیل بر خلق نیکو بود و برکت درختان میوه ترش دلیل بر خلق بد بود و برکت درختان نیکه ماریا و زنده دلیل بر درم و  
 بود و بهترین کوید که برکت درختان میوه دارند دلیل بر درم و وینا کند پلنگ ابن سیرین کوید که پلنگ در خواب  
 دشمنی قوی و توانا بود اگر ببیند که با پلنگ جنگ میکند و دلیل بود که با دشمن خود خصومت کند و خصم را ظفر و غلبه بود یعنی اگر  
 پلنگ بروی غالب کرد و دشمن بروی غالب کرد و اگر او بر پلنگ غالب شد او بر دشمن غالب کرد و اگر ببیند که کو  
 پلنگ سهمی خورد و دلیل بود که در جنگ و خصومت افتد لیکن بظفر کرد و شرف و بزرگی یا بد که مانی کوید اگر ببیند که پلنگ  
 نشست دلیل بود که بر عروجه وی و دشمن را قهر کند و اگر ببیند که با پلنگ جنگ میکند و میگوید که بیکدیگر ظفر نیافتند  
 و دلیل بود که از پا و شاه ترسی عظیم بد و رسد یا بیماری صاحب یابد و بعد از آن شفا یابد و اگر ببیند که شیر پلنگ را سهمی خورد  
 و دلیل بود که از دشمن ترسی بد و رسد و سر انجام امین کرد و اگر ببیند که پوست پلنگ یا استخوان یا میروی او را فرا گرفت  
 یا کسی بد و داد و دلیل بود که از مال دشمن بقدر آن چیزی بیاید و اگر ببیند که پلنگ را بکشد دلیل بود که از اسلام بروی بکشد و در او  
 هیچ خیر نباشد حضرت صاوق آفراید که دیدن پلنگ در خواب بر سه وجه بود اول دشمنی قوی و دوم مال یافتن از دشمن و سوم  
 ترس از شاه یا شاه بگوید که بگوید در خواب بی بی اهل بود اگر ببیند که بگوید و داشت یا کسی بد و داد و دلیل بود که زنی بی اهل  
 بزنی بخوابد و اگر ببیند که بگوید داشت یا صاحب شد و دلیل بود که زنی را طلاق دهد یا از او غایب کرد و اگر ببیند که بگوید داشت  
 و دلیل بود که او را بسبب زنان مال حاصل کرد و جای بر مغربی کوید اگر ببیند که بگوید میفر و خست دلیل بود که دلاکی زنان بی اهل  
 و اگر ببیند که بعضی از آن بگوید میفر و خست بعضی سوراخ داشت و بعضی سوراخ داشت دلیل بود که دلاکی دختران و شیر دوزان  
 بگوید بی اهل کند بلوط ابن سیرین کوید که دیدن بلوط در خواب روزی احوال بود بقدر آنکه خورد بود و اگر ببیند که در خانه





که پیش محمد بن سیرین بود که مردی بیاید و گفت که بخواب دیدم که در آستین خنجرش یک کمان داشت و یک کبریا بر سرش میخورد و میگوید که من  
 میگویم و آنرا در چاه می انداختم تا ویش چگونگی بود این سیرین گفت خانه کجای داری گفت فلان محله و فلان کوچه این سیرین گفت که یک  
 بنشین تا باز آیم پس برخواست و نزد پادشاه وقت رفت و او را آگاه کرد که حال جنسیت و در اندامی مردم هست مردمان  
 پادشاه را در خانه او آورد و در آنجا جست و جو کردند و دیدند که فریب بر پنجاه مرد کشته و در آنجا انداخته اند استند که آنرا و ایشان را  
 بحلیه به پنجاه سیر و ده و آنرا میگردانند و ایشان میگویند و در خانه می انداخته و پادشاه وقت بفرمود تا او را بکشند و مردم از تعبیر این گفت  
 ماند تعبیر خنجر و خواب که دو کج بود و تا ویش از نیکت و بد آن بود که دو کج خود بود و پند و آون این سیرین که یک کج مردی  
 بیند که کسی مصداق پند میدارد که در آن پند را صلاح دین و در شکای آخرت بود و دلیل بود در بشارتی که در آن خیر دین و دنیای او بود  
 بخلاف بیند دلیل بر فساد و تباهی دین و دنیای او بود و جابر مغربی گوید که پند و آون در خواب کسی را که در صلاح دین بود نیک بود و پند  
 و پند فرشته قریب بود که بشارت دهد حد حجاب بجزایات که بد و خوار رسیده و شکر آن بجای آورد و پند و آونی که در او فساد دین بود  
 پند و پند آن و یورجیم بود که او را خبر میداد از تباهی و فساد کار او را و توبه باید کرد و بعد از بشارت تا او را از شر و فساد نگاه دارد و از  
 عذاب نگاهدارد که در پند و آون این سیرین گوید اگر کسی بیند که بند آستین بر پای داشت دلیل بود که دین او بخل بود و او و عویس  
 کند به مرغ و مردی بخل بود و از آن چیزی بکسی نرسد و بعضی از تعبیران گویند که چون مردی مصداق بر دست خود بیند دلیل بود که از کار  
 بد و ناسازگار از دوازده دست بردارد و اگر بند دست از پنج بند که گفتیم که آسان تر بود و گمانی گوید اگر کسی در گردن خود بند از پنج  
 دلیل که امانتی در گردن او بود و او امانت نمیکند و اگر بند چوبین بر پای خود بیند دلیل بود که از طاعت حق تعالی و اگر انگشتر و سفره  
 بسط است باز دارد و اگر بیند که بند گردنش از نیم بود دلیل بود که او را بسبب آن پنج و هجدهست بود و اگر بیند که بندش از زرد بود پنج و هجدهست  
 مال بود و اگر بیند که بندش از نس بود دلیل بود که سبب بکج او است و همیشه دنیا بود و اگر بیند که بندش از شکست بیم خلیل بود و او را برین  
 خاصه که بند و بر دست بود و اگر بیند که بند از پای او بر داشته دلیل بود که او را غل پادشاه خلاصی باید و اگر بر پای خود کند نهاده بیند دلیل بود که او را  
 با مردی منافق صحبت یافته و اگر بر پای خود را برین بسته بیند دلیل بود که از کسی بومی منفعت رسد و انیال گوید که اگر امیری بیند که بر پای خود بند  
 آستین داشت دلیل بود که از ولایتش بفرستد و در آن خبر نماند و اگر بیند که بر برده پایش بند نهاده بود و دلیل بود که ولایت باید و اگر بیند که  
 بند بر پای داشت دلیل بود که او را چهار پسر باید و اگر بیند که بند از پای او بر داشته اند و دلیل بود که از غنا فرج یابد و اگر امیری بیند که بر پای او  
 در بند و زنجیر بود دلیل بود که او را از ترسایان منفعت رسد و بعضی از تعبیران گویند که کار وی آسان کرد و اگر بیند که بند نهاده است و  
 و دلیل بود که زنی بکج خوابد یا زنی عاشق کرد و اگر بیند که بند از زین بود و دلیل که سفر شود و یا بیا کرد و اگر بیند که بند آستین بود و دلیل  
 و در کس جابر مغربی گوید که بند در خواب ثابتین بود و بقول جناب پیغمبر که فرمود **لَا حُجْبَ لِقَائِي فِي الْمَوْتِ وَلَا حُجْبَ الْغُلَّةِ إِلَّا الْقَبْرُ**  
**ثَبَاتٌ فِي الدِّينِ** یعنی دوست دارم پای بند را در خواب و غل را و دوست ندارم زیرا که بند پای بند بود و درین حضرت صحت آن فرماید که  
 بند در خواب بر چهار وجه بود اول آنکه فرمودیم ثقیل بخل چهارم از مصیبت دست برداشتن و بعضی از تعبیران گویند که غل در دست

نسخ

نسخ

نسخ

انجاء دیدن پادشاه ظالم را که ماه وستی بود از ظلم بنده ابرو پیرین که یکدیگر هر یک بنده با بالغ با نجاب بینه که بالغ شده است دلیل بود که  
 آزاد کرد و اگر کسی بینه که بنده خود را آزاد کرد دلیل بود که زود از دنیا برود و اگر بنده را بینه که خواجه ابصر و خشت دلیل بود که عجبین  
 و مستند کرد و اگر بینه که بنده را ابصر و خشت دلیل بود که شادمان گردد و بختش محمد بن پیرین که یکدیگر بختش در خواب دیدن وقت  
 خود دلیل بود که از زنی یا بیشتر که چیزی بدور رسد یا اورا فرزندی آید و اگر ویرا از خشت خویش جدا بینه دلیل بود که غم و اندوه خود را در کوفتی  
 اگر زنی بینه که بختش از درخت بختد و بشوهر خویش داد و دلیل بود که شوهر او اطلاق دهد و اگر بینه که کسی و شش بختش بدو داد و دلیل بود که میان  
 ایشان مغایرت افتد چای سفری که یکدیگر درخت بختش در خواب کتیر که بود بدو خوی حواس کار بختیا و تنها و آن ابن پیرین که یکدیگر کسی  
 که بختیا و تنها و فایده دنیای وی بختیا از خاص و عام بقدر آنکه دیده بود و اگر بینه که بنیادی نهادی نهاد در جانی محمول و ندانند که او را  
 کیست دلیل کند که ضایع بود در کار دین و دنیا و اگر بینه که بنیاد بر زمین و چکات خود نهاد و دلیل بود که فایده و روزی حلال یا بدکار  
 بود اگر بینه که بنیاد از خشت بختد و چکات نهاد و دلیل بود که مال و ارحام حاصل کرد و اگر بینه که بنیادی از خشت خام برپا نهاد و دلیل بود  
 که همواره بلند بود در کار دین و اگر بینه که بنیاد و دیوار از خشت بختد و بر آورد دلیل بود که در امل و کارهای دنیا مغرور بود و اگر بینه که  
 خواب بنا کرد و بر دو فرزند و دلیل بود که منفعت یابد و اگر بینه که بنیاد از خشت بختد بر آورد و دلیل بود که منفعت یابد یا نه پادشاه  
 و اگر بینه که بنیاد از خشت خام و کل بر آورد و دلیل بود که منفعت از مردم عام یا بدختر بختد از فقیر یا یکدیگر اگر کسی بینه که شهری بنا کرد و دلیل  
 که جماعتی از مردمان را در بنا خود گیرد و اگر بینه که قلعه بنا کرد و دلیل بود که از شر دشمنان این کرد و اگر بینه که کوشی بنا کرد و دلیل بود که بنا  
 و بنیا مشغول کرد و اگر بینه که سرانی بنا کرد و دلیل بود که نفع و مضار بینه و اگر بینه که مسجد بنا کرد و دلیل بود که  
 جمعی را بجا صلاح جمع آورد و اگر بینه که بنای مناره نهاد و دلیل بود که نام او بخیر است و مناره و اگر بینه که طرانی بنا کرد و دلیل بود که  
 خواهد و اگر بنا کرد و دلیل بود که در غم و رنج افتد و اگر بینه که باغی بنا کرد و دلیل بود که زنی توانکار یا سا بختا دهد و اگر بینه که گورستانی را بنا کرد  
 دلیل بود که کار آخرت بخیر شود و اگر بینه که قبه بنا کرد و دلیل بود که قدر و منزلت بخیر بداند که بر بنیادی که بنهد و تمام کند و دلیل بود  
 که کار دنیا و دین او تمام کرد و اگر بینه که آن بنا تمام نکرد و کارش ناتمام ماند و بختش محمد بن پیرین که یکدیگر بختش در خواب از خشت بود و مال اندک بود که از خشت  
 کرد و بینه که خواب و بختش را مال بسیار بود که در بختش است چای سفری که یکدیگر بختش را مال و نعمت بود که باستانی سیاه بدو بختش سفری بود و بختش  
 منفعت اگر کسی بختش بختش که نام با بختش بخیر بود و دلیل بود که در سفری او را مالی اندک با غم و اندوه حاصل کرد و بعضی از خشت  
 کویند که علتی بدور رسد لکن از آن زود خلاص گردد و بدانکه استادان این فن در تأویل بدو خواب دیدن خلافت بعضی کویند که  
 معتری بزرگت یابد و از آن خیر و منفعت بینه و ثنای نیگو و بعضی کویند که فرزند بود و بعضی کویند که چاری بود و آنکه حکم بیاری  
 چنین بود که آن چمن بکوه زود است دلیل بر بیاری کند و آنکه کوید که سفری دراز بود و باریج تن بدان معنی که گفت جبرئیل او مراد  
 وقت میرود آمدن از بخت بدو و داد حکم سفر دراز با غم و اندوه و باریج زود که سفر او مراد از بخت بدو با چنین غم و اندوه  
 که بوی رسد و آنکه حکم بفرزند کرده اند بدان معنی که گفتند که چون او مراد علیه السلام بدینا آمد از خوردن آن معنی وی زیاد و دشت لاجرم

خواب

بجای

بیش

بجای

روزی چندین فرزند از آن در وجود آمدند و آنکه گفتند از عمر بزرگ خیر و منفعت بیندیشای نیکو بدانی گفتند که در شب  
آن چنین می بود و ستانده او آدم عاقل و زبونی خوش نشانی نیکو بود و چنان دانید که هر خدایی که استادان تعمیر آن کرده اند از آن گفته  
ایرا هیچ کس که بد خواب بباری بود خواب بوقت و خواب بوقت و هر چند که بگویند زرد و تر بود و بیماری صعب تر بود و حضرت صادق  
فرمود که دیدن بد خواب چون بوقت خود بود بگویند سیر بود و بتاویل فرزند بود و چون در وقت خود بیند که بگویند زرد بود و بیماری بود و بجا  
بن سیرین گوید که بهار و وقت بهار با و شاه بود و اگر در خواب بیند که فصل بهار بود و هوا نامتعادل چنانکه اگر می و سردی مردمان  
مضر است و بچ رسیدی دلیل بود که اهل آید و از پادشاه بچ و مضرت رسد و بیند اگر بیند که هوا معتدل بود و چنان خرم گشته  
از کل شکفته و مردمان بچ و مضرت نبود دلیل که مردم آید و از پادشاه خیر و منفعت رسد و اگر بهار را بوقت خود با معتدل بیند  
دلیل که جاه و عز و رفعت بود و مردم عامه را از پادشاه فوت و نصرت بود و دلیل و انصاف پادشاه بود و تاویل فصل با پیش  
همین بود و بهشت ابن سیرین گوید که بهشت بخواب دیدن و دلیل خرمی و مژده بود و از خدا تعالی قوله تعالی اُدْخُلُوْهَا بِسَلَامٍ اِیْنِیْ  
و اگر بیند که از میوه های بهشت فرا گرفت یا کسی بوی واد و بخور و دلیل بود که آنقدر که میوه بهشت خورده بود و علم و دانش آموز و دوسریت  
وین بدانند لیکن بود و نذر و اگر بیند که با جوران بهشت همی بود دلیل بود که نزع بر وی آسان گردد و اگر بیند که در بهشت مقیم شود لیکن بود  
که اشتد دلیل بود که در دنیا میکش و فساد و عصیان بود و اگر بیند که در بهشت بر وی او به تیره کرد و دلیل بود که ماور و پیراز وی  
ناخوش شود و باشد و اگر بیند که به نزدیک بهشت شده باز گردید و دلیل بود که بهار گرد و بجال مرگ لیکن از آن شفا یابد و اگر بیند که  
فرشگان دست و پا گرفتند که در بهشت بر نه و آن صبر و در زیر درخت طوبی نشست دلیل بود که مراد و وجهانی یا بد قوله تعالی  
طُوبٰی لَهُمْ وَحَسْبُ مَقٰلٍ و اگر بیند که وی را از خوردن شراب و شیر منع میکردند و دلیل بود بر تنهایی و پیری قوله تعالی  
وَمَنْ يَنْتَهِزْ بِاللهِ فَقَدْ حَقَّقَ اللهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ و اگر بیند که از میوه های بهشت کسی بد واد و دلیل بود که آنکس را از علم و دانش  
بهره بود و اگر بیند که در بهشت آتش انداخت دلیل بود که از باغ کسی بگرام چیزی خورد و اگر بیند که از حوض کوثر آب خورد و دلیل بود که  
دشمن نظریا بد و اگر بیند که کوشکهای بهشت را یکی بوی دادند و دلیل بود که دلارامی یا کینز کی بزنی بخام جابر مغزی گوید اگر بیند که  
در برابر و خرم و شادمان بود و دلیل که از کسی خرم و شادمان کرد و لغت یا بد قوله تعالی سَلَامٌ عَلَيْكُمْ فَاَدْخُلُوْهَا اَحْلٰ  
و اگر بیند که بر جایگاه بلند نیکو بود که صورت بهشت داشت و او پنداشت که بهشت است دلیل بود که با پادشاه عادل پیوند  
یا با توالی یا با عالمی بزرگوار و اگر بیند که سوی بهشت میرفت دلیل بود که راه حق پیوسته بود و حضرت صادق فرمود که دیدن  
بهشت در خواب بر نه و به بود و اول علم و دوم زهد و سیم منته چنانم شادی نیم بشارت ششم یعنی بهتم خیر و برکت هفتم نعمت  
سعادت و اگر خواب بیند که در بهشت بود دلیل مرادات و وجهانی بود و بدست خیرات بسیار و او را چون مصدق بیند دلیل بود که به  
یا بد طائی مستجاب کرد و چنانکه ثواب اهل بهشت بسیار و عالم کرد و مردمان با علم و منفعت یا بند بصلو ابن سیرین گوید که بهار و خواب  
زن بود اگر بیند که بهلولی چسپا و آس کرده بود و دلیل بود که زن و کینز و او بهر و آبستن شود و اگر بیند که بهلولی او سرخ شده بود

اول

و پار و گوشت خون آلود از پهلوی او بقیفا و دلیل بود که زن او بچه بینجام بقیفا و اگر بیند که هر دو دست بر پهلوی نهاده بود دلیل بود که او  
 عجمی سخت رسد که فانی کوید اگر کسی بخواب بیند که استخوان پهلوی او شکسته بود و دلیل بود که از پدر یا مادر یا عیال غم و اندوه بدور رسد و اگر  
 که پوست پهلوی چپ وی جدا شده و بقیفا و دلیل بود که مال عیالش هر دو تلف کردند و اگر بیند که هر دو پهلوی او زرد شده بود دلیل  
 عیالش رنجور گردد و اگر بیند که در پهلوی او سوراخ شده بود و از آن که هر ی یا لولوئی بقیفا و دلیل بود که او از فرزند ی عالم آید یا پارسا و اگر  
 بیند که هر دو پهلوی او فرجه آید و دلیل بود که بر ویرا غم و اندوه رسد و اگر بیند که پهلوی وی قوی و بزرگ شده بود و دلیل بود که بر و رستی دین  
 و قوه عیال او و اگر بیند که پهلوی وی کوچک و ضعیف بود و مالش بخلاف این بود که گفتیم جابر مغربی کوید که پهلوی او در خواب دلیل بر زمان  
 بود زیرا که زمان از پهلوی مردان آفریده شده اند پس هر خبر و شر که در پهلوی بیند تا دلیل آن بر زمان باز کرد و اگر بیند که او از پهلوی  
 بسیار بود و دلیل

تو

چهارم بود و اول زن و دوم دختر سیم کنیزک چهارم خادم پنجم پیر زنی که در خانه بود و یوتیما  
 بود و مال ممال که از زن بدور رسد و اگر بیند که یوتیما را بگرفت یا کسی بدو داد و دلیل بود که بقدش  
 از زن مال بخورد و اگر بیند که یوتیما را بگرفت و از گوشت وی بخورد و دلیل بود که بقدش از زمان زن بخورد که فانی کوید که یوتیما  
 دیدن در خواب و اگر بیند که یوتیما را بگرفت و بخانه آورد و دلیل بود که از خویشان خود زنی خواهد و او مال و منفعت  
 حاصل کند یوتیما این پیرن کوید که اگر کسی بوز یا کند دلیل کند بر موی که سفید و خنسیس بود و نیز دلیل بود که زن خوابی در حال ضعیف  
 حال و از مردم ملاست یا بدو اگر بیند که بوز یا بیاافت و سپری شد و دلیل بود که شغل خویش را تمام کند و اگر بیند که بوز یا از بختی از زن  
 دلیل کند که بکه خدای خود مشغول گردد و جابر مغربی کوید که اگر بیند که بوز یا دشت یا کسی بدو داد و دلیل بود که او از زنی منفعت  
 کوچکی و بزرگی بوز یا حضرت صادق ع فرماید که بوز یا در خواب بر سر و وجه بود و اول منفعت و دوم خستن زن سیم حله و خود مشغول بود

تو

بوز میانه این پیرن کوید که بوزینه در خواب دلیل بر دشمنی فریبیده ملعون بود اگر بیند که بوزنه نشسته بود و آن بوزنه مطیع او بود و دلیل  
 که بر دشمن غالب گردد و او را قهر کند و اگر بیند که بوزنه بر روی خیره شد و دلیل بود که بیمار گردد و از آن شفا نیابد یا عیسی بر زن  
 پدید آید که از آن خلاصی نیابد که فانی کوید که اگر بیند که بوزنه را بگرفت و دلیل بود که دشمن را قهر کند و اگر بیند که گوشت او بخورد و دلیل بود که  
 در رنجی و عیسی که فرار آید و اگر بیند که کسی بوزنه بوی بخشد و دلیل بود که کسی دشمنی او ظاهر کند جابر کوید که اگر کسی بیند که بوزنه را بگرفت  
 دلیل بود که بیمار گردد و زود شفا یابد اگر بیند که بوزنه بر سر نهشته بود و دلیل بود که جودی با زن او فساد کند و بوزنه ماده زنی منفعت  
 جاو بود و اگر بیند که بوزنه در آید و دلیل بود که در آن خانه زنی او را جاو کند و اگر بیند که بوزنه با وی سخن گفت و دلیل بود که زن  
 با وی در آن زبانی کند و اگر بیند که بوزنه او را بگریزد و دلیل بود که بیمار گردد یا از عیال خود دشنام شنود و اگر بیند بوزنه بوی چیری داد یا بخورد و دلیل بود  
 که مال خویش را بر آن میت هزینه کند پوست و انبال ع کوید که پوست تن مرد در خواب آیش که خدای مردم بود این پیرن کوید که اگر  
 که پوست مرد ستر و مال و برکت بود اگر کسی پوست تن خود را بر نهشته و افتاده و دلیل بود که ستر و رازی وی کشاد گردد و مال و منفعت

تو

کرد و اگر پوست تن خود را بگوید یا سیاه بپند و لیل بود که غم و اندوهی بودی رسد و اگر بپند که پوست پایش روشن بود و لیل بود که کار  
 خاسته کرد و اگر مانی گوید که پوست جمله چهار پایان خواب دیدن مال بود و پوست شرمیراث بود و از مردی بزرگ و پوست که سفید  
 صاحب را و دوی بود و اگر پوست درخت بپند خداوندش روزه دار بود و اگر بپند که پوست از مسلوخ باز کرد و لیل که از انگش که  
 بدان منسوب بود و مالی است و اگر بپند که سرئی بنا کرد و از بهر پوست باز کرد و لیل بود که اگر انگش قصاب بود و در سری او و یوانزند  
 و اگر حکم بود و بر کودکان ستم کند یا بر مغربی گوید اگر بپند که پوست کوی باز میگردد و لیل بود که انگش شعلای کن و چیزهای تبا  
 شده را اصلاح باز آورد و از جهت پادشاه میباید که چندین امیران و بزرگان لشکر پادشاه خلاف کنند و کارهای بسیار بپوشین  
 این سیرین گوید اگر کسی در خواب بپند که پوستین پوشیده بود و وقت زمستان بود و لیل بود که چیزی بوی رسد که وجهیست  
 او بود و اگر وقت تابستان بود و همین و لیل کند لیکن سر انجام غنا که کرد و مانی گوید اگر بپند که پوستین بره یا زغال دشت  
 و لیل بود که زنی توانگر خواهد و از آن حال یا بد و اگر بپند که پوستین مسود پوشیده دشت و لیل بود که زنی نخواهد که توانگر و مالدار  
 بود و اگر بپند که پوستین روماه از نو پوشیده دشت و لیل بود که زنی خواهد توانگر و پارسا لیکن فریبده و حیل کرد و اگر بپند که پوستین  
 خرگوش پوشیده دشت و لیل که زنی نابکار بد فعل بخواد و از او صحت بپند و اگر بپند که پوستین سنجاب پوشیده دشت و لیل بود  
 که زنی ناسازگار بر زنی بخواد و اگر بپند که پوستین کره پوشیده بود و لیل بود که زنی بد خو بزی بخواد و روز دوی امانت بود و اگر  
 بپند که پوستین و شش پوشیده بود و لیل بود که زنی هیل وین و از بر زنی کند و اگر بپند که پوستین جوش پوشیده دشت و لیل بود  
 و نشاید بر زنی بخواد و اگر بپند که پوستین وی دریده یا سوخته یا ضایع شده بود و لیل بر غم و اندوه و نقصان مال بود و پوست  
 حلوئی طبع سیرین گوید اگر کسی بپند که کسی را بوسه داد و لیل بود که انگش را دوست و خوشکار بود و اگر انگش معمول بود و لیل  
 از جانی که طبع ناز و خیره و منفعت بپند و اگر بپند که مع و فی او را بوسه میداد و لیل است که از انگش خیر و منفعت بپند که مانی گوید  
 اگر بپند که مردی را بشهرت بوسه میداد و لیل بود که از بهر مرده غیر مرده یا از بهر عاقل غیر عاقل بود و اگر بپند که مرده و پیرا بوسه میداد  
 و لیل بود که طالب و خوشکار و ی بود و اگر بخلاف این بپند و لیل بود که مراد و مقصود دنیا بد حضرت صحت و حق فرماید که بوسه دادن  
 خواب و لیلیش بر چهار وجه بود اول خیر و منفعت و دوم حاجت روائی ستم بر دشمن خلف را فتن چهارم سرخوش شدن بوقی  
 این سیرین گوید اگر کسی بخواب بپند که بوق میزد و بوق زدن را امید است و لیل بود که مراد از ستر خواگانه کند و اگر بپند که بوق میزد  
 و لیل بود که در میان مهران دروغ گوید و اندر دروغ را بوسه کند راست کند و با قبت ظاهراً کرد و که آن دروغ بود و جابر مغربی گوید که بوق  
 زدن تاویل مردان مصیبت بود و ناز و سوائی و ظاهر شدن را از ایشان حضرت صحت و حق فرماید که بوق زدن در خواب بر چهار  
 وجه بود اول خبر دروغ و دوم سخن مکر و ستم ظاهر شدن را از چهارم مصیبت بود و لیل ساختن این سیرین گوید که بوق زدن در خواب  
 پادشاه بود و یا مردی بزرگ که مردمان بسبب او برادر بسند که مانی گوید که بوق زدن در خواب تا و لیلی آن بود که نیکو باشد اگر بپند که این  
 بگذاشت و لیل بود که پادشاه او را عروجه رسد و از او منفعت بپند و اگر بپند که بنیادی برپا شد و عمارت میکرد و لیل بود که پادشاه

سخت

سخت

سخت

سخت



کار و نیکی و احوال و اگر بید که پاره از پیر این او دیده بود تا ویش مسانه بود و رنجی و بدی و اگر بید که پیر این وی کمن و چکن بود  
و لیل بود که در پیشی و پیاپی رنج و غم بد و رسد و هر چند پیر این را گفته تر و دیده تر بید بلا و مصیبت و عیش و شکر بود که خداوند  
خواب ملاک کرد و اگر کسی بید که پادشاه او را پیر این خود او و پوشید دلیل بود که پادشاهی از وی ستادگانی کوید اگر کسی بید  
که پیر این بود پوشیده بود و لیل بود که بظاهر نیکی بود و باطن بد و اگر بید که پیر این و شلواریش جمله چکن بود و کسری لیل بود که اگر تو  
بود و ویش کرد و در غم و اندوه گرفتار کرد و جابر مغربی کوید اگر کسی بید که پیر این نو و فراخ پوشیده داشت و لیل بود که عیش و  
فراخ کرد و اگر بید که پیر این تنگ بود و لیل بود که عیش بر وی تنگ کرد و اگر بید که پیر این او دیده بود و لیل بود که رازش کار  
کرد و اگر بید که پیر این بی کریان بود و بی استین و یکد ز بود و پوشیده و لیل بود که اجلش نزدیک آمد باشد و اگر بید که پیر این  
در از داشت دلیل که کارش بر کرد و مرادش بر آید و اگر بید که کریان پیر این از سوی پس مریده بود و لیل بود که او با بد و سخت  
نشد و له غالی و ران کان قمیصه قل قن ذی نر نکد قن و اگر بید که پیر این کسی را دو انگس پیر این را بوی فرو و بایید  
لیل بود که بنغم کرد و از جای کبابی او را بشارت رسد و له غالی اذ هبوا یقیمی هذنا کلقوه علی و جبرانی کایت  
بصیر که اگر بید که پیر این خون آلود و دست و لیل بود که روزگار از ورغم و اندوه بماند و اگر بید که پیر این دیده بود پوشیده بود و لیل  
بود که کارش کند کرد و رازش آشکار شود و حضرت صادق علیه السلام فرمایند که پیر این در خواب چون نو و فراخ بود و لیلش بر شش و جبهه  
آید و بدین مردم دویم ستر ششم عیش خوش چهارم ریاست پنجم ریش و خرمی ششم بشارت بیت المعمور خانه است  
در آسمان چهارم برابر کعبه و آن چگاه فرشتگان بود و این سیرین کوید اگر کسی بید که در بیت المعمور شد و لیل بود که در میان مردم بود  
یا بعلم ظاهر کرد و در جگه و از شر دشمنان این کرد و اگر بیت المعمور را بر زمین بید و لیل بود که پادشاه عالم عادل پیوسته کرد  
و اگر بید که در بیت المعمور خانه ساخت یا بخت و لیل بود که اجل وی نزدیک آمد باشد و اگر بید که پیر این بیت المعمور را در میان  
بهر و لیل بود که از دنیا رحلت کند و اگر بیت المعمور را بر کرد و مسجدی دید و در وی نماز کرد و لیل بود که همه حاجات او بر کرد  
و اگر مانی کوید اگر کسی بید که از زمین تا بیت المعمور راه کشاده بود و لیل بود که مردان در آن سال چ و عمره بسیار کنند و اگر بید که  
بیت المعمور را رسته است و فرشتگان بر وی طواف میگردانند و لیل بود که علماء اهل بن نظام شوند و عز و جاه یا بید پیر این  
سیرین کوید که پیر این در خواب لیل بر مال و زینت زمان و کینک کند بر قدر و محبت پیر این که دیده بود و مانی کوید اگر بید که پیر این  
ارسته بود بجا هر پوشیده بود و لیل بود که بقدر آن او را مال حلال حاصل کرد و اگر بید که پیر این او ضایع کرد و لیل بود که او را  
غم و اندوه رسد و اگر مردی بید که پیر این زمان داشت و لیل بود که غمگین کرد و پیر و زه این سیرین کوید که پیر و زه در خواب  
نظر و توجه و حال روانی بود و اگر بید که پیر و زه از وی ضایع کرد و لیل بود که مرادش بر نیاید جابر مغربی کوید اگر بید که پیر و زه  
بجز و از داشت دلیل بود که بقدر آن او را مال حاصل کرد و شرف و بزرگی یا بد حضرت صادق علیه السلام فرمایند که دیدن پیر و زه در خواب  
بر چهار وجه بود اول ظهر و حضرت دویم حاجت روانی سیم توده چهارم ولایت پیر شدن این سیرین کوید اگر کسی بواب بید

سبح

سبح

سبح

سبح

که پیر کردید

که پیر کردید و محاسن او سفید شد و دلیل که غرور شرف یابد و اگر پیری محمول بر ایند که خرم و شادمان بود و دلیل که از دوستی مراد نامی او برآید و از  
 خرم رسته کرد و اگر پیری محروم را بیند که خرم و شادمان بود و دلیل بود که از او چیزی بدو رسد و اگر او را ترش روی و غمگین بیند و دلش  
 بخلاف این بود جابر مغربی که پیر را بیند که جوان شد و دلیل بود که در غرور بزرگی او نقصان باشد و در دنیا متخو و کرد و اگر جوانی  
 یا کودکی بیند که پیر شد و دلیل بود که غرور بزرگی یا بد و بکار آخرت مشغول کرد و پستی این سیرین کوید که پستی در خواب مال و توانگری بود  
 و اگر بیند که تن او پست کردید و دلیل بود که بقدر آن او را مال و نعمت حاصل کرد و بعضی از سیران کوید که پستی در خواب سیران  
 حضرت صادق علیه السلام فرماید که پستی و خواب بر چهار وجه بود اول مال دوم سیران ششم منفعت چهارم بدیدادن کار مشکلی جابر مغربی  
 گوید اگر بیند که با مردی پس او را صحبت بود اگر آن مرد مصلح و مستور بود و دلیل بود که او منفعت آخرت بود و اگر آن مرد مفید  
 و خبیث دلیل بود که او از حرام منفعتی رسد پیشانی این سیرین کوید که پیشانی در خواب قدر و جاه مردم بود زیرا که موضع سجده پاک  
 است و بعضی کوید که پیشانی دلیل بر فرزند بود که از اهل بیت او توالی کرد و اگر بیند که بر پیشانی او نشانی بود و دلیل که خدا  
 در پاک و بی و پیرنگاری مشهور کرد و اگر بیند که کسی زخمی پیشانی او زو و خون روان شد و دلیل بود که قدر و جاهش زیاده کرد و اگر بیند  
 که پیشانی او کوچک گردید تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که پیشانی او از حال خود گشت و دلیل بود که زیانی بوی رسد و اگر بیند که بر پیشانی  
 او مورسته است و دلیل بود که وام وار کرد و اگر بیند که آنوی سرخ یا سفید بود و دلیل بود که آن و امش از بهت عیال بود و اگر بیند که پیشانی  
 او آس و شست دلیل بود که مالش زیاده کرد و اگر بیند که از پیشانی او مار یا کرم یا چیزی دیگر بیرون آید و دلیل بود که بقدر آن او را  
 اله و کزند از دشمنان رسد جابر کوید اگر کسی بیند که بر پیشانی یک چشم داشت دلیل بود که کار که خدا فی او پندارد و اگر بیند که  
 پیشانی چشمهای بسیار داشت بهر دلیل کند که او را و مصلح خود پنداری تمام بود و اگر بیند که بر پیشانی وی خطی سه نوشته بود  
 که او از فرزندی آید عالم و پیرنگار و اگر بیند که بر پیشانی وی آیت رحمت نوشته است دلیل بود که عاقبت راجح و کند و مکر و پیرنگ  
 او بود و اگر بیند که بر پیشانی او آیت عذاب نوشته است دلیل بود که عاقبتش محروم و ناسد و ناول بخلاف این بود و حضرت صادق علیه السلام  
 که دیدن پیشانی در خواب بر شش وجه بود اول جاه و قدر و دوم غرور بزرگی ستم فرزند تو اگر چهارم سعیت پنجم ریاست ششم جود و نیکو  
 پیشانی گرفتار این سیرین کوید اگر بیند که در کاری پیشی گرفت یا بر کسی از کارهای دین مثل عبادت یا حج و غیره آنچه بدین اند و دلیل بود  
 که در آخرت رستگاری یابد و او را از خدا تعالی ثواب بود و اگر کسی بر کار دنیا فی پیشی گرفت دلیل بود که غرور و اقبال الهی با حضرت  
 صادق علیه السلام فرماید که پیشی گرفتن در خواب در کارهای غیر و صلاح و دلیل بر خیر و صلاح و وجهانی بود و اگر بیند که پیشی گرفت در کار شر و فساد  
 دلیل کند بر فساد و وجهانی پیشینه این سیرین کوید که پیشینه در خواب دیدن اگر بیند که پیشینه خود را با کرد و به پیشه از آن بهتر مشغول  
 دلیل بود که کارش و حالش بهتر کرد و در کسب و کار روی نیکی بدیدادن و اگر بیند که پیشهای که ناگون همی کرد و اگر آن پیشینا نیک بود و دلیل  
 بر خیر و نیکوئی کار کند و اگر بد بود و دلیل کند بر شر و بدی و اگر بیند که بعضی از پیشینها بد بود و بعضی نیکت بر کدام قومی تر بود حکم بر آن  
 این سیرین کوید که پیشینه درختان در خواب زنی بود یا بانی اگر بیند که در پیشه شد و آن پیشه سیر بود و درختان میوه دار و در آن بود و در

جابر

پستی

پستی

پستی

پستی

پستی



خواب

چین

فیض

پ

در وقت آن واریه آن بشیه همی خورد و لیل بود که زنی خواب که اسل او بسیارانی بود یا کثیر که خرد که در بنایان او را پرورده باشند و آن  
زن او را خیر و منفعت رسد و اگر آن بشیه را خالی از اینها دید و لیل بر سر و حضرت کند و اگر بشیه که در آن بشیه بجای درختان خار بود و درختان  
او را کند رسد و لیل کند که او را غم و اندوه بجهت زمان رسد حضرت با و می گوید که دیدن بشیه در خواب بر چهار وجه بود و اول زن بسیارانی  
و دوم کثیر که سیم منفعت چهارم غم و اندوه بود و سیم این سیرین گوید اگر بشیه که مصحف بفرخت و لیل بود که  
دین او را خیر بود و خار و اگر بشیه که بنده خویش را بفرخت و لیل بود که کار بروی تنک آید و سنگر کرد و اگر بشیه که زن خوشتر  
بفرخت و لیل بود که حرمت و بزرگی او را بفرخت نام کرد و مگر بجز این زن که بفرخت او را زنی دیگر بود و لیل بود که کارش صلاح  
باز آید که مانی گوید هر چه که در دین عزیز بود و فرخت آن خواب در کار بد بود و خریدن آن نیک بود و سپیکان در خواب دیدن مردی بزرگ  
خطر بسیار بود و اگر بشیه که سپیکانی تیر یافت یا کسی بوی بخشید و لیل بود بر درستی کار که بد و درسد جابر مغربی گوید که دیدن سپیکان در خواب  
توه بود و درختی که سینده خواب با خصم گوید خاصه که سپیکان از پولاد و روشن بود و اگر شکسته یا زنگار گرفته بشید تا ویش بخلاف این بود  
پیغمبر بدانکه تا ویش پیغام بران و فصل شازو هم یاد کردیم از اینجا مطالعه باید کرد سپیکان سیرین گوید که سپیکان خواب زن بود و اگر بشید  
که او را سپیری بود و لیل کند که زن خواهد و اگر بشید که سپیکان کسی سپیکان بود و لیل بود که کثیر خرد و اگر بشید که سپیری داشت و از وی  
صنایع شد یا از دست او بفتاد و شکست و لیل بود که زن را طلاق دهد یا زشت از دنیا رحلت کند و اگر چهره سپیکان خود را بصورت  
و سپیکان دید و لیل بود که او حالش بگردد و هم بران بیات که آن چیز رسیده بود که مانی گوید اگر سپیکان بیشتر بصورتی زشت بدل کرده بشید  
و لیل که حال او متغیر گردد و اگر بشید که بحال و صورت خود کرد و دید و لیل بود که بحال خود و بسوی خدا باز گردد و اگر سپیکان خویش باشد که  
و لیل بود که همه روی از وی بگرداند و بر وی جفا کنند جابر مغربی گوید اگر کسی بشید که سپیکان اومی یا سپیکان حیوانی بدل می کرد و لیل  
که انگس بد مذمب و دروغ گو بود یا در صفات خدایتعالی چیزی گوید و اگر بشید که سپیکان کسی بگوید که نه از جنس او بود و بخت و لیل  
که بشید را کار صعب چه یاد و در آن متحیر ماند و صورت در خواب دیدن مردی بود که برضایتعالی دروغ گوید سپیکان سیرین  
که معتبران گویند که فرق نیست هیچ وجه میان خواب شب و خواب روز الا در لیل اگر کسی در خواب بشید که بر پیل نشسته است و لیل بود که  
زنی خواهد و اگر آن خواب را بر روز بشید و لیل بود که زن را طلاق دهد یا کثیر را بفرزند اگر بشید که سپیکان بکشت و لیل کند که با و  
بر دست او کشته گردد یا حصار می محکم را بکشد و اگر بشید که سپیکانی بر سر وی نهاد و او را بکشت و لیل بود که بملک نزد یک کار و در  
بگردد و اگر بشید که بر سر پیل نشسته بود و آن پیل دیگری داشت و لیل بود که از خدمت پادشاه خویش بخدمت پادشاه دیگر شود و گمانی  
گوید که اگر بشید که بر پیل نشسته بود و آن پیل صلاح داشت و نیک طبع او بود و لیل کند که پادشاه عجم کرد و یا پادشاه عجم را قتل کند و اگر بشید  
که آنکشت پیل همی خورد و لیل بود که بقدر آنکشت از پادشاه عجم مال و نعمت یابد و اگر بشید که از استخوان پیل یا از پوست او چیزی بخورد  
داشت همین لیل کند بر مال و نعمت که از پادشاه بدو رسد و اگر بشید که هنگام زخم بروی نشسته و لیل بود که دشمنی بزرگ در چهر  
کند و بر انقول قشقه هجاب الفیل و لیل آه و روده و اگر بشید که از پشت پیل بنشیند و لیل بود که در مای خنجر آید اگر بشید که سپیکان

چنانکه بیفتاد و بر وی دل بود که پادشاه اندام بر مهر و جابر مغربی که یکدیگر میدادند که از بهر تماشای پیران نشسته بود و قادر بود و دلیل بود که در آن  
بکلی خود بخوابد و از تن بر وی قادر کرد و اگر بخلاف این بیند و دلیل بود که بر زن قادر کرد و اگر میدید که بی عملی میسر نشد بود و در  
شهر شهر و یکی میرفت دلیل بود که بر ملک آمد یا در پادشاه سپاه و شاهی و دیگر افتاد و او را بلای کند حضرت صوفی میفرمود که در دنیا  
پیل در خواب بر شش و چه بود اول پادشاه عجمی و قوام مر و غلام ستم مرد و کار چهارم مرد با وقت و بهیبت چشم خود و ششم ستمکار بی خون  
خواره پیل گوش کبابی است که بر یک بزرگ بین دارد و آنرا شکوفه زرد است و در آن در خواب نمی بود و دومی اصل و وقت  
اگر کسی خواب بیند که پیل گوش داشت یا کسی بوی داد و دلیل بود که او را به چنین نوزی صحبت افتد و از او خسته بیند پس پیل و این سیرین  
که پیل و در خواب مانند طبع بود و مانند فقیر زیرا که طبع بسیار از معالیه کند و فقیر و مانند راه وین نماند اگر بیند که پیل و دارد و از او خسته و این  
و راحت رسد و بدین سبب دلیل بر خیر و سعادت کند که با چرخ اگر کسی بیند که پیل و بر هم کرد و دلیل بود که از آن خیر و منفعت بر کس رسد  
و نماند بر نیکی و ران و یا رستگاری و دلیل بر این سیرین که یکدیگر در خواب بخاد می بود که کار با کند که مالی که یکدیگر در خواب بخاد می بود  
که کار با بنفاق کند بعضی که بیند که پیل و در خواب کاری بود که از رخ و عفا حاصل کرد و اگر کسی بیند که پیل و در خواب کاری بود که از رخ و عفا حاصل کرد  
تمام کرد و اگر بدان کار بخند و دلیل بود که از آن کار بریده کرد و بهیاری این سیرین که یکدیگر در خواب بخاد می بود که کار با کند که مالی که یکدیگر در خواب بخاد می بود  
بفساد بود و گفتار و با مردم بنفاق بود و بعضی که بیند که و آنرا نماند پس و اگر بیند که از بیماری تن در رستگاری شده بود و در خانه بنشیند و به  
سخن شکفت و دلیل کند که بیماری بر وی دراز کرد و در خطر بوده باشد که بهیاری و اما اگر بیند که با مردمان محال است میگرد و سخن شکفت دلیل  
کند که زود از بیماری شفا یابد که مالی که یکدیگر در خواب بخاد می بود که کار با کند که مالی که یکدیگر در خواب بخاد می بود  
بر فتنه و فخر کند و غم و اندوه که قبل سلطان یا از قبل خیال بدید و بهیاری مغربی که یکدیگر در خواب بخاد می بود که کار با کند که مالی که یکدیگر در خواب بخاد می بود  
فریضه و سستی حضرت صوفی میفرمود که اگر کسی بیند که بیمار بود و از غفلت خویش بیدار شد و دلیل بود که از غم این کرد و اگر از بیماری خالی  
و رغبتی و شاکر بود و دلش تنگ و صحت بود و اگر بیند که بیمار بود و بر سر بود و دلیل که اجلس نوزی کند که باشد و نه الهی گفت چشمه و نا  
خواهی که حکما خلق کند و آنرا ستم که پیل و در خواب بخاد می بود که کار با کند که مالی که یکدیگر در خواب بخاد می بود  
در خواب میماند بود و اگر بیند که پیل و در خواب بخاد می بود که کار با کند که مالی که یکدیگر در خواب بخاد می بود  
او شکست یا سوخت و دلیل بود که خداوندش را بیم مرگ بود و اگر بیند که از بیماری خیر می میسر و اگر این علم بود و دلیل که قاضی کرد و اگر از این  
علم باشد و دلیل از بهر واری بقاضی محتاج کرد و بقیل و یکدیگر در خواب بخاد می بود که کار با کند که مالی که یکدیگر در خواب بخاد می بود  
که یکدیگر در خواب بخاد می بود که کار با کند که مالی که یکدیگر در خواب بخاد می بود  
شده بود و دلیل بود بر نقصان قدر و منزلت آن که بیند که پیل و در خواب بخاد می بود که کار با کند که مالی که یکدیگر در خواب بخاد می بود  
فرانج شده بود و دلیل بود که معیشت بیوی فراخ کرد و اگر شکست شده بود و دلیل که معیشت بروی تنگ کرد و این سیرین که یکدیگر در خواب بخاد می بود  
ازین می او بیرون آمده بود و دلیل بود که از معیشتی منفعت یابد و اگر بیند که جانوری ازین می او بیرون آمده بود و دلیل که معیشت بروی تنگ کرد و این سیرین که یکدیگر در خواب بخاد می بود

نسخه

که او را فرزندی آید و اگر بینه که در پیش او سوراخ بود و عمار در پیش او کرده بود دلیل بود که مردمان را تواضع کند یا بانی بزرگ است جمیع کوفه  
 و از او مال و نعمت یابد و اگر بینه که سرش بی او بسته بود چنانکه دم زن نتوانست دلیل بود که کار بر وی بسته کرد و اگر بینه که سخن در پیش  
 میگوید دلیل بود که در پیش او بسته بود و اگر بینه که پوست سرش بی او بسته بود دلیل بود که او را زبانی افتد جا بر کوی اگر کسی در خواب بینه که بانی  
 او خون می آید و معتبر را که بد که خواب دیدیم که از پیش من خون می آید دلیل که مال بسیار یابد اگر که بدیدیم خون از پیش من میستد دلیل که  
 مالش برود باید که چون سائل سخن گوید معتبر بلفظ او تعبیر کند و حدیث او را بفال نگاه دارد و اگر کسی بینه که هر دو سوراخ پیش او بوی خوش  
 بود دلیل بود که باریان عاقله جمیع کرد و اگر بینه که سرش بی او بریده بود دلیل که فرزند خویش اخته کند و بعضی گویند که در جاه و منزلت  
 اند نقصان شود و جا بر کوی اگر کسی بینه که چیزی بکار است در پیش او شد دلیل بر خشم و نکی بود اگر بینه که خون از پیش او بیرون آید چنانکه  
 جلد تن او خون آلود کرد و دلیل بود که مایه حرام بودی رسد و اگر بینه که خون بر و اندک از پیش او بیرون آید دلیل بود که او را فرزند از دم  
 مادر بیفتد بقول تعبیران در ویش کرد و اگر بینه که خون از پیش او بیرون آید و خون آلود نکشت دلیل بود که فرزند باریان از خانه بیرون  
 یا با ایشان گزند رسد و اگر بینه که پیش او بر زمین افتاد و دلیل بود که او را دشمنی رسد و اگر بینه که او پیش خود را همی شست دلیل بود که  
 مردی زن او را بفرساید و اگر بینه که از پیش وی مرغی بیرون آید دلیل بود که چهار پای دارد و بچه آورد و بقول بعضی از تعبیران خون  
 آمدن از پیش مال بود که از پادشاه آید یا بوی رسد استخفیل شست گوید اگر بینه که پیش وی بر مثال خرطومی بزرگ شده بود یا که  
 زان دلیل بود که بقدر آن بر غر و جاه وی بفراید و از آن خویشان نیز زیاده کرد و اگر بینه که در پیش او بوی خوش رفت دلیل بود که  
 او را فرزندی مصلح بود و اگر بینه که در پیش او بوی ناخوش رفت تا ویش بخلاف این بود و جاحظ گوید اگر بینه که پیشی ندارد و دلیل بود  
 که کسی از خویشان وی ببرد و اگر بینه که او را دو مینی بود دلیل بود که در میان او و عیال خلافت و اگر بینه که کسی بوی خوش فر  
 مینی او داشت دلیل بود و او را که از آن کسی منفعت رسد و اگر بینه که خواب زن بود دلیل بود که او را پیری مصلح آید و اگر بینه که شخصی  
 بوی ناخوش در زیر مینی او داشت دلیل بود که از آن کسی خوشی فرو خورد و حضرت صادق فرماید که دیدن مینی در خواب بر پنج وجه بود و اول آن  
 دویم مال سیم بزرگی چهارم فرزند پنجم عیش و شرمین کوی اگر کسی خواب بینه که پیغمبر و دلیل بود که خیر و نعمت  
 و فراخی یابد و اگر بینه که پیغمبر و سفند داشت و میخورد و دلیل بود که بقدر آن مال حلال یابد و اگر بینه که پیغمبر جانوری میخورد که گوشت اجلان  
 دلیل بود که مال حلال یابد حضرت صادق فرماید که دیدن پیغمبر در خواب بر سه وجه بود اول نعمت و فراخی و دویم مال منفعت سیم کشتن  
 کارهای بسته بهوشی که مانی گوید اگر کسی بینه که پیغمبر و دید چنانکه عقل او را کمزید و دلیل بود که او را کاری پیش آید که در آن بسته  
 و متحیر و دلیل بر کام کارش نیکو کرد و حضرت صادق فرماید که پیغمبر و در خواب بر دو وجه بود اول آن شواری کار و دویم تحیر و سرگی  
 و فروماندن و بیجاری حرف لئامن کتاب کامل التنبیه کتاب و ادون ابن سیرین گوید اگر کسی بینه که سر او پاپ  
 سید یا بسیار دلیل بود که بفرستد و در پیش بقدر درازی و کوتاهی رسد یا بر همان بود و اگر دراز بود سفر دراز کند و اگر کوتاه بود سفر کوتا کرد و در و در و اگر  
 چیزی در خن ریسما از تاب میداد و دلیل بود که از بهر مصلحتی کاری کند یا از بهر راحت نفس یا بخت کشت حضرت صادق فرماید که تاب

بیمه کردن

بیمه کردن

بیمه کردن

سیرین  
تاج  
سیرین

بر سر و ریشمان بر سر و جبه بود اول سفر و تحویل دویم بر یا صحت نفس سیم کشایش کار می فرو بستن تا بستان این سیرین که بدید که بهشتیان  
 بخواب و بدین پادشاه سخت بود اگر کار می سخت بود و چنانکه مردم را از آن زبان بود و دلیل بود که مردم آن و یار را از پادشاه حیرت  
 و تابستان را بوقت خلیش بخواب و بدین بهتر بود که مانی کوید اگر کسی تابستان را بخواب بید بود وقت خود چنانکه جهان خرم بود و درختان پر بار  
 و دلیل بود که غزو و لشش زیاده کرد و و کادش بر آورد و مردم عام پادشاه را بخواب و بدین از پادشاه قوت و نصرت بود و اگر  
 تابستان را نه بوقت خویش بید تا ویش اختلاف این بود تاج محمد بن سیرین که بدید که تاج در خواب بدین پادشاهان را کشت و کشت  
 بود و فدا تر آشوب مردم حاکم را نسوختی حال اگر بدید که بر سر تاج داشت از زو و مرصع و دلیل بود که قدری بلند و ترستی عظیم باید که  
 در چنین راه شریعت ضعیف بود و اگر این خواب را زنی بید و دلیل بود که شوهری کند صاحب شست و جاه و شغل و نیاکر فای  
 کوید اگر بدید که پادشاه بر سر وی تاج ستاد و دلیل بود که او را از پادشاه بزرگی و کام روانی بود اگر بدید که پادشاه تاج بوی داد و دلیل بود  
 و او بر سر نهاد و دلیل بود که زنی توانگر خوب روی بخوابد و از او کام دل و دوا یابد و اگر بدید که تاج از سر او بیفتاد و لشکست  
 و دلیل بود که زن را طلاق دهد و اگر کسی بدید که تاج از سر وی بر گرفته شد و دلیل بود که زن از وی جدا کرد و اگر بدید که  
 تاج از سر وی بیفتاد و لشکست و دلیل بود که زن او بید و یا کسی از اهل بیت او بید و از دنیا رحلت کند حضرت عیسی و قیوم فرماید  
 اگر زنی بدید که تاج بر سر دارد و شوهر ندارد و دلیل بود که شوهر کند و اگر شوهر دارد و دلیل بود که بر زن مرگد و اگر زنی  
 بدید که تاج از سر او بر گرفته شد و دلیل بود که شوهر از زنی خواهد یا شوهر او را طلاق دهد و اگر بدید که تاج مرصع بود بر سر پادشاه  
 بود و جاه و حرمت حاصل کند و او را حرمت بپذیرد تا راج این سیرین کوید که اگر بدید که مال و نعمت کسی را با تاج بر و دلیل بود  
 که آنکس را غم و اندوه و زیان رسد بقدر آنکه از وی برده بود حضرت عیسی و قیوم فرماید که تاج کرون و دلیل بود بر چهار وجه اول  
 شنب دویم زیان سیم غم و اندوه چهارم از زانی نریخ مگر که غنیست و با و تار یکی این سیرین کوید که تار یکی در خواب ضلالت  
 بود و راه دین اگر بدید که تار یکی فرگرفت یا کسی بدو داد و دلیل بود که بر قدر آن ضلالت و گمراهی یابد اگر بدید که در تاریکی  
 بود و آن تاریکی بروشنائی مبدل کرد و دلیل بود که توبه کند و راه دین بر او گشاده کرد که مانی کوید اگر بدید که در تاریکی بود  
 و آن تاریکی باز بروشنائی شد و دیگر تاریکی شد و دلیل بود که این منافق بود و توبه تعالی و از آ ظلم حکم آید قاصد و گویند  
 جابر کوید که تاریکی بخواب غم و اندوه بود اگر بدید که تار یکت کرد و دلیل بود که مردم آن دیر غم و اندوه رسد و کار  
 ایشان بسته کرد و اگر بدید که تار یک روشن بود و تاریکی ابر ناگاه بدید و دلیل بود که در آن دیر مرگت مفاجات ظاهر کرد و خوشتر  
 صادق فرماید که تاریکی در خواب برنج وجه بود اول کفر و دوم تحیر سیم فرو بستن کار چهارم به حست پنجم و ضلالت ششام  
 استمخیل اشعث کوید اگر بخواب بدید که از تاریکی بروشنائی آمد و دلیل بود که از دور ویشی بهتر نگری افتد و از غم فرج یابد و کار  
 بروی گشاده کرد و از راه ضلالت دور بود و تاز پانه و انیال کوید اگر کسی بدید که تاز پانه بخورده و پشت و دلیل بود که کاتب  
 نه بر مرد و نظام او بود و اگر بدید که تاز پانه او خورده بود و دلیل بر پیشرف خیر زکی بود بقدر آن تاز پانه و بعضی کوید که تاز پانه

تاج

سیرین

سیرین

در خواب

در خواب دلیل بر نال نال بود بر قد رسیده خواب اگر بیند که دال تازیانه او بکست دلیل بود که مال و بزرگی از وی جدا گردد  
 این سیرین گوید اگر کسی بیند که کسی را بتازیانه بزود دلیل بود که بکاری مشغول گردد و آنکس کسب خایده بدو رسد اگر بیند  
 که تازیانه از دست بیند اخت و دلیل بود که انگاری که در دست دارد بیند از و اگر بیند که چون او را بتازیانه بزود خون از تن وی  
 روان شد دلیل بود که سخنهای ناخوش شنود و اگر بیند که خون از وی بزود دلیل بود که بر تازیانه در می یابد که گاهی که بد اگر  
 بیند که او را بتازیانه بزود دلیل بود که آنکس مال حرام یابد اگر بیند که زخم تازیانه خون از او روان شد دلیل بود که مال یابد و اگر بیند  
 که زخم تازیانه بر تن او ماند و دلیل بود که سخنهای ناخوش شنود و اگر بیند که او را بتازیانه بزود دندانست که کسی زود دلیل بود که  
 ناکاه مال یابد جابر گوید اگر کسی خواب بیند که در دست تازیانه نیکو داشت یا علاقه بر شیخ دلیل کند که او از فرزندی آید اگر  
 بیند که تازیانه از چوب بود و دلیل بود بر قوه حال وی و اگر بیند که تازیانه او چرم یا از دال بود و دلیل بود که خیر و منفعت بدو رسد  
 و اگر بیند که تازیانه در دست او بشکست دلیل کند که فرزندش بمیرد یا از کار خود معزول گردد و اگر بیند که بر آب نشسته بود و تازیانه  
 میزد و دلیل کند که بجای کسی کاری کند و بدان کار بروی منت نهد و اگر بیند که بر پشت کسی تازیانه زد و از آنجا خون برآمد دلیل بود  
 که آنکس مال حرام یابد یا زنده او را متمم کند بجای و اگر بر پشت خود زخم تازیانه بیند دندانست که چه کس زود دلیل بود که  
 و نیای او تمام گردد و اگر بیند که بر کسی تازیانه زد و چنانکه پاره پاره کرد و دلیل کند که او را شتر قریه و نه و اگر کسی را با تازیانه زد  
 زود دلیل بود که دیر اعم و اندوه رسد اسمعیل اشعث گوید اگر کسی بیند که در خانه خود دست خود را تازیانه کوفته بود پس از آن دراز  
 کرد و دلیل بود که زبان او بر خشم دراز گردد و اگر بیند که دراز بود و کوفته داشت دلیل بود که دشمن بروی علیه کند حضرت علی و علی  
 فرماید که تازیانه در خواب بر پنج وجه بود اول شصت دوم جد کردن ستم روشن شدن کاری مشکل چهارم سفر و مفارقت پنجم بزرگ  
 مال تا و این سیرین گوید که تا و در خواب خندنگار خانه بود که آنچه بر که خدای خانه بود جمله بر عیال خود و دیگران نفقه کند اگر  
 که تا و زود داشت یا کسی بدو داد و دلیل بود که خندنگاری مصلح او حاصل گردد یا از وی جدا گردد جابر مغربی گوید که بیند که تا و  
 چیزی میخفت دلیل کند که کار خندنگار او نیکو گردد و اگر بیند که تا و چیز میخورد و دلیل بود که از آن خندنگار خیر و منفعت بدو رسد  
 بقدر خور و دنی و اگر بیند که آن خور دنی ترش و ناخوش بود و دلیل بود بر غم و اندوه و سی شب این سیرین گوید اگر کسی خواب بیند  
 که او را سیب پیوسته بود چنانکه زبانش را با نیکو دلیل کند که پیوسته بفساد و کلاه مشغول بود و توبه یا دیگر تا انصاف و ثبات بود  
 گرانی گوید اگر کسی بیند که تیش دراز بود و دلیل کند که تنش درست و عمرش دراز بود و اگر بیند که میراث بزرگ بود و مالش بکثافت  
 این بود و سیرین گوید که تیر در خواب خندنگاری بود که بخاک کاری کند و اگر او را کاری فرماید خواب که آنرا کست که او  
 تا و دیگر کارش فرماید جابر گوید که تیر در خواب بروی رسیده بود و اگر یاری خواهد از مردم منافق بود و در میان مردم جنگ جدا  
 شکست و اگر بیند که تیری داشت یا کسی بدو داد و دلیل کند که او را با مردمی بدان صفت و دوستی افتد اگر بیند که تیر او بشکست یا بخت  
 کرد و دلیل کند که آن مرد را اجل فرارسد تیسره بشاری دلیل بود دیدن آن در خواب خبر مرده و سخن دروغ بود و کاری پیدا



پیرین کوید که تدر و مرغی است صواب مردی بخار بود و تدر و ماوه زنی نوینیده بود و حقین کوید که تدر و مال حرام بود که بحیل  
بدست آورد و اگر بیند که با تدر و در بند بود دلیل بود که با کسی بخار او را خصوصیت افتد و اگر بیند که تدر و ماوه او را حاصل کرد و دلیل  
کند که زنی خواهد که در وی هیچ چیز نبود و اگر خانه تدر و بیند و نیست که زنی خوب روی بکجای خواهد بود و بر قدر سفیدی او یا کثیری از آنجا  
گرمائی کوید که اگر بیند که تدر و در خانه داشت و دلیل کند که زن او طلاق کرد و یا بجهت زن او با کسی بخار او را خصوصیت افتد و اگر بیند که تدر و ماوه  
او برید دلیل بود که زنی طلاق دهد و یا بر مغربی کوید که تدر و در خواب زن یا بر سبب بود با جمال و مال او اگر بیند که تدر و یافت یا بکوفت دلیل  
بود که زنی خواهد بدین صفت که گفتیم و اگر بیند که تدر و روی در کنار او افتد و بخت دلیل بود که کسی با عیال او سر و کاری دارد و او  
می خیزد حضرت صادق فرماید که تدر و در خواب بر چهار وجه بود اول زن دوم مال حرام سیم عیشت چهارم کام دل چنین تر از  
این سیرین کوید که تدر و در خواب قاضی بود اگر بیند که تدر و می نمود داشت یا کسی بدو داد دلیل بود که در آن موضع قاضی بود و فقیه  
برین گفته تدر و در هیچ قاضی بود و در هر جا که در آن بود خصوصیت بود که تدر و قاضی کند و سنگهای تدر و در محل و داد بود که قاضی بود  
خصوصیت کند بوقت حکومت و اگر بیند که تدر و او را ایستاده بود و چنانکه هیچ پهل داشت دلیل که قاضی عدل کند و اگر بیند که تدر و در  
بنو و دلیل که قاضی راست و منصف بنو و در حکومت میل کند که گرمائی کوید که بیند که عمو و ترا و بکشت دلیل بود که قاضی انداز  
بیر و اگر بیند که تدر و زیاد و نقصان بود دلیل بود که در عدل و انصاف قاضی زیاد و نقصان بود و جابر کوید که در آن  
در خواب رستن قاضی بود از عذاب و دوزخ تر از و کر بخواب دیدن پادشاه عادل بود و تدر و می راست قاضی راست حکم بود  
یا وزیر عادل حضرت صادق فرماید که تدر و می قیامت بخواب دیدن بر شش وجه بود اول قاضی دوم پادشاه سیم فقیه چهارم  
سیاحی پنجم حکم راست ششم اگر بیند که در داریک وی در تدر و می قیامت پیش از کردار بدوی بود و نیست که بشت یا بر  
و اگر عقبت رسته کرد و قوله تعالی *مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ* و اگر بخلاف این بود دلیل بود که مستوجب  
عقوبت و دوزخ بود و قوله تعالی *وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خُسِرُوا أَنْفُسُهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ تَرَب*  
گرمائی کوید که تدر و بخواب دیدن غم و اندوه بود و خاصه که خورد اگر بیند که میخورد و دلیل بود که بقدر آن غم و اندوه بدو رسد و اگر  
بیند که کسی تدر و دلیل بود که از آن غم و اندوه بدل او رسد و اگر بیند که او تدر و کسی داد یا از خانه بیرون نکند و هیچ از آن  
نخورد و دلیل بود که از غم و اندوه رسته کرد و تدر و این سیرین کوید که تدر و در خواب دیدن دلیل بر غم و اندیشه کند اگر بیند که خورد و دلیل  
بر زبان مال کند بقدر آنکه خورد و بود و تدر و این سیرین کوید که تدر و مردی بد که هر بد کردار بود و زیرا که اصل وی سپید است و بیند  
بسر که تدر و غم و اندوه را نکند تا طبع و طعم وی از حال خود بگردد و بعد از آن ویرا بکار ند چون بر آید تدر و بود و اگر بیند که  
داشت یا کسی بوی داد و دلیل باشد که آن مرد و بر حضرت و زبانی رسد و اگر بیند که تدر و کسی داد یا از خانه بیرون انداخت  
دلیل بود که از صحبت چنین مردی جدا می جوید و از او دور شود و تدر و می گرمائی کوید که بیند که مسلمان تر شد دلیل بود که او را  
راهی بدعت و کفر از وی بدید و آنکه در دین مسلمان می ماند و جابر کوید که اگر بیند که دشمنی دارد بر وی نصرت یا بدین که تدر و

تدر و

تدر و

تدر و

تدر و

تدر و

تدر و









چشم شاه اگر بیند که آواز تندر بوقت باریدن می شنید دلیل بود که در گذر یا خیر و برکت پدید آید و اگر بیند که باران و رعد و برق  
بود دلیل بود که مرده هم آید یا راز پادشاه و ترس بیم بود و اگر بیند که باران زلاله می بارید دلیل بود که در گذر یا خیر و عذاب و بلاکت  
پدید آید و اگر بیند که تندر سخت بغیر دلیل بود که بانگ و سیبت پادشاه در گذر یا خیر و برکت بود و اگر بیند که هم تندر بود و هم برق  
پدید آید و اگر بیند که پادشاه شکم پدید آید تندر سیحان ابن سیرین گوید که تندر سیحان که سیاه آن بر زمین افتد چون بخوابد  
خم و اندوه بود و خاصه که بگوید سیاه پدید آید و آنچه در دیوار کاشیده بود و قی فرماید که تندر سیحان در خواب بر سر و وجه بود و اول  
هم و اندوه و توهم فقیهان قدر و جاه و سیم بی امانی و رکاز با تنگی ابن سیرین گوید که اگر بیند که از تنگی بغیر از آن که از جایگاه بی توهم  
بجایگاه می آمدی شد دلیل بود که کارهای او بنظام شود و از بجز راحت و آسانی نشود و اگر بخلاف این بیند بد بود و جابر گوید که اگر  
بیند که در جایگاهی تنگ گرفتار شد دلیل کند که در کاری دشوار افتد و خلاصی نیابد و اگر بیند که در آنجا طعام تنگ بود و گاه عیش و سرور  
بر او تنگ کرد و در تنگی هم چیزها در خواب نیکو نباشد تنور ابن سیرین گوید که تنور در خواب بهتر بود که خدای خانه و بعضی از منبر  
گویند که با نومی خانه بود و اگر بیند که تنور در دست و پشت دلیل کند بر تن درستی و نظام کار که خدای خانه و اگر بیند که تنور پشت  
و در خواب شد دلیل کند بر بخت و آفت که خدای و بدی وی و اگر بیند که تنور مان می بخت دلیل کند که بر قدران باشد  
روزی حلال بیاید و کار بر وی نیکو و در گمانی گوید که اگر بیند که در تنور لختی آتش است بیرو شانی و بر بالای تنور شعاع آتش است  
و دو و بنو دلیل بود که بسفر بیت المقدس رود و حاج کند قوله تعالی و من مشا علی التواری الا تمکن فی البقعة المبارکة  
یعنی که بیت المقدس و بعضی گفته اند که از خیر و منفعت رسد حضرت صادق ع فرماید که دیدن تنور در خواب بر وجه بود و اول  
خیر و منفعت بود و خاصه که نوب و توهم هر گاه بیست و شود و شفت تو بره ابن سیرین گوید که تو بره در خواب خیر و منفعت بود  
خاصه که نوب و اگر بیند که تو بره و ارشد یا کسی بوی داد و دلیل کند که از کسی خیر و منفعت بد و رسد و اگر بیند که تو برمای اخصایع  
بر بد و ایش بخلاف این بود تو بره کردن ابن سیرین گوید که اگر کسی بیند که تو بره و دلیل کند که از نه کناه و معصیت پشیمان شود  
و اگر و نیکو کند که در آن خوشنودی خدای تعالی بود و دوست از دنیا بدارد و طلب آخرت کند حضرت صادق ع فرماید که تو بره کردن  
در خواب بر چهار وجه بود اول پشیمانی از گناه و تویم رضای خدا ستم راه آخرت چهارم سعادت تو تپا کرمانی گوید که تو تپا  
خواب بدین مال بود اگر کسی بیند که تو تپا چشم کشید و مقصود از تو تپا روشنی چشم بود و دلیل بود که صلاح وین جوید و اگر مقصود  
وی بخلاف این بود دلیل کند که خور و انفاق بدین داری بر مردم ظاهر کند تا او را ستایش کنند جابر مغربی گوید که اگر کسی بیند که تو تپا بد  
دلیل کند که بقدر آن میر مال حاصل کرد و اگر بیند که تو تپا همی خورد و دلیل کند که مستمند و غمگین کرد و حضرت صادق ع فرماید که بیند که تو تپا  
در زیر بغل داشت از بر و رفع بوی ناخوش همی مالید و دلیل کند که کاری کند که در آن و راجع و شتا و نیکی گویند لوت و توت شیرین  
و خواب روزی بود و خوردن خر و توت عم و اندوه بود و ابن سیرین گوید که توت شیرین بهنگام خوردن و دلیل کند که بقدر آن اگر کسب  
خوش روزی یابد و اگر خواب بهنگام رسیدن توت بیند نیکو تر بود و اگر نه توت آن بود و دلیل بر غم و اندوه کند که گمانی گوید که

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

که تو شش بن میخورد و دلیل بود که اندر وی جو اندر وصلت و عطا یا بد اگر میند که خروثت ہی خورد و دلیل است که غلبن و منفکر و حضرت  
صداوق فرماید که نوت و در خواب بر سه وجه بود اول مال و دوم منفعت از کسب خویش سیم منافع بهرنی تورات بن سیرن کوب  
اگر میند که تورات ہی خواند بظاہر دلیل کند که ویرا قوتی بدید آید از مردم محشم و اگر میند که تورات خواند بظاہر دلیل کند که با کسی  
کند و بروی نظریا بد و مرادش حاصل کرد و اگر میند که کسی را تعلیم بنور نیت میکرد و دلیل کند که از آنکس خبر بد و در سید و نیا نیال کوب  
که تیر و خواب دیدن مردیت راست کو که از آنکس خبر بد و مرد رسد بقول بعضی از متجربان غیبت بود و اگر میند که کسی تیر و بی می آید  
دلیل کند که پیغمبی بد و فرورد سد خاصه چون میند که بغرض انداخت اگر میند که بغیر غرض انداخت دلیل بود که نام بد آنکس نیت و آفته اعظم  
بالتصواب حرف الحیم من کتاب کامل التبعیر چیا در ابن سیرن کوید که چادر و خواب دیدن ستر پیشان بود اگر میند  
که چون زمان چادر پوشیده بود و دلیل که در آن کار خیر و شر نبود لکن آشکارا از آنان کرده و اند و اگر کسی میند که چادر را بدرید یا بسوخت  
و دلیل بود که در آن وقت ستروی و دیده کرد و کرمانی کوید که چادر شب در خواب دیدن نون بود اگر میند که چادر شب فرار گرفت کسی  
بد و او دلیل کند که زن نوخا بد و اگر میند که چادر نو بخرب و دلیل کند که کثیر کی بخرب و اندازد و فرزند آید و اگر نیکو خواب را زنی میند و دلیل کند  
که او را شوهر آید و اگر زنی میند که چادر شب او بسوخت دلیل بود که شوهرش میرد یا او را اطلاع دهد حضرت صداوق فرماید چادر و خواب  
بر سه وجه بود اول قدر و جاه و دوم مردار زن را نشو بر ستم که خدای سزای جاد و بی کردن ابن سیرن کوید که جاد و بی  
کردن در خواب کار باطل بود و اگر خواب میند که جاد و بی میکرد و دلیل کند که کاری کند بهوده و باطل و بقول بعضی از متجربان جاد و بی  
خسته بود و آنکس را که از هر او جاد و بی کند جابر مغربی کوید که جاد و بی کردن در خواب زهر کسی تعمد بود و بدروغ که مرد و زن را بد و خیر  
و جاد و بی در خواب و ششم فریبنده بود و حضرت صداوق فرماید که جاد و بی کردن در خواب بر شش وجه بود اول فتنه و دوم فریب  
سیم مکر چارم سگالش بد پیچم باطل و دروغ ششم کاری که در آن اصلی نبود چهارم پامی ابن سیرن کوید که اگر کسی میند که چار پانی را  
فرار گرفت و آن چار پامی مطیع و فرمان بردار بود و دلیل بود که بقدر و وقت آن چار پامی اندر می جایابی او منفعت رسد و اگر میند  
که در مکر چار پان و شتی پیش او حاضر بودند و مطیع او شدند دلیل کند که در میند که مسکن ایشان در میانان بود و مطیع او شدند کرمانی کوید  
اگر میند که چار پان و شتی را میسر ستید و دلیل کند که مردان و انار اخذست کند جابر مغربی کوید که میند که چار پانی شده بود و دلیل  
کند که از او عقل زایل کرد و اگر میند که چار پانی با او سخن می گفت و دلیل بود که بزرگی یا بد و اگر میند که از چار پانی گوشت میخورد و دلیل بود  
که بقدر آن مال یا بد چار و پ ابن سیرن کوید که چار و پ خواب دیدن خادم و خدمتکار بود و چار و پ در شب خادمی بود  
که تقاضای چیزی کند و اگر میند که خانه را بجار و پ میرفت و دلیل کند که مالش ضایع کرد و اگر میند که خانه کسی میرفت و دلیل کند که  
کسی بد و رسد خاصه که میند خاک رفته را بخانه خود آورد و حضرت صداوق فرماید که چار و پ دیدن خواب بر سه وجه بود اول اخذ خادم  
دوم منفعت سیم تقاضای چیزی که با مردم بود و بد و رسد چهارم کرمانی کوید که میند که جام پر آب بطلب فرار گرفت یا کسی بد و رسد  
و از آن بخورد و دلیل کند که زن خواهد یا کثیر بخت مرد و او را فرزند می پارسد آید که از راحت میند و اگر میند که آب جام بر بخت و جام باند و دلیل

که فرزندش میرود و مادرش بماند و اگر میند که جام را بشکست و آب بماند و دلیل کند که زرش میرود و فرزندش بماند و اگر جام بشکست و آب  
دلیل بر پاک فرزند بود و مادر و پدر و جابر مغربی گوید اگر میند که جام در خانه آورد و دیوار نشاند بود دلیل بود که بعد آن جامها اول  
کثیر کان و زمان بود و اگر جام سفید یا سبز میند دلیل بود که او از زمان صلح با رسا باشد و اگر جامهای سرخ میند دلیل کند که او از زمان  
سعاشره میند بود و اگر جام زرد میند دلیل بود که زمان او بیا روز و کون باشد و اگر جام سیاه میند دلیل بود که او از زمان اندوکیان میند بود  
باشد جامه و نیال که بود که جامه در خواب کسب کار بود و اگر جامه خود را نیکو میند دلیل کسب کار و نیکو کرد و اگر جامه را بد میند دلیل کسب  
و کاشش بد شد و اگر پوشا در خواب جامه خود را سیاه میند دلیل بر نیکوئی حال او بود و اگر عیبت جامه خود را سیاه میند دلیل غم و اندوه و جامه زرد  
بجاری بود و جامه سرخ در خواب خرمی بود و توفیق طاعت دلیل بر آنکه جامه سبز حله بهشتیان نیز خوب بود و قله تعالی عالم کفیم شکیا  
مستغنی عن خضوع و استعانت و جامه سفید شسته ساختگی کار مردم بود و جامه کبود دلیل بر مفرت بود و جامه سوخته دلیل زمان  
بود و زینب پادشاه و جامه دریده و دلیل ظاهر شدن راز بود و جامه پشیم و ندین و پلاس از پشیم اینجه دلیل بر مال و خوشه اول  
حاصل کرد و جامه مرقع دلیل بر وریشی و تنگ دستی بود و جامه چکن از هر نوع که باشد دلیل بر اندوه و غم بود و جامه کاغذی دلیل  
بر دامت و شناخت کند و جامه که از پوست چهارپایان بود دلیل بر خیر و منفعت بود که بدو رسد و جامه پدید ز بشکل کفن و دلیل که  
شغلای بی وی در دین تمام کرد و لکن عمرش با خیر رسیده باشد و اگر میند که پوست خرو مشیده بود دلیل بود که غم و جاده یا بد بزرگ  
گوید اگر میند که جامه مهری پوشیده است اگر انا بل آن جامه بود دلیل کند که کارش قوی کرد و اگر میند که جامه ویری پوشیده است  
و دلیل که مال بسیار یا بد اما خلق بلا متش بود و اگر میند که جامه حاجبی پوشیده بود دلیل بود که اعطای بزرگان محروم ماند و اگر میند که  
جوانی جامه عوانی پوشیده است دلیل کند که کسی او یاری دهد و بطار ساینه بومی و اگر میند که جامه جلادی پوشیده است دلیل  
که منفعت یا بد و اگر میند که جامه صاحب پوشیده است و دلیل است که با نمانت و زبان آورد کرد و مهمات ساختن خلق مشغول کرد  
و اگر میند که جامه صوفیان پوشیده است دلیل بود که عین او زیاده کرد و اگر میند که جامه زاهدان پوشیده است دلیل بود که پادشاه  
بود و اگر میند که جامه بازگان پوشیده است دلیل بود که کار و کسب و کمال او نیکو کرده و اگر میند که جامه ابله صلاحت داشت دلیل بود که  
کار و پیش بصلاح آید و اگر میند که جامه اهل فساد پوشیده است دلیل بود که او از اهل فساد و غم و اندوه رسد و اگر میند که جامه فرور کا  
کن داشت دلیل بود که متغیر و بخور کرد و اگر میند که جامه طبعیان داشت دلیل بود که کارش نیکو کرد و در میان مردمان مشهور کرد و اگر  
میند که جامه جهودان داشت دلیل بود که بکر و حیل کسی را بپاک کند و سر انجام کارش بد شد و اگر میند که جامه ترسایان داشت دلیل کند  
که کاری کند که بسبب آن از دوست و دشمن ایمن نباشد و اگر میند که جامه کشیش داشت دلیل بود که صاحب بدعت بود و بسیار کفر  
و ضلالت بود و اگر میند که جامه مخار داشت دلیل بود که میانش بجانب بد و میان و جانبان بود و اگر میند که جامه مسلمانان پوشیده  
است دلیل بود که او کسی عداوت افتد و اگر میند که جامه مرتدی پوشیده داشت دلیل بود که کسی خطائی بدو دهد و باستان  
و اگر میند که جامه بت پرستی داشت دلیل بود بجزرت پادشاه مشغول کرد و یا خدمت مهری و اگر میند که جامه زنی پوشیده داشت دلیل

بود که از مهر خورشید و در کرد و اگر بیند که جامه مردان زن ثانی پوشیده داشت دلیل بود که سبب کاری نیکوین و مستمند کرد و اگر بیند که  
 جامه حمالی پوشیده بود دلیل بود که امانت گذار شود و نکشت نامی کرد و اگر بیند که جامه که رنگی داشته دلیل کند که بخدمت مردی غلام  
 و درین جهت دخول کرد و اگر بیند که جامه که کشیدنی پوشیده داشت دلیل بود که از کسی مصیبت روزی حلالی رسد و اگر بیند که جامه تصافی  
 داشت دلیل بود که ویرانی خانه و بی رسد و اگر بیند که جامه باشکوهی پوشیده داشت دلیل بود که باز صحبت دارد و بر است که ثانی  
 گوید اگر بیند جامه نو داشت و در احتضار نه کرده بودند نیکو بود و جامه تنگ و درین و جامه جام از جامه کاری کرده بهتر بود و جامه  
 در بخت زن خردمند و کثرت باو نیک بود و جامه بر دو خط خیره و منفعت بود و جامه سنی که مجهول بود و زخم باز باز بود یا غمیخت  
 که بد رسد و جامه سنجین مال و خوشه بود و جامه که پیکه تاویل و درین جامه بر دو گونه است یک گونه بدین تعلق دارد و یک گونه که در میان  
 و جامه سفید وین است و جامه نو عثمانیه دنیا اگر کسی بیند که جامه سفید نو پاکیزه داشت هم دنیا و هم دین را نیکو بود و اگر جامه تنگ  
 بیند هم دین را بد بود و هم دنیا را چون جامه را چرکن و دریده بیند هم فساد دین و هم فساد دنیا بود و جامه سرخ زن را نیکو بود و در دنیا  
 و در دین هم نیکو بود و پیرایس و از ازار طلیسان و قبا و دستار یا خجله مردان را زانم و اندوه بود و یا جنک و خصومت و جامه زرد مردان را نیکو  
 بود و بقول بعضی از متعبران اگر بیند زنی که جامه زرد پوشیده بود دلیل کند که او را شوهری آید و اگر دارد و بهار کرد و جامه سبز زنان و  
 مردان را دین بود و اگر بر زن بینه صلاح دین بود و اگر بر مرد بینه دلیل بر شکاری آخرت بود و جامه سیاه کسی را که پیوسته سیاه پوشیده بود  
 اما آنکه پیوسته سفید پوشید جامه سیاه و درین نیکو نباشد نه دین و نه دنیا را و جامه سیاه بعضی از متعبران نصیب قاضی و پادشاه را  
 نیکو بود و اندر عیت را غم و اندوه بود و جامه که بود بهمان غم و مصیبت بود و اگر کسی بیند که جامه قوون رشت یعنی سبز و سرخ و زرد دلیل  
 که از پادشاه یا والی آفولایت سخت شود که او را خوش نیاید و محیل اشقت گوید اگر کسی بخت جامه داشت که از بختی نیکو  
 از بختی دلیل بود که با اهل دین و دنیا بدلت زندگانی کند اگر بیند که از جامه خویش بی خور و دلیل کند که از مال خود نفقه بسیار کند و اگر  
 و اگر بیند که جامه ریزه پوشیده داشت دلیل بود که در سفر بماند یا از بر کاری ویران زندان کشد و اگر بیند که جامه و صافی  
 گردید یا از وی بستند و او برهنه ماند دلیل بود که قدر و جاهش کم کرد و حقیر و خوار کرد و اگر بیند که جامه خویش را بدین دلیل  
 که اندوه بکین کرد و باز از خویش خصومت کند و اگر بیند که جامه وی بدید و دلیل کند که از انگس شود و اگر بیند که جامه خود را  
 یا جامه اهل خود را مومی کرد و دلیل کند که او را با خویش خود خصومت افتد یا از دوستی و اگر بیند که جامه او کسی بر دو برهنه باشد  
 کند که از خدمت و منزلت بیفتد و اگر بیند که جامه در نوشته از هم باز کرد و دلیلست که سفر شود و اگر بیند که جامه باز کرده را و در  
 دلیل بود که غایتش از سفر باز آید و اگر بیند که جامه زنان پوشیده داشت دلیل که مالش زیاده کرد اما تا ترسی عظیم بدو رسد و  
 او را غم و اندوه رسد و بهیچ مرت کرد و اگر بیند که جامه مردان پوشیده داشت دلیل کند که خیره و لغت بدو رسد و جامه  
 در خواب غرق بود و بقدر درانی و کوتاهی جامه و در سفر بماند و اگر بیند که جامه را تمام کرد و دلیل بود که از غم باز در صحنهانی گوید  
 که بهترین جامه در خواب جامه ایست که از پنبه بود و در وی تو یا ابریشم نباشد و جامه عثمانی از پنبه و ابریشم بود و جامه خنجر

بود و دلیل بر مال حرم و فساد کند و درین و جامه و سیاهی سر و ابرو و از آنجا که بود و زنا نیک و جامه کن غم و اندوه بود  
 از قبل پادشاه و اگر کسی بپند که جامه کنه فروشد نیک بود و اگر بپند که جامه کن سخیزید دلیل بود و جامه کن پوشتن  
 بد است و جامه کن از تن بیرون کردن نیک است جامه مغربی کوید اگر بپند که جامه شسته بود و پوشیده دلیل بود که تائب بود  
 و اگر بپند که جامه چگون و پشت درویش کرد و اگر بپند که جامه رنگین داشت اگر زن بود یا سپاهی بود و او را نیک بود  
 و اگر بپند که جامه باشکوه داشت دلیل بود که او را منگری بدید یا حضرت صادق علیه السلام دیدن جامه خود را خواب چاه  
 و جد بود و اول زن و دوم پادشاه ستم مال چهارم خیر و منفعت و هم او کوید اگر کسی بپند که جامه خود را بمقبره میرد دلیل  
 که خیری بدو رسد و اگر بپند که فزون جامه او را بیرون کرد و دلیل بود که فساد و میان زنان ی افتد جامه خواب  
 این سیرین کوید که جامه خواب دیدن بتاییدن بود و اگر بپند که جامه خواب سفید پاکیزه بود و دلیل که عیال شریفین وار بود  
 و مستور و اگر بپند که جامه خواب او سیاه بود دلیل بود که از عیال اندوه و رنج بدو رسد و بعضی از مقبران کوید که جامه سیاه و خواب  
 پادشاه را نیک بود و رعیت را بد بود و اگر جامه خواب را کبود بپند و دلیل بود که او را سبب عیال غم و اندوه و مصیبت رسد و اگر بپند  
 که جامه خوابش چگون و دریده بود دلیل بود که زن او چگون و پلید و ناسازگار بود و اگر بپند که جامه خوابش ضعیف کرد و بدید و از  
 دلیل بود که زن را غلامان بدید و از او مفارقت کند و اگر بپند که جامه خوابش بسوخت دلیل کند که عیال شریف و حضرت صادق علیه السلام  
 که دیدن جامه خواب برسته بود و اول زنی نیک و دوم راحت و آسانی ستم رنج و اندوه و مصیبت جان محمد بن سیرین  
 کوید که جان خواب دیدن فرزند بود یا مال یا عیال موافق اگر بپند که جان از تن وی بیرون شد دلیل بود که فرزند یا عیال شریف و یا مال  
 تلف کرد و یا خود را نک کرد و اگر جان خویش را صورت مردی نیکو بپند دلیل بود که وی را فرزند نیکو بیاورد و حالش نیکو کرد و یا بخت  
 پادشاه خوش طبع جامه فرزند و حالش نیکو کرد و اگر جان خود را صورت مردی زشت بپند تا ویش بکاف این بود که گفتیم  
 و خبر آمد است که مردی پیش رسول خدا آمد و گفت یا رسول الله در خواب چنان دیدم که جان از تن من بیرون آمد و مرا کتاکت رفت  
 از آن آسمان رفت رسول فرمود که وصیت کن که جان تو بیکان خویش رسید پس هم در آن روز آن مرد دنیا رحلت کرد و گرافی کوید اگر بپند  
 که جان خود را در کف خود دید و دلیل بود که بکار مضطر مشغول کرد که در آن ویرانیم جان بود و اگر بپند که جان از کف او آسمان شد و دلیل  
 که زود بمیرد و اگر بپند که نک جان او زود بود که در بیماری مصیبت میرو و اگر جان را بگونه سنج و یا سفید بپند عاقبتش نیکو بود و از غم رها  
 یا بد و اگر بپند که سیاه بود و دلیل است که مستوجب عذاب است تعالی بود جامه مغربی کوید اگر بپند که مرده جان می کند و خویشان او  
 بروی نوحه و زاری می کردند و دلیل بود که این بیت مرده را غم و اندوه رسد و اگر بپند که خویشان وی آهسته میکشد و دلیل که خویشان او  
 از وی شادی و خرمی رسد حضرت صادق علیه السلام فرمایند چون بپند که مرده در خواب چنان می کند دلیل بود که جان او عاقبت بود چاه  
 سیرین کوید که چاه در اصل تاویل ن بود و اگر بپند که در جایگاهی چاه می کند دلیل بود که زن خا بد و اگر بپند که بچند چاه کسی او را میکشد  
 دلیل کند که میان او و آئین کسی متوسط است و خواهد که بگوید حیدر از آن را برنی و می و در بزرگ کند چاه که حیدر بود و در امثال کوید

سیرین

جامه

جان

چاه

در خواب

که ظاهر چاه برای فلان بکشد یعنی آوی می و مکر خا هر دو چاه در خواب نشان بود اگر کسی بیدار چاهی آب خورد و دلیل بود که مال زن بخورد و اگر چاهی  
که از پشت پنجه بر آورد و بود و هم دلیل بر مال زن کند و اگر ببیند که کسی چاه کند و آب بر نیاید و دلیل بود که زنی در ویش خوابد که مال زن  
اگر ببیند که آب چاه خوردن بطعم خوش بود و دلیل بود که مال زن بکشد و اگر ببیند که آب چاه گرم هم خورد و دلیل بود که بکشد  
مال زن چاه یابد و بقول بعضی از معبران بیمار کرد و اگر ببیند که آب چاه خشک و خوش بود و دلیل بود که از زن خیر و منفعت بیند  
و اگر ببیند که آب چاه بسیار بود که زن جو اندوخته بود و اگر ببیند که آب چاه اندک بود و دلیل بود که زن سفله و درون بود و اگر ببیند  
که چاه بکشد و آب بر آید و دلیل بود که زن بیمار کرد و مال خود در بیماری بخورد و اگر چاه آب سیاه بر آید یا کبود و دلیل بود که غم  
و اندوه بدو رسد و اگر ببیند که از چاه آب سفید بر آید و دلیل بود که میراث یابد و اگر ببیند که آب چاه بقرقر رفت و هیچ نمایند و دلیل بود  
که زن هلاک کرد و مالش تلف شود و اگر ببیند که چاه در زیر زمین فرو رفت هم دلیل بود بر هلاک زن که زنی که اگر کسی ببیند که در  
در چاه کرد و آب بر آید و در چاه افتاد و در میان گشت و دلیل بود که او را فرزندی آید تا تمام حکایت در خبر است که مرگ  
از عباد الله عباس پرسید که بخواب دیدم که در چاه کرد و آب بر آید و در میان بد و پاره کشت و آن بد و پاره را یکی بر آورد و  
یکی در چاه ماند عباد الله گفت که تو را خیال خود غایب بودی و ترا فرزندی آمدشش ماهه که در پادشاه کرد و از آن وقت که مرا  
از آن شخص عجب آمد و انیال که دید اگر کسی ببیند که در چاه کجایی معروف چاهی میکند و دلیل کند که با کسان خود مکر و حیله سازد  
و بقول بعضی از معبران کندن چاه و بر آمدن آب حکم نکاه دارد و اگر ببیند که چاه از بهر کسی دیگر کند و دلیل بود که او متوسط  
بود و کسی را بکجای کردن جابر که دید اگر ببیند که آب از چاه میکشد و دلیل بود که مکر و حیله مال جمع کند خاصه که چاه خود کند باشد اگر ببیند که  
بد و آب همی کشید و در سبیل ریخت و دلیل بود که مال خود نیکو نکاه دارد و اگر ببیند که آن آب را بر کشید و بر زمین ریخت و دلیل بود که مال را  
تلف کند بخیر و اگر در چاه افتاد و دلیل کند که مکر و حیله افتد و اگر ببیند که باغ را آب همی داد و دلیل کند که مالی که حاصل کرده است  
زن خواهد یا کینک خرد و اگر ببیند که در باغ میوه بود و دلیل بود که او را فرزندی آید و بعضی گویند که اگر ببیند که باغ را آب همی داد و دلیل  
کند که با زن خود مجامعت کند و اگر ببیند که آب بر سر چاه آمد و روان شد و دلیل کند که زنی تو را که زنی خواهد و از آن زن او را مال و نعمت  
حاصل کرد و حضرت صادق علیه السلام فرمود که دیدن چاه در خواب برش وجه بود و اول زن و تویم کینک ستم عالم چهارم نژادگری چشم  
مکر ششم مکر حیله و مرد چاه کن در خواب مکر حیله بود چشمه ابن سیرین گوید که چشمه در خواب نشان بود اگر ببیند که چشمه فراخ و پاکیزه داشت و دلیل  
کند که زن او نیکو زنی و نیکو سیرت بود و اگر بخلاف بیند و دلیل کند که زن او بدخوی و ناسازگار بود و اگر ببیند که چشمه او بدرید یا خشک  
و دلیل که میان ایشان جدائی افتد حضرت صادق علیه السلام فرمود که دیدن چاه در خواب که ببیند در زمستان در تن داشت نیکوتر بود و آن چاه  
وجه بود و اول زن و تویم قوه ستم شادی چهارم منفعت و چشمه کن و چرخ نم و اندوه بود و جابر گوید اگر ببیند که چشمه نداشت یا کسی  
داد و بر نیک نبود و دلیل بود که زن پاک دین بخوابد و اگر ببیند که چشمه سفید نداشت زنی ناپسند و با امانت بود و اگر زرد و بنفشه زنی بیمارگون  
بود و اگر کبود بود زنی متفکر و غمگین بود و اگر سرخ ببیند زنی معاشه بود و با او سازگاری کم کند چشمه ابن سیرین گوید اگر کسی ببیند که بر آید

در خواب

در خواب



سرو چتر میرود و دلیل بود که اگر از اهل آن بود پادشاهی باید و اگر از اهل آن نباشد دلیل که بزرگی باید و اگر میند که چتر پادشاه و دوست داشت  
و دلیل که مقرب حضرت پادشاه و در حضور صادق میفرماید که دیدن چتر در خواب بر هفت وجه بود و اول سلطنت و دوم عزت و سیم مرتبت  
چهارم ریاست پنجم رفعت ششم ولایت هفتم صحبت با بزرگان چراغ کرمانی گوید که چراغ در خواب خادم خانه بود و مقرب آن  
که که بانوی خانه بود و اگر در خواب میند که در خانه او چراغ پاکیزه روشن بود دلیل که بانوی خانه زنی با صلاح و نیک سیرت بود  
و اگر میند که چراغ تاریک و سوخته دلیل بود بر آن که بانوی خانه یا زن یا خادم اگر میند که چراغ فرو مر و دلیل بود که خانه او بانوی خانه بی  
عابد بود اگر میند که از آتش زنده چراغ بر آتش بود دلیل که اگر زن دارد و فرزندش آید و اگر غریب بود زن کند یا یک زن غریب دارد و اگر سفر غایب دارد  
بسلطنت باز آید و اگر میند که در شهر چراغ بسیار است دلیل بود که پادشاه و ولایت عادل بود و قاضی منصف و مردم شهر رعایت  
و نیکو بود بسیار و شغل که بود اگر میند که چراغ بسیار در دست داشت دلیل بود که او را فرزند آید که عزت و دولت باشد و اگر  
میند که خواب فاسق بود دلیل که بخدا نیازی باز کرد و توبه کند و اگر مشرک بود هدایت باید و اگر مسلمان بود توفیق طاعت باید و اگر  
و میراجا متقی بود و بشیر المؤمنین یا قاصم هو الله فضل کثیر گوید اگر میند که چراغ بر در دلیل بود که فرزندش بر اهل کرد و چنان  
و دولت نقصان پذیرد و اگر میند که در بر و دست او چراغ روشن بود دلیل که مراد دینی و دنیا می او ساخته و اگر میند که در دست کبریا  
داشت که در وی و وسوسه راخ و دوست بدافروخته بود و دلیل است که او را و فرزند نیک بود که بیک شکم آید حضرت صادق میفرماید که دیدن  
چراغ در خواب بر چهار وجه بود و اول پادشاه و دوم قاضی ستم فرزند چهارم عروسی پنجم ولایت ششم سرای هفتم هنر ششم شکار  
نهم علم دهم تاملگری یازدهم عیش خوش و دوازدهم کنیز سیزدهم منفعت چهاردهم آنچه میند همچنان بود چراغ پایه ابن سیرین  
که چراغ پایه در خواب خدمتکار خانه بود و اگر میند که چراغ باید داشت یا کسی با و داد دلیل بود که خادمه او خوش طبع و مهربان بود و اگر  
چراغ پایه زنک گرفته بود دلیل بود که زن خادمه متکبر و خود بین بود و دلیلش صنف بود و اگر میند که چراغ پایه چوبین بود زن خادمه  
خفه و دون بود و بر قول و اعتماد و بر چراغ دان در خواب زن بود و مقرب آن که میند که خدمتکار خانه بود و فقیه و چراغ خان کار فرمای بود که کرمانی  
گوید اگر میند که چراغ خان همین بود دلیل بود که اصل آن خدمتکار گریه بوده باشد و اگر سفالین میند اصل آن خدمتکار مسلمان بود و دین را در باطن  
و اگر میند که چراغ خان از دست و بیفتاد و شکست دلیل بود که زن یا خدمتکار او بر چرخ ابن سیرین گوید که چراغ در خواب پادشاه بود  
و اگر چراغ وحشی میند دلیل فرزندی بود که بحد بلوغ و مردی رسد و اگر میند که چراغ را بر گرفت و بد و شکار میکرد و دلیل بود که پادشاه  
بر او ستم و پیدا کند و اگر میند که پادشاه چراغ بد و او و شکار میکرد و دلیل بود که از پادشاه حرمت و بزرگی باید و بر دیگران  
ستم کند و اگر میند که چراغ شکار میکرد و او را بر گرفت دلیل بود که او را فرزند آید یا فرمان اگر میند که از گوشت آن چراغ چیزی میخورد  
و دلیل بود که از فرزند آن بدی میند کرمانی گوید که چراغ بخواب دیدن دلیل مردی بزرگ بود که با سبب و قوت بود و اگر میند  
که چراغ در خانه وی یکبار باد و بار بانهت میکرد و دلیل بود که او را زبانی رسد و اگر سته بار بانهت کرد و هیچ زبانش نرسد و بعضی از  
سجستان گویند که چراغ مردی زد و بود که شنب کربا کند چرخ ابن سیرین گوید که هر که در خواب میند که جامه چرخ داشت دلیل که

چراغ

چراغ

چراغ

چراغ

که اگر

چشم  
چشم  
چشم

فساد کار بود و اگر کسی بیند که جامه او چرک یا چیزی دیگر آلوده بود و دلیل بود بر تنهایی دین و دنیا می او و اگر بیند که چرک جامه او  
بر دوکان بود و دلیل بر فساد دین و صلاح دنیا بود و اگر مانی گوید که چرک در خواب دیدن بر سر روشن غم و اندوه بود و دیدن چرک بر تن  
خیر و منفعت نباشد چرخ در خواب زنی بود و مختلف حال بر آنکه کی احوال و موی زاده اگر بیند که چرخ داشت یا کسی بد و او دلیل بود  
که زنی بد نصفت که گفتیم بجا آورد و اگر بیند که چرخ او ضایع و دلیل بود که زنی بد و یا طلاق و بد جابر مغربی گوید اگر بیند که چرخ سفید روشن  
بود و دلیل بود که زنی سمور با امانت و خوب روی بخوابد اگر بیند که چرخ تیره و سیاه بود تا ویش بخلاف این بود و چشم این سرین  
اگر کسی بیند که از جانی محبت لیل بود که از جانی که وارد بجال کرد شود و اگر حسرت دور بود و دلیل بود که سفری دور کند و اگر بیند که چوبی  
یا نوبه در دست داشت و بدان از جانی بجان محبت و دلیل بود بر روی قوی اعتماد کند تا او را مددی دهد و در کاری تا انکار بر او می  
بر آید و اگر بیند که از دیاری فرجست و بر سر تو نشست و دلیل بود که هلاک کرد و اگر بیند که بر بامی جبت و خانه در زیر پایش فرو رفت  
و بر و دلیل بود که زن را و جدا کرد و با پیش می آید و اگر بیند که از زمین به هوا بر جبت و روی بقبل آورد و بعد از آن رخ و زار در حرم وید  
یا و که یار مدینه این جمله دلیل حج کردن بود و اگر بیند که از سرانی مجهول سرانی مجهول جبت دلیل بود که هلاک کرد و اگر بیند که با شکوه  
همی جبت و خلق ہی زد و دلیل بود که کاروی باشد و بود و عیش بروی تباها کرد و اگر بیند که به هوا بر جبت و مرغی را گرفت و دلیل کند  
که زن خود را بگذار و زن دیگر خا و اگر بیند که بچوبی یا بعضی از جانی بجان می جبت و دلیل بود که از ریج و اندیشه بهر و کارش نظام  
چشم این سرین گوید که چشم بچوب و دیدن مرد بینایی بود که بدان راه بدی یا بدو چشم از رزق بدعت بود و چشم شعله افروزند بود  
و اگر بیند که با میاننده است و دلیل بود که از راه بدی کشیده بود یا فرزند وی میر و اگر بیند که چشمش کور شد و دلیل بود که چشمش برون  
رفته بود یا کنایه بزرگ کرده بود و یک دست یا یک پای اندام تن وی یا مصیبتی بوی رسد یا در کاری از آن می کرمانی گوید که  
بیند که چشمش سر کشید و دلیل بود که صلاح دین جوید و اگر بیند که از سر مرده مقصودش زینت و آرایش است دلیل بود که خویشش را با امانت  
و دین دارد و مردمان نماید تا غریز کرد و اگر بیند که کسی سر مرده بوی دا و تا در چشم کشد و دلیل بود که بقدر آن مال یابد و اگر بیند که روشنی  
چشم او ضعیف بود بظاهرو باطن دور وی و منافق بود و اگر بیند که بر تن او چشم بسیار بود و همه چیز را با کمال مسید و دلیل بود  
بر زیادتی صلاح وی در دین و بجای آوردن سنت و فرائض شریعت و اگر کسی بیند که کسی چشم او بر کند و دلیل بود که چیزی که چشم او  
بدان روشن بود از زن و فرزند و سرای و باغ از نظر او غایب کرد و چنانکه دیگر باز نه بیند جابر مغربی گوید اگر بیند که چشم از آتش است  
و دلیل بود که پرده او دریده کرده و اگر بیند که هر دو چشم او آما سیده بودند چنانچه چشم باز نمیشد است کرد و دلیل بود که با مردی مخالفت  
کند و اگر چشم او ضعیف بود و دلیل بود که او را بطاعت کردن زیانی افتد و اگر هر دو چشم خود را کشد و بیند و دلیل بود که از دین شریعت  
بی بهره گردد و اگر بیند که در میان روی او یک چشم است دلیل بود که بر زبان او سخن نماند و در باب دین و اگر بیند که چشمهای او را  
است و مردمان بیند از آنکه او کور است یا شب کور و دلیل بود که باطن او در دین بهتر از ظاهر او بود و اگر بیند که چشم کسی سیاه بود و دلیل  
شد و دلیل بدی و بر کشتن حال او بود و قوله تعالی وَتَحْسَبُ الْحَمِيمِينَ يَوْمَئِذٍ وَفَقَا و اگر بیند که هر دو چشم او سفید شد و دیگر باره



کنند و اگر بیند که با چنانچه چنگ و نامی و قفس بود و دلیل بر غم و اندوه و مصیبت کند چقدر در خواب مروی بود و ناچار عموماً  
 و حرام بود و اگر بیند کسی چندی همی که در دلیل بود که او را با چنین مروی خصوصیت افتد و دیگر همه حال و دیدن چقدر خواب مبارک  
 نباشد که مافی کوید اگر کسی بیند که او را چندی همی شنید و دلیل بود که در اینجا نوحه و شیون بود و بقدر بانگ چقدر و اگر بیند که چقدر بود  
 و دلیل که فرزند او شوم و ناخلف بود و اگر بیند که کوشش چندی همی خورد و دلیل بود که از مال مروی در ناچار بقدر آن چیزی  
 بخورد چقدر این سیرین کوید که چقدر در خواب دلیل غم و اندوه بود و اگر کسی بیند که چقدر همی خورد و دلیل کند که بقدر آن غم و اندوه  
 خورد و اگر بیند که چقدر از خانه بیرون انداخت و دلیل بود که از غم فرج یا در این سیرین کوید که چقدر در خواب منفعت اندک بود و از جهت زمان چقدر  
 پخته هم از زمان منفعت یا در اندکی چک محمد بن سیرین کوید که اگر بیند که چک جره بوی داو یا مهر کرده بیافت دلیل بود که مال  
 و منفعت یا در اگر کسی بیند که کسی بر و چک یا خط و قبالة میوشت و دلیل بود که حجامت کند یا بر مغزی کوید که اگر بیند که چک جرم  
 کرد و داشت مرز و بر گرفت و لیست که در مال و نقصان افتد اگر بیند که چک از وی ضایع شد یا بسوخت دلیل بود که وی  
 ضایع کرد و چکا و کت بفارسی قبره خوانند و تا و بلیش در خواب فرزند یا غلام بود که در خواب بیند که چکا و کت نر گرفت یا کسی بود  
 و او و لیست که غلامش یا فرزندش آید چنانکه اگر چکا و کت نر بود و غلام پسراید و اگر داده بود و غلام را و تخری آید که مافی کوید که چکا و کت  
 در خواب مروی بود شیرین سخن غریب و کم از و چرب زبانی اگر کسی بیند که چکا و کت ویر اعطا و او یا گرفت دلیل بود که با چنین مروی  
 او را صحبت افتد چک این سیرین کوید که چک در خواب مال نهان کرده بود اگر بیند که حکم موم بود و دلیل بود که مال نهان کرده یا بد  
 و هر نه کند اگر بیند که بسیار چک پخته یا بریان کرده او را حاصل کردید یا خام و دلیل کند که کج بیا بد و حکم کا و کو سفند هم دلیل مال  
 و لغت بود و بعضی از متحران کوید که حکم خواب و دیدن دلیل بر فرزندان بود چنانکه رسول فرمود او لا و نا الکا و نا کر مافی کوید  
 که بیرون آمدن حکم پیدا شدن مال نهان بود که پیدا کرد و حکم بسیار اگر پخته یا خام بود و دلیل کند بر یافتن کج و بر علم غیب  
 صادق فرماید که دیدن حکم در خواب بر سه وجه بود اول فرزندان و تویم دوست که بجای فرزند بود و تویم علم اگر بیند که از خانه  
 او حکم بیرون میگردند یا آتش حکم را میسوخت و دلیل بود که پادشاه کج و مال و ستاند و اگر خواب را عالی بیند و دلیل بود که سزا  
 جمله فراموش کند و حجامت و انیال کوید که حجامت کردن در خواب روا شدن حاجت بود خاصه چون بیند که سنی از وی  
 جدا کردید اگر کسی بیند که با کسی جماع کرد و دلیل بود که از آنکس نیکی یا بد و حاجت او را کرد و اگر بیند که کسی با او جماع کرد و دلیل بود که نیکی  
 و تو آنکر کند و اگر بیند که با زن خود حجامت کرد چنانکه زن از بالا بود و مرد از زیر و دلیل کند که زنی دیگر خواهد و از وی خیر و منفعت  
 بیند این سیرین کوید که اگر بیند که با زن خود یا زن دیگر از راهی دیگر حجامت و دلیل که مردی مستعد بود و بر طلب کار ناسزا و در آنکار او  
 مصلحت نباشد و سلت سول از آنجا نثار و اگر بیند که با کسی یا با کسی دیگر حجامت کرد و دلیل بود که حجامت کرد و دلیل بود  
 که شفقت خویشی اندمی بریده کرد و اگر زننده بود یا مرده و دلیل بر غم و اندوه و بعضی از متحران کوید که اگر زننده بود از وی خیر و نیکی  
 بیند باشد که حج اسلام کند اگر بیند که با زن مرده بود و حجامت کرد و دلیل بود که حکمین مستمند که دو و اگر بیند که با زن مرده بیکانه

تجربه

تجربه

تجربه

تجربه

تجربه

تجربه

جماع کرد و دلیل بود که کاری کند که از آن نومید شده باشد تهاجمی نیاید مروه که یکجا نه بود اگر میند که با جان مجهول مجامعت کرد و در آن  
ایشان خصوصت بود و دلیل بود که صحبت آنها در دوازده و خیر و نیکی میند و اگر آن مرده جوان معروف بود و بر وی ظفر یا بد اگر میند که جماع  
با مروی پیر میکرد و دلیل بود که خیر و نیکی از بخت خود میند که مانی که پدر اگر میند که خنثی بد و شیزگی بست و دلیل بود که در آن سال فی خواهر  
یا کتیرگی بخرد و اگر میند که مجرم پادشاه شد و مجامعت کرد و دلیل بود که بر دشمن ظفر یا بد اگر میند که با دوی جماع کرد و همین دلیل میند که کار  
برداشت و بعضی گویند که از پادشاه ترس و بیم بودی رسد و اگر میند که با مرغی مجامعت کرد و دلیل میند که با کسی که بدان مغشوب باشد  
ظفر یا بد اگر میند که با ترسانی یا جهود می یا کبری مجامعت کرد و دلیل بود که کارهای و نیامی او بنظم شود و اگر مروی پیر که بجای  
شهرتش زایل شده بود و خواب میند که شهرتش غالب گردیده است چنانکه در جانی نبود و دلیل میند که در کار و دین نیک راغب بود  
و اگر میند که با زنی نامحار جماع کرد و دلیل میند که طالب دنیا شود و مال حرام و اگر این خواب زنی میند همین تاویل دارد و جاهر خبری  
گوید اگر میند که با شتر جماع کرد و دلیل بود که از سختی برسد و بر دشمن ظفر یا بد و مالش بسیار و نامش بلند گردد و اگر میند که با پادشاه  
جماع کرد و دلیل است که خرم و نزدیکی کرد و اگر میند که با زن پادشاه جماع کرد و دلیل بود که از او منفعت یابد و اگر میند که با زنی حایض مجامعت کرد و دلیل  
که کاش بدو شود و اگر میند که با زن مجامعت کرد که مرده بود و دلیل که کاش بدو دیا با خویشان او پیوند و وصلت کند و اگر از زن زنده بود و از  
خویشان او مفارقت کند بعضی از قهر آن گویند که با زن حایض مجامعت کردن آسایش کارهای دنیا بی بود و همین شفت گوید اگر کسی میند  
که با زن او که کتیرگی بود و مجامعت کرد و دلیل که از پادشاه خیر و منفعت بدو رسد و اگر میند که با مروی معروف جماع کرد و دلیل است که از او خیری بدو رسد  
و اگر میند که با مروی مجهول جماع کرد و دلیل بود که از پادشاه حاجت رود و اگر دو اگر میند که با مروی مرده جماع کرد و دلیل بود که با زنی او دعای یا کتیرگی  
کند و اگر زنی میند که با زنی دیگر جماع کرد و دلیل بود که از او نیکی میند و حاجتش را اگر در خدمت حق بخرد و از او نیکی جماع کردن که از او عسل واجب در دستش  
جملاب این سیرین گوید که جملاب خردن مال جلالت دین پاکت بود اگر کسی میند که او را جملاب داده بخورد و دلیل بود که او را بقدر آن مال حاصل گردد  
و دلیل است بر دین پاکت و اعتقاد درست او و اگر میند که کسی با جملاب داد و دلیل بود که از آنکس خیر و منفعت یابد اگر میند که جملاب  
بخورد و بر زمین ریخت تا ویشن بخلاف این چنانکه اگر کسی میند که جنازه میبرد و دلیل بود که خداوندش را بر چندان مردمان  
که از پس جنازه بودند ایشان را فرمان روا کرد و لکن بر ایشان ظلم کند و اگر میند که او بر دو او را بر جنازه نهاد و او را میبرد و فرمان روا  
جنازه او میرفتند دلیل بود که شرف و بزرگی یابد لکن دین او بفساد بود و با اقوم که از پس او میرفتند او فرمان روا بود و اگر میند که جنازه  
مرده برداشت و میبرد و دلیل بود که بخدمت پادشاه پیوندد و از او خیر و نیکی میند و اگر میند که قومی از پس جنازه او میرفتند و در میان  
و دلیل که مروی بزرگ از آن شهر و سفر میبرد و اگر خویشانش را در جنازه میند که آن جنازه بر زمین چیرفت دلیل میند که بسفر شود و مانی که  
اگر میند که جنازه میبرد و دلیل چنانکه کسی بخورد و دلیل بر نقصان غر و جاه و کاروی کند و اگر میند که مردمان در پس جنازه  
او بودند تا ویشن بخلاف این بود اگر میند که بر جنازه کران بود و دلیل که ستم بر مردمان کند و اگر میند که بر جنازه سبک بود و دلیل بود  
که بر مردمان سبک بار بود و حالش نیکو گردد و اگر میند که از جنازه میفشا و دو پاکسان که او را میبرد و از جنازه میند اخفتد و دلیل بود که از او

نکته

بلا ب

نکته

همیشه و کار او بسته کرد حضرت صادق علیه السلام فرمود که چنانچه در خواب دیدن برسته و چه بود اول بزرگی و تویم ولایت چشم خود جاده و رفت  
جنب بولون اگر بیند که جنب بود و دلیل بود که در حرم آشفته و سرگشته شده باشد و بعضی از معبران گویند که سفر کند و مراد دنیا بیاورد  
و کارش تباها کرد و اگر بیند که خود را از جنب بپوشد و جامه بپوشد دلیل بود که سرانجام از آنجا رسته کرد و در کار بسته کرد و اگر بیند که خود را  
پوشید دلیل بود که کارش بر تمام نکند و یعنی که تمام بر نیاید که مانی که بد اگر کسی در خواب جنب بیند خود را بر سر نه دلیل بود که در کار  
او متحیر و عاجز گردد و اگر بیند که خود را در کربا به پشت و سپرون آمد و جامه پاکیزه در پوشید دلیل بود که بخدا باز گردد و توبه کند چنانچه  
اگر کسی خود را چون مرغان چنگال وار بیند دلیل کند که او را قوه بود در کسب معیشت و دشمنان را قهر کند و اگر بیند که چنگال مرغان در دست داشت  
دلیل بود که بقدر وقت آن مرغ خیر و منفعت بدو در حد حضرت صادق علیه السلام فرمود که چنگال در خواب برسته و چه بود اول قوه و توانایی و کارزار  
و تویم معیشت ستم کس کردن چنگاله در خواب بر دی بود بد کردار و عذاب کننده و چنگاله را باغی سی معلاق خوانند اگر بیند چنگال  
داشت یا کسی بوی داد و دلیل بود که با مردی بدین صفت او را صحبت و دوستی افتد و اگر بیند که چنگاله اندام او را بخت و دلیل بود  
که او را از مردی بد کردار مضرت و زیان رسد و اگر بیند که چنگاله از او ضایع گردد یا به بخشد دلیل بود که از صحبت منی بد کردار جدا گردد  
چنگال زدن ابن سیرین گوید که چنگال زدن در خواب سخن دروغ بود و اگر بیند که چنگال میزد و دلیل سخن باطل و دروغ بود و او را از آن  
غم و اندوه و زیان رسد و اگر بیند که پادشاه او را چنگال داد و دلیل بود که او را از پادشاه عطا و بزرگی رسد و اگر از اهل آن بود و از غم و  
فجیع یا بد و اگر بیند که چنگال را شکست یا بیند که دلیل بود که از دروغ و باطل توبه کند و اگر بیند که کسی چنگال میزد و او را سلام می کرد و دلیل  
بود که شنونده دروغ و باطل بود و بعضی از معبران گویند که چنگال زدن در خواب دلیل بر غم و از بزرگانی که بد اگر کسی بیند که چنگال میزد  
دلیل بود که بزرگترین بزرگ از معبران پیوسته کرد و او را از او غرور و جاه یا به هم حال و بهم سخن روانی و آخر کار از آن رنج و آزار و اگر بیند که چنگال  
و چنگاله و نمانی و نقص هم اینچنین دلیل بود بر غم و مصیبت جابر مغربی گوید اگر کسی در بیماری بیند که چنگال و چنگاله میزد و دلیل بود بر غم  
او چنگال کردن ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که او چنگال کرد با مردمان یا حیوان و دیگر چون هر دو از این صفت با شنیده اند که چنگال  
بود بر دشمنان یا بر جهود و دشمنان ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که او جهود و دشمنان را چنگال کرد و دلیل بود که جهود و دشمنان را چنگال کرد  
و است و او را ابن سیرین گوید اگر بیند که او جهود و دشمنان را چنگال کرد و دلیل بود که جهود و دشمنان را چنگال کرد و دلیل بود که جهود و دشمنان را چنگال کرد  
بیند که از آن کشت و سلمان شد و دلیل که گاهی بزرگ از او در وجود او میسر انجام توبه کند و بسوی حق تعالی باز گردد و اگر خواب بیند که نماز را تمام کرد و دلیل  
یا از کدام قبله نمازی یا دیگر و دلیل بود که سرگشته و متحیر و سرگردان شود و فرمود حضرت صادق علیه السلام فرمود که اگر کسی بیند که جهود و دشمنان را چنگال کرد و دلیل بود که صاحب  
خواب را کاری مشکل پیدا کرد و در مخالفت شریعت سنت یا بد زیرا که جهود و مشق است از زهدی و اگر مغربی را خواب بیند که چنگال  
بود که صاحب خواب را با کارهای دنیا فریفته کرد و وفای بود از کار آخرت جابر گوید اگر جهود و خواب بیند که مسلمان شد  
دلیل بود که زود بمیرد یا مسلمان کرد و جهود که مانی که بد اگر بیند که جهود و مشق است از زهدی و اگر مغربی را خواب بیند که چنگال  
بوی رسد و اگر کسی بیند که جهود و مشق است از زهدی و اگر مغربی را خواب بیند که چنگال

جنب بولون

چنگال

چنگال زدن

چنگال زدن

چنگال زدن

و

و اگر بیند که جو در زمین می‌کشت و دلیل بود که ویرا مال جمع کرده و کاری کند که خدایتعالی از او خوشنود کرد و حضرت صادق علیه السلام فرماید که جو در خواب دیدن مال بود که آسان بدست آید و جو فروش بخواب دیدن مروی بود که دنیا را بر زمین افکند

جوال ووز ابن سیرین گوید که جوال ووز در خواب مروی بود که کارهای مردم بهم پیوند خاصه کارهای کوچک اگر بیند که جوال ووز فرافرت یا کسی بوی داد و دلیل بود که او را با مروی بدین صفت که گفتیم ویرا صحبت افتد و اگر جوال ووز است یا ضایع شد و دلیل بود بر ملاک آنز و جوان شدن ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که جوان کرد و دید و محاسب سفید و سیاه کرد و دلیل بود که فرومایه کرد و اگر جوان مجبول را بیند و دلیل بود که از دشمن خاری بیند و مراوش بر نیاید و اگر بیند که جوانی پیر شده و دلیل بود که هر نقش زیاده کرد و وزنان نیست در این معنی چون مردان باشند جابر مغربی گوید که اگر جوانی در خواب بیند که پیر شود و دلیل بود که علم و ادب آموزد و شرح آن در حرف میم بیان کنیم چوب کرمانی گوید که چوب در خواب دیدن نفاق بود و بعضی از متعبران گویند که چون چوب بیند در خواب مروی بود که در نفاق بود و اگر سیکانه و پد انگس با وی نفاق کند و چوب کج در خواب دیدن تاویل آن چون تاویل چوب راست بود و اگر چوب کج بود که سوختن را شاید مرد منافق و دروغ زن بود و اگر چوب ابن سیرین گوید که چوب در خواب خامی بود و از شمار زنان اگر بیند که چوب از آب بر شیم یا از لیسان پوشیده بود دلیل بود که او را خامی بود و اصلی و از او بر خور و اگر بیند که چوب آب شین یا نقشین داشت دلیل بود که کثیری خبر می بخرد و یا زنی با جمال بخاورد و اگر بیند که چوب زرد داشت دلیل که او را خامی بجا کون پیدا کرد و اگر بیند که چوب آب و سرخ بود و دلیل بود که او را خامی شوخ بشیرم بود و اگر بیند که چوب آب و سیاه بود و اگر بیند که صلح بود و نیکو بود و اگر مفسد بود و بد بود اگر بیند که چوب آبش طعن و چرکن بود و دلیل بود که خادش را بیضاوی مسمم کنند و اگر بیند که چوب آبش ضایع شد یا سوخت و دلیل بود بر مرکب خادوم و بعضی از متعبران گویند که چوب در خواب مال و خواسته بود و اگر چوب ابوی دید و دلیل بود که زکوة مال بدید و اگر بوی چوب آبنا خوش بود و دلیل که زکوة مال نه در زبان مردم بروی دراز کرد و کرمانی گوید اگر بیند که چوب آب و از پست بود و به بیند که از کدام پست است اگر پستتر بود و دلیل بود که خادوم او بزرگ همت و اصل بزرگ بود و اگر از پست کوسفند بود و دلیل بود که خادوم او از مردم عامه بود و اگر از پست است پس بود و دلیل بود که خادش از اصل مترو و سپاهیان بود و اگر بیند که از پست نخیر بود خادوم او از مردم سیابانی بود جابر مغربی گوید اگر بیند که چوب در پای داشت دلیل بود که مال نگاه دارد اگر بیند که چوب آب خنید پاکیزه در پای داشت دلیل بود که زکوة مال داده بود و حضرت صادق علیه السلام فرماید که چوب آب بی مال مرد بود و اگر مال زکوة بود و اگر بیند که از چوب آب و بوی خوش می آمد دلیل بود که در مرکب و زندگانی او را شاد کند و اگر بوی ناخوش کن او را طاعت و فقرین کند و اگر بیند که چوب آب و ضایع شد و دلیل بود که زکوة ندید و مال و ضایع کرد و خوشنود محمد بن سیرین گوید که پوشیدن چوب در خواب پست و پناه بود و بقدر روشنی و پاکیزگی آن و اگر بیند که چوبش داشت و لیست که او را بسیار و این شوند از دشمنان و اگر بیند که چوبش پوشیده داشت دلیل بود بر حصار تن و از شر دشمنان که بروی ظفر نیاید









که بانی رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که اوراق کتاب حکمت میخورد و دلیل که علم حکمت بسیار خواند و اگر می بیند که اوراق می بیند  
دلیل که بیند خواب نماز نگذار و اگر بیند که کتاب حکمت میخواند و او می شنید دلیل که علم خواند حلاج ابن سیرین رحمه الله علیه  
علیه گوید که حلاج در خواب مروی توی بود که کارهای مردم بردست وی کشاده کرد و اگر بیند که حلاجی میکرد و دلیل که با  
مرویی چنین که گفتیم او را صحبت افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید حلاجی در خواب برود و وجه بود یکی منفعت و تویم کشاید  
حکایت آنکه زده بود در خواب دیدن وی بهمه حال غم و اندوه بود و حلاجی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید حلاجی در خواب با  
بود که بر دست پادشاه گذاشته بود و حرام گشته جعفر صادق رضی الله عنه گوید حلاجی در خواب با مال بسیار بود و درین خالص  
و یک لقمه از حلاجی بود که بفرزند و هر یک لقمه از زینب نیکو بود و حلاجی یک سفر با و ام یا منفر جز در و باشد منفعت بود که با  
رسد از مروی چنین سفری رحمه الله علیه گوید حلاجی در خواب دلیل که بقدر آنکه حلال در روزی حلال یا بد و اگر بیند که در وی  
از عفران بود بهتر بود و حلاجی فروش در خواب مروی شیرین سخن بود و حلاجی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید حلاجی در خواب  
خداوند چاه و خطر بود و اگر بیند که بر پشت باری سبک داشت و آن بار کثرت او بود و دلیل که بقدر آن که با را در راحت و خیر و منفعت  
رسد و اگر بیند که آن بار بر پشت داشت چنان بود که او را از آن بار که نذر میرسد و دلیل که کما یسار و عاهی شود و قوله تعالی حلاجی  
از ارجم کارنامه یوم القیمه سفری رحمه الله علیه گوید اگر بیند که حلاجی از بر دیگران میگرد و دلیل که با خلق خدای خیر و حسن  
کنده و اگر بیند که حلاجی میکرد و مزد میگرفت تا ویش غم و اندوه بود و حلاجی بانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که بر دست و پای  
حنا نهاده و دلیل که خوشی با بیاید و لیکن در وین که است بود و بعضی معبران گویند که حال خوشی آن از و پوشیده ماند  
و اگر این خواب کس دیگر بیند که او را حنا بستن نشاید و دلیل که غم نوی رسد و زود فرج یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید  
حنا بستن در خواب بر سر و وجه بود یکی آرایش خنیش آن و دم ستر اهل بیت سوم غم و اندوه و حنوط بودی خوش باشد که بر مرده کنند  
ابن سیرین رح گوید اگر بیند که حنوط بر وی پراکنند و دلیل که تا یبگرد و در و درینا حنوطی باشد و اگر بخواب کسی مصیبت پیدا غم  
و اندوه فرج یا بد و اندر ترس این کرد و کمالی رح گوید که حنوط خوشبو شدن ستایش مردم بود و با خطر مجبه آنکه بعضی از معبران گویند  
که نیکو می بود بر اهل و میت بر انداز حنوط خوش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید حنوط خوش در خواب علم و دانش بود و اگر بیند در  
حوض آب پاک صافی خورد و دلیل که بقدر آن از علم بهره یابد و اگر بیند که خورا آب حوض شست و دلیل که توفیق طاعت یابد و از عصبان  
باز آید و اگر بیند که آب حوض همه خورد و دلیل که عمر سلامت گذرانده و مالش زیاده شود و کمالی رح گوید اگر بیند که جامه خود را در  
بشت و دلیل که اهل بیت او توبه کنند و بر اهل دین در آید و اگر بیند که جامه در حوضی شست و پیدای در زیر آب ظاهر شد و دلیل که بعد از  
بختند و اگر بیند که بخناره حوض سبز رسته بود و دلیل که از علم خود منفعت گیرد و مردم از علم وی منفعت یابند خاصه که حوض کثرت او بود  
و اگر بیند که آب حوض زیاده شد بی آنکه از جانی در حوض آب آید و دلیل که مال علم وی بقدر آن زیادت گردد و اگر بیند که آب حوض نبرد  
و تلخ بود و دلیل بر غم و اندوه بود و سفری رحمه الله علیه گوید اگر بیند که آب حوض میخورد و دلیل که مال یا بد از مروی لاکر و حاجت وی محو

حلاجی بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که اوراق کتاب حکمت میخورد و دلیل که علم حکمت بسیار خواند و اگر می بیند که اوراق می بیند  
دلیل که بیند خواب نماز نگذار و اگر بیند که کتاب حکمت میخواند و او می شنید دلیل که علم خواند حلاجی ابن سیرین رحمه الله علیه  
علیه گوید که حلاجی در خواب مروی توی بود که کارهای مردم بردست وی کشاده کرد و اگر بیند که حلاجی میکرد و دلیل که با  
مرویی چنین که گفتیم او را صحبت افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید حلاجی در خواب برود و وجه بود یکی منفعت و تویم کشاید  
حکایت آنکه زده بود در خواب دیدن وی بهمه حال غم و اندوه بود و حلاجی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید حلاجی در خواب با  
بود که بر دست پادشاه گذاشته بود و حرام گشته جعفر صادق رضی الله عنه گوید حلاجی در خواب با مال بسیار بود و درین خالص  
و یک لقمه از حلاجی بود که بفرزند و هر یک لقمه از زینب نیکو بود و حلاجی یک سفر با و ام یا منفر جز در و باشد منفعت بود که با  
رسد از مروی چنین سفری رحمه الله علیه گوید حلاجی در خواب دلیل که بقدر آنکه حلال در روزی حلال یا بد و اگر بیند که در وی  
از عفران بود بهتر بود و حلاجی فروش در خواب مروی شیرین سخن بود و حلاجی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید حلاجی در خواب  
خداوند چاه و خطر بود و اگر بیند که بر پشت باری سبک داشت و آن بار کثرت او بود و دلیل که بقدر آن که با را در راحت و خیر و منفعت  
رسد و اگر بیند که آن بار بر پشت داشت چنان بود که او را از آن بار که نذر میرسد و دلیل که کما یسار و عاهی شود و قوله تعالی حلاجی  
از ارجم کارنامه یوم القیمه سفری رحمه الله علیه گوید اگر بیند که حلاجی از بر دیگران میگرد و دلیل که با خلق خدای خیر و حسن  
کنده و اگر بیند که حلاجی میکرد و مزد میگرفت تا ویش غم و اندوه بود و حلاجی بانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که بر دست و پای  
حنا نهاده و دلیل که خوشی با بیاید و لیکن در وین که است بود و بعضی معبران گویند که حال خوشی آن از و پوشیده ماند  
و اگر این خواب کس دیگر بیند که او را حنا بستن نشاید و دلیل که غم نوی رسد و زود فرج یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید  
حنا بستن در خواب بر سر و وجه بود یکی آرایش خنیش آن و دم ستر اهل بیت سوم غم و اندوه و حنوط بودی خوش باشد که بر مرده کنند  
ابن سیرین رح گوید اگر بیند که حنوط بر وی پراکنند و دلیل که تا یبگرد و در و درینا حنوطی باشد و اگر بخواب کسی مصیبت پیدا غم  
و اندوه فرج یا بد و اندر ترس این کرد و کمالی رح گوید که حنوط خوشبو شدن ستایش مردم بود و با خطر مجبه آنکه بعضی از معبران گویند  
که نیکو می بود بر اهل و میت بر انداز حنوط خوش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید حنوط خوش در خواب علم و دانش بود و اگر بیند در  
حوض آب پاک صافی خورد و دلیل که بقدر آن از علم بهره یابد و اگر بیند که خورا آب حوض شست و دلیل که توفیق طاعت یابد و از عصبان  
باز آید و اگر بیند که آب حوض همه خورد و دلیل که عمر سلامت گذرانده و مالش زیاده شود و کمالی رح گوید اگر بیند که جامه خود را در  
بشت و دلیل که اهل بیت او توبه کنند و بر اهل دین در آید و اگر بیند که جامه در حوضی شست و پیدای در زیر آب ظاهر شد و دلیل که بعد از  
بختند و اگر بیند که بخناره حوض سبز رسته بود و دلیل که از علم خود منفعت گیرد و مردم از علم وی منفعت یابند خاصه که حوض کثرت او بود  
و اگر بیند که آب حوض زیاده شد بی آنکه از جانی در حوض آب آید و دلیل که مال علم وی بقدر آن زیادت گردد و اگر بیند که آب حوض نبرد  
و تلخ بود و دلیل بر غم و اندوه بود و سفری رحمه الله علیه گوید اگر بیند که آب حوض میخورد و دلیل که مال یا بد از مروی لاکر و حاجت وی محو

بود جعفر صادق رضی الله عنه که دیدن عرض در خواب بر چهار وجه بود یکی مردی با نفعت و دیگر مردی تو اگر سوّم مال جمع کردن چنان  
 عالمی که مردم از علم وی نفع یابند عرض کوثر این سیرین رح که دید اگر خواب بیند که قیمت برخواست و خلق را بنزدیک عرض کوثر طلب  
 میکرد و ندلیل که پادشاهی پیدا شود که میان خلق عدل و داد پیدا کند و اگر خواب بیند که از عرض کوثر یک جام آب خورد و دلیل که مرگ  
 وی برسد یا نبود و اگر بیند که سیرین عرض کوثر میگشت و آب میخواست و او را آب نداد و ندلیل که دشمن یا از پیغمبر صلی الله علیه و سلم  
 اگر بیند که پیغمبر صلی الله علیه و سلم او را از عرض کوثر آب داد و بخورد و دلیل که از شفاعت پیغمبر صلی الله علیه و سلم بهره یابد اگر تانی رحمة الله علیه که اگر  
 بیند که نام وی بر عرض کوثر نوشته بود و جامی بسند و آب میخورد و دلیل که او را با عالمی محبت افتد و از وی منفعت و وجهانی یابد و مغربی رحمة  
 علیه که دید اگر بیند که از عرض کوثر آب میخورد و آب تیره بود و دلیل که بیننده خواب منافق بود و او را از قرآن و اخبار نصیب نبود و اگر خواب بیند  
 که عرض کوثر بر آن صفت بود که در اخبار آمده است و او را جمله آب کوثر بخورد و دلیل که او را نزد باری سبحانه و تعالی قدری و محلی باشد  
 و از جمله بزرگان دین گردد و حیض ابن سیرین رحمه الله علیه که دید حیض در خواب مرد را زنا بقاء باشد و در معیشت و زنا را زیادتی مال اگر بیند  
 که جایض شد دلیل بر فساد و حرام باشد و معتبران گویند اگر خواب بیند که جایض شد دلیل بر آنده و سختی بود و اگر زنی بیند که جایض  
 شد و دلیل که بقدر خون حیض مال حرام حاصل کند و اگر مردی بیند که زنی جایض شد دلیل که کار دنیا بر وی بسته شود و اگر بیند که صاحب  
 خواب ستور بود و دلیل که در دین مخیر گردد و اگر بیند که زنی حیض پاک شد غسل کرد و دلیل که کارهای دنیا وی بر وی کشاده گردد و او اند  
 اعلم حرف الخاء خالج ابن سیرین رح که دید اگر بیند که خالج بخیر بدی کسی بودی داد و دلیل که در دین وی غلبه باشد و میشلش کافران  
 بود و اگر بیند که خالج در گردن داشت و دلیل که اتفاقش ناویرست بود و اگر بیند که خالج میسر سید دلیل که در ذات خداوند نکاشته  
 گردد و اگر بیند که خالج بدو داد و او را شکست یا از خانه بیرون انداخت و دلیل که دین اسلام در وی محکم استوار گردد و کافران دشمن  
 گردد و اگر بیند که خالج را بوسه داد و عزیز داشت بخلاف این بود و خالج در خواب و ام بود و اگر بیند که خاری در اندام او شد یا کسی خاری  
 بوی زد و دلیل که از کسی و امی مبتلا ند و بقدر بوی خارا زوی سخن تلخ نشود و اگر بیند که او خارا در اندام کسی زد و دلیل که او کسی را و ام دهر  
 و سخن تلخ انگس را گوید که تانی رحمة الله علیه که دید اگر بیند که خا بسیار داشت و پایش را از آن خا نازد میسر سید دلیل که مردم دار شود  
 و عاقبت و ام تا بگذارد جعفر صادق رضی الله عنه که دید خا در خواب بر سه وجه بود یکی و ام و دوم دشنام سوم دشواری کار و آشکارا  
 جابر مغربی رحمه الله علیه که دید خا ریش در خواب دشمنی زشت دیدار بود و اگر بیند که خا ریش را بجست و دلیل که دشمن را قهر کند و اگر  
 بیند که زشت خا ریش بخورد و دلیل که به قدر آن مال دشمن میخورد و اگر بیند که خا ریش را در آب بکشد و دلیل که او را از دشمن مضرت رسد  
 خاص چون بیند که از آن زخم خون میرفت خا ریش تن ابن سیرین رحمه الله علیه که دید اگر خواب بیند که خا ریش تن پدید آمد دلیل که  
 طلب خویشان کند و از بصر ایشان غم و اندوه خورد و اگر تانی رحمة الله علیه که دید خا ریش انعام و دلیل بر جستن احوال خویشان و این  
 و غم و رنج کشیدن از ایشان باشد جعفر صادق رضی الله عنه که دید خا ریش تن اگر رخت و دوا را از خویشان مضرت رسد خا شاک  
 ابن سیرین رحمه الله علیه که دید خا شاک بخواب دیدن مال و نفعت بود و مردم عامه اگر بیند که خا شاک در خانه ایشان بسیار بود

خواب بیند که مرگ  
 وی برسد یا نبود

خواب بیند که در دین  
 مخیر گردد

خواب بیند که خالج  
 بخیر بدی کسی بودی

خواب بیند که خا  
 بسیار داشت و پایش را از آن خا نازد

و در میان خاشاک مقیم شد دلیل که بقدر آن اورا مال لغت حاصل شود و اگر میند که خاشاک اورا با و بر دیا بانش بسخت دلیل که با و  
مال و یا بستاند و اگر میند که خاشاک در زیر دیکت یا زیر تنوین و سخت دلیل که مال خود هر چند کند و اگر میند که خاشاک انحصاری آورد و  
بخانه میبرد دلیل که بقدر آن مال از سفر حاصل کند و اگر میند که در شهری یا در کوچه یا در خاشاک می آورد دلیل که مردم آن شهر را بقدر آن  
بیزخیر و منفعت رسد خاشاک ابن سیرین رحمه الله علیه که در خاشاک و در خواب و بدین اندک و بسیار درم بود و اگر میند که در خانه او خاشاک  
دلیل که بقدر آن خاشاک درم یا بدوی پنج بوی رسد و اگر میند که بر خاشاک میرفت یا خاشاک میخورد یا خاشاک جمع میکرد یا خاشاک بر سر داشت یا خاشاک  
دلیل بر مال بود که مانی رحمه الله علیه که اگر میند که خاشاک خانه نمیکشید و در بیرون خانه پراکنده میکرد و دلیل که مال خود تلف کند و اگر میند که خاشاک  
می افشانند و دلیل که بقدر آن مالش ضایع شود و معتبران گویند که از مال تنی دست باشد جعفر صادق رضی الله عنه که در خاشاک و در خواب و در سجده  
یکی مال دوم منفعت سوم شغل چهارم فایده اقبال پادشاه پنجم فایده اقبال رئیس خاشاک ابن سیرین رحمه الله علیه که در خاشاک و در  
مال باطل بود و اقبال سلطان که بر کسی باقی نباشد و معتبران گویند که علمی حاصل کند که در وی خیر و منفعت نباشد جعفر صادق رضی الله  
عنه که در خاشاک و در خواب بر نه و وجه بود یکی علم ناپذیرفته دوم مال حرام سوم کار باطل چهارم خصومت پنجم فتنه ششم مکر و حیلت  
هفتم حسرت هشتم پشیمانی نهم کاریکه در آن خیر نبود و قوله تعالی **مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا يَبْرَأ كَلِمًا تَتْلُو بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ مِنْ كَلِمَتِهِمْ إِلَّا ظَنًّا** و این است  
بهر آنچه می بینی تو هم عاصف خامه قلم باشد و اگر میند که قلمی را گرفت یا کسی بوی داد و دلیل که علم حاصل کند و کارش را به دست  
و مرادش بر آید و اگر میند که بقلم چیزی می نوشت اگر آن نوشته خیر بود و دلیل بر نیکی کند و اگر شر بود و دلیل بر بسا و کند و اگر میند که بد  
قلم می نوشت و دلیل که فاسبی که در سفر دارد زود باز آید که مانی رحمه الله علیه که در کسی در دست خود قلم نشستن بنید اگر از اهل علم بود  
و دلیل که با علما و صحابه صحبت دارد و اگر میند که بقلم چیزی می نوشت و میخواند دلیل بر مکر وی بود و قوله تعالی **أَفَرَأَيْتُمْ كَيْفَ يَكْفُلُونَ**  
**بِقِسْمِ الْيَوْمِ عَلَى كَثِيرٍ** و اگر آنچه نوشت موافق کتاب اهل سنت و جماعت بود و دلیل که عز و جاه یا بد و اگر میند که قلم در دست وی  
نشست اگر عالم بود و دلیل که هر متنی که شود و کارش بی رونق گردد و اگر میند که بقلم شکسته می نوشت و اگر آنچه نوشت از شمار جاه و  
بود یا از شمار پرندگان تاویل آن بگوید هر صورت و طبع وی باشد جعفر صادق رضی الله عنه که در قلم در خواب بر منفعت وجه  
یکی حکمت دوم فرمان سوم علم چهارم فرهنگ پنجم ولایت ششم راست شدن چیزها هفتم کام و مراد خانه ابن سیرین رحمه الله  
علیه که در خانه مرد را در خواب زن بود اگر بخواب میند که خانه با ستونهای بر داشت و دلیل که زنی خواهد با مروت و کرم بود و اگر میند که  
خانه نشود دلیل که زن توانگر خواهد و توانگر شود و اگر میند که خانه مفرد بچ اندوده بود و ندانست که آن خانه از آن کیست دلیل که صاحب  
آن خانه از دنیا برود و اگر میند که در خانه که نمیده بود و در آن خانه خلق کرده بود و آن خانه بختیهای دیگر پیوسته و دلیل که از بخت و بختی  
رسته گردد و اگر میند که در خانه خود شکست دلیل که مال بر نیند و اگر میند که خانه وی از آن بزرگتر شد که بود و دلیل  
مال و نعمت بروی فراخ گردد و اگر بخلاف این بود و دلیل که مال و نعمت بروی تنگ گردد که مانی رحمه الله علیه که در میند که خانه او  
بسیافت و یا در خانه دلیل که مال بسیار بوی رسد و اگر میند که خانه وی بی سببی خراب شد و دلیل که مال و درش حاصل شود و اگر میند که خانه

و در میان خاشاک مقیم شد دلیل که بقدر آن اورا مال لغت حاصل شود و اگر میند که خاشاک اورا با و بر دیا بانش بسخت دلیل که با و  
مال و یا بستاند و اگر میند که خاشاک در زیر دیکت یا زیر تنوین و سخت دلیل که مال خود هر چند کند و اگر میند که خاشاک انحصاری آورد و  
بخانه میبرد دلیل که بقدر آن مال از سفر حاصل کند و اگر میند که در شهری یا در کوچه یا در خاشاک می آورد دلیل که مردم آن شهر را بقدر آن  
بیزخیر و منفعت رسد خاشاک ابن سیرین رحمه الله علیه که در خاشاک و در خواب و بدین اندک و بسیار درم بود و اگر میند که در خانه او خاشاک  
دلیل که بقدر آن خاشاک درم یا بدوی پنج بوی رسد و اگر میند که بر خاشاک میرفت یا خاشاک میخورد یا خاشاک جمع میکرد یا خاشاک بر سر داشت یا خاشاک  
دلیل بر مال بود که مانی رحمه الله علیه که اگر میند که خاشاک خانه نمیکشید و در بیرون خانه پراکنده میکرد و دلیل که مال خود تلف کند و اگر میند که خاشاک  
می افشانند و دلیل که بقدر آن مالش ضایع شود و معتبران گویند که از مال تنی دست باشد جعفر صادق رضی الله عنه که در خاشاک و در خواب و در سجده  
یکی مال دوم منفعت سوم شغل چهارم فایده اقبال پادشاه پنجم فایده اقبال رئیس خاشاک ابن سیرین رحمه الله علیه که در خاشاک و در  
مال باطل بود و اقبال سلطان که بر کسی باقی نباشد و معتبران گویند که علمی حاصل کند که در وی خیر و منفعت نباشد جعفر صادق رضی الله  
عنه که در خاشاک و در خواب بر نه و وجه بود یکی علم ناپذیرفته دوم مال حرام سوم کار باطل چهارم خصومت پنجم فتنه ششم مکر و حیلت  
هفتم حسرت هشتم پشیمانی نهم کاریکه در آن خیر نبود و قوله تعالی **مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا يَبْرَأ كَلِمًا تَتْلُو بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ مِنْ كَلِمَتِهِمْ إِلَّا ظَنًّا** و این است  
بهر آنچه می بینی تو هم عاصف خامه قلم باشد و اگر میند که قلمی را گرفت یا کسی بوی داد و دلیل که علم حاصل کند و کارش را به دست  
و مرادش بر آید و اگر میند که بقلم چیزی می نوشت اگر آن نوشته خیر بود و دلیل بر نیکی کند و اگر شر بود و دلیل بر بسا و کند و اگر میند که بد  
قلم می نوشت و دلیل که فاسبی که در سفر دارد زود باز آید که مانی رحمه الله علیه که در کسی در دست خود قلم نشستن بنید اگر از اهل علم بود  
و دلیل که با علما و صحابه صحبت دارد و اگر میند که بقلم چیزی می نوشت و میخواند دلیل بر مکر وی بود و قوله تعالی **أَفَرَأَيْتُمْ كَيْفَ يَكْفُلُونَ**  
**بِقِسْمِ الْيَوْمِ عَلَى كَثِيرٍ** و اگر آنچه نوشت موافق کتاب اهل سنت و جماعت بود و دلیل که عز و جاه یا بد و اگر میند که قلم در دست وی  
نشست اگر عالم بود و دلیل که هر متنی که شود و کارش بی رونق گردد و اگر میند که بقلم شکسته می نوشت و اگر آنچه نوشت از شمار جاه و  
بود یا از شمار پرندگان تاویل آن بگوید هر صورت و طبع وی باشد جعفر صادق رضی الله عنه که در قلم در خواب بر منفعت وجه  
یکی حکمت دوم فرمان سوم علم چهارم فرهنگ پنجم ولایت ششم راست شدن چیزها هفتم کام و مراد خانه ابن سیرین رحمه الله  
علیه که در خانه مرد را در خواب زن بود اگر بخواب میند که خانه با ستونهای بر داشت و دلیل که زنی خواهد با مروت و کرم بود و اگر میند که  
خانه نشود دلیل که زن توانگر خواهد و توانگر شود و اگر میند که خانه مفرد بچ اندوده بود و ندانست که آن خانه از آن کیست دلیل که صاحب  
آن خانه از دنیا برود و اگر میند که در خانه که نمیده بود و در آن خانه خلق کرده بود و آن خانه بختیهای دیگر پیوسته و دلیل که از بخت و بختی  
رسته گردد و اگر میند که در خانه خود شکست دلیل که مال بر نیند و اگر میند که خانه وی از آن بزرگتر شد که بود و دلیل  
مال و نعمت بروی فراخ گردد و اگر بخلاف این بود و دلیل که مال و نعمت بروی تنگ گردد که مانی رحمه الله علیه که در میند که خانه او  
بسیافت و یا در خانه دلیل که مال بسیار بوی رسد و اگر میند که خانه وی بی سببی خراب شد و دلیل که مال و درش حاصل شود و اگر میند که خانه



خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

مرا و یافتن دوم زن خوشن سوسم کثیر خرمین چندان فرزند آوردن خسته کردن ابن سیرین رحمه الله علیه  
اگر خواب ببیند که خیره کرد و لیل که غمگین شود و در عمل مغرور گردد و اگر ببیند که کسی را خسته کرد و لیل بر غم و اندوه بود و بعضی از  
مستحبران که بیدار نگذاشتی بود و خسته کردن ابن سیرین را که دید اگر خواب ببیند که خسته کرد و لیل که سنتی بجای آورد که او  
یا که گردانده از گناهان و اگر ببیند که بهنگام خسته خون از وی روان شد و لیل که در آن سنت ثابت بود و از گناهان توان  
کنند و اگر ببیند که چون خسته کرد و نظر خسته داشت و لیل که غم و اندوه و بر بسیار رسد که آنی که گوید اگر ببیند که او خسته کرد و لیل که از گناهان پاک گردد و اگر  
مکروه باشد و لیل که راه مسلمانی و سنت پس پشت انداخته باشد لیکن مالش زیادت شود و جعفر صادق رضی الله عنه گویند که خسته  
کردن در خواب بر پنج وجه بود یکی سنت بجای آوردن دوم فرزند سوسم نیکوئی چندان ریش خج جانی از زن و فرزند خرمین  
بن سیرین رحمه الله علیه که بد خرمین در خواب بیماری بود و سوسم سیرین عافیت و منفعت بود و چون بوقت خود ببیند و خرمین خود  
نیکوتر از بزرگ بود که آنی رحمه الله علیه که بد خرمین در خواب لیل بر زوال غم و اندوه بود و اگر ببیند که خرمین بسیار پیش می  
هناده بود و لیل که بانه می گرفتار کرد و مغربی که بد خرمین در خواب چون بوقت خود ببیند زنی بود و با منفعت بسیار عیش  
خوش جعفر صادق رضی الله عنه که بد خرمین در خواب بر پنج وجه بود یکی بیماری دوم زن سوسم غلام چهارم منفعت جسم  
عیش خرمین خاصه که چون خرمین بود و خرمین در خواب لیل بر مرد و دین همت بود و اگر ببیند که خرمین گرفت و لیل که با کسی  
همت بد خرمی مصاحب کرد و واندک مایه از وی نفع یابد و اگر ببیند که خرمین را بکشت یا دور انداخت و لیل که از بد خرمی دور  
همت جدا کرد و اگر ببیند که گوشت خرمین می خورد و لیل که بقدر آن مال حاصل کند که آنی که گوید اگر ببیند که خرمین داشت  
و لیل که دوستی با مردی خوش طبع کند و خوشخوئی باشد که از وی نیکی باشد خرمین لیل علیه السلام گوید خرمین در خواب دیدن بخت  
و بزرگی بود و نیکی و بدی خرمین در خواب باز کرد و اگر ببیند که خرمی ملک وی شد یا در وثاق وی آمد و او خرمی گرفت و  
و لیل که در خیر بروی کشاده شود و از غم رسته گردد و اگر خرمین بسیار ببیند لیل که نعمت مال او زیاده کرد و بهترین خرمی که خواب  
ببیند آنست که مطیع او بود و ابن سیرین را که گوید اگر ببیند که بر خرمی سایه نشسته بود و لیل که بهترین و بزرگی یابد و اگر ببیند که  
خرمیه نشست و لیل که غوغا باشد پیغمبر و اگر ببیند که بر خرمی نشست و لیل که عابد و زاهد گردد و اگر ببیند که بر خرمی  
نشست و لیل که عیش و عشرت بود و اگر ببیند که بر خرمی زدن نشست و لیل که بیمار گردد و اگر ببیند که بر خرمی نشست و لیل که خرمی  
و اگر ببیند که گوشت خرمین خورد و لیل که از تجارت مال بدست آورد و اگر ببیند که خرمین در جنت و گوشت و خرمین در جنت و گوشت و خرمین در جنت  
نشست و خرمین و لیل که او بر وی بمیرد و اگر ببیند که از خرمین سیفیت و لیل که در ویش و سنگ عیش شود و اگر ببیند که از  
خرمیه ملک او نبود و سیفیت و لیل که از کسی مضرت و زیان یابد و اگر ببیند که از خرمین فرود آمد و دیگری بر خرمین نشست و لیل که مال خود را  
نفته کند و اگر ببیند که از بهر کاری از خرمین فرود آمد و لیل که گامی و حاجتی که طلب کند و در میان او که آنی که گوید اگر ببیند که  
شیر خرمین و لیل که بیمار شود و دود و شفا یابد و اگر ببیند که خرمی خرید و بهای او اندا و لیل که حاجتی یا بد بسبب سختی که با او

ببیند

گوید و اگر بینه که خرویش یک چشم داشت یا چشمش ضعیف بود و دلیل که بدشواری طلب معیشت بود و اگر بینه که خرویش داشت و آن  
بر چشم نداشت دلیل که مالیکه وار و ضایع نشود و اگر بینه که دست و پایی خرویش بسیار بود و دراز شد و دلیل که او را هیچ بسیار شد  
و اگر بینه که خرویش بر دو او بر خرویش دیگر نشست یا خرمیکه داشت بغرض خرویش دیگر بخرد و دلیل که معیشت وی از حالی  
بجالی گرد و اگر بینه که خرویش هشت شد و دلیل که معیشت وی از سلطان بود ولیکن به ظلم و اگر بینه که خرویش گوسفند شد و دلیل که مال  
حلال یا بد و اگر بینه که خرویش مرغی شد و دلیل که معیشت وی از چیزی باشد که بدان مرغ منسوب بود و اگر بینه که خرویش وزر بود  
و دلیل که زن وی بغنا و شهوت یابد و کار او با زن بفرار انجامد و اگر بینه که خرویش قوی و توانا بود و دلیل که کار و کسب و نیابرد  
آسان گردد و اگر بینه که کسب و نیابردی تنگ شود و دشوار گردد و اگر بینه که بر خرویش واری بار نهاد  
و او بالای بار نشسته بود و دلیل که توانگر گردد و اگر بینه که با خرویش مجامعت و دلیل که مراد مای خود بیاورد و اگر بینه که خراب بر پشت  
بگرفت و از آب میگذرانید و دلیل بر قوت حال و بزرگی برکت و اقبال بود و اگر بینه که خرویش بانگ کرد و دلیل که نیکو نباشد قول  
این انگار که **لَا صَوَابَ لِحُكْمِهِمْ** یعنی خرویشی که بد و اگر بینه که بر خرویش نشسته بود و آن خرویش را بانگ میکرد و دلیل که عیالش سخت  
باشد و اگر بینه که خرویش داشت و با خرویش دیگر بدل میکرد و از خرویش بدتر بود و دلیل که حالش بدتر گردد و اگر خرویش بهتر بود و حالش نیکو شود  
و مالش زیاده شود و اگر بینه که خرویش با سبب **لَا تَسْمَعُ** بدل کرد و دلیل که از پادشاه مال و منفعت یابد و اگر بینه که با دوی بدل کرد  
و دلیل که از پادشاه تنگتر چیزی بوی رسد و اگر بینه که خرویش با مرغی بدل کرد و دلیل که بقدر وقت مرغ چیزی بوی رسد جعفر صادق  
گوید که دیدن خرد خواب بر زده و بید بود یکی بخت و دم دولت سوم فرمان روائی چهارم ریاست پنجم مال ششم زن یکینک  
هفتم شاهی هشتم قبال نهم بزرگوار و دهم مرتب و خزینه و خواب دیدن خداوند ولایت و تدبیر بود و راست کنند کار  
و احتیاج دارند و معیشت خرد کور این سیرین که بد و اگر بینه که خرویش بوی رسید و دلیل که غنیمتی بوی رسد و اگر بینه که خرویش  
بود و آن خرویش را طبع او بود و دلیل که عاصی و گنهگار بود و اگر بینه که خرویش را بوی جنگ و بنزد و دلیل که بر خرویش کار و بختی بود که بوی  
رسد و اگر بینه که خرویش را بگرفت و دلیل که بر خرویش منفعت بود و اگر بینه که و خرویش را با هم جنگ میکردند و دلیل که دو مرد فاق از هم جدا  
بیاهند و اگر بینه که خرویش را بخانه آورد و دلیل که فاقی را بخانه آورد و کافای رحمة الله علیه گوید دیدن خرویش در خواب مرد  
مردی جاهل حق بود و او را علم و خرد نباشد و الله تعالی **كَا لَا اَعْلَمُكَ كَا لَا اَعْلَمُكَ** اگر بینه که گوشت خرویش را پسندید  
مال بسیار یابد و اگر بینه که بر خرویش نشسته بود و بیفتا و دلیل که کاری طلب کند و نیابد و اگر بینه که بر خرویش نایبنا نشسته بود و دلیل  
مالی بی اندازه یابد و مغربی رحمة الله علیه گوید دیدن پوست و گوشت خرویش در خواب غنیمت و مال بود و خرد و جاه اگر بینه که مغر خرویش  
یافت و دلیل که هزار دم یابد و او را بهترین صحبت افتد و از خیر و منفعت بیند و اگر بینه که سر خرویش خورد و دلیل که عبادت بسیار میکند  
و راه دین درازد و اگر بینه که خرویش را میگردانید و دلیل که از مسلمانان مفارقت جوید و خرد و دل این سیرین رحمة الله علیه که بخرد و خرد  
و دلیل که برانده و اندیشه باشد و اگر بینه که خرد و دلیل که نقصان مال بود یا برنج و بسیاری گرفتار شود و مغربی رحمة الله علیه گوید خرد

و اگر بینه که خرویش را میگردانید و دلیل که از مسلمانان مفارقت جوید و خرد و دل این سیرین رحمة الله علیه که بخرد و خرد و دلیل که برانده و اندیشه باشد و اگر بینه که خرد و دلیل که نقصان مال بود یا برنج و بسیاری گرفتار شود و مغربی رحمة الله علیه گوید خرد

و اگر بینه که خرویش را میگردانید و دلیل که از مسلمانان مفارقت جوید و خرد و دل این سیرین رحمة الله علیه که بخرد و خرد و دلیل که برانده و اندیشه باشد و اگر بینه که خرد و دلیل که نقصان مال بود یا برنج و بسیاری گرفتار شود و مغربی رحمة الله علیه گوید خرد





اگریم بود و خراش شک در خواب دلیل بر دین پاک و مال حلال باشد و خرابی تازه روشنی چشم و مال حلال و فرزند و نیکی بود و حکایت  
 شخصی پیش ابن سیرین رح آمد و گفت بخواب دیدم که بر در سرای سلطان چهل خرما یافته ام گفت فرما ترا بهما چهل جوب بزنند و همچنان بود  
 و سال دیگر همان مرد پیش ابن سیرین رح آمد و گفت که بخواب دیدم که بر در سرای سلطان چهل خرما یافته ام گفت چهل هزار درم بیا بی  
 گفت پارسا را تغییر ازین خواب بگو نه و دیگر بود و سال چو نشت که بخلاف آنست گفت پارسا را خرما بردخت نبود و تا و تل آن جوب بود  
 و سال خرما بردخت است و درختان سبز و تازه اند تغییر آن چنین باشد بعد از که گفته آن شخص هزار درم یافت خرمن که رفتن  
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خرمن غله در خواب مردی بود که برنج و قندیل حاصل کند و آن مال بکاف بپزیند و اگر بپزیند که نشت  
 و در خرمن در آورد دلیل که مال برنج حاصل کند که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بپزیند که خرمن غله بخرد یا کسی بوی داد و دلیل که زنی خوا  
 و بعضی گویند که او را با مردی صحبت افتد که مال برنج و قندیل حاصل کند خرمن است ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خرمن در خواب  
 مردی باشد که مال سختی و برنج بدست آورده باشد اگر بپزیند که خرمن بود و دلیل که مال خود برنج حاصل کرده باشد و بخورد و اگر بپزیند  
 که خرمن از دست جمع میکرد و دلیل که از مردی بخیل افتد آن مال حاصل کند و اگر بپزیند که خرمن با تشییع بخت و دلیل که پادشاه  
 مال و ملک بستاند خروس ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بپزیند که خروس داشت و او است که ملک او است دلیل که مرد عجبی که  
 بنده زاده او بود و او را قهر کند و اگر بپزیند که خروس را بکشت و دلیل که بر بنده زاده ظفر نهد و اگر بپزیند که با خروس جنگ میکرد و دلیل که با بر  
 خصوصت کند و اگر بپزیند که از خروس او را گزند و دلیل که از آن عجبی او را مضرت رسد و اگر بپزیند که خروس بکشد و دلیل که غلامی  
 گوشت یا پیری از کت او را حاصل آید و اگر بپزیند که با کت خروس می شنید و دلیل که نیکی و خیرات گزیند و اگر بپزیند که خروس بر پشت  
 دلیل که او را کسی غم و اندوه رسد و خانه خروس در خواب غلام بود و اگر بپزیند که کسی خروس بچد بوی داد و دلیل که غلامی بوی بخشد  
 سفری رحمه الله علیه گوید اگر در خواب بپزیند که خروسی داشت و دلیل که او را پیری آید یا او را با مردی مؤذن صحبت افتد چنانکه رسول  
 صلی الله علیه و سلم فرمود **اَللّٰهُ يَكُ مَجِيّ وَهُوَ يَكُ عَوًّا اِلَى الصَّلَاةِ** یعنی خروس دوست نیست که مرد را نماز میخواند  
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بپزیند که بر خروس دست یافت و دلیل که بر مهر زاده دست یابد و بوی غلبه کند و اگر بخوابد  
 که تخم خروسی یافت و شکست و دلیل که بر مهری و یا خروسی دست یابد خرید و فروخت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خرمن  
 و فروخت در خواب نیک باشد زیرا که بدرم و دنیا رکند و اگر کالای با کالای معاوضه کند و دلیل که بقدر آن خیر و منفعت یابد خرمن  
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خرمن در خواب جبه و دستار و کلاه و آنچه درین ماند جمله مردانرا پسندیده باشد و رنگش این جامها اگر  
 بر یک صورت بود و اگر بنوعی و غم و اندوه بود و رنگش بر جامها نیک بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن خرمن در خواب  
 کسی را که شرای خرد بود بر پنج وجه بود یکی مال و منفعت دوم خیر و برکت سوم عفو جاه چهارم مرتبت با ناز و قیمت چشم  
 ریاست و بزرگی که مانی رح گوید پوشیدن جامه خرد در خواب دلیل بر مال حرام کند مقبران گویند مردان را بر ششم در خواب دیدن پادشاه  
 و ناز نیک باشد و مرد خرد و شمس کسی باشد که دنیا را بپشتیاری کند خسته گران ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بپزیند که در آن

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

کسی نیست و از خون بیرون آمد و لیل که خسته کننده او را سختی راست گوید چنانکه باشد که جواب تواند کرد و اگر بیدار از آن حرکت  
خون نماید و لیل که او را سختی گوید که دروغ باشد که آنی رحمة الله علیه گوید اگر بیدار که تنج برو و نیم کرد و او را لیل که پیش از سختی گوید  
و بر وطنه زند و اگر کسی در خواب خشکی بسیار بر تن خود بیند و لیل که از پادشاه منفعت یا بد مغربی رحمة الله علیه گوید خشکی بسیار  
بر تن نقصان مال بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید خشکی در خواب بر سه وجه بود یکی مال مردم منفعت سوم سخن  
ناخوش خشت ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خشت در خواب مال جمع و مجموع باشد چنانکه خشکی هزار درم نماند اگر بیدار که  
بسیار جمع کرد و لیل که او را مال بسیار جمع شود که آنی رحمة الله علیه گوید اگر بیدار که خشت از دیواری ترشید و لیل که مال خدا و  
دیوار بر و اگر بیدار که خشت پاره پاره کرد و پراکنده و لیل که مال خود را پراکنده و تلف کند مغربی رحمة الله علیه گوید خشت  
پخته در خواب بد بود زیرا که آتش بوی رسیده است بدان سبب و لیل بر خم و اندوه بود و چشم که روشن ابن سیرین  
رحمة الله علیه گوید اگر بیدار که بر کسی خشم از بر دنیا گرفت و لیل که کار دین را حقیر و خوار دارد و بد دنیا مغرور شود که آنی رحمة الله علیه  
گوید اگر بیدار که پدر او مادر بروی خشم گرفتند و لیل که از جانی بلند افتد و له تعالی و من یجلی علی غصبي فقل  
هو یخصومت ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیدار که کسی خصومت کرد و بر و غالب شد و لیل که بر رخا هم  
کار غالب کرد و بر دشمن غلبه نماید و اگر بیدار که دشمن بر و غالب شد تا و بلیش بخلاف این بود که آنی رحمة الله علیه گوید  
اگر بیدار که بر دشمن غلبه نماید و اگر بیدار که دشمن بر و غالب شد تا و بلیش بخلاف این بود که آنی رحمة الله علیه گوید  
او بر و لیل که بر دشمن غلبه نماید و اگر بیدار که دشمن بر و غالب شد تا و بلیش بخلاف این بود که آنی رحمة الله علیه گوید  
بیدار که با والی آند یا خصومت کرد و بر و غالب شد و لیل که از والی بد و خیر و منفعت رسد و اگر بخلاف این بیند از و  
خج بیدار که بیدار که پیش پادشاه خصومت رفت و لیل که حاجتش روا کرد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیدار که با مردم نمی  
خصومت کرد و لیل که مردم از وی اند و بگین و نذر از اگر از مردم جوید خصمی کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیدار که  
راخصی کرد و لیل که حاجتش روا کرد و بعضی متحران گویند که فرزندش بمیرد و الا بطاعت باری سبحانه و تعالی را راغب باشد و  
توانگر شود و اگر کسی جمیع خصمی بیند و لیل که آنکس بسزیده و صالح بود و نیز گویند که فرشته باشد که او را بر خیر صلاح خواند  
یا بجزایات مرده و پدیر که خوشگام از استخوانیت اگر بیدار که دشمن علم و حکمت است آنکس فرشته نباشد و اگر آنکس که و خصمی بود  
و مغرور بود و آنچه از نیت و بد و دید تا و بلیش بروی باز کرد که آنی رحمة الله علیه گوید اگر بیدار که خایه وی بریده شد و نهقی  
و لیل که بر دشمن ظفر یابد و بعضی متحران گویند بیدار که خایه در خواب بر پدر و ختران بود یعنی پس از آن او را و ختری نبود زیرا  
که خایگان دختر بود و اگر بیدار که خایه خود بر آورد و بکسی داد و لیل که دختران کسی بد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیدار که  
سببی خصمی شد و لیل که او را خوار می و زبان رسد و اگر قضیبتش از تن بریده شد بهین دلیل دارد و نامش از میان مردم  
که شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید ویدن خصمی در خواب بر سه وجه بود یکی ویدن مردم را بد و دوم فرشته سوم عباد  
خصم کردن و انبیای علیه السلام گوید خصم کردن بر لیش پوشیدن کار را باشد اگر بیدار که سمر بارش خصم  
کرد و در نیت گرفت و لیل که ظاهر مردم نماید و اگر بیدار که خصم کرد و لیل که کارش نیکو شود اما کارهای او پوشیده ماند

در خواب  
خستگی  
خستگی  
خستگی

خستگی

خستگی

در بیان

در بیان

در بیان

در بیان

در بیان

در بیان

این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خضاب چیزها میگرد که مردم آنرا میگردند و دلیل که خود را بچیزهای محال کارهای پائین  
و بد فکر بیند که دست و پای بچنا خضاب کرد و دلیل که مال از دست رفته و باز آید و اگر بیند که هر دو دست را بچنا خضاب کرد  
و دلیل که فرزندان خود را بسیار بد آید و اگر بیند که خلاف شرع بود که مافی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دست خود را نکارد و بچنا خضاب  
کرد و دلیل که خداوند مکر و حیلت بود و در کسب عمل خویش و اگر بیند که نکارد و بی هم شده بود و دلیل که او را عزیزی میرود و یا خود طاعت شود  
و اگر این خواهش را نمی بیند شادی و خورمی بیند اسمعیل اشعث علیه الرحمة گوید اگر بیند که دست و پای خود بچنا خضاب کرد  
و دلیل که کاری کند که مردم بروی اخوس کنند و اگر بیند که سر بخت از خضاب کرد و دلیل که تسبیح کند جعفر صادق رضی الله  
عنه گوید خضاب کردن در خواب بر چهار وجه بود یکی کار شایسته دوم آرایش حال دنیا سوم طلب عرق جاده چهارم معروفه  
شدن بد و فحش و خطبه خواندن این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر سر بن خطبه بخواند و از اهل خطابت بود و دلیل که پس  
عزیزندگی یابد و اگر از اهل خطابت نبود و دلیل که بسفر رود و در نک بسیار کند و بیم و خطرش بود و گویند که اگر نکارد و در پیش  
و اگر بیند که بی دینی خطبه بخواند و دلیل که مسلمان شود یا میرد که مافی گوید اگر بیند که پادشاهی بر سر بن خطبه بخواند اگر پادشاه صالح  
بود و دلیل که عدل نماید و اگر مفسد بود و دلیل که تائب گردد و اگر بیند که زنی بر سر بن خطبه بخواند و مردم را پند میداد و دلیل که نشاء  
رسوا شود و فحش و بد معتربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در میان خطبه ترویج بخواند و دلیل که با همه کس خیر و جان کند خیر و صلاح  
و منفعت یابد خطمی این سیرین رحمة الله علیه گوید خطمی بوقت خود در خواب دیدن منفعت بود و بی وقت غم و اندوه بود و خوردن  
آن منفعت و نقصان بود و شستن بآن دلیل بر توبه و پاک دینی بود و خشن این سیرین رحمة الله علیه گوید خفتن در خواب  
را کسی را که پوشیده بود و راحت و سنگاری بود و اگر بیند که بر تختی خفته بود و دلیل که بزرگی یابد و راه وین بر پیرمکاری بخیر  
تیر که خفتن غفلت بود و در راه دین و اگر بیند که در جایگاهی بر سر تخت خوابیده بود و دلیل بر جرات و خواری بود که مافی رحمة الله  
عنه گوید خواب ترسند و الهی بود و مردم را آتش و سحر را شفا و زنده ای را خلاصی بود و مغرب بخوید اگر بیند که در میان دو گان خسته بود و مردم را درین  
و دلیل که در میان مردم شهرت یابد و نام و محبوب هم آفاقا و محلیا و قوفا خلاص کرد این سیرین گوید بخت کردن در خواب بگوشت یا زکات  
ایل بیت بود و حلال باشد جاد و ب که مال ایل بیت میرود و اگر بیند که حلال میگرد و دلیل که بقدر آن که از دزدان بیرون می آید  
نقصان ایل بیت می باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که آنچه حلال ازین دزدان بیرون آورد و کسی داد و دلیل که از مال  
ایل بیت خویش بنا حق بستاند و کسی دهد خلعت این سیرین رحمة الله علیه گوید خلعت در خواب چون پاکیزه و خوب بود و دلیل  
عزت یافتن و مرتبت ریاست و مملکت باشد وزن و کثیر و حکم تاویل بقدر و قیمت خلعت دهنده بود که مافی رح  
گوید اگر بیند که پادشاه بد خلعت داد و دلیل که آن پادشاه بقدر آن خلعت مال یابد و اگر بیند که عالمی ویرا خلعت داد و دلیل  
که از آن عالم وی را علم و دانش حاصل کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که خلعتی بدو دادند صدقه بود پس  
و دلیل که عز و جاه دینی یابد و اگر دنیا یا جاه را بر زمین بود و دلیل که عز و جاه دنیا یابد هر چه جا نمده و پوشیدن آن غم

بود و اگر میند که جانم خرقان این خوبه و چون کرد دلیل که غم و اندوه از وی دور شود و همه چیزهای نوجواب دیدن نیکو باشد مگر موی که  
که از نو بهتر باشد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی در خواب خرقه فروشی کند بد باشد و اگر جامه نو بخود بپوشد نیکو باشد و خرقه نو  
در خواب مردی بود که بدی از خود دور کند خلع جامه باشد که ازین بیرون می آید اگر میند که ازین بی وی خلع می آید دلیل که او را  
شود و از غم و اندوه رسته گردد و این سیرین رحمة الله علیه گوید خلع در خواب دلیل بر فرزند بود اگر میند که خلع بر جامه وی افتاد و دلیل  
و اگر پسری آید و اگر میند که خلع ازین بی وی بر زمین افتاد و دلیل که او را دختری آید و اگر میند که خلع بر زمین افتاد و دلیل که زنش این  
گردد و فرزند از شکم میندازد و اگر میند که زنش خلع بر وی انداخت و دلیل که بر زن حساسه فساد کند و اگر میند که خلع خود و دلیل که مانع از  
خود و بوجی نیک خلیفه بن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی در خواب خلیفه روی کشاوه میند و دلیل که خیر دینی و دنیاوی بوی رسد و اگر میند که خلیفه  
او را کاری فرمود و از کار مانی خاص و دلیل که غم و بزرگی و مرگت یابد و اگر میند که خلیفه او را ولایتی داد و اگر از مسلمان بود و دلیل  
شرف و بزرگی یابد و اگر میند که در ساری خلیفه شد و دلیل که از مقربان وی شود و اگر میند که خلیفه از متاع دنیا چیزی بوی داد و دلیل  
نزالت یابد و میان بزرگان نامدار شود و مانی رحمة الله علیه گوید اگر میند که خلیفه با وی خصومت کرد و از بهر کاری که شرع تعلل دارد  
و دلیل که حاجتش و اشود و بر دشمن ظفر یابد و اگر میند که در سیر بجای خلیفه فتنه بود و دلیل که خلیفه او را زنی یا کنیزکی یا مال و اگر میند که در  
اسب خلیفه نشسته بود و دلیل که در خلافت با او شرکت بود و اگر میند که پیش خلیفه یا پهلوی خلیفه و میرفت و دلیل که مقدم در شغلی می وی  
باشد و اگر میند که خلیفه با وی ترش روی بود و دلیل که در دین وی فتنه باشد و مانی رحمة الله علیه گوید اگر میند که خلیفه شده است و او  
از اهل آن نباشد و دلیل که او را بکاری فرستد و اگر میند که خلیفه او را بکاری فرستد و دلیل که وی خیر و منفعت یابد و جعفر صادق علیه السلام  
عنه گوید اگر خلیفه مرده یا زنده میند و شادمان بود و با وی سخن گفت و دلیل که مراد وی حاصل شود و غرور دولت یابد و اگر خلیفه  
نخکین میند تا ویش بخلاف این بود و ختم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ختم در خواب زنی بود که از قبل و فایده بخانه برسد بقدر بزرگی  
ختم که مانی رحمة الله علیه گوید ختم شکی یافتن در خواب گنج بود و ختم آب زن بود و اما زن تو اگر باشد و اگر میند که در خانه و ختم پراکنده  
و از آن آب میخورد و دلیل که مال بسیار یابد و در راه خیر خرج کند و ختم سر که خواب مردی بر بزرگوار بود و ختم مسکه و روغن دلیل بر زیادتی  
مال حلال بود و ختم آبگامه و دلیل بر مردی بیمار بود و ختم نفت و دلیل بر مردی فرومایه و جوان بود و ختم در خواب دیدن دلیل بر  
گند و ریاست صاحب سلطان خمیر کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سرشتن آرد بنا و دل درستی دین باشد و سرشتن آرد  
گند مانی بود که از تجارت حاصل شده باشد و اگر خمیر بخت بود و اگر خمیر بخت بود و دلیل بر فساد کند و سرشتن آرد که در خواب نفع  
اندک که بوی رسد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر میند که خمیر فرا گرفت یا بخرید یا کسی بوی داد اگر خمیر جوین بود و دوستی دین و حلال  
بود و اگر خمیر گندم بود بقدر آن مال حلال از تجارت حاصل کند و اگر خمیر گاه رسد و دلیل که منفعت اندک بود و جعفر صادق علیه السلام  
ختم گوید دیدن خمیر در خواب رسته وجه بود یکی زیادتی در دین و دوم منفعت سوم مال حلال خمیر در خمیر رسته قوت است  
بعضی گویند خا و سه بود و بعضی گویند پیغام بشهر میبرد و آورد و بعضی گویند زن بود و اگر میند که خمیر را بکینه در خانه آویست

ختم

ختم

ختم

ختم

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

زن با طلاق و بد جا بر مغربی رحمة الله عليه گوید اگر بیند که خبره داشت یا کسی بوی داد و دلیل که زنی خاومه یا کسی که بعد خبره او را  
 مایل شود یا او را باز فی خاومه صحبت افتد و از وی منفعت یابد و اگر بیند که خبره او ضایع شد تا و دلیلش بخلاف این بود خجسته این  
 رحمة الله عليه گوید اگر خواب بیند که خجسته در دست داشت دلیل که او را با کسی عداوت افتد و اگر بیند که خجسته شکست یا ضایع شد  
 دلیل که جیکت و خصومت و عداوت از میان ایشان برخیزد و بصلح انجامد و اگر بیند که خجسته در دست داشت دلیل که او را از کسی قوت  
 باشد در آن کار که خواهد کرد و اگر بیند که خجسته در دست داشت دلیل که او را از کسی قوت باشد در آن کار که خواهد کرد  
 خنده و خواب غم خورد اگر بیند که خجسته در دست داشت دلیل که او را از کسی قوت باشد در آن کار که خواهد کرد  
 گشت و اگر بیند که خجسته در دست داشت دلیل که او را از کسی قوت باشد در آن کار که خواهد کرد  
 باشد قولی تعالی فی حق صادق راضی انداخته گوید در این دلیل که او را از کسی قوت باشد در آن کار که خواهد کرد  
 فصاحت و قوت خوردن این سخن در آنکه انداخته گوید در این دلیل که او را از کسی قوت باشد در آن کار که خواهد کرد  
 هذالکدیر که در این سخن در آنکه انداخته گوید در این دلیل که او را از کسی قوت باشد در آن کار که خواهد کرد  
 که بقدر آن غنیت و رفعت و بزرگواری انداخته گوید در این دلیل که او را از کسی قوت باشد در آن کار که خواهد کرد  
 خوردن طعام و دلیل سخن بطلمیوسین بود و فرقی و شادی بود و خوردن و اگر بیند که خجسته در دست داشت دلیل که او را از کسی قوت باشد در آن کار که خواهد کرد  
 حکمت و مصلحت سخن در آنکه انداخته گوید در این دلیل که او را از کسی قوت باشد در آن کار که خواهد کرد  
 وجه بود که غنیت و رفعت و بزرگواری انداخته گوید در این دلیل که او را از کسی قوت باشد در آن کار که خواهد کرد  
 بیند که خود پول و مال و زمین و خانه و بزرگواری انداخته گوید در این دلیل که او را از کسی قوت باشد در آن کار که خواهد کرد  
 از هنری قوت گشت و اگر بیند که خجسته در دست داشت دلیل که او را از کسی قوت باشد در آن کار که خواهد کرد  
 که عمرش نقصان یابد و اگر بیند که خجسته در دست داشت دلیل که او را از کسی قوت باشد در آن کار که خواهد کرد  
 و گویا پنجم خوردن این سخن در آنکه انداخته گوید در این دلیل که او را از کسی قوت باشد در آن کار که خواهد کرد  
 بود و اگر بوی ناخ  
 بر و ریشی و چادر  
 بود و خوردنی فروش در حار  
 فرزند بود و برکت نیاوردی مال و چون ح  
 بهتر بود و خاصه چون بوقت بیند که مانی رحمة الله عليه گوید بیند که خجسته در دست داشت دلیل که او را از کسی قوت باشد در آن کار که خواهد کرد  
 خوشه ناز و خشک بیند و دلیل که قط و تنگی بیند جعفر صادق که دوس و ضایع شد و دلیل که نقصان مال و بود و مغربی  
 تعالی سبج سنابل فی کل سنبله الخ و خوشه خشک قط مال حرم چیزی حاصل کند و اگر بیند که بدان و در سخن

خبر

خبر

خبر

خبر

در دو دو دلیل که مال و نعمت حاصل کند و ام این سیرین رحمه الله علیه گوید و ام در خواب بکر و حیلت نمود اگر بیند که پادشاه  
او بدام گرفتار نشاند و دلش بخلاف این بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر خواب ببیند که جانور یا بدام گرفتار آنگس که بدان  
جانور منسوب بود بکر و حیلت بدست آورد و آنها این سیرین رحمه الله علیه گوید و انشا در خواب اگر بخت یا خام بیند  
دلیل غم و اندوه بود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر خواب ببیند که و آنها بر زمین ریخته بود دلیل که ترخش از زان گردد و هر  
چیز از و آنها که دید و در خانه خود بر و یا در جوال کرد دلیل که آنچه بزرگان کرد و اگر بیند که مردگان و آنها بر دم سید و ندلیل  
که آن و آنها از زان شوند و باغی کردن این سیرین رحمه الله علیه گوید و باغی کردن در خواب گدازن شغل و فرار  
بود اگر خواب ببیند که و باغی میکرد دلیل که پیشه و باغی کند که مانی رحمه الله علیه گوید و باغی بتاویل و الی بود و پوست درخت  
سیرات باشد مغربی رحمه الله علیه گوید و باغ در خواب مردی باشد که صلاح کار میراث بوی باشد و به این سیرین رحمه  
الله علیه گوید و به رخن در خواب مردی این بود اگر بیند که و به رخن داشت یا کسی بوی داد و دلیل که با مردی این بود  
صحت افتد و اندوختی و منفعت یا بد بقدرا آن و به رخن و اگر به چرکین و کسند بود دلیل که بیند که راضی است رسید  
صادق رضی الله عنه گوید و دیدن و به در خواب بر نه و وجه بود یکی مرد این دوم زن سیوم خادم چهارم قوام و این  
صلاح تن ششم عمر در از به فتنه مال و نعمت هفتم خیر و برکت نهم میراث از جنت زنان دهمیری این سیرین رحمه الله علیه  
گوید اگر خواب ببیند که دیر میسر میسر و دلیل که مال مردگان بحیلت ستان و کارهای ناکردنی کند و اگر بیند که دیر میسر یا و شاه  
و دلیل که از قوم پادشاه منفعت یا بد اگر بیند که دیر میسر مردم عام میسر و دلیل که دلشای مردم بر خود کرم کند و انشا الله السلام  
گوید اگر بیند که نویسد شد دلیل که بکر و حیلت روزی از مردم بدست آورد و اگر به و نا بود که دیر میسر و دلیل که بخت و منفعت  
بسیار یا بد و اگر بیند خواب عمل را بود و دلیل که معزول شود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که جامع قرآن و حدیث می  
دلیل که خیر و منفعت آنجهانی یا بد و اگر بیند که غزل و شعر می نبشت دلیل که بعیش و طرب مشغول گردد و اگر بیند که نامه می نبشت  
و مداونیک بود و دلیل که قباله را بنویسد و اگر بیند که آنچه می نبشت خلاف شریعت بود و دلیل که عاقبتش بد بود و سیرین  
خواب دیدن جای اندوه بود و لیکن عاقبت بخیر بود و دلیل منفعت و بزرگی بود و جمال این سیرین رحمه الله علیه  
و جمال را در جانی معروف دیدن دلیل که در آنجا فتنه افتد و در فتنه زمان آنجا جمع شوند و در آنجا خیر و برکت نباشد  
و خیر این سیرین رحمه الله علیه گوید و خیر خواب دیدن فرج و شادی بود و اگر خواب ببیند که او را و خیری آمد یا کسی  
بوی داد و یا بخشد دلیل که بقدر جمال و خوبی دختر او مال و خورمی و نعمت حاصل گردد و اگر بیند که دختر بر و تا و لیکن  
این بود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که دختر وی چرکین و ناقص بود و دلیل بر غم بود و اگر بیند که دختر بر گرفته بود  
و دلیل بر خیر و منفعت بود اگر بیند که دختر خود کسی داد و دلیل که از وی خورمی بر آنگس رسد و خسته اگر بیند که در زیر خود و  
عمود میگرد یا از بهاء خوش چیزی داشت دلیل که پیشه یا موز و از آن منفعت یا بد و با مردم عیش خوش گذرانند

در دو دو دلیل که مال و نعمت حاصل کند و ام این سیرین رحمه الله علیه گوید و ام در خواب بکر و حیلت نمود اگر بیند که پادشاه او بدام گرفتار نشاند و دلش بخلاف این بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر خواب ببیند که جانور یا بدام گرفتار آنگس که بدان جانور منسوب بود بکر و حیلت بدست آورد و آنها این سیرین رحمه الله علیه گوید و انشا در خواب اگر بخت یا خام بیند دلیل غم و اندوه بود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر خواب ببیند که و آنها بر زمین ریخته بود دلیل که ترخش از زان گردد و هر چیز از و آنها که دید و در خانه خود بر و یا در جوال کرد دلیل که آنچه بزرگان کرد و اگر بیند که مردگان و آنها بر دم سید و ندلیل که آن و آنها از زان شوند و باغی کردن این سیرین رحمه الله علیه گوید و باغی کردن در خواب گدازن شغل و فرار بود اگر خواب ببیند که و باغی میکرد دلیل که پیشه و باغی کند که مانی رحمه الله علیه گوید و باغی بتاویل و الی بود و پوست درخت سیرات باشد مغربی رحمه الله علیه گوید و باغ در خواب مردی باشد که صلاح کار میراث بوی باشد و به این سیرین رحمه الله علیه گوید و به رخن در خواب مردی این بود اگر بیند که و به رخن داشت یا کسی بوی داد و دلیل که با مردی این بود صحت افتد و اندوختی و منفعت یا بد بقدرا آن و به رخن و اگر به چرکین و کسند بود دلیل که بیند که راضی است رسید صادق رضی الله عنه گوید و دیدن و به در خواب بر نه و وجه بود یکی مرد این دوم زن سیوم خادم چهارم قوام و این صلاح تن ششم عمر در از به فتنه مال و نعمت هفتم خیر و برکت نهم میراث از جنت زنان دهمیری این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب ببیند که دیر میسر میسر و دلیل که مال مردگان بحیلت ستان و کارهای ناکردنی کند و اگر بیند که دیر میسر یا و شاه و دلیل که از قوم پادشاه منفعت یا بد اگر بیند که دیر میسر مردم عام میسر و دلیل که دلشای مردم بر خود کرم کند و انشا الله السلام گوید اگر بیند که نویسد شد دلیل که بکر و حیلت روزی از مردم بدست آورد و اگر به و نا بود که دیر میسر و دلیل که بخت و منفعت بسیار یا بد و اگر بیند خواب عمل را بود و دلیل که معزول شود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که جامع قرآن و حدیث می دلیل که خیر و منفعت آنجهانی یا بد و اگر بیند که غزل و شعر می نبشت دلیل که بعیش و طرب مشغول گردد و اگر بیند که نامه می نبشت و مداونیک بود و دلیل که قباله را بنویسد و اگر بیند که آنچه می نبشت خلاف شریعت بود و دلیل که عاقبتش بد بود و سیرین خواب دیدن جای اندوه بود و لیکن عاقبت بخیر بود و دلیل منفعت و بزرگی بود و جمال این سیرین رحمه الله علیه و جمال را در جانی معروف دیدن دلیل که در آنجا فتنه افتد و در فتنه زمان آنجا جمع شوند و در آنجا خیر و برکت نباشد و خیر این سیرین رحمه الله علیه گوید و خیر خواب دیدن فرج و شادی بود و اگر خواب ببیند که او را و خیری آمد یا کسی بوی داد و یا بخشد دلیل که بقدر جمال و خوبی دختر او مال و خورمی و نعمت حاصل گردد و اگر بیند که دختر بر و تا و لیکن این بود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که دختر وی چرکین و ناقص بود و دلیل بر غم بود و اگر بیند که دختر بر گرفته بود و دلیل بر خیر و منفعت بود اگر بیند که دختر خود کسی داد و دلیل که از وی خورمی بر آنگس رسد و خسته اگر بیند که در زیر خود و عمود میگرد یا از بهاء خوش چیزی داشت دلیل که پیشه یا موز و از آن منفعت یا بد و با مردم عیش خوش گذرانند

در خواب  
و در خواب

و اگر بوی ناخوش بود بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که دشمن در خواب بر سرش و بر روی کسب و حشمت و وقار  
و منفعت سوم بنای نیک و دوگان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که دوکان داشت جمله خرشد نه یا یکی خرشد  
یا یکی گاو و یکی گوسفند دلیل که روزی بروی فراخ شود ولیکن او را زیان دارد و اگر بیند که چهار پایان وی دوکان شده  
تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن دوکان در خواب بر چهار وجه بود یکی دشمن دوم پادشاه  
چهارم سوم زمان سلیطه چهارم همسایه مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که گوسفند بخورد دلیل که مال مردم بحلیت بدست  
گرمائی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که بصورت دوی شده دلیل که عقل از وی زایل گردد و اگر بیند که دوکان با وی سخن گفتند  
دلیل که پادشاهی یا بد و اگر بیند که دوکان از میکشت دلیل که بر دشمن ظفر یابد و راج ابن سیرین رحمه الله علیه گوید در راج در  
خواب زنی خوب روی بود به مهر که باشو هر ساز کاری نکند اگر بیند که در باغی گرفت یا کسی بوی داد دلیل که زنی بدین  
صفت خواهد بود اگر بیند که گوشت در راج بخورد دلیل که مقدار آن مال بن بستند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در راج  
بسیار داشت و داشت که ملک دست دلیل که بعد از آن زمان و کثیران او را حاصل آید اگر بیند که در راج از دوستی  
برید دلیل که زنا حلاق دهد و راعه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که در راعه نو بزرگ و فراخ و بستر  
بود دلیل که بعد از آن او را جاه و قوت و شرف در دین بود و اگر بیند که در راعه چرکین و تنگ پوشیده بود تا ویش بخلاف  
این بود گرمائی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در راعه سپید پوشیده بود و دلیل که مال نعمت و بزرگی یابد و اگر در راعه سرخ بود  
بود و دلیل که مصیبت بود و اگر سیاه بود و دلیل غم و اندوه باشد لیکن در راعه سیاه قاضی و خطیب را زیان ندارد و اگر بیند  
که در راعه از تن وی بیرون کردند و دلیل که از زن جدا شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن در راعه در خواب بر هفت  
وجه بود یکی فرخ دوم قوت سوم محبت چهارم شرف و جاه پنجم منزلت و ولایت ششم نظام کار هفتم زن در خواب بین  
زن بود و اگر بیند که در راعی بسته از جای مصر یا جهمول در برابرش کشاوند و آن در راعی کشاوند شد بر جانب راه بود  
دلیل که مالی که دارد خرج کند و اگر بیند که در سرانی در برابرش کشاوند شد و دلیل که مالی از پادشاه بیاید بر عیال نفقه کند  
و اگر بیند که در سرای پوشست دلیل مصیبت و رنج عظیم بود ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در سرای او کشته شد  
بروند و کس ندانست که کی بروند و دلیل بر محنت و مصیبت خداوند خانه بود اگر بیند که در سرای او انباشتند و دلیل بر  
مصیبت اهل سرای بود و اگر بیند که در راعی کو چک بود و دلیل که آفت بعیال او رسد و اگر بیند که در سرای جوان فراخ  
بود که هیچ دری بدان فراخی نبود و دلیل که قومی بی فرمان در سرای او روند بقوت و مصیبت با خصومت اگر بیند که حلقه  
در سرای او می جنبانید اگر بایش آمد و دلیل که وعای او مستجاب گردد و باشد که کجی بیاید و اگر بیند که چون حلقه جنبانید  
از او آتش را بکشد و دلیل که خدا تعالی البته وعای او اجابت فرماید و بر دشمن ظفر یابد گرمائی رحمه الله علیه گوید  
اگر بیند که در محکم بخت و قلی بر و نه و دلیل که زرش بمیرد یا زنا حلاق دهد و اگر بیند که در در در یا فرمود تا در نو بزرگ



خانها و ندولیل که کترکی و دوشیزه بخورده اگر بینه که در خانه و بر خلق بنود دلیل که زنی میوه بخورده مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بینه که  
 ودان بر در خانه وی میسپیدند و با ملک میگردند و دلیل که جوانان قصد عیال او کنند اگر بینه که در آسمان پاکشاده شد دلیل که بر در  
 اندازد و در خیانت بگشاید جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن در در خواب بر سر سه وجه بود یکی خداوند سراسی دوم زن سوم  
 در وازه این سیرین رحمة الله علیه گوید هر که در وازه شهری بخواب بینه دلیل که حاجب و دربان پادشاه بود و در زبان در خواب  
 دیدن مردی بزرگ بود و در بانی کرون این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بینه که در بانی میگرد و دلیل که حاجتی که دارد زود روا  
 و از مردی بزرگ عود جاه یا بدو اگر بینه که در بانی میگرد و دلیل که حاجت بروی سبب کسی بود و او شود اما او جاه نیا بد مغربی  
 رحمة الله علیه گوید اگر بینه که در بانی پادشاه میگرد و دلیل که مقرب پادشاه گردد و در بر گرفتن شرح بر گرفتن در حرف گفتیم  
 و خندان و انیل علیه السلام گوید در ختی که پیش مردم غریز است بخواب دیدن آن مردی شریف و بزرگوار بود و در ختی بینه که پیش  
 مردم خوار بود دلیل بر مردی فرومایه بود و هر در ختی که میوه دارد بود دلیل که مردی توانگر بود و در ختی بی بر دلیل بر مردم درویش بود و در ختی  
 که در دیار عرب بود دلیل بر مردم بیابانی بود و هر در ختی که در عجم باشد دلیل بر مردم عجمی باشد و در ختی که در باغ بیند دلیل بر مال بود بخدا  
 باغ اگر بینه که در ختی این بچند دلیل که مرد بر از جاه و نعمت افتد و در خت خمر اگر در خت خمر بخواب بینه دلیل بر مردی شریف  
 و عالم بود و اگر بینه که در خت خمر در خانه داشت دلیل که با مردی بزرگ آشنا بود خمر چون باغ بیند دلیل که تا مدتی او بچند اندوخته  
 کرد و در خت اینوس دلیل بر مردی فرومایه شود و در کار خویش و بعضی گویند زن بود یا تکرک و در خت آلودگی طیب بود  
 که اندوی نفع بر کس سد و در خت با و ام زنی خوبروی صاحب جمال بود و در خت انار مردی توانگر بود و با منفعت و در خت  
 پیل دلیل بر مردی شریف و بزرگ کند و در خت بر دلیل بر مردی ساکن و آهسته بود و در خت ترنج دلیل بر مردی مخالف خود  
 رای کند و در خت زیتون دلیل بر مردی پهلوان نسب باشد و در خت خنظل دلیل بر مردی درویش بدین کند و در خت زرد  
 دلیل بر مردی مبارک بود که نفع رساند و در خت سرو و دلیل بر مرد عجمی خوش طبع کند و در خت سجد و دلیل بر مردی سبک  
 و محنتم باشد و در خت سیب دلیل بر مردی بیمارگون باشد و در خت شمامه و دلیل بر مردی تیز و ولست کند که زود و طراک  
 شود و در خت شفتالو و دلیل بر مردی بزرگوار بود که بشهر باشد و در خت عود و دلیل بر مردی نیکروی و خوش زبان باشد  
 و در خت ششوق و دلیل بر مردی توانگر بخیل بود و در خت کل و دلیل بر مردی شاد و کام باشد و در خت فندق و دلیل بر مردی غریب  
 سخن دل بود که لهو دوست دارد و در خت بلوط و دلیل بر مردی بیخبر منافق بود و در خت جوز و دلیل بر مردی شریف و جوانمرد  
 بود و در خت جوز بندی و دلیل بر مردی عجمی بود که با مردم بخل کند و با عیال سختی کند و اگر بینه که بالای درخت بود دلیل بر مردی  
 بزرگ پیوند دارد و منفعت و بزرگی یا بد و در خت لیمون و دلیل بر مردی بود که جادو کند یا مخم بود و در خت مور و دلیل  
 بر مردی کران طبع و ناساز دارد و در خت نی و دلیل بر مردی بد خوئی و سخن چین بود و هر در ختی که میوه دارد و دلیل بر  
 میوه او بود و اگر بینه که از در ختی میوه دارد میوه میخورد و دلیل که بقدر و قیمت آن میوه مال و نعمت یا بد و معتبران گویند و دیدن

در خت

در خت

در خت

در خت

در خت

در خواب

خانه خود درخت در خواب زن بود و هر درخت که در خانه پادشاه بیند دلیل که خدمتکار پادشاه باشد و اگر درختان بیند که ساق ندارد  
 همچون درخت خیار و خرفه و تان و میش بر مردمان و دین بود که مانی رحمة الله علیه گوید اگر رگهای درخت قوی بیند دلیل که رگهای  
 رانده باشد و اگر بخلاف این بود و پوست درخت دلیل بر روزی بود که خداوند درخت را بود و شاخ درخت برادران و خویشان و فرزندان  
 بود و اگر بیند که درخت بر کما بسیار داشت دلیل که خداوند خوش طبع بود و اگر بیند که بارانی اندک دارد و تان و میش بخلاف این بود  
 و میوه درخت دلیل بر خداوندش که پرستیز کار و دین دارد و اگر بیند که درخت پیر و بیفتا و دلیل بر مرگ خداوندش بود و مخری  
 رحمة الله علیه گوید اگر بیند که رختی بوی خوش دارد و میوه خوش طعم دلیل بر مردی مصلح و پاک دین بود و اگر بیند که رختی بیبو و تان  
 دارد و خار دارد و دلیل بر مردی مضطرب و بی دینت باشد و اگر بیند که در سراسر او یا در سراسر دیگران کوه تان درخت بود و دلیل بر مصیبت  
 بود که در آن سراسر افتد و اگر بیند که در سراسر خود تخی می کشد دلیل که بقدر آن تخم چیزی بوی رسد و اگر بیند که درخت در زمین  
 بیگانه می نشاند و دلیل که با مردم بیگانه او را صحبت افتد و شرف و بزرگی یابد و اگر بیند که در سراسر خود رختی می نشاند دلیل که او را  
 آورد و اگر بیند که بر بالای رختی بلند می نشاند دلیل که کار وی بزرگ شود و اگر بیند که بر ک درختان جمع میگرد و دلیل که بقدر آن  
 مردم حاصل کند و اگر بیند که از درختان میوه حاصل میگرد و دلیل که فرزندان و نسل وی زیادت بشود و اگر درختان میوه و آب بسیار  
 و دانه ملک اوست و دلیل که او را عمری دراز بود و ظفر و بزرگی یابد و اگر بیند که درخت را میبرد و دلیل که بیمار گردد یا از آن کسی  
 بهر سو اگر بیند که در وقت غران در باغ مجبول بود و میبرد که بر ک از درختان می افتد و دلیل غم و اندوه بود و اگر بیند که درخت  
 با وی سخن گفت دلیل که کاری کند که مردم را از آن عجب آید و اگر بیند که درخت از جای بکند و دلیل که بیمار شود یا از آن موضع که درخت  
 کند کسی میرد مخری رحمة الله علیه گوید اگر درختان بریده یا خشک شده بیند دلیل که مردمان بدین باشد و هر رختی که نیکو  
 بیند دلیل که دین او نیکوتر باشد و هر چه در درخت نقصان بیند و دلیل بر نقصان وی بود و اگر بیند که در سایه درخت نشسته بود و خفته  
 بود و دلیل که در سایه مردی رود که بدان درخت سبب باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید درخت در خواب بر وجه بود و یکی  
 پادشاه و مردم زن سوم بازندگان چهارم مردم مبارز پنجم عالم ششم مؤمن هفتم کافر هشتم عوان نهم خصومت دهم مال شربت  
 فرو انداختن این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بر خواب بیند که اندامهای وی درد میگرد و دلیل که مال از دست وی برود و اگر  
 بیند که سرش درد میگرد و دلیل که گناه بسیار کرده بود و توبه نکند و صدقه دهد قوله تعالی فمن کان منکم من حیصا او یله اندکی  
 من و ایسه ففقد یت من حیصا او وحده فایه او نسل و اگر بیند که پیشانی وی درد میگرد و دلیل بر فساد دین  
 و غم و اندوه بود و اگر بیند که چشم خود را در کرد و دلیل که او را کسی ماه نماید بخت و اگر بیند که گوش درد میگرد و دلیل که از هر کس سخنهای  
 شنود و اگر بیند که بینی وی درد میگرد یا در زبان وی نقصان بود و دلیل که سخن گوید که بوال باز گردد و اگر این خواب باز در کافعی  
 دلیل که در تجارت دروغ گوید و اگر زبان خود بریده بیند و دلیل که بر صلاح و پارسائی نبود و اگر بیند که کاش در میگرد و تان و سبب  
 دلیل که از حق کسی منکر شود و اگر بیند که دانهش درد میگرد و دلیل که از خویشان اندوه یابد و اگر بیند که گردن او درد میگرد و دلیل که او را

در خواب

در خواب

در کردن وی باشد و نمیکند او را اگر بیند که شکست در میکرد دلیل که مال حرام خورده اگر بیند که پشت او در میکرد دلیل که از مهر خود آزرده و اگر بیند که پهلوی او در میکرد دلیل که سبب خویشان در و بیند و بر بخور شود و اگر بیند که جلگه او در میکرد دلیل که بر فرزندان شفق بود و اگر در دست بیند دلیل که برادر همسایه را بجا نمیکند و اگر بیند که در گشت داشت دلیل که کینه دارد و اگر در ناف بیند دلیل که عیال را رنجاند و اگر بیند که عورت او در میکرد دلیل که بفساد و آید و اگر بیند که مقعد او در میکرد دلیل که فساد و حرام کند و اگر بیند که سرش در میکرد دلیل که بر خویشان و دوستان جفا کند و اگر بیند که پای وی در میکرد دلیل که بر زیر دستان شفقت کند و اگر بیند که تن وی را در میکرد دلیل که مال یا بد و مردم این سیرین رحمة الله علیه گوید طبعهای مردم مختلف بود و مردمی باشد که در مرا بخواب بیند دلیل بر حاصل شدن است در بیداری و بعضی بجهان گویند هر که در خواب بیند دلیل که سخن خوش شود و با توحید باری سبحانه تعالی گوید اگر بیند که در خواب بود دلیل که خوب تر و اگر در میان باشد و بدان نقش صورت بود دلیل بر جنات و خصوصت بود و بعضی از متجربان گویند اگر بیند که در خواب یافت دلیل بر فرزندی که کجاست بود و بعضی از متجربان گویند اگر بیند که در خواب یافت دلیل که آن بچه از دل وی زایل گردد و اگر با دنیا یافت دلیل که فرزندی او چاک شود و گاهی رحمة الله علیه گوید در خواب بدست داشتن سخن نیک بود و در شکسته سخن بر آکنده و در بسیار مال باشد و اگر بیند که در خانه با عیال خود در هم آرد دست صحت کرد و دلیل که میان ایشان و او می افتد و اگر بیند که در خانه نسیج داشت بقدر آن مال باید و اگر بیند که در بسیار جمع کرد و دلیل که مردم را از حق و باطل باز دارد و قوله تعالی **جَمَعَ مَالًا وَحَدَّ يَحْبُ أَنْ مَالَهُ أَخْلَقَهُ** اگر یکدم سپید و کف خود بیند دلیل که او را فرزندی آید و اگر بیند که آن دم از وی ضایع شد دلیل که فرزندی بمیرد و اگر بدای درم و دنیا یافت دلیل که مال لغت حلال جمع کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر در سفید در خواب بیند درم سیاه یا بد و بسیار مردم در خواب بیند و در بیداری همان یا بد بجهیل اشفت رحمة الله علیه گوید درم نیک در خواب بجهای دین بود و درم شکسته خصومت بود و گویند که پادشاه او را درم داد و دلیل که از غم و اندوه خلاصی یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید درم در خواب بر آید و وجه بود و یکی در دست و دم گذاردن حاجت سوم و لایست چهارم مال مجموع پنجم دوست ششم فرزندان هفتم فتنه هشتم روزی فراخ نهم اینی دهم کینک یازدهم درم یافتن خاصه که خداوند خواب ستور بود و اگر مستور نبود دلیل که رحمت فرزندان و غم و اندوه بود و اما درم شکسته در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی سخن زشت دوم جنات و خصوصت سیم بندگان چهارم گفتگوی در عسکه این سیرین رحمة الله علیه گوید در خواب دیدن دلیل بر غم و اندوه بود و خوردن آن دلیل بر نقصان مال و عیال بود و دروغ گفتن این سیرین رحمة الله علیه گوید دروغ گفتن در خواب دلیل بر فساد و تباهی دین بود و اگر بیند که گواهی دروغ میداد دلیل که دین وی تباه شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که پادشاه دروغ گفت دلیل که مردم نکویش و بدی او گویند و حراست و آبروی او رود و دروغی کردی کردن این سیرین رحمة الله علیه گوید دروغی در خواب نیکو خواه مردم بود و لیکن صحبت با مردم منافق و بد مذنب باشد و برادرانشان روزی را که اهل چوب بخواب دیدن دلیل بر نفاق باشد قوله تعالی **كَانَ قَوْمٌ خُشِبٌ** جعفر صادق علیه السلام گوید در

در خواب

در خواب

درویشی و فاضل  
درا

خداوند

ت

ت

ت

ت

و اگر بیند که آب دریا تیره بود و از نوک کاس می گرفت دلیل بر پلای وی باشد قوله تعالی و استسماهم عن القرية التي كانوا  
حاضرونه البحر و اگر بیند که از دریا مر جان و با قوت برآورد دلیل که بعلم دین آموختن مشغول گرد و از ابل علم باشد عیش  
زیادت شود و اگر بیند که از دریا نهنگی را گرفت و بکشت دلیل که دشمن پادشاه بر دست وی پلایک شود و جعفر صادق  
رضی الله عنه گوید و دیدن دریا در خواب بر شش صبه بود یکی پادشاه دوم والی سوم رئیس چهارم مالان پنجم عالم ششم  
کار بی بزرگ و شایسته سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در بنای کرد دلیل بر صلاح وی بود و اگر بیند که در خود را  
خراب کرد دلیل بر تباهی و فساد دین وی بود و اگر مانی رحمة الله علیه گوید در خواب گنج و آجر میگرد و دلیل که صاحب دین  
و اگر بیند که از گل خشت میگرد و دلیل که از غافل اهل بهشت بود و اگر در دژ محکم بود دلیل بر صلاح دین بود و ثبات راه اگر بیند که در  
از دژ بیرون آمد و یا درون میشد دلیل که در کار دین کامل نباشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر خود را در دژ بیند بقول مغربی دلیل بر  
صلاح دین بود و اگر بخلاف این بیند دلیل بر تباهی و ضعف در دین وی بود و زودی که رون اگر بیند که مال کسی در زوید  
و چیزی خرج کرد و دلیل که او را بکشد و اگر بیند که نیت داشت که بدزد و اما ندزد دلیل که کسی مکره بی رسا ند و بعضی گویند که بیجا  
شود اما شفا یابد و اگر بیند که از خانه وی چیزی بدزد و دلیل که برنجی و آفتی بوی رسد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند  
که او در دست درو سیر شد دلیل که حال وی بد شود و در غم و اندوه گرفتار شود و اگر بیند که دروان بروی راه زند دلیل که غم  
و اندوه بیند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر در دزدی کلاه کسان بر دزد دلیل که عیش بر خداند خواب تبا شود و جعفر صادق رضی الله  
عنه گوید دزدی بجای بهاری بود و بخیران گویند آنجا که دزدی کنند دلیل و اما دی باشد یا پسری در وجود آید و اگر خداند خواب  
غاسی وارد سلامت باز آید و انیال علیه السلام گوید در خواب دیدن خیانت و حیل بود و دستار چه ابن سیرین رحمة الله علیه  
گوید اگر بیند که دستار چه از گنجان بر دست داشت دلیل که او را زمری یا رسا و مصلح خیر و منفعت رسد و اگر بیند که دستار چه  
از وی ضایع شد یا سوخت دلیل که او را زبانی رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دستار چه در خواب بر سر و وجه بود یکی منفعت  
دوم کینک سوم عطاء اعدک و دستار سمر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دستار بجای دیدن دین بود و اگر بیند که دستار چه  
یا سبز بود یا از گنجان یا از پنبه بود دلیل صلاح دین بود و اگر بیند که دستار سفید و پاکیزه داشت دلیل صلاح دین و دنیا بود و دستار قر  
و ابریشم دلیل نیکوئی حال انجمن بود و اگر بیند که با دستار و دیگر پیوسته شد دلیل که بزرگی و شرفش بیشتر گردد و اگر بیند که  
از وی بختیا و وضایع شد دلیل بر نقصان دین و چهره حق او باشد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر دستار خود زوده بیند دلیل بر نقصان  
قد و جاه او بود و اگر بیند که دستاری پیچیده خوب داشت دلیل با صاحب دین و دنیا سازگاری کند و اگر بیند که دستار طرازا  
دلیل که در میان سفر دردم مشهور گردد و اگر بیند که دستار و جامه شش جمله بزر بود دلیل که به ثبات از دنیا برود و مغربی رحمة الله  
علیه گوید هر چند که دستار بزرگتر باشد غر و جشش بیشتر بود و اگر بیند که دستار خور و چرکین بود دلیل بر نقصان عز و جاهش بود و اگر  
دستار سرخ بیند دلیل که بر کسی شتم کند و اگر زرد بیند دلیل که بهار شود و اگر سیاه بیند دلیل که در

خداوند

بسم الله

و اما در این باب

و حضرت بنده که خطیب و قاضی و اگر بر سر دستا بر پیشین بنده دلیل که منصف و دادگر بود و مردم او را عزیز دارند و اگر بنده که دستا  
 دراز چیده بود و دلیل که از سفر زود باز آید و دستا بر پیشین دلیل بر فساد وین بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن و شمار و چرا  
 بر بهشت و جهنم بود یکی دین دوم بر دست سوم عمل چهارم ولایت پنجم مرتبت ششم توانائی هفتم سفر و دستا حامی و در حرف می بینا  
 کنیم انشاء الله تعالی دست اس ابن سیرین رحمه الله علیه گوید دست اس در خواب ز فکر رستن بود و اگر بنده که دست  
 داشت و دلیل که بقدر آن خیر و منفعت یابد و اگر بنده که سنگ است و سنگ است دلیل که خداوند است و است پاک یا و محبت است  
 و اگر بنده که سنگ است دست بدزدید و دلیل که بیمار شود و اگر بنده که بس دست حنا و غیره خور و دیگر و دلیل بر خصومت بود و دست  
 و انیال علیه السلام گوید دست رست تاویل برادر بود و دست چپ خا هر بود و اگر بنده که دست راست وی دراز شد و دلیل که  
 کار برادرش یا تاثیرش نیکو گردد و اگر بنده که هر دو دستش بازگشته شد و دلیل که برادر و خواهر از وی روی برگردانند و اگر بنده که هر دو دستش  
 کوتاه شد و دلیل که نفع از برادر و خواهر باز نگردد و اگر بنده که هر دو دستش بریده و افتاده بود و دلیل که برادر و خواهر بزندگی از وی جدا  
 و اگر بنده که هر دو دست بر سینه نهاده بود و دلیل که بحیث دوستان خود غم خور و اگر بنده که میان کمر وی بود و دست میزد و دلیل که  
 در اینجا عوسی کند و اگر بنده که پنهان دست میزد و شادی میکرد و دلیل غم و اندوه بود و اگر بنده که قاضی یا سلطان دست رست  
 بر میدید بقول ابن سیرین رحمه الله علیه دلیل که برادر یا خواهر یا فرزندش بر او گریه و دستش بریده و دلیل که از کسب و مراد خود بازماند  
 و اگر بنده که یک دست از دست دیگر پوست باز میکرد و دلیل که بر کسان خود ظلم و بیاد کند و اگر بنده که دست خود را بکار و میزد و دلیل  
 که با کسی خصومت کند یا دل وی کسی مشغول بود قوله تعالی ففقطعون ایدی بیکف و اگر بنده که کف و دستها را یکبار میزد و دلیل که خوشی  
 بکلیج آرد و اگر بنده که یکی دستش بریده و او را برادر و دلیل که نیز آن موضع معزول گردند و اگر بنده که مانند چهارپای بکارد  
 و پای میرفت و بازگردد روی آسمان داشت و دلیل که از زوایا و پسر و شاری بر آید و اگر بنده که دست وی مادر را خشک بود و دلیل که  
 از صدقه دادن و کار خیر فروماند و اگر بنده که در رحم الله علیه گوید اگر بنده که دستهایش بسوزن نیک کرده بود و دلیل که بهشتی نعمت عظمی  
 بود و اگر بنده که دستش بریده بود و ندانست که دست راست یا دست چپ بود و دلیل که او را حلیتی رسد و اگر بنده که چون دستش  
 بریده شده و قرآن میخواند و دلیل که دستش از مصیبت باز دارد و معمران گویند دست بریده و دلیل که عمر دراز گردد و عصیان از ترک کردن  
 بکار خیر مشغول بودن و اگر بنده که دست راست او از بر گناهی بریده و اند و دلیل که دروغ گوئی بود و بی دینت بود و مغربی رحمه الله علیه گوید  
 اگر بنده که دست خویش چون چنبره گردن کرده بود و دلیل که بر کردار نیک و نماز طاعت و حج و غزاکردن و کردار نیک بجای آورد  
 و اگر بنده که دست رست او بریدند و دلیل که سوگند بدو رخ خور و اگر بنده که دست از تن وی تحمل کرد بر تن پادشاهی وقت اگر آن  
 پادشا مصلح بود و دلیل بر خیرات و صلاح دین بود و اگر آن پادشا مفسد بود و سیدین دلیل که شر و فسادش در دین بود و اگر بنده که یک  
 وی اند دست دیگر دراز تر شد و دلیل که قوت و جاه و آنچه طلب کند یابد و اگر بنده که برود دست میرفت و دلیل که کار خود احمقانه اند و معمران  
 گویند که از خوشنشان منفعت یابد و اگر بنده که دست و پای سخن گفت با و دلیل که محبت او نیکو شود و اگر بنده که از بهر دست خود مراد

بدست دلیل که جمله قرآن بظاهر بخواند اعمیل است رحمه الله علیه گوید اگر بید که دستش چون دست سلطان شده بود و دلیل  
 بزرگی و پادشاهی باید و اگر بید که دست راست او زمین شده بود و دلیل که دولتش زایل گردد و اگر بید که دست خود با نشان  
 و صابون می شست و دلیل که ناهید شود و اگر بید که جانوری که در تاول نیکو باشد از دست چپ و بیرون آید و بدست راست  
 بد شد یا از دست دهنست بد آمد و بدست چپ بیرون شد دلیل که از غم رسته شود و عاقبتش محمد گردد و اگر آن جانور تاول  
 باشد دلیل که بر ضعیفی ستم کند و اگر بید که دست وی خشک شد و دلیل بر فساد صحبت کند و اگر بید که دست می در دست گرفت  
 یا دست در گروان داد و آنکس زنده است یا مرده دلیل که عمرش دراز بود و اگر بید که بدست شری و سستینها میکرد و دلیل که آن  
 شرک بدست می سلمان شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دست در خواب بر دوازده وجه بود یکی برادر و دوم خواهر  
 سوم اناز چهارم دوست پنجم فرزند ششم رفیق هفتم قوت هشتم توانائی نهم ولایت دهم مال یازدهم محب دوازدهم صفت  
 دست او بر بختن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید و دست او بختن در خواب نماند شوهر بود و در دوازدهم و اندوه بود و اگر بید  
 که دست او بر بختن شصین داشت دلیل که اندوهش کثیر بود و اگر بید که دست او بختن بدو و دلیل که  
 او را فرزندی آید یا برادر بی و اگر این خواب زنی بیند دلیل که شوهری کند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر خواب بید که هر دو  
 او بر بختن داشت دلیل که او را مال و نفعت بختن حاصل آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دست او بر بختن در خواب  
 بختن وجه بود یکی زیادت دوم حکمت سوم مکر چهارم غم پنجم برادر یا فرزند دست و روی شستن ابن سیرین رحمه الله علیه  
 گوید اگر بید که دست و روی نا بجا فی بختن دلیل که از غم فرج یابد و اگر بید بود شفا یابد و اگر اوام وار بود و اوامش گذر شود  
 و اگر بید که دست و روی نداشت نماز میکند و دلیل که ویش ضعیف باشد و مالی که دارد از دستش برود مغربی رحمه الله  
 علیه گوید اگر بید که هر دو دست و روی می شست دلیل که از دوستان خود یاری خواهد و اگر بید که دست و روی می شست  
 و او را حدیثی بدید و وضویش باطل شد دلیل که در کار و کسب خود چهارم کرد و اگر بید که او را حدیثی و دیگر در وضو  
 شست و نماز فاخر و آمان از تمام نکرد و دلیل که عمرش با خیر رسیده باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بید که کسی دست  
 و روی او را شست و او تامل در آن میکرد دلیل که مرادش حاصل آید و سینه در خواب بر دوازده بهتر از زمان باشد ابن سیرین رحمه الله علیه  
 علیه گوید اگر بید که سینه از آهین در دست داشت دلیل که او را توانگری و قوت بود بر دشمن ظفر یا بد خاصه که سینه از پودا  
 و اگر سینه زیرین یا سپین باشد تا ویش چون دست او بختن بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سینه در خواب بر سه  
 وجه بود یکی قوت و توانائی دوم ظفر یافتن بر دشمن سوم نظام کارهای و نیادی دشمن اگر بخواب بید که او بر دشمن غلبه کرد  
 و دلیل که مرادش حاصل آید و اگر دشمن بروی غلبه کرد تا ویش بخلاف این بدو و اگر بید که دشمن او را بخزد و دلیل که در بلا و مصیبت  
 افتد و به بایکرون تا بلا دفع شود حضرت جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دشمن در خواب بر سه وجه بود یکی بختی کارها  
 دوم غم و اندوه سوم خسران مال و ششام ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بید که کسی او را دشنام میداد دلیل که او را

دست

دست

دست

دست

دست

دست

شکی بود و آنکس بر دهنده خلف را بدگرانی رحمة الله علیه گوید اگر میند که کسی در دهنده او دلیل که آنکس بر وی چیره و کارگاه  
 شود و عاگردن این سیرین رحمة الله علیه گوید دعا کردن در خواب روانی حاجت بود اگر میند که خود را دعا کرد و آفرینش مست  
 دلیل که خانه و کارش بخیر بود و حاجتش بر آید و اگر میند که مصلحی را دعا کرد دلیل که نظم و فساد نکند و امر معروف بجا آید و در  
 میند که حلقه را میگرد و دلیل که نیکو خلق بود و حاجت های وی روا گردد و اگر میند که دعاء خاص میخواند دلیل که فرزندان آید و قوله  
 لا اله الا انت خفیا کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر میند که در تاریکی دعا میخواند اگر مصلح و پارسا بود دلیل که تحقیق او را  
 بسیارزد و حاجت وی روا گردد و اگر میند که آن خواب معسده بود او را توبه دهند و اگر کار بود اسلام آورد و وف زون این  
 سیرین رضی الله عنه گوید زون در خواب دلیل امر معروف کردن است و اگر میند که دف میزد دلیل که ترک کار صلاح کند  
 کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر خواب میند که دف زو است و دلیل که زنی بدکار بخواجه جعفر صادق رضی الله عنه گوید آواز دف  
 در خواب شنیدن نشاید بود و چون از کنیزکی وزنی شنود بهتر بود اگر از مردی شنود دولت و بزرگی یابد و چون از جوانی شنود  
 دلیل ظاهر شدن کار با باشد و لالی کردن این سیرین رحمة الله علیه گوید و لالی کردن در خواب بر چهار وجه بود یکی تعصیت  
 کردن در میان مردمان دوم راه راست سوم کردار نیک چهارم امر معروف بجا آوردن و لالی مردی بود که رهنمای مردمان  
 باشد بخیر و اگر کسی خواب میند که لالی میکند و دلیل که راه خیر نماید جعفر صادق رضی الله عنه گوید و لالی کردن در خواب بر چهار وجه بود  
 که بالا ذکر رفته است اول بدانکه دل پادشاه شهرت است و تن بفرمان او قایم است و دل خزانة عقلست در نهان و حکما  
 این سیرین رحمة الله علیه گوید دل خواب دیدن جمیع کردن مالیت که بوی رسد و اگر میند که دل بیرون از تن وی بود دلیل  
 صلاح و نیکوئی بود قوله تعا اذا فزع عن قلوبهم قالوا ماذا اقال ربکم قال الحق اگر میند که دل وی تنگ شد دلیل که کار  
 مردی دشوار شود و اگر میند که دل او شادمان بود دلیل که کار بار مردی کشاده گردد و اگر دل با فرو بسته میند دلیل که کار گناه توبه  
 کرد قوله تعا اقل کینک تبون القرآن اهل علی قلوب اقلط اکر دل از بر دست نهاد و میند دلیل که بیمار گردد و اگر میند  
 که دل بیرون دست گرفته بود دلیل که کارهای وی برای کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر میند که دلش در میگرد و دلیل که مالش زیاد گردد  
 و اگر میند که چشمهای دل می کشاده بود دلیل که کارهای هر دو جهان راغب و حریص بود و اگر میند که ازون سی خون بیرون می آید  
 دلیل که از کار ناگردنی توبه کند و بخواند یا بر تعالی باز گردد و اگر میند که ازون سی صغیر بیرون آمد دلیل که بیمار شود و اگر میند که بر دل  
 خشتی رسد دلیل که بغم شود و اگر میند که ازون سی گوهر بیرون آمد و آن گوهر ازون سی فکند دلیل که کار فرود و اگر میند که گوهر ازون سی  
 بود و دلیل که باز مسلمان گردد و اگر میند که گوهر ازون سی بر او رو کرد و او را بد بسته بود و مر و اید بر زمین ریخت و گوهر فرو خورد دلیل که ترک  
 خج نماز بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر میند که دل او باره باره شده دلیل که دل را به وسای محال مشغول گرداند و اگر میند که دل وی  
 روشن و مشور بود دلیل بر صلاح دین کند و اگر میند که دلش تاریک بود تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن  
 دل در خواب برده وجه بود یکی مال دوم بایست سوم فرزند چهارم شجاعت پنجم جانمردی ششم حرص هفتم فتنه هشتم شهادت نهم بنمان

در خواب دیدن  
 دل

دل

دل

دل



در خونیست  
در خونیست  
در خونیست  
در خونیست

احوال خویش و نبال ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر میند که چون اسب خرو کا دوم داشت دلیل که مالش زیاد و گرو دوزن کافی او  
براحت کرد و او را در راه دین ست بود و اگر میند که دم او چون دم سگ یا چون دم کرک یا مشتال بود دلیل مال حرام یا بد و دم او را  
نکند و اگر که در دست دم سب یا کا و یا خرو داشت دلیل که بقدر آن مال نعمت یا بد و اگر میند که در دست او دم حیوانی بود که گوشت  
او حرام بود و دلیل که مال حرام یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید و نبال خواب دیدن چهار وجه بود یکی بیع دوم باران سوم مال  
چهارم راحت و عیش و شغل ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب ببیند که نخل داشت دلیل که مالش زیاد شود و بقدر نخل اگر میند  
وی شکافت و خون آمد دلیل که چندی از مال می تلف شود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر میند که از نخل خون و عرق می آید و می کشد  
که بقدر آن مال حرام یا بد و اگر میند که دار و بنخل نهاد و جامه از خون بشت دلیل که انعام تو به کند و نه بد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید و نه  
در خواب بدنه مال بود که یکی نگه میدار و یا مال آن بود بر قیاس زیادت و کمی او و اگر میند که در نه جامه میخورد و دلیل که مال شبهه خور و اگر  
میند که در نه جامه میخورد و دلیل که دشمنش از مال می بخورد و گمانی رحمه الله علیه گوید اگر میند که او را چون گوشت خند و نه بود دلیل که او را فرزندی  
که خداوند دولت اقبال بود و دوزی فواج کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید و نه در خواب دیدن بدنه زرد بود و دندان و نیال عسید  
گوید دندان در خواب دیدن ابرو خاندان بود و دندانهای بالا و پایین بر زمین بود و دندانهای زیرین دلیل بر باد و دزدانهای پنهان  
و دلیل بر فرزندان و برادران و خواهران بود یا پدر و مادر و دندانهای که بر جنب آن باشد دلیل بر عجم و غلامان بود و دندانهای سپین  
و دلیل بر خوششان و دور بود و سفیدی و پالیزی دندان و دلیل بر قوت و جاه و اهل بیت بود و بعضی معتبران گویند که دندانهای پیشین  
از سوی رست است و دلیل بر پدر و خوششان او بود و آنچه از سوی چپ است دلیل بر مادر و خوششان او بود و اگر میند که دندانهای پیشین  
همی چند دلیل برین جماعت که وصف کردیم یکی بیا کرد و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب ببیند که دندان پیشین آویز است یا بر  
کمان یا بر زمین هست و بجا آنکه ده نکشت و دلیل که او را فرزندی آید یا برادری یا خواهری و اگر میند که دندان می درختان هست  
یا صنایع شد دلیل که از ایشان که گفتیم یکی میرود و اگر میند که دندان وی بشکست یا پوسید شد دلیل که از اینها که گفتیم یکی رافتی  
رود و اگر میند که دندان پیشین او گوفته شد دلیل که او را با چنین کسان خصوصت افتد و اگر میند که از دندان یکی چند دلیل که با چنین  
او رنجی زشت بگوید و از وی مفارقت جویند و اگر میند که دندان پیشین وی زیاد شد دلیل که از اینها که گفتیم یکی در خرمی است  
باشد و اگر میند که جنب دندان از دندان دیگر برست اگر از زیر بود و دلیل که او را دشمنی آید و اگر از بالا بود و دلیل که او را پسری آید و اگر از  
که دندان پیشین خود بر کند دلیل که تاوان خود از اینها که گفتیم بستاند و اگر میند که جمله دندان میفتد و در حال پدید شد دلیل بر هلاک اهل  
خان و دندان او باشد و اگر میند که دندانها بر کف دست یا در کف دست افتاد و دلیل که اهل خانه دانش بسیار کردند و اگر میند که همه دندان او را  
ازیر بود و اگر میند که خا بل صلاح بود و دلیل بر خیر و نیکوئی او بود و اگر از اهل شر بود و دلیل بر شر و فساد او بود و اگر میند که دندانهای او  
ایازا بگشاید بود یا از سفال دلیل بر هلاک او بود و معتبران گویند که افتادن دندان گذاردن و ام بود و بعضی گویند و دلیل بر جنگ و خصم  
کند گمانی رحمه الله علیه گوید و دندان بالا که در مقابل چشم است دلیل بر زمین کند و دندان زیر دلیل بر باد وینه کند و اگر میند که جمله

در خواب

جمع

در خواب

در خواب

و نداناش در کمال افتاد و جمله در کف دست گرفت دلیل که خویشان خود را جمع کند و نگذارد که از وی جدا شوند و اگر ببیند که از  
 ندانها بوی خوش می آید دلیل که خویشانش نیکو بیند و اگر بخلاف این ببیند دلیل که عیبت وی کنند و اگر ببیند که ندانها شکر و میگرد  
 و لبین بر عظم و اندوه بود و اگر ببیند که ندانها شکر بود و دلیل آنکس که بدان مشوب بود و بیمار گردد و اگر ببیند که ندانهای او سبزه شده  
 و دلیل که او را غم داند و در رسد و اگر ببیند که ندانها شکر افتاده بود و زکوة پاره بسته دلیل که عیش در از کرد و چنانچه همه خویشان خود را  
 کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که ندان وی در و میگرد و بدست خود بر کند و بهر دو دست گرفت دلیل که مال فراوان پاید  
 و اگر ببیند که از ندان کسی در دانی خون آلوده بدست گرفت دلیل منفعت و را بود که ندان بر گرفت اما او را مصیبت رسد و اگر ببیند  
 که بعضی از ندانها پدید شد دلیل که بعضی از خویشان وی بخریبست روند و بسلاطت بآیند و اگر ببیند که ندانهای او در میان با  
 جمع شدند و دیگر مردانی بجای خود باز شد دلیل که از خویشان متشکی باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید ندان در خواب شکر  
 بود یکی ابل بیت دوم مال سوم منفعت چهارم غم و اندوه پنجم مفارقت ششم مصرت و مان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ندان  
 و در خواب کلید کار و اموال خانه کاروی و هر چه از زبان بیرون آید دلیل بر جوهر و کلام بود و اگر نیک باشد و اگر بد باشد  
 و در دهن بود و دنیا وی بود و اگر آن بکر است و ندان بود دلیل بر محنت و رنج بود و در معیشت و آنچه در دهن شیرین بود و دانه  
 فرود دلیل بر معیشت و در جت و عیش بود و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که ندان وی سخت بسته بود دلیل که هلاک شود  
 و اگر ببیند که ندانها از او جدا گندم آید دلیل که اجلش نزدیک آمده باشد و اگر ببیند که ندان او فراخ شد چنانکه طعام بسیار  
 در و کنجید دلیل که بقدر آن او را نعمت و روزی برسد و اگر ببیند که ندان او نیک بود دلیل که سخنانی می گویند و اگر ببیند که گشت  
 او بیفتاد و دلیل که در دانهایی رسد و اگر ببیند که از ندانها شکر بیرون آمد دلیل که با کسی گفتگوی کند و سبیل شکر رحمة الله علیه گوید  
 اگر ببیند که از ندانها شکر بیرون آید یا جانی بیرون آمد دلیل که یکی از عیال او جدا شود و اگر ببیند که از ندانهای بیرون آمد دلیل  
 که هر چه بجای برده باشد بسبب منت نهادن باطل شود و اگر ببیند که از ندانهای مراد پدید آمدن افتاد و مردم بر میگرددند و دلیل  
 مردم از عظم وی بهره یابند و اگر ببیند که از ندان خود پیدای می انداخت و مردم از آن میگردند و دلیل که شاعر بود و مردم را بجا  
 و اگر ببیند که کسی در ندان وی مهر نهاد و ندانست که کیست دلیل که رسوا شود و قوله تعالی الیوم نحکم علی افعالهم و نتکلم  
 انکیم انکم و تشهد اوجالهم حافظ میر رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که چیزی خوب از ندانهای بیرون آمد دلیل که شخصی گوید  
 نیکو منی دارد و اگر بخلاف این ببیند تا ویش بخلاف این بود و اگر ببیند که چیزی در ندان نهاد و آن چیزی نیکو بود دلیل که چیزی حلال خورد  
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید ندان در خواب بر هفت وجه بود یکی منزل دوم خزانه سوم گشایش کار چهارم مال جم  
 حاجت ششم وزیر هفتم در بان و بل زنون ابن سیرین رحمه الله علیه گوید در ندان در خواب کلام باطل خبر کرده و دروغ  
 و کارهای سپید روشن بود و تاویل این جمله زنده دلیل بد باشد اگر ببیند که با دلیل نای زنده و پایی گرفته دلیل غم دانه بود  
 و اگر ببیند که دلیل تنها میزند دلیل که کلام باطل بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید در ندان در خواب خبرهای مختلف بود و در

هیچ فایده نبود و بطریق مانی رحمت الله علیه گوید بطریق خانه خادم بود اگر بینه که در منزل باوان بود و نیکو بود و دلیل بر تقدیر استی بود و خادم خانه بود اگر بینه که در بطریق خراب استی بطیش بخلاف این بود مغربی رحمت الله علیه گوید اگر بینه که در بطریق خانه را دیوار داشت و کل بود دلیل که اگر اکل بود خادم خانه معصوم و بیدین بود و دوال ابن سیرین رحمت الله علیه گوید اگر در خواب میزد و دوال را در لیل خیم و منقبت بود و بعد از حقیقت آن جانور که دوال را بدوستی بود یا بدو اگر بینه که دوال یا به پاره کرد یا صنایع شد و دلیل که بعد از حضرت بنی مغربی رحمت الله علیه گوید اگر بینه که دوال بسیار داشت و آن دوالها از بدوست جانوری بود که گوشت وی حلال است و دلیل که مال حلال یا بدو اگر بخلاف این میزد و دلیل که مال حرام یا بدو و خشن جامه ابن سیرین رحمت الله علیه گوید اگر در خواب میزد که جامه خود میدوخت و دلیل که کارش بر او شود و حالش اصلاح آید و اگر جامه عیال خود میدوخت همین تاویل دارد و اگر بینه که جامه زن میزد و دلیل که عینی و زبانی بدو رسد و اگر بینه که جامه مردی میدوخت دلیل که خیر و نیکی میزد و اگر بینه که سوزن در دست و جامه تمام دوخت و دلیل بر شغلی که میزد که تمام کند و اگر بینه که جامه دوخته در خانه بسیار داشت دلیل که شری فی فسخ کرده و مال تمام از میراث یا بد مغربی رحمت الله علیه گوید اگر بینه که پیراهنی از بهر خود بدوخت و تمام کرد و دلیل که با عیال سازگار بود و اگر بینه که شلوار می بدوخت و نیفته آن تمام نکرد و دلیل که زنی خواهد و عاقبت از وی جدا شود و اگر بینه که قبا بدوخت و دلیل که بختی مشغول گردد و اگر بینه که جامه عیال میدوخت و دلیل که گفتگوی عیال در اندازد شود و اگر بینه که از بهر جامه رشته میزد و دلیل که عیال از جای بجای تحویل کند و اگر بینه که از بهر عیال خود جامه ابریشمین و دوخت دلیل که غمگین کرد و دوخت کتانی اندوخته یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید در خواب دیدن کسی بود که کالای پرکنده بدست وی جمع شود و باصلاح آید و دو و این سیرین رحمت الله علیه گوید و در خواب با و شاه شکر بود اگر بینه که از جانب شرق یا مغرب و دوی عظیم بود و دلیل که مردم آند یا از بدوست یا دشمن جو رسد و ستم کشد و اگر بینه که در دود در عالم بر خاسته بود و آتشش با نه میزد و دلیل که غفنه در عالم افتد مغربی رحمت الله علیه گوید اگر بینه که در شهری یا در ولایتی بی آنکه آتش بود و دود بود و دلیل که آن موضع را از حق سبحانه و تعالی بیم بود و اگر بینه که از خانه یا از دکان وی دو دومی آید و دلیل که با و شاه ظالم او را مضرت یا مصداق کند و مال وی زبردستاند و خوش این سیرین رحمت الله علیه گوید اگر بینه که در دوزخ بود و بیرون نیامد و دلیل که جامی و بد کردار باشد تو به باید کرد و اگر دوزخ را دید و از آن فرزدی بوی نرسید و دلیل که در پنج و غم گرفتار آید و عاقبت سلامتی یا بدو اگر بینه که در دوزخ معقیم بود و ندانست که کی انجا رفت و دلیل که پیوسته در دنیا در پی روزی بود و اگر بینه که طعام و شراب سهل و دوزخ میخورد و در آتش میسوخت و دلیل که در دنیا کردار بد و در آخرت وبال بود و اگر بینه که فرشته از سوی پیشانی او را گرفت و در دوزخ انداخت و دلیل که بعینه خواب را علامت بد باشد که مانی رحمت الله علیه گوید اگر خود را در دوزخ میزد و دلیل که بر گناه کردن و دلیر بود و اگر بینه که از زقوم و جیم خود و دلیل که بعلی بل و جمول مشغول گردد و اگر بینه که شمشیر بر کشید و در دوزخ رفت و دلیل که سخن فحش و منکر گوید و اگر بینه که در دوزخ چیزی میخورد و دلیل که مال میزد و با خود و اگر بینه که نزدیک دوزخ آتش می افروخت و دلیل که کاری صحب از پیش آید مغربی رحمت الله علیه گوید



یا از آن باشد که خزانه خود بسازد اگر بیند که پادشاهی یا بزرگی ویران و لایمی داد و دلیل که از پادشاه یا از خانه خود بسازد  
 و اگر بیند که از دولا بکسب بخورد یا جمع میکرد دلیل که از خزانه دار او منفعت رسد و لوگرافی حتمه الله علیه که بدو در خواب مرگ  
 بود که مالها را شناخته بیرون آورد و اگر بیند که دلو پر آب کرد یا بدلو آب میکشید دلیل که بقدر آن مال برنج و سختی بدست آورد و اگر  
 و اگر بیند که دلو پر آب صافی داشت یا کسی بوی داد و دلیل که او را مالی آسان بدست آید و اگر بیند که بدلو آب از حوی بر میگرفت دلیل  
 که بقدر آن مال باید و آن مال بکر و خیل بدست آورد و اگر بیند که آب از دلو بر زمین ریخت دلیل که مال بگیری خرج کند جعفر صادق  
 رضی الله عنه گوید اگر بیند که دلو بزرگ داشت یا کسی بوی داد و دلیل که با مردی مالدار دوستی کند و از وی منفعت یابد  
 و او است این سیرین حتمه الله علیه گوید اگر بیند که دواتی داشت یا کسی بوی داد و دلیل که با کسی از خویشاوندان خویش خصوصاً  
 و اگر بیند که بدوات می نشست دلیل که بدی از وی بکفایت رسد و اگر بیند که دوات شکست یا بدزدید یا ضایع شد دلیل  
 که زن بیوه بکر است بخا هد و اگر بیند که بقم سیاهی در دوات میکرد دلیل که او از زندگی زن بیوه منفعتی رسد و الله علیه که بدو اگر  
 که دوات زین بود دلیل که متفکر شود و اگر بیند که دوات سیم بود دلیل که زن خواهر یا کتیری خرد و اگر بیند که دوات برین  
 بود دلیل که منفعت یابد و اگر دوات آهنین بود دلیل که در کار با حوت یابد و اگر دوات مسین بود دلیل که چیزی کمتر بوی  
 و دیدن این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که میدوید یا ستور میدواید دلیل که بسفر رود و هر چند و دیدن او بند  
 تر بود سفرش دور تر بود و اگر بیند که بر سبب بالائی سوار بود و میدوید دلیل که با عیال بسفر رود و مال یا بد مغربی حتمه  
 الله علیه گوید اگر بیند که در دودین بر کسی سبقت گرفت دلیل که بجز مال از وی سبقت گیرد و اگر بیند که در دودین مانده شد  
 و آرام گرفت دلیل که دنیا را ترک کرد و قانع گردد و سیاه بن سیرین گوید در سیاه و خواب خیر و صلاح این جهانی بود و اگر زنان  
 بیند بهتر بود و اگر مردی بیند که قیامی و سیاه و پریشان پوشیده بود و غرا کرد و دلیل که غر و جابه یابد و در دین و دنیا مغربی حتمه  
 علیه گوید اگر زنی بیند که جبه و لاجه اطلس سبز پوشیده بود و دلیل که آن زن دیندار و با پاینت بود و اگر بیند که اطلس سفید پوشیده بود دلیل که  
 او کند و اگر اطلس که بود و دلیل که از مصیبت رسد و اگر بیند که اطلس سیاه بود و دلیل که اندوگین گردد و در دنیا با ف در خواب مردی  
 مسافر بود با صلاح دنیا و خدا و دین و تاویل پریشان چون تاویل دیا بود و یک این سیرین رحمه الله علیه گوید و یکت  
 و خواب زن بود و معبران گویند که و یکت که خدای خانه بود و اگر خواب بیند که و یکت فر گرفت یا کسی بوی داد و بر آتش نهاد  
 و خوردنی می بخفت دلیل که بسبب کاری از پادشاه مال و منفعت بدو رسد و اگر بیند که و یکت سین یا و یکت سنگین داشت  
 دلیل که بقدر قیمت و یکت فائده یابد و اگر و یکت سفالین بود و دلیل که کاری کند که بدان کار از مهر خانه چیزی بوی رسد  
 و اگر و یکت بر آتش نهاد و در وی هیچ طعام نبود و دلیل که مردی را کاری بدارد که در آن کار او را اگر است باشد که مافی رحمه الله  
 علیه گوید و یکت در خواب که خدای خانه یا که با نذ بود و اگر بیند که در و یکت گوشت و خوردنی بود و دلیل که روزی بی بی بوی رسد  
 و اگر بیند که و یکت وی شکست و دلیل که که خدا که با نذ بود و سیرین جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن و یکت در خواب

یا از آن باشد که

و او است این

و دیدن این

و اگر دوات

مسافر بود

در خواب

بروید

و

برنج و جود بودی که خدای خانه دوم که با نوسوم رئیس چهارم خادم چشم سوخت بر جای و یکدان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که  
در خواب بروید و جود بودی که خدای دوم که با نواگر خواب بیند که یکدانی فرا گرفت یا کسی بوی داد و دلیل که که با نوازی بخانه آورده و اگر زنی  
بیند که یکدان شکست دلیل که که خدای خانه سیر و مغربی رحمه الله علیه گوید که یکدان که خدای خانه بود یا مردی قوی حال که از کسی  
از اندیشه و نیار و انیال علیه السلام گوید که اگر سید در دست و نیار داشت که بعد و پیش از چهار بود و دلیل که او را که هست رسد یا سختی  
شد و که ویرا دشوار آید ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خنجه در دم باشد دلیل که کاری پسندیده و نیکو کند و اگر با وی یکت و نیار بود  
یا هزار و نیار دلیل که عملی اختیار کند که او را مال حاصل آید لیکن عدد وی باید که جفت بود و اگر بیند که و نیار کسی و او یا ضایع شد  
و دلیل که از جهت فرزندان او مصیبت رسد و اگر بیند که و نیار مای بسیار داشت دلیل که برخی بوی رسد و مقبران گویند که و نیار در  
خواب مانده بود و گذاردنی قوله تعالی وَفَتَنَاهُمْ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِمْ أَكْثَرَ لَيْلٍ لِيُفَتِّنَهُمْ أَلَيْسَ الْيَقِينُ أَنْ تَأْتِيَهُمْ الْغَنَاءُ وَفَتَنَاهُمْ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِمْ أَكْثَرَ لَيْلٍ لِيُفَتِّنَهُمْ أَلَيْسَ الْيَقِينُ  
و دلیل که هیچ نماز فرضیه بجای آرد و اگر بیند که و نیار مای بسیار داشت و بجای محکم بنا و دلیل که امانت سمانان نگه دارد و اگر بیند که و نیار  
فتنت کرد و دلیل که میان مردم امر معروف کند و امانت گذارد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که یکت و نیار یافت و دلیل که مردی  
قبایل نویسنده زهر افشانی که بد و بسیارند و بسیار بود که در خواب و نیار باید و در بسیاری هم و نیار باید با معجیل شست خمره الله علیه  
که و نیار در خواب دیدن دین بود و راه راست مادم که بدان و نیار صورت نقش نگه داشته باشد اگر بیند که و نیار داشت و یکت و پیش  
نام خدای عزوجل بود و بر روی دیگر صورت اگر بیند که صاحب خواب سلطان بود و دلیل که مرده شود و اگر کافر بود و مسلمان شود و جعفر صادق  
رضی الله عنه گوید و نیار در خواب برنج نماز بود اگر بیند که بعد و جفت بود و دلیل که دین پاک و علم با منفعت بود و اگر بیند که بعد و جفت  
بود و دلیل بخلاف این بود حافظ معبر رحمه الله علیه گوید و نیار در خواب زن و فرزند و کنیز بود و و نیار بسیار و دلیل بر مانی بود که برنج  
و خصوصت بدست آرد و به ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که در وی بود و نام آن دیده نماند دلیل خیر و نیک بود  
و اگر نام آن دیده و اند دلیل بر بدی باشد و اگر بیند که از دیده بیرون آمد و دلیل بر نیکویی باشد و اگر بیند که در وی رفت و دلیل بر بدی  
باشد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که از شهری پدیده آید و آن شده که در وی نعمت بود و دلیل بر خیر و برکت و خوشحالی  
کند و اگر بخلاف این بیند دلیل بر شر و آوار بود و اگر خواب بیند که در وی کشیده بود و دلیل بر خیر بود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر خواب  
بیند که کسی در وی مجرول بوی داد یا خنجر یا عمارت کرد و دلیل که بقدر عمارت و در خیر و منفعت بیند و اگر بخلاف این بود و دلیل  
مضررت یا بد و لیو ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که دیوار حال بیند خواب باشد و اگر بیند که دیوار محکم و نیکو بود و دلیل بر نیکویی  
حال او بود و در دنیا و اگر بیند که دیوار کهنه بود و خراب سیکر و دلیل که مال باید و اگر بیند که دیوار نو بود و خراب سیکر و دلیل بر غم و اندوه  
بقدر خرابی و دیوار و اگر بیند که دیوار سست و تنگ بود و دلیل که حالش در دنیا ضعیف گردد و اگر بیند که دیوار بر پای بود و دلیل که  
حالش مستقیم باشد و اگر بیند که دیوار آویخته بود و دلیل بر پرگندگی احوال و زوال عیش و لذت و اگر بیند که دیوار پیچیده و دلیل که در غیبت  
و صنعت پیچیده گمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که دیوار شهر یا دیوار مسجد جامع پیچیده و دلیل که دلی آن شهر واک شود و اگر بیند که

در خواب

خود و دیوار از گنج خشت کرد و بقول جعفر صادق رضی الله عنه دلیل بر پاک دینی بود و اگر آنرا که و آخبر بود دلیل بر ثباتی حال او بود و در خواب  
 و اگر دیوار از گنج سنگ بود دلیل که بدینا فرشته شود و طالب آخرت نباشد و یوا برین رحمة الله علیه گوید و دیو در خواب شمشیر  
 باشد فریبده و مکار و اگر ببیند دیو او را و سوسه کرد و دلیل که از کارهای ناصواب توبه باید کرد و تا دشمن بر وی ظفر نباشد قوله  
 تعالی ان الذين اتقوا اذا امتهم طائفت من الشيطان تكذروا فاذاهم مبعوضون و اگر ببیند که باو دشمنی  
 او را غلبه کرد و دلیل که دین وی درست باشد و اگر خلاف این بود دلیل از ضعف دین باشد که باقی رحمة الله علیه گوید و اگر دیو  
 خرم ببیند دلیل که بهو او شهوت مشغول گردد و اگر دیو را غمگین ببیند دلیل که لعبادت و صلاح و دین مشغول گردد و اگر ببیند که دیو با  
 ازین وی بکشد اگر عامل بود دلیل که از عمل مغرور گردد و اگر این خواب در مقامی ببیند دلیل که او را مصرت رسد مغربی رحمة الله علیه  
 اگر ببیند که دیو از بی و فرازند و دلیل که دشمن بر وی ظفر بید و اگر ببیند که او بدست دیو سپرد و او را بر دلیل که بر سوانی مشهور گردد  
 و اگر ببیند که با دیو صحبت کرد و دلیل که گناهی بزرگ از وی صادر شود و اگر ببیند که با دیو گفتگو میکرد و دلیل که با دشمن با صلاح می شود  
 و این را تعالی جل و علا را و ایشان بدیده قوله انما النجوى من الشيطان ليخزن الذين آمنوا وليكن بضادهم شيطان  
 الا باذنه و الله اسمعيل شعث رحمة الله علیه گوید اگر بخواب ببیند که با دیو طعام و شراب بخورد و دلیل که برافتن و فساد در راه  
 و یو کند و اگر بخلاف این ببیند دلیل بر خیر و صلاح باشد و قانع راه دین بود و اگر ببیند که دیو را گرفت یا در شکم دیو در رفت دلیل  
 از راه فساد و در شود و توبه کند و بطاعت مشغول گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دین و دیو در خواب بر شش وجه بود یکی در راه  
 دشمن دوم فساد سوم شهوت و مصیبت و هتومی نفس چهارم از طاعت دور بودن پنجم از اهل خیر و صلاح دوری ششم  
 چیزهای حرام و یوا علی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیوانگی در خواب مال حرام بود و بر بینه خواب بقدر دیوانگی که باقی رحمة  
 الله علیه گوید اگر ببیند که دیوانه بود دلیل که مجرم افتد و با خود و قوله تعالی الذين ياكلون التوابا لا يقومون الا كما  
 يقوم الذی یخبطه الشيطان من الناس مغربی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که با دیوانه هم صحبت بود دلیل که با مردی  
 را بخوار مفید صاحب گردد و او را طاعت و بدنامی حاصل گردد و حرف الزال و ذکر و انشای علیه السلام گوید قضیب  
 خواب فرزندی مبارک و نام آور باشد و اگر کسی بخواب ببیند که او را و قضیب بود و دلیل که او را فرزند بود و هم نزدیکی میان  
 یابد و اگر ببیند که قضیب می بریده شد دلیل که فرزندش میرد و اگر ببیند که قضیب و غمی برید دلیل که فرزندش نباشد و اگر ببیند که قضیب  
 وی سست شد دلیل که فرزندش بیمار شود و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید بزرگی قضیب دلیل بر بسیاری فرزند و نام آوری بود و اگر  
 قضیب بخلاف این بود و اگر ببیند که قضیب وی چون قضیبهای دیگر مانند شاخها پدید آمد دلیل بر بسیاری فرزند و فرزند  
 زاوگان باشد و اگر ببیند که قضیب وی مایه برین آمد دلیل که او را دختری آید از نیکه آن زن از گنا روری مشرق باشد و اگر ببیند  
 که از قضیب وی گرید بیرون آمد دلیل که او را فرزند میزد و در این پدید آمد و اگر ببیند که از قضیب او مری بیرون آمد و پیش از  
 آنرا باشد و اگر ببیند که از قضیب او موشی بیرون آمد دلیل که او را دختری نابکار آید که در وی خیر نباشد و اگر ببیند که از قضیب او آب

در خواب

در خواب





که مانی رحمه الله علیه گوید ران راست دلیل بر خوشیشان پدری کند و ران چپ دلیل بر خوشیشان مادری کند اگر بیند که رانی باریک  
 دلیل که از خوشیشان می ضعیف شود و اگر بیند که ران وی بریده شد دلیل که از خوشیشان جدا می شود و اگر بیند که ران وی شکست  
 دلیل که از خستری دل و خوار می بدور رسد و اگر بیند که گوشت رانهای وی افتاده بود دلیل که مال خوشیشان وی ضایع شود و مغز وی  
 گوید اگر بیند که رانهایش بر زمین بسته بود دلیل که از خوشیشان جدا نشود و پیوستگی بین کج کند و اگر بیند که گوشت ران خود پیوسته بود  
 بعد از آن مال خوشیشان بخور و حکایت چنین گویند که مردی پیش ابن سیرین رحمه الله علیه آمد و گفت بخواب دیدم که ران مرا شک  
 شده بود و بر روی موی بسته بود و بکسی گفتم که موی ران من بر تنش ابن سیرین رحمه الله علیه گفت که تو دومی داری و از خوشیشان  
 تو کسی دایم ترا بگذارد و بهم در آغاه کسی از خوشیشان آن شخص پیدا آمد و دو لیست دینار و ام بگذار و جعفر صادق رضی الله  
 عنه گفت دیدن ران در خواب بر چهار وجه بود یکی اهل بیت دوم دوستان که برایشان اعتماد باشد سوم مال چنانچه خشم  
 راه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید راه خواب دیدن دلیل برین استقامت بود و جسوتی در راه دین و اگر بیند که در راه  
 میرفت دلیل که راه دین بود و اگر بیند که گریه می کرد دلیل که قوی را بر راه راست و صلاح دین است  
 کند و راه نماید و اگر بیند که در راه سرگشته و متحیر شد دلیل که در راه دین یاد کار دنیا سرگشته و حیران گردد و اگر بیند که در راه کلا  
 و از راه ببرد دلیل که بعد از آنچه بر دین غرمت کسی دیگر بگذارد و اگر بیند که در راهی میرفت و مانده نمی شد دلیل که حق خود بداند  
 از کسی بستاند و اگر بیند که کسی او را از راه راست بر آید دلیل که بعضی مشغول گردد و از راه صواب دور شود و اگر بیند که  
 بشب تاریک میرفت و راه بر او شکل بود و گمان آن داشت که راه راست است دلیل که استقامت و راه درست یابد و اگر  
 راههای بنیدند و نداند که از کدام راه می باید رفت دلیل که در دین خود متحیر بود و صحبت با مردمان بدوین دارد و اگر بیند که راه  
 بروی مشکل شده و نداند که کدام راه است که می باید رفت و بگوید یا علی و سلم جانب است راست گرفت دلیل که راه حق بروی  
 پوشیده گردد و اگر بیند که بقصد از راه راست میسر رفت دلیل که بر دشمن مکر و حیلت سازد و اگر بیند که راه درست میرفت و از راه  
 حشمت کسی بازگشت دلیل که کاری کند که دین را زیان دارد و بحالات مشغول شود بسبب معیشت خویش و اگر بیند که در راه میرفت  
 و زنی پیش آمد و بسبب از زن از راه گشت و بکسوف رفت دلیل که خلل در دین او پیدا شود و بدینا فریفته شود و مغز او خسته و ضعیف  
 گوید اگر بیند که در راه وی سبزه بود و نباتهای نیکو دلیل بر نیکوئی و پاک دینی وی بود و اگر بیند که در راهی پوشیده همچنان میرفت دلیل  
 که در دین بدعت آورد و یاد کار خود سرگشته شود و قوله تعالی ان هذا صراط مستقیم فاتبعوه و اگر بیند که کسی از راه  
 برود دلیل که برضا و دین وی بود و قوله تعالی من دسلسلها اسمعيل الله الله علیه گوید راه راست در آخر  
 مسلمانان بود و راه کج بخلاف این بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن راه در خواب بر پنج وجه بود یکی دنیا باشد و اگر بیند  
 سوم کار نیکو چنانچه خیر و برکت چشم آسانی و رحمت را بهرن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید راه برین در خواب مردی در آن آمد و پیش از آن  
 کند اگر بیند که راه برین مال وی بسته دلیل که با مردی پیوندد که او را غریزه و لایمی کند و از وی فایده ما. س. اگر بیند که از غضب و آبرو

و اگر بیند که راه زمان بروی جمع شدند و از وی چیزی نتوانستند بردن لیل که اگر بیدار شود شفا یا دیگر مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند  
که راه زمان از وی چیزی نبرد و ندلیل که اگر برهن با وی دروغ گوید و اگر بیند که رهن زمان نگاه او را بردند دلیل که بمصیبتی آلوده گردد  
سفری رحمة الله علیه گوید اگر بیند که راهی نبرد و کالائی کسی را برد و دلیل که آنکس با وی خشم گیرد و اگر خود راه زد و کالای کسی را برد  
و دلیل که آنکس بیمار گردد و شفا یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید راهی در خواب برسته و بجه بود یکی جنگ دوم خصومت دوم  
و دروغ گفتن سیدم تنهایی عیش و بیماری رهبا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید رهبا در خواب دیدن آنچه خوش طعم و خوش بوی  
بود دلیل بر خیر و برکت بود و آنچه بخلاف این بود دلیل بر ضررت و رنج و اندوه بود و بخت رب در خواب چنان شیرین بود دلیل که خیر  
و منفعت بود و چون ترش بود تا و بلیش بخلاف این بود باب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید باب در خواب دلیل سخن  
باطل و لهو و دروغ گفتن باشد و اگر خواب بیند که رب میزد و دلیل که سخن دروغ گوید و کسی را بد و ستایش بد و دروغ کند و اگر  
که در پیش وی رب میزد و دلیل که سخن باطل و رضا دیگر مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بار باب جنگ و چغانه و نامی بود  
و بخیله دلیل بر غم و مصیبت بود و اگر بیند که رب بکشکست یا ضایع شد دلیل که از دروغ تو بگذرد و اگر بیا بیند که رب میزد و دلیل که میزد  
یا بیماری بروی سخت شود و رخسار ابن سیرین رحمة الله علیه گوید رخسار در خواب روشنائی بود و مشرف مردم باشد و اگر  
بیند که رخساره او سرخ بود و پاکیزه دلیل که در میان مردم روشنائی گردد و اگر بیند که رخساره سیاه یا زرد گشته بود تا و بلیش بخلاف  
این بود که مانی رحمة الله علیه گوید رخساره در خواب آرایش مردم و که خدای بود و اگر رخساره چندی بیند دلیل که نقصان که خدای بود  
و اگر بخلاف این بود دلیل نیک که خدای باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید رخساره در خواب دیدن دلیل بر نیکوئی حال و شادمانی  
بود و زشتی رخساره دلیل بر غم و اندوه و بیماری کند ر ز ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ر ز در خواب دلیل بر نیکو کار بود و اگر  
بیند که زری داشت که در رخسار پاکیزه بود و در هنگام وی دلیل که زنی نیکو کار زنی کند و از خیر و منفعت یا بد و اگر بیند که در رخسار  
ر ز راهی بر کن نبود تا و بلیش بخلاف این بود و اگر بیند بر گهای ر ز زرد گشته بود دلیل که بیمار شود و اگر ملکات و نبود تا و بلیش بخلاف  
ر ز کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید ر ز در خواب دیدن برسته و بجه بود یکی زن کریم نیکو کار دوم منفعت سیدم رنج و اندوه  
و اگر ر ز را خواب بیند دلیل بر بدی حال خداوند ر ز بود ر سخیه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قیامت آتش و صفت  
بر خاست دلیل که حقتعالی جل جلاله در آید و عدل بکشد و اگر باد شادان و یا در ظالم باشد دلیل که بلائی و آفتی بدیشان فرستد و اگر  
مظلوم باشد دلیل که ایشان را بر ظالمان نصرت دهد و اگر بیند که اهل آن دیار پیش خداستعالی استاده اند دلیل که خشم خداستعالی بر ایشان  
ستد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قیامت بر خاست دلیل که مظلوم بر ظالم دست یابد و اگر در غم و محنت باشد دلیل که خلاص  
نماید علامتی از علامتهای قیامت پیدا شد چنانچه آفتاب از مغرب برآمد یا جوج یا جال علیه السلام سیاه شد یا  
الهی باز گردد و اگر بیند که بشمار گاه رفت نشان غفلت باشد قوله تعالی اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ  
و اگر بیند که با وی شمار کردند دلیل که او را زیادهای رسد قوله تعالی فحَسْبُنَا مَا جِئْنَا بِهَا حَسْبًا

بک

بک

بک

بک

بک

بک



در خواب

در خواب

در خواب

جنگ و خصومت بود اگر بیند که جامه یا مقنعه خود را زود دلیل که او را با کسی از خویشان خصومت یافته یا دوستی که در وی خیر نباشد  
 کرانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که جامه خود را زود دلیل که از جهت عیال خود غم و اندیشه کند و زود در خواب جداوند  
 جنگ و خصومت بود و بچند کار خود را با صلاح آورد و از خصومت برپا رخص کردن این سیرین رحمه الله علیه گوید پایی که کوفتن  
 در خواب غم و اندوه و مصیبت بود و بعضی معتبران گویند که بیماری بود و بعضی گویند که مر و از آن زمان خلاصی بود که کرانی رحمه الله  
 علیه گوید رخص کردن در خواب زنا را رسوائی بود و مر و از آن مصیبت یا تصوف یا نرا و کسایت که قص بسیار کند و ایشان را غم و اندوه  
 بنود و رقص در خواب بر وی باشد که پیوسته در مصیبت خود و دیگران باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید رخص کردن در خواب  
 غم و مصیبت بود رک کشا و ن این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که او را رک کشا و ن دلیل که از دوستی سختی شود و یا  
 تلف شود و اگر بیند که رک کشا و ن از وی بیرون آمد دلیل که از سلطان و از جهتی رسد و اگر بیند که خون اندک بود دلیل  
 اندک زحمت باشد و بعد از خون زحمت یا بد کرانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عالمی از ارک زد و خون بسیار آمد و در جانی کرد  
 دلیل که بیمار شود و مال خود را در بیماری خرج کند اسامعیل اشعث رحمه الله علیه گوید اگر بیند که رک از دست راست کشا و ن  
 مال و خوشه بود و اگر از دست چپ کشا و ن دلیل بر زیادتی مال و دستان بود و اگر بیند که معروفی او را رک کشا و ن اگر زشت است  
 دلیل که آکبتن شود و اگر آکبتن بود دلیل که دشمنی او و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که رک زد و خون از تن وی بیرون آمد دلیل  
 که او را سختی حق گویند جعفر صادق رضی الله عنه گوید رک زدن در خواب لیل بر چهار وجه بود یکی کشا و ن کار دوم سفر سوم خصومت  
 چهارم از جهت مال انبازی کردن و اگر بیند که رک زد و خون بیرون نیاید دلیل خصومت بود و اگر بیند که خون بیرون آمد  
 در تن خون نماند دلیل بر خصومت بود و اگر بیند که به جراحتی خون آلوده گشت دلیل که چیزی بوی رسد و معتبران گویند که رک زدن  
 در خواب اگر بیند خواب مستور بود دلیل که خرمی و شادی بود و اگر مستور نبود دلیل بر شر و فساد و کدر رخص این سیرین رحمه الله  
 علیه گوید بر گماعتن و دلیل بر اهل بیت و خویشان بود اگر بیند که رک را از اندام وی آفتی رسید دلیل که خویشان وی غم و اندوه خورد  
 و هر یکی که معین است که یکی تعلق دارد بر گماعتن و دلیل بر معتبران کنند و گماعتن دست و بازو دلیل بر فرزندان و بر گماعتن  
 دلیل بر خویشان مادر و گماعتن پشت دلیل بر خویشان پدر کنند و گماعتن سیرین در آن دلیل بر اهل بیت و دستان و گماعتن  
 ساق و دلیل بر مال و منفعت کند و اگر بیند که گماعتن بخشاد و بر پهنار و در برده شد یا خشک شد دلیل که از خویشان وی یکی که  
 تعلق دارد از دنیا برود و بعضی از معتبران گویند که غمی و اندوهی از خویشان وی رسیده باشد که در عقوبت افتد و از خویشان  
 جدا ماند و اگر بیند که کسی او را رک زد و دلیل که از خویشان خود سختی درشت شود و بعضی گویند که بعد از آن خون از وی رفته  
 ل یکی از خویشان خود تلف کند و انبیا علیه السلام گوید اگر بیند که رک قیال بکشد و دلیل که کار وی بسته گردد و اگر بیند که  
 سلیق کشا و ن دلیل بر دل و از وی چون سایل گوید که از رک من خون می آید و دلیل بر که باشد مان یا بد و اگر گوید که از دست من خون  
 میرفت دلیل که او را زبانی رسد و معتبران گویند که خواب نگاه کند و تعبیر بر موجب لفظ او کند و اگر بیند که رک دهنی

بود و دلیل که او را ندیدی رسد رکاب این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخت بید که رکاب ازین جدا بود و دلیل بر فرزند یا نداشت  
 بود و اگر رکاب باین بود و دلیل بر فرزند نبود که در هیچ خیانت نباشد که آنی رحمة الله علیه گوید اگر بید که رکاب ازین جدا بود و دلیل بر فرزند  
 خویشتن بین و شک بر آورد اگر بید که رکاب سیرین بود و دلیل که فرزند کمال نیافر نقیمه شود و اگر بید که رکاب سیرین بود و یا بر بختین  
 فرزند و ن همت بود و اگر رکاب سیرین بود و دلیل که بقدر روشنی و پاکی او را قوت در کار دنیا بود و اگر رکاب او چو بین بود و دلیل  
 فرزند او بد را می و فرود می بود و رکاب دار و در خواب نیکو بود زیرا که او بهر آن نزدیک است رنگها این سیرین رحمة الله علیه  
 رنگ عین نجاب و دین در جامه و غیر آن دلیل بر پاکی دین او بود و رنگ سرخ مردان را که است و رخ بود و زنا را نیک بود و در  
 زنا را و مردان را نیک باشد و دین و دنیا و رنگ سیاه مصیبت باشد که کسی نیک باشد و رنگ کبود زنا را و مردان را نیک باشد  
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید رنگ سبز و سفید و دلیل بر خیر و برکت کند و دین پاک زیرا که لباس این هشت است رو باه  
 این سیرین رحمة الله علیه گوید رو باه در خواب مردی فریبده باشد یا زن یا کثیر دروغ زن اگر بید که رو باه در نبرد بود  
 و دلیل که او را با مردی خصومت افتد و اگر بید که رو باه میحت از پریان و دلیل که ترسند و شود و اگر بید که با رو باه ناید و  
 و دلیل که زنی او را دوست دارد و دوستی او ضعیف بود و اگر فانی رحمة الله علیه گوید اگر بید که رو باهی سانه میگرد و دلیل که با کسی  
 حیلت کند و او را بفریبد و اگر بید که رو باهی پیش او چای پلوسی میگرد و دلیل که غریبی با او مکر حیلت کند و پوست رو باه مالی بود  
 که حیلت بدست آورد و شیر و رو باه نجاب خوردن و دلیل شفا از بیماری بود و شادی از غم و اندوه و خلاصی از زندان باشد و  
 بعضی از متبران گویند که شیر رو باه خوردن دلیل بر بیماری بود یا ترسی که بوی رسد مغربی رحمة الله علیه گوید رو باه در خواب  
 دیدن زن در غلو باشد اگر بید که رو باه گرفت یا کسی بوی داد و دلیل که زنی فریبده و دروغ زن خوابد و اگر بید که رو باه  
 در خانه وی آمد و قرار گرفت و دلیل که زنی خواهد که دوستدار او بود که اگر بید که رو باه از او بگریخت و دلیل که دام دار او بگریزد  
 رو و این سیرین رحمة الله علیه گوید رو و بزرگ در خواب مردی بزرگ بود و اگر بید که در رو و بزرگ صافی شد و دلیل  
 با مردی بزرگ با دیانت پیوندد و از وی خیر و منفعت یابد و اگر بید که از رو و بیرون آمد و دلیل که از بلا و غم رستگار گردد  
 و اگر بید که در رو و بزرگ رفت و آبش تیره بود و دلیل که با مردی بزرگ شکر پیوندد و اگر بید که در آن رو و غرق شد  
 و دلیل که تا مرگ از آن مستگاری یابد و انیال علیه السلام گوید رو و بزرگ و زیر بود و اگر بید که رو و بزرگ خشک شد  
 و دلیل که وزیر معزول گردد و اگر آب رو و زیادت بیند و دلیل که از وزیر عطا یابد و اگر آب رو و تیره بیند و دلیل که مال  
 حرام یابد و اگر آب تلخ بود و دلیل که رشوت ستاند و اگر آب رو و کنه بیند و دلیل که بیمار گردد و اگر آب رو و سرد  
 و خوش بود و دلیل که از وزیر نجات یابد و اگر بید که در جوئی خون بود و میپرست و دلیل که در آند یار خود میپرست  
 بسیار شود و اگر بید که آب رو و سفید و خوش بود و دلیل که مردم عام ثنائی و زیر کویند و اگر بید که آب رو و زرد بود  
 رفت و هیچ نماند و دلیل بر حقوبت باشد و آند یار قولی تعالی قل لا یقیم ان اصبح مما و کم محو و آقن بانی



دلیل که در سفر باشد یا بیمار گردد و اگر بیند که و ماه و روزه داشت دلیل که آنکه تو بد کنده اگر بیند که روزه قطع می شد و دلیل که از بیماری  
میرد و اگر بیند که یک سال تمامی روزه داشت دلیل که حج بگذارد و اگر خواب بیند که روزه عاشوراء و هشت دلیل که از غم و اندوه  
خلاصی یابد و **روستا** ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر در روستا خود را در جایگاهی مجمل دید و دلیل بر سیر نمودن و اگر  
در جایگاهی معروف بیند دلیل نیک نباشد و اگر خواب بیند که از روستا بی شهرستان رفت انشاء الله تعالی و  
و عذاب این گرد و کارش نظام شود و اگر بیند که از شهر بر روستا میرفت دلیل آن بخلاف این بود و سفری رحمه الله علیه گوید اگر بیند  
که در روستائی ملک او بود یا کسی بوی داده بود دلیل که بقدر آن آبادانی روستا خیر و نیکی بوی رسد و اگر روستا خراب بیند تائید  
بخلاف این بود و روستائی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید روستائی در خواب بیند بی روی بود اگر بیند که روستائی در گرفت یا کسی بوی  
دارد دلیل کسی را طعم دین بیاورد و راه رست نماید و تاریکی در خواب گمراهی و بدین بود قوله تعالی **وَلَا يَهْدِي اللَّهُ الْكَاذِبِينَ** و اگر بیند که  
**مِنْ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ** کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که روستائی بسینه افتاده بود دلیل که پارسا و بدین بود قوله تعالی **وَلَا يَهْدِي اللَّهُ**  
**صَادِقٌ** و **لَا يَهْدِي اللَّهُ الْكَاذِبِينَ** و اگر علی بن ابی طالب علیه السلام در خواب بر چهار وجه بود یکی دین هدی و دهم علم سوم راه رست چهارم عفت باطن  
روغن و انبیا علیه السلام گوید روغن در خواب مال لغت بود و بعضی گویند که میراث باشد و اگر خواب بیند که روغن کاود است  
و از آن بخورد دلیل که بقدر آن مال لغت یابد و میان مردم غریز شود و اگر روغن گو سپید بیند بهین دلیل دار و مار و عن کا و بهن  
از روغن و نه و روغن بادام و روغن کجد مال و لغت بود و روغنائی دیگر گرانایه چون روغن بلبان و روغن بنفشه و روغن  
زیتون دلیل که جمله منفعت بود و از بهقان و روغن خرمی و روغن زیتون منفعت باشد از عرب و روغن زکس منفعت باشد  
از روستا ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که همه تن وی بر روغن آلوده بود دلیل که بیمار شود و اگر بیند که روغن بر سر پاشید  
دلیل بر آرایش بود و اگر بیند که روغن خوشبوئی بود چون بنفش و یا سبب دلیل بر آرایش نیا بود و همه روغنها چون خوش بو  
دلیل بر نیکوئی بود و اگر بوی او ناخوش و کسده بود تا وایش بخلاف این بود کرمانی رحمه الله علیه گوید روغن زیت در خواب مال لغت  
بود و اگر بیند که مردی بر سر مردی روغن میمالد دلیل که باوی مکر و حیلت ساز و سفری رحمه الله علیه گوید روغن در خواب بخور  
مالیدن و دلیل که آرایش بود لیکن غم و اندوه بود و اگر بیند که بر روغن سبب چرب میکند دلیل که سوخته بد روغن خرد و سمعی است  
رحمه الله علیه گوید روغن همه تاویل بد بود مگر روغن زیت که بخورون دلیل مال و مالیدن غم و اندوه بود و اگر بیند که جامه او  
بر روغن آلوده شد دلیل که اند و بگین گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید روغن خوش بوی بر شش خورده بود یکی زن خورده  
دوم کمترین سیدم شای نیکو چهارم منفعت پنجم سخنامی خوش ششم طلبهای نیکو و روغن کسده دلیل بر رسته وجه بود یکی زن  
روسی دوم فسق سیدم سخنامی زشت و ناس ابن سیرین رحمه الله علیه گوید روغن در خواب دیدن دلیل که  
دنیا بود و خوردنش دلیل بر حضرت و پنج بود و اگر بیند که جامه خود بر روغن ناس سر کرده دلیل که بعشرت دنیا مشغول گردد

فصل اول در بیان  
در خواب و بیداری  
و در بیان خواب و بیداری

دین فرموده است روحی این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی روی بخواب بیند بجهال تر از آنکه هست دلیل که شرف و شرف او زیاد  
 گردد و اگر روی خود رشت و ناخوش بیند فقرتش کم گردد و اگر مانی رحمة الله علیه گوید اگر گونه روی خود سرخ و پاکیزه بیند دلیل که رویش  
 گردد و اگر بیند که گونه روی او سفید شد دلیل بر قوت دین وی بود و قوله تعالی **وَأَمَّا الَّذِينَ ابْتِغَتْ وَجُوهُهُمُ فَفِي تَحْتِهَا**  
**اللَّهُ فَمِنْهُمْ خِلَافٌ وَنَ وَ** اگر بیند که گونه روی او زرد شد دلیل که بیمار گردد و اگر گونه روی او سیاه بود دلیل که در میان خلق سوا  
 گردد و اگر بیند که با سیاهی روی جانم سفید پوشیده بود دلیل که او را دشمنی آید و قوله تعالی **وَأَمَّا الَّذِينَ ابْتِغَتْ وَجُوهُهُمُ فَفِي تَحْتِهَا**  
**اللَّهُ فَمِنْهُمْ خِلَافٌ وَنَ وَ** اگر بیند که با سیاهی روی او زرد آلوده بود دلیل که مشرک بود و اگر بیند که رویش زرد آلوده بود یا  
 زرد آب از رویش می آمد و او را بروی جراحت بود دلیل که زیان مال او بود و اگر بیند که روی او کج شده بود دلیل بر تنهایی حال وی می  
 و اگر بیند که پیش روی او خال بود دلیل که وادار شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر روی خود را بخواب نیند و آب یا دانه یا کسی  
 او را بگوید که روی تو خوب است دلیل که کار وی نیکو شود و اگر رشت بود تا پیش بخلاف این بود و اگر بیند که روی او سرخ بود دلیل که او را  
 بکسی مناظره افتد و خشم فروزد و اگر روی خود سپید و روشن بیند دلیل که توفیق طاعت یابد و اگر روی خود سیاه بیند دلیل غم و اندوه  
 و مناظره کفر بود و قوله تعالی **وَأَمَّا الَّذِينَ ابْتِغَتْ وَجُوهُهُمُ فَفِي تَحْتِهَا** اگر تفرقه بحد ایمان نیکو و اگر بر روی خود جراحتی بیند  
 که بقدر آن غم و اندوه یابد و اگر روی خود خراشیده بیند دلیل که در کار و کدخدائی بی خلاق افتد و اگر دور روی بیند دلیل بر سخت  
 بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن روی در خواب بر بهشت وجه بود و یکی شرف و بزرگی دوم خدای و حقارت سیوم نظام  
 کار چهارم دین و داینت پنجم اندوه و در سوائی ششم و هفتم نیکوئی ششم توفیق طاعت و یکم اگر بیند که ریحان ریحان سبز  
 و خوشبوی بود دلیل بر فرزند بود و کندن ریحان از زمین دلیل بر سستی و اندوه بود و این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر ریحان در جایگاه  
 خود بیند دلیل که خداوند خواب کارهای نیکو کند و انبیا علیه السلام گوید ریحان بخواب دیدن اگر خوشبوی بود دلیل که خداوند خواب  
 کارهای نیکو کند و توفیق بخیر یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ریحان بخواب بر بهشت وجه بود و یکی زن دوم کمترین  
 سیوم دوست چهارم فرزند پنجم سخن خوش ششم مجلس علم هفتم کردار نیک اگر بیند که در سرائی یا باغ او ریحان بود دلیل بر خیر  
 کند مغربی رحمة الله علیه گوید ریحان فروش در خواب بوقت خود نیکو بود و ریسمان در خواب فرو بود و اگر بیند که از چشم یا موی سر  
 می رشت چنانکه زنان ریسمان ریسند دلیل که کاری حلال کند و اگر ریسمان بچو لایه بر و تا جامه بافتد دلیل که در تدبیر کاری باشد  
 که او را از آن خصوصت بود و اگر مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زنی مانند موی ریسمان از چشم یا موی می رشت دلیل که او را از  
 از سر ناید و اگر بیند که بوقت رشتن ریسمان او گشته شد دلیل که غایش در سفر و یا باز و اگر بیند که ریسمان بسیار رشت دلیل که  
 در آن بود و بقدر ریسمان خیر و منفعت از خویشان یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید ریسمان در خواب بر پنج وجه بود یکی سفر  
 دوم نزد کار سوم عمر و از چهارم منفعت بسیار پنجم حاجت و کسب حلال و یوسس ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بوس  
 بخواب دیدن اندوه بود و بقدر خوردن آن اگر بیند که ریسمان بنیادخت دلیل که از غم و اندوه رسته گردد و اگر بیند که ریسمان

چند

چند

چند



ریش

بود دلیل که حضرت کمتر بود و تقدیر علم ریش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ریش در خواب آرایش مردم که خدای او باشد و خبر کرده  
که حق سبحانه و تعالی را فرشته است که تسبیح او اینست **سُبْحَانَ مَنْ زَيْنَ الْجَوَالِ بِالْحَيِّ وَالْقَسَاءِ بِالْقَوَائِبِ** یعنی پاکست  
آنچه آنیکه بسیار است مردان را بر ریش و زنان را بکین و اگر بیند که ریش او را از شد دلیل که کار که خدای او ساخته کرد و اما چون بداند ریش  
که نشسته باشد دلیل غم و اندوه بود و اگر بیند که ریش خود را با خن بسیار است دلیل که خدای او را بسیار ببیند و اگر بیند که ریش خود را  
که ریش دلیل که حال خود را بداند و نباید و پند شود و اگر بیند که ریش خود بر زمین میکشید دلیل که اجلش نزدیک بود و اگر بیند که ریش او بر  
پهلو دلیل که زبان مال خواست و جاه او بزد و اگر ریش او سپید گشته بود دلیل که بر داری و آهستگی او زیادت شود و لیکن عکس  
و اگر بیند که ریش بدن او می برید دلیل که اهل بیت ویران می رسد و اگر بیند که ریش او از بیماری فرو ریخت دلیل که او را از مرگ  
سفا جات بیم باشد و مان آبرویش برود و اگر بیند که ریش او را نشانه کرد و بخود و گلاب بر ریخت دلیل که شغلی کند که مردم بکنند  
مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که ریش او را از شد چنانکه بخلاف بود دلیل که مال یابد و اگر بیند که دست بر ریش فراگرفت  
و یا ریش بدست او بماند و آنرا بیداخت دلیل که مال از دستش برود و اگر بیند که پاره ریش در چیزی نیفتاد و نگاه داشت  
دلیل که مال نگا بدارد و اگر بیند که ریش او کو چاک و کوتاه بود اگر و ام دارد دلیل که قوتش گذارده شود و اگر غمگین بود دلیل  
که بغم گردد و اگر بیند که ریش او زمین افتاده بود دلیل که میرد و اگر بیند که ریش او کهنه شد دلیل که هر متش سبکبار بود و اگر  
بیند که موی سپید از ریش خود بر کند دلیل که او مخالفت سنت پیغمبر صلی الله علیه و سلم باشد و سبیل اشفت رخ نه نشسته  
علیه گوید اگر بیند که او را در حرم بموسم حج سرتراشیدند اگر و ام دارد دلیل که او پیش گذارده شود و از غم خلاصی یابد و اگر بیند که  
سر و ریش را سبکبار برسد دلیل که حرمت و آبروی او برود و اگر بیند که بی سببی اندک اندک ریش او می افتد و نقصان  
در وی ظاهر شد دلیل که از پنج و سختی فرج یابد و اگر بیند که ریش وی تمام سفید شد دلیل که اندکی در هر متش نقصان شود  
و اگر زنی بیند که او را ریش بود دلیل غمگین شود و کاری کند که ازان رسوا گردد و اگر مردی بیند که او را ریش بر آید دلیل  
که او را بر کفر و زندان باشد و اگر فرزند آید محشم و قوی گردد و اگر گوی نام بالغ خود را بر ریش بیند دلیل که در غم و اندوه است  
و اگر بیند که ریش کسی گرفت و میکشید دلیل که آنکس مال او میراث بستاند جعفر صادق رضی الله عنه گوید ریش در خواب  
برده وجه بود یکی بیج دوم غر و جاه سیدم مرقت چهارم هیبت پنجم مر و ششم نیکی هفتم تر و بیج هشتم مال نهم فرزند  
و هم گوی شدن تو که تعالی **وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ** ما ریش ستردن بواب حاجب از او زندان سازانیکو باشد پاک  
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ریش در خواب سبیل بر صلاح و خیر و منفعت بود و اگر بیند که در میان ریش میکشید دلیل که از هر  
سبب شغلی مشغول گردد و بقدر کم و بیش و اگر بیند که ریش مجوز و یا جمع میکرد دلیل که بقدر آن از مردم خیر و منفعت است  
جعفر صادق رضی الله عنه گوید ریش در خواب بر چهار وجه بود یک مشغول بودن دوم مال سوم منفعت چهارم رفعت  
یکبار ریش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بواب بیند که بر شوی ریشی بود و در آن ریم جمع شده بود دلیل



نسخه  
میر

بر چهار وجه بود یکی غم و اندوه دوم بیماری سیوم مصیبت چهارم خصومت بسبب زبان ژاله ابن سیرین رحمه الله علیه گوید  
اگر بیند که در شهری یا در محلی ژاله می بارد دلیل که مردم آن شهر را از پا و شاه و پادشاه رسد و اگر بیند که باران یا رعد یا برقی  
و یا ژاله بود دلیل که در اینجا قحط و تنگی و مضرت بود که مانی رحمه الله علیه گوید ژاله با باران بخواب و دیدن لیل بر نیت و ترا  
و ایمنی بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید ژاله در خواب دیدن برنج و جبه و بوی با دوم خصومت سیوم لشکر چهارم قحط و تنگی  
بیماری زانو جانور است که در آب می باشد بیماری آنرا دیوچه گویند ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زانو در خواب دیدن  
و دشمن طمع بود و اگر بیند که زانو خون از اندام می مکید دلیل که دشمن بروی چیره گرد و بقدر زنی که خورده باشد زانو  
وی نقصان شود و اگر بیند زانو در گلوئی وی شد دلیل که دشمن از درون خانه با وی مجالست کند و اگر بیند که زانو از  
اندام خود جدا کرد و بکشت دلیل که بر دشمن ظفر باید که مانی رحمه الله علیه گوید زانو عیالی باشد که مال دیگران خورد و اگر بیند  
که زانو بسیاری جمع شدند و خون و پیرامی مکید دلیل که مال وی نقصان شود و بقدر آن خون مغربی رحمه الله علیه گوید  
که زانو بر اندام وی بود و خون می مکید دلیل که از دشمن او مضرت رسد زانو ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اصل  
زانو در خواب معیشت بیند خواب بود اگر بیند که زانوی او قوی و بزرگ بود دلیل که کار وی قوی گردد و عیش و شادی  
فراخ شود و اگر بیند که زانو براه میرفت دلیل که کار او ضعیف گردد و معیشت بروی تنگ شود و اگر بیند که چشمه زانو  
وی ضعیف یا خشک بود دلیل که کار وی تباها گردد و اگر بیند که چشمه زانوی او فاقد دلیل که مایه که دارد از دست و پا  
کرمانی رحمه الله علیه گوید زانو در خواب کسب معیشت مردم بود و اگر بیند که زانوی وی سخنی قوی گشت دلیل که کسب  
و معیشت وی زیادت گردد و اگر بیند که زانوی او ضعیف بود دلیل که کسب و معیشت وی ضعیف شود و منقطع گردد  
مغربی رحمه الله علیه گوید زانو در خواب جایگاه برنج و غنای باشد و جای اندوه و هر چه زیادت و نقصان در زانو  
بیند تا ویش چنین بود که یا در دیم زبا و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که زبا و با خود داشت یا کسی بوی واد  
دلیل که با ادب و فرهنگ بود و مردمان محب و ثنائی او میگویند و اگر که از آن زبا و بوی خوش می آمد دلیل که مردمان  
نکو پیش می کنند و اگر بیند که از آن زبا و بوی ناپسند دلیل که با کسی نیکوئی کند که از او هیچ منت ندارد و اگر بیند که زبا و بوی  
دلیل که فرزندان وی با ادب و فرهنگ باشند جعفر صادق رضی الله عنه گوید زبا و در خواب بر چهار وجه بود یکی ادب  
دوم فرهنگ سیوم نام نیکو چهارم کردار پسندیده زبان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که زبانش بریده  
و ناقص گشت بی آنکه با کسی خصومت داشت و بوقت حجت زبانش بسته شده تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که  
زبانش در طول و عرض زیادت شده بود دلیل که زبانش بوقت حجت زیادت شود و بر جسم روان گردد و ظفر لهید  
و اگر بیند که زبان وی دراز شده بخت دلیل که سخن گفتن دراز شود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که او را در زبان  
بود دلیل که حق سبحانه و تعالی او را علم و دانش عظمی کند و اگر بیند که زبان خود بر پخته سخن نگوید و دلیل که از گفتن بخل

فصل

بجای

بجای

بجای

بجای

شبه کند و اگر بینه که بر زبانش خطا رفت دلیل که سخنی گوید که حقیقتی اجل و علایق در آن رضی نباشد و اگر بینه که کسی زبان در آن  
 وی بناد و دلیل که او را از کسی قوی و محبتی باشد در سخن و اگر بینه که زبان کسی می گوید دلیل که از آن کس علم و دانش حاصل کند و سخن  
 رحمه الله علیه گوید اگر بینه که زبانش گنگ شده بود و دلیل بر ضا دین و دنیای وی بود و اگر بینه که زبان در وی بی بر و دلیل که  
 چیزی بر وی بد و دلیل که بینه که زبان زنی بر وی و دلیل که بیشترش کند و از آنش آشکارا کند و اگر بینه که زبانش کام گرفته بود  
 و دلیل که وادار شود و انیال علیه السلام گوید اگر بینه که زبان می قوی و سست بر شد و دلیل که بر خصم غلبه کند و اگر بینه که زبان  
 ریش گشت و دلیل که بر کسی بهتانی بنده و یا دروغی گوید و اگر بینه که بر زبان می موی برآمده بود و دلیل که از نسب گفتارش در آن  
 افتد و اگر بینه که زبان وی آسیده بود و دلیل که بسبب گفتارش مالی حاصل آید استعیل اشعث رحمه الله علیه گوید اگر بینه  
 که زبان وی ووشلخ شده بود و دلیل که منافق بود و اگر بینه که زبان نداشت دلیل که از همه شملها فرو مانده و اگر کسی بینه که  
 زبان نداشت و بریده بود و چنانکه سخن بر لبش گشت دلیل که شغل وی بدست دلیل بر آید و اگر بینه که زبانش خشک شده بود  
 و دلیل که در میان باشد جعفر صادق رحمه الله علیه گوید دیدن زبان در خواب شش جبه بود یکی حکمت دوم ریاست  
 ترجمان چهارم حاجت پنجم دلیل ششم یار و سخن گفتن در زبانها در حرف سین یا خو هم کرد و بر جبه این سیرین رحمه الله علیه  
 گوید بر جبه در خواب دیدن دلیل بر خیر و عاقبت کند و اگر بینه که بر جبه بسیار و شش دلیل که بقدر آن مال نعمت حاصل کند  
 و اگر بینه که بر جبه از وی ضایع شد و دلیل که در مال وی نقصان شود جعفر صادق رحمه الله علیه گوید دیدن بر جبه در خواب  
 بر سه وجه بود یکی خرمی دوم مال سوم منفعت زبور ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بینه زبور میخواند دلیل که  
 خداوند تبارک و تعالی بازگردود و بجا خیر رغبت نماید و اگر بینه که زبور را بظاهر میخواند دلیل که زهد و خیرات بر او و نفاق کند  
 مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بینه که زبور میخواند دلیل که بکاری مشغول گردد و که از آن منفعت یابد و اگر بینه که زبور میخواند دلیل  
 کار و کردار او نیکو گردد و زبور خال گرفتن سیانک مرغان بود و اگر بینه که سیانک مرغان خال میگرد و دلیل که بکار  
 و در خواب و بیداری از راه تاویل نکو سپیده بود ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی سیانک مرغان خال میگرد و اگر فرد باشد  
 که باطل دنیا مالین بود و در راه دین ضعیف باشد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر کسی سیانک مرغان خال میگرد و اگر فرد باشد  
 و دلیل که نیکو بود و اگر بعد و زوج باشد و دلیل که بیمار گردد و شفا یابد و خمس ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بینه که بر تن  
 داشت و اثر خون پیدا نبود و دلیل که بر زخم زنده خطر یابد و خیر و منفعت یابد و اگر بینه که از زخم او خون روان و اندام او آلود  
 شد و دلیل که مال حرام یابد و اگر بینه که اندامش آلوده نکشت دلیل که زنده او را بجای می یابند و شش مرده و اگر بینه که زخم خود  
 دین او خون آلوده نکشت بقول کرمانی رحمه الله علیه که در مال وی نقصان افتد جعفر صادق رحمه الله علیه گوید زخم و جراحت  
 دیدن بر سه وجه بود یکی خطر یافتن دوم خیر و منفعت سیوم نقصان مال زنون و انیال علیه السلام گوید اگر بینه که او را  
 آزار نماند و نه چنانکه اثر زنون پدید آید یا او سبوتن بسته و چندان زنده که خون از وی بیرون آمد تا ویش بد باشد

ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب ببیند که او را تازیانه زدند و دلیل که مالی حرام بر حاصل او یا خاصه چون ببیند که از آن مال  
 خون آمد و اندام خون آلوده گشت و اگر خشکی بر تن وی پیدا شد دلیل که بقدر آن از هر کسی فایده یابد و بعضی از متعبران گویند که  
 جامه نو پوشد که مافی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که تازیانه بر پشت وی زدند و خون بیرون آمد و دلیل که انگشتان حرام یابد  
 و اگر ببیند که بر پشت خود تازیانه دید و ندانست که او را که زد و دلیل که شغل دین و دنیا وی نیکو باشد و اگر ببیند که تازیانه بر کسی  
 چند آنکه تازیانه پاره پاره گشت و دلیل که اهل خاندان وی پراکنده گردند و اگر ببیند که او را کسی تازیانه بشمار زد و دلیل که او را غمی  
 رسد و اگر کسی در خواب او را تازیانه زد و دلیل که غمگین شود پس بر وی بدین و منافق و اگر ببیند که محبت او را بدتر و بر او دلیل  
 که سلطان او را اعل و هو و کارش نیکو گردد و اگر ببیند کسی او را بکلی زد و دلیل که از انگشت منفعت یابد و اگر ببیند که کوهی بر پشت وی  
 زدند و دلیل که کسی او را خبیث کند و اگر ببیند که طنابچه بر روی وی زدند و دلیل که از کسی سخنی زشت نشنود و مغربی رحمه الله علیه  
 گوید اگر ببیند که مرده او را میزد و دلیل که در سفر منفعت یابد یا مال از دست رفته باز یابد و اگر ببیند که مرده بود و او را میزد و دلیل  
 که قوت دین بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید زدن در خواب بر شش جبهه بود و یکی منفعت و دوم محب و سه سوم روشن شدن  
 کار مشکل چهارم سفر تجم شرف و بزرگی ششم مال حرام زدن بر این سیرین رحمه الله علیه گوید زدن بر خواب دیدن مرد از او دلیل غم اند  
 بود و زدن بر تنی و پسندیدگی باشد و اگر ببیند که زنی یا کسی بوی داد و دلیل که بقدر آن مال وی ضایع شود که مافی رحمه الله  
 علیه گوید اگر ببیند که زنی یا سیم میگذاخت و دلیل که در زمان مردم افتد و اگر ببیند که زنی میزد و دلیل که او را غمی و اندوهی  
 و اگر ببیند که زنی بخوار بخانه برود و دلیل که مال با برده اگر ببیند که زنی میزد و دلیل که بقدر آن مال پشیمان خرج کند مغربی رحمه الله علیه  
 ازین در خواب مرد را زدن بود اگر کسی زنی و سیم بچسباند و دلیل که عز و جاه یابد و اگر کان سیم ببیند و دلیل که دختر بزرگی خواهد  
 و گویند که زنی بخواب مردی باشد و دروغ زن و اگر ببیند که پیش زنی نشست و با وی محالیت میکرد و دلیل که او را بادوغ  
 گوئی سر و کاری افتد زنی و الو ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زنی و الو بوقت خود چون شیرین بود و بزرگ و الوئی که خورد  
 باشد و دلیل که دیناری حاصل کند و اگر زنی او ترش بود و دلیل بیماری و غم بود و بعضی متعبران گویند که زنی و الو بخواب دیدن  
 بود و مال کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که تنه او را بکشت و تلخ بود و دلیل که اندوهی بوی رسد جعفر صادق رضی الله عنه  
 گوید زنی و الو بوقت بیماری بود و بوقت و ترش غم و اندوه بود و اگر شیرین باشد منفعت یابد زنی و الو ابن سیرین رحمه الله علیه  
 زنی و الو در خواب دیدن بیماری بود و از میوه خورد و و جواهر زرشک ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زرشک در خواب اندوه  
 بود و خوردن آن بچنین و اگر ببیند که زرشک از درخت جمع میکرد و دلیل که او را بامریخی خیل خصومت افتد زنی و الو ابن سیرین رحمه الله  
 علیه گوید اگر خواب ببیند که زنی میزد و دلیل که بیماری او پاک بود و اگر ببیند که زنی میزد و دلیل که از بیماری سبب  
 گرد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که زنی میزد و دلیل که مال بسیار بدست آید و بیماری بخورد و اگر ببیند که زنی میزد و دلیل  
 جمع کرد و دلیل که در سفر بیمار گردد و زنی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که زنی میزد و دلیل که از دشمن این را

خواب

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

میند که زره صانع شد دلیل که دشمن بروی چیره گردد و اگر میند که کسی زهری بوی داد و او پوشید دلیل که با او مهر کند یا بفرم کند  
 دشمن با وی یار گردد و بدو نصرت و یی خواهد و بعضی خبران گویند که زره حصن عین است که تانی رحمه الله علیه گوید اگر خواب  
 میند که زره داشت دلیل که او را و این بیت را امینی بود از شر و دشمنان و اگر میند که زره با سلاح پوشیده بود دلیل که از شر عامه و شر  
 این گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید زره در خواب دیدن بر شش وجه بود یکی آئینی از دشمن دوم حصن عین سوم تو حیات  
 مال بجز زندگانی ششم نیکوئی و زره که در خواب مروی بود که مرد و بانرا او آب آموزد زعفران ابن سیرین رحمه الله علیه گوید  
 اگر کسی خواب میند که زعفران داشت دلیل که مردم را بدح و شنگا گوید و اگر میند که زعفران بر تن و جامه او بود دلیل که بیمار شود  
 که تانی رحمه الله علیه گوید اگر میند که زعفران ناکوخته بود که بوی دادند دلیل که زنی توانگر خواهد بود و اگر میند که زعفران بخورد و او را داشت  
 و میخورد و دلیل که او را مال و نعمت حاصل گردد زعفران ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زعفران در خواب دلیل بر پادشاه آموخته  
 کند اگر میند که زعفران طبع او گشت دلیل که او را علامتی باشد و به بزرگی رسد و اگر این خواب زنی آستین میند دلیل که پسری  
 که مقرب پادشاه گردد که تانی رحمه الله علیه گوید اگر خواب میند که زعفران از دست پیر یا از زشت آستین بود دلیل که فرزندی زاده  
 یازد و بنیازد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید زعفران در خواب بر چهار وجه بود یکی متواضع بودن دوم بزرگاری سبوم فرزند  
 چهارم مال زلفت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زعفران در خواب غم و اندوه بود و اگر میند که زعفران داشت یا کسی بوی داد  
 دلیل که بزرگ و اندوه گرفتار آید و اگر میند که زعفران میخورد و دلیل که غم و اندیشه او را از بهر خیال باشد و اگر میند که زعفران بفرخت یا کمائی  
 یا از خانه بیرون رفت دلیل که زعفران و اندوه دستکاری یا بدستکاری محتمل علیه گوید اگر میند که زعفران در جرات متاد و درست  
 دلیل که اگر کسی خیر و راحت بیند و اگر میند که جامه وی بزفت آلوده گشت و دلیل که از وی کاری آید که او را از ان رشتی و بدست  
 حاصل آید زکوة ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر میند که زکوة مال میداد و دلیل که مالش زیادت شود و اگر میند که زکوة فخر  
 دلیل که نماز و زنده و شایع زاده کند و دستکاری یا بدو اگر وام دارد که زاده شود و اگر بهار بود و شفا یابد و اگر دشمنی دارد بروی  
 ظفر یابد که تانی رحمه الله علیه گوید اگر میند که زکوة مال میداد و دلیل که مال او حصن او آید و بلا از وی وقع شود بقیل حضرت رسول  
 الله علیه و سلم حصنوا أموالکم بالزکوة یعنی حصن سازید خود را بر زکوة مال دادن مغربی رحمه الله علیه گوید اگر میند  
 زکوة مال میداد و دلیل بر فرون شدن مال باشد قوله تعالی وَمَا أُوتِیْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ  
 هُمُ الْمُضْطَرُونَ جعفر صادق رضی الله عنه گوید زکوة و صدقه دادن در خواب بر شش وجه بود یکی بشارت دوم خیر و برکت  
 سبوم روشن شدن کار شکل چهارم قضاء حاجت پنجم روشنائی ششم فراغ از غم هفتم زیادتی هفتم ظفر یا ختن بر دشمن شنگا  
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زنگار در خواب دیدن مال حرام بود و اگر میند که زنگار کسی بسته دلیل که بقدر آن مال حرام حاصل  
 و اگر میند که زنگار بر آتش ننداشت نیک افروخت دلیل که با پادشاه معامله کند و از وی فایده یابد که تانی رحمه الله علیه  
 گوید زنگار در خواب دلیل بر مال و خوشه بود و اگر میند که جامه یا اندامش بر زنگار شد دلیل که او را از سلطان مضرت رسد و اگر میند

که زکام میخورد و دلیل که مال حرام خورد و سرانجام او را زپادشاه غم و اندوه رسد زکام ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که  
او را علت زکام بود و دلیل که چند روز بیمار شود و هر چند که زکام بیشتر و بیماری بیشتر بود که زکامی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که او را  
زکام بود و دلیل که بر کسی ششم گیرد و زود و صلح کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که زکام در خواب بر سینه وجه بود یکی بیماری است  
و دوم خشم گرفتن سیدم منفعت یافتن زکام ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زکام در خواب لیل بر گوشش هر دو را از زکام  
و یافتن مال سیاه و شادی بود و اگر بیند که زکام در دست دلیل که بقدران او را مال حاصل آید و اگر بیند که زکام زکام بود و او را  
و بان وی نهاد و دلیل که اگر کسی سخن خوش شنود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که زکام زکام زکام می خورد و دلیل که بقدران مال  
و اگر بیند که باز عفران میخورد و دلیل بیماری بود زکام ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که زمین می جنبید و دلیل که مردم آمدند  
را از پادشاه رنج و علامت رسد بقدربعدین زمین و معقران گویند که آفت مردم رسد و دران و یا بیماری افتد و اگر بیند  
که زمین برگردد و زیر و بالا شد و دلیل که در آند یا رفته و بلا افتد که زکامی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که زمین آهسته جنبید و یک نیمه فرو رفت  
و دلیل که در آند یا پادشاهی آید و اهل آن دیار را عذاب کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن زلزله در خواب نصف زمین فرو رفت  
محنت و بلا فی عظیم اقبال و شاه بود و قول تعالی تحسنا فیها و یک ارض همه حال زلزله در خواب دلیل بر عقوبت مالت  
بود با اهل آند یا زمر و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زمر در خواب لیل بر فرزند و برادر باشد یا مال حلال اگر بیند که زمر و داشت  
یا کسی بوی داد و دلیل که او را فرزندی آید یا برادری که از منفعت یابد و اگر بیند که زمر وی ضائع شد دلیل که فرزندش میرد یا مال  
تلف شود که زکامی رحمه الله علیه گوید زمر در خواب دیدن دلیل بر مذنب دین پاک بود و هر زیادت نقصان که در زمر بود و دلیل  
آن مذنب پاک و بارگردد و مغربی رحمه الله علیه گوید زمر در خواب دیدن سخن نیکو بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید زمر در خواب  
بر پنج وجه بود یکی فرزند و دوم برادر سیوم مال حلال چهارم کینرک پنجم غلام نیکو و هر چند که زمر و نیکوتر باشد از نیکو که گفته شد  
زمرستان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زمرستان و خواب پادشاه بود اگر خواب بیند که زمرستان بود چنانکه فرموده از آن حضرت  
و دلیل که اهل آند یا را زپادشاه مضرت رسد اگر بیند که زمرستان بود و هوا سرد بود و کسی از حضرت سرسید کسی از زانی نهیدت دلیل  
مردم آند یا را زپادشاه خیر منفعت یابند و زمرستان و خواب بوقت خود دیدن دلیل حضرت ظفر باشد زمین و انیال علیه السلام گوید  
زمین در خواب بن بود اگر بیند که زمینی داشت فراخ و نیک و بزرگ خاک پاک و دلیل که او را زنی باشد بشهر صلاح چنانکه میان او را  
او فضل و منزلت باشد بقدربزرگی و فواخی زمین اگر بیند که دران زمین سبز و نبات مجبول بود و داند که از آن او سبب دلیل که آنکس سبب  
مسلمان باشد و سبزه در خواب اسلام بود ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که زمین سبز و نبات بود و جانی معروف بود و دلیل  
او فاضل و دیانت باشد اگر در زمین بنانی نهاد و عمارتی کرد و دلیل که او فاضل دین و دنیا باشد و سرانجام ثواب راه آخرت یابد  
و اگر بیند که او را در میان صحرا زمینی بود و داند بیابان و آن زمین را نشناخت دلیل که سفری دور کند و اگر بیند که زمین میخورد و دلیل  
که بقدربزرگی خاک مال یابد و اگر بیند که زمین فرو رفت بی آنکه چاهی یا مغاری در آنجا بود و آسمان نا پدید شد و دلیل که میرد و دلیل

زکام

زکام

زکام

زکام

زکام

که







و اگر بیند که تن او را از بهر گرندی رسیده یا کس داشت دلیل که بقدر آس او را غم و اندوه رسد و اگر بیند که زهر خورد و دلیل که اگر کسی خشم خورد زهره ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که زهره مردم میخورد و دلیل که خشم خورد و اگر بیند که زهره چهارپای میخورد و دلیل که بدخوی و دشمنی شود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که تن وی زهره مردمان آلوده گشت و دلیل که آزار مردمان چو بدو اگر بیند که تن وی زهره چهارپایان آلوده گشت و دلیل که لباس حرام پوشیده و اگر بیند که تن وی زهره دادن آلوده گشت و دلیل که صحبت کسی دارد که بدخوی و ناسازگار بود و زمین ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که زوین در دست داشت و چیزی دیگر غیر زوین بادی نبود و دلیل که آواز فرزند آید و اگر بیند که بازوین سلاحهای دیگر داشت و دلیل که از پادشاه او را خیر و منفعت رسد و بر دشمن ظفر یا بد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که زوین انداخت و دلیل که کسی را سخن بدگوید و اگر بیند که بزوین کسی را محروم گردانید و دلیل که بر کسی بهتان بندد و نیتون ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زیتون در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که زیتون داشت یا کسی بوی داد و میخورد و دلیل که بقدر آن غم و اندوه خورد که مانای رحمه الله علیه گوید روغن زیتون در خواب لیل خیر و برکت باشد و اگر بیند که روغن زیت می پالود و میخورد و دلیل که بقدر آن غم و اندوه خورد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که زیتون تلخ نبود و با نان میخورد و دلیل که او را منفعت بخنی حاصل شود زیرا باج ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زهره باج در خواب چون ترش نباشد و میل شیرینی دارد و دلیل که خشم و منفعت باشد و چون میل ترشی دارد و دلیل غم و اندوه بود و چون در وی زعفران بود و دلیل بر بیماری بوده بعضی از متعبد گویند که خوردن زهره باج در خواب لیل بر مصیبت و غم و اندوه بود زیرا ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زلیو در خواب گسترده باشد و دلیل بر درازی عمر و ساختگی کار دنیا کند و هر چند که زلیو دراز باشد بهتر بود و چون زلیو پیچیده باشد و دلیل بر نقصان عمر کند و اگر بیند که زلیو ی کوچک نشسته بود و آن زلیو در زیر وی فراخ شد و دلیل که عیش و روزی فراخ شود و اگر زلیو بدست خود پیچید و در کنج خانه نهاد و دلیل که غم و دولت خود را تها کند و اگر بیند که زلیو بر پشت نهاد و دلیل که امانت مردم برگردن وی باشد و اگر بیند که زلیو پیچیده و یکسوی دیگر او دلیل که عمرش با خضر رسیده باشد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که زلیو سبز داشت و پاکیزه بود و دلیل که نعمت بروی فراخ گردد و اگر بیند که زلیوئی که سمنه و دریده بود و دلیل که عیش و روزی دشوار شود و اگر بیند که زلیوئی که مجهول فکته بود و دلیل که آنچه دوست دارد از دست او برود و اگر بیند که زلیوئی که نو بود و داند و در خانه بگستر و دلیل که دولت اش اقبال یابد و عمرش دراز گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید ویدن زلیو در خواب شش وجه بود یکی ساختگی کار و دوم عمر دراز سیوم و روزی فراخ چهارم غم و دولت پنجم دشواری ششم گناه زهره ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زهره در خواب چون بسیار بیند و دلیل منفعت دین و دنیا می وی باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید زهره در خواب چون اندک بیند منفعت کمتر بود زمین ابن سیرین رحمه الله علیه گوید زمین چون بر پشت چهارپای نباشد زن بود و اگر بیند که بر پشت چهارپای بود و دلیل که حکم نیک و بآن بر اکتب باشد

و اگر بیند که زین می خیزد یا کسی بوی داد و دلیل که کینگی بخور و یا زنی بخورده و خداوند مال بسیار شود و باشد که میراث یابد اگر  
 بیند که زین وی شکست دلیل که زن میزد یا میار شود و اگر بیند که زین می بزرگ و سیم آراسته بود و دلیل که زنش خوشترین  
 و مشکبند و اگر بیند که زین وی سیاه بود و هیچ آرایش نداشت دلیل که زنش پارسا و میزار بود و زین کرد خواب زن دلاله بود  
 و دلالی کار بود و الله اعلم بالصواب **حرف السین** نه سار این سیرین رحمه الله علیه گوید سار مرغی است و اگر بخوابد  
 بیند که ساری داشت دلیل که مردی سکار باشد که سفر بسیار کند و اگر بیند که ساری گرفت یا کسی بوی داد و دلیل که با مردی سفر  
 او را هجست افتد و اگر بیند که گوشت سار میخورد و دلیل که بعد از آن خورده بود و او را خیر و منفعت رسد مغربی رحمه الله علیه گوید وین  
 سار در خواب مردی کا فربو که سخن دروغ بسیار گوید و اگر بیند که سار بسیار بروی جمع شده و دلیل که میان کا فزان گرفتار شود  
 سار صحرای این سیرین رحمه الله علیه گوید سار در خواب مردی شجاع و دلیر بود و اگر بخوابد بیند که سار طور داشت دلیل که چنین  
 مردی او را هجست افتد و از وی خیر و منفعت یابد و اگر بیند که سار در شکست یا ضایع شد و دلیل که انچه مردی او را جدائی افتد  
 مغربی رحمه الله علیه گوید سار در خواب مردی بود که کارهای دشوار بسیار و آسان کرد و خاصه که سار طور بزرگ بود  
 سار عد این سیرین رحمه الله علیه گوید سار دست و ست و انبار میزد بود و اگر بیند که سار دستش قوی بود و دلیل که او را انبار  
 و دروستان خیر و منفعت رسد و اگر بیند که سار عدوی شکست دلیل که انبار و دست از وی جدا شود مغربی رحمه الله علیه گوید  
 اگر بیند که بر سار دست و می موی بسیار بود و دلیل که دروستان از وی جدا شود و غمگین گردد و اگر بیند که موی از سار عد و بر  
 و دلیل که ویش گذارده شود و ساق این سیرین رحمه الله علیه گوید ساق در خواب مال معیشتی که مردم را بدان اعتماد بود و معجز  
 گوید که ساق مرد را عروجه باشد و اگر بیند که ساق وی قوی بود و دلیل که کارش نیکو شود و اگر ساق ضعیف بود و دلیل که  
 حال کارش ضعیف و بی نظام بود که فانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که ساقش این سیرین یا زین بود و دلیل که عمرش دراز شود و اگر  
 باقی باز و اگر بیند که ساق و شکست و دلیل که برین او بد باشد مغربی رحمه الله علیه گوید وین ساق در خواب مرد را زان بود  
 و زانرا شوی اگر بیند که ساقهای وی بر یکدیگر نمی پیچید و دلیل که هم پاک بود و اگر بر ساق او موی بسیار بود و دلیل که وادار گردد  
 و اگر بیند که موی از ساق بهتر و دلیل که ویش گذارده شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید وین ساق در خواب بر چهار  
 بود و یکی مال دوم معیشت سوم عمر دراز چهارم مردان زان و زانرا شوی سایه این سیرین رحمه الله علیه گوید سایه در خواب نیک  
 به طبعیت بود و سایه پادشاه و تادیل هم پادشاه بود و سایه و یار مردی بزرگ بود و سایه درخت بی بر و دلیل بر فساد  
 که فانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در جانی زیر سایه نشسته بود و دلیل که مرگش نزدیک بود و قوله تعالی **الَّذِي تَرَىٰ ظَنًّا كَيْفَ**  
**مَكَانَ الظِّلِّ وَلَوْ تَشَاءُ لَجَعَلَهُ سَاءَ مَكَانًا** جعفر صادق رضی الله عنه گوید زیر سایه نشستن در خواب برنج و جو بود و چون  
 دوم سبب سوم پناه چهارم منفعت پنجم مرگ سایه بان این سیرین رحمه الله علیه گوید سایه بان در خواب پادشاه و پناه  
 بود و اگر بیند که زیر سایه بان نشسته بود و دلیل که خدمت پادشاه چنین کند و اگر بیند که سایه بان بر وی افتاد و او را از نسیب



8

۱۰۰

این سید مجروح و دلیل که در اندام نقطه تنگی افتد و اگر میند که سبوس از خانه بیرون بخت و دلیل بر غلبت و فراخی بود و جعفر صادق و منی  
 عنه که یسوس در خواب بر سر او و بود یکی نیاز مندی و دوم فقط سیوم تنگی معیشت سید ابابن سیرین رحمه الله علیه که سید  
 خواب و دیدن دلیل بر غم و اندوه بود و اگر میند که سید اباب داشت یا کسی بوی داد و دلیل که با کسی گفتگو کند و پیوسته عکسین باشد و اگر  
 که سید اباب بروی داشت و دلیل که بقدر اورشع دنیا حاصل شود و کرمانی رحمه الله علیه که یسید بروی خند میگرد و بعضی است  
 و میند که که خدائی خانه بود و و نیک و بدان بکده خدای خانه باز گرد و سید محمد ابن سیرین رحمه الله علیه که یسید که سید  
 یسید و دلیل که از نهان وی ظاهر گردد و اگر میند که سید نتوانست زدن و دلیل که کاری کند که آن کار نماند مغربی رحمه الله علیه  
 سید مهره در خواب دیدن مرد از او بخت و سختی بود و زنا ز رسولی و ظاهر شدن را یزید و جعفر صادق صلی الله علیه و یسید مهره در  
 خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی خبر کرده و دوم سخن دروغ سیدم ظاهر شدن را ز چهار مریخ و سختی ستارگان و انبیا علی  
 که یسید ستارگان در خواب لیل بر بزرگان و امیران و آفتاب بر پادشاه و ماه و دلیل بر وزیر بود اگر حل را خواب بیند و دلیل که او را با  
 و مابین شغل افتد و او را مال نعمت از او حاصل یابد و اگر شتر را خواب بیند و دلیل که او را با ممتی پارسا و مصلح نیک خواه کار است  
 و اگر مرغ را خواب بیند تا دل آن بزرگان خبر وی محشم و خادمان پیوند و از ایشان خیر و راحت یابد و اگر عطار را خواب  
 و دلیل که او را با مردم حکیم مشک پیوستگی افتد و از وفایده یابد و اگر میند که بعضی از ستارگان با وی سخن گفتند و دلیل که بزرگی و منزلت  
 ابن سیرین رحمه الله علیه که یسید ستارگان نامه چون عیوق و عقیق و سیل و کلک بعضی از مشرکان می پرسیدند اگر یکی از ایشان  
 خواب بیند و دلیل که او را با مشرکان صحبت افتد و اگر میند که ستاره روشن بر زمین افتاد و ناپدید شد و دلیل مالی را ندانند و زیاده و قوت  
 و حکایت و بایعیم هم یکنند و اگر میند که ستارگان میگردد و دلیل که فتنه و آشوب در بزرگان افتد و اگر میند که ستاره بر  
 گرفت و دلیل که او را پسر یابد و مقرب پادشاه گردد و اگر در خانه خود ستاره بیند و دلیل که او را فرزندان بسیار شود و کرمانی رحمه  
 علیه که یسید که ستارگان در آسمان متفرق شدند و دلیل که تفرقه در میان پادشاه افتد و اگر میند که ستارگان سعد هم جمعی  
 و دلیل که حاش نیک شود و اگر میند که ستارگان از خانه وی بر آید و دلیل که فرزندان می مقرب پادشاه گردد و اگر میند که ستارگان  
 سطح وی شدند و دلیل که پادشاهی یابد و اگر میند که ستارگان سخن میگفتند و دلیل که پادشاه وقت داد و اگر خلاف این  
 بیند و دلیل که پادشاه عالم و متمکد بود و اگر میند که ستارگان با هم جنگ میکردند و دلیل که در اندام جنگ و کارزار باشد و اگر میند که ستارگان  
 در استین خود دنیا و دلیل که مال بسیار حاصل کند مغربی رحمه الله علیه که یسید که از ستارگان یک ستاره و بر او بر او سخن شد و کینه  
 وی کافا و دلیل که وی را فرزندی عزیز و گرمی آید و اگر میند ستاره که خداوند طالع دوست و در منزلت خویش است و دلیل که نسلش زیاده شود  
 و اگر میند که ستاره می پرسید و دلیل که خدمت بزرگی یا عالمی کند اسمعیل اشع رحمه الله علیه که یسید ستارگان که مردم در میان بداد  
 می برند و خواب دیدن لیل بر خیر و منفعت کند و ستارگان نیکه مردم آزادی پرسند و دلیل بر شر و مضرت بود و جعفر صادق صلی الله علیه  
 که یسید ستارگان در خواب بر نه وجه بود یکی فتنه و دوم علما سیدم قضات چهارم خلفا پنجم و در هشتم و بیستم و بیستم و بیستم و بیستم

خواب  
ستون

خواب

خواب

خواب

خواب

بجای نم شاکردان حکایت آورد و اندر بنام و مردی خواب دید که سار و روشن بر زمین افتاد و متعجب آن گفتند که عالمی  
 در آن هفته امام عظمی از دنیا رحلت کرد و مستون ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مستون در خواب خداوند اقبال و دولت بود  
 خواب بیند که مستونی داشت و قوی بود و دلیل که از مردی مقبل مالی حاصل کند و اگر بیند که مستون خانه وی بنیفا و یا شکست  
 دلیل بر ملک او بود که مانی رحمه الله علیه گوید مستون در خواب سلام بود اگر بیند که مستون خانه بنیفا و یا شکست دلیل که خدا  
 خانه پاک شود و اگر بیند که مستون خانه وی باریک بود دلیل ضعف بن دینی و بی بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید مستون  
 در خواب بر پنج وجه بود یکی خداوند دولت دوم مرگ سیوم مرد مختشم چهارم قوت در کار باجم ولایت سجاد و ابن سیرین  
 رحمه الله علیه گوید سجاد و در خواب دیدن بخیر بود اگر بیند که در مسجدی بر سر سجاد و نشسته بود و دلیل که بسفر سجاد و قوت  
 و اتحاد و امن مقام ابوالفتح مصلحی خاصه چون بیند که در مسجدی مستکف شد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند  
 که سجاد و پشین یا پنبه داشت دلیل که بطاعت و عبادت مشغول گردد و اگر بیند که سجاد و او بسوخت تا ویش بخلاف این بود  
 و اگر بیند که سجاد و وی پشین بود دلیل که طاعت وی ریائی بود مسجد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که باری سجاد  
 و تعالی را سجده کرد دلیل که بر مردی بزرگ خطر یا بدو اگر بیند که غیبه خدا تعالی را سجده کرد و دلیل که مرادی که وار و بر نیاید  
 صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که همسر یا سجده کرد و دلیل که او را از سلطان رحمت رسد که تعالی مَحْبُودُونَ مَرُوحُونَ  
 الله ما لا یفعلکم ولا یضوکره سختن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که تراز و در دست و پشت و پیش سجد  
 دلیل که میان مردم و او می کند و اگر بیند که رست می سجد و دلیل که حکم رستی کند که تعالی و زینا بالقسط المستقیم  
 اگر بیند که رست سجد اگر ارباب علم بود و دلیل که قاضی گردد و اگر عالم نبود و دلیل که بقاضی محتاج گردد جعفر صادق رضی الله عنه  
 گوید رست سختن در خواب بر چهار وجه بود یکی حکم رست دوم نیکوئی سیوم محتاج شدن بدوری چهارم حاکم شدن و اگر  
 کج سجد تا ویش بخلاف این بود سخن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سخن گفتن در خواب شنیدن بتاویل بر زبانها متعجب  
 بود و اگر بیند که بر زبان عربی سخن گفت و دلیل که از مهتران خود جا یابد و اخبار باد حضرت رسول صلی الله علیه و سلم  
 استماع کند و اگر بر زبان پارسی سخن گفت یا شنید و دلیل که با مهتران او در صحبت خدمت و از ایشان نیکی یابد و اگر بر زبان هندی سخن  
 گفت یا شنید و دلیل که میراث یابد و اگر بر زبان هندی سخن گفت یا شنید و دلیل که با مردم بی مهل و دن بهت ویرا کار می آید  
 و اگر بر زبان ترکی سخن گفت یا شنید و دلیل که او را با باقیین صحبت افتد و اگر بر زبان خوارزمی سخن گفت یا شنید و دلیل که خبر  
 مکرده شنود و اگر بر زبان سقلائی سخن گفت یا شنید و دلیل که با مردم بی انصاف او را شعلی افتد و اگر بر زبان یونانی سخن  
 گفت یا شنید و دلیل که بمعقولات مشغول گردد و اگر بر زبان رومی سخن گفت یا شنید و دلیل که او را نصیحت نادانی غم و اندوه  
 رسد که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که بهمه زبانها سخن گفت یا شنید و دلیل که در همه کارها شروع کند و او را از آن منفعت  
 بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که بر زبان که در خواب سخن گوید و شنود و اگر خواب خیر و صلاح بود تا میل آن خیر و صلاح

باشد و اگر سر و قشا و گوید تاویل آن بدان موجب باشد و اگر بیند که براندازی از اندامهای خویش سخن گفت دلیل که بر خویش گوا  
 راست و به قول تعالی **يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَنْجُلُهُمْ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ** ه  
 و هر اندامی که بدان سخن گوید دلیل برستم و بیدار باشد سراب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سراب و خواب خصوصت و دواوری  
 بود و اگر بیند که سراب داشت یا کسی بوی داد و دلیل که با کسی خصوصت کند و اگر بیند که سراب بخورد و همین تاویل دارد و سخن رحمه الله علیه  
 اگر بیند که سراب زده شده بود و بخورد و دلیل که بیمار گردد و اگر بیند که سراب کسی داد یا از خانه بیرون نبرد و دلیل که از جنگ خصوصت خلاص  
 و در دیدن سراب خواب هیچ منفعت نباشد سر و انیال علیه السلام گوید سر خواب دیدن بهتر قوم بود و اگر بیند که سر برید و دلیل  
 که بهتر بود و دست دارد و از وی خیر و منفعت یابد و اگر بیند که بر خرم تیغ سرش از تن جدا گردد اگر دامن دارد باشد و دلیل که دوش گذارد  
 شود و از خرم فرج یابد و اگر این خواب بنده و دلیل که از او در دو و اگر بخورد بنده شفا یابد و اگر متری بنده ولایت یابد و اگر از او بیند و دلیل که  
 خواهد تا آنکه باشد بر سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی سرانی بریده بسیار بیند و دلیل که متهمان اینجا بسیار جمع شوند و اگر بیند که از آن سر  
 یا پوست یا مغز یا پوست و دلیل که از آن متهمان مال یابد و اگر بیند که پوست سر یا میخورد و دلیل که از متهمان و شیان حاصل کند و اگر بیند  
 که پوست سر را مرد میخورد و دلیل که متری با وی عتاب کند و اگر بیند که سر مردی میخورد و دلیل که سر یا به خورد و اگر بیند که سر چاک  
 یا بی دشتی میخورد و دلیل که مال یابد و اگر بیند که سر مردی میخورد و دلیل که سر یا به کسی بخورد و اگر بیند که سر مرغی میخورد و دلیل که بقدر آن مال پادشاه  
 بخورد و اگر بیند که سر مردی سر یا پیش آورد و دلیل که سر و اگر و در و از ایشان خیر و نیکی بیند و اگر در خواب سر زنی بیند و دلیل که از زن  
 تو اگر راحت یابد و اگر بیند که سر کو سپندی میخورد و دلیل که عرش دراز گردد و مال حلال یابد و اگر بیند که سر کاه میخورد و دلیل که انسان مال  
 نعمت یابد و اگر کسی رحمه الله علیه گوید اگر در خواب سر بزرگ بیند و دلیل که جاه و مرتبت یابد و اگر بیند که او را در سر بود و دلیل که کارش قوی گردد  
 و اگر سر خود برهنه بیند و دلیل که از تشنگی دارد و بیفتد و غمگین شود و اگر بر سر خود جراحی بیند که از آن خون می آید و دلیل که با کسی با و در می  
 و اگر بیند که سر وی مغز سیرین آمد و بر منین افتاد و دلیل که سر یا از دست وی برود و اگر بیند که مغز باز جای خود نماند و دلیل که مایه بیهوش  
 آورد و اگر بیند که سر وی چرب بود و دلیل که کار نایی خیر کند و اگر بیند که سر بریده در دست داشت و دلیل که مال بسیار یابد و در ولایتی بهتر  
 و فرمان روا گردد و اگر بیند که سر وی سخن نیکو گفت و دلیل که نیکو کار باشد و در کارها انصاف نگاهدard و اگر سخن بد گفت و دلیل که خلاف این بود  
 و اگر سر خود را بد و نیم بیند چنانکه یک نیمه در دست راست و یک نیمه در دست چپ داشت و دلیل که ماور و پدر وی میرسد و اگر بیند  
 سر خود در دست خود داشت و دلیل که از متری خیر و منفعت یابد و سخن رحمه الله علیه گوید اگر بیند که سر وی چون سر پل شد و دلیل که ولایت یابد  
 و اگر بیند که سر وی چون سر شتر شد و دلیل که بقصد و حرم گزاید و اگر بیند که سر وی چون سر پل شد و دلیل که از پادشاه مال یابد و اگر بیند که  
 وی چون سر خر شد و دلیل که از بخت خود کامگاری یابد و اگر بیند که سر وی چون سر گاو شد و دلیل که بنزد خلق خود گردد و اگر بیند که سر  
 چون سر گوسفند شد و دلیل که چهل بروی غالب گردد و اگر سر خود چون سر شتر بیند و دلیل که فرمان روانی یابد و دشمنان او بترسد و اگر سر خود  
 چون سر سگ بیند و دلیل که دل و خواری یابد و اگر بیند که سر خوک شد و دلیل که بخت خود باشد و با لشکرها و اگر بیند که سر وی گدازد

دلیل بر پاک دی بود و اگر میند که سرورین یا مین شد دلیل که مال یا بد و اگر میند که سر او امین یا سبکین بود دلیل که خدمت سری سطله  
 کند و اگر میند که سر او چین بود دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد و اگر میند که سر او سفالین بود دلیل که خدمت مردی لاف زن  
 کند و اگر میند که سر وی چون سمرغان شد دلیل که بسفر رود و اگر میند که سر او بریده داشت دلیل که او را بر دار کنند و اگر میند که سر  
 از تن جدا گردد و باز بر جای نماند و درست شد دلیل که عاقبت درجه شهادت یا بد و اگر میند که سری داشت در نش آسین بود دلیل  
 که او را پسری آید و اگر زنی خود را بر سر تراشیده بیند دلیل که شوهرش بمیرد و اگر میند که سر بریان میخورد دلیل که مال یا بد و اگر میند که سر بریان  
 بخورد یا کسی بوی داد و از آن بخورد دلیل که از متهری فایده یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید سر بریان تا وین شیی یا متهری کردن  
 باشد و اگر میند که سر خام میخورد دلیل که متهری را غیبت کند و سر خفته بهتر از خام بود و ظاهر رحمه الله علیه گوید سر مردم بخواب  
 بود یا متهری یا پسراگر سر خود را بریده بیند دلیل که از پدر و مادر بریده شود و اگر سر خود را بدست خود بیند دلیل که با ایشان پیوند دارد  
 سر خود را باز برگردان خود بدست دلیل که از کسی بضاغت بستاند یا وام کند و اگر میند که سر را بریده و پیش داشت و خصل میکند  
 دلیل که متهری را یا را غم و اندوه و مصیبت شد و اگر سر او شاه بر دوش خود بیند دلیل که ده هزار درم یا بد جعفر صادق رضی الله عنه  
 سر مردم بخواب دیدن بر دوازده وجه بود یکی رئیس و دم متهر سوم پدر چهارم مادر پنجم امام ششم مؤذن هفتم عالم هشتم ده هزار درم  
 نهم تسبیح غلام یازدهم زن دوازدهم نو انگری اگر بخواب بیند که سر بزرگ کرد و جامه پاک پوشیده بود دلیل که او را با متهریان صحبت  
 افتد و اگر جامه هر کس بود که پوشید دلیل که از متهری غم و اندوه یا بد و اگر میند که سر تا در تنور نهاد و دلیل که از متهریان و خادم کارش  
 بر سر آب تا ویش سخن باطل باشد و علمی که درو مغفخت نبود این میرین رحمه الله علیه گوید اگر میند که در زمین بر آبی مقیم شد دلیل  
 که بخل باطل و سخنی که درو خیر نباشد مشغول گردد و اگر میند که از زمین سر آب میخورد دلیل که از علم باطل مان صحیح کند سر او و این  
 میرین رحمه الله علیه گوید اگر خود را در سر پرده بیند و اندک ملک او بود دلیل که بزرگی و منزلت یا بد و باشد که متهر لشکر شود یا میند  
 که در سر او پرده یا و شاه مقیم شد دلیل که از پا و شاه حرمت و جاه یا بد و اگر میند که سر او پرده یا و شاه مقیم شد دلیل که نه وال ملک است و ی  
 و اگر میند که سر او پرده یا و شاه بسوخت دلیل که پا و شاه بمیرد و اگر میند که پا و شاه او را از سر او پرده بیرون آورد و دلیل که پا و شاه بی  
 و ملک بستاند جعفر صادق رضی الله عنه گوید بدین سر او پرده و خواب بر پنج وجه بود یکی سلطنت و دوم ریاست و سوم ولایت  
 چهارم دولت پنجم سرهنگی سسر او انیا ل علیه السلام گوید اگر کسی بخواب بیند که در ساری بیگانه شد و هیچ نشا خت و در آنجا مردگان دید  
 دلیل که آن ساری آخرت است و صاحب خواب را وقت اجلش باشد و اگر میند که در آنجا شد و بیرون آمد و دلیل بر بیماری او بود و بسکین  
 شفا یا بد و اگر میند که ساری معروف شده و بنیادش از گل بود و دلیل که روزی حلال یا بد و اگر میند که بنیادش از گچ و آجر و آجر بود و دلیل که مال  
 حرام یا بد و اگر میند که ساری بزرگ و فراخ بود و دلیل که روزی بزرگ و فراخ گردد و اگر ساری کوچک بود و تا ویش بخلاف این بود این ساری  
 رحمه الله علیه گوید اگر میند که ساری خود میکند و دلیل که راه صلاح بر خود ببندد و عبادت نکند و اگر میند که ساری کند را میکند و دلیل که در  
 خیرات بروی کشاده شود و اگر میند که ساری نود یا کیزه بود و دلیل بر تندستی و عمر دوازده و پدر کند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر میند که ساری نود



بگوید که در وقت و آنست که ملک و سیست دلیل که روزی بروی فراخ گردد و در خواب با بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید و بدین سرای  
 در خواب بر بخت و به بود و یکی هر رازن و زن را شوی و دم نواگری میدهم این چهارم عیش و ششم مال ششم ولایت هفتم امانت و هشت  
 سرب این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب ببیند که سرب داشت دلیل که از شتاع و دنیا چیزی درون او حاصل شود و اگر ببیند که سرب  
 میگذشت دلیل که به بدی و زبان مردم افتد سرخنی جامه بداند که در جامه مردان سرخی که است بود و در پنج و اندیشه و نازا آخر و در  
 و اگر مردی ببیند که به جامه وی سرخ بود دلیل که غنچه و خون ریختن او دست دارد و بر مردم ستم کند بعد سرخنی جامه سرخچه  
 در خواب و بدین دلیل بر زنا و بی حلال بود و اگر ببیند که بر تن وی سرخچه بیرون آمد دلیل که مالی بچ و سختی بدست آورد و اگر ببیند که سرخ  
 از تن او ناپدید شد تا ویش بخلافین باشد سرخچه این سیرین رحمة الله علیه گوید سرخچین در خواب برنج و جو بود و یکی سرفه زد و دم  
 سرفه خشک سوم سرفه بلغم چهارم سرفه که خون برآورد پنجم سرفه که صفرا برآورد اگر خواب ببیند که بگاه سرخچین بلغم برآورد دلیل  
 پیش کسی شکایت کند از بانی که بوی رسیده یا بسبب مالی که از وی ضایع شود و اگر ببیند که سرفه خشک داشت دلیل که شکایت  
 وی از محال و بهیوه بود و اگر ببیند که سرفه تر داشت دلیل که شکایت وی از خویشان بود و اگر ببیند که سرفه خون داشت دلیل  
 شکایت وی از فرزندان بود و اگر ببیند که سرفه صفرا داشت دلیل که مردی بود که از بهر شکایت کند و اگر ببیند که متری می سرفه  
 دلیل که غمخوارین بود که مالی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که او را سرفه می آمد دلیل بر ناتوانی باشد و اگر ببیند که سرفه در گلوئی او ماند  
 دلیل که وقت مرگش باشد اگر ببیند که او را سرفه پیران پیدا شد چنانکه بلغم می انداخت دلیل که از غم و محنت فرج یا بد جعفر صادق  
 رضی الله عنه گوید اگر خواب ببیند که می سرفه دلیل که از پادشاه بوی آفت رسد بهر که این سیرین رحمة الله علیه گوید سرکه در خواب  
 مال حلال بود یا برکت و خور و نشن تاویل هم نیک باشد چنانکه حضرت رسول الله علیه السلام فرمود و حقن الا در اخل  
 و بعضی مجتربان گفته اند که سرکه ترش در خواب غم و اندوه بود و سرکه فروش در خواب مردی خردمند طلب بود و سرکه این سیرین  
 رحمة الله علیه گوید سرکه این سب و گاه در خواب مال و نعمت بود و اگر ببیند که سرکه این بسیار جمع آورد دلیل که او مال و نعمت حاصل  
 و اگر ببیند که سرکه این مردم بود و دلیل بر مال حرام بود و اگر ببیند که در آب خانه سرکه این می انداخت دلیل که مری بوی رسد و نقصان  
 مالی بود و اگر ببیند که در بستر پیدای بگرد دلیل که از مال خود بعضی بعیال دهد و اگر ببیند که سرکه این نکست و آن سرکه این را بجان بپاشد  
 دلیل که مال در زمین بنیان کند که مالی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که سرکه این مردم میخورد و دلیل که مال حرام خورد و اگر ببیند که بجا بکشد  
 مجهول سرکه این فکند و دلیل که مال خود بجا بی خرج کند و اگر ببیند که تن خود را بر سرکه این بپاشد و دلیل که در گناه افتد و اگر ببیند که اسهال  
 پیدا شد دلیل که مال با اسراف خرج کند و انیال علیه السلام گوید سرکه این مردم مال حرام بود و سرکه این چهار پایان مال حلال  
 و سرکه این دوان مالی باشد که بظلم بدست آید مغربی رحمة الله علیه گوید بر پیدای که از مردم خدا شود و دلیل بر این باشد و اگر ببیند  
 مسان پیدای سرفه و غرق شد دلیل که او را از پادشاه غم و اندوه رسد و اگر ببیند که پای بر پیدای نهاد و بفتاد و جامه و اند  
 او در گشت دلیل که از خاک مضرت بیند جعفر صادق رضی الله عنه گوید سرکه این در خواب بر چهار وجه بود یکی مال حرام دوم گناه



بود و بعضی گویند که سرین راست دلیل بر پسر کند و سرین چپ دلیل بر دختر کند و اگر بیند که سرین وی محکم و قوی بود و دلیل که  
 فرزندش نیک حال بود و اگر سرین ضعیف و کوچک بیند تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که سرین وی شکست دلیل که  
 فرزندش میرد جعفر صادق رضی الله عنه گوید وین سرین در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند دوم و دوم قوت سوم باغ چهارم یکی از  
 خوشبختان سطل ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سطل در خواب دلیل بر خدشگار بود اگر بیند که سطلی از بخیزد و دلیل که کثیرش بخرد و اگر  
 بیند که سطلی می خوراند شد و دلیل که عیبی بر کثیرش ظاهر شود سطل ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سطل در خواب غم و اندوه بود و  
 خوردن آن خسروست و بعضی گویند که خوردن آن نقصان مال باشد و دیدن سطل در خواب خیر نباشد سفر کردن ابن  
 سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که سفر کرد و دانست که اتمام بهتر از اینست که بود دلیل که حالش نیکو شود و الا بخلاف این  
 بود و اگر بیند که سفر کرد و ندانست که بگرفت دلیل که اغیال خود و ورود و یا از آن سرای نقل کند و اگر بیند که بود  
 قوی میرفت یا گریه ای بود و او می آمد و دلیل که مدتی حال و کار بروی متغیر گردد و باز به حال خویش آید مخبرنی حجت  
 علیه گوید اگر بیند که بزرگ و ساز تمام سفر رفت و دلیل که کارش نیک شود و اگر بخلاف این بیند کارش بد شود سفر  
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که سفره نو پاکیزه داشت یا بخیزد دلیل که کثیرش زشت روی بود و اگر بیند که  
 بران و نعمت بود و دلیل که از آن کثیرش منفعت یا بدگرفتی رحمه الله علیه گوید سفره بواب سفری با منفعت بسیار  
 و اگر سفره کوچک و تنگی باشد دلیل که منفعت کمتر بود و اگر بیند که سفره او بسوخت یا ضایع شد و دلیل که کثیرش بیهوده  
 یا مالش تلف شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید سفره در خواب بر چهار وجه بود یکی کثیرش و دوم خدمت کار  
 سوم سفر چهارم کسب معیشت سفوف خوردن آن در خواب غم و اندوه بود و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر  
 بیند که سفوف خورد و از خوردن آن خیر و منفعت یافت و دلیل بر خیر بود سقا ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سقا  
 مردی بود که بر دست وی خیرات بود و خاصه که اگر بیند که بر مردان آب بی طمع میداد و گمانی رحمه الله علیه گوید اگر  
 بیند که سقائی بی طمع و دلیل که بکار حضرت راعی باشد و اگر بیند که مشک پر آب کرد و کسی ندانید که مال  
 جمع کند و الا راحت از آن نیاید و اگر بیند که آب بخانه کسان میرسد و دلیل که بخت کسان مال جمع کند و او از آن جمع  
 متع نباشد سقافور مایه ایست که در میان ریگ میباید این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب سقافور  
 داشت و دلیل که او را کارهای نیک حاصل شود و بکام دل برسد اما درین ضعیف بود و متحیران گویند که مایه  
 در خواب کرده باشد سقافور مایه ایست که در میان ریگ میباید این سیرین رحمه الله علیه گوید سقافور مایه ایست که در میان ریگ  
 و اگر بیند که از بر علتی خورد و از آن شفا یافت و دلیل بر خیر و منفعت بود و اگر بیند که از خوردن سقافور مضرت یافت  
 و دلیل بر نقصان مال بود سگ ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سگ در خواب دشمنی فرومایه بود و هر بان با  
 و سگ سیاه دشمنی از غیب بود و سگ سفید دشمنی از بجم باشد و اگر بیند که سگی او را بکشد و دلیل که از دشمن گزند نیاید

سبب

و اگر بیند که جامه او باب و دهن سبک آلوده شد و لیل که از دشمن بسج خسته گردد و اگر بیند که سبک جامه او بدرید و لیل که در مال و نقصان  
آید و اگر بیند که گوشت سبک سبک و لیل که دشمنی را دفع کند و اگر بیند که مان سبک و او لیل که روزی بروی فراخ شود و اگر بیند که سبک  
با وی نزدیکی کرد و لیل که دشمنی بوی طبع کند و اگر بیند که سبک بروی بگیرد و لیل که بدشمنی فرمایند و اگر بیند که سبک سبک سبک  
و لیل که ترسی و بی بی بوی رسد و اگر بیند که سبک از وی بگیرد و لیل که دشمنی بر حذر باشد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماهه سبکی در  
خانه وی آمد و لیل که زنی و دهن و فرومایه بزی کند استعین شعث رحمة الله علیه گوید سبک شکاری دشمن ظاهر باشد اگر بیند  
که سبک شکاری شکار میکرد و لیل که او را از دشمن که دعوی و لش کشید خیری بدور رسد و اگر بیند که گشت سبک شکاری میجو و و لیل  
که مبرات یا بد و اگر بیند که سبک شکاری از وی دور گشت و لیل که از دشمن با منفعت جدا شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید  
سبک و خواب بر چهار وجه بود یکی دشمن دوم پادشاه طامع سوم دانشمند چهارم مرد غماز سبک یا ابن سیرین رحمة الله علیه  
گوید سبک اگر گوشت که سپید و جوی نیکو بخت بود و لیل بر عیش خوش و غم و جاه بود و اگر گوشت گاو بخت بود و لیل بر یافتن مال و خانه  
بود و اگر گوشت مرغ بخت بود و لیل بر عیش خوش و بزرگی و فرمان روائی بود و سبک در ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سبک در  
نوبه و او اند و لیل که سختی لطیف شود و اگر بیند که سبک در شکست یا ضایع شد و لیل که سخن باطل شنود و بعضی از معبران گویند  
که سبک در خواب که کین بود و اگر بیند که سبک در نوحه و لیل که کین نوحه و اگر بیند که سبک در شکست و لیل که کین نوحه و اگر بیند که سبک در شکست  
صدا و رضی الله عنه گوید که سبک در خواب بر نه وجه بود یکی دشمن دوم خادم سبک کین چهارم خادم و پنجم صلاح دشمن و ششم خادم و هفتم مال و ثمن  
سخن خوش نهم میراث نجات زمان سبک یا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سبک یا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سبک یا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید  
که آسان بدست آید و اگر ترش بود و لیل بر غم و اندوه بود و اگر مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیماری سبک یا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر ترش بود و لیل  
باید و اگر ترش بود و لیل که بیماری او را از گرد و صلاح ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سلاح پوشیده در میان خلقی بپایه بود  
و لیل که عوام زبان بروی در آید و لیل که بروی رسد و اگر بیند که بروی شتاب و ندول بر دشمنان ظاهر یا بزرگانی رحمة الله علیه گوید اگر ترش بود  
باید و کمان میزد و لیل که بزرگی یا بد و اگر بیند که از ان الهامی که بدان جنگ کند چیزی شکست یا ضایع شد و لیل که نقصان بزرگی می بود  
و اگر بیند که با کسی جنگ نزد میگرد و لیل که در جنگ حضومت افتد و اگر بیند که کسی او را بود و لیل که انکس را مضرت رساند مغربی رحمة الله  
علیه گوید اگر بیند که کسی او را زخمی بزود نماند که انکس که بود و لیل که او را مضرت رسد و اگر بیند که در آن زخم بریم جبهه و لیل که بقدر آن جان  
شود و اگر بیند که بدان زخم که زد و گوشت و استخوان ببرید و لیل که از انکس مال و نعمت رسد و اگر بیند که در حرب است کسی برید و لیل که او را سختی  
سخت گوید و میان ایشان جدائی افتد و اگر بیند که سر یکی برید و لیل که مالش بستاند جعفر صادق رضی الله عنه گوید درین صلاح و در خواب  
وجه بود یکی قوت دوم بزرگی سیوم دولت چهارم ولایت پنجم ریاست ششم حصن و صلاح گرد خواب با پادشاه بزرگ داد و اگر بود  
سلام کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دوستی بروی سلام کرد و لیل که آن دوست از وی شادی بیند و اگر  
بیند که دشمنی بروی سلام کرد و لیل که دشمن دوستی نشود و اگر بیند که کسی مجبور بروی سلام کرد که او را ندیده بود و لیل که غمجا

سبک

سبک

سبک

سبک

سبک

با وی دوستی و آشنائی گیرد و اگر بیند که پیری بروی سلام کرد که او را ندیده بود و دلیل که از عذاب حق تعالی این گرد و اگر بیند که پیری آشنائی  
بر وی سلام کرد و دلیل که زنی خوب روی خواهد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دوستی بروی سلام کرد و جواب سلام او باز نداد و دلیل که میان  
ایشان جدائی افتد سفری رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زنی جوان بروی سلام کرد و دلیل که اقبال دنیا یابد و اگر بیند که در نماز بود و سلام  
بجانب چپ داد و دلیل که کارش شوریده گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید سلام در خواب بر چهار وجه بود یکی ایمنی و دوم شادی  
سیوم اقبال چهارم منفعت سال سلطان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سلطان در سراسی یا در مسجدی یا در شهری یا در  
شهری که بخوبی بصیرتی بدان مقام رسیده تعالی ان الملوک اذا دخلوا قریة فسئلوا بها اگر بیند که در جنگ با سلطان  
غلبه کرد و دلیل آنکه حاجتیکه دارد روا شود و مقصود برسد و اگر بیند که سلطان دست رهنش برید و دلیل که سگندش و بند و اگر بیند که  
سلطان از تحت بغی یا تحت شکست یا ناسپ او را لکه زوایش میسر وی بشکست یا کادی سروی بروی زد و او را مجروح گردانید  
این سه دلیل بر زوال ملک فی بود و اگر سلطان را و اگر بیند دلیل بر شرف بزرگی وی بود بقدر آنکه عدل کند و اگر بیند که سلطان بساط  
بزرگ بگستر و دلیل که ملک دنیا او را شود و عمرش دراز گردد و سفری رحمة الله علیه گوید اگر سلطان کاخ خویش بنیکو بیند دلیل که عمر و حیات  
زیادت گردد و اگر سلطان مرده را کشته روی و خرم بیند و با وی سخن گفت و دلیل که کار او نیکو شود و دشمنهای مرده او زنده گردد و  
سهمار و رخ کیا هست که او را کجای خوانند و بدین وی خواب زنی بود که در وی خیر نباشد و اگر مرده از سره سمار و رخ بیند دلیل آنست  
بود که از زنی بوی رسد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر سمار و رخ بزرگ بود و دلیل که او را پیری آید و اگر کوچک بود او را دختری آید  
این سیرین رحمة الله علیه گوید ساق در خواب دیدن دلیل بر جنگ و خصومت بود و اگر بیند که ساق خورد و دلیل که کسی بنگهد کند و در خوردن  
ساق هیچ چیز نبود و سمانه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سمانه در خواب پیری غلام بود و اگر خواب بیند که سمانه گرفت یا کسی بوی او  
دلیل که غلامش را فرزند می آید و اگر بیند که سمانه در دست وی پرید فرزند و خلاصش میسر و اگر مانی رحمة الله علیه گوید سمانه در خواب  
مال روزی حلال بود قوله تعالی **وَأَقُولُوا عَلَیْكُمْ السَّلَامُ** و اگر بیند که گوشت سمانه میخورد و دلیل که روزی حلال یابد  
جعفر صادق رضی الله عنه گوید سمانه در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند غلام دوم روزی حلال سیوم منفعت چهارم خیر و مال که  
این سیرین رحمة الله علیه گوید سمور در خواب مردی کاغذ ظالم در این بود و اگر بیند که سمور بزرگ و دلیل که با مردی بدین صفت خصومت  
کند و قوت او را بود که غالب آید و اگر بیند که گوشت سمور بخورد و دلیل که مال مردی ظالم بخورد و اگر مانی رحمة الله علیه گوید سمور در خواب مردی  
غریب توانگر بود و گوشت و پوست و موی وی در خواب مال و خواسته بود و اگر بیند که سمور بخت و گوشت او بر زمین افتاد  
دلیل که مال مردی غریب تلف کند سنان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سنان بر تن خصم زد و او را بکشد و دلیل که خصم  
بخت غلبه کند و بروی ظفر یابد و اگر بیند که سنان وی بشکست یا ضایع شد تا ویش بخلاف این بود و اگر مانی رحمة الله علیه گوید  
اگر بیند که سنان پولاد درفشند و پشت اگر از اهل آن باشد و دلیل که ولایت یابد و اگر از اهل آن نباشد از بزرگی منفعت بیش از  
بیند که سنانش زنگنه گردد و دلیل که نفقش از آن بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید و بدین سنان در خواب بر شش وجه بود یکی بخت

پیری

سلطان

سهمار و رخ

سیرین

سمور

سنان

دوم و لایت سوم

سنب

سنب

سنب

سنب

سنب

سنب

دوم و لایت سوم هر دو از چهارم قطعه پنجم ریاست ششم منفعت بقدر قیمت سنب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سنب در خواب فرستاده  
بود اگر بینه که سنبی فراگرفت یا کسی بوی داد و دلیل که او را فرزند یا آید و اگر بینه که سنبی داشت و از صنایع شد دلیل که فرزندش غایت  
یا میرد که مانی رحمة الله علیه گوید سنب هر دو خواب مال بود و اگر بینه که سنبها فراگرفت یا کسی بوی داد و دلیل که بقدر آن مال حاصل کند  
و اگر بینه که بر پای او سنب بود و دلیل که عمرش بخوشی و خرمی گذرد و اگر بینه که سنب بیفتاد تا ویش بخلاف این بود سنب ابن سیرین  
رحمة الله علیه گوید اگر خواب بینه که سنبی داشت و دلیل که بقدر آن مال نعمت حاصل کند و اگر بینه که سنب خشک داشت ویش  
بخلاف این بود و مرغی رحمة الله علیه گوید اگر بینه که سنب تازه میخورد و دلیل که مال حلال بدست آید یا فرزند یا پیش که در اندام مشهور  
گردد و اگر بینه که سنب را آتش میسخت و دلیل نقصان مال بود سنجاب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سنجاب در خواب مردی غریب  
و تو اگر و نا آئینده بود و پوست و موی و استخوانی مال و خسته بود و گوشتی مال غریبی بود و اگر بینه که سنجاب را گوشت  
و گوشت او بخورد و بیفتد و پوست او پاره کرد و دلیل که مال مردی غریب تباہ کند و یا بقصص بستاند که مانی رحمة الله علیه  
گوید بینه که سنجاب را خفه کرد و او را کرد و نشخواران شد و دلیل که دو شیرگی دختر میبرد و سنجاب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید  
در خواب مالی صالح بود که برنج بدست آید و اگر بینه که سنجاب خرید یا کسی بوی داد و دلیل که مال بسیار حاصل کند و اگر بینه که سنجاب  
میخورد و دلیل که مال را بر عیال نفقه کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید سنجاب در خواب بر سر و وجه بود یکی مال برنج دوم مال برنج سنب  
منفعت از مردم بدو می رسد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سندان خواب دیدن پیش بزرگ بود و اگر بینه که سندان فراگرفت  
یا کسی بوی داد و دانست که ملک است و دلیل که از ریشی خیر و منفعت یا بد که مانی رحمة الله علیه گوید سندان در خواب دلیل  
با متری هجرت افتاد از وی راحت یابد و اگر بینه که سندان بکسی داد یا صنایع شد دلیل که از صحبت مردی بزرگ جدا شود جعفر  
صادق رضی الله عنه گوید دیدن سندان در خواب بر سر و وجه بود یکی متری دوم منفعت سیدم توت چهارم و لایت پنجم اقبال کار  
سنگها که مانی رحمة الله علیه گوید در خواب دیدن سنگها بر روی و وجه بود یکی مال دوم متری و هر سنگی که نرم بود منفعت بیشتر  
و اگر بینه که سنگی سپید گرفت و دلیل که با متری خوش خلق او را صحبت افتد و از وی منفعت یابد و اگر بینه که سنگی سیاه گرفت  
و دلیل که با متری از عیب او را صحبت افتد و اگر بینه که سنگی سرخ گرفت و دلیل که از متری مفسد او را راحتی باشد و اگر بینه که بزرگ  
برفت و سنگهای بسیار در دست او که گرفت و بسیار و و بکند اگر آن سنگها سپید یا سیاه بود و دلیل بر منفعتی که در ابن سیرین رحمه الله  
علیه گوید دیدن سنگها در خواب سختی باشد و اگر بینه که سنگ از زیر آب جمع میکرد و دلیل که مال بکود حیات جمع کند و اگر بینه که  
از کوه میترسید و دلیل که مال از بزرگی جمع کند و اگر بینه که سنگ از میان جمع میکرد و دلیل که از سفر مان جمع کند و اگر بینه که سنگ بزرگ  
انداخت و دلیل که بکراهت از مال خود بکسی چیزی دهد و اگر بینه که کسی سنگ بر او انداخت و دلیل که بقدر آن مال باید مغربی رحمة الله علیه  
گوید اگر بینه که کسی سنگ انداخت و دلیل که بروی تمت کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سنگ در خواب بر چهار وجه بود یکی  
مال دوم متری سیدم سختی در کار و چهارم کسب برنج سنگ خواره مرغیت که سنگ ریخته میخورد و ابن سیرین رحمه الله علیه

اگر میند که سنگ خواره گرفت دلیل که در کار دشواری افتد و از آن خبر نبرد یا او را بامردی ابله کار افتد و اگر میند که سنگ خواره از  
دستش برید یا در دستش برود دلیل که از کاری دشوار برزودی خلاصی یابد و اگر میند که گوشت سنگ خواره خورد و دلیل که از  
کسب بدشواری چیزی بدست آرد سواری کردن این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر میند که سواری میکرد و دلیل که از پادشاه  
اسب و سلاح و نعمت یابد و اگر میند که با سواران میگشت و سواران مطیع او بودند و دلیل که بر گروهی فرمان روانی یابد و اگر میند  
که سواران مجبور از متلع دنیا چیزی بوی دادند دلیل که او را کسی غیب منفعت رسد و اگر میند که سواران معروف چیزی بوی دادند دلیل  
که او را آشنائی یا دوستی منفعت رسد و اگر سواران را با جامه که بود و بر سپاهان آنچه بپوشیدند تا پیشین خلاف این بود و سوارانی قزلباش  
خواندن در خواب سوره الفاتحه این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب میند که سوره الفاتحه میخواند دلیل که عمرش دراز باشد و حیات  
کاهش با ایمان بود و سوره البقره اگر بخواب میند که سوره البقره میخواند پس با و مل دارد و از شر دشمنان ایمن گردد و جعفر صادق  
رضی الله عنه گوید میان خلق سه است گوی باشد و اگر در ویش باشد تو را نگر و اگر باری بود شفا یابد و اگر غمگین بود شفا گردد و اگر  
میند بود و از او در سوره الفاتحه این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر میند که سوره الفاتحه میخواند دلیل که از همه بدیها ایمن گردد و پادشاه  
شود و عاقبت خیر گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر میند که آیه شهادت میخواند دلیل که بقضای حق بتعالی ارضی باشد و اگر کسی در صومعه  
الله علیه گوید اگر دومی دارد و بگذارد و مردم او را عزیز دارند این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر میند که آیه قل اللهم صل علی النبی و آلہ  
در خواب میخواند دلیل که بزرگی و عز و جاه یابد و حاجتهای او را در و سوره الفاتحه این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر میند که سوره الفاتحه  
میخواند دلیل که میراث یابد و خوشبختان و ابله سیاه و بسیار شوند و اگر کسی در سوره الفاتحه میخواند دلیل که مال و نعمت او بسیار شود و سوره الفاتحه  
جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر میند که سوره الفاتحه میخواند دلیل که شرف و بزرگی یابد و اگر کسی در سوره الفاتحه میخواند دلیل که سوره  
یابد و دلیل بر زیادتی مال و نعمت بود و سیرین رحمة الله علیه گوید که خواندن سوره الفاتحه و سوره البقره و سوره الفاتحه این سیرین رحمة الله علیه  
اگر کسی بخواب میند که سوره الفاتحه میخواند دلیل که سعادت و دنیا و آخرت یابد و اگر کسی در سوره الفاتحه میخواند دلیل که بسیار مال و جعفر صادق  
رضی الله عنه گوید که با حسان و سخاوت و توفیق یابد و سوره الاعراف این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب میند که سوره الاعراف  
میخواند دلیل که دیندار و مؤمن بود و عاقبتش محمود گردد و اگر کسی در سوره الفاتحه میخواند دلیل که سوره الاعراف و خواب دلیل که او را طوره راز باشد  
جعفر صادق رضی الله عنه گوید که خواندن سوره الاعراف خواب دلیل که همه کارهای خوش شود و در دنیا و آخرت گاه دارد و سوره الانفال این سیرین رحمة الله علیه  
علیه گوید اگر بخواب میند که سوره الانفال میخواند دلیل که بخیر و صلاح بود و سوره التوبة این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب میند که سوره التوبة  
دلیل که از گناه توبه کند و اگر کسی در سوره الفاتحه میخواند دلیل که سوره التوبة میخواند دلیل که سوره التوبة میخواند دلیل که سوره التوبة میخواند  
گوید اگر بخواب میند که سوره یونس میخواند دلیل که روزی از دنیا رود و کارش بر آید و اگر کسی در سوره الفاتحه میخواند دلیل که سوره یونس میخواند  
جعفر صادق رضی الله عنه گوید که یونس میخواند دلیل که یونس میخواند دلیل که یونس میخواند دلیل که یونس میخواند دلیل که یونس میخواند  
گوید که کارش نیکو گردد و در کار او اقبال یابد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که یونس میخواند دلیل که یونس میخواند دلیل که یونس میخواند  
یونس میخواند دلیل که یونس میخواند دلیل که یونس میخواند دلیل که یونس میخواند دلیل که یونس میخواند دلیل که یونس میخواند

خواب سیرین رحمة الله علیه  
سوره الفاتحه  
سوره البقره  
سوره الاعراف  
سوره التوبة  
سوره یونس  
سوره الانفال

و





باری سجان و تعالی و از آن خواش نگاه دارد سوره النمل ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره النمل میخواند دلیل بر  
پایه کرمانی رحمه الله علیه گوید دولت بخش مساعده کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید مال و نعمت فراوان یا بد سوره القصص  
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره القصص میخواند دلیل بر مال و نعمت یا بد و بزرگتر حق تعالی مشغول گردد که کرمانی رحمه الله علیه  
پیوسته در راه دین و صلاح گوشت جعفر صادق رضی الله عنه گوید درهای رحمت بروی کشاده گردد و سوره العنکبوت ابن سیرین  
رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره العنکبوت میخواند دلیل بر توفیق مرکب در امان خدا تعالی باشد که کرمانی رحمه الله علیه گوید  
و ملا این گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که خلق را از صلاحیت و نعمت و نصیب بود سوره الروم ابن سیرین رحمه الله علیه  
گوید اگر خواب بیند که سوره الروم میخواند دلیل بر دست وی شهری از روم کشاده گردد که کرمانی رحمه الله علیه گوید و کار دین و دوزخ را  
مجتهد گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که روم را از دین و صلاح دی بهره باشد سوره السجده ابن سیرین رحمه الله علیه  
اگر خواب بیند که سوره السجده میخواند دلیل بر سجده باشد که از دنیا برود که کرمانی رحمه الله علیه گوید که بحق تعالی بسیار کند جعفر صادق  
علیه السلام گوید که یافت کارش محمود باشد سوره الاحزاب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره الاحزاب  
دلیل بر مال یا بد و بخت در کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که سوره الاحزاب میخواند دلیل بر صد دریا را بد و جعفر صادق رضی الله عنه  
گوید اگر بیند که سورت الاحزاب میخواند متابعت باری سجان یا بد سوره التبا ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره  
التبا میخواند دلیل بر که زاهد گردد که کرمانی رحمه الله علیه گوید پیوسته در عبادت باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که سیرت صحی کند  
سوره فاطر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره فاطر میخواند دلیل بر عاقبتش محمود گردد که کرمانی رحمه الله علیه گوید  
پیوسته در طاعت مشغول گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در نعمت بروی کشاده گردد و سوره یس ابن سیرین رحمه الله  
علیه گوید اگر خواب بیند که سوره یس میخواند دلیل بر عاقبتش بخیر باشد که کرمانی رحمه الله علیه گوید که عمرش دراز باشد از حق تعالی حق  
رحمت یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که دوستی حضرت رسول صلی الله علیه و سلم در دلش مستقیم شود سوره الصافات  
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره الصافات میخواند دلیل بر بهدایت دین از باری سجان و تعالی توفیق یابد که کرمانی  
رحمه الله علیه گوید که برادر صلاح در آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که فرزندی صالح آید سوره ص ابن سیرین رحمه الله علیه  
اگر خواب بیند که سوره ص میخواند دلیل بر مالش زیاده گردد و بزرگ شود سوره الزمر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند  
سوره الزمر میخواند دلیل بر حق سجان و تعالی کنایهش عفو کند که کرمانی رحمه الله علیه گوید خاتمت کارش بخیر باشد جعفر صادق رضی الله  
عنه گوید دینش قوی گردد و سوره مؤمن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره مؤمن میخواند دلیل بر مؤمن  
بود که کرمانی رحمه الله علیه گوید شریعت نگاه دارد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید رحمت و غفران باشد سوره فصلت ابن سیرین  
رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوره فصلت میخواند از مقربان حق گردد که کرمانی رحمه الله علیه گوید پیوسته در صلاح دین گردد و جعفر  
صادق رضی الله عنه گوید داعی بود بحق و اجابت کند ویرا سوره حم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب

سوره النمل  
سوره القصص  
سوره العنکبوت  
سوره الروم  
سوره السجده  
سوره الاحزاب  
سوره فاطر  
سوره ص  
سوره الزمر  
سوره فصلت  
سوره حم

سوره حم عشق میخواند و دلیل که در آخرت از عذاب سسته گردد که بانی رحمة الله علیه گوید تا ویش همین باشد جعفر صادق رضی الله عنه  
گوید عرش در آن روز در سوره الزخرف ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره الزخرف میخواند دلیل که ناز و طاعت با  
کند و پیوسته روزه دارد جعفر صادق رضی الله عنه گوید راست قول و خوب افعال بود سوره الدخان ابن سیرین رحمة الله  
علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره الدخان میخواند دلیل که شب طاعت کند که بانی رحمة الله علیه گوید راست که شبی باشد جعفر صادق  
رضی الله عنه گوید تا اگر کرد سوره الحاشیه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره الحاشیه میخواند دلیل که توبه کند  
و بخداوند تعالی باز گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر سوره کار بود توبه کند سوره الاحقاف ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر نجواب  
که سوره الاحقاف میخواند دلیل که فرمان دارد و پدر بجای آورد که بانی رحمة الله علیه گوید با مادر و پدر چنان کند و عجاایب بیند سوره محمد علیه السلام  
علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره محمد علیه السلام میخواند دلیل که بر دشمنان ظفر بیدار که بانی رحمة الله علیه گوید از آفات و بلا این گرد  
جعفر صادق رضی الله عنه گوید در جهان توفیق یابد سوره الفتح ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره الفتح  
میخواند دلیل که در همه باب و افق و نصرت باشد سوره الحجرات ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره الحجرات  
میخواند دلیل که مرد را با القاب خواند و غیبت نکند که بانی رحمة الله علیه گوید که از کس بخوبی جعفر صادق رضی الله عنه گوید که با  
مردم پیوند سوره الذاریات ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سوره الذاریات میخواند دلیل که بطاعت و عبادت مشغول  
گردد که بانی رحمة الله علیه گوید که با خلق خدای خود و احسان کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که بروی روزی فراخ گردد سوره  
قاف ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سوره قاف میخواند دلیل که حق سبحانه و تعالی او را بکارهای خیر و صلاح توفیق بخشد  
که بانی رحمة الله علیه گوید که کارهای دشوار بروی آسان گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از کس خود بهره یابد سوره الطور  
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره الطور میخواند دلیل که بر دشمنان ظفر بیدار که بانی رحمة الله علیه گوید که حقت تعالی او را  
او را یاری دهد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در مکه حجاج شود سوره النجم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره  
النجم میخواند دلیل که حقت تعالی جل و علا در رحمت بروی گشاده گرداند که بانی رحمة الله علیه گوید که بر دشمنان ظفر بیدار جعفر صادق رضی  
عنه گوید که حق سبحانه و تعالی او را پسری صالح دهد سوره القم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره القم میخواند  
دلیل که بر دشمنان ظفر بیدار که بانی رحمة الله علیه گوید که کارهای دشوار بروی آسان گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که حجاج و برده  
کار نکند سوره الرحمن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره الرحمن میخواند دلیل که از دروغ و حرام اجتناب  
کند که بانی رحمة الله علیه گوید که سیرت نیکو و راه دین گزیند جعفر صادق رضی الله عنه گوید درین جهان مال یا بدو در آخرت  
نعمت سوره الواقعة ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره الواقعة میخواند دلیل که از گناهان توبه کند که بانی  
رحمة الله علیه گوید که توفیق طاعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در طاعت سبقت کند سوره الحی یونس  
رحمة الله علیه گوید اگر نجواب بیند که سوره الحی یونس میخواند دلیل که روزی برنج و سختی یابد که بانی رحمة الله علیه گوید که راه آخرت

سوره الزخرف  
سوره الدخان  
سوره الحاشیه  
سوره الاحقاف  
سوره محمد علیه السلام  
سوره الفتح  
سوره الحجرات  
سوره الذاریات  
سوره قاف  
سوره الطور  
سوره النجم  
سوره القم  
سوره الرحمن  
سوره الواقعة  
سوره الحی یونس

فرزند و رضای حق تعالی جوید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در راه دین ستود کرد و سوره الحجا و له ابن  
سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره المجاوله میخواند دلیل که او را بازمان خصوصیت افتد که مانی رحمه الله علیه گوید  
که در راه دین با خلق حجا و له کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که با اهل خود خصوصیت کند سوره الحشر ابن سیرین  
رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الحشر میخواند دلیل که حشر وی با مخلصان باشد که مانی رحمه الله علیه گوید که حجت  
او با و بندگان و اهل صلاح باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که بروشنی ظفر یابد سوره الممتحنة ابن سیرین  
رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الممتحنة میخواند دلیل که از مایش کار برستی کند که مانی رحمه الله علیه گوید که حجت  
او با اهل صلاح باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که بخفتی گرفتار شود که هلاک و دران باشد سوره الصف ابن  
سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الصف میخواند دلیل که در راه خدای عز و جل غرا کند که مانی رحمه الله  
علیه گوید که پیوسته در رضای خدایتعالی باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که آخر عمر شنادت یابد سوره الحج  
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الحج میخواند دلیل که حق سبحانه و تعالی او را توبه روزی کند که مانی  
رحمه الله علیه گوید که توفیق خیرات یابد سوره المنافقون ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره  
المنافقون میخواند دلیل که منافق باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از منافق توبه کند سوره التغابن ابن  
سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره التغابن میخواند دلیل که صدقات بسیار دهد که مانی رحمه الله علیه گوید  
که دستگیری ضعیفان کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که راست قول و مقیم احوال باشد سوره الطلاق  
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الطلاق میخواند دلیل که بازمان گفتگوئی کند که مانی رحمه الله علیه  
گوید که سیرت حق نگاه دارد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که گفتگوی از بهر کار دین کند سوره التحريم ابن سیرین  
رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره التحريم میخواند دلیل که در خانه خود سخن بنفاق کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که داخل  
توبه کند و دور باشد سوره الملك ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که سوره الملك میخواند دلیل که او را عذاب کور نباشد که مانی رحمه الله علیه گوید که  
محمود و باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که شرف و بزرگی یابد سوره القلم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب  
بیند که سوره القلم میخواند دلیل که صدقه و خیر کردن دوست دارد که مانی رحمه الله علیه گوید با همسایان کند جعفر  
رضی الله عنه گوید که خدای عز و جل او را حلم روزی کند سوره الحاقه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره  
الحاقه میخواند دلیل که فرصتهای خدایتعالی بگذارد که مانی رحمه الله علیه گوید که سیرت حق گزیند جعفر صادق رضی الله  
عنیه گوید که بر جاوه شرع باشد سوره المعارج ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره المعارج میخواند دلیل که  
خیر و نیکی بسیار کند که مانی رحمه الله علیه گوید که خیرات و حسنات گراید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از ترس بیم بین  
سوره النوح ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره النوح میخواند دلیل که توبه کند و عقابش محمود گردد

کرمانی رحمه الله علیه گوید که تا ویش همین بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از معروف کند سوره الجن ابن  
سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الجن میخواند دلیل که توبه کند و آفت چن این باشد جعفر صادق رضی  
الله عنه گوید که دیو و پری مقتدر او را رسد سوره فزئل ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورت الفیل  
میخواند دلیل که ناز شب دوست دارد کرمانی رحمه الله علیه گوید که توفیق طاعت یابد سوره مدثر ابن سیرین رحمه الله  
علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره المده ثرمین خواند دلیل که عمل صالح کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که سیرت پاک  
و راه راست یابد سوره العنیمه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره القیمه میخواند دلیل که بشهادت  
از دنیا برود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که تائب گردد سوره الانسان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب  
بیند که سوره الانسان میخواند دلیل که در ویش از طعام دهد و رضای حق تعالی خورجل جوید کرمانی رحمه الله علیه که سوره  
و شکرت توفیق یابد سوره المرسلات ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره المرسلات میخواند دلیل  
از دروغ گفتن توبه کند کرمانی رحمه الله علیه گوید که راه راست جوید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که روزی بروی فراخ  
سوره النبا ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره النبا میخواند دلیل که ترسکار و متوکل بود کرمانی  
رحمه الله علیه گوید که کار خیر میکند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که کارش بزرگ شود سوره النازعات  
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره النازعات میخواند دلیل که بوقت جان کنن از مرگ نترسد کرمانی  
رحمه الله علیه گوید که توبه کند از عقوبت این گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که دلش زکری و خیرت و خیر نیاید  
گردد سوره عبس ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره عبس میخواند دلیل که بر مردم روی خوش  
کند کرمانی رحمه الله علیه گوید که روزه بسیار دارد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که خیرات کند سوره التکوین  
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره التکوین میخواند دلیل که از در چشم نترسد کرمانی رحمه الله علیه  
که سفر بسیار کند از جانب شرق جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از آنچه میترسد این شود سوره الانفطار ابن سیرین  
رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الانفطار میخواند دلیل که از خدا تعالی ترسد کرمانی رحمه الله علیه گوید که سیل  
و بی بادل دنیا باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که نزدیک ملک عزیز و محترم باشد سوره المطففين ابن  
سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره المطففين میخواند دلیل که کیل و پیانه است دارد کرمانی رحمه الله  
گوید که رستی جوید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که با همه کس منصف بود سوره الانشقاق ابن سیرین رحمه الله  
رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الانشقاق میخواند دلیل که در قیامت نامه اعمالی در دست راست  
و هند کرمانی رحمه الله علیه گوید که حساب و شمار قیامت به امنا و صدقها بروی آسان گردد جعفر صادق رضی  
الله عنه گوید که سلسله بسیار گردد سوره البروج ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره البروج میخواند دلیل

سوره الجن  
سوره الفیل  
سوره المدثر  
سوره العنیمه  
سوره الانسان  
سوره المرسلات  
سوره النبا  
سوره النازعات  
سوره عبس  
سوره التکوین  
سوره الانفطار  
سوره المطففين  
سوره الانشقاق  
سوره البروج

که در دنیا اند و لیکن باشد و عاقبت کاش محمود و در کمالی رحمة الله علیه گوید که در آخرت رفیع اندرجات باشد جعفر صادق رضی الله عنه  
گوید که از عسافج یا بد سورة الطارق ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سورة الطارق میخواند دلیل که او را فرزند صالح  
پیدا کرانی رحمة الله علیه گوید او را فرزند بی فروزی یا جعفر صادق رضی الله عنه گوید که بسبب فرزند مقبل خرم شود سورة الاعلی  
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سورة الاعلی میخواند دلیل که تسبیح و تهلیل بسیار خواند کرانی هر کویذنا بشنید که تسبیح خواند  
کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که کار دشوار بروی آسان گردد سورة الغاشیة ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب  
بیند که سورة الغاشیة میخواند دلیل که از بول قیامت ترسد و توبه کند و از آن ترس امن گردد کرانی رحمة الله علیه گوید که در رضای  
حق تعالی عزوجل ثابت بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که قدر و عمل او بزرگ شود سورة الفجر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید  
اگر خواب بیند که سورة الفجر میخواند دلیل که بکارهای نیکو مشغول گردد کرانی رحمة الله علیه گوید که حج اسلام گذارد و جعفر صادق رضی  
الله عنه گوید که بهیبت و شگوه او کم شود سورة البیل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سورة البیل میخواند دلیل که صفت  
دادن برو واجب باشد و دوست دارد کرانی رحمة الله علیه گوید که با همه کس احسان کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که  
خواب بیند که سورة البیل میخواند دلیل که از آفات بلیات امن گردد سورة الشمس ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب  
که سورة الشمس میخواند دلیل که بدست او کاری فاسد رود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از بلاهای امن گردد سورة الليل  
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سورة الليل میخواند دلیل که سایه از امن نگیرد و سورة الضحی ابن  
سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سورة الضحی میخواند دلیل که چیزی بخوابند گان بد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که غریب از  
خیزد و سورة الفجر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سورة الفجر میخواند دلیل که دشواری بروی آسان  
کرانی رحمة الله علیه گوید که کارهای بسته بروی گشاده گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که مراد و جانی یا بد سورة التین  
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سورة التین میخواند دلیل که نیک سیرت و خوبی و خوب کردار گردد کرانی رحمة الله  
علیه گوید که غیر منفعت یا جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از سختی فرج یابد سورة العلق ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب  
سورة العلق میخواند دلیل که حق سبحانه و تعالی او را علم و قرآن و فری کند کرانی رحمة الله علیه گوید که عالم و فصیح گردد و جعفر صادق رضی  
الله عنه گوید که متواضع و نیکو خصال بود سورة القدر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سورة القدر میخواند دلیل که از دنیا  
زود تواب شد یا بد کرانی رحمة الله علیه گوید که عیش و دراز گردد و مراد یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که جاه و قدش عالی گردد  
سورة الیسمنه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سورة الیسمنه میخواند دلیل که با تو باز و دیار و کرانی رحمة الله علیه گوید که  
راه خیر و صلاح دارد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که بین تا دیل دارد سورة الزلزله ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که  
الزلزله میخواند دلیل که او را کسی کاری خند و عدل و انصاف کند و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که قومی از کافران بکشد سورة  
الحاديات ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سورة الحاديات میخواند دلیل که اهل بیت او او را دوست دارد

سورة التین  
سورة الفجر  
سورة البیل  
سورة الشمس  
سورة الليل  
سورة الضحی  
سورة العلق  
سورة القدر  
سورة الیسمنه  
سورة الزلزله  
سورة الحاديات

کرمانی رحمه الله علیه گوید که بخت نزار و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که خاکست و مظفر گرد و سورة القارعة  
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة القارعة میخواند و دلیل که در قیامت ترازوی اعمال  
 وی از گردن نیک گران آید کرمانی رحمه الله علیه گوید که در کار خیر کوشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که مرد مرا کرامی و در سوره  
 الشکاشه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که سورة الشکاشه میخواند و دلیل که زیارت جمعی صالحان کند کرمانی رحمه الله علیه  
 که او را با قومی دروغ زن صحبت افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که دست از دنیا بدار و سورة العصر ابن سیرین رحمه الله علیه  
 گوید اگر بخواب بیند که سورة العصر میخواند و دلیل که در کار ماصابر و شکینا بود کرمانی رحمه الله علیه گوید که او را زانی را ببیند جعفر صادق  
 رضی الله عنه گوید که از تجارت کارش نیک شود سورة الهفوة ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که صور طائفة من  
 دلیل که سخن بسیار گوید و پیش مردم و شناس گردد کرمانی رحمه الله علیه گوید که بمال جریس بود و از عاقبت نیندیشد جعفر صادق  
 رضی الله عنه گوید که در راه خدا بمال نفقه کند سورة الفیل ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الفیل  
 میخواند دلیل که ظالم را باری دهد کرمانی رحمه الله علیه گوید که بر دشمن نظر یابد و مرادش حاصل گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید  
 که بر دوست و فحشی برآید و بر دشمن نظر یابد سورة القریش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة القریش میخواند  
 دلیل که از ترس بیم این گردد کرمانی رحمه الله علیه گوید که با کسی صحبت دارد که او را نصیحت کند و راه دین جعفر صادق رضی الله عنه  
 عنه گوید که با خلق حسان کند سورة الماعون ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر بخواب بیند که سورة الماعون میخواند دلیل که  
 گذارد کرمانی رحمه الله علیه گوید که عذر باید کرد از صحبت بدینی جعفر صادق رضی الله عنه گوید که بر دشمن نظر یابد سورة الکافرون  
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الکافرون میخواند و دلیل که مال و نعمت یابد کرمانی رحمه الله علیه گوید که از بزرگان عطا  
 یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که خیرات بسیار کند سورة الکافرون ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که  
 سورة الکافرون میخواند و دلیل که براه دعوت رود و دنیا مغرور گردد کرمانی رحمه الله علیه گوید که اگر در غم بود فرج یابد جعفر صادق  
 رضی الله عنه گوید که اجل او فراسیده باشد زیرا که چون این و در منزل شد حضرت رسول صلی الله علیه و سلم آخر عمر بود سورة  
 النضر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة النضر میخواند و دلیل که در راه خدا بمال متوکل گردد سورة التبت  
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة التبت میخواند و دلیل که مکار و فریبنده بود و از عقوبات خدا تعالی خلاص  
 کرمانی رحمه الله علیه گوید که او را زنی بد کرد و او را باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که هر چه بدی وی کوشد سورة الخلاء  
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الاخلاص میخواند و دلیل که در راه دین متوحد و یگانه گردد و توفیق طاعات  
 کرمانی رحمه الله علیه گوید که پانک دین و نیک عقدا باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که مراد و جهانی یابد و عیش و به  
 خویش گردد سورة الفلق ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الفلق میخواند و دلیل که جاد و برودی کار نکند  
 کرمانی رحمه الله علیه گوید که از شر دیگران امن گردد سورة الناس ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الناس

سورة القارعة  
 سورة الشکاشه  
 سورة العصر  
 سورة الفیل  
 سورة القریش  
 سورة الکافرون  
 سورة النضر  
 سورة التبت  
 سورة الاخلاص  
 سورة الفلق  
 سورة الناس

سوزن

سوزن

سوزن

سوزن

سوزن

سوزن

سوزن

میخواند و لیل که در حقیقتی از چشم بنگا دارد و در زیری بروی فراخ گردود اگر بیند که لاجول و لا قوه الا بالله العلی العظیم میگفت  
لیل که مال و خسته یابد و اگر خواب بیند که آیتی از قرآن میخواند تا و لیل آن بحرف قاف بیان کنیم انشاء الله تعالی سوزن ابن سیرین  
رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوزن داشت و چیزی و دخت لیل که شغلها می پرانده و می جمع شود و جماعتش روا شود و کرانی  
رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که حماره میدوخت لیل که احوال و نیکو گرد و اگر بیند که سوزن او کشته و لیل که احوالش بد بود و مغرب  
رحمه الله علیه گوید اگر کسی بیند که کسی سوزنی بوی بخشد و لیل که شفق احوال او باشد و اگر بیند که سوزن بسیار داشت و لیل که خیر صلاح  
کار او بود و سوسمار ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوسمار ویرانگر و لیل که حضرت یابد و اگر بیند که سوسمار در حقیقت  
لیل که دشمن را قهر کند و کرمانی رحمه الله علیه گوید که خورون گوشت سوسمار در خواب لیل بر منفعت بود و که بوی رسد و اگر بیند  
که سوسمار در خانه وی بانگ کرد و لیل که از خانه وی آواز شنیدن بر آید سوسون ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سوسون در خواب  
بوقت خود و دیدن لیل که چیزی بوی رسد و او را فرزند ی آید و بوقت دیدن دلیل بر عجز و اندوه بود و اگر زنی بیند که سوزن  
از دخت بکشد و بنگام داد و لیل که غلامش بگریزد و کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کسی دشته سوسون بود و لیل که  
میان ایشان گفتگو فی خیر و مغرب رحمه الله علیه گوید که دخت سوسون در خواب بیکر کن بود و سوسون ابن سیرین رحمه الله علیه  
اگر بیند که سوسون خور و لیل که کاری نیک بر دست وی بر آید یا اما قتی گذارد یا چیزی کند و از آنچه میترسد این گردود اگر بیند  
که سوسون بد روح خور و لیل خشم خداست تعالی بود و در حقیقت افتد که توبه کند و در و ام عرق شود و از پا و شاه زین بیند که پا  
رحمه الله علیه گوید اگر بیند که سوسون در خواب خور و لیل که او را توبه باید کرد و از کناه و خطا توبه بکار شود و اگر بیند که سوسون  
خور و لیل که دینش تباه شود و اعتقادش خلل پذیرد و قوله تعالی وَتَخْلَفُونَ عَلَى الْكُذِّبِ وَهُمْ يَكْمُلُونَ  
مغرب رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که سوسون در خواب خور و لیل که اندوه و مصرت بیند سوراخ ابن سیرین رحمه الله  
علیه گوید اگر خواب بیند که سوراخی بود و در آن سوراخ شد و لیل که از زایا و شاه آگاه گردود و اگر بیند که در اندام وی سوراخی  
بود و از آن خون میرفت و لیل که او را زایا می رسد و مغرب رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در شکم وی سوراخی بود و لیل که انجیال  
خود نا ائمن بود و اگر بیند که در سگی سوراخ میکرد و لیل که در مسلمانی پایدار بود و اگر بیند که در دختی سوراخ میکرد و مالیش  
بجلاف این بود و معتبران گویند که بقدر آن سوراخ مال او نقصان شود حکایت در خبر است که مردی پیش امیرالمؤمنین  
ابوبکر صدیق رضی الله عنه آمد و گفت خواب دیدم که از سوراخی کوچک گاوی بزرگ بیرون آمد و هر چند خواست که باز  
بسوراخ رود نتوانست رفت گفت آن سوراخ در من است و آن گاوی من است چون گفته باز بجای خود فرو سوختن  
و حرف میم بیان کنیم سید ابن سیرین رحمه الله علیه گوید سیب خواب دیدن چون سوزن باشد و لیل بر فرزند بود و چون سوزن  
باشد شفقت از پادشاه بود و چون سفید بود منفعت از بازار کان بود و چون زرد و سوس بود و لیل  
بر بیماریا رسید بود و اگر بیند که سیبی سفید بدو نیم کرد و لیل که شرکت با کسی که دار و از وی جدا شود

سید

۱

۲

۳

۴

۵

۶

و اگر بیند که سیدی سرخ از زخمت باز کرد و خورد و لیل که او را و خری آید که آنی رحمة الله علیه گوید سید در خواب لیل خیر بود و اگر سید  
 ترش بود و لیل خبر ناخوش باشد و اگر بیند که سیدی سرین بود و لیل که خبر خوش شنود و انیال علیه السلام گوید اگر خواب بیند که  
 سید داشت و خورد و لیل که نفع یا بد و سبب همت بیند خواب باشد در شغل و صفت وی و اگر پادشاه سید بخوابد  
 و لیل که مملکت یا بد و اگر باز گمان بیند و لیل که تجارت نیک است بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید سید در خواب بر همت وجه بود  
 یکی فرزند و دم منفعت سوم بهاری چهارم کینز پنجم مال ششم فرمان روانی هفتم همت خداوند خواب و خبر غایب و حاضر  
 سید سرین رخ گوید خورد و لیل حرام بود و اگر آنی رخ گوید خورد و لیل سیر در خواب خبر زشت بود که از پس مردم گویند اگر بیند که سیدی سرین  
 و لیل که از سخن زشت توبه کند مغربی رخ گوید که سیر در خواب رخ و اگر سیت باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سیر در خواب  
 بر رخ وجه بود یکی مال حرام دوم سخن زشت سیوم غم و اندوه چهارم کر سیت پنجم سختی دیدن سیری ابن سیرین رحمة الله علیه  
 اگر کسی خود را در خواب سیری بیند و لیل که بی نیاز شود و لیک در راه دین ضعیف بود و اگر خود را گرسنه بیند و لیل که معصیت  
 کند که آنی رحمة الله علیه گوید بهترین خواب است که خود را نه گرسنه و نه سیر بیند زیرا که هر دو خلاف طبع اند و آنچه خلاف طبع بود  
 از وی مزاج بر رخ آید سیر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سیری داشت و لیل که ناشن بخیر و نیکی منتشر گردد و اگر بیند  
 که در زمین او سبزه بود و وقت خود و لیل بر خیر و منفعت کند و اگر خلاف این بیند و لیل بر همت باشد سیدی ابن سیرین رحمة الله علیه  
 علیه گوید سیدی در خواب مال حرام بود و اگر بیند که در میان سیدی شد و لیل که در فتنه افتد و اگر بیند که سیدی میخورد و لیل که بقدر آن  
 مال حرام یابد و اگر بیند که سیدی می بخشد و میخورد و لیل که مال حرام بر رخ و سختی بدست آورد و اگر بیند که در خانه سیدی بسیار داشت  
 و لیل که بقدر آن از دین بقا منفعت یا بد که آنی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سیدی می بخشد و میخورد و لیل که مالی یابد که بعضی  
 باشد و بعضی حرام بود و اگر بیند که سیدی می فروخت و لیل که چیزی حرام فروشد و با و در سیدی خورد و خیر نباشد و لیل  
 و لیل بغزل بود و سیدی خرا غم و اندوه بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید سیدی در خواب بر سه وجه بود یکی مال حرام دوم  
 تر و بیج کردن سیوم نعمت اینجانی و سیدی فروش در خواب مردی بود که جنگ و فتنه طلب کند سید ابن سیرین رحمة الله علیه  
 سید خواب شمنی بزرگ باشد یا پادشاه ظالم بود اگر خواب بیند که سید انحراف قطع کرد و بجای دیگر افتاد و لیل که بر دشمن  
 یابد و غم و اندوه وی کم شود و اگر بیند که از سید می بخشد و لیل که از دشمن بگریزد که آنی رحمة الله علیه گوید که سید در خواب درو باز  
 سیر غم و اندوه بود و در دیار گرم سیر و لیل بر منفعت بود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر جهان پر سید بیند و نداند که این سید از کجاست  
 و لیل که حق سبحانه و تعالی غلظی بدان دیار فرستد قوله تعالی فَاَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ و بعضی از مجربان گویند که چون خواب  
 بیند که سید عالمی خراب میکند و لیل که مردم آنجا را از پادشاه ترس و بیم محاصره بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سید در خواب  
 بر چهار وجه بود یکی دشمن بزرگ دوم پادشاه مگر سوم لشکر غایب چهارم بلا و فتنه و سختی سیما ابن سیرین رحمة الله علیه گوید  
 اگر خواب بیند که در معدن سیما درون شد یا از آنجا سیما برگرفت و لیل که زشت در کار بد افتد و اگر بیند که سیما بفر و خست





می متغیر گردد و در غایت سیر و اگر شاد روان کوچک در خواب بیند دلیل که بر روزی اندک و عمر کوتا بود و اگر بیند که شاد روانی چیده  
 بر خور گرفته بود دلیل که از جای خود بجای دیگران رود و اگر بیند که بر شاد روان در دست مردی نگاه داشته بود و آن مرد را پیشان خست و باو سخن  
 گفت دلیل که آن مرد را بدروغ ستایش کند و اگر بیند که شاد روان بفرجخت یا یکسی داد تا وایش بدو و انبیا علیهم السلام گوید اگر بیند  
 که شاد روان گسترده بود دلیل که بر روزی عمر و سانسختی کار او بود و اگر بیند که شاد روان کوچک بود و در زیر او فرخ شد دلیل که روزی  
 بروی فرخ گردد و اگر بخلاف این بیند دلیل که روزی او تنگ شود و اگر بیند که شاد روانی فرخ گسترده بود و بدست خود در نوشت  
 و کج خانه نهاد دلیل که دولت و اقبال خود تها کند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که شاد روان کهنه و دریه بود دلیل که بخت  
 و نیاستغول گردد و اگر بیند که شاد روان سیاه یا کبود بود دلیل که غم و اندوه بود و اگر بیند که شاد روان زرد بود دلیل که بر بیماری  
 و اگر شاد روان سپید بیند دلیل بر نعمت و فراخی روزی حلال بود و استعجل شخت رحمه الله علیه گوید اگر بیند که شاد روانی مجهول  
 در جایگاه بی مجهول فکند بود دلیل که آنچه دارد از دستش برود و اگر بیند که شاد روان معروف در خانه کسی گسترده بود دلیل که خانه  
 خانه را روزی و نعمت بود و اگر بیند که در خانه مجهول شاد روانی انداخته بود و او بران نشسته بود دلیل که بسفر فرود و دران سفر مال  
 و نعمت حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شاد روان در خواب بر چهار وجه بود یکی روزی حلال و دوم عمر  
 منفعت چهارم معیشت شلخ ابن سیرین رحمه الله علیه گوید دیدن شاخها در خواب بر خداوند خواب لیل بر برادران و  
 فرزندان و خویشان بیند خواب کند و اگر بیند که شاخهای درخت بسیار و انبوه بود و دلیل که خویشان او بسیار و نذورات  
 او بسیار گردد و اگر بیند که بخلاف این بود تا وایش بخلاف این بود و اگر بیند که شاخ از درخت خود برید دلیل که از این بریت خود کسی بود  
 کند و اگر بیند که شاخ درخت وی خشک شد دلیل که از خویشان او یکی بپاک شود و اگر بیند که درخت از آن دیگران بود تا وایش بر آن  
 باز گردد که تانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که شاخ درخت خرابی داد و دنیا بیاست دلیل که او را فرزندی آید و اگر بیند که از شاخ خرابی  
 بخورد و دلیل که بقدر آن مال فرزندان خود داشته ابن سیرین رحمه الله علیه گوید شانه در خواب بر مردی بود که ابراجست نسب نبود و در  
 او نفاق باشد اگر خواب بیند که سر و ریش را شانه میکرد دلیل که از غنای فراوان و مالش بگذرد و شود و برادر برسد که تانی رحمه الله  
 علیه گوید اگر خواب بیند که ریش را شانه میکرد و یکان موی بر او می آورد دلیل که نذورات مال بدو مغربی رحمه الله علیه گوید شانه در خواب  
 بپارن موافق در کار خیر باشد و موی را شانه کردن یا فتنه بر او بود و شانه ترش مردی بود که غم و اندوه از دلش برود و او غم  
 و بعضی تعبیر آن گویند که مردم خود بر وی باشند که از پدرانشان چشم روشن گرد و شانه آدمی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید شانه  
 آدمی در خواب دیدن زن بود و اگر بیند که شانه وی قوی و بزرگ بود و دلیل که زنی میخورد و اگر بیند که شانه گاو یا گوسفند یافت هم او را  
 زنی حاصل شود و اگر بیند که دوش وی شکست دلیل که زنش سیر و کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که گوشت شانه با میکر و در گماید  
 بود دلیل که در آن سال پنج بسیار بود و اگر بخلاف این بیند تا وایش بخلاف این بود و اگر بیند در آن شانه سیاهی بود و دلیل که در آن  
 آفت و بلا باشد و اگر در آن سحر حنی یا سیاهی بیند دلیل در آن سال نرخت از آن باشد و اگر در آن شانه زردی بیند دلیل بر بیماری بود

و اگر که خانه او خطای بسیار میند و دلیل که در آن سال مرگ بسیار بود شاه رو و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید شاه رو در خواب این را  
و طرب دنیا و سخن دروغ و محال بود و اگر میند که شاه رو میزند دلیل که دروغ رضا دهد و اگر میند که با شاه رو و چنگ چنانه و نای  
و دلیل بر مصیبت بود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر میند که شاه رو میزند دلیل که در سخن دروغ توبه کند و خبری رحمه الله  
میند که شاه رو میزند دلیل که با زنی بزرگ پیوندد و از وی عذر جاده یا بد شاه اسپر خم ابن سیرین رحمه الله علیه  
گویند که شاه اسپر خم پیوندد و خوشبوی بود دلیل بر بزرگی باشد و اگر زرد و پژمرده بود دلیل بر بیماری بود و جعفر صادق علیه السلام  
شاه اسپر خم در خواب بر شش وجه بود یکی قزو بزرگی دوم فرزند سیوم و دست چهارم سخن سخن مجلس علم ششم نام نیکو و شام و صبح  
شاه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که شامین را گرفت یا کسی بوی داد و آن شامین طبع او بود دلیل که او را از آن  
یا از بزرگی عالم منفعت و جاده رسد که مانی رحمه الله علیه گوید شامین در خواب مردی بسیار دان بود و اگر میند که شامین گرفت کسی  
بوی داد و دلیل که او را مردی دانا صحبت افتد و از وی خیر و منفعت یا بد جعفر صادق علیه السلام گوید در خواب شامین را دیدن بر چهار وجه بود  
یکی قدر و منزلت دوم فرزند سیوم مال و نعمت چهارم فرمان روائی ششم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که شامین را دیدن  
بود تاویل آن خم و اندوه بود و اگر خواب بیند که شامین روشن و محتاب بود دلیل که عیش و خوری بود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر میند  
که در شب شامین میرفت و راه بروی شکل بود و بر نیت راه راست میرفت دلیل که او را درین بهقامت بود و شب یمانی  
که از آنرا کس پیدا گویند دیدن آن در خواب خم و اندوه بود و خوردن آن دلیل بر هلاک بود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر شب یمانی  
را روشن چون آفتاب درخشنده میند دلیل بر خیر و گشایش در کارهای وی بود و اگر بخلاف این بود دلیل بر مضرت و بختی کار  
بود شامان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که چنانچه شامان کاو و گو سفند و اسپ خر و مانند آن کرد و هر چیز را بفرستد  
تاویل بود شامان اسپ دلیل بر ولایت و بزرگی بود و شامان خرد لالت بر تخت کند و شامان کاو و لالت بر سالت و نعمت  
و فراخی بود و شامان گو سفند دلیل بر روزی و طلال مال و نعمت بود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر میند که شامانی میکرد و کران زخمه  
وی گو سفندی بود و دلیل که پادشاه اندازار را خراب کند و احوال رعیت سبیه گردد و انبیا علیه السلام گوید شامانی گو سفند  
دلیل که بر عدوان گو سپندان او را جمعی بهتران بهتری بود و اگر میند که شامانی چیری بوی داد و دلیل که او را از بزرگی خایه رسد و منفعت  
یا بد جعفر صادق علیه السلام گوید شامان در خواب مردی ناصح بود و حافظ مال مردمان باشد چنانکه صواب کار را هر کسی بگوید  
نماید شب با زنی کردن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید شب با زنی کردن در خواب اسو و طرب ما دروغ و محال باشد که  
بیند که شب با زنی یا ربط و نای میکرد و دلیل بر غم و اندوه بود و شب برگ ابن سیرین رحمه الله علیه گوید شب برگ در خواب  
که راه محروم بود و اگر میند که شب برگ داشت دلیل که او را با گمراهی صحبت افتد و اگر میند که شب برگ پیوندد دلیل که از کار آگسری و دفع  
شود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر میند که شب برگ از دخت وی میرید یا بد دلیل که از صحبت مردی گمراه او را جدا می افتد و صلاح  
دران باشد و شمشیر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که شمشیر را بگرفت دلیل که دشمن را بفرزند و اگر میند که شمشیر بگرفت

شاه رو  
شاه اسپر  
شامین  
شامان  
شب یمانی  
شب با زنی  
شب برگ  
شمشیر



خواب

شب

چرخ

شیر

شمال

شفا

شکار

شیر

شیر

شیر

شست لیل که خدایشان را در غم و اندوه خلاصی یابند و اگر میند که بآب شور و در می شست لیل که رنجی بوی رسد و اگر میند که جانم بکشد  
 آب چرخین بپشت لیل بر تپایی کار و فساد وین بود و اگر میند که آب سرد و یا آب چرخین خورد و بپشت لیل که توبه کند مغز و  
 شستن یا آب سرد و بر چهار وجه بود یکی آلوده و دوم عافیت سوم خلاصی از زندان چهارم بپشت لیل که بپوشد و غم و اندوه  
 بود و دوست در وی شستن و خواب بر شستن وجه بود یکی حصول مراد و دوم شفا از بیماری سوم یافتن مال چهارم چرخ چرخ  
 ششم یعنی هفتم دین پاک بشنم و شدن حاجت شش این برین رحمة الله علیه که بدشتر در خواب دوی و خرمی بود و اگر میند  
 که کسی شش بد و او را نکس معروف بود و لیل که از وی خرمی بیند و اگر شش کسی را و لیل که خیر بیاکس رسد مغز  
 رحمة الله علیه که اگر میند که شش خام یا پخته میخورد و از جانور که گوشت می حلال بود و لیل که بقدر آن مال حاصل کند شطرنج  
 برین برین رح که بد شطرنج بافتن در خواب بهتان و سخن دروغ بود و اگر میند که شطرنج باخت و خضر غلبه کرد و لیل که به بل کسی غلبه کند  
 و بهتان نهد که فانی رح که بد اگر میند که شطرنج می باخت لیل که جنگ منازعت کند و تجران گویند که شطرنج بافتن خیر و منفعت بود و شعر  
 برین برین رحمة الله علیه که اگر میند که شعر با غزل خواند یا مدح کسی یا بجوی بخواند و لیل که سخن باطل گوید و قوله تعا و ان تشعرا  
 یثبتهن لهم الخا و ان اما اگر تجد یا لغت یا سخن حکمت بخواند پسندیده بود و بزره کار نشود و شغال این برین رح که بد اگر میند که  
 شغال سبکست و تخیر بود و نتوانست گرفت لیل که بیمار شود و اگر میند که شغال بادی بازی کرد و لیل که بر زنی عاشق شود و اگر میند  
 که گوشت شغال میخورد و لیل که بیمار شود و شفا یا بد و اگر و ام وار و دوش گذارد و شود و موی و پوست و استخوان شغال در خواص مال  
 شفا لو این برین رح که بد شفا و در خواب اگر زرد بود و لیل بیماری بود و اگر بوقت باشد مضرت کم شود و اگر بپشت شفا و شیرین  
 و زرد بود و کینک باشد و اگر بوقت خود بود و مالی باشد که بوی رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید شفا و در خواب برنج و جود بود  
 کینک و دوم سپهر سیوم علت چهارم مال خیم منفعت از قبل مردی غریب اگر میند که استخوان شفا و بکشت و بخورد و لیل و لیل  
 بر غم و اندوه بود و اگر شیرین بود و لیل که از وی بی اصل بقدر آن مال منفعت یا بدشکار کردن این برین رح که بد اگر میند که گوشت  
 یا کاکا و کوبی یا خور یا مانند این شکا میگرد و گوشت دمی میخورد و عده لیل نکو بی بود و اگر میند که کار بیفکند و لیل که غنیمتی یابد  
 اگر فانی رح که بد شکا ریکه بدام که بد یا بجا طلبند و لیل که زیان بود و بعضی متحران گویند که شکار گیر و خواب چوینده معاش بود و شعر  
 این برین رح که بد یا براه شکر و خواب سخن لطیف بود یا بوسه که کسی بد چون فرزند و برادر و دوست اگر شکر بسیار بود و لیل  
 مال روزی حلال بود و مغز بی رح که بد شکر بسیار کرده بود و فروختن آن نیک باشد اما یافتن و خریدن آن بد باشد و شعر  
 رضی الله عنه گوید شکر در خواب برنج وجه بود یکی سخن لطیف و دوم بوسه دادن سوم منفعت چهارم فرزند پنج مال شکر که اگر  
 این برین رح که بد اگر میند که شکر خدا تعالی گذارد و لیل در سیمین و قوت جاه و مال سعادت و در جهانی بود قوله تعالی  
 ان یثبتهن لهم الخا و ان اما اگر میند که شکر در سیمین برین رحمة الله علیه که بد اگر میند که پیزی شکست لیل که بقدر آن مال شکر که اگر  
 که شکستان دیگری بود و لیل که مضرت آن بر سینه باز کرد و اگر میند که اندام از اندامی دمی شکست و لیل که غم و مصیبت نشانی

در تفسیر

در تفسیر

در تفسیر

در تفسیر

در تفسیر

در تفسیر

اندام تعلق دارد و بود اگر مینیکه از آلات چون چنگ و باب طنبور و نای چیزی بشکست دلیل بر خرمی بود و شکم در تفسیر معنای آنست که اول است  
 و انی علی السلام گوید شکم ظاهر باطن مال بود و این سرین رحمه الله علیه گوید فرزند بود و کرمی را می رحمته الله علیه گوید شکم در خواب لیل بر خورشید نشان  
 اگر مینیکه شکم وی بزرگ شد دلیل بر زیادتی مال و فرزند و یا خویشتان کند و اگر مینیکه شکم وی کوچک بود و از پوست و پی چیزی  
 نقصان شد دلیل بر نقصان مال و فرزند بود و اگر مینیکه هر چه در شکم بود جملگی بیرون آید و بیشتر و باز بجای نماند و دلیل بر حال و نیکو  
 شود و مقصدش حاصل گردد و اگر مینیکه از شکم وی فرزند بیرون آید و دلیل بر از قبیل کسی پدید آید که ابل بیت و راجع است  
 بفرزند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر کسی شکم خود را آما سیده میند و دلیل که او را مال بسیار حاصل شود و اگر کسی شکم خود را شکافه میند و دلیل  
 او را مصیبتی رسد و اگر کسی بر شکم خود موسی رسته میند و دلیل که او را از قبل عیال و ام فاد و اگر کسی از شکم خود موسی سترده میند و دلیل که  
 بیغم گردد و او را ش گذارده شود و اگر کسی میند که سوراخی در شکم داشت و دلیل عیال مال و بخور و جعفر صادق ضی الله عنه گوید شکم در  
 بر چهار وجه بود یکی بجای علم دوم خرمی سیوم نظام عیش چهارم فرزند شکسته ابن سرین رحمه الله علیه گوید شکسته در خواب از جانوری  
 که گوشت و حلال بود و دلیل بر مال حلال بود و اگر میند که شکسته بر سر کهن بود و دلیل بر مال حرام بود و اگر میند که شکسته پخته خورد و دلیل  
 خیر و شفقت میند شکسته ابن سرین رحمه الله علیه گوید شکسته در خواب لیل بر خورای و پچاری بود و اگر بخواب میند که او را از شکسته  
 المی رسد و دلیل بر پهن بود و اگر میند که او را از شکسته رحمت برسد تا ویش بخلاف این بود و اگر میند که پادشاه او را از شکسته کرد و دلیل  
 که او را پادشاه کند میند شکوفه و دختان شکوفه دختان تبایل بوقه خیش بهتر بود و شکوفه زربا و تبایل کمتر از رخ و سپید بود  
 و گلزار در خواب عروسی نیکو بود و شکوفه دختان بقدر کوتاهی بلند و دخت بخن لطیف بود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر میند که شکم شکوفه  
 و دختان بخور و از گردی که بدان دختان نسبت دارند بخن لطیف شوند و از ایشان خیر و شفقت میند و اگر میند که شکوفه می بوئید و دلیل که مرد  
 او را مدح و ثنا گویند شل شدن ابن سرین رح گوید اگر میند که اندامی از او شل شود و کج خانه افتاده و در تو نیست و دلیل که از  
 کارهای بد تو بکند و شل شود و از مردم باز دارد و اگر میند که خواب بی سفید بود تا ویش بخلاف این بود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر میند که اندامی از  
 اندامهای او خسته بود و دلیل آنکه از خوشی که بدان اندام نسبت دارد و آفتی رسد شلغم ابن سرین رحمه الله علیه گوید شلغم در خواب غم و اندام  
 بود و اگر میند که شلغم کسی داد و دلیل که بد آنس رخ رسد از مغربی رحمه الله علیه گوید شلغم پخته در خواب باز خام بود و کرمی را می رحمته الله علیه گوید  
 اگر میند که شلغم از خود دور کرد و دلیل که اندام و اندوه خلاصی یابد شلوار ابن سرین رحمه الله علیه گوید شلوار در خواب کنیز کنعنی بود و اگر  
 دون که بخوابد اگر میند که شلوار نو بخرد و بپوشد و دلیل که کنیز کنعنی بخرد و اگر زنی میند که شلوار پوشیده بود و دلیل بر زنی متغیره بود و اگر  
 که او را شلوار پوشیده اند و دلیل که او را خادمی زیاد شود و اگر میند که شلوار بی نو یافت و دلیل که خادمی نو یابد و اگر میند که شلوار بی چپکین است  
 و دلیل بر عقوبت آن شخص تعالی ملامت یا بد قول تعالی سر بیلهم من تطران و لغشی و وجههم النار اگر میند که شلوار سرخ و ریاضی است  
 و دلیل بر زنی با حرمت یابد و اگر میند که شلوار زر و دواشت و دلیل که بهار شود و اگر میند که شلوار سبز و دواشت و دلیل که مرد و او را ملامت کنند و زنی  
 شلوار از کین نیکو باشد اگر زنی میند که شلوار نو خرید و دلیل که شوهر کند و اگر میند که شلوار روی گشود و دلیل که کنیز کنعنی خادم بگریزد و اگر میند که شلوار



خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

بود دلیل که زنی از هسل که با خواهر و اگر بیند که شمع در آن از هسل بود دلیل  
 زنی از مردان عاصه باشد که زنی از هسل که با خواهر و اگر بیند که شمع در آن از هسل بود دلیل  
 در دست داشت و کسی که شمع در آن از هسل که با خواهر و اگر بیند که شمع در آن از هسل بود دلیل  
 گوید که اگر بیند شمع در آن از هسل که با خواهر و اگر بیند که شمع در آن از هسل بود دلیل  
 آنجا عادی و اگر باشد و قاضی منصف و دانشمند و زاهد و خرمی در آن شهر بسیار بود و اگر در مسجد شمع بسیار بیند دلیل که مردمان آن موضع  
 بطاعت و تقوی مشغول باشند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شمع در خواب بر چهار وجه بود یکی پادشاه و دوم خلیفه سوم  
 فرزندان چهارم عروس پنجم فرمان روائی ششم مهربانی هفتم سراسر ششم شادی نهم توانگری دهم علم یازدهم عیش و بازی و دهم  
 سیزدهم زن چهارم دلیل بر بنده شناسا و کردن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید شناسا و کردن در خواب در آن صافی طلبت  
 کردن بحیثیت و تدبیر بود و اگر بیند که در آن صافی شناسا و کردن و غرق شد دلیل که در آن نیای غرق شود و زنی از هسل که با خواهر و اگر بیند که شمع در آن از هسل بود دلیل  
 که در دریا شناسا و کردن و بکنایه نتوانست رفت دلیل که پادشاه او را از عمل باز دارد و اگر بیند که شناسا و کردن بر روی آسان بود و دلیل  
 کاروی آسان گردد و اگر بیند که شناسا و بروی و شوار بود دلیل که کاروی و شوار کرد و اگر گناره دریا پسندید دلیل که در حدیث است  
 و اگر بیند که آب غلبه کرد و در میان آب بر دلیل که در دست خصمان هلاک شود و اگر بیند که از غرق شدن امان یافت دلیل که از غلبه  
 اینجانی سلامتی یابد و در کار آخرت و آید و اگر بیند که آب و در زمین فرو برد و دلیل که او را غنی پیش آید و اگر بیند که از زیر زمین  
 آمد از غم فرج یابد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که از دریا شناسا و بروی آمد و جامه در پوشید دلیل که از شغفای پادشاه خلاص  
 یابد و اگر بخلاف این بیند دلیل که تا ویلش از کوزه نبود و اگر بیند که از روی بزرگ شناسا و بکنایه آمد دلیل که از شغفای بزرگ بستره  
 و اگر بخلاف این بیند دلیل که در شغل ماند شکر ف ابن سیرین رحمه الله علیه گوید شکر ف در خواب غم و اندوه بود و اگر  
 بیند که شکر ف داشت دلیل که اندوه یابد و اگر بخلاف این بیند که شکر ف خورد و دلیل که بیمار شود و اگر بخلاف این بیند که شکر ف خورد  
 می نگاشت دلیل با هو بل و دنیا فریفته شود و اگر بیند که شکر ف چیزی می نگاشت اگر قرآن یا دعا یا توحید بود و دلیل نیکویی بود و اگر  
 بخلاف این بیند دلیل که مضرت یابد و شهادت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که شهادت بر می آورد و دلیل که بوقت مرگ است  
 فرج یابد و عاقبت کارش محمود بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر مصلح بود و بیند که شهادت بر می آورد و دلیل که بوقت مرگ است  
 یابد و اگر بیند که مضرت بود و دلیل که توبه کند و از گناه پشیمان شود و اگر بیند که خواب شرک بود و دلیل که مسلمان گردد و عاقبت کارش  
 شاه بلوط ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که شاه بلوط داشت میخورد و دلیل که نکسین گردد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر  
 بیند که شاه بلوط داشت یا بکسی داد و دلیل که بقدر آن از مردی بخیل منفعت یابد و شهد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که  
 شهد با مردم بود و تامل میراث بود یا غنیمت حلال بود و اگر بیند که شهد داشت دلیل که بقدر آن از اجائی میراث حلال یابد  
 اگر تانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که شهد داشت دلیل که بقدر آن علم و دانش حاصل کند و اگر بیند که از آن شهد مرد سزاوار



شهرستان  
شهرستان  
شهرستان

و میخوردند و دلیل که مردم از علم او خاییده یا بند و اگر بخلاف این بیند منفعت نیابد و معتبران گویند که شهرد دلیل بر کسب  
جستجو صادق رضی الله عنه گوید در خواب شهید دلیل بر پنج وجه بود یکی میراث دوم غنیمت سیوم علم چهارم قرآن پنجم روزی فراخ بود  
شهرستان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که بشهرستان اندر شد دلیل که دین وی استوار بود و عاقبتش محمود گردد و اگر بیند  
که در شهرستانی ساکن شد دلیل که بخدمت پادشاه شود و خیر و منفعت یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید شهرستان در خواب  
برسفت و جلد بود یکی پادشاه دوم رئیس سلوک عامه چهارم قوت دین پنجم ایمنی ششم ظفر یافتن هفتم دلیل بر استواری کار  
شهر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در شهری شد دلیل که و نیش قوی گردد و اگر کاری در ویش وارد تمام شود و بعد  
برسد و اگر بیند که از شهر بیرون آید یا از کسی از شهر بیرون کرد دلیل که ماه بیش بخلاف این بود اگر کسی خود را بیکنگه یا بر روی  
شهر بیند دلیل بر هلاک او بود و اگر بیند که از شهری بشهری او را کردند دلیل که زنا اطلاق دهد و زن وی ستوی دیگر بیند و اگر بیند  
که در شهری مقیم شد دلیل که زن او از وی جدا شود و اگر بیند که از شهر مسلمانان بشهر کافران تفرق کرد دلیل که از دین رهسپار  
باطل گزاید و باشد که نیمی کافره بر نی کند و اگر در شهری گرم سیر بر فتنه بیند دلیل بر فتنه و تلگی بود و اگر در شهری سرد سیر بیند  
فراخی و از آنی نجات بود و اگر بیند که در شهری رفت و آن شهر را و را خوش آمد دلیل که عروجه یا بد و اگر بیند که از روستا بشهری رفت  
دلیل که خیر و منفعت بد و رسد و اگر بیند که از شهر بروستا میرفت دلیل که مرادش بر نیاید قوله تعالی اَهْوَجَبْنَا مِنْ هٰذَا الْقَوْمِ  
الظَّالِمِ اَهْلُهَا و اگر در شهری گشته بود و تا پیش نیکو بود و اگر بیند که زنان در شهری رفتند دلیل که در آن شهر فتنه و فساد  
و اگر بیند که زنان در آن استه شهر رفتند دلیل که در آن دیار نجات فراخی بود و اگر بیند که زنان بشهر درون شدند دلیل که فساد  
پادشاه آنجا روند و بر اهل آنجا ظلم و سید و کنند و اگر بیند که روی بسته بشهری درون شدند دلیل که در آن شهر خیرهای ناخوش  
و اگر در خواب در شهری جانب مشرق بیند دلیل که بهتر باشد از جانب مغرب مغرب می رج گوید اگر خواب خود را بشهر هندوستان بیند  
دلیل که بد باشد و اگر خود را در شهرهای ترکستان بیند دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر خود را در شهرهای بلغار و سلطان بیند  
که بروی خیانت بود و کارها بروی پوشیده گردد و اگر خود را در شهرهای ماوراءالنهر بیند دلیل که عروجه یا بد و ایمنی یا بد و اگر خود  
را بخوارزم بیند دلیل که کارش بسته گردد و اگر خود را در شهرهای عراق بیند دلیل که دولت کامرانی یابد و اگر خود را در شهرهای  
خراسان بیند کار او باستانی تمام گردد و اگر خود را در شهرهای فارس بیند دلیل که صحبت او با مردمان پارسا بود و اگر خود را در شهر  
کرمان بیند دلیل که عیالش بسیار شود و اگر خود را در شهرهای حجاز بیند دلیل که حج کند و اگر خود را در شهرهای بیند دلیل که سلا  
و ایمنی بود و اگر خود را در شهرهای مصر بیند دلیل که شادمان و خرم گردد و اگر خود را در شهرهای آذربایجان بیند دلیل که در  
کارهای پنج و بلا کشد و اگر خود را در شهرهای منیه بیند دلیل که مرادش بر آید و اگر خود را بشهرهای مغرب بیند دلیل که کارش نقصان  
افتد و اگر خود را در شهرهای قرطبه بیند دلیل که کار دنیاوی او نیک گردد اما در دین ضعیف باشد و اگر خود را در شهرهای شیراز  
بیند دلیل که کار او شکیو باشد شهرهای مفرو و پیدن کرمانی راجع گوید اگر خود را در مکه بیند دلیل که عروضا و فقرت یابد و اگر خود را در

شهرهای  
شهرهای  
شهرهای

مدینه بنید دلیل که او را با تاجا صحبت افتد و از ایشان منفعت یابد و اگر خود را در شهر مین بنید دلیل که از ترس و بیم میس گردد و اگر خود را  
 بطایف بنید دلیل که سفر بسیار کند و نیک باشد و اگر خود را به بهر بهر بنید دلیل که از علما بهره مند گردد و اگر خود را به بهر بهر بنید  
 دلیل که دیندار و پارسا شود و اگر خود را بهر بهر بنید دلیل که از عام نیکی یابد و اگر خود را بهر بهر بنید دلیل که توانگر شود و بازرگان  
 او را خیر رساند و اگر خود را بجلدان بنید دلیل که معیشت خوش گذراند و اگر خود را با صنفان بنید دلیل که او را بازرگی صحبت افتد  
 و اگر خود را بهر بهر بنید دلیل که برادر رسد و اگر خود را بهر بهر بنید دلیل که روزی بروی فراخ گردد و اگر خود را بجلب بنید دلیل که از بزرگ  
 منفعت یابد و اگر خود را بانظاک بنید دلیل که از متری منفعت یابد و اگر خود را بهر بهر بنید دلیل که خود کارانی یابد  
 و اگر خود را با خلا بنید دلیل که کارش شوریده شود و اگر خود را بقصر بنید دلیل که منفعت یابد و اگر خود را در درق بنید دلیل که کارش  
 بسته گردد و اگر خود را بهر بهر بنید دلیل که کارش نقصان گیرد و اگر خود را بکنج بنید دلیل که نعتش زیادت گردد و اگر خود را بخو بنید  
 دلیل که مالش کم شود و اگر خود را بهر بهر بنید دلیل که امان و رحمت یابد و اگر خود را بهر بهر بنید دلیل که از بزرگ رسته گردد و اگر خود را بهر بهر  
 بنید دلیل که اندوگین شود و اگر خود را بهر بهر بنید دلیل که جاه و منفعت یابد و اگر خود را بقبر بنید دلیل که او را با متری صحبت  
 و اگر خود را در ری بنید دلیل که او را سوگند افتد و اگر خود را بکرکان دلیل که او را خصومت افتد و اگر خود را بهر بهر بنید دلیل که  
 شود و اگر خود را بهر بهر بنید دلیل که خوری یابد و اگر خود را بسا و بهر بهر بنید دلیل که مالش نقصان یابد و اگر خود را بهر بهر بنید دلیل که  
 ساخته بود بجائی یابد و اگر خود را آتشپور بنید دلیل که با مردی بزرگ او را صحبت افتد و اگر خود را بطوس بنید دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر  
 خود را بهر بهر بنید دلیل که بر دشمن خفا یابد و اگر خود را بسمرقند بنید دلیل که در میان مردم نامدار شود و اگر خود را بقری بنید دلیل که از بزرگان  
 خیر و منفعت یابد و اگر خود را بکاشغر بنید دلیل که اندوگین شود و اگر خود را با سکندریه بنید دلیل که کاری پریشان گیر و از آن پیمان شود  
 و اگر خود را بانگس بنید دلیل که با وی خیانت کند و اگر خود را در حصاری بنید دلیل که کارش فریبند و جعفر صادق رضی الله عنه که بدین  
 شهر را در خواب بر چهار وجه بود یکی دین و دوم آشکارا شدن سیدم عیش و شمع شام زنی که جنسی باشد شور با این شهر بنید  
 علیه که بدین شهر را در خواب اگر بگوشت باشد و طعم بوی خوش باشد بنید دلیل که منفعت بود و اگر بخلاف این بود دلیل که غم و اندوه بود  
 مغربی رحمة الله علیه که بدین شهر را با گوشت باشد و خوب بخت باشد نیکی باشد و اگر گوشت غلیظ باشد دلیل که غم و اندوه بود و شونیز بنید  
 گوید شونیز در خواب دلیل غم و اندوه کند و خوردنش دلیل بر فقرت کند و نقصان بود و اگر بنید که شونیز بسیار داشت دلیل که در اندوه گرفتار  
 شود و شیر از این برین رحمة الله علیه که بدین شهر را در خواب غم و اندوه بود و هر چه ترش بود دلیل که اندوه صبر باشد و اگر بنید که شیر از بقر  
 یا بکسی داد و از آن هیچ نخورد و دلیل که خورمی بنید که مانی ج گوید خوردن شیر از در خواب سخنی بد بود که از آن برنجید شیر و انبال علیه السلام  
 گوید شیر در خواب هر چند که تازه تر و خوشتر و شیرین تر باشد دلیل بر زیادتی مال کند و چون ترش بود و تلخ بخلاف این باشد و اگر  
 بنید که شیر تازه میخورد و دلیل که بقدر آن مال حلال یابد و اگر زنی بنید که شیر در پستان وی جمع شده و دلیل که او را فرزند آید و اگر مردی  
 بنید که زنی که شیر وی ریخت دلیل که او را فرزند آید و اگر مردی بنید که شیر میدوشید و عوض می شیرخون می آمد و دلیل که



و اینست که

و اینست که

و اینست که

و اینست که

و اینست که

و اینست که می بیند دلیل که از پادشاه او حضرت رسد و انبیا علی السلام گوید اگر خواب ببیند که سرشیر یافت دلیل که پادشاهی با او  
و اگر ببیند که پادشاهی او سرشیر داد دلیل که پادشاهی خود بدو دهد یا ولایتی از آن خود او را پادشاه گرداند و اگر ببیند که بر سرشیر  
دلیل که دولت و مرثیت او را زیادت گردد و مغربی رحمة الله علیه گوید شیر نر در خواب پادشاه بود و شیر ماده زن پادشاه بود و اگر زن  
که شیرشیر مید و شیردلیل که ویر پادشاه گردد و اگر زنی بر این خواب ببیند دلیل که دایه سپهر پادشاه شود و اگر ببیند که شیر را بر پشت گرفته  
بود دلیل که دشمن بروی ظفر پادشاه را بگریزد و دلیل که از دشمنی حضرت رسد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر ببیند  
که شیر را در بر گرفت دلیل که مقرب پادشاه گردد و اگر بخلاف این ببیند دلیل بر خشم پادشاه بود و اگر ببیند که با شیر طعام خورد دلیل که مستور  
پادشاه شود و اما پوست و گوشت و استخوان شیر در خواب جمله دلیل بر دشمنی بود و اگر ببیند که گوشت شیر میخورد دلیل که دشمن را باستان  
به دست آورد و اگر بخلاف این ببیند تا دلش بخلاف این بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شیر در خواب برسته وجه بود یکی از  
دوم مرد و لیس سوم دشمن قوی شیر خور شتابن سیرین رحمة الله علیه گوید شیر خور شتاب در خواب روزی حلال بود اگر در خواب  
ببیند که شیر خور شتاب جمع میکرد دلیل که از سفر مال حاصل کند و اگر ببیند که شیر خور شتاب میخورد دلیل که مال بر عیال نفقه کند  
و عیوض باز پادشاه و اگر ببیند که شیر خور شتاب داشت دلیل که مال از باز زگانی یا جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شیر  
در خواب برسته وجه بود یکی مال حرام دوم فراخی عیش سیدم کام دل یافتن شیشه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شیشه در خواب  
زن باشد گویند خادمی بود که خدمت زنان کند و لیکن ثباتش نباشد و اگر ببیند که شیشه خالی بود که بوی وادند دلیل که زنی  
در ویش خواهد و اگر ببیند که در آن شیشه روغن بود مثل روغن گل و بنفش لیل بر زنی دیندار باشد مغربی رحمة الله علیه گوید زن  
توانگر باشد و اگر ببیند که از آن روغن چیزی بسرمالید دلیل که از مال زن چیزی بوی رسد و اگر ببیند که از شیشه شرابی میخورد چون شراب  
سیدب شراب نار و غیره دلیل که بقد آن مال زن خورد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که شیشه آگینه داشت و سپید و پاکیزه بود  
و دلیل که زنی خوب روی و پارسا خواهد و اگر ببیند که شیشه شکست دلیل که زن او هلاک شود و اگر ببیند که شیشه ضایع شد دلیل که زنی  
حلاق دهد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که شیشه داشت و در وی جلاب یا چیزی شیرین بود و دلیل که زنی سازگار  
خوش طبع خواهد و اگر جلاب ترش بود تا دلش بخلاف این بود و اگر ببیند که در شیشه چیزی خوش بود و دلیل که زنی مستوره و خوب  
خواهد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شیشه در خواب برسته وجه بود یکی زنی با جمال دوم کنیز سیدم خادم خانه شیشه  
دارد نیست که در خورون آن هیچ ضرر نباشد حرف ایضا و صابون ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخوابد  
که جامه خود را بصابون می شست دلیل که از کارهای پد باز گردد و اگر ببیند که جامه کسی بصابون می شست دلیل که کسی را از کار  
باز دارد و اگر ببیند که صابون میخورد دلیل که مال حرام خورد و اگر ببیند که صابون بکشی داد که بخورد و دلیل که مال خود را بخورد و می  
گرمائی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که صابون بسیار داشت و جامه خود را شست و دلیل که او را خسته حاصل گردد و اگر ببیند که  
خود بصابون شست دلیل که از مردمان باز ماند مغربی رحمة الله علیه گوید صابون در خواب خریدن باز و رفتن بود و اگر صابون

خواب در خواب

صاحب

صاحب

صاحب

صاحب

صاحب

صاحب

صاحب

سپید بود و از آنش بوی خوش می آمد بجا نیت نیک بود و صابون گزنی ممتد بود و صرافی کردن ابن سیرین رحمه الله علیه  
 شرافت در خواب عالم بود و اگر کسی خواب ببیند که صرافی میکرد و متبرک نگاه کند تا سایلان چهره دست اگر ببیند و سوز و ویندار بود  
 که آنچه که موافقت دین بود از آن اختیار کند و اگر سایل چیزی نباشن نداند تا ویش است که مردی متحیر باشد بخرافات مشغول بود  
 که مانی رحمه الله علیه گوید اگر خواب ببیند که صرافی میکرد و دلیل که بجا نیت و غیبت مردم مشغول بود و گویند صرف در خواب مردی خرافات  
 گوی باشد که همه آن کند که اوزیان دارد صراف روج ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که صراف روج کرد و دلیل که با مردم سخن لطیف  
 گوید و صراف روج کرد در خواب مردی خوش بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که صراف روج از هر کسی کرد و دلیل که آنکس مدا و کند حقیقت  
 صادق رضی الله عنه گوید صراف روج کردن در خواب برسته و جبهه بودی سخن لطیف دوم مدا کردن سیدم رضای آنکس چنین  
 صاحب رحمه الله علیه گوید صراف روج کرد که از ابرجد اگر خواب ببیند که از ابر صافه فتا و دلیل که بقدر آن صراف  
 خدای تعالی بابل انتقام رسد قوله تعالی وَ يُؤْتِيهِمْ مِنْهَا حُسْبًا فَإِذَا هِيَ كَالْبَحْثِ الْفَاسِقِ فَصَحَّحَ اَنْ لَقَا اَبْلَ اَيَّ  
 توبه باید کرد تا غذا ببلای ایشان دفع شود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که آتش از هر امانند باران می بارید و دلیل بر بلا و فتنه و خونریزی  
 از جهه پادشاه بود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که صرافه بیفتا و هار و اسبخت دلیل که عقوبت پادشاه هلاک شود و صبح  
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که صرافه بد میزد و جهان روشن شد دلیل که اهل اندیا را ایمنی حاصل شود و اگر ببیند  
 که بعد از صبح تاریکی پیدا شد تا ویش بخلاف این بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که صرافه دمید و مسخ بود چنانکه زمین از  
 عکس آتش شد دلیل که در آن دیر فصل خونریزی شود و اگر رنگ صبح زرد بود و دلیل بهاری بود و جبهه صادق رضی الله عنه گوید  
 و در صبح در خواب دلیل بر قوت صلاح دین مردم اندیا بود و صبر در خواب عالمی بود که غرض از علم و جذب مال بود و اگر ببیند  
 که صبر بخورد و دلیل که عالمی بدین نوع شود و اگر بخورد تا ویش بخلاف این بود مغربی رحمه الله علیه گوید صبر خوردن در خواب دلیل بر نعم  
 بود که بوی رسد صحبت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر صحبت با مردم صحیح پارسا میداشت و دلیل بر دیانت صلاح  
 زندگانی او باشد و اگر بخلاف این ببیند دلیل بر فساد و تباه کاری او باشد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که همراهی  
 با پادشاه میکرد و دلیل که از پادشاه او را خیر و منفعت برسد و اگر ببیند که همراهی با مردی عالم میکرد و دلیل که علم و دانش  
 یابد و کارش بنظم شود و اگر ببیند که با مشتری همراهی میکرد و توبه باید کرد و اگر ببیند که با بزرگی همراهی میکرد و دلیل که بدینجهت  
 شود صحرا ابن سیرین رحمه الله علیه گوید دیدن صحرا در خواب خورمی و نیکوئی بود و از قبل پادشاه بقدر بزرگی صحرا اگر  
 صحرائی اندازه ببیند و در آن خار و خش بسیار باشد و او در آنجا میکشت دلیل که او را با پادشاه ستیزی عالم  
 صحبت اخذ و مقرب می شود و اگر صحرائی ببیند که در و سبزه بود و دلیل که با مردم و فضل عالم صحبت افتد و فایده  
 یابد صحف ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب ببیند که صحف را بهیم علیه السلام بخواند و دلیل که او را کسی از صواب بخاید و از خطای  
 خاصه که از کتابها اند و اگر ببیند که صحف از او هر چند دلیل که صحبت با مردم بنفاق و ریاست مغربی روج گوید اگر ببیند که مسلمان صحف کرد و صحبت

علیه السلام میخواند دلیل که تقاضا شد در دین مسلمان بود و کربان وجود او را دوست دارد و میل تمام با ایشان بود صحیفه تیسری  
 دارد یکی نامه دوم دوم کاغذ سیوم پرده ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بینه که بر صحیفه خیزی می نوشت دلیل که میراث یابد  
 و اگر بینه که بر صحیفه کسی از پدر خود خیزی می نوشت دلیل که از مردی دین دارد با امانت خیزی یابد و اگر بینه که بر صحیفه خطا بنویسد  
 نوشت دلیل که از مصیبت زد و خیزی یابد و اگر بر صحیفه خیزی می نوشت دلیل که میراث نرسد صدق کرمانی رحمه الله علیه  
 صدق در خواب زن بود و اگر خواب بینه که صدق داشت دلیل که زنی خواهد یا کینه گی خرد و اگر بینه که صدق ضایع شد دلیل  
 خادم او بگریزد و صدقه داوود خلاف است معتبر از ادین ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بینه که عالمی صدقه بدهد  
 و دلیل که از علم وی مردم نفع رسد و اگر بینه که پادشاه صدقه داوود دلیل که منفعتش بسیار بود و اگر بینه که پیشه درمی صدقه داوود  
 دلیل که شاگردان را کار آموزد کرمانی رحمه الله علیه گوید صدقه داوود در خواب یا مینی بود و خلاصی از پنج و سختی یا بد مغربی رحمه الله علیه  
 اگر اوام داری بینه که صدقه داوود دلیل که ویش گذارد و شود اگر بینه که صدقه داوود دلیل که آزار دگر و دگر از نذانی بینه که صدقه داوود  
 دلیل که آزار دگر و دگر از نذانی بینه که صدقه داوود دلیل که خلاصی یابد و اگر بینه که صدقه داوود دلیل که مسلمان شود فی الجمله صدقه  
 داوود در خواب بر سعادت و دجانی باشد صراط ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب بینه که بر صراط ایستاده بود  
 و دلیل که کارهای کج بردست وی درست گردد زیرا که صراط راه راست است قوله تعالی وَ يَهْدِيكَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ  
 اگر بینه که از صراط بگذشت دلیل که از بلائی مرگ و بزرگ ایمن گردد و اگر بینه که از صراط دور و فرخ افتاد دلیل که در رخ و بلاست  
 افتد کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بینه که از صراط بگذشت دلیل که راه آخرت گزیند و عمل صالح کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید  
 دیدن صراط در خواب بر شش وجه بود یکی راه راست دوم صبی کار سوم ترس چهارم رحمت از قبل سلطان پنجم گناه ششم نفقت  
 صفحه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید صفحه در خواب مادر و پدر بود اگر کسی بینه که صفحه سرایش نو و پاکیزه و بلند بود دلیل که بر  
 درازی عمر و سلامتی نفس مادر و پدر باشد و اگر بینه که صفحه سفید و در خواب شد دلیل که بر هلاک پدر و مادر محربی رحمه الله علیه  
 اگر بینه که صفحه از جانب راست خلل کرد و در آن رخنه افتاد دلیل که پدر بیمار شود و اگر بینه که رخنه از جانب چپ بود دلیل که مادر  
 بیمار شود و اگر مادر و پدر نداشت دلیل که او را غم و اندوه رسد صلوات ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بینه که صلوات  
 بر حضرت رسول صلی الله علیه و سلم میاد و دلیل که حاجتتایش روا گردد و روزی بروی فراخ گردد و خاست کارش تسجارت  
 بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بینه که صلوات بسیار میاد و دلیل که حج کند و گویند که پیغمبر صلی الله علیه و سلم را خواب بینه دلیل  
 سنتهای پیغمبر صلی الله علیه و سلم بجای آورد و صمغ ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که صمغ از درخت آنچنانست که فضل آن خرد  
 و اگر خواب بینه که صمغ داشت یا بوی کسی داد و دلیل که بقدر آن از فضل مال کسی بخورد و اگر بینه که صمغ بکسی داد و دلیل که از فضل  
 مال خود چیزی بکسی دهد مغربی رحمه الله علیه گوید صمغ در خواب منفعتی اندک بود که از مردی بوی رسد که بدان و خست نبویست  
 اگر صمغ با اوام خورد و دلیل که از مردی بخیل منفعت یابد اگر صمغ نزد او خورد و دلیل که از مردی بهای منفعت یابد و اگر صمغ سفیدان داشت

صحیفه تیسری

مکرم

نصف

مکرم

نصف

دلیل که از روی بیابانی منتفع یا بد صبح ابن سیرین رحمه الله علیه گوید صبح در خواب کرده و کلام باطل و دروغ بود و اگر بیدار  
و پیش از صبح بیدار شود و دلیل که بد صبح و باطل صبح و اگر بیدار شود صبح یا چنانکه چنانکه نیز در ذلیل بر غم و اندوه مصیبت بود که باطل است  
رسد و اگر بیدار شود صبح شکست یا بیدار شد دلیل که از کلام باطل و دروغ توبه کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید صبح زدن ز خواب  
برخیزد و بیدار شود یکی خبر کرده دوم کلام باطل سوم متلع چهارم دنیا پنجم غم و اندوه هفتم صندل ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر  
که صندل داشت یا کسی بوی داد و دلیل که بد صبح و شای او گوید و اگر بیدار شود صندل بیدار شد دلیل که از روی بزرگوار عطا  
یا بد و هر چند که بوی صندل بیشتر بود و منتفع است و بهتر باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن صندل در خواب بر چهار  
وجه بود یکی آشنای او بودن دوم خبر و برکت سوم جاه و منزلت چهارم منتفع است و صندل سپید بهتر از صندل سرخ بود و صندل  
ابن سیرین رحمه الله علیه گوید صندل در خواب زدن بود و بعضی معتبران گویند که غم و اندوه بود و اگر خواب بیدار شود  
بزرگی نو بخرد یا کسی بوی داد و دلیل که بقدر آن غم و اندوه یا بد و اگر بیدار شود صندل در صبح شد یا شکست دلیل که جاه و  
کم شود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیدار شود صندل در صبح یا بیدار شد دلیل که زنی خواب روی و پاکیزه بود و اگر بیدار شود صندل  
تا و پیش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن صندل در خواب بر سه وجه بود یکی غم و اندوه دوم بیداری  
و مرتبت سوم زدن بود صورت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیدار شود که چهره او بصورت دیگر بدل گشت دلیل که  
احوالش بد آنکه دیده باشد بگریه و اگر بیدار شود بصورت خود باز گشت و دلیل که بخداوند تعالی باز گردد و اگر خواب بصورت  
خود باز گشته بیدار شود دلیل که هر کس روی از روی برگرداند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیدار شود صورت آدمی یا صورت جانوری  
شد دلیل که بد صبح و دروغ زدن بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که صورت در خواب کسی ببیند که بر خداوند تعالی دروغ  
خوف ابن سیرین رحمه الله علیه گوید چنانچه صوف در خواب خبر و منتفع و دنیا بود و خاصه که مردم مصلح را و اگر بیدار شود  
صوفیان بیرون آمد و دلیل که میل او بخلاف کند و اگر مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیدار شود صوفی شود و مرقع پوشید و در میان  
صوفیان مقام داشت دلیل که چنین بیداری ببیند اگر بیدار شود صوفیان او را از میان خویش سیدنا هم راهی  
این بود و اگر بیدار شود صوفی شد یا با صوفیان نشست دلیل که طاعت و خلاق کند یا عالم میکرد و دلیل که علم و دانش  
شدن در خواب بر چهار وجه بود یکی دست از دنیا برداشتن دوم از خلق بیدار شدن بزرگی همراهی میکرد و دلیل که بد صبح  
چهارم طمع کسی نداشتن صیقیل ابن سیرین رحمه الله علیه گوید صیقیل در خانی و نیلوی بود از قبل پادشاه بقدر بزرگی صحرا اگر  
بیدار شود صیقیل میکرد اگر از ابل صلاح بود و دلیل که پادشاه را انجا میکشت دلیل که او را با پادشاه ستکری طالب  
که صیقیل در خواب بر روی باشد که بدست خود حق را و سبزه بود و دلیل که با مردم و فاضل عالم صحبت افتد و فایده  
بود و اگر صنی روشن و پاکیزه بیدار شود دلیل که زن خا و بد که صنف بر اسم علیه السلام بخواند و دلیل که او را کسی از صواب یاد و از خطا  
و اگر بیدار شود آلات حسنی داشت یا اگر رفت و دلیل که صحبت با مردم بخلاف میبرد یا با ستکری که گوید اگر بیدار شود که مستحق است که در صحبت





در خواب

و دلیل که از پادشاه جاه و مال حاصل کند اگر بینه که طاووس داده بود و دانند که کائنات دست و دلیل که زنی عجمی بزرگ با جمال بجا و از مال و فرزندان حاصل کند که تانی رحمه الله علیه گوید اگر بینه که طاووس با کبوتر جفت شد و دلیل که تو ادلی کند و انبیا علیه السلام گوید که طاووس در خواب زنی نموده بود و اگر بینه که طاووس زنی با وی سخن گفت و دلیل که ولایت یابد و اگر بینه که تاز و طاووس با هم بود و دلیل که بیگانه یا عیال و فساد کند و اگر بینه که طاووس از خانه وی بیرون و دلیل که زنا طلاق دهد و اگر بینه که طاووس را بگشت و دلیل که از و ختری و دشمنی بستاند و اگر بینه که طاووس در دست داشت و دلیل که مال و نعمت یابد و اگر بینه که بچه طاووس را بگرفت و دلیل که او را ختری آید و اگر بینه که طاووس زنا و دوست وی بیرون و دلیل که از پادشاه جدا افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که طاووس در خواب بر دو وجه بود یکی پادشاه عجم دوم خزانه مال طبع در خواب مردی عریض بود و این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بینه که طبع باخی میگردان طبع بطعم خوش بود و دلیل که خیر و نیکی بیند و اگر بخلاف این بیند و دلیل که مضرت یا بد طبع این سیرین رحمه الله علیه گوید طبع در خواب خامی بود که کار مجلس ساز و وقت شادی و هر که ویران بیند شاگرد و اگر بینه که طبعی بزرگ داشت و دلیل که پس صفت او را خامی حاصل آید و اگر بینه که طبعی شکست و دلیل که خادم او بمیرد و تانی رحمه الله علیه گوید اگر بینه که طبعی بود آتش افشا و بسوخت و دلیل که کینز و یار ستارش بیمار شود و بطاعون و سرسام گرفتار آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن طبع در خواب بر چهار وجه بود یکی خادم خانه و مجلس دوم کینز سوم فایده چهارم هدیه طبع این سیرین رحمه الله علیه گوید طبع در خواب سخن باطل و دروغ بود اگر بینه که باطل نای و دروغ بود و دلیل بر غم و مصیبت باشد و اگر بینه که طبع مسخر و میزند و دلیل که سخنی باطل گوید یا چیزی مشهور بد و رسد که تانی رحمه الله علیه گوید اگر بینه که طبع میزند و دلیل که کاری باطل کند و طبع در خواب مردی بود که دروغ آید که طبع این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بینه که طبعی بیمار را علاج کرد و درست شد و دلیل که بی را از راه فساد و راه صلاح آورد و اگر بینه که بیماری بر آنکس صحت شد تا ویش بخلاف این بود و اگر بینه که مردم را و او را و نافع آمد و دلیل که علم گوید و پیوند و دو مردم پیوندی پذیرند و بعلم وی کار کنند و اگر داری وی نافع نبوده باشد بخلاف این بود و طبعی کردن در خواب مردم مصلح را دین و راه راست آخرت بود و مردم مفسد را صلاح تن و کسب حیثیت بود و طعم و انبیا علیه السلام گوید هر طعام گوید هر طعام که از راه رسیده باشد تا ویش بد بود مگر پالوده و غیره زیرا که جواهر حلو از آلوده روغن و اکسین باشد و این هر دو در مال بود و این سیرین رحمه الله علیه گوید هر طعام که بخورون و شوار و سیمزه باشد با طعم ریخ و اندوه بود و هر چه ترش باشد دلیل بر بیماری بود و طعام شیرین عیش خوش بود که تانی رحمه الله علیه گوید اگر بینه که طعام از زهر و سیم بست و دلیل بر زیان مال باشد و اگر بینه که طعامی در خانه داشت و همه بخورد و دلیل که عمرش بسرا آمده باشد و اگر بینه که چندان طعام بخورد که طاقت داشت که بر خیزد و دلیل بر مرگ وی بود و اگر بینه که مرده طعام میخورد و دلیل که آن طعام گران شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بینه که در ویش را طعام داد و دلیل که از غم ورنج و ترس و بیم رسته گردد و اگر بینه که کا فر یا طعام داد و دلیل که در کار و شمشیر حق تعالی او را یاری دهد طعمه نیزه زدن بود و اگر بینه که کسی را نیزه زد و نیزه در تن وی درون شد و دلیل که اینکس بعد از آن جرم

کتاب  
حق

کتاب

کتاب

کتاب

کتاب

و بشنای اینکس در دل دارد و مغربی رحمه الله علیه گوید طعنه زدن در خواب سخن زشت گفتن باشد اگر مینکسی را طعنه زد و جای او دست  
 دلیل که از سخن که در حق وی بگوید و او را در و حاصل آید و اگر در و نکند تا و بلیش بخلاف این بود طلاق ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند  
 که زن طلاق داد و او را یک زن بود و دلیل که از شرف و بزرگی افتد و اگر از زنی دیگر بود یعنی این زن و دلیل که از شرف و جاه بعضی  
 نقصان پذیرد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که زن را طلاق داد و دلیل که کاری کند که از ان پیشمان شود و طلع کردن در خواب  
 تو انگری بود و قوله تعالی و ان یفترقا یغفر الله لهما کلا من سعتاه طلع ابن سیرین رحمه الله علیه طلع بار خراب بود و اگر بیند  
 که یک طلع یاده یا سه فراگرفت دلیل که او را فرزندی آید و اگر بیند که طلع خورد و دلیل که مال و نعمت بسیار حاصل کند و اگر بیند که طلع بسیار  
 داشت و از آن نیز خورد و کسی بیند و دلیل که پادشاه مالش بستاند و عاقبت خشنود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید طلع  
 در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزندی دوم رحمت سوم منفعت چهارم سندن مال و تعصب طلق ابن سیرین رحمه الله علیه گوید  
 طلق اندک مایه سخن بود که در کار نازیر که جوهری از سنگ است اگر بیند که از جانی طلق بسیار جمع میکرد و دلیل که او را بکر حلیت  
 از سفر مال حاصل کرد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که طلق مخلون تن بآلید و در میان آتش رفت و آتشش هیچ رنج بوی نبرد  
 و دلیل که شتر پادشاه از وی دفع شود و اگر بیند که طلق مخور و دلیل که مال هیچ و سخنی حاصل کند و اگر بیند که طلق از وی جدا شد  
 و دلیل که مالش تلف شود طنبور ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در خانه و منزل خود طنبور میزد و دلیل که در آنجا غم و  
 بود و اگر بیند که طنبور وی بشکست و دلیل که توبه کند و اگر بیند که طنبور میزد و دلیل که مرگش نزدیک است و اگر کسی بیند که او را  
 طنبور می شنید و دلیل که بسختی بآل ششیدن رخداد و طوطی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید طوطی در خواب فرزند یا غلام بود  
 کسی بخواب بیند که طوطی از دست می پرید و دلیل که فرزند یا غلام او بسفرو و اگر بیند که طوطی با وی سخن گفت و دلیل که سخنی  
 گوید یا کاری کند که مرد را از آن عیب آید و طوطی ماده و خنثی و شیر و بود و طوطی نر مردی پاک دین بود یا غلامی جلد یا رسا بود  
 اگر بیند که طوطی ماده را بکشت و دلیل که و شیرینی و خنثی میبرد و اگر بیند که طوطی از دمان یا از مقعد او بیرون آید و دلیل که او را فرزندی  
 آید که در شان وی سخنان ناخوش گوید جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن طوطی در خواب بر سه وجه بود یکی فرزند و غلام دوم  
 و خنثی و شیر و سوم شاکر و پارسا طوق ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در گردن او طوق بود و از زرد یا زیم و دلیل که  
 آن ولایت یا بدو در آن انصاف نگاهار و اگر بیند که از آسن بود و دلیل بر بی مانتی و فساد دین بود که مالی رحمه الله علیه گوید اگر  
 طوق در گردن خود بیند و دلیل که دعوی بدو رخ کند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر در گردن خود طوق در زین بیند و دلیل که ولایت  
 یا بدو اگر ارمس یا آامن بود و دلیل که با کسی خصومت کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن طوق در گردن در خواب شش  
 وجه بود یکی حج دوم ولایت سیوم خصومت چهارم امانت پنجم غلام ششم کینرک و اگر طوق در گردن اسپ خود بیند و دلیل که  
 از پادشاه مال و بزرگی یا بطیلسان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید بطیلسان در خواب قدر و بزرگی و جاه بود و اگر بیند که  
 نو و پاکیزه بود و دلیل که قدرش نیکو بود و اگر بخلاف این بیند و دلیل که قدرش کم شود و اگر بیند که طیلسان بدرید یا سوخت و دلیل که عز  
 و

و کلام  
 کلام

کلام

کلام

کلام

کلام

کلام

کلام

مذنب

سجده

مجلس

عاج

عاج

تخت

از آن او میرود انبیا علیه السلام که بدیدن طلیسان و خواب امانت و واپاست و قوت بین بود و اگر بیند که طلیسان پاکیزه بود  
 و لیل که امانت بگذارد و اگر طلیسان چرکین بود و لیل که امانت در گردش بگذارد و اگر بیند که طلیسان زرو بر و لیل که او را نمی سخت  
 افتد مغربی رحمة الله علیه گوید طلیسان سپید در خواب فرزند صالح بود و اگر سرخ بود و لیل که فرزندش معاش و طرب و دوست دارد  
 اگر سیاه باشد فرزندش عالم یا قاضی یا خطیب شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید بدیدن طلیسان در خواب برده و وجه بود و یکی  
 عود جاه دوم و لایست سوم فرزند چهارم و ولایت پنجم بزرگی ششم مال هفتم منفعت هشتم علم نهم دین یازدهم شرف الحظاء  
 ظلم کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر و ظلمی رفت لیل که بر ظلم کننده نصرت یابد و اگر بیند که او بر کسی ظلم کرد و در لیل  
 آنکس بروی خطریابد و اگر بیند که پادشاه بروی ظلم کرد و لیل که پادشاه بروی محتاج شود و اگر بیند که او بر پادشاه ظلم کرد و لیل  
 از پادشاه مضرت یابد و سحیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بزرگی بیند که بر چهارم ظلم کرد و لیل که آن چهارم را نفرین کند و اگر او را  
 بیند که بر بنده ظلم کرد و لیل که از او راجه او را به ملا و محنت رسد و ظلمات ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در ظلمات بود  
 و بر روشنی بدل شد و لیل که راه دین بروی کشاده گردد و اگر بانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در ظلمات بود و بر روشنی آمد و باز  
 در ظلمات رفت و لیل که منافق باشد قوله تعالی وَاِذَا اَظْلَمَ عَلَيْكُمْ فَاهْبُتُوا وَاَوْكُفُّوا سَآءَ الَّذِي الّٰی یُخْرِجُكُمْ مِنْهُ رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ  
 ظلمات در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که در بیابانی ظلمات ظاهر شد و لیل که در آن بیابان غم و اندوه می صبر نماید و جعفر صادق  
 رضی الله عنه گوید در ظلمات در خواب بر پنج وجه بود یکی که فردوم تخریر سوم فرو بستن کار چهارم بدعت پنجم ضلالت اگر تو انگر بیند  
 که بدوشی آمد و لیل که زیادت شود و اگر دروشی بیند که بتوانگری رفت و لیل که کارش بد بود و حرف العین و عجاج  
 ابن سیرین رحمة الله علیه گوید عجاج در خواب دولت بود و اگر بیند که عجاج داشت و لیل که از پادشاه مال یابد و اگر بیند که عجاج از  
 ضایع شد و لیل که مالش ضایع شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عجاج در صندوق داشت و لیل که یکی از خویشان وی زنی  
 بزرگ خواهد و اگر بیند که دواتی از عجاج داشت و لیل که پادشاه او را کیفر عطا دهد و جاه یابد و اگر بیند که عجاج بشکست یا ضایع  
 شد و لیل که زن پاکیزه او ملاک گردد و هر چند که عجاج سپید تر و پاکتر باشد مال بیشتر بود عاریت کردن ابن سیرین رحمة الله  
 علیه گوید اگر بیند که کسی چیزی بکسی عاریت داد و اگر آن چیز از نوعی بود که دوست دارند و لیل که ثابت شود و اگر چیزی بود  
 که دوست ندارند تا ویش بخلاف این بود عاشق ابن سیرین گوید اگر خواب بیند که عاشق است و حریف بود و لیل ضیاع  
 و بدی کند و اگر چیزی حلال بود و خوب بود و لیل بر خیر و صلاح باشد و اگر بیند که بر کسی خوبری عاشق شده بود و اگر در آن  
 عشق نیت حرام بود و لیل بر شر و فساد کند و اگر در آن عشق نیت حلال بود و لیل بر خیر و صلاح بود و سحیل اشعث رحمة الله  
 علیه گوید اگر بیند که از محنتی کام دل یافت و لیل بر خیر و منفعت بود و عالم اگر بیند که عالم یا فقیه شد و در محل جاهل بود  
 و لیل که مردم سخن نگویند و در زبان مردم افتد و بدی و اگر عالم یا فقیه بود و لیل که علمش زیادت نشود و اگر بیند که قاضی یا حکیم  
 یا خطیب بود یا عالمی زنده یا مرده از موضعی گذشت که در آنجا ترس و بیم بود و لیل که مردم آن موضع از ترس و بیم این شوند و پاد

در جواب  
عبد الوهاب

ایشان عادل گرد و کرامتی رحمة الله علیه گوید اگر بید که مردم را علم میگفت اگر ازل علم نبود دلیل که از انداز برگزید و اگر عالم بود  
دلیل که غرور جاه یابد و اگر بید که بجم گفتن عطا بست و دلیل که او را رشوت دهند جعفر صادق رضی الله عنه گوید عالم در خواب چنان  
و چه بود یکی دولت دوم قاضی سوم حکیم چهارم خلیف عبادت ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بید که عبادت خداست و خدا  
میکرد تا و پیش بخلاف این بود معتربی رحمة الله علیه گوید اگر بید که عبادت در مسجد یا در صومعه میکرد و دلیل که خیریت یا خجانی  
یا بد و اگر بید که جانی عبادت کرد که مکر و دود و تا و پیش بخلاف این بود عجز و پیر شدن است در حرف کاف بیان کنیم  
عد و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بید که یکی از مردم یا از دنیا را یا جامه یا خیر آن بوی دادند و دلیل که خیر و نیکویی بید  
توله تعالی من جاء بالحسنة فله عشر امثالها یعنی یک طاعت را ده پادش است بنا برین معبران گویند  
که اصل ده این یکی است کرامتی رحمة الله علیه گوید عدد یکی نیکو بود و دو غم و اندوه و لیکن بر دشمن خیر و در دو کافنی اثبت  
اذ هم فی النار اگر عدد و شمار بید بد باشد و از کار که در آن بود بر خور واری نیابد قوله تعالی قال انک اکثر  
تکلم الناس ثلثة آیات و لفظ سه دلالت بر فرقت کند زیرا که طاق است و اگر عدد چهار بید نیکو باشد  
چون چیزی دیگر و مضاف نباشد مایکون من نجوى ثلثة الا هو و اعلم و اگر عدد پنج باشد نیکو بود  
و تکیه صاحب خواص پنج نماز برای دارد و اگر عدد شش بید نیک باشد خلق السموات و الارض فی ستة ايام و اگر عدد هفت  
بید باشد سبع سموات طباقا چون یا هفت یا هشت باشد بد و قوله تک سبع لیال و ثمانیة ايام حسوا و اگر عدد  
نه بید بد باشد و تک تسعة و خط یفسد و ن و اگر عدد ده باشد نیکو باشد و مرادین و دنیا و احوال گرد و قوله تعالی  
ثلاث عشرة کاملة و اگر عدد یازده بید دلیل که شغل مای دی بروزگار بر آید و اگر عدد دوازده بید  
نیکو باشد قوله تعالی ان عد الشهور عند الله اثنا عشر شهرا و اگر عدد سیزده بید بد باشد  
و کفر کارش بد شود و اگر عدد چهارده بید نیک باشد و اگر عدد پانزده بید کارهای پکنده فمی بر آید و اگر  
عدد شانزده بید حاش دیر بر آید و اگر عدد هفده بید بد باشد و اگر عدد هجده بید امیدش بر نیاید و اگر عدد  
نوزده بید او را مردم کار افتد قوله تعالی کو احاة للبشر علیها تسعة عشر و اگر عدد بیست بید نیک  
باشد و بر دشمنان ظفر یابد قوله تعالی عشرين صابرون و اگر عدد سی بید او را کسی داری ضل گرد و قوله تعالی  
و واعدنا موسى ثلثین لیلۃ و اتممنا لها عشرين و اگر عدد چهل بید کارش بسته گردد و اگر پنجاه بید  
و دلیل بر پنج و سخن بود قوله تعالی الف سنة الا خمسين عاما فاخذهم الطوفان و اگر شصت  
بید دلیل که او را سونگ بگردن افتد و او را ده ماه پیوسته روزه باید داشت یا شصت و در ویش را طعام باید داد و قوله  
تعالی ثم لم یکن منکم من قبل ان یمنّا ساد لکم لکم مؤمنا بالله و رسولیه و اگر عدد هفتاد  
بید دلیل که بتا خیر بر آید و اگر عدد هشتاد بید دلیل که او را نمت کنند و چوب بزنند قوله تعالی فاجل و اثمنا

جلد ۱ و اگر عدد نو و بنید دلیل که چند زار از بزرگان بکج کند قوله تعالی **لَتَشْعُرَنَّ نَجْمَةً وَنَجْمَةً**  
 و اجد ۱ و اگر عدد صد بنید دلیل که نصرت و ظفر یابد قوله تعالی **مَا يَأْتِيَهُمْ مِّنْ مَّائَةٍ** و اگر سلطان خود  
 بنید که صد سوار با وی بود دلیل که بر دشمنان ظفر یابد و اگر کسی بنید که ویرا صد درم و او بنید دلیل که متمی بزبان  
 نهند و او را صد چوب بزنند قوله تعالی **فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ** و اگر بنید که کسی او را  
 صد دانه کند یا چوب یا چیزی از او ببرد دلیل که در آخر و برکت بود و عیش و روی فراخ گردد و قوله تعالی **فِي كُلِّ**  
**سَبْعِينَ مِائَةً حَبْأَةٍ** و الله **يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ** و اگر عدد و و سیست بنید دلیل که دشمنان بر  
 ظفر یابد و اگر عدد و سیصد بنید دلیل که بروز کار مردانش حاصل شود و قوله تعالی **وَلَيَبْشُرَنَّ فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ**  
**سِنِينَ** و **وَإِن يَدَادُوا شَوَاعًا** و اگر عدد چهار صد بنید دلیل که بر خصمان ظفر یابد چنانکه حضرت رسول صلی الله علیه  
 و سلم فرمود که **خَيْرُ الْجُيُوشِ أَلْفٌ** یعنی بهترین خواها چهار صد و بهترین لشکرها چهار صد هزار و اگر عدد و پانصد  
 بنید دلیل که کارش موقوف باشد و اگر عدد و شصت صد بنید دلیل که شاد شود و بمقصود رسد و اگر عدد و هشتصد بنید  
 دلیل که کارش سخت گردد و عاقبت بر آید و اگر عدد و شصت صد بنید دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر عدد و نه صد بنید دلیل که دشمن  
 بروی ظفر یابد و اگر عدد و هزار بنید دلیل که بزرگی یابد و بر دشمن قهر کند و قوله تعالی **وَإِنْ يَكُنْ مِّنْكُمْ أَلْفٌ يَعْلَمُونَ**  
**أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ** و اگر عدد و هزار بنید دلیل که بد باشد و اگر عدد و سه هزار بنید دلیل بر فیروزی بود و قوله تعالی  
**يَكُنْ لَهُ الْآلُفُ مِنَ الْمَدَائِكِ مُتَوَلِّينَ** و اگر عدد چهار هزار بنید دلیل بر قوت و نصرت باشد و اگر عدد و پنج هزار بنید  
 دلیل که مبارک و فرخنده بود و اگر عدد و شش هزار بنید همین تاویل دارد و اگر عدد و هفت هزار بنید دلیل که کارهای شاد  
 گردد و اگر عدد و هشت هزار بنید دلیل که کارش نظام شود و اگر عدد و نه هزار بنید دلیل که بد باشد و اگر عدد و ده هزار بنید دلیل  
 که نصرت و فیروزی بود و اگر عدد و بیست هزار بنید همین تاویل دارد و اگر عدد و سی هزار بنید دلیل که نصرت و ظفر بر نک  
 یابد و اگر عدد و چهل هزار بنید دلیل که نصرت و ظفر یابد و اگر عدد و پنجاه هزار بنید دلیل که برنج و سختی و عجز فروماند و قوله تعالی  
**وَمَقْلَدُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ** و اگر عدد و شصت هزار بنید دلیل که خرم و شادمان گردد و اگر عدد و هفتاد هزار بنید  
 دلیل که دشمن بروی ظفر یابد و اگر عدد و هشتاد هزار بنید دلیل که کارهای بروی پوشیده گردد و اگر عدد و نود هزار بنید دلیل که  
 دشمن بروی ظفر یابد و اگر عدد و صد هزار بنید دلیل که بر دشمن ظفر یابد و قوله تعالی **وَأَرْسَلْنَا مِائَةَ أَلْفٍ مِّنْهُمْ**  
 عدس متعبر از او تاویل عدس خلافت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید خوردن عدس در خواب نیک است زیرا که حضرت  
 ابراهیم علیه السلام وارد دست داشتی که مانی رحمه الله علیه گوید خوردن عدس در خواب بد است زیرا که چون قوم بنی اسرائیل  
 را از من و سلوی طال گرفت از حق جل و علا عدس سپرد و پیاز خواستند مغربی رحمه الله علیه گوید خوردن عدس در خواب  
 نال بود که از زمان بومی رسد خاصه که بخت بود و اگر خام بود دلیل بر مضرت و اندوه باشد و اگر پخته بود دلیل بر رحمت الله علیه

در شهر مسلمانان می انداخت دلیل که کافران سخت را دشمن دارد و اگر ببیند که عسرا در ده

و اگر ببیند که عسرا در ده

عسرا در ده

عسرا در ده

عسرا در ده

عسرا در ده

گوید اگر ببیند که عسرا در ده دشمن کافران می انداخت دلیل که کافران سخت را دشمن دارد و اگر ببیند که عسرا در ده  
در شهر مسلمانان می انداخت دلیل که دروین مسلمانان بخان نامسوا که دید و باشد که اهل اسلام را و غایب کند  
و اگر ببیند که عسرا در ده می انداخت دلیل که اهل آن موضع با عیبت کند یا دشنام دهد عرش ابن سیرین رحمه الله علیه  
عرش در خواب میبری بزرگ یا مال خوبه بسیار بود و اگر ببیند که عرش آهسته بود دلیل که او را با مردی بزرگ صحبت  
افتد و عرش نصرت یابد و اگر عرش را حقیر ببیند دلیل که پیش مردم خوار گردد و اگر خود را بر عرش نشسته ببیند دلیل که  
که او را با مردی بزرگ پیوند و از وی حرمت و جاه ببیند و اگر ببیند که از عرش بزرگ آید تا ویش بخلاف این بود و جگر  
رضی الله عنه گوید و دیدن عرش در خواب برین وجه بود یکی صاحبی بزرگ در مرفعت سوم مرتبت چهارم عرش نیم بزرگ  
عرش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب ببیند که عرش داشت دلیل که با مردی همیل او صحبت افتد و درخت  
عرش بتاویل مردی باشد که نیکی کمتر کند عرق کردن اگر کسی خواب ببیند که عرق از تن وی روان شد دلیل که بقدر  
عرق ویران یا افتد خاصه اگر عرق وی بر زمین میچکد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب ببیند که جانم وی از  
عرق تر شده بود دلیل که بقدر آن مال بر عیال خرج کند و اگر ببیند که عرق خود میخورد مال خود بخورد و اگر ببیند که عرق  
سپید بود و بوی خوش داشت دلیل که مالش حلال بود و اگر بخلاف این ببیند دلیل که مالش حرام بود و کثافتی حتمه  
الله علیه گوید عرق کردن در خواب دلیل بر حاجت روائی کند و اگر ببیند که عرق میگرد دلیل که حاجتش روا شود  
و اگر بیمار ببیند که عرق کرد دلیل که شفا یابد عروسی ابن سیرین گوید اگر کسی خواب ببیند که عروسی بخواند و لیکن او را  
ندید و نامش ندانست دلیل که بمیرد یا کشته شود و اگر ببیند که عروسی بخواند و او را ندید و نامش ندانست دلیل که بزرگی یابد و چیز که  
ملک او نباشد ملک او شود و کثافتی رحمه الله علیه گوید عروسی که در اینجا چنگ و چخانه و نامی باشد دلیل بر مصیبت  
بود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر زنی خواب ببیند که عروسی شد و او را ندید و شوهری برود دلیل که عمرش تا آخر رسیده  
باشد و اگر ببیند که شوهر او را بسته و با وی نیکی کرد و دلیل که خیر و منفعت یابد و غزل دور کردن از کار یابد و اگر ببیند که  
پیر را معزول کرد و دلیل که خواری و سحر متی بیاید و اگر ببیند جوانی معزول کرد و تا ویش بخلاف این بود کثافتی حتمه  
علیه گوید اگر ببیند که همسر را معزول کرد و دلیل بر صلاح دین بود و اگر از کار یکرد و دلیل بر کسب معیشت کند تا ویش  
نقصان معیشت وی باشد و اگر کارش عملی بد بود که او را غل کرد و دلیل که دست از بدی کوتاه کند و راه صلاح گیرد  
عسرا ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که با عسرا میشت ایشان مردمان مصلح بودند و دلیل که او را خیر و منفعت  
رسد و اگر بخلاف این ببیند دلیل بر شر و مضرت بود و اگر ببیند که عسرا را بگرفتند و نذر ساند دلیل که از مردم پا و شاه  
بوی برنج رسد و اگر ببیند که آن عسرا بی مالت نرسید دلیل بر خیر و نیکی کند کثافتی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که عسرا حرام  
وی بر کند یا ویران زندان کرد و دلیل که از مردم پا و شاه او را زیان رسد و سحر متی ببیند و اگر ببیند که عسرا بی مالت نرسید دلیل که عسرا را

عصا  
عصا  
عصا

عصا

عصا

توانست گفت دلیل که اندک کن بوی رسد عصا را بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که عصای میگرد و دلیل که  
بکاری مشغول گردد که او را شناسد و نام نیکی و خیر برود و عصا بن سیرین رحمه الله علیه گوید عصا و خواب مردی بزرگوار  
باقدر بود و اگر بیند که عصا بر دست داشت یا کسی بوی داد و دلیل که او را از مردی بزرگ قدر و جاه و پدید آید و اگر بیند که  
عصای وی ضایع شد و عیش بخلاف این بود و اگر بیند که کجی بر عصا کرد و دلیل که بمعاونت مردی بزرگ آنچه میخواهد  
کرمائی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عصا در دست دراز شد و دلیل که بر او رسد و اگر گم شود تا ویش بخلاف این بود و اگر  
بیند که عصای خود بکسی بخشید و دلیل که هلاک شود و اگر بیند که عصا با وی سخن گفت و دلیل که او را فرزندی آید و از وفات  
یا پدر جعفر صادق رضی الله عنه گوید ویدین عصا در خواب برسته بود یکی مرد بزرگوار دوم پادشاه سوم قوت عصا  
بن سیرین رحمه الله علیه گوید عصبه نوعی از عللها است و آن بهتر که زعفران بخورد و ویدین او در خواب نی بود که  
بدست آید و اگر بیند که لقمه از عصبه در دهان نهاد و دلیل که سخنی خوش شنود و اگر بیند که عصبه بسیار خورد و دلیل که مال  
بخصوصت حاصل کند عطا بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که چیزی او را عطا و او را متعجب باشد که بر سر  
او را ازین عطا نی که او را آنچه بود و زوایا سیم یا چهارم بود و عطا و عصبه معروف بود یا مجهول زن یا مرد بود و چون جمله اینها است که  
تعبیر کند اگر نیکو باشد آن چیز مردم آید و دست میدارد و دلیل که از آن عطا نی که بوی داد و نیکی بوی رسد و اگر عطا و عصبه مجهول  
و دلیل که بسبب دنیا و اخاری رسد و اگر عطا بود عطا بود و عصبه دروغ بود و اگر بیند که عطا و عصبه دو دلیل که نیک است  
آن عطا و عصبه باز گردد و اگر بیند که او را سیوه یا چاه یا چیزی شیرین عطا و او را دلیل که با کس پیوستگی کند و اگر عطا و عصبه  
جهود یا ترسا بود و آن عطا چیزی نیکو بود و او بر عفت است و دلیل که ایمان او بر خطر باشد و اگر جهود یا ترسا خواب بیند که کس  
ایش را عطا داد و بر عفت است و دلیل که مسلمان شود و کرمائی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کسی او را عطا داد و او را شکر گفت و دلیل  
که زیادتی مال و تشددستی بود و اگر شکر گفت تا ویش بخلاف این بود و معترائی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عطا چیزی نیک است بود  
و عطا و عصبه دون بود تا ویش بد بود و عطا بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که با خود بوی خوش داشت و او را  
بود و دلیل که مردم را از علم وی منفعت بود و اگر تو انگر بود و دلیل که از مال نفع رسد و کرمائی رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند که  
خود عطا داشت و دلیل که مردم او را آفرین کنند و شناسد و عطا بن سیرین رحمه الله علیه گوید ویدین عطا در خواب بر نه و وجه بود و  
شای نیکو و مردم سخن خوش ستود علم با نفع چهارم طبع نیکو پنجم مجلس علم ششم مرد کهیم بهتر مرد با فربنگ ششم دین پاک ششم  
خوش عطا را اگر خواب بیند که عطا میگرد و دلیل که مردم او را شناسد و اگر بیند که مردم بوی خوش میفرودخت و دلیل  
و عده دهد و نیکو خلاف کند اسمعیل اشعث رحمه الله علیه گوید اگر بیند که با مردم عطا رود و سنی و آشنائی شد و دلیل که مردم  
او را فح و شای گویند و نادر شود و عطا بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که عطا و او را الحمد گفت  
و دلیل که اگر بیمار است او را بطیب احتیاج افتد و اگر ندرست بیند و دلیل که کسی حاجتش را کند و بر وی منت نهد و اگر بیند

تجرب

عقل

تجرب

عقل

عقل

عقل

که بنده با عطره داد و دلیل بر نیکی و قهرمی بود و اگر بیند که عطره بسیار داد و دلیل که مرادش بدشواری بر آید و اگر بیند که عطره داد و آب بینی بازگشت گرفت دلیل که فرزندش آید و اگر بیند که چون عطره داد و بخاطر آب بینی بازگرفت و روان شد دلیل که در وی نخی زشت گویند و اگر بیند که عطره آمد و چند داد و بیرون آمد دلیل که از جوهر آن چند داد و فرزندش آید که بدان حیوان منسوب باشد که آنی رحمة الله علیه گوید اگر عطره در خواب باسانی داد و دلیل که مانع آسانی بدست آید و اگر عطره بدشوار داد و دلیل که مانع بدشواری بدست آورد و عقل این سیرین رحمة الله علیه که پدر اگر عقل خود را بصورت آدمی بیند چنانکه گوید که من عقل تو ام و دانند که عقل بیست اگر بیند که خواب آن باشد دلیل که او را فرزند پادشاه صحبت افتد و از و خیر بیند و پادشاه زاده او را دوست دارد و کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر عقل خود را بدین صورت بیند دلیل که بخت روی بکسی نهند و غرور جاه یابد و تو انگر شود و انبیا علیه السلام گوید عقل در خواب بخت و دولت بود و اگر عقل خود را بصورت آدمی بیند چنانکه گوید که من عقل تو ام دلیل که بخت و دولت یار او شود و مغربی رحمة الله علیه که عقل و جان در خواب مادر و پدر بود و اگر غائب باشند و زنده بودند دلیل که دیدار ایشان باز بیند و اگر مرده باشند دلیل که دعا و صدقات از وی بدیشان رسد و در خبر است که مردی پیش حضرت رسول صلی الله علیه و سلم آمد و گفت بختیاب دیدم که مانع جان من از من جدا شدند و هر دو بصورت آدمی بودند و بخانه من درآمدند و هر سه بنشینیم و شراب بخوریم و شکر میخوریم و من صلی الله علیه و سلم فرمود که عقل قسمت پنجان است و جان قسمت آن جان کار تو برادر شود و اگر بیند که عقل و جان نیزه و لجاج میکردند و دلیل که سلطان و ولایت بخانت کند و جعفر صادق رضی الله عنه گوید عقل و جان در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی بخت و دولت و دوم مادر و سوم سیوم فرزند پادشاه چهارم مال و ثمت عقیق این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بختیاب بیند که عقیق داشت یا کسی بوی داد و دلیل که بزرگی مصاحب شود و از و خیر یابد و اگر بیند که عقیق از و ضایع شد وایش بخلاف این بود و اگر بیند که بخور و عقیق داشت و از و چیزی بخورد و دلیل که او را فرزندش آید که شرف و بزرگی و جاه یابد و علالت کند و بود و اگر بیند که علالت برایش نهد و دلیل که بختیاب در مال و نقصان شود و اگر بیند که علالت میخاند و دلیل که مالی بخصومت و گفتگو یابد و علم در خواب مردی و انما یا امام زاهد بود و شخصی که بوی اقتدا کند و اگر بیند که علم در دست داشت و دلیل که ازین نوع مردم که صفت کردیم با کسی باشد و از وی راحت یابد و اگر بیند که علم از دست می بیند و یا ضایع شد وایش بخلاف این بود و کرمانی رحمة الله علیه گوید دیدن علم در خواب دلیل بر خیر بود و اگر بیند که علمی بوی دادند یا لشکری بروی جمع شوند جاه و بزرگی یابد خاصه که علم سپید یا سبز باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که علمی سپید بزرگ و درست داشت و دلیل که با مردی توانگر صالح او را صحبت افتد و از وی خیر و منفعت یابد و اگر بیند که علمی سیاه داشت و دلیل که زاهد و دیندار شود و اگر بیند که علمی سیاه داشت و دلیل که قاضی یا خطیب شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن علم در خواب بر چهار وجه بود یکی بهتر و دوم سفر رسیدم جاه چهارم نیکی احوال عمارت این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بیند که در جایگاهی خراب عمارت چون مسجد و مدرسه و خانقاه کرد و دلیل بر صلاح دین و ثواب آنجنان بود و اگر بیند که بر زمین خراب شده بود و از بهر خراب عمارت یک روح و جان و دکان و مانند این دلیل که فایده اینجنانی یابد و اگر بیند که حامی معروض بود و در آن



شد دلیل که در بلا و مصیبت افتد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در جائی معروف و مشهور و معمور میقیم شد دلیل که از انعام خیر  
صلاح و منفعت بقدر عمارت انعام باید جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عمارت در خواب بر چهار وجه بود یکی صلاح چیزی  
دوم خیر و منفعت سوم کامرانی چهارم برکت و کشایش کارهای بسته عمارتی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بخواب  
که در عمارتی نشسته بود و عمارتی وی بر سر تیر یا راسپ بود و میرفت دلیل که قدر و بزرگی یا بد و اگر بیند عمارتی بفتند و یا از عمارت  
بیرون شد تا ویش بخلاف این بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کسی او را در عمارتی نشانند دلیل که بزرگی میوزد  
و کارش بالا گیرد و قدر و جاه و زیادت گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عمارتی در خواب بر هفت وجه بود یکی  
بزرگی دوم عزت سوم مرتبت چهارم ریاست پنجم رفعت ششم ولایت هفتم پیوستن با مهری عمو و ابن سیرین رحمه الله  
علیه گوید عمو در خواب مردی درست و راست بود و معتبران گویند که بخت خجسته باشد و اگر بیند که عمو دی بر کسی زو دلیل  
که سختی سخت کسی گوید و اگر بیند که عمو آئینین داشت دلیل که او را از پادشاه قوت و باری بود و اگر بیند که عمو از دوستی  
بسته شد تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عمو در خواب بر سه وجه بود یکی مرد درست دوم خجسته  
سخت و درشت سوم مهری بزرگ عتاب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عتاب داشت و میخورد دلیل که بقدر  
آن مال حاصل کند و اگر بیند که عتاب یکی داد و دلیل که از او بد آنس مال رسد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عتاب از درخت صیج  
میگرد و دلیل که بقدر آن مال حاصل کند عیسی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عیسی داشت دلیل که بقدر آن منفعت یابد  
بیند که عیسی بسیار جمع میکند و با نسیافت دلیل که بقدر هست خویش ولایت یابد و اگر بیند که عیسی یکی داد و دلیل که از او بد آنس منفعت  
رسد و اگر بیند که عیسی از وی ضایع شد دلیل که مانی نقصان پذیرد و اگر بیند که بر عارض کسی عیسی مالید دلیل که بجای او نیکی کند  
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عیسی در خواب بر چهار وجه بود یکی منفعت دوم ولایت سوم کامرانی چهارم شای نیکی  
عقبا نوعی از نوا بود چون چنگ و بر لب و مانند این ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عقبا میزد دلیل که بطول سخن مجال  
رضا دهد و اگر بسیاری بیند که عقبا بشکست یا بقیکت و دلیل که از دروغ و محال توبه کند و اگر بیند که عقبا میزد و دلیل که زود میرد  
عنکبوت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید عنکبوت در خواب مردی ضعیف و گمراهی و عاهی بود و بعضی معتبران گویند که جزا  
بود و اگر بیند که عنکبوت از وی دور شد و دلیل که از مردی جلا بهره دور شود عمو و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عمو در  
میخورد دلیل که از خیر و منفعت یابد و عمو در خواب مردی خوب روی و لطیف طبع بود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عمو خا  
داشت یا کسی بوی داد و دلیل که از پادشاهت یابد و هر چند که عمو خوشتر باشد عطا بیشتر بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید عمو در  
بر چهار وجه بود یکی مردی خبر روی دوم سخن خوش سوم ثناء و آفرین چهارم مال منفعت عمو و سوزن ابن سیرین رحمه الله  
گوید عمو سوز و خواب کبریا بفرنگ یا غلام زیرک و دانا بود و اگر عمو سوز سپید روی باشد و دلیل که غلام یا کبریا که از  
ترس باشد و اگر از مس بود و دلیل که از اصل جبهه باشد اگر از آهن بود و اصل کبریا باشد و اگر بیند که عمو سوز بشکست یا ضایع شد

در خواب  
عمو  
عیسی  
عتاب  
عقبا  
عنکبوت  
عمو

بسیار

عقبت

عقبت

عقبت

عقبت

عقبت

عقبت

عقبت

و دلیل که غلام یا کنیزان پاک شود عورت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که عورتش تمام ظاهر شد چنانکه مرد و او  
 سیدیدند و دلیل که سر او در میان مردم ظاهر شود و اگر بیند که عورت خود زود باز پوشید و دلیل که ستر او زود پوشید و مرد و معتبران  
 گویند اگر بیند که بعضی از عورت خود برهنه بود و پوشید و کسی ندید و دلیل که اگر بیار بود شفا یابد و اگر و ام دارد و دلیل که ویش گذارد  
 شود و اگر ترس دارد و دلیل که این گرد و کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر کسی بیند که عورتش برهنه بود و بیدار شد و از آن سرش  
 شد و دلیل که از حال بد بحال نیک آید و اگر بیند که عورت خود برهنه کرد و دلیل که کاری کند که از آن مستوجب عقوبت کرد و  
 یا آفتی بوی رسد که باعث عبرت خلق کرد و عیب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عید قربان بود و دلیل که او را بامردی  
 کار افتد و اگر بیند که عید رمضان بود و دلیل که او را بامردی عابد از حد صحبت افتد و منفعت دینی باشد که کرمانی رحمه الله علیه گوید  
 اگر کسی بیند که عید بود و مردم است پیرون آمدند و دلیل که اگر زندانی بود خلاصی یابد و اگر از اهل عز و شرف بود و دلیل که شرف از دست  
 گردد و عاشورا ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی روز عاشورا بخواب بیند و دلیل که کاس گاری یابد و قوله تعالی کَلِمَاتُ لَكُمْ  
 دینکم و انتم تظنون که در خواب سر سال و ماه و روز بیدار شود و ماه و روز بروی خجسته و مبارک بود و دلیل بر خیر و صلاح بود  
 حرف الغین غار ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در غاری رفت و در آنجا مقیم شد و دلیل که در کاری سخت گرفتار شود  
 و اگر بیند که در غار شد و زود بیرون آمد و دلیل که در کاری صعب گرفتار شود و خلاصی یابد و سفری رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در غار  
 و آن غار روشن بود و دلیل که او را بر زندان کند و بعضی گویند که در کاری سخت گرفتار شود و اگر بیند که از غار بیرون آمد و دلیل که برنج  
 شود و شفا یابد و غارت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مال و نعمتی می غارت کرد و دلیل که غم و مصیبت بود  
 سفری رحمه الله علیه گوید اگر بیند که لشکر اسلام و یا کفر را گرفت و غارت کرد و دلیل که اهل کفار را غم و مصیبت بود و اگر بیند که  
 لشکر کفار اهل اسلام را غارت کردند و دلیل که غم و فاد و مسلمانان را رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن غارت در خواب  
 بر چهار وجه بود یکی جنات دوم زبان سوم غم و اندوه چهارم فرج از آن خالیه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید غالیه در خواب  
 فرسنگ و نام آور بود اگر بیند که غالیه کسی را و دلیل که آنکس را از وی ادب و فریبگاه شود و کرمانی رحمه الله علیه گوید غالیه نشان  
 حج بود و معتبران گویند که غالیه یابی باشد که از عمرش بدور شد و اگر بیند که غالیه یافت و دلیل که از زنی یا از مردی بازگان منفعت یابد  
 و اگر بیند که کسی بر چشم وی غالیه مالید و دلیل که بجای وی حق گذاری کند و مردم را دعا گویند و اگر بیند که کسی بر بنا گوش وی غالیه مالید و دلیل  
 که او را مستم بد و علوی کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن غالیه در خواب بر پنج وجه بود یکی ادب و فرسنگ دوم ثناء  
 و فرین سوم حج اسلام چهارم مال و خواسته پنجم خیر و منفعت غایب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که غایبی از سفر  
 نزدیکی می آید و دلیل که نامه و یا خبر غایب برسد و اگر از خانه خود غایب شد و دلیل که نامه و خبر نزد خویشان وی برسد و خبر  
 رحمه الله علیه گوید اگر بیند که غایبش از سفر باز آمد و دلیل که کار بسته بروی کشاده گردد و اگر بیند که غایبش ترسیده  
 و متفکر بود تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که غایبش سواره از سفر باز آمد و دلیل که غایبش زود و با نعمت و مال باز آید و اگر



در بیان

در بیان

در بیان

در بیان

در بیان

در بیان

در بیان

در بیان

در بیان

در بیان

در بیان

که در میان ایشان وقت افتد و اگر بینه که خود را اجابت بشت دلیل که شغلش تمام شود مغربی رحمه الله علیه گوید غسل کردن در آن  
اجابت دلیل بر پاکی از روع بود و هر زیادت و نقصان که بشتن اجابت پیدا کند دلیل بر دین روع شود و غسل این برین  
رحمه الله علیه گوید وین غسل در خواب کفر باشد و سلیش بناحق بود و اگر بینه که غسل در گردن داشت دلیل که کافر میزد و اگر بینه که غلغلی  
گردن بند سبک شده بود دلیل که منافق بود و اگر بینه که غسل در گردن و بند بر پای داشت دلیل که کافر بود و دعوی مسلمانی بدروغ  
کنند که تانی رحمه الله علیه گوید اگر بینه که غسل بر ستم داشت دلیل بر کجی او کند و الله تعالی و قال لا یهوون فی الله معذونکم  
علت آید یاکم و لعلوا بما قالوا و مقصود از غسل بخت است این عباس رضی الله عنه معبران گویند چون مرد صالحی غسل در گردن  
بیند و دلیل دست از کارش بردارد و خلاف این برین رحمه الله علیه گوید خلاف در خواب زن بود و اگر بینه که خلاف شیر بخت  
و شمشیر و سلامت بازند دلیل که فرزند سلامت از مادر بیرون آید و مادر پاک شود و خلاف کار و بهین حکم دارد و خلاف این برین  
رحمه الله علیه گوید اگر بینه که غلام شده بود دلیل که بگاری سخت افتد و در آن رنجور شود و اگر بینه که غلامی بگرفت یا بخرد دلیل که در آن نیکویی  
بود که تانی رحمه الله علیه گوید غلام در خواب شادی بود و قوله تعالی و کثیر نایضکم حکیم و در جای دیگر خبر سو یا بشتری هذا  
غلام جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بینه که غلام یا کثیر میفرودخت و دلیل که نیک بود و اگر بینه که بخرد یا بد باشد و اگر بینه  
غلام و کثیر اگر زر و سیم ستاند بد بود و اگر اجناس ستاند نیکو باشد و غلبه گردان این برین رحمه الله علیه گوید اگر بینه که  
غلبه کرد دلیل که بر خصم غالب شود و اگر بخلاف این بیند دلیل که خصم بروی غالب شود و غلبه برین رحمه الله علیه گوید غم در خواب  
و شادی بود و اگر بینه که ممکن شده بود دلیل که فرج یابد و برادر برسد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بینه که اند و بگین شده بود دلیل  
بقدر آن مال یا بد و اگر بینه که از غم رسته بود تا ویش بخلاف این بود غنیمت این برین رحمه الله علیه گوید غنیمت یافتن رزق  
اگر مال کافران بود دلیل که نرخیان گران گردد و اگر بینه که مسلمانان از دیار کافران غنیمت آوردند دلیل که در آن دیار غنیمت بسیار  
بروند غنیمت شود و نرخیان از آن شود و اگر بینه که کافران از دیار مسلمانان غنیمت آوردند دلیل که بقدر آن اور منفعت حاصل  
غواصل این برین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بینه که بد یا فرو رفت و مر و آید بد آورد دلیل که بقدر آن علم و دانش آید  
و از مال سلطان راحت یابد و اگر بینه که بد یا فرو رفت و هیچ نیار و دلیل که بعلم آموختن مشغول گردد و لیکن فایده نیابد و اگر بینه که  
از قصر در یار آورد دلیل که عالم و فاضل شود و از پادشاه منفعت یابد و غمور این برین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بینه که  
بوقت خود میخورد و دلیل که بقدر آن چیزی برنج و مشقت بدست آورد و لیکن پادشاه و کراتانی رحمه الله علیه گوید اگر بینه که غمور  
میخورد و دلیل که اند و بگین شود و اگر بینه که غمور و بفرودخت یا کسی داد و امان هیچ بخورد و دلیل که اند و بگین شود و اگر غمور و بگشت  
پخته بود بهتر باشد غمور و در غم و حرف و او شرج آن گفته شود و حرف الفاء فاخته این برین رحمه الله علیه گوید فاخته  
در خواب زنی ناقص دین بدیده بود که با کسی سازگاری نکند و اگر بینه که فاخته داشت دلیل که زنی بد دین و بیان بخوابد و اگر  
بیند که بچه فاخته گرفت دلیل که او را فرزندی آید و اگر بینه که گشت فاخته میخورد و دلیل که بقدر آن مال زن بستاند و بچه کند که تانی رحمه

علیه که بد فاخته فرزند بی دروغ زن بود و اگر بیند که فاخته بر بام وی بایک یکبار کرد و دلیل که خبر غایت بود و اگر دوبار بایک کرد بهتر  
 بود و اگر سه بار بایک کرد بغایت نیکو بود و اگر بیند که فاخته باز باغ هر دو بخانه وی در آمدند دلیل که دزد در خانه وی در آید و کالای او  
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید بدین فاخته در خواب بر سه وجه بود یکی زن دوم فرزند سیدم خادم خال گرفتن این سیرین  
 رحمه الله علیه گوید اگر بیند که خال گرفت و خال شک اند دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که خال گیری میکرد دلیل که انگشتر بدست  
 بسیار خورد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید خال گرفتن در خواب بر سه وجه بود یکی بر دشمن ظفر یافتن دوم مراد سوم حاجت  
 روا شدن اگر خال نیک بود و اگر بد باشد ما و پیش خلاف این بود فالوده اگر بر عفران بود بیماری بود و بدین فالوده  
 رنج و خصومت بود بقدر آن آتشی که بروی رسیده باشد اگر بیند که فالوده در دهان نهاد دلیل که خنثی لطیف گوید و اگر بیند که  
 فالوده بکسی داد دلیل که با آنکس سخنی خوش گوید یا از بهروی کاری کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید فالوده در خواب چهار وجه  
 بود یکی سخن خوش دوم مال سوم منفعت چهارم با جنگ کاریکه بر آید بدشواری بود فام ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر  
 بیند که فام بروی بود دلیل که چچ کند و اگر نازش فوت شده باشد قضا کند و اگر امانتی در گردن دارد و باز سازد و اگر وام دارد  
 دلیل که بگذارد و فتنه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که فتنه از جایگاهی زایل شد دلیل که اهل آنجا بخداوند تبارک و تعالی  
 باز گردند و اگر تانی رحمه الله علیه گوید اگر از دو چیز یکی بیند دلیل در انداختن و بلا افتد یکی تاریکی دوم آتش سوم باد و شتر چهارم باد  
 گرم و چرخ سیاهی آفتاب و ماه تا بیست و چهار ساعت باران هشتم بر کندن درختان نهم بر سرخ یا سیاه و هم جانم سرخ و زرد و پوشیدن  
 فراخی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که از جایگاهی سنگ بغرضی آید یا از سختی آسانی رسید دلیل که از غم بیغم شود و از  
 اندوه فرج یابد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که خانه بروی فراخ شد دلیل که روزی از عیال از وی فراخ گردد و اگر بیند که خانه بروی  
 تنگ شد دلیل که روزی بروی و عیال از وی تنگ گردد و اگر بیند که خانه بروی تنگ شد و باز فراخ شد دلیل که راه دین و  
 شریعت بروی مستقیم شود فی الجمله فراخ شدن چیزی های تنگ دلیل بر کشایش کار ما بود و برکت در چیزها فراش ابن سیرین  
 رحمه الله علیه گوید فراش در خواب و لاله بود که از بهر کسی زن خواهد فرج ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که از  
 همچون زمان فرج بود دلیل که خواب و بچاره گردد و اگر بیند که کسی با وی مجامعت کرد دلیل که حاجت از وی روا شود و اگر روزی  
 بیند که ایشان را یک فرج است دلیل که هر دو زن از یک کس باشد که تانی رحمه الله علیه گوید اگر زنی بیند که فرج وی از آهون باز  
 مس بود دلیل که از یافتن او نا امید شود و اگر مردی بیند که فرج آرسوی پس بود دلیل که آن زن چیزی دوست دارد که رضای  
 حق تعالی در آن نباشد و اگر زنی بیند که فرج وی بریده شد دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر زنی بیند که از فرجش طای بیرون آمد دلیل که  
 او را و ختری آید و اگر زنی بیند که از فرج او که بیرون آمد دلیل که او را فرزند دزد و راهزن پیدا یابد و اگر زنی بیند که از فرج او که  
 بیرون آمد دلیل که او را و ختری نا بکار آید و اگر زنی بیند که از فرج او که بیرون آمد دلیل که او را فرزند دزد و راهزن پیدا یابد و اگر بیند  
 که از فرج وی که بیرون آمد دلیل که او را همین تا و عیال او و اگر بیند که از فرج وی که بیرون آمد دلیل که او را فرزند دزد و راهزن پیدا یابد

تجرب

تجرب

تجرب

تجرب

هست که اگر بیدار از فرج وی نان بیرون آمد دلیل که مفسد و تنگدست گردد و اگر بیدار از فرج وی گنج بیرون آمد دلیل که شوهرش  
 او را دوست دارد و اگر بیدار از فرج او خون بیرون آمد دلیل که شوهرش در حالت جنین با وی جماعت کند و اگر بیدار از فرج وی  
 ریم بیرون آمد دلیل که او را فرزندی صالح پارسا آید و اگر بیدار از فرج او آب تیره بیرون آمد تا ویش بخلاف این بود و اگر بیدار  
 که از فرج وی قی بیرون آمد دلیل که بقدر آن مال بدو اگر بیدار از فرج وی آتش بیرون آمد دلیل که فرزندانش ملک جهانگیر  
 و اگر بیدار کسی فرج وی بذرید دلیل که از آنکس منفعت یا بدستگیری اشعت رحمة الله علیه گوید اگر بیدار بر فرج وی سویی  
 بسته بود و بسیار بود دلیل که بسبب فرزندخواندگی می شود و اگر بیدار بر فرج وی سویی نبود دلیل که شاد شود و اگر بیدار  
 فرج وی آساید بود دلیل که مال بدو اگر زنی بیدار که او را بجای فرج قضیب بود و اگر آسید بود دلیل که پسر آید و نماند و اگر آسید  
 نبود دلیل که پسرش میرد و اگر بیدار از فرج وی گوهر یا مروارید بیرون آمد دلیل که او را فرزندی عالم و پارسا آید و فرجی این سیرین  
 رحمة الله علیه گوید اگر کسی آسید که فرجی پاکیزه داشت دلیل که از غم فرج و بزرگی یا بدو اگر فرجی چرکین که نه بود تا ویش بخلاف این بود  
 اگر مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیدار از فرجی از دیبا بود که پوشیده بود دلیل که نیک باشد و لیکن با مردم پارسا بود و دیبا نیک  
 از ملون بود و فرجی که پارسا و بر شیم دلیل بر زیادتى وین بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیدار از فرجی زانمان پوشیده بود دلیل  
 که او را امامت رسد و اگر بیدار که در آن فرجی با کسی جماعت کرد دلیل که حاجتش روا شود و از آنکس که با وی جماعت کرد استغفار  
 رحمة الله علیه گوید اگر بیدار که فرجی سرخ پوشیده بود دلیل که بر دینداری و امانت و پارسائی کند و اگر بیدار که فرجی سیاه پوشیده  
 بود و اگر عالم بود دلیل بر راحت و منفعت بود و اگر عالم نبود دلیل که خوب نباشد و اگر فرجی زرد پوشیده بود یا در بر داشت پسین  
 مصیبت و غم و اندوه بود و فرزند این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بیدار و دخترى آمد دلیل که خیر و راحت یا بدو از اهل  
 بیت شادمان شود و اگر بیدار که پسرى آمد دلیل که دخترى او آید و اگر بیدار که دخترى آمد دلیل که پسرى آید مغربی رحمة الله علیه  
 اگر بیدار که او را فرزندی بود و فرزند او را کسی بسته دلیل که بجا شود استغفار رحمة الله علیه گوید اگر بیدار که در جانی  
 بخت کند بیافت یا کسی بوی داد و دلیل که از جانی که امید ندارد چیزی بوی رسد و فرعون این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر  
 بیدار که بوی از فرعیان تقدم یا از پادشاهي تقدم مکر در شهری در آمد و در آن شهر مقام گرفت دلیل که سیرت فرعون علیه السلام در آن ظاهر گردد و اگر بیدار که  
 تقدم می در شهری رفت دلیل که سیرت عدل آن پادشاه در آن ظاهر گردد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیدار که فرعون عطائی بود یا  
 یا خلعتی او را بپوشید دلیل که بقدر آن از پادشاه ظالم مال حاصل کند یا از مردی بزرگ مالی حرام یا بدو فرمودن این سیرین  
 رحمة الله علیه گوید اگر بیدار که کسی او را بپوشید دلیل که در کاری که هست ایستادگی نماید و اگر کسی گوید که دیکت کرد و آن  
 یعنی بر چند باشد و اگر بیدار که بدو گفتند که نایب شکن یعنی برادر از اخوش دارد و اگر بیدار که کسی گوید که گندم بفرش یعنی  
 بدو اگر بیدار که گویند میانزد رسد یعنی فایده برگیر از کاره اگر بیدار که گویند توقف کن یعنی بر دشمنان خود فحش یا نشسته و اگر بیدار  
 که کسی گوید یا کتش کم باشد یعنی مال نگه دارد تا در ویش نشود و اگر بیدار که گویند چراغ برافروزد یعنی مال خرج کند و اگر بیدار که گویند



بسیار

بسیار

بسیار

بسیار

بسیار

بسیار

علیه گوید غلوس در خوابیدن دلیل بر مغلسی بود فندق در خواب دیدن مال بود اگر کسی بخوابد بید که فندق داشت دلیل  
که از مردی خیل منفعت یابد و اگر بید که بخوابد فندق داشت دلیل که او را با کسی خصومت افتد که مالی حقه الله علیه گوید اگر بید که فندق داشت  
شیرین بود که داشت دلیل که مال حلال یابد فنگت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید فنگت در خواب مردی غریب توانگر و آسوده  
با خلق بود و پوست و موی و استخوان از وی مال خواسته بود و گوشت وی مال مردی غریب و توانگر بود و اگر بید که فنگت مطیع  
بنود و دلیل که فایده نیابد و اگر بید که فنگت را بکشت و پوست و براب کند و گوشت ویران بکند و دلیل که مال مردی غریب تلف  
و اگر بید که فنگت را خیره و از کرون او خون روان شد دلیل که دو شیرینی دختری غریب بستاند و اگر بید که فنگت بسیار بر وی جمع شد  
و از ایشان کز نشد دلیل که در میان گروهی افتد و از ایشان منفعت یابد و اگر بخلاف این بید حضرت یاق ابن سیرین رحمه الله علیه  
گوید اگر کسی بخوابد بید که فندق داشت دلیل که او را با کسی خصومت افتد که مالی حقه الله علیه گوید اگر بید که فندق داشت  
درا فواق پدید آمد دلیل که بیمار شود و اگر بید که او را فواق پیاپی می آمد دلیل که بی حجتی بر کسی خشم گیرد و اگر بید که فواق او با کت  
بود و دلیل که دروغ گوید و بدان دروغ او را علامت رسد و اگر بید که فواق نرم و آهسته بود و دلیل که بر کسی خشم گیرد و لیکن زود باز  
و اگر بید که فواق میگرد و هر چه بود بر آورد و دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد فود و خمیر خشک باشد که از آن بگامه سازند و دلیل  
وی در خواب غم و اندوه و اگر بید که فود میخورد و دلیل که بسبب کاری متنگ گردد و فود در خواب جنگ و خصومت با دشمنان  
جفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن فود در خواب بر پنج چیز دلالت میباید و هم غم و اندوه و سیم خصومت چهارم نجات پنجم ناسا کار  
بر عیال فوطه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید فوطه و جامه فوطه در خواب نشاوی و آسانی بود و اگر بید که فوطه از پنبه بود که داشت  
و دلیل بر راحت دین و دنیاوی بود که با بد خاصه چون نود و پنج بود و اگر فوطه کهنه و دریده بود تا ویش بخلاف این بود که مالی حقه  
الله علیه گوید فوطه در خواب لباس مردم صالح است و اگر بید که جامه فوطه پوشیده بود و پنبه و مستور بود و دلیل بر زیادتی  
ترا بود و اگر بید که خواب پنبه بود و دلیل که توبه کند و راه صلاح جوید مغربی رحمه الله علیه گوید اگر جامه فوطه یا پنبه  
و دلیل که عدل و داد آرد و اگر قاضی بید که جامه فوطه پوشیده دلیل که حکم برستی کند و اگر مشرک بید مسلمان شود و اگر قاضی بید  
نائب گردد و اگر مرد و پنبه توبه کند و راه صلاح جوید صرف القاف قاضی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخوابد  
که قاضی شده در میان خلق و او را میگوید و از اهل قضا بنود و دلیل که در پنج و با گرفتار شود و مالش از دست برود و اگر بسفر فرست  
باشد او را قطع الطریق برینند و مالش تلف شود و اگر عالم و دانا بود قاضی شود و اگر بید که خواب عالم نبود و جوان بود و از سفر  
بسلامت باز آید که مالی حقه الله علیه گوید اگر کسی قاضی معروف بخوابد بید دلیل که بمنزلت علما و بزرگان دین برسد و اگر قاضی  
محمول بید که نشسته بود و او کسی را وری داشت و در میان ایشان حکم کرد و هر حکمی که رفته باشد آن بود قوله تعالی و الله  
يُحْكُمُ لَكُمْ لَا مَعْصِيَةَ لَكُنْه و در جای دیگر فرموده يَقْضِي الْحَقَّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاضِلِينَ مغربی رحمه الله علیه گوید  
اگر بید که قاضی بروی حکم کردن همان بود که دیده باشد و اگر بید که قاضی تر از دور دست داشت دلیل که در میان خلق حکم برآورد



و اگر میند که قاضی بهر شفقت بر دنگا کرد و با وی لطفت و مدارا سخن گفت و لیل که او را نزد اهل علم حرمت و جاد نبود و خواند و فرمود تا پارسا  
 قباله ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که از کتاب فقه سوسی خانه می آمد و لیل که کار بسته وی کشاده گرد و از خوش نشان دور شود قباله  
 کالد بود و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر قباله کفش بایموزه در خواب ببید و لیل که زن و خان و نم که کارهای وی رست دارند و اگر ببید  
 که قباله داشت و لیل که خادمی او را حاصل آید و اگر میند که قباله شکست یا سوخت و لیل که آنجا و خانه او هلاک شود و مغربی رحمه الله علیه  
 علیه گوید که اگر میند که قباله بسیار داشت و لیل که او را از خادمان خیر و شفقت رسد و اگر میند که کفش بایموزه و روز بود و لیل که بهتر است  
 قالی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر میند که قالی بزرگ از بهروی افکنده بود و دانست که ملک و است و لیل که بر درازی سر  
 و فراخی روزی بود و اگر میند که بر تاق نشسته بود و در جانی بیکانه ندانست که آن جایگاه کیست و لیل که دنیا بروی متغیر شود و در غایت  
 سیر و کرمانی رحمه الله علیه گوید که اگر میند که بر قالی تنگ و کوچک نشسته بود و لیل که عمرش کوتاه و روزی تنگ بود و مغربی رحمه الله علیه  
 اگر میند که قالی در پیچیده بود و بر دوش داشت و لیل که از جانی بجائی دیگر رود و عمرش اندکی مانده بود و هر چند که قالی بزرگتر و فراختر  
 باشد معیشت و روزی بیشتر و بهتر بود و اگر میند که بر قالی کوچک نشسته بود و در زیر وی فراخ شده و لیل که معیشت و روزی وی فراخ گردد  
 و اگر بخلاف این ببید و لیل که معیشت و روزی بروی دشوار گردد و اگر میند که قالی گسترده بود و بدست خود در نوشت و در کج خانه نهاد  
 و لیل که دولت و اقبال بخیر و تیا کند و اگر میند که قالی بر پشت نهاد و مسیر و لیل که بره بسیار کند و انیال علیه السلام گوید که اگر میند که قالی  
 کوچک و سبک بود و لیل که روزی بروی تنگ شود و اما عمرش دراز شود و اگر میند که قالی سبک و پاکیزه داشت و لیل که روزی بروی فراخ شود  
 و اگر میند که قالی در خانه کسی افکنده بود و لیل که خداوند آن خانه را دولت و اقبال بود و اگر میند که در خانه جمعی قالی افکنده بود و لیل که سفر  
 کند و مال و نعمت یابد قباله ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که قباله که پاس و خواب پناه و وقت و سفر بود و اگر میند که قباله که پاس  
 فراخ پوشیده بود و لیل که از غنما فراخ یا بد و اگر میند که قباله حریر پوشیده بود و در خواب کرده بود و مگر که با سلاح پوشیده بود و اما از  
 سروی بزرگ شرف و منزلت یابد که قالی رحمه الله علیه گوید که اگر میند که قباله پوشیده و بحرب میرفت بر دشمن نظریا بد و اگر میند که قباله  
 سبک پوشیده بود و لیل که روشنائی یابد و اگر میند که مصیبت باشد و اگر سیاه بود و غم و اندوه باشد و اگر گلدن بود و کارشن نظام گردد  
 و اگر قباله کهنه و دریده بود و لیل که در اطلاق و بد مغربی رحمه الله علیه گوید که اگر میند که قباله عنابی داشت اگر اهل آن قباله باشد و لیل که غم  
 و اندوه بود و اگر میند که قباله پوستین سیاه و سپید پوشیده بود و لیل که زنی توانگر زنی کند و اگر میند که قباله از پوست رو باه بود و لیل که  
 از قی پارسا زنی کند و اگر قباله از پوست سمور بود و لیل که زنی توانگر خواهد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که قباله در خواب بر شش و چوب  
 چوبی پناه و دوم قوت سوم حجت چهارم منفعت پنجم حکمت ششم ریاست قباله ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر کسی خواب  
 که قباله و خط داشت و لیل که بعد خط و قباله او احکمت حاصل شود و اگر میند که پادشاه خط و قباله بوی و او و لیل که او را آن  
 گرداند و اگر میند که قاضی قباله بوی داد و لیل که علم شریع او را حاصل شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که قباله در خواب بر شش و چوب  
 چوبی ریاست و دوم حکمت سیوم منفعت چهارم ولایت پنجم حجت ششم قوت قباله ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که قباله در خواب در کجا



کرد و دلیل که اگر سینه بود آواز شود و اگر در پنج و بلا و تحت گرفتار بود و شفا یا بد اگر در بند بود خلاصی یا بد اگر در پیش بود تو اگر نشود و اگر ترس  
 وار و این کرد و اگر دوا و دوش گذارد و نشود اگر گنج نکرده باشد حج بگذارد و اگر میند که بصحرای جهت قربان رفته بود و دلیل که آن قوم اگر  
 زنجیری ترسند این کردند و اگر محبوس باشند خلاصی یا بند و اگر قحط و تنگی بود و فراخی بدل شود خاصه که این خواب نزدیک عید قربان  
 باشد تا ویش زودتر از کند کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر میند که گوشه قربانی هر دم تمت میکرد و دلیل که مردی محشم آنجا میرود و با  
 تمت کنند و اگر میند که گوشت بزد و بد و دلیل که بر خداوند تعالی غرض دل دروغ گوید و قربان در خواب بشارت بود قوله تعالی و  
 کَبُشْرًا مَّا هُوَ بِاسْمٰحٍ فَنَدَبْنَا مِنَ الصَّالِحِينَ وَبَارَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلَىٰ اسْمٰحِهِ اگر خداوند خواب زن بود حامله پس صالح آنکه جعفر  
 صادق رضی الله عنه گوید تا ویل قربان در خواب بر شش وجه بود یکی آینهی از ترس دهم چهل شدن مراد و حاجات سوم چوب  
 چهارم پنجم زوال قحط و تنگی قرا به ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قرا به در خواب کسده پیری بود که مال و خواسته بد و سپارند و اگر  
 در قرا به آب یا حلاب یا چیزی خورد و نش حلال بود میند دلیل که آن کسده پیر حلال خوار بود و اگر میند که در قرا به چیزی بود که شکنی  
 و دلیل که آن کسده پیر خرم خوار بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر میند که قرا به داشت و دلیل که او را کسده پیری صحبت افتد و اگر میند  
 که از قرا به آب یا حلاب خورد و دلیل که او را از کند پیر خیر و منفعت رسد و اگر از قرا به چیزی ترش خورد و دلیل که غم و اندوه و خرد و  
 قرا به بختی هیچ خیر و منفعت رسد و اگر میند که قرا به شکست و دلیل که از آن کسده پیر جدا گردد و قرا به فضل ابن سیرین رحمه الله علیه گوید  
 قرا به در خواب شنای نیکو بود و اگر میند که قرا به داشت و هر کس عطا و دلیل که اهل دنیا بر روی شاکویند و نامش بختی بیشتر  
 گردد و اگر میند که قرا به میزد و دلیل که او را غم و اندوه و مصیبت رسد قرا به ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قرا به بر ششم چون سپید باشد  
 بر نعمت اینجانی باشد و اگر زرد بود و دلیل که بیماری کند و دیدن ابریشم پنجه بهتر از خام بود و اگر میند که ابریشم یا قرا به سوخت یا ضایع  
 شد و دلیل که دیر از بانی رسد و اگر میند که قرا به بر ششم داشت و سفید بود و ملک وی بود و دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر سبز بود بهتر باشد و اگر  
 سرخ بود مر و از نازد باشد و اگر سیاه یا کبود بود و دلیل که غم و اندوه باشد و اگر میند که از بر ششم داشت و دلیل که او را از هر رنگی متاع حاجات  
 و ابریشم مر و از او دین کرده بود و از نازانیک باشد قسط ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر میند که قسط در زیر خود میسوخت و دود  
 میکرد و دلیل که هر دم آن ولایت او را بد و نازانیک باشد و از نازانیک بیشتر گردد و اگر دود کند و ناز خوش بود و تا ویش بخلاف  
 این بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر میند که قسط میخورد و دلیل که غمگین شود و تمت کردن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر میند که میان یکی  
 چیزی تمت میکرد و دلیل که میان خلق انصاف را نگاه دارد و اگر میند که مال خود بخر و صلاح تمت کرد و دلیل که او را فرزندان آید و مال برایشان  
 تمت کند و اگر میند که مال خود بشو و تمت میکرد و دلیل که مال وی تنه شود و اگر میند که مال کسی رضای او تمت میکرد و اگر بصکا  
 یا قضا و دلیل که خیر و شر آن بوی باز گردد و تمتاب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید تمتاب چون مجول باشد ملک الموت بود و اگر میند  
 که قضا و در سرالای یاد که چه درآمد و دلیل که در اینجا کسی میرود و اگر میند که آقضا یا است و قضا بنود و دلیل که کسی را بکشد و اگر میند  
 که با قضا بنماید کرد و دلیل که او را با ظالمی صحت افتد کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر میند که قضا بنی کرد و قضا بنود و دلیل که غم و اندوه

تفسیر

تفسیر

تفسیر

تفسیر

تفسیر

تفسیر

تفسیر

از وی زایل شود و اگر بنید قصاب بود خون حق ریزد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که قصاب مجبول در خانه وی در آمد و با در که چه در آن  
 دلیل که در آن موضع مرگ می افتاد پیدا شود قصه گفتن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بنید که قصه مجبول می افتد دلیل  
 که از ترس و بیم ستمکاران این شود قوله تعالی فَاَتَا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقُلُوبِ  
 الظَّالِمِينَ که باقی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که مرد مرا قصه می گفت دلیل بر خیر و صلاح بود اگر بنید می گفت و اگر می گفت دلیل  
 بر شر و فساد و کذب مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که قصه می گفت دلیل که کارش نیکو شود و مردش حاصل گردد و قصه گوی و در آن  
 مردی نیک محض بود و قضیب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قضیب شاخ درخت بود که در خواب بنید اگر کسی بخواب بنید که  
 شاخ درخت تازه و بار یک بود و بدو و اندو آنکس معروف بود و دلیل که او را از آنکس بقدر آن خیر و منفعت رسد و اگر بنید  
 که شاخی باریک و خشک بود و دلیل که چیزی بوی نرسد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که شاخ درختی که ترش میوه او بود  
 و بدو و اندو دلیل که از آنکس بد و غم و اندوه رسد و اگر از درخت شیرین بود و دلیل که خیر و منفعت یابد قطایف ابن سیرین  
 رحمه الله علیه گوید اگر بنید که قطایف بشکرو بادام کسی بوی او و از آن بخورد و دلیل که او را مال و نعمت آسان بدست آید و اگر  
 بمغز خور دو و شتاب بود و دلیل که منفعت اندک بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید قطایف در خواب بر چهار وجه بود  
 یکی سخن خوش و دوم مال حلال سوم منفعت چهارم منفعت برنج قطران ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قطران  
 خواب مال حرام بود و اگر بنید که قطران و اشت و از آن یکی خورد و دلیل که بقدر آن مال حرام حاصل کند و اگر بنید که تن یا جگر  
 وی بقطران آلوده بود و دلیل که لباس حرام پوشد و بعضی گویند بسبب آل در بلا و محنت افتد و اگر بنید که قطران از  
 خانه بیرون انداخت دلیل که توبه کند قنما خورون ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بر قفای خود موی بنید  
 و دلیل که وام دار شود و اگر بنید که موی از قفا می تزد بود و دلیل که و همیکه دارد گذارده شود و اگر بنید که بر قفای او سیلی  
 کسی زد و چنانکه آس کرد و دلیل که بیم او را و هم کسان او را منفعت بود و اگر بنید که بیگانه بر قفای او سیلی زد و دلیل که  
 از بیگانه یابد که باقی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که کسی چندان سیلی بر قفای او زد که خون روان شد و دلیل که او با کسی و او را  
 کند و زیانش رسد و اگر بنید که قفای خود بدرید و دلیل که عیالش بر وی خیانت کند و اگر بنید که بر قفای خود حجامت کند  
 و دلیل خیر که خیریه باشد قبل از نوبت مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بنید که رویش اتفاقا کشت و دلیل که با مردم منافق کند  
 قفص ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بنید که قفصی داشت دلیل که در حبابی گرفتار شود و معتبران گویند که او را آس  
 از خویشان و رزندان کنند و اگر بنید که قفص شکست یا ضایع شد و دلیل که از تنگی زندان خلاصی یابد جعفر صادق رضی  
 عنه گوید و دیدن قفص در خواب بر سه وجه بود یکی زندان دوم جانی تنگ سوم سرری نخاس قفص ابن سیرین رحمه الله علیه  
 علیه گوید قفص در خواب دلیل بر راست شدن کارهای دینی و دنیای وی بود و اگر بنید که قفص زد و بکشد و دلیل که کارها  
 بروی کشاده شود و شاید که حج اسلام بگذرد و اگر بنید که قفص نتوانست که قفص کند دلیل که کارش ویران شود و مغربی رحمه الله علیه

بنید  
 بنید  
 بنید

بنید

بنید

بنید

بنید

بنید

بنید

بنید

علیه گوید اگر بیند که قفلی محکم بر جای نهد و دلیل که مال خود را مصلح سپارد و اگر بیند که قفلش سست و ضعیف بود و تا پیش  
 بخلاف این جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن قفل در خواب بر شش وجه بود یکی ساختن کار و دوم قوت سوم حجت چهارم  
 منفعت پنجم زن ششم عتاد بر کسی مصلح داشتن قلعه در بود و حرف و ال ذکرش رفته است قلم معبران در تاویل  
 قلم خلاف کرده اند ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قلم امر حق است و خدا یقنی را بقلم و لوح محفوظ نیاز نیست مغربی رحمه  
 علیه گوید قلم فرشته است که بفرمان خدا یقنی اجل و علی کار کرده و اگر کسی قلم را با وضو است که بهت بیند و دلیل  
 که او را با و است ای عاقل کار افتد و حق تعالی جل و علا قلم را داده است و القلم و ما یسطرون اگر بیند که قلم بر دست  
 گرفت و دلیل که او را فرندی فاضل عالم آید اسمعیل اشعث رحمه الله علیه گوید اگر بیند که بران قلم که در دست داشت چیز  
 نبشت دلیل که علم آموز و قوله تعالی علم الا نشان ما لکم لعلکم تعقلون رضی الله عنه گوید دیدن قلم در خواب پنج  
 وجه بود یکی امر حق تعالی و دوم فرشته سوم توانگری چهارم حقیقت کردار یا پنجم قلم خامه گویند و شرح آن در حرف خایا و دیگر  
 قلیه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قلیه که با بخت باشد بهتر از آنکه بی آب بخت باشد و هر چند که قلیه بطم خوشتر بود و منفعت آن بهتر  
 باشد و اگر قلیه از گوشت گاو و خیر باشد و دلیل که در آن سال از ترس بیمین بود و اگر از گوشت یره یا زغال خور و دلیل که مالی اند  
 یا بد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که قلیه از گوشت اسب خورد و دلیل که مال از پادشاه سرخ و سختی بدست آرد و اگر از گوشت  
 خور و دلیل که مالی از فردی بزرگ بدست آرد و اگر قلیه از گوشت طی خور و دلیل که از بخت زنان بکر مال بدست آرد و اگر از  
 خواب معند بود و دلیل بر غم فاندوه کند و اگر بیند که قلیه از گوشت چهارپای خور و دلیل که مال حرام خورد و مع  
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قلیه که چاک در خواب غلام و کینک بود و مع بزرگ وی مرتبه برکننده بود و اگر بیند که قلیه که چاک بخورد  
 یا کسی بوی او و دلیل که غلام یا کینک که چاک بخورد و اگر بیند که قلیه که او شکست یا ضایع شد و دلیل که او را از حبس چینی مردی  
 مفارقت افتد و اگر بیند که قلیه که او سینه بود و دلیل که او را با مردی نیک رای و خردمند صحبت افتد و اگر بیند که قلیه که او سینه  
 بود و دلیل که با مردی قوی دایمی و شجاع صحبت افتد و از خیر و منفعت یا بد قلیه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که قلیه که  
 دلیل که بتجیل کاری کند که از آنکار پشیمان شود و اگر بیند که کسی پاره قند در دهان او نهاد و دلیل که او را بوسه دهد و اگر بیند که پاره  
 قند داشت دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر بیند که قند می فروخت و دلیل که او را زیان رسد و خریدن قند بهتر از فروختن  
 قندیل ابن سیرین رحمه الله علیه گوید قندیل فروخته توفیق عبادت بود و خاصه که روشن بود و اگر کسی خواب بیند که در خانه  
 قندیل فروخته آویخته بود و دلیل که زنی صالحه یا پارسا بخوابد و اگر این خواب زنی بیند طاعت و عبادت بسیار کند جعفر صادق  
 رضی الله عنه گوید قندیل فروخته در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی زن خوشن و دوم توفیق سیوم عز و دولت چهارم گشتن  
 در کارهای بسته و قندیل نافرخته دیدن منفعت اندک بود و قنوت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی در خواب بیند که قنوت  
 خواند و دلیل که مردم مع و ثنای گویند و حاجتش روا گردد و اگر مرد مصلح و پارسا در خواب خواند و دلیل که همه حاجتش روا شود و اگر بیند

بسیار  
بسیار  
بسیار

که معلوم بود و از نگاه حق تعالی حاجتهای او برآید و اگر بیند که مستعد بود و دلیل که از بزرگی کارهای دنیای می برای بقینه این برین  
 رحمت الله علیه گوید بقینه در خواب خامی بود که کلید خانه بد و بسیار بزرگ کسی بخواب بیند که بقینه داشت و در وی آب بود و چنان  
 یا چیزی که خوردن آن حلال بود و آن میخورد و دلیل که مال حلال باشد و اگر بقینه چیزی حرام بود و از آن میخورد و دلیل که او را از آن حرام  
 چیزی حاصل شود و اگر بیند که بقینه شکست یا ضایع شد دلیل که خادم او بگریزد که مانعی رحمت الله علیه گوید بقینه در خواب خامی  
 بود که چیزی را بر دست وی باشد قیامت این سیرین رحمت الله علیه گوید اگر خواب بیند که قیامت بود دلیل که حق سبحانه و تعالی  
 در آن دنیا رغبت کرده گرداند و اگر اهل آن دنیا را ظالم باشند دلیل که آفتی و بلائی بدیشان رسد و اگر اهل آن دنیا را مظلوم باشند دلیل که حقیقتاً  
 خود جل ایشا زانصرت دهد و اگر بیند که اهل آن دنیا را پیش حق تعالی جل و علا ایستاده و بودند و دلیل بر خشم و عذاب حق تعالی جل و علا باشد که  
 رحمت الله علیه گوید اگر بیند که قیامت برخواست اگر مظلوم باشد و دلیل که بر ظالم دست یابد و از غم رسته گردد و اگر بیند که علامتی پیدا  
 چنانکه آفتاب مغرب برآمد یا وصال و یا حوج و یا حوج پیدا شدند باید که توبه کند و بخت تعالی گراید و اگر بیند که گداز باشد گداز و مروت  
 بیرون آمد و دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که او را بر تخت باید که از کتا توبه کند و رضای حق تعالی جل و علا یابد و اگر بیند که شمشیر  
 گاه بود و دلیل که در غفلت بود و قوله تعالی اقْتُوبَ لِلنَّاسِ حَسْبُهُمْ غَفَلَ عَنْ مَعْصِيَتِهِمْ اگر بیند که با وی شمشیر کرد و دلیل  
 که او را زان برسد قوله تعالی فَمَا سَبِّحْنَا هَاجِسًا بِأَشْدَانِ بَدَلًا وَعَنْ بَنَاتِنَا عَدَا بَا نَكَرًا و اگر بیند که در راه با سنجید  
 وی بینکی زیادت آمد و دلیل که سرانجام کار وی نیکو شود قوله تعالی قُمْ ثَقُلْتُمْ مَوَازِينَ قَالُوا لَعَنَّاكَ هُمُ الْمُظْلَمُونَ  
 و اگر بیند که بدی وی بیشتر از نیکی بود و دلیل که سرانجام کار وی بد بود قوله تعالی وَمَنْ حَقَّقَتْ مَوَازِينَ قَالُوا لَعَنَّاكَ الَّذِينَ يَخْرُجُوا  
 أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ لَيْدًا قَالُوا لَعَنَّاكَ بَنَاتِنَا وَنَا مَرَّةً وَبَدَتْ رَأْسَتْ دَلِيلُ كَرَامِي بَرَاهِ رَا  
 بود قوله تعالی وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ و اگر بیند که نامه کردار وی داود و  
 که بر خوان اگر از اهل صلاح بود کارش نیکو شود و اگر از اهل فساد بود بر خطر باشد قوله تعالی اقْوُوا كَمَا بَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْبُؤْسَ  
 اگر بیند که بر صراط است دلیل که بر راه راست میرود و اگر بیند که بر صراط نخواست گذشت هم راه راست بود و جعفر صادق علیه السلام  
 الله عنه گوید قیامت در خواب اهل صلاح را بر چهار وجه بود یکی رستگاری دوم فرح از غم سپوم ظفر یا خن بر دشمنان چهارم ابل  
 و خامت با سعادت و اهل فساد را بخلاف این بود قیامت این سیرین رحمت الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که قیامت است دلیل که بقدر آن نیست  
 و روزی یا بدیغری رحمت الله علیه گوید اگر بیند که قیامت بسیار داشت و بخانه برود و دلیل که بقدر آن نخواست بخانه برود و اگر بیند که قیامت زان  
 بیرون افتد نامه پیش بخلاف این بود اگر بیند که در فکر و آتش افتاد و سوخت و دلیل که پادشاه او را مصداق کند و بالش پستاند و اگر  
 بیند که قیامت میخورد و دلیل که چیزی حرام خورد و بعضی خبر آن گویند که او را غم رسد فی کردن این سیرین رحمت الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند  
 که قیامت میگرد و آسمان بر وی آمد و دلیل که توبه کند و اگر بیند که فی توانست کردن یا در وقت برآمدن باز جانی رفت دلیل که از توبه  
 بازگردد و سرانجام عقوبت یابد و بعضی گویند که او را مصیبت و زان افتد و اگر بیند که فی میکرد و میخورد و دلیل که از بخت چیزی علیل

کاف

نفسه کند که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که میگوید و طمع او ترش و ناخوش بود و دلیل که بعد از توبه بر سر گناه رود و اگر بیند که بسیار  
حق کردن چیزی از شکم وی زبان آید و دلیل که بسیار شود اگر بیند که بغیر بر آورد و دلیل که از بیماری شفا یابد و اگر بیند که خون بسیار  
بر آورد و دلیل که مال یابد و اگر بیند که صغیر بر آورد و دلیل که از بخت بدین شود و اگر بر چه در شکم بود بر آورد و دلیل که پاک شود و جعفر صادق  
رضی الله عنه گوید حق کردن در خواب بر شش وجه بود یکی توبه دوم پیشانی سیوم نصرت چهارم از غم بستن پنجم امانت باز دادن  
ششم کارهای بسته شده شدن و اگر بیند که حق کرده و بخرد و دلیل که چیزی بکشی بخندد و از آن گس باز ستاند جعفر الحکاف  
کاجی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کاجی بر او غن کند و شکوفه و روغن بادام خور و دلیل که بعد از آن  
خیر و منفعت یابد و اگر بیند که بر او غن و انگبین میخورد و دلیل که بعد از آن راحت یابد و اگر بیند که کاجی بر او غن و ماست میخورد و دلیل که  
از کسی بوی اندک منفعتی رسد و اگر بیند که کاجی بخیزی ترش میخورد و دلیل بر غم و اندوه و اندیشه بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند  
که کاجی بخیزی شیرین میخورد و دلیل که او را مال باستانی بدست آید و اگر بیند که بخیزی ترش میخورد و دلیل که غم و اندوه بود و بعد ترشی  
کار و این سیرین رحمة الله علیه گوید کار و فرزند باشد و نیام کار و زبون بود اگر کسی بخواب بیند که کار و در دوست داشت و دوست  
از آن و بیست دلیل که او را فرزند آید اگر بیند که با کار و سلاح دیگر داشت دلیل که بزرگی و منزلت یابد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند  
که سلاح پوشیده و گاو در دست داشت دلیل که او را از کسی پناه و قوت بود و بعضی گویند که غلام کار دگری آموزد مغربی رحمة الله علیه  
علیه گوید اگر بیند که کار و از نیام بر کشید دلیل که زرش سیری آورد و اگر بیند که کار و در نیام شکست دلیل که پدر او یا یکی از خویشان  
پدرش میرد و اگر بیند که اندام خود را بکار و بخت دلیل که بعد از خستگی اندام او را زیان رسد و اگر بیند که بکار و چیزی تر از شش دلیل  
که از آن خیر و منفعت یابد و اگر بیند که در کار و او رخنه افتاده بود یا زنگ گرفت یا عیبی در ظاهر شد و دلیل که نقصان مال  
جعفر صادق رضی الله عنه گوید یون کار و در خواب بر بخت وجه بود یکی حجت دوم فرزند سیوم ظفر چهارم پناه پنجم برادر ششم  
توانایی بخت و لاسنت کارزار کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کارزار کردن در خواب علت طاعون بود اگر کسی  
بخواب بیند که کارزار میکرد و دلیل که او را از علت طاعون بچم بود و اگر در کارزار دشمن را قتل کرد و دلیل که از علت طاعون  
یابد و اگر در کارزار دشمن بروی چیره گشت دلیل که بعثت طاعون پاک شود که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در کار  
با کسی بشمشیر جنگ میکرد و یکی از ایشان فرصت یافت و دلیل بر خصومت بود و آنرا خطر بود که فرصت یافته بود و اگر کارزار بر  
میکرد و همین تاویل وارد و اگر تیر و کمان کارزار میکرد و دلیل که میان ایشان بر زبان گفتندی شود که از روی ابن سیرین رحمة الله  
علیه گوید اگر بیند که کاری میکرد و اگر کارزار بود و دلیل بر توبه کند و توفیق خیرات یابد زیرا که چرخ جاسر تاویل غم و اندیشه بود  
و کار پاک کننده چرخ است پس دلیل بازگشتن بخداوند تعالی بود که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که جامه و ریشش بدین  
و دلیل که توبه بشکند و اگر بیند که جامه و دیده را بخت و دلیل که باز توبه کند و اگر بیند که او بشتن سپید شد و دلیل که از آن به حال  
و رستگاری یابد و اگر بیند که جامه می شست و سپید غنشد و دلیل که همواره در گناه باشد بخیر حق گوید کار و در خواب بر روی

کاجی

کار

کارزار

کارزار

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

که بدست وی خیرات و حسنات هر دو برود و از بهر کفایت گنا آن جعفر صادق رضی الله عنه گوید که اگر در خواب مردی باشد  
که غم و اندوه اندول مردم بر او این سبب است که آن کس خواب ببیند که جامه میشوید دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد  
و از گنا آن توبه کند خاصه که جامه را سپید شوید کار دنیا کردن این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب ببیند که کار  
میکرد و دلیل بر فساد و نقصان دین وی بود و اگر ببیند که کار دین میکرد و دلیل بر صلاح دین بود و بر احوال جهانی میکشید  
و اگر ببیند که راهی دنیا وی را بسته شد و دلیل که اجتناب از دنیا باشد و اگر بخلاف این ببیند عرش دراز بود و اگر ببیند که کار  
مشغول بود که او را غیور و از آن منفعت نبود و دلیل که بکاری مشغول شود که در آن خیر و منفعت نباشد جعفر صادق رضی الله  
عنه گوید اگر ببیند که بامروی بکاری میشود و در راه نیست و دلیل که مخالفین بود و قوله تعالی **فَرَحَ الْمُخْلَفُونَ** بمعنی خدای  
**الْبُصُولِ** الله کاروان این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب ببیند که با کاروان در راه بود و اهل آن کاروان مصالح  
و پاسبان بود و دلیل بر خیر و صلاح کار وی بود و اگر ببیند که مردم کاروان مفید و بدخوی بودند تا ویش بخلاف این بود  
ببیند که سوار بود و برکت تمام داشت دلیل که او را نعمت حاصل شود و اگر ببیند که در کاروان پیاده بود و برکت نداشت تا ویش بخلاف  
این بود که راهی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که با کاروان بخانه می آمد و دلیل که کار با بروی کشاده کرد و اگر بخلاف این ببیند و دلیل که کار با بر  
بسته کرد و کار بر این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب ببیند که در جایگاهی معروف کاری می کند و دلیل که با کسان خود  
و حیلست سازد و این تاویل وقتی بود که بکنند کاریز آب پیدا نشود و چون آب پیدا آید و روان گشت حکم کاریز کنند و این گنج  
کاریزانی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که از کاریز آب می ستد و دلیل که بکر و حیلست مال جمع کند خاصه که کاریز وی کند باشد منفعت  
بفقد آنکه از برادر وی رسد و اگر ببیند که آب از کاریز برود و در خیم و سخت یاد رسد و دلیل بر مالی باشد که خرج کند و اگر ببیند که  
کاریز افتاد و دلیل که در بکر و حیلست افتد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که باغ را از کاریز آب می آید و دلیل که با بن خود مجامعت کند  
کاریز دیدن در خواب مردی بود که کارهای دنیا بکر و حیلست ساز کند کاسه این سیرین رحمه الله علیه گوید کاسه جوهری در وی بود  
بود و بخورد و بخورد آن از سفر روزی حلال یابد و کاسه حالین در خواب روزی بود و کاسه خالی فرو ماندگی و بیچارگی بود و کانی رحمه الله  
علیه گوید کاسه طعام خاوی بود با برکت منفعت که بدست وی خیرات رود و مال بوقضای قسمت کند و کاسه زرین و سیمین که در وی  
خوردنی بود روزی حرام باشد و کاسه سفید روی و قلعی روزی اندک بود که شبتهی بود و کاسه آئینه دلیل بر آن کند و کاسه سی و سول  
مغربی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که در کاسه خود چیزی خوردنی خوش طعم و شیرین داشت و دلیل که نعمتی و مالی یابد و اگر چیزی  
و ناخوش ببیند و دلیل بر غم و اندیشه بود که غدا بن سیرین رحمه الله علیه گوید که غدا در خواب ثل و بزرگی بود اگر ببیند که غدا سفید و پاک شود  
و دلیل که بقدر آن مال و بزرگی یابد و اگر ببیند که غدا وی در آب بزیان رفت یا بسوخت و دلیل که بقدر آن از بزرگی و مال و نقصان  
شود و کانی رحمه الله علیه گوید که غدا در خواب علم و دانش بود اگر غدا و در خواب پاسبان بود و اگر ببیند که غدا بسیار داشت و دلیل که فضل  
علم شهرت یابد و اگر غدا و در خواب مفید و جاهل بود تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید وین کار غدا در خواب بیچاره



بود یکی زن دوم بزرگی سوم دولت چهارم مکر و حیلت کا فور ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که فور در خواب لیل بر نفس پاک و سیرین  
 بود در راه حق اگر بیند که کا فور میسخت و از آن بوی ناخوش می آید دلیل که نیکوئی کند با کسی و از آن منت یازد و اگر بیند که اندکی کا فور یا  
 دلیل که بشمار شادی یابد و اگر کا فور بسیار یافت دلیل که مال و منفعت بسیار یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کا فور در خواب  
 بر سخت وجه بود یکی مرد عالم دوم زن سوم دوست چهارم کینه خور و یکی تجم مال بسیار ششم شتا و ازین و سخنهای خوب و ختم ریش  
 نفس کا فور سبب غم نباشد که شکوفه او زرد بود و از روی بوی کا فور آید و اگر بیند که در زمین او رسته بود دلیل که بیخ و شتای او در دنیا  
 جمع مردم باشد و اگر بیند که کا فور سبب غم از جانی بر کند دلیل که از آن موضع شتای او قطع شود و اگر بیند که کا فور سبب غم میجوید دلیل که او را  
 غم و اندوه رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کا فور سبب غم در خواب بوقت خورشید بر سر بود یکی شتا و ازین دوم نفع از یک سوم غم  
 لطیف شنیدن و گفتن کا فور ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کا فور شد است دلیل که او را بخت کفر میل باشد و اگر بیند  
 که کبر شد و آتش بر سر شد دلیل که نجات او از تعالی عاصی شود و اگر بیند که آتش نوز و شعاع نداشت دلیل که مال حرام جود و دین خود را مال  
 حرام بفروشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که کا فور در خواب بر سر وجه بود یکی تسلیم کفر و آشتن دوم صحبت با مردم و آشتن و با بخت عاوان  
 نشت و دوست کردن سوم خذلان خداوند تبارک و تعالی بروی کا فور ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کا فور می چنان  
 دراز شد که کلهی او درازی او بسته شد دلیل که بدینا حریص بود و در امر غیبت کند که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کا فور بلائی می  
 بریزد بر لب بود دلیل که کار با بوی بسته گردد و اگر بیند که کا فور او دراز شد بود و بر روی بیند آشت دلیل که ترک حرص و از بگوید و در  
 را غیبت نکند کا فور ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که کا فور در خواب جمله دلیل بر غم و مصیبت بود و اگر بیند که کا فور میجوید دلیل که بقدر  
 ریج و اندوه بوی رسد و اگر کا فور کسی داد و او بخورد دلیل که نکلس از وی و بخورد دل کرد و غم و اندوهش کمتر بود جعفر صادق رضی الله  
 عنه گوید که کا فور خورون بر سر وجه بود یکی غم و اندوه دوم مضرت سیوم حضور است و گفتگوی کا فور ابن سیرین رحمه الله علیه گوید  
 که در خواب مال نعمت بسیار بود و خاصه که کا فور گندم باشد و اگر بیند که کا فور بسیار داشت و در خانه میخیزد دلیل که مال و نعمت حال  
 بسیار حاصل کند و اگر بیند که کا فور بود آنچه گفته کمتر از آن باشد که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در کا فور دانی رفت و داند که کت است  
 دلیل که تو او را شود و مراد و جهانی یا بد معزنی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که آتش در کا فوران و افتاد و کا فور او بخت و دلیل که او را  
 او را مصداق کند و مال فخر هسته از وی بستاند و اگر بیند که چهار پائی کا فور میجوید دلیل که بجهت مال خود تلف کند جعفر صادق رضی الله  
 عنه گوید دیدن کا فور در خواب بر سر وجه بود یکی مال حلال دوم کسب حیثیت سیوم کام دل و شتای کا فور ابن سیرین رحمه الله علیه گوید  
 اگر کسی بخواب بیند که کا فور شیرین بوقت خود میجوید دلیل بر غم و اندیشه بود و اگر بیند که کا فور بوی تلخ بود دلیل که مضرت و زیان بیند  
 و اگر بیند که کا فور بوی تلخ و نیکو بود دلیل که با کسی گفتگو کند کا فور ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کا فور میجوید دلیل که او را  
 و خسته یابد و اگر بیند که کا فور بسیار داشت دلیل که بقدر آن مال ریج حاصل کند و اگر بیند که کا فور بر سر بخت و دلیل که او را منت  
 رسد که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کا فور بود دلیل که مالی اندک یا بد و خیر و نفع در او اندک باشد کا فور و انیال علیه السلام





در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

که بگوید بچشم و اندوه و دل زنی که بوی رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که کیوتر بسیار در خانه او بود و دلیل که او را  
فرزدان بسیار شود و نیز گویند که او را مال بسیار از جهت زنا حاصل شود و صغری رحمة الله علیه گوید که بگوید در خواب زنا کرد و بزرگترین  
که بگوید که آن بخت بدیست دلیل که بقدر آن مال ببرد و حلیت حاصل کند و اگر بیند که کیوتر از خواب پیش می آید و مطیع وی شد و دلیل  
از جانی که امید ندارد بدو منفعت رسد و اگر بیند که کیوتر بر طعام داد و دلیل که زنی را سخن بگوید که کیوتر از بسیار حبشند  
و دانست که ملک است و دلیل بر ریاست و سروری کند و بهترین کیوتر از در خواب آن باشد که سفید بود و اگر سفید خام باشد  
و خداوند خواب زن باشد و دلیل که شوهری کند یا او را دختری زیاده و کیوتر بازی در خواب کار باطل بود و نیز گویند که کیوتر خانه در خواب  
جای زنا باشد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که بگوید که در خواب برنج و جو بود یکی زن و دوم یک تنک سوم مال چهارم نامه غائب  
پنجم ریاست و معتبران گویند که کیوتر در خواب هر کیوتری درم بود که بیاید بختاب خواندن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی  
بخواب بیند که کتاب تفسیر میخواند و دلیل که در راه دین و زهد گراید و کارهای بسته بپزد و گویند که اگر بیند که کتاب فقه میخواند و دلیل  
از کارهای مکرر و بی فایده و اگر بیند که کتاب طب میخواند و دلیل که نزد پادشاه صاحب دای شود و اگر بیند که کتاب اصول میخواند و دلیل  
بکاری مشغول شود و منفعت برنج حاصل کند و اگر بیند که کتاب توحید میخواند و دلیل که بعد از مشغول شود که در آن فایده دینی باشد  
و اگر بیند که کتاب فضایل میخواند و تسبیح و تسمیه میخواند و دلیل که بر زبان وی سخن خیر و صلاح رود و اگر بیند که کتاب قصص میخواند و دلیل  
بر سخن اولیا و انبیاء و صیحاب بود و اگر بیند که کتاب نجوم میخواند و دلیل که صلاح اجتماعی او را حاصل شود و اگر بیند که کتاب نجوم و ادب میخواند  
و دلیل که بشغل نیامشغول گردد و مردم او را شکر و ثنا گویند و اگر بیند که کتاب مسائل میخواند و دلیل که بصلاح که خدای مشغول گردد و اگر بیند  
که کتاب طب میخواند و دلیل که در طلب چیزها و بشناختن چیزها مشغول گردد و اگر بیند که کتاب شعر میخواند و دلیل که در جادو و دلیل که بکار  
مشغول شود که مردم او را طاعت کنند و اگر گفت و توحید میخواند و دلیل که نیک باشد و اگر بیند که کتاب تفسیر میخواند و دلیل که بختی نیک  
بر جبهی منت نهد و از وی چیزی یابد و اگر بیند که کتاب هدیه میخواند و دلیل که بعل مشغول شود که مردم او را نماند و دلیل که بخت  
سود دارد و اگر بیند که کتاب مصاحب و تقصیر میخواند و دلیل که بپسیرد و در آن سفر منفعت یابد و اگر بیند که کتاب حساب میخواند و دلیل  
همواره اندوختن بود و اگر بیند که کتاب مضاحک و فسانه میخواند و دلیل که کاری کند که از آن زشت نباشد و اگر بیند که کتاب جود و عیبه  
و دلیل که عیب مردمان کند و در میان مردمان بدنام گردد و کتان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که در خواب مال حلال بود و بقدر  
آنکه دیده باشد و منفعت که از منبیه باشد چنانکه در حرف جیم یا در و نیم جامه کتان در خواب مبارک بود و اگر بیند که تخم کتان بخورد  
و دلیل که مالی تمام حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کتان در خواب بر سه وجه بود یکی مال حلال دوم منفعت سوم  
گفت در خواب بختی مرد و جمال وی بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گفت وی درست بود و دلیل بر بختی مال و جمال  
و اگر گفت شکسته و ضعیف بود تا و بیش خلاف این بود که کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر گفت یا درست و قوی بیند امانت گذارد و  
ضعیف بیند امانت گذارد و ماند و اگر گفت های وی مردی بسیار بود و دلیل که امانت و حق مردم در گردن او باشد و اگر گفت یا غریبی



بسیار

دلیل که بقدر آن مال دزدی او را حاصل شود و اگر بیند که با گریه جنگ میکرد و گریه او را بخارشد و دلیل که بیمار شود و اگر گریه را فراموش کرد  
که از بیماری شفا یابد و اگر به او را بگریه دلیل که بیماری بروی دراز گردد و بعضی از معتبران گویند که بتأویل خادم بود و انبیا علیهم السلام  
گویند کسی نباشد که گریه بخواب بیند بعد از صبح الا شش روز بیمار شود و اگر بنده بخواب بیند که گریه بدو نشود و شیرویی بخورد  
و دلیل که از در و دروازه خان که آزادی یافته باشد زنی را برنی کند و اگر آزادی بیند که شیر گریه بخورد و دلیل که او را با کسی صحبت  
افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن گریه در خواب بر صفت وجه بود یکی از دو دم غماز سوم خادم چهارم پیا  
چشم زنی شفق ششم حسود هفتم جنگ ضحوت که تبه جائه کوتاه باشد که مردم از او طلق خوانند و پوشیدن آن در خواب  
توت و سفر بود و اگر تبه وی بسوزد از مردی پناه و قوت یابد این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که گریه سستی  
بود دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد و اگر بیند که گریه زرد پوشیده بود دلیل بر بیماری بود و اگر بیند که گریه کبود پوشیده بود  
و دلیل که او را مصیبت رسد و اگر سرخ بود دلیل که بخت نیا مشغول گردد و اگر تانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گریه  
بر ششیم پوشیده بود دلیل که از مردی بزرگوار شرف و بزرگی یابد اما در این ضعیف بود و اگر بیند که گریه بیخست  
یا ضایع شد دلیل که در پناه و قوتش نقصان شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید پوشیدن گریه در خواب بر چهار  
وجه بود یکی قوت دوم پناه سوم سفر چهارم نظام کار با گریه این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گریه جزئی  
ملک او بود و نشست دلیل که بقدر آن او را مال حاصل شود و اگر بیند که میان آسمان و زمین گرد جمع شده بود دلیل که  
پوشیده در آن وضع بود که از آن چگونه بیرون آید و اگر تانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که روی او را کوه بود و دلیل که او را  
برنج و عقوبت رسد و اگر بیند که گرد و خاک بر زمین که ملک او بود نشست دلیل که بقدر آن مال و خوشه یا جعفر صادق  
رضی الله عنه گوید که در خواب دیدن برسته وجه بود یکی مال دوم بلا و فتنه سوم عقوبت و حق تعالی گردن و انبیا علیهم السلام  
گوید گردن در خواب جایگاه امانت و جای دین بود و اگر بیند که گردن آن معتبر شد دلیل که او را قوت در امانت گذاردن  
و صلاح دین و نگاه به شهن دینت بود و اگر بیند که گردن او کوتاه و ضعیف بود دلیل که در امانت گذاردن عاجز بود  
و اگر بیند که ماری در گردن وی حلقه شده بود دلیل که زکوة مال نداده و تالی سید طوقون و یا بخوابد به یوم  
القیمة اگر بر گردن خود گردانی بیند بی آنکه چیزی برگردان داشته باشد دلیل که بیمار شود و اگر باری برگردن خود بیند  
و هیچ گردانی پیدا نبود دلیل بر درستی دین و درازی عمر وی بود و اگر تانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گردن وی سست و قوی  
شده بود دلیل که امانت نیکو گذارد و کادش قوی گردد و اگر گردن خود دراز بیند دلیل که امانت گردن وی دیر بماند  
و از گواهی دادن خود باز بماند و اگر گردن خود کوتاه بیند دلیل که امانت از گردن خود زود دور کند و اگر گردن خود سیاه  
بیند دلیل که در امانت خیانت کند و اگر گردن خود شکسته بیند دلیل که از خود باز ماند و در دین وی خلل افتد زیرا که امانت  
بزرگتر از دین نیست و اگر گردن خود را کوتاه بیند دلیل که در امانت خیانت کند و اگر گردن خود هموی بیند دلیل که او را

از جهت

از جهت امانت گذاری و احمی افتد و اگر موی از گردن خود بستر و لیل که وارش گذارده شود و اگر گوشت از گردن بریده بماند  
 و لیل که مال کسی با وی بود و ضایع شود و اگر گردن خود را کتفه بزند و لیل که مالی در پیش وی نهاده باشد خیانت کند مغربی رحمة  
 الله علیه گوید اگر بینه که گوشت گردن وی میخورد تا ویش بخلاف این بود اگر بینه که برگردن کسی نشسته بود و لیل که بر دشمن  
 طغریا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گردن در خواب برنج و جبه بود یکی امانت و دوم توانائی سوم خیانت چهارم  
 و ام پنج بیاری گردن بنده این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بینه که گردن بنده از مراد یوسفید داشت و لیل که بی بی سحانه  
 و تعالی عزوجل او را علم و کلام خود و زنی گردانده و هر چند که جوهر گردن تو تیر بود و علم و دانش او بیشتر بود و کفایتی رحمة الله  
 علیه گوید اگر بینه که گردن بنده می از زربود یا از سیم مرصع بگوهرهای گرانباه و لیل که بقدر آن شرف و بزرگی یابد و باشد که  
 امانتی در گردن گیرد و اگر گردن بنده و دراز شد و لیل که امانت بگذارد و اگر کوتاه بود تا ویش بخلاف این بود مغربی رحمة الله  
 علیه گوید اگر بینه که گردن بنده خود بجا هر مرصع کرده بود و با مرصعه در گردن داشت و لیل که جاهد و ولایت یابد و اگر گردن  
 بنده می دراز بود و غیل که منزلت یابد و اگر کوتاه بود تا ویش بخلاف این بود و اگر بینه که گردن بنده می بسیار داشت  
 و لیل که در علم بسیار کامل شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گردن بنده ترین در خواب بر شش و جبه بود یکی  
 حج دوم ولایت سوم جنگ و خصوصت چهارم امانت پنجم معالجت ششم کینک و هم او گوید گردن بنده ترین حج باشد  
 و از آن سیمین کینک گردن زدن این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بینه که او را گردن زنده و سرش از تن جدا شد اگر بینه  
 بود و لیل که از او شود و اگر بسیار بود شفا یابد و اگر و ام و او وارش گذارده شود و اگر خوف دارد و این گردن و اگر کار و موی  
 شود و اگر بوقت گردن زدن سرش از تن جدا شد تا ویش بخلاف این بود و اگر آنکس که گردن زد و معروف باشد بخیمه ناکه  
 گفته شد از گردن زنده بدور سد و اگر گردن زنده کوک و نابالغ بود و لیل که اگر بسیار بود و میرد کفایتی رحمة الله علیه گوید اگر آنکس که  
 گردن او زده شد رست است و از او توانگر بود و لیل که از نیک بختی به بد حالی افتد و مال لغتش نماند و در ویش شود و سرخ  
 کار با ملک شود و علی الجمله گردن زدن در خواب مرد و ایشان و خداوندان محنت را نیک باشد و مرادو اگر آن و خداوندان  
 نعمت را بد باشد که در خواب مال نهان کرده باشد که بیاید و خرج کند و اگر بینه که کرده بخته یا بریان کرده بسیار داشت  
 و لیل که بقدر آن مال نهان کرده بیاید و اگر کرده از جانوری که گوشت و حلال بود و داشت و لیل که بافتن مال حلال بود و اگر  
 از جانوری که گوشت و حرام باشد و لیل که مال حرم بود کفایتی رحمة الله علیه گوید که در خواب مال نهان کرده باشد  
 و بعضی تخمین گویند که کرده در خواب فرزند بود بسبب آنکه مایه فرزند می است و از او بوجود می آید اسمعیل اشعث رحمة الله  
 علیه گوید اگر بینه که کرده است و پخته میخورد و لیل که از موی زرد و اگر مال یابد و اگر بینه که کرده گاوداشت و لیل که  
 در آن سال با نخیست حاصل کند و اگر کرده کو سپند داشت و لیل که در آن سال با نخیست حلال یابد و قبل دشمنی اگر بینه که  
 کرده های غلام میخورد و لیل که مال حرام یابد و اگر کرده های بخورد و آنچه گفتیم که در گردن این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بینه

بزرگی

بزرگی

بزرگی

بزرگی

بزرگی

برگردون نشسته بود و گردون نیک میرفت دلیل که شرف و بزرگی باید و اگر بیند که گردون بی کاوان ایستاده بود و او در گردون بود  
 و دلیل که در پنج و هفتی و چهارمی افتد و اگر بیند که پادشاه از گرد و نهایی خود گردونی بدو داد و دلیل که از پادشاه منزلت و بزرگی باید  
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گردون در خواب دلیل بر بخت و وجه بود یکی ولایت دوم عز و جاه سوم مرتبت چهارم  
 بزرگی پنجم سبب ششم غری میفتم هفتم آسانی فد کا را اگر سنگی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر سنگی در خواب بهتر از سیری  
 بود و سیری آب بهتر از شنگی بود و اگر بیند که گرسنه شده بود و چیزی نداشت که بخورد و دلیل که حرص و آزمزش در مال دنیا کمتر باشد  
 مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که گرسنه بود و دلیل که بقدر گرسنگی او مصیبت بود و اگر بیند که گرسنه بود و چیزی خورد و سپهر شد  
 و دلیل که از گناه توبه کند و اگر آنچه خورد و بطعم شیرین و خوش بود و دلیل که بر توبه ثابت قدم بود و اگر ترش و ناخوش بود و دلیل که بر توبه  
 ثابت قدم نماند و توبه بشکند و بر مصیبت رود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر سنگی در خواب بر چهار وجه بود یکی حضرت دوم  
 حرص و آزم سوم مصیبت و گناه چهارم طمع داشتن بر دم کرسی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید دیدن کرسی بجا علم است  
 و از راه عز و چنین واجب کند که از توبه تبارک و تعالی جل و علا در کلام قدیم بیان فرموده است و سع کسینه السموات  
 و الارض ابن عباس رضی الله عنه گوید وسیع یعنی علم و ابراهیم کرمانی رحمه الله علیه گوید کرسی عاقل و قدرت خداست و کرسی  
 و بعضی از متبحران گویند تاویل کرسی آن بود که کامل و عاقل باشد مغربی رحمه الله علیه گوید تاویل کرسی امام مطیع بود یا زاهد یا که تقوی  
 بحال دارد و یا پادشاهی حاصل و پیر میر کار و اخوانی و انچه که در اخبار آمده است دلیل که اهل دین و علما را نیک بود و میننده خواب  
 از سلطان عادل خیر و نیک بیند و مالش زیاده گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر کسی در خواب بر شش وجه بود یکی عدل  
 دوم انصاف سوم عز و شرف چهارم مرتبت پنجم ولایت ششم قدر و جاه و اگر کسی بیند که بر آسمان بکری نشسته بود و دلیل که کار او  
 بالا گیرد و قدر و مرتبت و جاه یابد و بهمه مراد با برسد و در میان مردم بزرگ و عزیز و مکرّم شود و عدل و انصاف در میان خلق  
 پیدا شود و اگر این کرسی که در و در میسازد و در خواب بیند و دلیل که زن باشد و اگر بیند که کرسی بزرگ و پاکیزه نشست و بر پشت  
 و دلیل که زن خواهد و از آن مال و نعمت حاصل کند و اگر بیند که بر کرسی نشست و دلیل که دختری و شیرینه بخاهد و اگر بیند که در زیر  
 بروی کرسی نشست و دلیل که زن وی همیرد و اگر بیند که کرسی وی کوچک و کسینه بود و دلیل که زن وی درویش و حقیر و ورمانده بود  
 و اگر بیند که کرسی داشت اما بر پشت و دلیل که از بهر خدمت کردن زنی بخانه آورد و کرفس ابن سیرین گوید اگر کسی بخوابد  
 که کرفس بخورد و بوقت خود بود و دلیل که غمگین شود و بعضی از متبحران گویند که خیزی کرده خورد و اگر بیند که کرفس داشت انچه  
 آنچه گفتیم کمتر بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید کرفس در خواب بر سه وجه بود یکی غم و اندوه دوم خصومت و گفتگوی سوم خوردن  
 چیزی کرده و کرفس مرغی بود بقدر که بوز و تاویل آن بزن کنند اگر کرفس در خواب بیند و غریب بود و دلیل که زن کند و اگر نزدیک  
 خورد و اگر بیند که از دست دی پرید و دلیل که زن از طلاق دهد و اگر کرفس دارد و بگریزد و اگر بیند که او را بگشت و گوشت او بخورد و دلیل که کفر  
 آن میراث زن یا بد که کس ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کس مستر مرغان بود و قوی و تیز بین و در عمر از مرغان بود و اگر بیند که



در خواب

داشت دلیل که از روی بزرگ منفعت و بزرگی باید و از پادشاه مال و خواسته حاصل کند و اگر تاجران یا بریان گوشت که کس است  
 همین تاویل دارد و گمانی رحمت الله علیه گوید که میند که کس را در گرفت و در خواب و نزدیک آسمان رسید دلیل که میند  
 و از آن سفرهای نعمت بسیار حاصل کند اما دین وی بفساد بود و بسبب آنکه فرو و بکر کس آسمان بر رفت و اگر میند که کس را و  
 از بهر این که بخند یا خوار و چنگال کس بنفتاد و دلیل که از شرف و بزرگی بیفتد و کارش خراب شود و اگر میند که کس را و آسمان  
 برود و اینجا مقیم ماند دلیل که بسفر رود و در آن سفر میرد و اگر مقیم نشد و باز بر زمین آمد از پادشاه بزرگی باید و اگر نه از اهل پادشاه بود  
 یا از اهل و خویشان خود بزرگی باید و اگر کس بی چنگال در خواب دیدن فرشته بود زیرا که فرشتگان حلقه العرش بصورت کس  
 و اگر میند که کس بی بالای سر وی شکار میکرد و دلیل که میند خواب باز گمانی کند و اگر میند که با کس جنگ میکرد و او بر کس  
 غالب شد دلیل که با موی بزرگ خصوصیت کند و موی غالب شود و اگر بخلاف این میند دلیل که دشمن او را قتل کند و اگر در خواب  
 بچه کس میند اگر زن دارد و دلیل که او را فرزندی آید و اگر زن ندارد و دلیل که دختری و و شیر بزرگ کند و اگر میند که کس بر کس  
 شسته بود و دلیل که او را بر و ار کنند و آنیال علیه السلام گوید اگر میند که در آن کوچه کس فرو آمد و دلیل که پادشاهی بهمان کوچه فرو  
 آید و اگر میند که در آن کوچه کس را بکشند و دلیل که پادشاه آنجا بر سرزول گردد و یا هلاک شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید  
 کس در خواب بر شش وجه بود یکی بزرگی و دوم فرمان روائی سوم زیادت چهارم ثناء و ستایش پنجم مرتبت ششم امر بهی  
 کردن گرگ ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که اگر در خواب پادشاه دروغ زن متکرر بود و اگر میند که با کس جنگ و نیز میگردید  
 که او را با پادشاه یا کسی دشمنی بود و خصوصیت کند و اگر میند که شیر گرگ میخورد و دلیل که ترس و بیم رسد یا کاری از وی کفایت شود  
 و اگر میند که گوشت کرک میخورد و دلیل که از پادشاه متکبر تقدیر آن مال باید که گمانی رحمت الله علیه گوید اگر میند که کرک را بخت و دلیل  
 که اهل اسلام از وی روی بگردانند و روی هیچ خیر نباشد و بعضی گویند دشمن را قتل کند و اگر میند که سر کرک بیافت یا کسی ببرد  
 و دلیل که شرف بزرگی باید بقدر وی و اگر میند که کرک در خانه وی درآمد و زبانی انداخت و دلیل که او را از پادشاهی محضرت رسد  
 و اگر میند که زبانی نکند و دلیل که پادشاه جهان او را بد مغربی رحمت الله علیه گوید اگر میند که کرک در دست او بیند که پادشاه اقبال  
 وی فساد کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن کرک در خواب بر سه وجه بود یکی پادشاه ظالم و دوم زن دروغ زن و سوم  
 مخالف ضعیف چنان کرک نداده باشد که مایه این سیرین رح گوید که مایه در خواب بنغم و اندوه بوده و خاشیین شستن شادی و غمی بود و آب گرم نیک  
 و آب سخت گرم بد باشد و اگر میند که در مایه رفت غسل کرد و خود را پاک شست دلیل که از پنج و فکر سنگاری باید و اگر میند که در مایه رفت  
 خود را نشست و دلیل غم و اندوه بود که بدلی رسد بسبب آن که گمانی رح گوید اگر میند که در مایه رفت و آب گرم خورد و دلیل که از پنج و فکر سنگاری باید و اگر میند که در مایه رفت  
 او را دین شود و اگر غلغله بود و اگر جای بود شفا باید و اگر و اتم دارد و او را شگزار شود و اگر میند که تو اگر هست ازین  
 چیز که گفتیم خالی ماند نیز در مالش نقصان شود و اگر میند که آب بخورد و دلیل که کارش تمام نگردد و مخری رحمت الله علیه  
 علیه گوید اگر میند که مایه رفت و دوست و روی و سروتن را بشت و بیرون آید و دلیل که از غم بیرون آید و اگر میند که در کوچه یا

ست

سجده

و اگر

و اگر

و اگر

و اگر

و اگر

و اگر

خانه که با بود و دلیل که در آن مقام نمی بود پس پدید آمد و اگر بیند که بر ما به شد بی آنکه بشنود محتاج بود و دلیل که نگین و ام و ار شود و اگر  
بیند که در کر ما به جائه او و زو بر و او برینه با ند و دلیل که بسبب کاری نگین و رسوا شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که اگر  
در خواب بر شش و جبهه بود یکی زن دوم غم و اندوه سوم دین چهارم نا کاری پنجم دوست ششم وام و کر ما به بان تا و زن  
بود و بعضی می خزان گویند که خدا ی سرای بود که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کر ما به بان میگرد و بود و دلیل که زن نخست خواب  
زن مشغول شود و اگر زن بود و دلیل که شهری بدین صفت کند کر ما ان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب ببیند که کر ما ان بسیار  
در شکم وی شدند و طعام در شکم می خورد و دلیل که عیالان و دیگران مال گیری خواهد و اگر بیند که کر ما ان درازد و نش می افتاد و ندین  
بر تن و جائه وی کر ما ان بسیار بود و دلیل که مال عیال حشمت بسیار او را حاصل شود و اگر بیند که کر ما ان از تن خود بر زمین بی  
افتد و دلیل که عیالان خود را از خود دور کند و تیار نشان نداد و کر مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بعضی از اندامهای  
او کر ما ان خورد و دلیل که عیالان مال وی خورد و اگر بیند که از کر ما ان تن و یا امضرت میرسد و دلیل که او را از عیالان برنج و مضرت  
و اگر بیند که از سوراخ بینی یا از گوش یا از دهن و یا از مقعد گرم بیرون می آید و دلیل که بقدر آن مالش با عیالش زیاده است و اگر بیند  
که کر ما ان از تن وی می افتاد و ندوی مرد و دلیل که عیالان وی بکالت شوند یا زوی جدا گردد و اگر بیند که کر ما ان بسیار از چوب خانه وی  
و غیره بر میرفتند و دلیل که بقدر آن مال و خدم و حشم او را حاصل آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید و بدین کر ما ان در خواب  
وجه بود و یکی عیال دوم خدم و حشم سوم مال و خواسته کره افکندن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر میان کره افکند  
و دلیل که از کار می که دور بود بران بکجه کند و اگر بیند که کره میان باز کشد و دلیل که بر آنکار اعتماد نکند و اگر بیند که چیزی محکم بر بست  
و کره و دلیل که روز کاری در شغل آنچه بسته باشد چنانچه کشودن بنزد وی نتواند اگر آنچه تعلق بدین دارد و یا دنیا کر مانی رحمة الله  
علیه گوید بدین کره در خواب دلیل بر بستگی کار با کند و هر چند که کره سخت تر بود بستگی کار او سخت تر بود و اگر بیند که کره بسته بود  
نتوانست دلیل که کار وی بسته باشد کره و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در جانی کره است یا تن خود را بچیزی کره  
و دلیل که از کسان بسیار بر تن خود می رسد که کره است و اگر بیند که عیال و فرزندان خود کسی که او را و دلیل که بروی تن او  
کند و اگر بیند که خود را پیش کسی که او را و دلیل که آنکس مظلوم باشد و باشد که کسی بروی تن کند کر مانی رحمة الله علیه گوید اگر  
که خود را بگوید و دلیل بر فساد دین کند کل نفس بها کسبت و هینة و اگر بیند که چیزی از متاع دنیا پیش کسی که او  
و دلیل که با کسی از بهر متاعی گفتگو کند مضرت یاد کرد و به ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که او را داشت و دلیل که نگین  
و متفکر شود و اگر بیند که کره به سجود و دلیل که با کسی جنگ و خصومت کند و ندوی بوی رسد زیرا که بطعم تلخ و ناخوش بود و چو  
تلخ و ناخوش باشد و تاویل غم و اندوه بود و کر بخت ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که بخت و خواب رستگاری بود و کر  
کسی خواب ببیند که از دشمن یا از جانوری که زنده میگرد بخت و دلیل که از شر و خوف امین گردد و بر خصم مظلوم شود زیرا که  
علیه السلام در خواب دید که از قرقون علیه السلام میگرد بخت پس از شر قرقون رستگار شد و سر انجام بروی غافل گشت

گوید اگر بیند که از دشمن پنهان میگریخت چنانکه دشمن او را میدید دلیل که متفکر شود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در  
 میگریخت دلیل که او را از بزرگی شمت رسد قوله تعالی **يَوْمَ تَوَدُّ كُلُّ نَفْسٍ أَنْ تَكُونَ هَلْ كُلُّ مُرْسِعَةٍ عِندَ أَوْصِيَّتِ** اگر بیند  
 که مردمان از زمان میگریختند اگر زمان مصلح و پارسا بودند دلیل که بد باشد و اگر مفسد بودند نیک باشد جعفر صادق رضی الله  
 عنه گوید اگر بخفت در خواب شنای بود چنانکه با نیک مصیبت اندوه بود و اگر مضع کر سیتن اگر بیند که از سیتن بر روی وی  
 نشان بود دلیل که بد و از نیک و از طعنه زنند که تانی رحمه الله علیه گوید اگر سیتن در خواب شادی بود و آمرزش از حق سبحانه و تعالی  
 اگر در خواب بیند بر گناه گریست یا در مجلس علم یا در قرآن خواندن و آنچه بدان ما دلیل که بر کرم باری تعالی باشد که بفضل خود  
 بروی رحمت کند و کنایان وی عفو کند و اگر بیند که میگریست و اشک از چشم وی می آید دلیل که ناکردن از کاری گذشته  
 حسرت خورد و توبه کند و اگر از بر مصیبتی میگریست که کرده است بی نوحه و زاری دلیل که شادی و غمی بیند جعفر  
 رضی الله عنه گوید اگر بیند که میگریست و بعد از آن بخندد دلیل که اجلش فرا رسیده باشد قوله تعالی **هَؤُلَاءِ صَاحِبَاتُ** و آنکی  
 گری در خواب درویشی و بد حالی و فرو بستگی کار با بود این سیرین رحمه الله علیه گوید گری در خواب تباهی و غم و اندوه  
 و کار با بروی بسته گردود و مردوش بر نیاید قوله تعالی **صُمٌّ بُكْمٌ عُمْهٌ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ** اگر تانی رحمه الله علیه گوید گری در  
 خواب لیل بر نیوانی و بستگی کار با کند و اگر بیند که گوش وی بشنود دلیل که کار بسته بروی کشاوه شود و بد و کام دل  
 و از رحمت تعالی نصیب بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید گری در خواب بر چهار وجه بود یکی درویشی دوم تباهی دین سوم غم  
 و اندوه چهارم بستگی کار با و نامرادی که در خواب مردی سناغی و بخیر بود و بعضی از متبحران گویند وین که در خواب بوی حلال باشد  
 که بی منت خلق بد و رسد قوله تعالی **وَأَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ وَالتَّوْحِيدَ** اگر بیند که از انگبین بسیار درشت و بخور و بوی ناز و  
 که مالی حلال بوی رسد و از آن خیر بیند و اگر بخلاف این بیند دلیل که از آن مال خیر و راحت بوی رسد که از انگبین سیرین رحمه الله  
 علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که از انگدی پوشیده بود و دلیل که زنی بخوابد و بر دشمنان چیره گردد و اگر از خواب بی بیند دلیل که شوهر  
 و از شوهر خیر و نفع بیند مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که از انگدی پوشیده بود و دلیل که زنی توانگر و پارسا بنی کند و اگر بیند که از  
 سیر پوشیده بود و دلیل که از زن مصلح و دیندار بود و اگر بیند که از انگدی مسخ پوشیده بود و دلیل که زنی معاشه و حطب دوست بود و  
 قرآن سپاه پوشیده بود و بیننده قاضی یا خلیف بود و دلیل که نیک باشد والا بد باشد اگر قرآن نوب و دلیل که از زن محصنه  
 بود و اگر قرآن کند که سینه بود و دلیل که از زن پلید و با کار بود و کثرت ابر سیرین رحمه الله علیه گوید که در خواب شمنی ضعیف بود که مرد  
 و دوست و دشمن نزد او چنان است اگر کسی بخواب بیند که کثرت ابر بگیرد و دلیل که دشمن او را سخت گوید و از آن رنجور دل شود و  
 بیند که کثرت ابر بخت و دلیل که بر دشمن ظفر بد و اگر بیند که بعد از کشتن کثرت ابر زنده شد و باز قصه وی کرد و دلیل که بعد ازین  
 بر دشمن ظفر بد و دیگر باره دشمن قصه کند و اگر بیند که در دست او کثرت ابر بود و دلیل که او مردم آزار بود و از پس هر مرد بد گوید  
 مرد را و دلیل که از آن زود فتنه گیر و اگر بیند که کثرت ابر میان کرده میوز و دلیل که بعد از آن مال دشمن خورد و اگر بیند که کثرت ابر

و بان نهاد و بخور و دلیل که دشمن را بخانه وارد و با وی بجایست و خفت و خیز کنند و اگر بیند که کزوم در درون جامه و پشت همین  
 تاویل دارد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که از کزوم ترسید و کزوم او را بیدار کند و دلیل که از دشمن بگریزد و بعضی از تعبیران گویند  
 بازن جماعت نتواند که کند و اگر بیند که کزومی در پیراهن وی بود و دلیل که از دشمن باور حضرت رسد و اگر بیند که در شلوار وی  
 کزوم بود و دلیل که دشمنی با عیال وی یا با کنیزان وی فساد کند و جعفر صادق رضی الله عنه گوید ویدن کزوم در خواب بر  
 وجه بود یکی دشمن در دم حاسد سوم سخن چین کزوم خواره این سیرین رحمه الله علیه گوید کزوم خواره در خواب چنانچه  
 که در خورستان در میان آب می باشد و دوم بزمین می کشد چون کسی زخم آن پیشور حال هلاک شود و گمانی رحمة الله علیه  
 ویدن کزوم خواره در خواب دشمنی باشد با خود و حلیم و آرمیده و فروتن و شیرین سخن و در دشمنی صعب بود و اگر بیند که  
 کزوم خواره او را بگیرد و دلیل که از چنین دشمنی که صفت کردیم بیا محنت بدو رسد و اگر بیند که او را از کزوم خواره گزندی  
 نرسید و دلیل که از دشمن ایمن گردد و اگر بیند که چیزی مانند کزوم خواره بود و از او می ترسید دلیل که اگر کسی اندیشه دشمنی دارد  
 و او نه دشمن وی باشد کز این سیرین رحمه الله علیه گوید کزوم در خواب غم و اندیشه بود اگر کسی خواب بیند که کزوم خواره  
 و دلیل که اندوه بسیار بوی رسد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کزوم شیرین بود و دلیل که غم و اندوه کمتر باشد و اگر کزوم  
 گوشت پخته باشد و دلیل بر منفعتی بود که برنج و سختی بدست آید و بعضی تعبیران گویند خورون کزوم در خواب بیماری بود و اگر  
 کزوم بریان بیند هم نیک نباشد و بهتر آن بود که بگوشت پخته بود و کزوم بریان این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بیند  
 که کسی او را بیدار کند و دلیل که مهر و هوای آنکس در دل وی زیادت گردد و اگر بیند که کسی او را خشم و کینه ببرد و دلیل که بقدر آن از وی زیادت  
 برسد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که او را خمری ببرد و دلیل که کارش از خست و خطر بود و اگر بیند که او را بگریزد و دلیل که او را  
 از سفر زیان برسد و اگر بیند که او را بگیرد و دلیل که او را شال حضرت بید و گزیدن جمله ردگان در خواب چهار وجه بود  
 یکی حضرت دوم دشمن بیوم خصومت چهارم جاه و مال کشتی گرفتن این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که با کسی کشتی  
 و آنکس او را بیدار خفت دلیل که حال و نیکی گردد و بر آنکس غالب شود و اگر بیند که خود بیفتاد و تا ویش بخلاف این بود و اگر هر دو  
 قایم بود و دلیل که احوال هر دو در خیر و شرمناکه باشد اما بظاهر مایه بد و دوستی کنند کاسنی این سیرین رحمه الله علیه گوید خورون  
 کاسنی در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که کاسنی بوی دادند و بخور و دلیل که اندوگین شود و مغربی رحمه الله علیه گوید خورون کاسنی در خواب شرم  
 و خصومت بود و گشت و زار این سیرین رحمه الله علیه گوید گشت و زار در خواب توکل بخداست عاجل علما بود و روزی حلال طلب کردن و یکی  
 و نیز مردی فاضل و نیک مظهر باشد و اگر بیند که از بهر تخم کشتن زمین بکافت و دلیل که خیرات و صدقات کند و استادان این صنعت هستند  
 گویند اگر بیند که کاش و زری میکرد و دلیل بر بیماری بود و گمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که زمین بکافت و تخم می انداخت و بازش جمع میکرد  
 دلیل که بزرگی و جاه و نعمت یابد و اگر بیند که کشته بود و بازش بخور و از آنکه گفتیم بهتر و نیکوتر بود و اگر بیند که از آن کشته چیزی حاصل نشد و بازش  
 که بازش بکوبد و دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که کند می کشد و دلیل که از پادشاه خیر و نیکی بوی رسد و اگر بیند که جو می کشد و دلیل که از

تعبیر

تعبیر

تعبیر

تعبیر

تعبیر

تعبیر

مال بسیار حاصل شود و اگر میند که کا ورس میشت دلیل که مال اندک یا بد و انیال علیه السلام گوید اگر میند که در زمین خود تم نمیکشت دلیل  
 که زن خود و کارش ساخته گرد و اگر باز کار فی زمین خود ناکشته میند دلیل که زبان بند یا کسی خصومت کند و اگر میند که بجایگاه مجرب  
 زمین پیشگفت و تم نمی انداخت دلیل که بر فراز صدقات و خیرات کردن راغب بود و اگر در زمین خود که ملک او بود کشت میند دلیل  
 نسبت بروی فراخ گرد و اگر گندم یا جو درخت در زمین خود کشت دلیل بر عود جاه کند بقدر آنکه کشته باشد بود و جعفر صادق رضی الله عنه اگر کسی  
 در خواب بر سرخ وجه بود یکی روزی حلال طلبیدن دوم خیر و منفعت سوم بهاری چهارم عود جاه پنجم معیشت کشته زار این سرین چو شمشیر  
 علیه که کشته رسوخین معروف بود و در جای معروف بوقت خوب میند دلیل بر فرزندان مرد بود و اگر میند که کشته همی در وید که  
 مردم در جنگ کشته شوند و انیال علیه السلام گوید اگر میند که در کشته زاری معروف بود دلیل که عمل کند که در دین و دنیا نیکو باشد و اگر میند که  
 گرد و در وید و در خرمن نکند دلیل امیدی که دارد بر آید و اگر میند که در میان کشت زار میرفتن دلیل که با غایبان بغیر او و سفری میشت  
 علیه که کشته و در خواب دلیل بر ضرب و خصومت بود و بعضی از متبران گویند اگر میند که در میان کشت زار رفت و میسر بر سر رسید  
 دلیل که در میان مصلحت دو و اگر میند که آتش در میان کشت زار افتاد و بود و همه بسوخت دلیل که در اندام با خط پیدا شود و اگر میند که  
 کشت زار خود را آب میداد دلیل که کاری از دست وی بر آید که دنیا و عقبی بر منفعت دهد و اگر میند که آتش میاید و کشت ویرا سوخت  
 دلیل که او را زاپا و شته حضرت رسد و اگر میند که در میان کشت زاری رو و بزرگ می آمد دلیل که در اندام با خط و تنگی پیدا شود و اگر میند  
 که از خوشی شمای گندم و انما بر زمین می افتاد و دلیل که بقدر آن خداوند کشت زاریان رسد و اگر نداند که آن موضع از آن کیست دلیل که از آن  
 آن بخداوند خواب بود و قوله تعالی **لَا تَأْكُلْ أَمْوَالَكُم مِّنْ بَيْنِكُمْ أَلَّا تَكُونُوا تَارِكِينَ** اگر کشت زار در وقت خویش سر میند دلیل  
 و اندام با نعمت فراخ گرد و اگر زمین ملک او بود دلیل که حاجتش بر و اگر دو و اگر بوقت خویش کشته زار در و خوشه بخانه بر و دلیل که  
 بود و اگر میند که در میان کشت زار با یاران میرفت دلیل که بغیر او و جعفر صادق رضی الله عنه گوید کشت و رویدن خوشه رسیده  
 خواب بوقت خود دلیل بر نیکویی و منفعت کند چون نارسیده و سبز بود دلیل بر با و بیماری بود و همچنین اشرف رحمه الله علیه  
 کشت و رویدن بوقت خویش دلیل که امر خدا تعالی بجای آورد و توفیق یا بد تا مخرج درویشان خیرات کند قوله تعالی **وَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا**  
**يَوْمَ يُخْرِجُ النَّاسَ فِي صُفُوهِهِمْ لِكُلِّ فِرْقَةٍ حِمْلًا** اگر این چیز که میدید و میدو و دلیل که عاقبت کارش محمود باشد کشتن این سرین رحمه الله علیه گوید اگر میند که  
 کسی را بکشت بی آنکه سرش برید و دلیل که از مردی توانگر خیر و نیکوئی بوی رسد و معبران گویند که کشته بر کشته ظلم اندیشه و اگر میند  
 که وی را بکشتند و دلیل که عمرش دراز بود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر میند که کسی ویرا بکشت دلیل که خیر و منفعت میند و اگر میند که  
 گردی او را بکشتند و دلیل که عمرش دراز بود و از سلطان خیر و منفعت بد و رسد قوله تعالی **وَمَنْ قَتَلَ ظُلْمًا مِّمَّا**  
**فَقَدْ جَعَلْنَا لَوَلِيِّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ** و اگر میند که کسی را بکشت و دلیل که عاصی و ظالم باشد و حق تعالی  
 جل و عا کسی را بکشد و او را بر بخاند قوله تعالی **وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ** و بعضی گویند که ستم بر فرزندان بر باب خود نباشد  
 باشد و اگر میند که کسی را بکشد و آن ترقی روانند دلیل که بقدر آن مال بد و اگر تن خود خون آلوده میند و دلیل که از مال خود چیزی بجا

در خواب

و در اگر میند که خون روان شد و دلیل که دین کشنده برود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر میند که ستوری یا چیزی از خشت و گشت  
 و دلیل که بر جسم خود نظر نماید و کسیکه بران حسن منسوب باشد قهقند و کشنده و غن آلوده و دین غدار و سید اگر باشد کشتی و آتیا علی  
 گوید کشتی و دین در خواب غم و اندیشه بود و یا زندان یا کاری کند که از آن رنج و بلا بد و رسد خاصه که از دریا کشتی بیرون نیاید  
 یا کشتی در دریا فروماند و در این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بنشیند که در کشتی بود و سبب است از آنجا بیرون آمدن دلیل که از  
 رنج برده قوله تعالی فَاَجْتَمِعْنَاهُ وَمَنْ مَّحَصَّنَا فِي الْفُلَانِ لَمْ يَنْجُ الْفُلَانِ اگر میند که بدریا کشتی ملاک شد دلیل که بدست قومی ملاک  
 شود و اگر میند که کشتی وی زمین بماند دلیل که در رنج و بلا گرفتار شود و در سنگاری ویر دست دهد و اگر میند که کشتی غرق شد و او بستاند  
 بماند دلیل که هلاک شود و او سلامت بماند و اگر میند که کشتی شکست بخورد غرق شد دلیل که مصیبت عظیم کند که بدو رسد و اگر میند که در کشتی بر جای بنشیند  
 و کشتی در میان آب میرفت دلیل که او را زنا یا شاه و بزرگان قری و بزرگتر پیدا شود و اگر میند که در میان دریا کشتیها و کازیرفت دلیل که بسفر رود  
 اَلْجَوَارِ الْمُتَشَاهِرَةِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَاقِ و اگر میند که کشتیها ایستاده بودند و دلیل که در سفر رود و اوین بماند بلکه در سفر مقیم شود و اگر  
 که در کشتی نشسته بود و بادی خوش می آمد و کشتی را خوش میبرد و دلیل که از غم و اندوه فرج یابد و اگر میند که کشتی بستاند و در او زهر جان بماند  
 کشتی موج می آمد دلیل که او را سختی پیش آید که بیم ملاک وی باشد قوله تعالی وَجَاءَهُمُ الْكَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ اگر میند که کشتی از  
 پیش میرفت و او نتوانست رسیدن دلیل که در کاری دشوار افتد و عاقبت خلاصی یابد قوله تعالی فَاَجْتَمِعْنَاهُ وَاصْحَابُ السَّفِينَةِ  
 اگر میند که در پهلوی کشتی در دریا رفت دلیل که بسفر رود و او را منفعت بسیار حاصل شود و قوله تعالی لَكُمْ الْفُلَاكُ فِي الْبَحْرِ  
 لِيَتَّبِعُوا وَفَضْلُهُ اگر میند که در میان کشتیها چیزی نبود و فهمی میرفتند و دلیل که پادشاه رسول از بجای فرستد و اگر میند که تپا  
 غرق شد و دلیل که آن رسول از بازماند و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر میند که کشتی بدریا غرق شد و دانست که آن کشتی ملاک بود  
 و دلیل که او را ملاک اندیشه نبود و اگر میند که در کشتی نشسته بود و او را پادشاه میترسید دلیل که مقرب پادشاه شود و بعد بزرگ کشتی او را منفعت رسد  
 و اگر در کشتی بر نشسته بود و دلیل که او را زنا یا شاه و بزرگان قری پیدا شود و اگر میند که در دریا کشتیها بجای طوفان آید و دلیل که پیش پادشاه میرفت  
 شود و اگر میند که کشتی در قعر دریا فرو شد و دلیل که او را زنا یا شاه و قوی عظیم باشد و اگر میند که کشتی میرفت تا و طیش خلافین بود دلیل  
 اشفت رحمة الله علیه گوید اگر میند که در کشتی کوچک نشسته بود و در دریا میرفت دلیل که او را غم و اندوه زیادت شود و اگر میند که کشتی در آب  
 روان بود و دلیل که بسفر رود و زو با زاید و اگر کشتی خود را در خشکایستاده میند دلیل که بجاری در ماند جعفر صادق رضی الله عنه گوید  
 و دین کشتی در خواب بر پشت وجه بود یکی فرزند تو و دم پدر تو و دم چهارم مکریم خیم فرج ششم یعنی هفتم عین ششم تراگری کشف  
 ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کشف سنگ ریش را گویند و کشف آبی در خواب دیدن مروی زا به عالم باشد و از صحبت او  
 رسد اگر کسی بخواب میند که کشف داشت یا مخا و در آمد و دلیل که او را با زاهدی صحبت افتد و اگر میند که گشت کشف یا سحر و جادو  
 بعد از آن علم حاصل کند که نامی رحمة الله علیه گوید اگر میند که کشفی در سر کنین وانی بیافت و دلیل که صحبت عالمی رسد و اگر میند که کشفی در سینه  
 جای مغز بیافت دلیل که نابینا شود و بزرگ بزرگان و علما او را حرمت باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کشف در خواب

در خواب

بر سه وجه بود یکی از اهدا دوم مردی عالم سوم مردی صانع ذکر کارما کشکاب ابن سیرین گوید اگر بیند که کشکاب غناست و بخت  
 میخورد و دلیل که او را مالی حلال اندک بدست آید و پنج و خم از اولش برود و اگر بیند که کشکاب غناست خوردن تا ویش از این  
 بود کشمش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کشمش خواب دلیل بر مال و نعمت کند اگر بیند که کشمش داشت یا کسی بود و بخورد  
 و دلیل که بقدر آن خیر و منفعت باشد با آنکه بنده و اگر بیند که کشمش جدا کرد و بخورد اگر عالم بود و دلیل که کشمش زیادت شود و اگر بازرگان  
 بود مالش زیادت شود و اگر تاجری رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کشمش بخورد داشت اگر عالم بود و دلیل که مال زیادت شود و اگر پیشکار  
 بود و دلیل که مال تمام از کسب حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید کشمش در خواب خوردن بر سه وجه بود یکی منفعت دوم  
 مال حلال سوم کسب کشمش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کشمش در خواب دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که کشمش داشت و خورد  
 که بقدر آن اور غم و اندوه بود کعب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید دیدن کعب بخواب تا ویش تمام بود اگر بیند که با کعب بازی  
 میکند و دلیل بر جنگ و خصومت کند اگر بیند که کعب بسیار داشت و دلیل که بقدر آن غم و اندوه رسد و اگر بیند که کعب پای او  
 بشکست و دلیل که فرزند او بمیرد یا غمی بودی رسد که بنا بر آن مناعت بود و کعبین خصوصیت و کبر و جلیلت باشد مغربی رحمه الله علیه  
 بازی کردن با کعبین دلیل بر دشمنی و خصومت بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید کعب در خواب بر پنج وجه بود یکی  
 دوم زن سوم فرزند چهارم مال پنجم گفتگوی قوله تعالی و کواحبنا کرا و کاسا دهها تا اگر بیند که کعب بازی داشت  
 که گوشت وی حلال بود و دلیل بر مال حلال کند و اگر حرام بود بر مال حرام بود کعبه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کعبه در خواب  
 خلیفه بود و نه کسی که قبله وی کعبه بود بر زیادت و نقصان که در کعبه بیند دلیل بر خلیفه بود و اگر بیند که طوطی کعبه میکرد و دلیل بر صلاح  
 وی بود و اگر خلیفه راحت میآید و اگر بیند که احرام گرفته بود و روی کعبه داشت و دلیل بر زیادتی و صلاحیت او بود و اگر بیند که ساری کعبه  
 شده بود و در مردم زیادت میکرد و دلیل که امانت نیکو نگه دارد و حرمت منزلت یابد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر پا و شاه بیند که کعبه  
 بر سرش لیل از خلیفه بزرگی یابد و اگر بیند که کعبه بغیا و یا بائش سوخت و دلیل که احوال خلیفه بد گردد و اگر بیند که کعبه چیزی برگرفت  
 و دلیل که او را از خلیفه فایده برسد و اگر بیند که در کعبه ناز میگذارد و دلیل که از خلفا کارش نیکو گردد و اگر تاجری رحمه الله علیه گوید اصل کعبه  
 ایست و مسلمانی بود و اگر خود را در کعبه بیند و دلیل که از شر دشمن ایمن گردد و در عیالش مستجاب گردد و قوله تعالی و من دخله  
 کان امانا و اگر بیند که روی بجز الاسود و نهاده بود و بوسه میداد و دلیل که حج گذارد و اگر بیند که بزیارت قبر حضرت رسول صلی  
 علیه و سلم بود یا در مقام ابراهیم علیه السلام دید و دلیل که حج رود و سلامت بار آید و اگر خود را بر با کعبه بیند و دلیل که بد مذمت  
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید کعبه در خواب بر چهار وجه بود یکی خلیفه دوم امام مومنان و مسلمانی چهارم بمنی ازیم گفتار  
 در خواب زن داشت پلید و بد کردار باشد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کعبه بسته بود و دلیل که زنی زشت پلید بخوابد و اگر  
 که گوشت گفتار میخورد و دلیل که بروی جا و نکند و اگر تاجری رحمه الله علیه گوید اگر بیند که شکر گفتار میخورد یا از پوست یا از تخم یا از غیر  
 داشت و دلیل که از آن زن فایده یابد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که گفتار یا وی سخن گفت و دلیل که زن با وی زبان بازی کند

جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کفار در خواب بد باشد کچھ ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کچھ در خواب کار فرمای خانه بزرگ  
 اگر بیند که کچھ نو پاکیزه و دشت دلیل که خادم وی پارسا باشد و اگر کچھ کهنه و شکسته بود تا ویش بخلاف این بود و خبری رحمه الله علیه  
 گوید اگر بیند که کچھ وی بشکست دلیل که خادم وی بمیرد یا بیمار شود و اگر ضایع شود یا بسوخت نیز خادم نمیرد و کچھ اشعاع نظام  
 گوید سلاطین و ملوک چون بیند دلیل که نایب وی باشد و انگش که غیر ازین دو بیند دلیل بر خد متکاری خانه و اهل وی باشد  
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کچھ آتش داشت دلیل که او را خد متکاری حاصل شود و اگر انظام کشت یا ضایع  
 دلیل که خد متکاری بر او دیا میرد و کفش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید کفش در خواب زن باشد اگر بیند که کفش نزد داشت  
 و در پای کرد دلیل که زن خواهد یا کینیک خرد و اگر بیند که کفش دیگر در پای کرد دلیل که زنی سیوه بخوابد و اگر کفش سیاه بود دلیل  
 زنی سلیقه کار بود و اگر کفش سبز بود دلیل که زنی محاشه و طرب دوست دارد و اگر کفش زرد بود دلیل بر زنی بیمارگون بود و اگر  
 کفش سپید بود دلیل که زنی خوروی خواهد که زنی رحمه الله علیه گوید اگر کفش از پوست گاو بود دلیل که زنی با اصل بخوابد و اگر از پوست  
 گوسفند بود دلیل که زنی از اصل عرب بود که بخوابد و اگر بیند که کفش از پانی وی بفتا و ضایع شد دلیل بر غم و اندوه بود و اگر  
 بیند و اگر کفش در پای او شک بود دلیل که زن او شاه کار بود و دیگر گویند که کفش کهنه در خواب دیدن بهتر از کفش نو باشد جعفر  
 صادق رضی الله عنه گوید دیدن کفش در خواب بر بخت و جبر بود یکی زن دوم خادم سوم کینیک چهارم خوش بخت  
 ششم مال بقیتم سفر و کفش در خواب مردی بود که قسمت میراث کند کف ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که چیزی در  
 کف داشت و دلیل که بقدر آن چیزی بوی رسد و اگر بیند که کفها و دست بر جمعی سودند دلیل که آنجا عروسی و شادی بود  
 و اگر بیند که کفها او خسته یا ریش بود دلیل که از سفر و تحویل زمانه و اگر بیند که کفهای وی کشاده و قوی بود دلیل بر فراخ دینی  
 بود و اگر بخلاف این بیند دلیل بر نادرادی و تنگ دستی بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کف در خواب بر شش وجه بود  
 یکی دست فراخی دوم مال سوم زیاست چهارم فرزندی پنجم دلیری ششم با زین بگرام در شدن کف در میان ابن سیرین رحمه الله علیه  
 علیه گوید کف در خواب تنفدت از پادشاه یا از مردی بزرگوار بود و کفن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که انهر مرد  
 یا زنده کفن یا بخت اگر انگش معروف بود دلیل که آن انگش بوی برخی رسد و اگر بیند که کفن مرد معروف کند دلیل که در دنیا طریقی  
 آن مرده جوید که زانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کفن مرده میبرد مقبران گویند اگر بیند که صالح و پارسا بود و طالب علم  
 و سخنهای بادیک گوید دلیل که دینار روی بوی بند و مال حرام جمع کند و اگر بیند که مرد کاثر کفن میکند و از جانی بجائی نمیرد دلیل  
 که مالهای حرام بدست وی روان شود و اگر بیند که مفسد بود دلیل که منافق و غا ز باشد و مفسد مردم گوایی و ده گلاب  
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید گلاب در خواب تندرستی بود و اگر بیند که گلاب بروی ریخت دلیل که تندرست بود و مردم او  
 روح و ثنا گویند و اگر بیند که گلاب بر کس میسپارد دلیل که نامش در اندام منتشر گردد و اگر عالم بود دلیل که خلق از علم وی بهره  
 مند گردند و کلامه مرغیست و آنرا عقق گویند و خواب دیدن وی دلیل بر مردی بی وفا و بدین بود و اگر بیند که کلامه



اگر گفت دلیل که بامردی بدین صفت که گفته شد یاری و دوستی گیرد و اگر بیند که با کلاه نبرد میکرد و دلیل که بامردی بدین صفت  
 که گفتیم خصوصیت کند و اگر بیند که کلاه از دستش بیاید دلیل که ترک صحبت آنم نکند و اگر بیند که کلاه را بکشد و گوشت  
 وی بخورد و دلیل که دشمن را قهر کند و بقدر آن مال وی بخورد و کلاه این سیرین رحمة الله علیه گوید کلاغ در خواب بامردی با حق  
 و بدعید بود اگر کسی بخواب بیند که کلاغی را بگرفت و دلیل که غنیمتی از کسی بجای می آورد و دروغ حاصل کند و اگر بیند که بر سر شاخ درختی نشسته  
 بود و یا نمک میکرد و دلیل بر وبال وی باشد اگر دو کلاغ بیند و دلیل بر پنج و شصت بود و در دیدن کلاغ در خواب خیر نبود کلاه  
 و انشای علیه السلام گوید کلاه در خواب دیدن عروجه جاه بود و بقدر قیمت کلاه اگر بیند که کلاه غازیان بر سر داشت و دلیل که بر خصم حیره شود  
 این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کلاه ترکان بر سر داشت و دلیل که بجای منفعت یابد و اگر بیند که کلاه مغنیان  
 بر سر داشت و دلیل که غریبانی یابد و الا درین ضعیف باشد و اگر بر سر کلاه پادشاه بیند دلیل که حرمت و جاه یابد و اگر بیند  
 که کلاه محتابی داشت و دلیل که شادمان گردد و منفعت یابد و اگر کلاه بروی برسد و دلیل که خیر دینی و دنیای وی حاصل کند  
 و اگر کلاه بر سر دستار نهاده بود و دلیل که او را کاری افتد که آنکار از مردمان پنهان یابد و داشت و اگر کلاه بر شمشیر داشت  
 و دلیل که منفعت بیند و اگر بیند که کلاه بی از بر سر داشت و دلیل که از مردم منفعت یابد و اگر از مردوارید بیند و دلیل که پیش مردم  
 عزیز گردد و صحبت با کسی دارد که دین دارد و غازی بود و اگر از آتشین بود و دلیل که از پادشاه عروجه و قوت بیند و یابد و اگر  
 از چوب بود و دلیل که خود را از مردمان خوار پندارد و دروغ و محال گوید که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کلاه تابستانی بر سر  
 بر سر نهاد و دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر بخلاف این بیند و دلیل که از مراد باز ماند و اگر بر سر کلاه سیاه بیند و در بیداری همان پوشید  
 و دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر کلاه از سر وی بفتاد و دلیل که از عمل مغرور گردد و یا غمی سخت بوی رسد و اگر بیند که کلاه بی از بر کلاهها  
 که صفت کردیم بر سر و پیش نهاد و دلیل که بقدر قیمت کلاه از خیرتری جاه و منزلت یابد و اگر بیند که کلاه از سر وی بر گرفته بود و دلیل که  
 عروجه بفتد و اگر زنی بیند که کلاه بی و گوشت بر سر نهاد و دلیل که آن زن از پسری آید و آن پسر پادشاه شود و اگر بیند که کلاه و بر سر نهاد  
 نهاد و دلیل که آنکس بدین بود اما پادشاه یا نرنگ شیک بود و مغربی رج گوید اگر بیند که کلاه بی پوشیده داشت و دلیل که شرف و منزلت  
 زیادت کرد و اگر بیند که کلاه وریده و کهنه بود و دلیل که اندوگین شود و اگر بیند که بیگانه کلاه از سر وی در بر بود و دلیل که از مردی  
 بزرگ دور شود و اگر کلاه پیش از پوست سمور بود یا از پوست روباه یا مانند این و دلیل که شرف و بزرگی یابد از مردی که کامل در برین  
 و اگر بیند که کلاه بی بر سر داشت که در بیداری بر سر نپوشیده بود و اگر سفید باشد و دلیل بر نیکوئی وی کند و اگر سر بر بود و دلیل بر بد او کند  
 کلاه آنکه ازین نوع کلاه داشته باشد و بیداری و اگر کلاه سرخ بود و دلیل بر بیماری باشد و اگر سرخ گوید اگر بیند که کلاه بی سرخ  
 پوشیده بود و دلیل که بقدر قیمت آن کلاه شرف و بزرگی یابد لیکن در دین و انقضایان بود و اگر بیند که کلاه بی آتش افراوه بود و دلیل  
 که پادشاه او را مصداق کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید کلاه در خواب دلیل بر شرف بزرگی کند و دیدن آن در خواب شرف و  
 بود و کی ولایت و دم ریاست سوم بزرگی چهارم عروجه جاه پنجم مقدار ششم منزلت کلاه و در خواب کسی بود که خدمت بزرگان کند

کل شدن  
بنیاد  
م

خوردن

خوردن

کل شدن این سرین رحمه الله علیه گوید اگر بید که سروی کل شده بود دلیل که مال خوشه بسیار یا بد بعضی از متعزین گویند که غم  
 اند و از وی زایل گردد و اگر اوام و دوش گذارده شود و اگر بید که او را با مردی کل صحبت بود دلیل که با مردی توانگر دوست  
 داشتن شود و اگر بید که سروی کل بود و بعد از آن مردی بر او رو دلیل که یا وی تلف شود و اوام و دوش کل این سرین رحمه الله علیه  
 گوید حکم بر کل در خواب برود و نوع بود یکی آنکه کل درخت بود و یکی آنکه کل درخت شده باشد و یکی که از ابقا می بود دلیل بر غم  
 و اندوه بینه خواب بود و اگر کسی گلشن بوقت خویش درخت بید دلیل که او را فرزندی آید و چون بوقت بید دلیل که  
 بسبب فرزند او در مصیبت بود و درخت کل در خواب همسری و سخن روانی بود و درخت کل زردنی بود باز رگان حاجت  
 روا کننده و درخت گل سفید دلیل بر غرور و ولت و جاه بود اگر در سرای خویش درخت کل بید دلیل که دختر یا کنیا حاکم آورد  
 و اگر در سرای خود گل صبر بک بید دلیل که بسبب فرزندش و شود و اگر گلها از هر گونه شکفته بید دلیل که از خوشی و دل  
 بیت شادمان شود و اگر گل سرخ درخت کل از زمین کشته بید دلیل که مردم سرایش کل یا نشاند مغربی رحمه الله علیه گوید کل در خواب  
 دون همت و پدیده بود که با کسی و فاخته و اگر بید که کل کسی و او یا از دست بید یا صحبت چنین مردی و در همت و پدیده  
 رحمه الله علیه گوید کل در خواب نامه بود که از غایبی بدو رسیده یا آمدن غائب بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کل در خواب  
 بر شش وجه بود یکی فرزند دوم و دست سیوم مرد و دون همت چهارم که تیرک پنجم غلام ششم نامه غائب گلشن این سرین  
 رحمه الله علیه گوید گلشن در خواب کل انگین و خواب غنیمت و مال حلال بقدر آنکه خورده باشد و اگر بید که گلشن کل این  
 داشت و از آن بخور و اگر تو آنکه بود دلیل که مالش زیادت شود و اگر بسیار بود شفا یابد و اگر غمگین بود شادمان گردد و اگر اوام و  
 دوش گذارده شود کل خوردن این سرین رحمه الله علیه گوید اگر خواب بید که کل می خورد و دلیل که از پس مرگ و گان بید  
 و اگر بید که کل با خاک می خورد و دلیل که مال خود در عیال نفقه کند و اگر بید که از خاک تربت حضرت مصطفی صلی الله علیه و سلم بخورد و دلیل  
 که حج گذارد و اگر بید که خانه کل می اندود و دلیل که غمگین شود و مغربی رحمه الله علیه گوید دیدن کل سفید در خواب مال حلال بود و کل زرد  
 بیماری بود و کل سرخ لهو و طرب بود و کل سیاه غم و اندوه و اندیشه بود و کل آبیتره دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بید که در میان گل  
 غرق شده بود دلیل که در محنتی عظیم افتد که مانی نیابد و اگر بید که از میان گل بیرون آمد و خود را و جامه خود را پاک بشت دلیل که از غم  
 و اندوه ز مانی یا بد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کل در خواب در سر و سر صبر بود که در گرم سیر کل تین این سرین رحمه الله علیه  
 گوید کل تین در خواب دمی بود که بخوابی از دست پادشاه بدو برود و بر دم نفقه کند و اگر بید که کل تین در دست داشت دلیل که او را مال نصیب شود  
 و اگر بید که کل تین می ضایع شد دلیل که او را ز مانی نرسد که زنی گوید اگر بید که کل تین چیزی از میان آید و دلیل که بعد از آن از میان  
 کل این سرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب بید که کل داشت و خورد و دلیل که از زنی منفعت یابد و چون بی گوشت خورد و دلیل که  
 کمتر بود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر گوشتی کل با هم خپه خورد و دلیل که منفعت بسیار یابد و اگر خام خورد و منفعت کمتر باشد و اگر کل می خورد  
 می خورد و دلیل بر غم و اندیشه بود و اگر شیرین بود و منفعتش بیشتر باشد گلشن این سرین رحمه الله علیه گوید دیدن گلشن در خواب عوی

یا کینه بود یا کینه کی خوب خاصه که به هنگام خود بر درخت بیند اگر بیند که گله را از درخت میفتاد و دلیل که از دیدار غرض پاکیزه پاکیزه  
 ماند کلنگ در خواب مردی غریب بود آن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کلنگی گرفت یا کسی بود یا دلیل که با مردی  
 غریب بود و با وی نیکوئی کند و اگر بیند که کلنگ یا گوشت او داشت و دلیل که از مردی غریب راحت بیند که کافی حمله  
 علیه دیگر بیند که کلنگ را از سیرین اند و دلیل که بر گروهی غریبان و درویشان مستر گردد و اگر بیند که خاصه کلنگ داشت و دلیل که در  
 شود کلنگ بر سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کلوی وی سلامت است و هیچ الی نذر و دلیل که امانت و دوام  
 بگذارد و اگر بیند که پنج و اقی در کلوی وی پدید آید تا ویش بخلاف این بود و اگر کلوی خود را فراخ بیند دلیل که روزی بروی  
 گردد و اگر تنگ بیند بخلاف این بود و اگر کلوی خود را درست و قوی بیند دلیل که امانت را انکس نگه دارد و سخری رحمة الله علیه  
 اگر بیند که کلوی او را بریند و دلیل که برنده بروی ظلم کند یا در دین او طعنه زند و هر جا نوزی که کشتن او را و نباشد چون بیند  
 کلوی او را بریند و دلیل که مردی بود که بدان نسبت دارد که بدان مردم رستم کند و اگر بیند که بهیمنه را کلوی بریند و دلیل که کار بروی  
 گردد و اگر بیند که کلوش را بضرورت برید و گوشتش بخور و اگر گوشت آن جانور حلال باشد و دلیل که مال حلال باید و اگر حرام بود  
 مال حرام باید و اگر بیند که کلوی او می برید و دلیل که بر آنکس پیدا و رستم کند یا در دین او طعنه زند و اگر بیند که کلوی کسی را بضرورت  
 کرد و دلیل که از شرف و بزرگی معزول گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در خواب دلیل بر دخل مردم کند اسمعیل شست  
 رحمة الله علیه گوید که خوش شدن در خواب دلیل بر تنگ شدن عیش و خواب بود و کلیچ این سیرین رحمة الله علیه گوید که کلیچ در خواب دلیل  
 عیش و خوش نعمت و مال کند که بدست آورد و اگر بیند که کلیچ میخورد و دلیل که او را مال و نعمت آسان بدست آید و اگر بیند که کلیچ  
 بخور و داشت و دلیل که مال و نعمت بسیار حاصل کند و اگر بیند که کلیچ در دامن نهاد و نتوانست خوردن و دلیل که مال و نعمت و ثمت  
 و بزرگان باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در خواب بر چهار وجه بود یکی مال حلال که با آن بدست آید و دوم روزی  
 فراخ سوم نعمت چهارم عیش و خوش کلیچ این سیرین رحمة الله علیه گوید که کلیچ در خواب مردی کشایده کار بود و اگر کسی بخواب بیند که  
 قطنی یا کلبه باز کرد و در بخش و دلیل که کار نایی بسته بروی کشا و شود و بر دشمن نظر یابد و اگر بیند که در دست کلبه بسیار  
 و دلیل که بزرگی و شرف است یا بقوله تعالی که مَقَالِیدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْأَيُّهَا الرَّامِي رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ گوید که در خواب ایشان  
 در خیر بود و بسن شرو بعضی گویند که کلبه در بسن تزیین بود و اگر بیند که کلبه در دست داشت و دلیل که در دین  
 سلطان بود و حاجت کارش نیکو و محمود بود و انیال علیه السلام گوید اگر بیند که کلبه آهین داشت و دلیل که قوت و نیکوئی بود و اگر بیند  
 که کلبه بر چن یا صیبر بدست داشت و دلیل که او را سخن دانی بود و اگر بیند که کلبه چوبین داشت و دلیل که بر نیکوئی کمتر بود و اگر کلبه  
 ندین یا صیبر داشت و دلیل که سخن او را نیکو گویند که کعبه یا بد سفری رحمة الله علیه گوید که کلبه بسیار بود مال بیشتر بود و بیشتر  
 که کلبه و عاه استغفار و حاجت خواستن از درگاه باری سبحانه و تعالی بود و اگر بیند که کلبه بر قطنی نهاد و در باز کرد و دلیل که حاجت روا  
 و کار بسیار کشا و شود و اگر بیند که کلبه در کلبه دان بشکست و دلیل که دعا و نومی خالص نباشد و اگر بیند که بیک کلبه و قطنی استغفار

و در بارگاه دلیلی که زنی خوروی بخوابد

و اگر

و اگر

و اگر

و در بارگاه دلیلی که زنی خوروی بخوابد و دست خود را بکفیند و بگوید که تا زنگ نرزد بود اگر بگوید و می بیند  
دلیل که کابل ناز و جعفر صادق رضی الله عنه که بگوید و خواب بر پشت و جبهه بود یکی کشان کار ما و هم فراغ از غم سوم شفا از بیماری چنان  
یا فتنه مراد و چشم قوت بین چشم که از دهن جعفر صادق است و استن عین کلید و آن این سیرین رحمة الله علیه که بگوید اگر بیدار که کلید  
زود بکشد و در حجت نداد و دلیل که کارهای دینی و دنیاوی کشیده گردد و اگر بیدار که کلید و آن بشواری بکشد و تا ویش بخلاف این بود  
و اگر بیدار که کلید و آن نتوانست شود و در بسته ماند و دلیل که کارهای دینی بسته گردد و از حال نیک بحال بد افتد و مغربی رحمة الله علیه  
اگر بیدار که کلید و آن زود باز گردد و اگر غمگین بود و دلیل که زود فرج یابد و اگر بسیار بود زود شفا یابد و اگر بنده بود آزاد گردد و اگر حاجتی دارد  
روا شود و اگر دعا کند مستجاب شود و کارهایش بخاتم گردد و کلید این سیرین رحمة الله علیه که بگوید اگر بیدار که کلید رفت و در کباب  
قبله مانده و دلیل که اگر کسی از کوه توبه کند و درین قوی شود و از هر آنکه کلیدهای عبادت است که فانی رحمة الله علیه که بگوید اگر بیدار که  
کلید بود و دلیل که منزل او بابت پرستان باشد خاصه چون نماز سومی قبله ایشان گذارد جعفر صادق رضی الله عنه که بگوید اگر بیدار که کلید  
شد اگر بیدار که خواب پارسا باشد و دلیل که بدو خاصه که بیدار و اینجا میقتد کلید این سیرین رحمة الله علیه که بگوید کلید و در خواب  
و سرور بود و اگر بیدار که خواب بهتر بود و دلیل که بزرگی و جاه و منفرد و بعضی از توبه آن گویند و دری ضایع و اگر بنده بود و از دست  
ویندار بود که فانی رحمة الله علیه که بگوید اگر بیدار که کلید بیافت و دلیل که زنی تو اگر بزرگی کند و اگر این خواب بی بیند و دلیل که شوهر کند و از  
خیر و منفعت بیند و اگر بیدار که کلید که نشسته بود و دلیل که زنی خوروی و پارسا و موافق بزرگی کند و اگر بیدار که کلید سیر بود و دلیل که زنی سیر  
و ویندار بود و اگر بیدار که کلید ملون بود این خنده که تقسیم در زن موجود بود و اگر بیدار که کلید بود و زنی بیمار کون باشد و اگر کلید سیاه بود و آن  
که باشد زاده و عاید بود و اگر کلید ملون بود این خنده که تقسیم در زن موجود بود و اگر بیدار که کلید بود و زنی که در پناه و متری پارسا  
فاز و منفعت یابد و اگر کلید زود و در افکند و ضایع شد تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه که بگوید کلید و در خواب  
برین وجه بود یکی مردی و هم بهتر و پارسا سوم زنی تو اگر چهارم که تیر که خیر و منفعت کلان و انیال علیه السلام که بگوید اگر بیدار که  
کما را بی تیر میکشید و دلیل که بسفر و دو با فایده باز گردد و اگر بهنگام کشیدن زده گمان برید و دلیل که سفرش نام نشود و باشد که در سفر  
رسد و اگر بیدار که کسی که گمانی بودی و او دلیل که پسر برادر آرد و اگر بیدار که گمانی بی شکست و دلیل که از شرف و بزرگی افتد یا چیزی از  
مال او تلف شود و اگر بیدار که گمان تیر می انداخت و دلیل که از بزرگی نماند به و رسد این سیرین رحمة الله علیه که بگوید اگر بیدار که از گمان تیری  
انداخت و دلیل که سخن حق و باطل گوید بسبب و کفر فتنه و اگر بیدار که زهر خود گمانی ساخت و دلیل که او را از پادشاه عجمی شرف و بزرگی حاصل  
یازنی عجمی بخوابد و او پرسی آید و اگر بیدار که گمان تیر نتوانست انداخت و دلیل که او را از پادشاه یا از از زن فایده نباشد و اگر بیدار که گمان از فقر و  
یا کسی داد و دلیل که نقصان شرف و بزرگی او باشد و بعضی گویند که گمان تیر و دلیل که از زنی عمر بود که فانی رحمة الله علیه که بگوید اگر بیدار که گمانی نو  
و پاکیزه و پشت و دلیل که زن خواهد و اگر بیدار که گمان بخند و دلیل که زن پادار بود و اگر بیدار که گمان ضایع شد و دلیل که از زن جدا شود و اگر بیدار که گمان  
او سخت بود و در وقت کشیدن زرد باشد و دلیل که زنی بکجای بخوابد و کار او آسان بر آید و اگر سفری کند مبارک باشد و از آن خبر بر او برسد

کتاب

کتاب

کتاب

کتاب

کتاب

و اگر بیند که گمان است بود و سخت شد تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که گمانی بدست خویش از بهر خود میساخت دلیل که کار ساخته  
 گردد و اگر بیند که گمان از بهر سخت و از بهای او و در دنیا رستد دلیل که دنیا را بر دین اختیار کند و اگر بهای گمان از بهر خود میساخت  
 رستد دلیل که مراد وی میسر شود و اگر بیند که گمانی عطا وی دادند دلیل که زودتر از خواهد بود و بر دشمن نظر باید اگر بیند که گمان از بهر خود میساخت  
 بوی او در بی آنکه گمان از بهر کشید دلیل که عمر وی دراز بود و اگر بیند که گمان در گمان آن نهاد دلیل که از دنیا برود و اگر بیند که گمانی  
 بسیار داشت دلیل که او را در وستان بسیار باشد که بجا ه سختی بفرماید و رستد و اگر بیند که گمانی پاکیزه و نیکو داشت دلیل که در داری  
 نیکو و خیرات و طاعات و حسنات کند و چندان که بگذارد و آنچه بدین نماند بخداوند تعالی نزدایت بود و تو که تالی تمکانات قاتب قوسیتین  
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گمان در خواب پرشش و حیر بود و یکی سفر و دوم فرزند یا زار و سوم زن چهارم قوت چنگ کردار  
 نیک ششم مرد درست در کار و هفتم حاکم حلاجی این سیرین رحمة الله علیه گوید حاکم حلاجی در خواب شناخت زنده بود و اگر بیند  
 که گمان حلاجی در دست داشت دلیل که مشافعی کند و اگر بیند که گمان حلاجی داشت و نداشت که ملک است و دلیل که شنیع  
 خواهد حاکم آسمان این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که خانه آسمان زرد بود و دلیل بر بیماری مردم آنند یا روبرو که فانی رحمة  
 الله علیه گوید اگر بیند که سبزی گمان آسمان بیشتر از سبزی بود و دلیل که در آنند یا نعمت فراخ گردد و اگر بیند که سبزی بیشتر از سبزی بود  
 تا ویش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که آسمان علامت سحر می کرد و اعمود شده دلیل که پادشاه اند یا را قوت و  
 کاهگاری رسد و اگر اعمودهای سیاه بیند تا ویش بخلاف این بود حاکم کرد و هر چه این سیرین رحمة الله علیه گوید گمان کرد و هر  
 در خواب کار پادشاه بود باغم و اندوه و اگر بیند که گمان کرد و هر چه در دست داشت و کله می انداخت دلیل که کسی را بنیشت  
 گوید و دشنام و بد زبانی که گمان کرد و هر چه در دین ناپسندیده بود و کراتی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گمان کرد و هر چه در دین ناپسندیده بود و کراتی  
 دلیل که بسبب از مردم غمگین شود و اگر بیند که گمان کرد و هر چه وی شکست یا ضایع شد دلیل که از آن کس بجز یک نفر سبب این  
 سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در میان مری بسته بود دلیل که از مردم او را پشت و پناه بود و بعضی گویند که او را پشت و  
 پناه فرزند بود یا خویشان و اگر بیند که مرید در وجه او مرصع بود دلیل که بقدر قیمت آن مال حاصل کند و بدان پشت و پناه  
 وی قوی گردد و باشد که فرزند آرد و محشم قبایل گردد و کراتی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سبب چهار بار زگر بر میان بسته داشت  
 دلیل که او را مال محشم بسیار باشد و نیز گویند که عمرش دراز باشد و اگر بیند که مرید بود و او را در میان بست دلیل که بسفر رود و اگر  
 که مر شکست و بیفتاد و ضایع شد دلیل که در مال و بزرگی او نقصان شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرید بود و او را در میان بست دلیل که بسفر رود و اگر  
 بود و دلیل که بهر قومی شود و اهل بیتهای بسبب می توانگر شود و اگر بیند که مرید بود و او را در میان بست دلیل که بسفر رود و اگر  
 او را که خوشتر شد و دلیل که از بهر پادشاه سفر کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن که در خواب شش وجه بود یکی شفت قلب  
 یا برادر یا خویشان و دوم فرزند سوم بزرگی پناه چهارم عمر دراز پنجم نصف دادن و یافتن از ششم پاک دین و اگر بیند که مرید بود  
 و بسته داشت دلیل که انصاف از خصمان است و نماند آنچه مر گذشت بود و گشتن این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که

و دلیل که در آن وضع که بود و ضایع شود زیرا که او را معرفت شناسد و قرب و دنا ند و اگر بیند که عیال یا فرزندان و گشت و دلیل که اگر بیند که  
 اند و گیس شود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که چیزی از وی کشد اگر آنچیز بنا ویل نیک بود دلیل که بقدر آن غم و اندوه و مضرت  
 از وی زایل شود و کارش نظام گردد و اگر آنچیز بنا ویل بد بود غم و مضرت از وی زایل شود و کارش نظام نشود و گشت این برین  
 گوید اگر کسی خواب بیند که گندی بدین اذخت و مرد و بر او گرفت دلیل که با ناز و گند از بزرگی یاری خواهد اگر بیند که گشتش از  
 رسن بود و دلیل که از مردی یاری خواهد اگر بیند که گند از مردی خوش بود دلیل که از مردی کا فر یاری خواهد و اگر بیند که گند  
 انداخت و در گردن مرد آمد و دلیل که از مردی ضعیف یاری خواهد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در دست او افتاد و دلیل که از  
 مردی مسد فریاری خواهد و اگر بیند که گند انداخت و خصم را نتوانست گرفت دلیل که هیچکس را یاری ندهد گشت این برین  
 گوید که در خواب آن بیخوش بود و از میوه یا هیچ میوه را خا صیت آن نبود و گویند که میوه هست آدم علیه السلام در بهشت کنار بود  
 و اگر بیند که کنار بخورد و دلیل که بقدر آن مال حاصل کند خاصه چون بوقت پیش باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در خواب  
 مال حلال بود و روزی فریخ باشد و اگر بیند که بخور و اگر در دست دلیل که مال بسیار یا بد گناه این برین رحمه الله علیه گوید اگر  
 بیند که گناه میکرد و ندانست که آن گناه چه بود و دلیل که در گناه و فتنه فتنه گران رحمة الله علیه گوید که در خواب هم مصیبت  
 و گناه بود و توبه باید کرد تا از عقوبت حق تقاضا و عفو عمل این شود و کارش اصلاح آید گشت این برین رح که گوید که در خواب  
 بود و اگر گشتی پاکیزه بیند و اندک ملک و ست دلیل که زنی خوروی خواهد که زنی را گوید که گشت و خواب شرف بزرگی بود و اگر بیند  
 که در گشتی بزرگ بود و دلیل که خیر و منفعت بدو رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید و دیدن گشت و خواب بر چهار وجه بود  
 یکی آن دو هم گشت که سوم منفعت چهارم عو جاه که گشت این برین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که گشت بیافت و دلیل که بیمار گردد  
 یا برخی بدل و رسد و اگر بیند که گشت او ضایع شد تا ویش بخلاف این بود مغربی رحمه الله علیه گوید که گشت یافتن در خواب در جایگاه  
 خراب بیمار یا پاک شود و اگر بیند که در جایگاه آباوان یا بد و دلیل که بیمار شفا یابد گشت این برین رحمه الله علیه گوید که گشت در خواب  
 مالی بود که هر روز زیادت باشد و اگر بیند که گشت و میخورد و دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر بیند که گشت کسی داد  
 و دلیل که بقدر آن از مال خود او منفعت رسد و اگر بیند که گشت خود و طعم آن ناخوش بود و دلیل که بقدر آن مال حرام باید و بعضی  
 از مجربان گویند که او را غم و اندوه رسد گشت این برین رح که گوید که گشت و میخورد خواب نیا باشد و گشت و پیر مسلمان که بجایگاه  
 باشد و دلیل که مال حلال باید و گشت و پیر که بجایگاه کین باشد و گشت و بنا و مال حرام بود و گشت و پیر خوهر وی و نیکو جامه بپوشد  
 ایحسان و آن جهان باشد و اگر بیند که گشت و پیر فریه و مسلمان بزرگی خاست و دانست که ملک و ست و دلیل که مال حاصل کند  
 و اگر بیند که زنی پیر داشت و او را از خانه بیرون کرد یا طلاق داد و دلیل که بزرگ دنیا بگوشد و راه آخرت جوید و اگر بیند که با گشت  
 پیری مجامعت کرد و دلیل که مراد از خجانی او را حاصل شود و گشت و این برین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که گشت و میخورد و گشت  
 و دلیل که با کسی خصومت کند یا شکایت بود بقدر خائیدن مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که گشت و در دست و دلیل که گشت



بیند که گوشت چرخ میخورد و دلیل که از پادشاه شکار و منفعت رسد و اگر گوشت تذرو میخورد و دلیل که مال مردی غذا خورد و اگر  
 بیند که گوشت چند میخورد و دلیل که مال دزدیده خورد و اگر بیند که گوشت چکاوک میخورد و دلیل که چیزی از مال بنده خورد  
 و اگر بیند که گوشت خر میخورد و دلیل که مال حرام یابد و اگر بیند که گوشت خر گوش میخورد و دلیل که از مال زن چیزی اندک یابد  
 و بعضی از معتبران گویند که میراث یابد و اگر بیند که گوشت خروس میخورد و دلیل که بقدر آن از مردی عجمی منفعت یابد و اگر بیند  
 که گوشت خرچنگ میخورد و دلیل که بقدر آن مال حرام خورد و در طاعت سستی کند و اگر بیند که گوشت دراج میخورد و دلیل که مال  
 زن بستاند و خرج کند و اگر بیند که گوشت راس میخورد و دلیل که بهار شود و اگر نه ترس و بیم یابد و اگر بیند که گوشت زاغ میخورد و دلیل  
 که بقدر آن از مال فاسق بخورد و اگر بیند که گوشت سنک خاره میخورد و دلیل که از مال مردی ابله منفعت یابد و اگر بیند که گوشت  
 سوسمار میخورد و دلیل که از مردی که سفر بسیار کند خیر منفعت یابد و بعضی گویند خورون گوشت سوسمار و دلیل بر مکافات آن  
 اینجائی یافتن باشد و اگر بیند که گوشت سگ میخورد و دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که گوشت سنجاب میخورد و دلیل که مال  
 مردی غریب خورد و اگر بیند که گوشت سیخ میخورد و دلیل که مال مردی بزرگوار بدو رسد و اگر بیند که گوشت شایه میخورد و دلیل که از  
 مال مردی شکر نفع یابد و اگر بیند که گوشت بمره میخورد و دلیل که با کسی گداه محروم پیوندد و اگر بیند که گوشت شیر میخورد و دلیل که  
 تجارت با خویشان خصوصیت کند و اگر بیند که گوشت طلاس میخورد و دلیل که مال و نعمت یابد و اگر بیند که گوشت موی میخورد و دلیل که عاقل  
 و دیر منفعت نکند و اگر بیند که گوشت فک میخورد و دلیل که بقدر آن مال زن بستاند و اگر بیند که گوشت قمری میخورد و دلیل که از زنی  
 خوب منفعت یابد و اگر بیند که گوشت ماده کا میخورد و دلیل که مالی فراوان حاصل کند و کارش بنظم گردد و اگر بیند که گوشت کبوتر  
 میخورد و دلیل که بقدر آن او را از مال زن یا کنیز نفع رسد و اگر بیند که گوشت کبوتر میخورد و دلیل که از مال زن او را بهره برسد و اگر  
 بیند که گوشت گربه میخورد و دلیل که منفعت یابد و اگر بیند که گوشت کرک میخورد و دلیل که از پادشاه ظالم مال حرام یابد و اگر بیند  
 که گوشت کشف میخورد و دلیل که از عالمی علم حاصل کند و اگر بیند که گوشت کفتار میخورد و دلیل که پیره زنی بروی جادو کند و اگر بیند  
 که گوشت کلان میخورد و دلیل که مال مردی بیابانی خورد و اگر بیند که گوشت کور میخورد و دلیل که مال و منفعت یابد و اگر بیند  
 که گوشت ماکیان میخورد و دلیل که او را مال از کنیز یا از خادم جمع شود و اگر بیند که گوشت نابی میخورد و دلیل که چیزی از مال زن بخورد  
 و اگر بیند که گوشت مرغابی میخورد و دلیل که بزرگی و ولایت یابد و اگر بیند که گوشت مرده میخورد و دلیل که آن مرده را به بدی یاد کند و اگر بیند  
 که گوشت ننگ میخورد و دلیل که رنج و بلا بدو رسد و اگر بیند که گوشت هدر میخورد و دلیل که از مردی زیرک و بزرگ منفعت یابد و اگر بیند  
 که گوشت همای میخورد و دلیل که از پادشاه او را راحت رسد و کارش بلند گردد و اگر بیند که گوشت هزار دستان میخورد و دلیل که از مال  
 زن یا فرزند یا غلام او منفعت رسد و اگر بیند که گوشت واشه میخورد و دلیل که از مال شمن بخورد و اگر بیند که گوشت بوز میخورد و دلیل که از مال  
 بخورد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید گوشت جانوران و بدن بر چهار وجه بود یکی مال و دم میراث سوم تو انگری چهارم مصیبت است و اندوه  
 گوش این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که گوش او بیفتا و یا بریده شد و دلیل که زنا اطلاق دهد یا دخترش بیرون آید





و اگر بید که کوزه شکست دلیل که کثیرش بمیرد و مغربی رحمه الله علیه گوید کوزه در خواب مال و نعمت باشد و اگر بید که کوزه از زمین و پشت  
 او را مال خسته حاصل شود و اما در آن مال تحت باشد و اگر بید که کوزه سفید و زمین یا قلعی و پشت دلیل مال و نعمت باشد و اگر  
 کوزه آهین و پشت دلیل مال بود و اما کمتر خضر صادق ضی الله عنه گوید دیدن کوزه در خواب بر نه وجه بود یکی زن و دوم خادم و سوم  
 کثیر که چهارم قوام دین پنجم صلاح تن ششم عمر و از هفتم مال هشتم خیر و نهم میراث از قبل نماند و کوزه آویز را براده و خور  
 تا ویش بخواب فی بزرگراه و دستر بود و کوزه ساله ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بید که کوزه ساله ز خاک گرفت یا کسی  
 دلیل که او را پسری آید و اگر بید که کوزه ساله داد و دلیل که او را دختر آید و اگر بید که کوزه ساله بخانه برد و بر دست مالید دلیل که  
 اندوه گین شود و کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بید که کوزه ساله در منزل او زده و شد میگرد دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بید که کوزه ساله  
 دشتی خاک گرفت دلیل که او را پسری آید و اگر بید که بر پشت کوزه ساله سوار بود دلیل که بایاد شاد و غمی پیوند و از بزرگی بایاد بخت  
 رحمه الله علیه گوید اگر بید که کوزه ساله وی برد و دلیل که فرزندش بمیرد و اگر کوزه ساله وی ضایع شد دلیل که فرزند از وی مفارقت و بخت  
 و اگر بید که کوزه ساله داشت و از گوشت می بخورد و دلیل که میراث فرزند بخورد و همچنین اشعث رحمه الله علیه گوید اگر بید که کوزه ساله  
 سپید بود دلیل که فرزندش مبارک و مستور و توانگر بود و اگر بید که کوزه ساله ابلق بود دلیل که میان بر بود و اگر کوزه ساله می قوی و  
 بود دلیل که فرزندش تندرست و نیک حال بود و اگر ضعیف و لاغز بود تا ویش بخلاف این بود که سپید از ابن سیرین رحمه الله علیه  
 علیه گوید که سپند و خواب غنیمت بود و اگر بید که کوزه سپند میچراپد دلیل که بر گریزی و همتری یابد و اگر بید که کوزه سپند از  
 بعضی سپند و بعضی سیاه بود و دلیل که آنکس و بعضی عیب باشند و بعضی عجم و اگر بید که کوزه سپند بسیار جمع شده و دانسته که مال  
 اوست دلیل که او را مال بسیار حاصل آید و اگر بید که کوزه سپندی برگردن گرفته بود و دلیل که مژگن کسی برگردن گیرد و اگر بید که کوزه  
 کوزه سپند پنجه خورد و دلیل که بقدر آن او را غنیمت باشد و اگر بید که گوشت بریان کرده میخورد و دلیل بر غم و اندوه باشد و اگر بید  
 که از هر خوردن کوزه سپند شکست دلیل که بر دشمن ظفر یابد و مالی بخورد کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بید که تریشی خاک گرفت  
 یا کسی بوی داد و دلیل که او را بامردی بزرگ صحبت افتد و از وی بزرگی و مال یابد و اگر بید که تریشی را کلو برید و در مال دلیل  
 که بر مردی بزرگ ظفر یابد و مالش بستاند و خرج کند و اگر بید که بر تریش نشست و مطیع و فرمان بردار بود و دلیل که بر بزرگ  
 بزرگ چیره گردد و اگر بید که تریش بر روی غالب بود تا ویش بخلاف این بود و اگر بید که سرو پای تریش شکست دلیل  
 که بر آن مرد که صفت کردیم غالب شود و اگر بید که سرو پای تریش دراز و قوی بود دلیل که این مرد قوی و توانا شود و اگر  
 که چشم بر تن تریش دراز بود دلیل که بقدر آن مال و نعمت زیاد شود و اگر بید که چشم تریش بسیار حاصل شد و دانسته که  
 اوست دلیل که بقدر آن بر مردم فرمان دهد و ایشان را زیر دست خود گرداند و از ایشان مال و نعمت بسیار یابد و بعضی گویند  
 که بعد از تریشی او را سالی بزرگی و شرف یا بد مغربی رحمه الله علیه گوید مادامیکه در خواب بزرگی و کرم بود چنانکه  
 حق سبحانه و تعالی در کلام مجید خود در قصه داود علی نبینا و علیه السلام فرمود قوله تعالی ان هذان اخیکم انشی فی



علیه که یک کینه در خواب خیر و نیکی بود بقدر جمال و اگر کسی بخواب بید که کینه خیر و نیکی داشت و دلیل که چیزی پنهان بوی رسد  
 و از آن چیز مستفاد کرد که مانی رحمة الله علیه که یک کینه در خواب مال بود و اگر بید که کینه خیر و نیکی بود و اگر بید که کینه  
 بضر و خست تا ویش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه که بید که کینه بضر و خست و بهای او بست و دلیل که او را غم رسد و اگر  
 که کینه خیر و نیکی که خرم و شادمان گردد و مال و نعمت یا بده اگر بید که کینه بضر و خست بود و دلیل که زیانی بدور رسد و اگر بید که کینه  
 خیر و نیکی بسته بود و در خانه وی درآمد و دلیل که شادی و منفعت بدور رسد که با این شیرین رحمة الله علیه که بید که با در خواب بسیار بود  
 اگر کسی بخواب بید که کینه داشت و دلیل که بیمار شود و زود شفا یابد و بعضی گویند که بیماری او را زکند و او را شش این شیرین رحمة الله  
 علیه که او را شش در خواب چون شیرین بود و دلیل بر منفعت و خیر و شادی کند و اگر تلخ و ناخوش باشد و دلیل غم و اندوه و درخ و ضنا  
 بود و هر گوارش که بوی خوش بود و دلیل بر مدح و ثنا بود و هر چه بوی او ناخوش باشد تا ویش بخلاف این بود که مانی رحمة الله علیه  
 گوارش شیرین خوردن غم و اندوه بود و گوارش دار و دوا خوشبو و در خوردن و دلیل بر سستی کند کمال این شیرین رحمة الله علیه  
 کمال در خواب دلیل بر مروتی عالم باشد و چیزی نماند که در خواب و شرب و بدینقول دلیل از امیرالمومنین علی که رحمة الله علیه که در خواب  
 فرمود ان القاف او عیة مغربی رحمة الله علیه که بید کمال چون بزرگ و نو و پاکیزه و فراخ بود و دلیل بر منفعت بسیار بود و اگر  
 اندک باشد که او با این شیرین رحمة الله علیه که بید که او با کینه در خواب بید بهتر از کواب خرام بود و بعد از آن که کواب حیس  
 با و ام و بعد از آن که کواب مان و بعد از آن که کواب خشی را بنا و مل منفعت ازینها کمتر باشد و اگر بید که کواب حیس میخورد و دلیل که  
 بعد از آن مال و نعمت از مروتی بخیل بدست آرد و اگر بید که کواب خشی را میخورد و دلیل که بعد از آن مال حاصل شود و تا فایده اش کمتر بود و اگر  
 که کواب مان میخورد و دلیل که بعد از آن مال منفعت از مروتی یا رسا او را بدست آید و اگر بید که این کواب با کینه گفتم و پشت و از آن چیز  
 میخورد و در آن گفتم بدور رسد مغربی رحمة الله علیه که بید که او با این شیرین خوش طعم بود و دلیل بر نیکی کند و آنچه تلخ و ناخوش بود و دلیل  
 بر بدی کند که او را نیال علیه السلام که بید که او را بتا و یل زندان بود و اگر بید که گوری از بهر خود کند و دلیل که احوال بروی تنگ شود و  
 گویند در آن موضع که گور باشد از بهر خود و بهای نوسازد و اگر بید که او را در گور کرد و دلیل که احوال بروی دشوار شود و قوله تعالی  
 ثُمَّ أَمَّا تَهَ فَاقْبَرُ ثُمَّ أَكْشَرُ و اگر بید که او را در گور کرد و خاک بر سر او کرد و دلیل که چیر بر انقضای آن بود و چیر  
 از دنیا برود و این شیرین رحمة الله علیه که بید که او را در گور نهاد و دلیل که او را در زندان کنند و اگر بید که او را در گور برد و دلیل که در زندان  
 بید و اگر بید که بر باغ او گوری میخندد و دلیل که زندگانی او را دراز بود و اگر بید که بر سر گور ایستاده بود و دلیل که بر کینه و تقسیم و استا  
 بود که مانی رحمة الله علیه که بید که او را در گور مرد و دید و شکر و تحسین و شوال کرد و دلیل که پادشاه آن را در امطالیه کند و اگر بید  
 منکر و کینه خطا و او دلیل که در عذاب پادشاه عاجز ماند و اگر بید که او را از گور بیرون آورد و در بر او کرد و دید و دیگر باره در گور نهاد  
 و دلیل که پادشاه او را از زندان و خلعت پادشاهان زندان کند اما اگر این خواب باز در کان دیده باشد حساب با او با کمال  
 بود و شمار هر کس یا جنس خود و معتبران یا بد که قیاس از چیزی نماند نیک باشد تا خطای نیفتد که درستان این شیرین رحمة الله علیه

جدا شود و بعضی معتبران گویند که اجلس نزدیک رسیده باشد و اگر بیند که اگر نشد چنانکه هیچ شنیدن نمی تواند دلیل خداوند  
و دیانت او بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گوش در خواب بر پشت وجه بود یکی زن دوم خیر سوم دوس چهارم  
ز قبح پنجم پیر ششم غلام هفتم مال و خست هشتم ترس نهم گوشواره این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در بر دو گوش  
گوشواره داشت دلیل که او را پیش آرایش و جمال افزون گرد و اگر بیند که در بر دو گوش مروارید گر نامه او نیمه بود و دلیل علم و دان  
بیا موز و دوا عالم و دان شود و اگر بیند که در یک گوش مروارید بود و دیگر نبود دلیل که علم و قرآن بیاموزد و اگر مانی رحمة الله علیه گوید  
بیند که بر دو گوشواره داشت دلیل که بزرگی جاه باید و اگر مردی زن خود را بیند که دو حلقه در گوش داشت یکی از زر و یکی از سیم  
دلیل که زن را طلاق دهد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گوشواره در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند با جمال و آرایش  
دوم آموختن علم و قرآن سوم بزرگی چهارم غم و اندوه سبطی و ادن زن کو شکست این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی  
بجواب بیند که در گوشش شد دلیل که او را مال خوسته حاصل آید خاصه که کو شکست از خشت خام و گل بود و اگر بیند که از کف آب سرد  
و دلیل که مال یا باد در بین او نقصان بود و اگر بیند که بادشاہ گوشش بود و دلیل که از پادشاه مال حاصل کند و اگر مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند  
که کو شکست و خواب شد دلیل که مال او تلف شود و اگر بیند که در گوشش آتش شفت و دلیل که پادشاه او را مصادره کند جعفر صادق  
رضی الله عنه گوید دیدن گوشه در خواب بر پشت وجه بود یکی نعمت دوم دلالت بر مرتبت چهارم ریاست پنجم بزرگواری  
پادشاهی ششم راهش ششم شادی و خرمی هفتم بلندری و نیکوئی کو شکست گوهر و این سیرین رحمة الله علیه گوید که اگر در خواب  
و اندوه بود و در دیدن کو گوش و دلیل که او را نیل علیه السلام گوید که کو گوش در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که  
شده بود و در کتاب چیزی پیش علم میخواند دلیل که در غم و اندوه گرفتار گردد زیرا که کو گوش صلاح از فساد و خاندن معتبران گفته اند که اگر  
خود کو گوش بیند دلیل که کارش ضعیف شود این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب بیند که کو گوش بریان کرده پیش او نهاده  
و بخورد دلیل که فزونی خیر بسیار باید و آن کو گوش با احتشام بسیار برسد و مانی رحمة الله علیه گوید که کو گوش خبر روی و تباه و شتر  
بود و کو گوش زشت روی منفعت باشد و اگر مردی بیند که شیر خوار شده بود و دلیل که آن مقصود باز ماند و اگر مردی بیند که کو گوش  
شیر سید او دلیل که بوقت زاد او سلامت بود و کو گوش و انیال علیه السلام گوید اگر خود را بکوهی بلند بیند و اندک آن کوه ملک است  
و دلیل که مردی بزرگش و در دنیا خود گیرد و اگر بیند که کوه را از جای خود بر کند دلیل که مردی بزرگ را قهر کند و اگر بیند که بر کوه مقام  
کرد و دلیل که از مردی بزرگ عفو جاه یا بدو اگر بیند که بر بالای کوه ایستاده و دلیل که بزرگی و جاه یا بدو بعضی معتبران گویند که اگر بزرگ  
بر بالای کوه میشت دلیل که غم و اندوه بدو رسد اگر بیند که از کوه بزرگ آمد دلیل که بزرگی و جاه او نقصان شود و اگر بیند که بر سر کوهی مقام  
دلیل که از پادشاه حرمت یابد و مقرب شود این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر سر کوهی مقام میکند از دیابانک نامزید و دلیل که  
او نیکو شود و مقرب رحمة الله علیه گوید بالای کوه و کو شکست رفتن در خواب دلیل بر مقصودی که دارد بسیار و اگر بزرگ آید تا ویش بخلاف  
این بود و اگر بیند که بر دهن کوه میفتاد و دلیل که اندوگین شود و اگر بیند که بر دهن کوه نامزید کرد و دلیل که کاری کند که موافق برین باشد

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب



خواب

و اگر میند که در کوه مردی از گستان پادشاه با وی بود و دلیل که از پادشاه حسرت یابد و اگر میند که کوه بختید و بعد از آن قرار  
 گرفت دلیل که از مردی بزرگ در انجا رنجور شود و شفا یابد و اگر میند که کوه را می کند و کوه کندن بروی آسان بود و دلیل که بزد و عطا  
 یابد و اگر میند که کوه از خاک بود و دلیل که او را با همتری خسیس طبع باشد و اگر میند که بر کوه قاف نشسته بود و دلیل که اجلش فرارسیده باشد  
 و اگر میند که بر کوه طور سینا بود و دلیل که پادشاه را بروی اعتماد بود و مردش حاصل آید و اگر میند که بر کوه عرفات بود و دلیل که توبه کند  
 و از گناه پشیمان شود و اگر میند که بر کوه کبنان بود و دلیل که با علما و صاحبان صحبت دارد و اگر میند که بر کوهی تاریک بود و دلیل که او را  
 بیم هلاک باشد و اگر میند که بدره شد و دلیل که اجلش نزدیک آید یا بزرگان گرفتار آید و اگر میند که بر کوهی روشن بود و دلیل که مانع بود  
 استعجال شست رحمة الله علیه که بر کوهی خراب بود که در و سنگها افتاده بود و بدستواری میرفت و تیرمی انداخت و دلیل که  
 او را از پادشاه استگوریم بود و اگر میند که میان دو کوه میرفت و تیرمی انداخت و دلیل که میان دو مرد بزرگ توسط کند و اگر میند که در  
 سوراخی بود و در آن سوراخ شده و دلیل که از راه پادشاه آگاه شود و اگر میند که از آن سوراخ چیزی بیرون آید و دلیل که از آن پادشاه عطا  
 یابد یا بخواهد متعبر شود که یا اگر میند که بر کوهی بالا میرفت و دلیل که بخدمت مردی بزرگ مشغول گردد و اگر میند که از کوه بهما سنگ میگرفت  
 و هر یک بجای می انداخت و او بر میگرفت و بر کوه میندا و دلیل که ماطا بقیع جمع کند و اگر میند که از کوه بهما در کوه گرفته بود و دلیل  
 که خود را کبسی بزرگ بنده از وی خیر و منفعت یابد و اگر میند که از کوه بر یافت و دلیل که مرادش بر نیاید و اگر میند که بر کوه نزدانی آید  
 و اگر بسته بود و بدان زبان بر سر کوه شده و دلیل که مرادش زود حاصل شود و اگر میند که زبان از کوه خشت خام بود و دلیل که بهتر باشد  
 و اگر از مس بود و بد باشد و اگر از برنج بود مرادش بر نیاید و اگر میند که بر سر کوهی بلند ایستاده بود و دلیل که خاص و مقرب پادشاه گردد و  
 مال بسیار یابد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کوه در خواب بر پنج وجه بود یکی پادشاهی دوم دهری سوم ظفر چهارم کینه  
 پنجم ریشی یافتن گوهر هفتم پیرین رحمة الله علیه گوید دیدن کوه بر پنج باب در آن با جمال توانگر بود و اگر میند که کوهی داشت دلیل که  
 دارد و طلاق دهد و اگر میند که کوه بسیار داشت و دلیل که مال بسیار حاصل کند که مالی رحمة الله علیه گوید اگر میند که کوه بر میرفت دلیل  
 که دشمنان مشغول گردد و دلالی کند و اگر میند که بعضی کوه بر اساس داشت و بعضی نه داشت دلیل که دلالی و ختران و دشمنه و زنان  
 بیوه کند مغربی رحمة الله علیه گوید که هر چند در خواب بنزد بود و اگر میند که کوه بر سفید داشت و دلیل که او را فرزندی آید جعفر صادق  
 رضی الله عنه گوید دیدن کوه در خواب بر هشت وجه بود یکی مال دوم علم سوم فرزند معروف چهارم چیزی گران بجا پنجم زن با جمال  
 ششم سخن مفید هفتم خبر و برکت هشتم کار نیکو کردن و چون خداوند خواب تو را نباشد و دلیل پشیمانی بود و کوه فروش در خواب  
 علم و حکمت بود که چه این پیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب میند که در کوه آید و دلیل که خیر و منفعت بوی رسد و حاصل  
 که در مردم مصلح باشد و اگر بخلاف این میند و دلیل که شر و مضرت بد و رسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر میند که در کوهی فراخ می نشیند  
 و دلیل که غم و اندوه بوی رسد که کسی خواب میند که کوهی داشت و دلیل که کسی بود و دلیل که اندوه میند که کوهی داشت که کوهی  
 و دلیل بر غم و اندوه صبر بود و اگر میند که کوهی داشت و دلیل که غم و اندوه بوی رسد و دیدن کوهی بر منفعت نباشد

و آنکه علم حرف اللام لبیاچه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید لبیاچه در خواب دیدن نیکوئی و پادشاهی وین بود و آن  
 که سبز باشد و اگر بید که لبیاچه سمور یا سنجاب داشت دلیل که پناه مروی باو بایست بود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بید  
 که لبیاچه سبز داشت دلیل که او از مروی دیندار با امانت منفعتی رسد و اگر بید که لبیاچه سفید بود دلیل که از مروی مصلحت  
 تو انکار او را نفی رسد و اگر لبیاچه سرخ بود پوشید دلیل که از مروی محاشرت بقدر بهای آن او را منفعت رسد اگر  
 لبیاچه زرد داشت دلیل که بیچاره گردد و اگر لبیاچه بنفشه بود پوشید بود دلیل که اندوه و مصیبت یابد و اگر لبیاچه سیاه پوشید بود  
 اگر قاضی یا خلیف بود دلیل که خیر و نیکی یابد و اگر بخلاف این بید دلیل که مضرت و بخرمتی یا بد حاصل شست حتمه الله  
 علیه گوید لبیاچه و دیار ما از نقصان دین بود و زنا تراشادی بود و لبیاچه عنابی مروی از زنا نیک باشد خاصه  
 سفید و فواح بود دلیل بر خیر و نیکی بود و تنگی لبیاچه در خواب نقصان مال بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید لبیاچه که پارس زنا  
 و مروی از نیک بود و لبیاچه در خواب بر چهار وجه بود یکی زنانه دوم امانت داری سوم صلاح کار چهارم خیر و منفعت  
 لباس ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بید که لباس تابستان زمستان پوشیده بود دلیل که مالش زیادت شود  
 اما ترس عظیم بود برسد لیکن انجامش نیکو باشد و اگر زنی بید که لباس روان پوشیده بود دلیل که بشوهرش خیری رسد  
 که مانی رحمه الله علیه گوید اگر کسی لباس خود را بتر از آن بید که در بیداری بود دلیل که کارش بد شود و اگر بهتر بید بید شود  
 و اگر بر خود لباس محترمان بید دلیل که بهتر شود و اگر بر خود لباس فاسقان بید دلیل که گناه بسیار کند و اگر بید که لباس  
 سلاطین داشت دلیل که از پادشاه خیر و منفعت یابد و اگر بید که لباس علما پوشیده بود دلیل که از علم بهره یابد و اگر بید  
 که دین داشت دلیل که از دنیا دست بردارد و اگر بید که لباس نوکران داشت دلیل که بجمع کردن مال حریص بود و اگر بید که لباس جهولان داشت  
 داشت دلیل که دلش از ایشان مال بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید بدین لباس در خواب بر منفعت وجه بود یکی دین پاک دوم تو انگریزی  
 هر وجه چهارم منفعت پنجم عیش خوش ششم عمل نیکو هفتم عدل خواهد لبیاچه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید لبیاچه و آن  
 دیدن دلیل بر بر آمدن حاجات بود و لبی زین بهتر از لب بالا باشد و بعضی از متجران گویند لب در خواب خجسته  
 و قرا بات بود و اگر بید که لب بالائی وی از جازایل شد دلیل که مال وی در زوال شود و طلب یرین همین تا مدد دارد و اگر  
 بید که لب بالائی وی بریده دلیل که زنا طلاق و بد یازن او را هلاک کند و اگر بر د لب فاده بید دلیل که او را مصیبت  
 رسد از جهت مادر و پدر و نیز گویند که غماز بود و اگر لبهای خود را در و منند بنید دلیل که تخمین شود و اگر بید که لبها محسن  
 پوشیده بود چنانکه باز نتوانست کشود دلیل که کارش بسته گردد و اگر زنی بر لب خود خالی سیاه بید دلیل که غوازی یابد  
 که در مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بید که لب خود را بدندان گرفت و خسته کرد دلیل که در میان وی خصومت افتد چنانکه  
 بیم هلاک بود و اگر بید که لبهاش آسیده بود دلیل که مال وی زیادت شود و اگر بید که لبهاش سرخ شده بود دلیل که زنا  
 روا کرد و اگر بید که لبهاش سبز یا سفید بود دلیل که بسبب دوستان غم خورد و اگر بید که لبهاش سیست و ضعیف بود

دلیل که حالش بد بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید لب بالا و دلیل بر پسران بود و لب زیرین دلیل بر دختران بود  
 الحاف ابن سیرین رحمه الله علیه گوید الحاف در خواب زن بود اگر کسی بخواب بیند که الحاف نو داشت دلیل که زن  
 خواهد و اگر بیند که الحاف نو بخرد دلیل که کینه‌ی او شیر و بجز و اگر بیند که الحاف او ضایع شد دلیل که زن را طلاق دهد  
 و اگر الحاف دریده و چرکین بود دلیل که عیالش سلیطه و ناسازگار بود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که الحاف  
 نو داشت دلیل که زنی ویندارد و تو انگر خواهد و اگر بیند که الحاف سفید بود دلیل که زنی تو انگر  
 و پارسا او را بود و اگر بیند که الحاف سرخ بود دلیل که زنش طرب را دوست دارد و اگر الحاف  
 زرد بود دلیل که بر زنی بیارگون باشد و اگر الحاف اولون بود دلیل که زنش سکاره و فریبنده بود  
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید وین الحاف در خواب چون نو باشد برتره وجه بود یکی زن الحاف  
 دوم دختر و شیر و سوم لرزیدن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که گردنش میلزید  
 دلیل که در امانت داری ضعیف بود و اگر بیند که سروی میلزید دلیل که از مالش زیان رسد  
 و اگر بیند که قفایش میلزید دلیل که زنیست و آهنگی ندارد و اگر بیند که دستهای وی میلزید  
 دلیل که نیکبختیست بود و اگر بیند که سینه‌ی وی میلزید دلیل که سختی بشود که اندوگین شود و اگر بیند که شکم وی میلزید دلیل  
 از مردی که قوت او بود و پناه او بود و برخی بوی رسد و اگر بیند که پایش میلزید دلیل که در سفر برخی بوی رسد و اگر بیند که اندامش  
 میلزید دلیل که بسبب مرادی که در پی آن بود و برخی سختی بیند و انیال علیه السلام گوید لرزیدن اندام در خواب ترس است  
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید لرزیدن اندام در خواب بر چهار وجه بود یکی ضعف احوال دوم ترس سوم غم و اندوه چهارم  
 مضرت بیماری لرزیدن چیزی را ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که آسمان لرزید دلیل که در اندیشه  
 و ظلم و فساد بسیار شود و اگر بیند که آفتاب و ماه لرزید دلیل که پادشاه آذینار را برنج و مضرت رسد و اگر بیند که ستارگان  
 لرزیدند دلیل که آشوب در نزدیکیان پادشاه افتد و اگر بیند که زمین میلزید دلیل بر فتنه و آفت بود و اگر بیند که کوه  
 لرزید دلیل که پادشاه آذینار را مضرت رسد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که عرش میلزید دلیل بر فساد و بی و یانستی علماء بود  
 و اگر بیند که لوح و قلم میلزید دلیل بر بد حالی و بی اهل علم بود و اگر بیند که بهفت آسمان لرزید دلیل که عذاب خشم باری سبحا  
 و تعالی بسبب فساد و بی اهل آذینار بود و اگر بیند که ماه و آفتاب بر جهت ستارگان میلزیدند دلیل بر جنگ و خصومت  
 پادشاه آذینار بقتل و خونریزی بود و اگر بیند که گوشه‌ی پادشاه لرزید دلیل که محنت و آفت بر اهل آن موضع برسد و اگر  
 بیند که قوی لرزید دلیل بر مصیبت و فساد بود و لشکر ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که لشکر و جایگاهی بود یا فرار  
 دلیل که اهل آن موضع را کردند یا رسد و اگر لشکر آریسته بیند دلیل بر قوت و نصرت آذینار که لشکر بود و غیر قوت آن پادشاه بود  
 که لشکر از آن را بود و اگر لشکر بی صلاح بود دلیل بر ضعف و عجز آن پادشاه بود و دوم آتش بر جعفر صادق رضی الله عنه گوید لرزیدن



لشکر و خواب بر پنج وجه بود یکی آنکه دوم سیل سوم باد سخت چهارم جنبه و پنجم بلا و سخت لعل ابن سیرین رحمه الله علیه گوید  
 لعل در خواب فی با جان تو انگر بود و اگر بیند که لعل آشی و اگر رفت یا کسی بوی داد یا بخیزد و دلیل که بدیصفت که گفتیم فی با جان تو انگر بود  
 پاکیزه خرد و اگر زنش باشد و خری با جمال لطیف صورت زنده و اگر بیند که لعل بسیار داشت دلیل که بقدر آن مال حاصل کند لیکن در دین  
 کرده بود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کسی آشنا بدیده لعل بود یا دود لعل که بقدر و قیمت آن زن تو انگر از خویشان خود خواهد و اگر بیند  
 که یکانه او را پاره لعل داد دلیل که زنی مجهول بدیصفت خواهد و اگر بیند که جوانی پاره لعل با و داد دلیل که مال حاصل کند جعفر صادق  
 رضی الله عنه گوید دیدن لعل در خواب بر چهار وجه بود یکی زن دوم کثیر سوم منفعت چهارم مال دنیا و دختران لعوق  
 ایسیدن بود ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که طعم آن شیرین و خوشبوی بود و دلیل بر خیر و منفعت کند و اگر بیند که چون لعوق  
 و لعوق بملغوزه و لعوق خشخاش و آنچه بدان ماند و اگر تلخ و ترش بود بوی ناخوش داشت دلیل بر شر و ضررت باشد مغربی رحمه  
 الله علیه گوید لعوق در خواب آنچه شیرین بود و دلیل بر خیر و منفعت باشد و آنچه ترش بود تا و دلش بخلاف این بود و افحاح الشیم  
 و سنبویه را گویند ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که دستنبویه پیچور و دلیل که بیمار شود و اگر کسی داد آن کس بیمار گردد و اگر بیند که  
 افحاح را بوی میگرد دلیل که خنهای خوش شود و اگر بیند که افحاح بسیار داشت دلیل که مال و خواسته یا بد جعفر صادق رضی الله عنه  
 افحاح در خواب بر شش وجه بود یکی سخن خوش دوم مال سوم فرزند چهارم دوست پنجم رفیق ششم خلاف لعلق ابن سیرین رحمه  
 علیه گوید لعلق در خواب مردی با حسب و نسب و ازاد و طاقت اندیش بود و اگر بیند که لعلقی بگرفت یا کسی بود یا دلیل که او را  
 یا کسی بدین صفت صحبت افتد و اگر بیند که لعلقی را بگشت دلیل که دشمن بزرگ بر دست وی طراک شود و اگر بیند که لعلقی با وی  
 سخن گفت دلیل که کاری کند که مردم را از آن عجب آید و از محقری او را منفعت رسد و اگر بیند که لعلق بر بام و نمی نشست  
 دلیل که مستری در خانه وی در آید و اگر بیند که لعلق از دست وی بپرید دلیل که از صحبت مردی و بهقان جدا ماند و اگر بیند  
 که گوشت لعلق بخورد دلیل که بهقدان مال و بهقان خورد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید لعلق در خواب بر چهار وجه بود یکی  
 مردم و بهقان دوم پادشاه ضعیف سوم یا سبب چهارم غریبی و درویشی بود لقمه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند  
 که لقمه شیرینی از طعام کسی در دهان او نهاد و دلیل که آنکس سخن خوش بدو گوید و اگر آن لقمه غلیظ و ترش بود تا و دلش بخلاف این بود  
 مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که لقمه لذیذ و شیرین در دهان وی نهاد و دلیل که مال حلال یا بد و اگر بیند که لقمه شیرین  
 گرم در دهان وی نهاد و دلیل که از سخن کسی در بلا افتد و اگر لقمه در دهان وی آسان شد تا و دلش بخلاف این بود و جعفر صادق  
 رضی الله عنه گوید لقمه در خواب در دهان دادن بر سه وجه بود یکی بوجه دادن دوم سخن لطیف گفتن سوم منفعت بقدر  
 لقمه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که وی از علت لقمه کج شده بود دلیل که نزد مردم حقیر و خوار شود و اگر  
 بیند که رویش پاکیزه و نیک بود و دلیل که نزد خلق عزیز و گرامی باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید لقمه در خواب دلیل بر منافقتی بود  
 که میان مردم سخن نفاق گوید و اگر بیند که لقمه شده بود و دلیل بر آشکارا شدن علت و نقصان دین بود لکام ابن سیرین رحمه

علیه که دیگر میند که لگام شکست یا ضایع شد دلیل که شرف و بزرگی او نقصان شود و اگر میند که لگام بر سر داشت چنانچه سپاهان  
را باشد دلیل که روزه دارد و از کانه تو بکند و امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه فرمود که هر کسی که با کجا و بدسکال نبرد و لگام در  
و نانش رود و مغربی رحمه الله علیه که دیگر لگام در خواب بر سر بندد نیکو بود که پیوسته بفرمان خواجه باشد و بر سر ازاد نیکو بود و گویند  
که میند که خواب با ادب و فرزندگ باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن لگام در خواب بر سرست وجه بود یکی شرف بزرگ  
دوم روزه داشتن سوم ادب و فرزندگ و لگام فروش در خواب بدتر کارهای ولایت باشد لکن زدن این بر سر چنانچه  
علیه که دیگر کسی خواب ببیند که کسی را لکد زود دلیل که از وی یا از خویشانی او از زیان رسد و اگر میند که اسب را لکد زود دلیل که در  
شرف و بزرگی او نقصان پدید آید و بعضی از معتبران گویند بفساد و مشغول گردد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر میند که زنی او را لکد  
دلیل که بسبب زنی ناز و بگین شود و اگر میند که کنده پیری لکد زود دلیل که مالش تلف شود و اگر میند که اشتر را لکد زود دلیل که از مرگ  
محلشتم او از زیان رسد و اگر میند که خری ویران لکد زود دلیل که در سفر او از زیان و حضرت رسد و اگر میند که گا و او را لکد زود دلیل که در سنا  
او از زیان رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید لکد زدن در خواب بر چهار وجه بود یکی نقصان دوم حضرت سوم غم و اندوه چهارم  
فساد و خیال لکات ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب ببیند که لکات داشت دلیل که از کسی فرومایا و منفعت رسد و اگر میند  
که لکات را بر آتش نهاد و دو و دو میکرد و دلیل که نامش در آند یا برینگی مشتگر گردد و اگر میند که لکات سیجور و دلیل که غمگین شود و اگر میند که  
در دست وی بود و ملک محکم میکرد و دلیل که در میان دو کس صلح پیوندد کند و بسیار ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که لوبیا در خواب  
بوقت خوردن اگر بیوقت بخورد یا غم و دلیل غم و اندوه بود و لوح محفوظ این سیرین رحمه الله علیه گوید که لوح محفوظ تاویل عالم  
با امانت بود که مال خود را در راه حق تعالی صرف کند که زمانی رحمه الله علیه گوید که لوح محفوظ تاویل علم و حکمت و قرآن باشد اگر  
میند که لوح محفوظ کچک و حقیر بود و دلیل که حال وی بد بود و اگر میند که بقلم بر لوح محفوظ چیزی می نوشت دلیل که کارش نیکو گردد  
میند که بر لوح محفوظ میرفت دلیل که او را با پادشاهی بزرگ شغل افتد و در آن فرمان روا گردد و اگر میند که نام وی بر لوح محفوظ نوشته  
بود دلیل که اجلش رسیده باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن لوح محفوظ در خواب بر شش وجه بود یکی زیاده دوم سیر سوم  
علم چهارم هدایت پنجم فرمان روائی ششم علم و حکمت و سیر سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب ببیند که لوزینه بشکند در دهان  
سنا و دلیل که از کسی سختی لطیف شود و اگر میند که لوزینه بسیار خورد و دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر میند که لوزینه کسی را و او را  
او را سختی خوش گوید یا از بهر و کاری نیکو کند مغربی رحمه الله علیه گوید لوزینه خوردن در خواب دلیل مال منفعت بود و اگر میند که لوزینه  
یا خرید یا کسی بوی داد و دلیل که بقدر آن مال نعمت از حلال یابد و خرج کند و اگر میند که لوزینه کسی را داد و دلیل که از وی بکس مال  
رسد و اگر میند که لوزینه ضایع شد یا بدزدید و دلیل که آن نقصان مال بود لگات شدن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر میند  
که لگات شده بود و دلیل که کار با طلب کند از خیر و شر و مست و ضعیف بود و توانائی ندارد و بعضی از معتبران گویند اگر کسی خود را  
لگات و حقیر میند و دلیل که بختش مردمان خوار و حقیر گردد و اگر کسی لگات میند و دلیل که در زمین و دنیا

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

در خواب

بود و مقصودش بر نیاید و اگر بیند که خود را بخواهد ساخت دلیل که از کسی بجهت کار معیشت خویش یاری خواهد و اگر بیند که  
 لنگ شده بود و بعضا میرفت دلیل که از کسی یاری خواهد که مردم بروی اعتماد کنند و مرادش حاصل شود و اگر بیند که  
 بقصد خود را لنگ ساخت دلیل که بظاہر بر کسی اعتماد کند و اعتقادش حقیقی نبود و مغربی رحمتہ اللہ علیہ گوید اگر کسی  
 خود را بدو پای لنگ بیند چنانکه بدو دست چوب گرفته بود و میرفت دلیل که لشکر که خدائی در ویش و عاجز و در و مند بود  
 و اگر بیند که از بهر خاری که در پای او رفته بود راست نمیتوانست رفت دلیل که از لشکر کس این کرد و اگر بیند که در بهر دو  
 پای وی تیار بود و آما سیده بود و نمی لنگید دلیل که دشمن بروی حسد و مال و جاه وی زیاد است و او متعجل است و حجت  
 اللہ علیہ گوید اگر لنگ خواب بیند که پای او درست شد چنانکه نمی لنگید دلیل که کارهای بسته بروی کشاده گرد و از مردم  
 که نو میشدند بسیار بد و کارش بنظم گرد و جعفر صادق رضی اللہ عنہ گوید لنگی در خواب بر رخ و وجه بود یکی سستی در کارها  
 دوم نادرای سوم در ویشی چهارم غم و اندوه پنجم نقصان عیش و لذت و خواب خد متکاثران که اصلش ترس بود و  
 و اگر بیند که در دست لوبیدی نو و بزرگ بود دلیل که خدمتگارش با امانت بوده باشد و اگر لوبیدی کهنه و چرخین  
 و کوچک بود تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که لوبی بقیقا و بیشکست دلیل که خدمتگارش بمیرد و زمانی رحمتہ اللہ علیہ  
 گوید اگر بیند که لوبی دیا و سوراخ شده بود دلیل که خدمتگارش بیمار شود و اگر بیند که لوبی پرا ز آب صافی بود دلیل که خدمتگارا و  
 منفعت رسد و اگر بیند که لوبیش پر خور و بی بود دلیل که بقدر آن او را خیر و منفعت رسد و اگر بیند که لوبی خور و دلیل  
 از خدمتگارش خیر و منفعت رسد لیمو این سیرین رحمتہ اللہ علیہ گوید دیدن لیمو در خواب بوقت خود یا بوقت چون زرد  
 بود دلیل بیماری و درد و بوی بود و چون سبز بود غم و اندوه کمتر باشد و دیدن و خوردن لیمو خیر و منفعت نبود و  
 علم بالصواب حرف المیم ما را بن سیرین رحمتہ اللہ علیہ گوید دیدن مار در خواب دشمن بدخواه پنهانی بود و اگر  
 بیند که در خانه وی مار بود دلیل بر دشمن خانگی بود و اگر در صحرا بیند دلیل بر دشمن بیگانه بود و اگر بیند که با جنگ  
 و نیزد میکرد دلیل که با دشمن خصومت کند و اگر بیند که مار بروی چیره شد دلیل که بر دشمن ظفر نیا بد و اگر بیند که مار  
 او را بگزید دلیل که از دشمن مضرت یابد و اگر بیند که مار را بکشت دلیل که دشمن را قهر کند و اگر بیند که گوشت مار خورد  
 دلیل که بقدر آن مال دشمن خورد و خیر و خرمی بیند و اگر بیند که مار بر باد و پاره کرد دلیل که از دشمن و او خود بستاند و اگر بیند  
 که بر دو نیمه را گرفت دلیل که مال دشمن را گیرد و اگر بیند که مار با وی بلطف سخن گفت دلیل که بر او عجب کاری پیدا آید  
 که از آن بشاد و خرم گردد و اگر بیند که مار بروی به تنه می درشتی سخن گفت دلیل که دشمن بروی خطر یابد و اگر ماری مرده بیند  
 دلیل که حق سبحانه و تعالی شرف از وی بگرداند و بانی آنکه بخی بوی رسد و اگر بیند که مار مطیع او بود دلیل که جاه و بزرگی یابد  
 و اگر بیند که مار از وی بگریخت و نمیتوانست گرفت دلیل بر ضعف دشمن بود و اگر بیند که ماری سبز بود دلیل که دشمنی دیندار و  
 امانت بود و اگر بیند که ماری سیاه و ماران بگردند دلیل بر لشکری بود و اگر ماری زرد بود دلیل بر دشمنی بیارگون باشد و اگر

بود دلیل بر دشمنی طرب دوست معاش بود و اگر بیند که با پاپا داشت دلیل که دشمن او قوی و دلاور باشد و اگر بیند که مار بسیار  
پریش می جمع شده بودند و گردن او را بر سایشند و دلیل که او را دشمن از خویشان خود بود و بسیار باشند و لیکن از ایشان متضرر نشد  
و اگر بیند که ماران سر و نهاده و نهاده و شتند و دلیل که دشمن او کینه دارد و بدسیرت بود و مخرب رحمت الله علیه گوید اگر بیند که مار  
از بینی یا از گوش یا از پستان یا از خصیب یا از مقعد او بیرون آمد دلیل که فرزندش دشمن او باشد و اگر بیند که مار از دمان او بیرون  
آمد دلیل که سخنی گوید که ویران و بال شد اسم حیل شعث حمله الله علیه گوید مار دشمن دشمن بود و مار بسیار سر بکشت لشکری  
باشد و اگر بیند که مار از میکسخت و مار او را ندید دلیل که دشمن او خرمی یا بد و اگر بیند که مار او را بگرفت و گزند می کرد و دلیل که بزرگی یا  
دزد دشمن این کرد و خلف صحنه فانی رحمت الله علیه گوید اگر بیند که ماری سبز او را مطیع شد دلیل که کجی یا بد و اگر بیند که مار استین  
ماری بیرون آمد دلیل که فرزندش دشمن او باشد و اگر بیند که مار بکشت و خوش در خود مالید و دلیل که مال دشمن یا بد و اگر بیند که بر ستر خود ماری  
دلیل که زرش میزد و اگر بیند که مار از گریبان یا از دمان او بیرون آمد و زمین فرو شد و دلیل که هلاک کرد و خوار مار در خواب دشمن ضعیف بود  
صدا و غمی صد غم گوید و در خواب برده و بر بود یکی نمادی دوم زندگانی سوم سلامت چهارم یاد شای تم سپه سالاری ششم شرف  
دولت ششم مرکز حکم سپه و هم سیلاب مار چوبه اگر بیند که مار چوبه از زمین جمع می کرد و وقت خود و دلیل که بقدر این  
منفعت رسد و اگر بیند که مار چوبه خام می خورد و دلیل بر مضرت و رنج بود و قشیشا ابن سیرین رحمت الله علیه گوید دیدن مار  
در خواب دلیل بر رنج و مضرت و بیماری بود و دیدن او در خواب خیر نباشد مار و ابن سیرین رحمت الله علیه گوید اگر بیند که  
درخت مار و جمع کرد و دلیل که رنج و سختی مال حاصل کند و اگر بپایر بیند که بخور مار و داشت دلیل که مال کرده بود و اگر بیند  
که مار می خورد و دلیل که مال حرام خورد و اگر مار زرد بود و دلیل که بر بیماری بود و اگر سبز و سیاه بود و دلیل غم و اندوه بود و بعضی  
رضی الله عنه گوید مار و در خواب بر چهار وجه بود یکی مال کرده دوم غم و اندوه سوم بیماری چهارم رنج و سختی مار و دلیل  
ابن سیرین رحمت الله علیه گوید مار و دلیل در وقت و بی وقت و دلیل غم و اندوه بود و خوردن آن نقصان مال  
هلاک تن بود و دیدن وی خیر نباشد ماست ابن سیرین رحمت الله علیه گوید ماست شیرین در خواب دلیل خیر نیست  
و ترش غم و اندوه بود و انیال علیه السلام گوید ماست مالی بود که در سفر حاصل شود و اگر بیند که ماست بخورد و دلیل که مال از سفر  
حاصل کند خاصه که شیرین بود و اگر بیند که از ماست سکه بیرون آورد و دلیل که بقدر آن او را مال حاصل شود و زمانی جمع شد  
علیه گوید اگر بیند که ماست شیرین می خورد و دلیل که مال حلال بدست آورد و ماست ترش غم و اندوه بود و ماست ابن سیرین رحمت الله علیه  
علیه گوید ماست در خواب اگر بخت بود و دلیل که اندک خیر بدو رسد و اگر خام خورد و اندوگین شود و اگر بیند که ماست در خانه گذاشت  
و بدو داد و دلیل که بخیم کرد و زمانی رحمت الله علیه گوید ماست در خواب چه خشک و تر و خام یا بخت و دلیل غم و اندوه  
باشد ماکیان مرغ خاک می بود و ابن سیرین رحمت الله علیه گوید ماکیان در خواب دلیل بر خام و کثیر بود و اگر بیند که مرغ  
خاک می بخورد یا کسی بود و دلیل که کثیر بخورد و یا خامی بخورد اگر غمهای خاکی بسیار و بیقیاس و شت و دلیل که ریاست و سرور و

باز

در خواب دیدن مار

در خواب دیدن مار

در خواب دیدن مار

در خواب دیدن مار

در خواب دیدن مار

باید و اگر بیند که گوشت ماکیان خورد و دلیل که بعد از آن مانع نعمت از خادمان باید و اگر بیند که ماکیان را بکشت و دلیل که کینک است  
 بستاند و اگر بیند که بچه ماکیان را بکشت و دلیل که فرزند او یا فرزند عیال او بکینک است و بستاند که اگر فرزند او را بکشت و دلیل که بکینک است  
 اگر بیند که خانه ماکیان را یافت و دلیل که او را در خیزی آید یا مالی از خادمان حاصل کند مغربی رحمة الله علیه گوید ماکیان در جزای  
 زنی با جمال بود و ماکیان سیاه بهتر از ماکیان بنق بود و اگر بیند که ماکیان در خانه وی همچون خروس بانگ کرد و دلیل که سخن ناخوش  
 شود و همچنین اشعث رحمة الله علیه گوید بچه ماکیان در خواب برسته وجه بود یکی زن با جمال دوم کینک سوم خادم ماسیر این  
 سیزده رحمة الله علیه گوید ماسیر و خواب دلیل بر بیماری کند که ویران از آن خیر و صواب حاصل شود ماسیر این سیزده رحمة الله علیه  
 گوید ماسیر و خواب اگر بوقت یا بوقت دلیل بر غم و اندوه بود و دیدن ماسیر و خواب خیر نباشد ماه و انیال علیه السلام گوید  
 در خواب وزیر پادشاه بود و اگر بیند که ماه از آسمان فر گرفت یا در ملک خود دید و دلیل که نزدیک پادشاه شود یا وزیر گردد  
 و اگر بیند که با ماه جنگ نبرد و دلیل که با وزیر خصومت کند و اگر بیند که بجایگاه ماه مقیم شد و دلیل که او وزیر پادشاه  
 گردد و اگر بیند که نوز ماه بست و دلیل که وزارت یا بدو اگر بیند که ماه از آسمان فر گرفت و نوز و شعاع داشت نیز تار ماکیان  
 بود و دلیل که انغمنا فرج یا بدو اگر بیند که تیره و تاریک بود و بجای خود نبود و دلیل که وزیر پادشاه بجای محتاج وی گردد و این سیزده  
 رحمة الله علیه گوید ماه در خواب دیدن پادشاه بود و خاصه که بدر بود و اگر بیند که ماه بدو نیم شد و دلیل که وزیر یا پادشاه خواهد  
 و اگر بیند که ماه با وی سخن گفت و دلیل که مردم از وی نظم کنند و او خود خواهد و اگر بیند که ماه با وی سخن گفت و دلیل که ولایت یا بدو  
 و اگر که دو ماه یا یکدگر جنگ میکرد و دلیل که دو پادشاه یا بهدگر جنگ کنند و اگر بیند که از آن دو ماه یکی مفتی و پاره پاره و نقصان  
 شد و دلیل که از آن دو پادشاه یکی پادشاهی بخت مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماه در دست یا در کنار گرفته بود و دلیل که  
 زن خواهد و اگر ماه جلالت بود و دلیل که زن برهمن و کمتر باشد و اگر ماه با یک نیمه شد و دلیل که زن از اهل مولا از او گمان باشد  
 و اگر ماه بدر بود و دلیل که آن زن با صل و نسب از وی بهتر بود و اگر این خواب زنی بیند دلیل که شوهری بد نصیفت خواهد و اگر  
 که ماه روشن و پاکیزه بود و در خانه وی تافت و دلیل که از آن خانه زن خواهد و منفعت از وی یا بدو اگر بیند که چیزی ماه را پس نشانید  
 که پادشاه بر وزیر متخیر شود و اگر بیند که ماه منخف شده بود و دلیل که حال وزیر بد باشد و مغزول گردد و اگر ماهی رحمة الله علیه  
 اگر ماه بدر و منور بیند موضع خویش و نورش مقابل خانه وی تافت و دلیل که اهل آنجا به از پادشاه یا وزیر خیر و منفعت بینند  
 و اگر ماه بدر بود و تاریک بیند دلیل که او را بخت و کرامت رسد و اگر ماه هلال از مطلع خویش برآمد لیکن نه با قول و نه نورش زیاده  
 شد یا بدرگشت و دلیل که او را فرزندی آید که پادشاه یا وزیر گردد و اگر ماه هلال از موضع خود برآمد و دلیل که از وی فرزندی آید یا  
 کاری صاحب افتد که مردم از آن غم و اندوه باشد و بعضی از متعجبان گفته اند که اگر کسی ماه را بخواب بیند دلیل که پادشاه  
 و یا بر پسر آید و اگر نوز ماه را بدید بیند دلیل که آن پسر از اندکانی در اندوه و اگر ماه را بدید بیند دلیل که عرش سینه بود و اگر ماه نقصان  
 بیند و دلیل که بخت بد پادشاه یا وزیر مشغول شود و همچنین اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماه را بدست گرفت یا بکینک روی کرد

بکینک

بکینک

بکینک

بکینک

بکینک

بکینک

بکینک

بکینک

بکینک

بکینک

بکینک

بکینک

بکینک

بکینک

بکینک

بکینک

بکینک

بکینک

بکینک

و لیل که فرزندی عالم و دانا آید و اگر این خواب کسی از مقربان پادشاه بیند و لیل که او پادشاه شود و اگر بیند که ماه واقفیت چهل  
 ستارگان فرا گرفت و همه تیره و سیاه بود و لیل که بیند خواب بکاک شود و اگر مصحح بود و در غم و اندوه افتد یا بیند که بکار  
 و عاقبت شغلتان یا بد جعفر صادق صلی الله علیه و آله و سلم که ماه در خواب بر بخت و وجه بود و لیل پادشاه دوم وزیر سوم ندیم چهارم  
 رئیس پنجم شرف و جاه ششم دوست هفتم کنیزک هشتم غلام نهم کار باطل دهم والی یازدهم عالم سیزدهم حواری دهم مستر بزرگ  
 سیزدهم پدر چهارم دهم مادر پانزدهم زن شانزدهم فرزند هیفدهم همزگار سی ماهی و انبیا علیهم السلام گوید ماهی در خواب  
 در دریای گرم سیر بلاد سختی بود و در سرد سیر تا ویش بخلاف این بود چون ماهی تازه و بزرگ بسیار وید و لیل بر مال غنیمت کند  
 و اگر ماهی خرد و بیند غم و اندوه یا بد و اگر در شکم ماهی سرور یا بد یافت و لیل که او را پسری آید این سیر بر رحمة الله علیه گوید اگر بیند که  
 خشک باشد کسی بود یا و لیل که از پادشاه یا بزرگی او مضرت رسد و اگر ماهی شور خورد و لیل که غلام بوی مضرت رساند و بعضی گویند  
 که ماهی شور بریان کرده بتاول سفر و طلب علم یا صحبت مردی باشد و خوردن ماهی شور و خصوصت باشد و اگر بیند که چیزی  
 از اندام ماهی چون خون و استخوان و آنچه در شکم ماهی باشد بیافت و لیل که بقدر آن مال خیر و برکت باشد یا غلام خرد و اگر بیند  
 که در دریای ماهی گرفت و بزرگ بود و لیل که از اهل کسی زنی بخوابد که او را مال بسیار باشد مغربی رحمة الله علیه گوید ماهی تازه بران  
 کرده بخواب مال و نعمت باشد زیرا که ماهی تازه از جمله طعامهای بهشت است و بر خوان بود که از بهر عیسی علیه السلام آسمان  
 آورده اند و قوله تعالی وَ قَبَا اَنْزَلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ اگر بیند که از دمان ماهی بیرون آید و لیل که سختی و رفع در کاری  
 و اگر ماهی از قضیب وی بیرون آید و لیل که او را و ختری آید و اگر زنی بیند که از دمان وی ماهی بیرون آید و لیل که از دمان او بیرون  
 بیند که از دریای ماهی گرفت و لیل که از مردی بزرگوار مال و نعمت یا بد و اگر بیند که ماهی تازه میخورد و لیل که بقدر آن مال حاصل کند و لیل  
 رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماهی فروشی میکرد و لیل که او را و کسان و از خیر و منفعت رسد و اگر بیند که ماهی از حوض یا از جوی میگرفت  
 و لیل که از مردی عامه بکر و حلیت چیزی بستاند و اگر بیند که ماهیان دریا یا از بسج در آید و لیل که از رازنا پادشاه آشکارا کرد و جعفر صادق  
 رضی الله عنه گوید ویدن ماهی در خواب بر شش و چه بود یکی وزیر و دوم لشکر سوم دختر و شیزه چهارم غنیمت پنجم غم و اندوه ششم کینه و بد  
 ماهی خواره این سیر بر رحمة الله علیه گوید ماهی خواره در خواب ن بود و اگر بیند که ماهی خواره را گرفت یا کسی بوی داد و لیل  
 زن خواهد و اگر بیند که ماهی خواره از دست می سپرد یا ضایع شد و لیل که زنا و اطلاق دهد و اگر بیند که گوشت ماهی خواره میخورد  
 و لیل که بقدر آن مال صرف کند مغربی رحمة الله علیه گوید ماهی خواره بتاول غم و اندوه باشد و سبب و سبب آن باشد این سیر بر رحمة الله  
 علیه گوید اگر بیند که مهری داشت و رنگ بدان میزد و لیل که کاری مشکین بر وی کشاده گردد و خاصه که این ملک باشد و اگر بیند  
 که آئین و شمع پاکیزه را در آنجا بخیری میزد و لیل که کاری کند که در آن زیان و مضرت بیند و بعضی گفته اند که مهر و سخن نرم باشد  
 و اگر بیند که مهر و او شکست یا ضایع نشد و لیل که کاری طلب کند و بدست می یابد اصلاح نماید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند  
 که کسی از آلتها و حائضه و در و شش میگرد و لیل که چیزی از وی بخاوم خانه وی رسد یا شغل خاموش سبب و یا از خاصه یا بد

ج

ج

ج

مجلسه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مطهره نوداشت دلیل که از سفر او اخیر و تفرقه است رسد و اگر بیند که مطهره کند و در  
بودن او و پیش بخلاف این بود و جعفر صادق صلی الله علیه و آله میفرمود که در خواب برشته و جد و یکی سفر و دوم مال سوم زندگانی مشتهر این  
سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که بمشقه چوبی یا درختی سوراخ میکرد و دلیل که بکبر و حیلست از وی چیزی بستاند و بعضی از متعبدان گویند  
که مقصودش حاصل شود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که بمشقه اندام کسی را سوراخ میکرد و دلیل که بکبر و حیلست و یکدیگر را در میان  
مجلس علم ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در مجلس علم نشسته بود و عالم بر کسی قرآن میخواند و تفسیر قرآن و اخبار و جود  
سیکنت دلیل که اگر آن جایگاه را عمارت محکم کند که خلاف شریعت مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در مجلس علم میگردد و دلیل  
که از دنیا مشغول شود و از آن بماند و اگر در آن مجلس علم نشسته بود و اگر او را در مجلس علم حالی بدید و در پیشش  
چنانکه عقل از وی بر میزد و دلیل که او را کاری پیش آید که در آن کار سرگشته و متغیر شود اما سر انجام آن بخیر بود و مجلس شراب ابن سیرین  
رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مجلس شراب بود و شراب مخمر و دلیل که بفساد و حرام مشغول شود اما رضا و دگر بیند که در مجلس شراب  
و چنانچه چنان بود و دلیل که او را عجز و اندوه باشد یا با کسی خصومت کند چهره خود سوز بود و شرح آن در حرفین گفته ام  
مجلسه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر مجمره و در خواب بیند و دلیل برنی پاک دین و عالم بود و اگر بیند که مجمره داشت دلیل که  
دینی عالم برنی کند و از او خیر و منفعت یا بد و اگر بیند که مجمره بشکست یا ضایع شد دلیل که زارش میرد و اگر زن ناز و از بخت  
او یکی میرد و جعفر صادق صلی الله علیه و آله گوید اگر بیند که مجمره چیزی غنیست اگر آنچه نوشت قرآن یا نامهای خداست یا باشد دلیل  
بر صلاح و منفعت بود و اگر بخلاف این باشد و دلیل بر شر و فساد بود و محراب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در محراب  
سکندر و دلیل که او را بفرزند صالح بشارت بود چنانکه حق سبحانه و تعالی در قصه هتتر زکریا علیه السلام فرمود و هو قائم یصلی  
فی المحراب الخ اگر بیند که نماز بوقت خویش گذارد و دلیل که او را فرزند صالح بود و اگر بیند که در محراب نشسته بود و دلیل  
که در نماز کامل بود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که محراب را عمارت میکرد و دلیل که او را فرزند عالم و امام بود و بعضی گویند که مال  
خود را صرف کند جعفر صادق صلی الله علیه و آله میفرمود که در محراب بر سرخ و جد و بود یکی امام دوم پادشاه سوم قاضی چهارم  
پنجم میاخی مردمان بود و محنت ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که محنت شده بود و برینت زنان خود را بسیار است دلیل  
که بعد از آن او را ترس و بیم افتد و ملاسد و اگر بیند که جامه زنان از تن بیرون کرد و جامه مردان بپوشید و بجال مردان با او دلیل  
که ترس و بچاکی و بلا از وی زایل گردد و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که محالست با محنتان داشت و دلیل که بفساد و خنای  
کند و اگر بیند که در میان ایشان او مقیم شود و دلیل که از نصبت و فسادان جدا شود و ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که او  
بجواب دید و دلیل که حدیث بروی فراخ شود و اگر بیند که او را از وی ضایع شد و او پیش بخلاف این بود که مانی رحمه الله علیه گوید  
اگر بیند که او را بر جامه وی ریخت و دلیل که او را زانی را برسد و اگر بر سر بود و مهری یا بد جعفر صادق صلی الله علیه و آله گوید وین داد  
در خواب بر چهار وجه بود یکی متری دوم پیش دوم حدیث چهارم شادی مذکر پند و سرزنش و ناصح باشد اگر بیند که مردان پند و

دلیل که اورا شادی رسد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر دشمن دارد و قهر کند این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بینیکه مرد مرا نبیند و دلیل که در آن  
 بند صلاح دین و رستگاری آخرت بود و بشارت خیر دینی و دنیاوی باشد و اگر بینیکه مرد مرا نبیند و بنده دیو بود و دلیل که او بخوابد  
 تبارک و تعالی پناه باید گرفت و توبه باید کرد تا او را از شر و خشننگاه دارد و مژدی آب نشا ط بود چون کسی شهرت باری کند  
 اول آب مذی اقصیب او فرو آید این سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن ندی در خواب شادی و خرمی بود بقدر آنچه دیده باشد  
 مر جان این سیرین رحمة الله علیه گوید مر جان در خواب فرزند بود اگر سرخ بود فرزند خوبروی بود و اگر مر جان با جوهر های بسیار بینید  
 دلیل که بقدر آن مال و نعمت حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید مر جان در خواب بر چهار وجه بود یکی زن یا فرزند دوم  
 زینت سوم جمال چهارم مال زینت خام و مصروف است این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر مردی معروف را بخواب بیند در یک  
 پنجاه بیند با هم نام او و یا کسی که مانند باشد اگر مجنون و جوان بود دلیل که دشمن وی باشد و اگر پیری مجهول بیند دلیل که سخت  
 باشد و خیر و بزرگی باشد اگر جوانی بیند که مویش سپید شده بود دلیل بر دیانت و آهستگی دین وی بود و اگر پیری معروف بیند که  
 مویش سیاه شده بود تا ویش بخلاف این بود که مانی رحمة الله علیه گوید اگر در خواب پیری را بیند دلیل بر زیادت دیانت و آهستگی دین وی  
 او در دین بود و اگر مردی جوان را بیند دلیل که از بزرگی و نعمت و کرامت رسد و اگر مردی ضعیف بیند که با وی سخن سر و میگفت دلیل  
 که با مردی بران صفت و خصومت افتد و بر وی ظفر یا بد و اگر مردی بیند که کودک شده بود دلیل که کاری بچهل کند که او را همه را  
 طاقت کند و اگر مردی بیند که زن و میرا اقصیب بود چنانکه مردان را باشد دلیل که او را پیری آید که متره این بیت کرد و اگر مردی بد  
 که او را فح بود دلیل بر ذل و خواری و بد حالی وی بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مرد پیر در خواب دولت و بخت بود  
 مرد مراد دیدن مرد جوان و کرم و حیلت چو ریا که مرده بود مرد و اسنگ این سیرین رحمة الله علیه گوید مرد اسنگ در خواب بیماری  
 و اگر بیند که مرد اسنگ بخود دلیل که بیمار شود چنانکه بیم ملاکت باشد و اگر بیند که مرد اسنگ کسی بخشد یا بفروخت دلیل که از بخت  
 و بیماری برین شود و مرد اسنگ نزد بیماری و اندوه بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید مرد اسنگ در خواب بر سه وجه بود یکی  
 دوم بیماری سوم عقوبت و شکنجه مردن در خواب و انبیا علیه السلام گوید اگر بیند که مرد و مردم بر وی میگریستند و زاری  
 میکردند یا بر ایستند و در کفن چیدند یا بر جنازه نهادند و بگور کردند یا بخیل دلیل بر خدا و او در دین بود و اگر بیند که او را اگر  
 برانچنین و بیرون آوردند بعد از آن که دروغ کرده بود و اگر بیند که او را دروغ کردند و گورنش از خاک پر کردند و مردم از سر کرده  
 بازگشتند دلیل که ویش هرگز با صلاح نیاید و بعضی گویند اگر بیند که مرد و زود بر جنازه نهادند و محال جنازه اش برداشتن خلق  
 بسیار از پس جنازه وی میرفتند دلیل که شرف و بزرگی یا بد و فرمان روا که او را تاب ایشان ظلم کند و اگر بیند که مرد و زنده بود و دلیل  
 که گمانی که کرده بود از آن توبه کند و بعضی گویند که عرش دراز باشد و اگر بیند که کسی او را گفت که تو هرگز نمیروی دلیل که شهید غر  
 شود و اگر بیند که نبرد و کسی بروی نگر نیست و از پس جنازه او کسی نبوده دلیل که آنچه از حقان او خراب شده باشد بر گزافاوت  
 نشود و اگر در خواب خود را در میان بیند و او را تصور باشد که ویراست که او مرده است دلیل که با مردان جا بل سفر

دلیل که اورا شادی رسد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر دشمن دارد و قهر کند این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بینیکه مرد مرا نبیند و دلیل که در آن

دلیل که او را فح بود دلیل بر ذل و خواری و بد حالی وی بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مرد پیر در خواب دولت و بخت بود

دلیل که او را فح بود دلیل بر ذل و خواری و بد حالی وی بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مرد پیر در خواب دولت و بخت بود



مانند آن سیرین رحمة الله علیه گوید هر که خوابد که بداند که حال وی نزدیک است اصلاح چگونگی است اگر مردگان صلاح و برادر و خاکی  
 میدادند و با وی سخنان نیکو میگفتند و کشته روی بود و دلیل که حال وی نزدیک است سبحانه و تعالی نیکو بود و اگر بیند که  
 مردگان با وی سخن ناخوش گفتند و روی از وی بگردانیدند دلیل که حال وی نزدیک است باری تعالی بد باشد و مغرب رحمة الله علیه  
 گوید هر که معفاجات و در خواب دیدن دلیل بر راحت مؤمن و عذاب کافرو و اگر معفاجات نباشد و درین بود و هر چند  
 که جان بکشد خود سخت تر بیند عذاب عقوبت بهتر بود و اگر بیند که بر کسی از او است دلیل که تاب کرد و اگر بیند که از پس جنازه وی نوحی  
 در هوا می شنید دلیل که بزرگی از آن شهر و سفر میرد و گمانی رخ گوید اگر بیند که مرد و او را بر جنازه بنهاند و خلق از پس جنازه او می شنید دلیل که خوش  
 و لایق بزرگی یابد و اگر مرد و بر جنازه کران بود دلیل که بر مردم قهر و تمکارب بود و اگر بیند که بر جنازه سبک بود دلیل که با خلق نیکو کند و اگر بیند که مرد  
 بر داشت وی بر و دلیل که مال حرام یابد و اگر بیند که زنده بود و او را بر تخت خواندند و آن تخت بر کف نهاده بود دلیل  
 که بخیر است یا و شاه بود و دوازده وی منفعت و راحت یابد و اگر بیند که مرد و زنده شد دلیل که آن شهر خراب گردد و اگر بیند که مرد  
 باره مرد و دلیل که از فرزندان او کسی بمیرد و اگر بیند که فرزندی از آن او مرد و دلیل که او اگر شود و دین گویند که از دشمن این شود  
 و اگر بیند که پدر و مادر وی مرد و دلیل که کارش شوریده شود و اگر زنی بیند که آکستن بود و مرد و مرد و وی میگردانند  
 دلیل که او را پسری آید و تمجیل است رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرد و بار دیگر مرد و برکت گیرد و بلکه بهتر میگردد دلیل  
 که از اهل بیت وی یکبار زنی کند و شادی و خرمی بود و اگر بیند که برکت وی زمان و مردان و خان برداشتن و نوحه میگردد دلیل  
 که اهل بیت او را غنی و اندوهی رسد و اگر زنی بیند که مرد و او را بشنید و بر جنازه نهاده و دلیل که سخن نیکو گوید و اگر بیند که او  
 و من کرد و دلیل که بد باشد مرد و زنده شدن که بانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرد و زنده شد دلیل که حال وی  
 نیکو شود و خاصه که مرد و را شاد و کشته روی بیند و اگر زنده را مرد و بیند دلیل که حال بروی بد باشد خاصه که ترس  
 بود و اگر کسی بیند پدر خود را که مرد و است زنده و خرم و کشته روی با جامه پاکیزه بیند دلیل که دولت و اقبال  
 و کارش سهاخته گردد و اگر مرد را زنده بیند دلیل که از غم فرج یابد و اگر زنی بیند که پسری زنده شد دلیل که غایتش از سفر بماند  
 و اگر بیند که مرد و بیکانه زنده شد دلیل که احوال خویشان آن مرد و نیکو شود و اگر بیند که زنده بود و تا ویش بخلاف این بود  
 و اگر بیند که مرد و را زنده کرد و دلیل که کافریست و می مسلمان شود و مغرب رحمة الله علیه گوید اگر کسی مادر و پدر خود را ترس  
 و غمگین و با جامه های چرکین بیند دلیل که دولت و اقبال وی نقصان گردد زیرا که در ساری حق است هر صفت کسی مرد و  
 در خواب بیند دلیل بر احوال زنده بود و اگر کسی پدر خود را یا پدر و مادر خود را کشته روی با جامه های پاکیزه بیند دلیل که  
 بسیار یابد و اگر برادر خود را چنین صفت که کردیم زنده بیند دلیل که شرف و بزرگی و جاه یابد و اگر بخلاف این بیند تا ویش  
 بخلاف این بود و گمانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی مرد و را در خواب دید و پرسید که تو مرده گفت نه بلکه زنده ام و دلیل که سخن  
 مرد و نیکو دران جهان باشد و حق سبحانه و تعالی از وی خوشنود باشد و تعالی و لا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا

خواب

از خواب

بَلْ أَحْيَا عِنْدَ رَبِّهِمْ يُؤَدُّونَ فَرَجَيْنَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَإِنَّ آيَةَ دَلِيلٍ سَتَبْرَأُكُمْ مِنْ هَرَجِهِ مَرْدُودٌ  
 گوید و اگر بیند که مرده خرم و شادمان بخانه خود رفته است دلیل که صدقه و دعا بدو میرسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که  
 مرده بخانه خویش در کنار گرفت دلیل که تنه است و سلامت بود و اقبال و دولت یابد و از آن مرده بخانه خویش او  
 بود و دعا و صدقه از وی چشم دارد و اگر کسی مرده از اهل بیت خود شادمان بیند دلیل که حال اهل بیت وی بشادی و  
 خرمی بود و اگر مرده را ترش روی و غمگین بیند تا و پیش مخالفین بود و اگر بیند که مرده از اهل بیت خود بر روی حسرت و  
 بلوی مناظره میکرد دلیل یا روی بر داشت دلیل که امر زده و حسرت کرده باشد و وصیت او بجا نیامده و زده باشد و اگر  
 بیند که مرده شاد و خندان بر روی است یا آمد دلیل که دعا و صدقه بدو رسیده است و اگر مخالفین بیند دلیل که در حق وی  
 تقصیر کرده باشد و اگر بیند که مرده با وی نیکو گفت دلیل که حال وی نیکو گردد و اگر سخن بدگفت یا او را وصیت کرد تا و پیش بدش  
 و اگر مرده با وی سخن از علم و حکمت گفت یا او را مسو عظمه کرد و پند داد دلیل بر خیر و صلاح وین و دیانت خداوند خواب بود و اگر  
 را بهتر و نیکوتر بیند از آنکه در زندگانی بود و جامه پاکیزه داشت دلیل که خاومت کارش بخیر و سعادت بود و اگر مخالفین بیند  
 دلیل که مرده از غضاب خدا تعالی امین باشد و عاقبت محمود بود و حاطت بر او اگر بیند که مرده دست در گردن او زد و در کنار  
 گرفت دلیل که عمرش دراز بود و اگر بیند که مرده التفات نکرد و سخن نگفت دلیل که بیننده را از بهروی صدقه باید داد و او را بدعا  
 یا کند و اگر مرده را ترش روی و غمگین بیند دلیل که عاصی و گناهکار بود و اگر مرده بخندید و باز نگوشت دلیل که آن مرده مسلمان مرده  
 و اگر مرده سیاه رو بیند دلیل که کافر مرده باشد قوله تعالی فَأَمَّا الْكَاذِبُ الْفَاسِقُ فَذُوقْ وَجْوهَهُمْ أَكْرَهَتَهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ  
 الْقَذَابِ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ و اگر مرده را در مانده و بیجا مرده بیند دلیل که حال مرده بد باشد اسمعیل اشعث حمله شد علیه  
 اگر بیند که مرده در نماز بود و دلیل که امر زده و زندگی استغفار بسیار کرده باشد و متعبران گفته اند که مرده را بجای حاجت ثواب است  
 دلیل که بیننده خواب طباعت و نماز کامل باشد و اگر مرده را در جائیکه زندگی نماز کردی در نماز دید دلیل که پاک و پیر مرده و صلاح  
 عاقبت زنده بود و مرده چیزی را و آن و انبیا علیه السلام گوید اگر بیند که مرده ویرا چیزی از شمع دنیا و دلیل که از بجا  
 که امید دارد چیزی بوی رسد و اگر بیند که مرده چیزی را خوردنی و آشامیدنی بود یا در بخور و دلیل که روزی ملال یا در نماز و دلیل  
 بخلاف این بود و اگر بیند که مرده از جامه خود چیزی بوی داد و در پوشید دلیل که او را از مال و نفس غم مانده و رسد و اگر جامه پوشید  
 و پنهان مرده در پوشید دلیل که از دنیا رحلت کند این آخرین رحله است علیه گوید اگر بیند که مرده دو جامه بسته و بدو داد و از آن جامه  
 در پوشید و باز پیرون کرد و بر دم داد دلیل که او هیچ زیان نبود بلکه مالش زیادت کرد و اگر بیند که جامه خود بر دم داد و گفت  
 که جامه بدو زیاده است یا بجا دارد دلیل که او را غم مانده و رسد و اگر بیند که مرده جامه خود را بجا ریت بدو داد و دیگر باره از وی  
 طلب میکرد دلیل که آن مرده را کرد و از جامه باشد و اگر مرده جامه کهنه بدو داد و دلیل که خداوند خواب در ویش کرد و اگر جامه نبود که بپوشد  
 دلیل که عزت و بزرگی یابد و اگر مرده او را جامع کلام الله یا کتاب فقه و آنچه بدین ماند و او دلیل که توفیق خیرات و طاعات یابد و اگر

این  
 است

او چیزی را

مرده جامه میفروخت دلیل که انجامه کران کرده و اگر چیزی برده می بخشید و قبول نموده دلیل که او را حضرت وزیران رسیده و نه  
 این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی مرده را بدجال و نالیده ببیند دلیل که از کرده و بدکه در دنیا کرده باشد از وی سوال کند و اگر مرد  
 را بجا ببیند دلیل که او را از دین و ایمان سوال کند و اگر مرده از در و سر بینا ببیند دلیل که از بجهر بگوید در دنیا کرده باشد و از سوال  
 بعضی گفته اند که تقصیری که در حق مادر پدر کرده است و از سوال کند و اگر از در و دندان می نالید دلیل که از غیبتی که در حق  
 زعم کرده باشد و از سوال کند و اگر از در و چشم بینا ببیند دلیل که نظر بر عیال مردم در دنیا کرده باشد از آن سوال کند و اگر در و گوش بینا ببیند دلیل که  
 سخن خوش شنفته باشد و دنیا و از آن سوال کند و اگر از در و دست بینا ببیند دلیل که آنچه در دنیا در حق زنان و برادران کرده باشد و از سوال کند  
 و اگر از در و پهل بینا ببیند دلیل که آنچه در دنیا در حق زنان کرده بود و از سوال کند و اگر از در و پشت بینا ببیند دلیل که مادر پدر کرده باشد و از  
 سوال کند و اگر از در و عورت بینا ببیند دلیل که آنچه در دنیا از زنا و فساد کرده باشد و از وی سوال کند و اگر از در و سرن بینا ببیند دلیل که آنچه در حق  
 خویشان از سفر و حضر کرده باشد از وی سوال کند و اگر از در و ساق و پاهای بینا ببیند دلیل که در دنیا کرده باشد از وی سوال کند  
 و جماعت کردن بامرده و جعفر صادق رضی الله عنه گوید مثل این خواب نیست که اگر بامرده جماعت کند  
 منی از وی بیرون نیاید و جدا نشود تا وی آن خواب بر صواب و درست آید و چون غسل واجب شد تا وی پیش باطل باشد  
 و اگر بیند که بامرده جماعت کرد دلیل که از جانی که امید ندارد و امیدش بر آید و اگر بامرده و خواهر که مرده بود و جماعت  
 کرد دلیل که از جانی که امید ندارد و امیدش بر آید و اگر بامرده و خواهر که مرده بود و جماعت کرد دلیل که صدقه و لوا  
 بدان مرده برسد و اگر بیند که بامرده که اهل حرمت بود جماعت میکرد دلیل که از آن مرده چیزی بوی رسیده و اگر مرده را  
 بشنود بوسه میداد دلیل که زن خود را زهر مرده خیری کند یا او را بدعا یا و کند و اگر بامرده جماعت کرد دلیل که از مال  
 مرده چیزی بوی رسیده پس مرده شدن کرمانی رحمه الله علیه گوید از پس مرده شدن دلیل که اگر مصلح و پارسا  
 بود راه او گرفته و اگر فاسق بود راه و میرت او گیر و اگر نداننده مرده مصلح بود یا مفسد و انبی وی میشد دلیل که بیا  
 شود و حاجت شفا یا به مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مرده و بر بانهت جواب داد و مرده را ندید دلیل که از دنیا  
 زود برود و اگر بیند که در پس مرده بسرانی مجهول در شد دلیل که بمیرد و اگر مرده را گفت که فلان وقت پیش من بیاف  
 که بیایم دلیل که در فلان وقت رحلت کند و قتی که مرده مصلح و راست گوئی بوده باشد و اگر بیند که مرده او را بسپرد  
 خواند و او را منع ننهاد دلیل که وفات او بود و اگر بیند که مرده را بسپرد خود خواند و او را بسپرد مرده زلفت دلیل  
 که بیمار شود و شفا یابد و اگر بیند که مرده او را به بازار برود دلیل که کسب و معیشت او نیکو گردد و سمعیل اشعث رحمه الله علیه  
 گوید اگر کسی خود را در میان مردگان ببیند دلیل که از معروفی نمی شنود و از وی نشنود و اگر بیند که بامرده دوستی گرفت  
 دلیل که بسفر رود و در آن سفر دولت و اقبال و شادای و غمخیزی یا بدو اگر بیند که میان مردگان بود چنانکه خیال میان  
 کسی دیگر زنده نبود دلیل که با گروهی جماعت کند که دین ایشان نغسا بدو و اگر بیند که او را بسپرد چو ایشان مرده

مرده جامه میفروخت  
 این سیرین رحمه الله علیه  
 گوید اگر کسی مرده را بدجال  
 و نالیده ببیند دلیل که از کرده  
 و بدکه در دنیا کرده باشد از وی سوال  
 کند و اگر مرد را بجا ببیند دلیل که او را از دین و ایمان سوال کند و اگر مرده از در و سر بینا ببیند دلیل که از بجهر بگوید در دنیا کرده باشد و از سوال

مرده جامه میفروخت  
 این سیرین رحمه الله علیه  
 گوید اگر کسی مرده را بدجال و نالیده ببیند دلیل که از کرده و بدکه در دنیا کرده باشد از وی سوال کند و اگر مرد را بجا ببیند دلیل که او را از دین و ایمان سوال کند و اگر مرده از در و سر بینا ببیند دلیل که از بجهر بگوید در دنیا کرده باشد و از سوال

مرده جامه میفروخت  
 این سیرین رحمه الله علیه  
 گوید اگر کسی مرده را بدجال و نالیده ببیند دلیل که از کرده و بدکه در دنیا کرده باشد از وی سوال کند و اگر مرد را بجا ببیند دلیل که او را از دین و ایمان سوال کند و اگر مرده از در و سر بینا ببیند دلیل که از بجهر بگوید در دنیا کرده باشد و از سوال

دلیل که در دین او نیت فساد بوده اگر بیند که روی مردگان طعام خوردند دلیل که در آن غذا یا طعام گران شود و حفظ مقبره رحمة الله علیه  
 گوید اگر کسی بیند که پاره این مرد میخورد و دلیل که از زمین بکنی یا بدو اگر بیند که مردگان مجهول را بشنید کردن همیزد اگر مصطفا  
 بود و دلیل که مردم بدست وی توبه کنند و از کردار بد باز آیند و بعضی معتبران گویند که بامروءه مباحثه و مناظره کند و همه را دلیل  
 و حجت غلبه کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که مرده او راه می رود و دلیل که راه شریعت در یاد او اگر بیند که مرده خود را می  
 دلیل که خویشان او از غم رسته کردند و اگر بیند که مرده را بر زمین میکشید و دلیل که از کسب حرام خورد و مال بسیار یا بدو اگر بیند که مرده  
 را پر داشت دلیل که مال حرام یا بدو اگر بیند که مرده گنازنده میکرد و دلیل که و باغی کند و اگر بیند که بامروءه در یک خانه خفته بود  
 دلیل که عمرش دراز بود مرده را حجاج بن ابی سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مرده جامه سبز پوشیده بود و دلیل که با نیت  
 از دنیا رفته باشد و اگر بیند که جامه سپید داشت دلیل که درجه او نیکو باشد و اگر بیند که جامه سیاه پوشیده بود و دلیل که  
 بد باشد و جامه و زرخیان سیاه باشد و اگر بیند که جامه سرخ پوشیده بود و دلیل که بد باشد و اگر بیند که جامه زرد یا کبود پوشیده  
 بود و دلیل که بیننده خواب را غم و مصیبت بود و اگر جامه زنده پوشیده بود و دلیل که بوقت زندگی بیننده را با او مصیبت  
 باشد و حق بجانب مرده بود و اگر بخوابان بیند حق بجانب زنده بود و بعضی از معتبران گویند زنده در خواب چون مرده را  
 جامه بد پوشانید دلیل که اجلش رسیده باشد تاویل کفن مرده که تانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مرده معروف است  
 کفن کند دلیل که در دنیا طریقت آن مرده پیچیده اگر عالم بود بعلم و اگر مالدار بود بمال و اگر نجواب بیند که مرده را کفن بکند و دلیل که  
 آن مرده در کور زنده بود و حال آن مرده در کور نیک بود و اگر بیند که مرده را کفن کرد و دلیل که از خویشان آن مرده یکی را جامه  
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید مرده در خواب برشته وجه بود یکی مال دو م ظاهر شدن کار مشکل سوم فساد دین و اگر بیند که  
 مرده نگر نیست دلیل که عمرش دراز بود و لیکن بر سرایش خرابی افتد و اگر بیند که مرده زنده شد دلیل که کار مشکل بودی ظاهر  
 کرد و چنانکه اگر مغرول بود عمل یا بدو اگر پادشاه بود علم و حکمت زیادست و اگر دوامید یک و اگر دو دار شغل بر او بود یا  
 یا بدو قوله تعالی فاما لله ما ناته حاتم بحثه الا ینه مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که همتری یا عالمی زنده شد  
 بود و دلیل که ذنب یا سیرت زنده شود اگر نیک باشد یا بد باشد و اگر بیند که مرده او را آغوش گرفت دلیل که عمرش دراز شود  
 و کایش بالا گیرد و اگر بیند که چیزی مرده داد و دلیل که آنچه غریز کرد و نیت او گران شود و نیز گویند که مرده آمرزیده شهب بود و اگر بیند  
 که مرده از وی طعام میخورد دلیل که مرده از وی صدقه چشم دارد و مرز نکوش ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مرده  
 می پوشید و دلیل که او را پسری آید مبارک و مؤمن که از خداوندان علم و فرهنگ باشد و اگر بیند که مرز نکوش از جای خود بر  
 دلیل که پیشتر بیمار کرد و اگر فرزند نداشت و او را غم فاند و درسد و اگر بیند که در مینی که ملک وی بود مرز نکوش بسیار رسته بود و دلیل  
 که او را مردم مصلح بسیار باشد که تانی رحمه الله علیه گوید و رحمت مرز نکوش در خواب کسی بود که اهل خانه او را دوست داشت و اگر بیند  
 که مرز نکوش نبرد بود و در زمین او رسته بود و دلیل که کسی از اهل بیت او دوست داشتش شود و اگر بیند که مرز نکوش زرد پیر مرده بود و دلیل

بسیار

آدمی

مغرب

تاریک

که آنکس منفرد و بدبخت بود مرغ ابن سیرین رحمه الله علیه گوید هر چند که مرغ در خواب بزرگتر بود دلیل که بهشت در آنجا طلب کند که  
 عظیم تر باشد و اگر ببیند که مرغ آن بسیار در جایگاهی بانگ میکند و دلیل که اهل آن موضع را غم مصیبت رسد و اگر ببیند که خانه مرغ  
 داشت دلیل که او را فرزندی آید که آنی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که مرغ با وی سخن گفت دلیل که کارش بلند شود و اگر ببیند  
 که مرغ در دست او برود دلیل که اندوگین شود و اگر ببیند که باز بر پشت مرغ بنهد و برود دلیل که بدان مرغ منسوب باشد  
 او را مصرت رسد و اگر ببیند که مرغی تازه گوشت از اندام وی بر بود دلیل که مال او بزرگتر باشد و اگر ببیند که گوشت از اندام خود میبرد  
 پیش مرغ می افکند دلیل که از مال خویش چیزی بکسی بخشد و اگر ببیند که مرغی پاره گوشت با استخوان در پیش می افکند دلیل که مال آن  
 و بد آنکه تاویل هر مرغی دلیل کند بر آنکس که مرغ بد منسوب بود و این با قول بیان کرد و ایم مغربی رحمه الله علیه گوید هر مرغی که  
 نحاس بود که غلام و کثیرت فروشد استعین اشث رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که مرغ آن مختلف در شهری گرد آمدند دلیل که  
 لشکری بیگانه در آنجا رسد و اگر ببیند که مرغ چترهای وی بر کند دلیل که در دین او ارکشی تباهی رسد و اگر ببیند که خون مرغ  
 میخورد دلیل که بقدر آن نقصان مالش رسد مرغ ابی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مرغابی در تعبیر بهتر از مرغ آن دیگر است  
 و اگر ببیند که مرغ ابی فرا گرفت یا کسی بویاد و دلیل که مال و نعمت و بزرگی یا بد و بکام دل برسد و اگر ببیند که مرغ ابی بسیار در چرخ  
 شد و دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و هر دشمن ظفر یا بد که آنی رحمه الله علیه گوید مرغ ابی معیشت بود و اگر ببیند که مرغ ابی بخت  
 یا کسی بویاد و دلیل که بقدر آن مال و بزرگی یا بد و استخوان وی همه مال و نعمت بود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که مرغ ابی  
 بجای می نشست دلیل که در آنجا مصیبت و غم بود و اگر ببیند که بچه مرغ ابی را گرفت یا کسی بویاد و دلیل که او را فرزندی آید و حقیقت  
 صادق رضی الله عنه گوید دیدن مرغ ابی در خواب بر چهار وجه بود یکی مال و دوم بزرگی سوم رناست چهارم فراموشی و زاری  
 که مرغ ابی گاهی در هوا و گاهی در زمین و گاهی در آب باشد چنانکه خدا در این سبب است که هر که مرغابی در خواب ببیند هر  
 مرادیکه خواهد بیا بد هر دو مان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر ببیند که مردمان بسیار جامه های سفید پوشند و دلیل بر این است که  
 و پاک دینی بوی بود و اگر ببیند که مردمان جامه های سیاه و چرکین داشتند تا و پیش خلاف این بود و اگر ببیند که جامه های کبود داشتند  
 دلیل بر مصیبت و اندوه بود و اگر ببیند که جامه های نو و فراخ داشتند دلیل بر عیش و فراخی نعمت بود و هر غر از ابن سیرین رحمه  
 الله علیه گوید اگر کسی بجواب مرغاری ببیند که جوهر نباتی او نشسته و دلیل بر دین و اسلام او بود و اگر ببیند که میان مرغار  
 بود و آن مرغار ملک او بود بقدر مرغار دلیل بر عقاود دین پاک وی باشد و اگر مرغار ملک دیگران بود و او نتوانست  
 دلیل بر صحت و باندگان باشد و اگر ببیند که در مرغاری خوش و خرم میکشید که عیش بروی فراخ شود و کار او بنظام گردد  
 و مرغار در خواب مردی بزرگوار بود بقدر بزرگی و نیکی و اگر مرغار سبز و پاکیزه ببیند و اندک ملک است و دلیل که او با  
 بامردی بزرگ پیونددی بود و از وی خیر و منفعت یا بد و اگر ببیند که بوقت بهار در میان مرغاری بود خوش و خرم و کله و زبان  
 در وی شکفته بود و جوی آب در وی روان بود و دلیل که مرگ وی با شهادت بود و اگر بوقت بهار مرغاری ببیند با شهادت

سبب  
 در آنجا

بخت

او

او

معروف یا مجهول که گل و ریاحین از وی سبز شده بود و دلیل که او را با مردی بزرگ صحبت افتد که آنرا از خدمت چشم خویش جدا  
مانده بود و اگر مرغزاری خوش و خرم بیند از سبزه و گلها و آب روان بیاید و آن مرغزار را از هیچ برکنده و خراب گردانید که  
پادشاه آنرا در امرک مغاجات رسد مغربی که گوید اگر بیند که در مرغزاری درون شده و دران جاشیلین دید و دلیل که پادشاه آنرا ظاهر  
و شکر بود و اگر دران مرغزار گویند و دید دلیل که پادشاه آنرا را مال بسیار حمله شود و اگر دران مرغزار کوان و خزان دید و دلیل که لشکر پادشاه برینجا  
و برایشان عتقاد شد و اگر بیند که در مرغزار گل و ریاحین جمع کرد و بخانه برد و دلیل که او را پادشاه خیر و منفعت رسد و عتقاد شد که پادشاه  
مرغزار و خوابان بود و اگر بیند که در مرغزاری سبزه خرم رفت و در آنجا مقام کرد و دلیل که در آنجا از پیغمبر و خبر وی بزرگی کند و اگر بیند که مرغزار خرم  
بود و دلیل خلاف این بود و جعفر صادق علیه السلام گوید دیدن مرغزار و خواب بر بخت و بخت بود و دلیل که در آنجا عتقاد شد و منفعت و نظام  
چهارم پادشاه پنجم مرد بزرگوار ششم خیر و منفعت یافتن مراد و امر به عین برین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خواب ببیند که مردم را از  
خسته و دلش مینهد و دلیل بر خیر و صلاح کار دین او باشد و اگر بیند که مردم میخورند و دلیل که حرام خوردن او و مضرت بد و رسد  
و اگر مردی بیند که مردم بکسی داد و دلیل که فرزندان مردم را خیر و منفعت رسد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مردم براندازند خسته یا  
ریش نهد و آن مردم گوشت میخورند و دلیل بر نقصان مال می بود و مر و ارید و انیال علیه السلام گوید مر و ارید و در خواب فرزند  
یا فرزند کینک بود و این سیرین رحمة الله علیه گوید مر و ارید و در خواب کینک خبر وی بود و این باجمالی اگر بیند که مر و ارید بسیار  
چنانکه در شمار نیاید و دلیل که بقدر مر و ارید او منفعت رسد و بعضی معبران گویند که چون مر و ارید بر آنکه بیند دلیل بر سخن حکمت  
بود و بعضی گفته اند دلیل بر سیران و دختران بود و این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر چنین بیند و دلیل بر زنان و دختران کند و اگر  
که مر و ارید بسیار داشت و دلیل که بقدر آن مال بایزد و اگر بیند که از دامن وی عقد مر و ارید بیرون آمد و دلیل که از دامن وی کلام  
از علم و حکمت و مثل آن بیرون آید و اگر بیند که مر و ارید میخورند و دلیل که علم و توحید و سخن حکمت را بپوشانند یا ترافا فراموش کنند و اگر  
بیند که در منزل یا در راه عقد می خورد و دلیل که مر و ارید کسرت و بیست و دلیل که در راه علم و حکمت و تالیف بسیار بود و مردم از کلام وی  
علم و دانش حاصل کنند و اگر بیند که بجای هر نیم مر و ارید میخورد و دلیل که علم و حکمت بسیار بر مردم آموزد که سبزی علم و حکمت  
و اگر بیند که مر و ارید بسیار داشت و او دیندار و پارسا بود و دلیل بر زیاده وین و دیانت وی کند و اگر تو اگر بود و دانش زیاده داشت  
که با فی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مر و ارید داشت و دلیل که او را فرزندی خویشی آید چنانکه حق سبحانه و تعالی در کلام مجید فرمود  
است **كَانَ نَهْمُهُ لَوْ لَوْ مَكُونٌ** و اگر مر و ارید بزرگ بیند چنانکه از حد گذشته بود و دلیل که مال بسیار او حاصل گردد و اگر بیند  
که مر و ارید را بفر و خت و دلیل که علم و قرآن فراموش کند و اگر بیند که مر و ارید در دامن انداخت و فر و بر و دلیل که او را حق تعالی  
علم و حکمت روزی کند و اگر بیند که مر و ارید را بجای مجهول بیند و دلیل که در حق کسی کاری کند که آنکس قدر آنکار نداند و اگر  
بیند که عقد مر و ارید در دست بسته داشت و دلیل که مر و ارید غریب آید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مر و ارید بسیار داشت  
و دلیل که حق سبحانه و تعالی او را علم و قرآن و حکمت روزی گرداند و اگر بیند که از دامن وی یک یا یک مر و ارید بر آنکه بیرون می آید و دلیل

سخنهای نیکو گوید و مروت از به پسندد و اگر بیند که عقد مروری از دست او بیفتد و شکست دلیل که بسیار گوید سهیل شمس  
 علیه که دیگر بیند که مروری بدست رسد و آن با بجای پیدا کند دلیل که علم و حکمت و پیش مردم نادان گوید و اگر بیند که مروری بدست آید  
 یا شکست دلیل که کاری کند که خلاف شرع بود و اگر بیند که مروری در زیر پای وی شکست دلیل که فرزندش بسیر و اگر بیند  
 مروری در قصبه وی بیرون آید و آن مروری در سوراخ نداشت دلیل که او را دختری آید و اگر بیند که عقد نامی مروری در کوفت  
 دلیل که از هر که نه علم حاصل کند و اگر در کردن کسی بست دلیل که آنکس را علم و حکمت آموزد و اگر بیند که گوشواره مروری در هر دو  
 داشت دلیل که قرآن حفظ کند و اگر بیند که مروری در بخور داشت دلیل که بقدرا آن مال حاصل کند حافظ مغربی رحمه الله علیه گوید  
 بیند که مروری در فروشی میکرد دلیل که آنکس با پسران و صاحب بود و از هر علم او را بهره باشد و اگر آنکس از اهل علم نبود دلیل که او را فرزند  
 بسیار حاصل شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید ویدن مروری در خواب برش وجه بود یکی قرآن و دوم حکمت و فرسنگ سوم مال  
 چهارم زن چشم گیران با جمال ششم فرزند نیک و مروری در فروش و خواب کسی بود که فرزند آن مال بسیار دارد و علم و شرف و جاه  
 مروری در آن باب سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مروری در خانه وی کار میکرد و دلیل که ویرا با خویشان پادشاه و محبت  
 افتد و از ایشان مفارقت جوید مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در خانه کسان مروری میکرد و دلیل که بجاری صاحب خانه  
 شود و خدا و در خانه را کسی خصوصت افتد و اگر بیند که مروری در خانه وی کار میکرد و دلیل که غمگین شود و سهیل شمس رحمه الله  
 علیه گوید اگر بیند که مروری در خانه وی خاک میکشید و دلیل که بقدرا آن مال و نعمت حاصل شود و اگر بخلاف این بیند  
 و دلیل که مال وی نقصان شود و شرکان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید شرکان در خواب نگه داشتن بین باشد اگر کسی بخواب بیند  
 شرکان وی جنبید و دلیل که بیمار شود و اگر بیند که شرکان چشم فرو ریخت دلیل که در دین وی فساد بود و کافی رحمه الله علیه گوید  
 بیند که شرکان چشم وی باز نماند و دلیل که بقدرا آن مال و از آن مال بود و اگر بیند که شرکان چشم وی جنبید و دلیل که بیمار شود  
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شرکان در خواب بر چهار وجه بود یکی نگه داشتن دین دوم دوستی و موافقت سوم مال  
 و روزی چهارم خرمی بقدرا فرزند فی الجمله بر خیر و شر که بر شرکان بیند و دلیل برین چهار وجه بود و هر قور ابن سیرین رحمه الله  
 علیه گوید مروری در ناخوش بود و در آن چربی باشد و دلیل بر خیر و منفعت کند و چون ترش و ناخوش بود و دلیل  
 حضرت و غم بود مس ابن سیرین رحمه الله علیه گوید پس از خیمه جهودان باشد و اگر بیند که مس داشت دلیل که بقدرا آن مال  
 مال حاصل شود و کافی رحمه الله علیه گوید آنکه مس در شراب و افشاء و آنچه بدین مانده و دلیل که خدای بود و خرمی رحمه الله  
 علیه گوید اگر بیند که مس یکدخت و صاف پاکیزه کرد و دلیل که کاری مشکل بردست وی کشاد کرد و گوید که مال حلال است  
 دست آورد و مستی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مستی در خواب مال حرام بود و در نماز کجایی کرد و چنانکه در کلام مجید فرمود  
 تَبٰرَكَ الَّذِي يَأْتِيهَا الْدِّينُ اَمْثَلًا كَثْرًا وَ اَقْوَمًا وَ اَكْمَلًا وَ اَكْثَرًا وَ اَكْمَلًا وَ اَكْثَرًا وَ اَكْمَلًا وَ اَكْثَرًا وَ اَكْمَلًا وَ اَكْثَرًا وَ اَكْمَلًا وَ اَكْثَرًا  
 شرب بود و دلیل که بقدرا مستی ترس و عظیم بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید مستی در خواب بر چهار وجه بود یکی مال دوم

سوم تا توانی و نقصان چهارم ترس و بیم بقدر آن مسجد این سیرین رحمة الله علیه گوید مسجد آبادان تاویل روی عالم بود که  
 مردم نبرد یکت او بسیار آید از بهر صلاح و حق تعالی در کلام قدیم فرموده و قوله تعالی وَ مَسَا جِدْ یُنْ کَوْفِهَا اَسْمَ اللّٰهِ کَثِیْرًا  
 اگر بنید که مسجد بنا کرد و دلیل که از بهر سلیمان خیر و نیکی کند و از آن اورا اجر و ثواب بزرگای قومی بر کار خویش جمع آورد و یا قومی بر  
 و شریعت بداد و مغزنی رحمة الله علیه گوید بنای مسجد در خواب نهادن زن خواستن بود و اگر بنید که مسجدی بنا کرد و اگر بنیاد تمام کرد  
 دلیل که زن حلال خواهد از آن دیدار و پارسای بود و اگر بنید که چراغ مسجد بکشت و دلیل که فرزندان اش پیروزند و اگر بنید که در مسجد جامع  
 نشسته بود و پیرامن و سبزی رسته بود و دلیل که بروی کساها بر نهد که در وی نباشد که آتی رحمة الله علیه گوید اگر بنید که کسی او را  
 مسجد باز داشت و دلیل که آنکس بر وی ستم کند و اگر بنید که در مسجد نماز میگذارد و در وی شوی قبله نمود تا ویش بدو اگر  
 بنید که در مسجد دست و روی می شست دلیل که مال خویش در آن مسجد صرف کند و مرا و شرع حاصل شود و اگر بنید که مسجد پیش  
 دلیل که عالمی سیر و محبت شست رحمة الله علیه رحمة الله علیه گوید که بنا کردن مسجد در خواب خواست بود و جمع کردن مردمان  
 که در ضلالت باشند باز صلاح آمدن و غیبت کردن اعدا چنانکه حق تعالی جل و علا فرمود قال الذین غلبوا علی امرهم  
 لَنُخْزِنَنَّ عَلَیْهِمْ مِّنْجَلٍ و اگر بنید که جایگاهی از ملک می مسجد بکشت و دلیل که درین شرف و بزرگی یابد و خلق را  
 بدعت حق خواهد و اگر بنید که با قومی مسجد میرفت و دلیل که زنی ستیزی برنی کند و اگر بنید که در مسجد چراغی برافروخت و دلیل که او  
 فرزندی صالح آید و اگر بنید که در مسجد مکه یا در مسجد مدینه درون شد و دلیل که از همه ترس این گردد و جعفر صادق رضی الله عنه  
 گفته گوید و دیدن مسجد در خواب برد و از ده وجه بود یکی پادشاه دوم قاضی سوم عالم چهارم رئیس چشم امام ششم خطیب  
 هفتم مؤذن هشتم مسجد بنمیر دهم خیر و برکت یازدهم زن خواستن و از دهم نیکو کردن و اگر بنید که مسجد او بنیاد  
 می آید است و دلیل که مردم عالم از وی خیر و برکت یابند و اگر بنید که مسجد را عمارت میکرد و دلیل که درستی وین و ایمان وی بود و  
 بنید که در مسجد شد و دلیل که از خوف این شود قوله تعالی وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ اٰمِنًا مسجد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر  
 بنید که مسجد موزه میگرد و دلیل که او فرزندی عالم و فاضل آید و مردم تابع او شوند مغزنی رحمة الله علیه گوید اگر بنید که مسجد موزه  
 میکرد و دلیل که بمغز و دو در آن سفر مال بسیار بدست آورد و کارهای هی نظام کرد و مسکه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید  
 روغن تازه بنا و یا مال نعمت حلال بود و اگر بنید که مسکه فرا گرفت یا کسی نبوی و او از آن بخورد و دلیل که بقدر آن مال حلال  
 یا بد که آتی رحمة الله علیه گوید مسکه خوردن در خواب گواهی رست و اودن بود و اگر مسکه گو سپند در خواب بخورد و دلیل که او  
 مال و نعمت حاصل شود و مسکه کا و دلیل که آنسال بر وی مبارک باشد و بقدر آن خیر و برکت یابد فی الجمله مسکه جانوریکه  
 گوشت و حلال بود و دلیل بر مال حلال کند آنچه گوشت وی حرام باشد و دلیل بر مال حرام کند جعفر صادق رضی الله عنه  
 گوید مسکه در خواب دلیل بر چهار وجه بود یکی مال حلال دوم گواهی راست سوم علم و دانش چهارم مصیبت مسواک  
 ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بنید که مسواک کرد و دلیل که مال بخیرات خرج کند که در آن هیچ ثواب نباشد مغزنی

مسجد

مسجد

مسجد





بخلاف این بنید دلیل که ریج و زبان باشد مصطب این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مطالی میکرد و چینی از سر و دست  
 میزد و دلیل که ریج نامی حرام را بد چون فساد و طبل و آنچه بدین مانند میزد و دلیل که اندوگین شود و مصطبی کردن در خواب خیر و منفعت  
 معتبر خواب که از بود و مردی باشد که چون قاضی و مفتی و و خطا زیرا که این هر سه قوم خداوندگر به وزاری باشند و تفسیر دلیل ضای  
 کند همچون این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که همچون از بهر در و بهیاری می ساخت دلیل که مردم را از و خیر و منفعت باشد و اگر بیند  
 که همچون از بهر بهر تن بود و دلیل که از و بهر و مان خیر و منفعت رسد معده و این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که معده وی قوی و بی  
 آفت است و دلیل که زندگانی وی دراز بود و اگر بخلاف این بنید عرش که تا به بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید معده در خواب شش  
 وجه بود یکی مال حرام و دوم شبا عت سوم سخنی ناخوش چهارم فرزند چرخ زندگانی دراز ششم کار کردن و شفقتی که از و حاصل شود  
 بودن مغرور شدن این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از کاری مغرور شد مایکی ویرا مغرور کرد و دلیل که زنا عطا  
 و در اگر زن ناز و در تجارت زبانی کند معصه این سیرین رحمة الله علیه گوید و بدین معصه در خواب برسته وجه بود یکی بهیاری دوم  
 و اندوه سوم کارهای که از آن کار کردن ریج و سختی او را رسد معصه این سیرین رحمة الله علیه گوید معصه در خواب بهر دو و اندوه  
 و اگر بیند که معصی میکرد و کد و گنازه علم می آموخت و دلیل که با مردمان سخن حق گوید که آبی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که معصی میکرد و  
 کد و گنازه علم می آموخت و دلیل که شایسته پادشاهی نبود و در موضع خود او را سخن بر و اگر و جعفر صادق رضی الله عنه گوید معصی  
 کردن در خواب بر چهار وجه بود یکی فرار وائی دوم عروجه سوم بزرگی چهارم حکم کردن مغرور و انیال علیه السلام گوید مغرور و معصی  
 در خواب مالی بود که به خیره نماند و بود اگر بیند که مار و گزوم مغرور و می بخورد و دلیل که بقدر آن مال هر دم بخورد و استیلا تحت  
 رحمة الله علیه گوید مغرور در خواب ثانی فینه بود اگر بیند که مغرور کند و ناخوش خورده بود و دلیل که مال و حرام بود یا زکوة نداده یا  
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید و بدین جمله مغرور خواب برسته وجه بود یکی مال پنهان کرده دوم عقل سوم صبر و استیلا شدن  
 این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مبتلا شده بود چنانکه نیت است خواستن دلیل که در کار ضعیف و دست بود مغرور رحمة الله  
 علیه گوید اگر بیند که کسی را مبتلا کرد که عیش را گس تباه کند و مغرور بوی رساند مقراض ناخن گوید و در حرف نون میان بخیم  
 معصه این سیرین رحمة الله علیه گوید معصه در خواب و بدین شغل کسب می بود اگر کسی مقصد خود را در خواب بیند که بیرون آمد دلیل  
 که کسب و کاری تباه کرد و اگر بیند که سوراخ مقصد وی بسته شد دلیل که کار و کسب بروی بسته کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید  
 و بدین مقصد بخواب برسته وجه بود یکی کسب و کار دوم منفعت سوم معیشت مقصه این سیرین رحمة الله علیه گوید مقصه در خواب ثانی  
 شوی و مردان از آن بود اگر بیند که مقصه از سر وی جدا شد دلیل که شوهرش طلاق دهد و اگر مقصه سیاه بیند دلیل که شوهرش فاسق بود  
 و اگر سرخ بود شوهر وی محاش و طرب دوست بود و اگر گنبد بیند دلیل که شوهر وی مصیبت زده بود و اگر زرد بیند دلیل که شوهرش  
 بیمارگون بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید و بدین مقصه در خواب بر چهار وجه بود یکی زن دوم کنیز سوم خادم چهارم  
 از زمان و اگر مقصه که پسان یا پیشین بود دلیل که شوهر وی مصلح و پارسا و دیندار بود و مسلمان شدن این سیرین رحمة الله

در خواب بیند که ریج و زبان باشد مصطب این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مطالی میکرد و چینی از سر و دست میزد و دلیل که ریج نامی حرام را بد چون فساد و طبل و آنچه بدین مانند میزد و دلیل که اندوگین شود و مصطبی کردن در خواب خیر و منفعت معتبر خواب که از بود و مردی باشد که چون قاضی و مفتی و و خطا زیرا که این هر سه قوم خداوندگر به وزاری باشند و تفسیر دلیل ضای کند همچون این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که همچون از بهر در و بهیاری می ساخت دلیل که مردم را از و خیر و منفعت باشد و اگر بیند که همچون از بهر بهر تن بود و دلیل که از و بهر و مان خیر و منفعت رسد معده و این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که معده وی قوی و بی آفت است و دلیل که زندگانی وی دراز بود و اگر بخلاف این بنید عرش که تا به بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید معده در خواب شش وجه بود یکی مال حرام و دوم شبا عت سوم سخنی ناخوش چهارم فرزند چرخ زندگانی دراز ششم کار کردن و شفقتی که از و حاصل شود بودن مغرور شدن این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از کاری مغرور شد مایکی ویرا مغرور کرد و دلیل که زنا عطا و در اگر زن ناز و در تجارت زبانی کند معصه این سیرین رحمة الله علیه گوید و بدین معصه در خواب برسته وجه بود یکی بهیاری دوم و اندوه سوم کارهای که از آن کار کردن ریج و سختی او را رسد معصه این سیرین رحمة الله علیه گوید معصه در خواب بهر دو و اندوه و اگر بیند که معصی میکرد و کد و گنازه علم می آموخت و دلیل که با مردمان سخن حق گوید که آبی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که معصی میکرد و کد و گنازه علم می آموخت و دلیل که شایسته پادشاهی نبود و در موضع خود او را سخن بر و اگر و جعفر صادق رضی الله عنه گوید معصی کردن در خواب بر چهار وجه بود یکی فرار وائی دوم عروجه سوم بزرگی چهارم حکم کردن مغرور و انیال علیه السلام گوید مغرور و معصی در خواب مالی بود که به خیره نماند و بود اگر بیند که مار و گزوم مغرور و می بخورد و دلیل که بقدر آن مال هر دم بخورد و استیلا تحت رحمة الله علیه گوید مغرور در خواب ثانی فینه بود اگر بیند که مغرور کند و ناخوش خورده بود و دلیل که مال و حرام بود یا زکوة نداده یا جعفر صادق رضی الله عنه گوید و بدین جمله مغرور خواب برسته وجه بود یکی مال پنهان کرده دوم عقل سوم صبر و استیلا شدن این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مبتلا شده بود چنانکه نیت است خواستن دلیل که در کار ضعیف و دست بود مغرور رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی را مبتلا کرد که عیش را گس تباه کند و مغرور بوی رساند مقراض ناخن گوید و در حرف نون میان بخیم معصه این سیرین رحمة الله علیه گوید معصه در خواب و بدین شغل کسب می بود اگر کسی مقصد خود را در خواب بیند که بیرون آمد دلیل که کسب و کاری تباه کرد و اگر بیند که سوراخ مقصد وی بسته شد دلیل که کار و کسب بروی بسته کرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید و بدین مقصد بخواب برسته وجه بود یکی کسب و کار دوم منفعت سوم معیشت مقصه این سیرین رحمة الله علیه گوید مقصه در خواب ثانی شوی و مردان از آن بود اگر بیند که مقصه از سر وی جدا شد دلیل که شوهرش طلاق دهد و اگر مقصه سیاه بیند دلیل که شوهرش فاسق بود و اگر سرخ بود شوهر وی محاش و طرب دوست بود و اگر گنبد بیند دلیل که شوهر وی مصیبت زده بود و اگر زرد بیند دلیل که شوهرش بیمارگون بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید و بدین مقصه در خواب بر چهار وجه بود یکی زن دوم کنیز سوم خادم چهارم از زمان و اگر مقصه که پسان یا پیشین بود دلیل که شوهر وی مصلح و پارسا و دیندار بود و مسلمان شدن این سیرین رحمة الله

علیه که اگر مسلمانان بخوابند بیدار شوند و اگر کافر می بیند که مسلمان شده دلیل که  
 حقیقتی مسلمان روزی کند اگر بیدار شود و اگر کافر بیدار شود و اگر کافر بیدار شود و اگر کافر بیدار شود  
 گوید اگر بیدار شود و اگر کافر بیدار شود و اگر کافر بیدار شود و اگر کافر بیدار شود  
 دلیل که کسی را از فقر و فساد باز دارد و مسلمانان را از فقر و فساد باز دارد و مسلمانان را از فقر و فساد باز دارد  
 که بکار با ایستاده باشد و هر چه می بیند و بعضی معتقدان گویند که مسلمانان را از فقر و فساد باز دارد و مسلمانان را از فقر و فساد باز دارد  
 تو داشت دلیل که او را بامروزی بزرگ صحبت افتد و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود  
 او بصلاح آید و جمع شود و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود  
 خواب بر چهار وجه بود یکی مردی بزرگوار و دوم مردیکه بامردان عهد پیوند و سوم امیر یا والی چهارم مکرده و حضرت کارا ملک  
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید یکس و خواب دوم سخته و درویش بود اگر بیدار شود و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود  
 دلیل که اگر کسی سخته مال حاصل کند اما مضرت یا بد و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود  
 خاطر کرد و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود  
 بود اگر بیدار شود و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود  
 که مردم سخن وی گویند و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود  
 که حاسد از آفت کند و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود  
 حضرت رسد یکس انگبین ابن سیرین رحمه الله علیه گوید یکس انگبین و خواب مردی فراخ روزی و زنی کسب کنند  
 و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود  
 که بیدار شود و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود  
 دلیل که او را بقدر آن زبان و حضرت رسد و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود  
 و از آن فایده بیند مگر مسلمانان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خود را در که بیدار شود و اگر بیدار شود  
 که بیدار شود و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود  
 گوید اگر بیدار شود و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود  
 و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود  
 بخلاف این بود و طبع ابن سیرین رحمه الله علیه گوید که در خواب لشکر بود و طبع پنجه درم و دنیا بود و اگر بیدار شود  
 شهری یا در موضعی طبع پیدا شد و در آنجا مضرت رسانید دلیل که بقدر آن طبع در آنجا لشکر جمع شود و اهل آن موضع را  
 بلا و رحمت رسد که تانی رحمه الله علیه گوید اگر بیدار شود و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود  
 که بیدار شود و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود و اگر بیدار شود

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

دن و ده و اگر بینه که بیست و یک سال در دریا می جمع شد و نبات انجا خورد و دلیل که مان به قیاس در انجا جمع شود و همه  
 بتازاج ببرد و دلیل که خراب کنند منادی این میرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب ببیند که منادی گذشت و کلامش  
 موافق علم و حکمت بود و بر نفس خود صلاح و پارسا بود و دلیل بر خیر و بشارت کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بینه که  
 منادی بصلاح انجمنی کرد و دلیل که خیر و صلاح یابد و اگر منادی بخیر و نیای کرد و دلیل که مراد انجمنی نباید و اگر بشیر  
 و مناد بود تا ویش بخلاف این بود مناره این میرین رحمة الله علیه گوید مناره در خواب مردی بود که مردی از ارباب  
 دین خواند و اگر خواب ببیند که مناره بنا کرد و دلیل که کار خیر کند و جماعتی از اهل اسلام مجدداً رو و اگر بینه که مناره  
 و خراب کرد و دلیل که مسلمانان متفرق شوند و بعضی گویند که مؤذن آن مناره از دنیا برود و کافری رحمة الله علیه گویند  
 در خواب پادشاه یا مردی بزرگ بود و اگر در کوچه مناره ببیند و دلیل که بزرگی در آن کوچه برسد و اگر مناره از کج و آهنگ  
 دلیل که از منتهی سلطان بود و اگر مناره از پشت خام بود و دلیل که آن بزرگ از رعیت بود و دیندار و متواضع باشد و اگر مناره  
 از سنگ و آهک ببیند و دلیل که آن مهتر پادشاه شکر بود و اگر مناره از چوب ببیند و دلیل که آن مهتر سفلن و دین بدت باشد و اگر  
 مناره به نرد درسی دید و دلیل که آن مهتر عالم و فاضل بود و خلق را بخوار می شربت خواند و اگر بینه که مناره مسجد افتاد  
 و دلیل که از یکی بزرگان دین ملاک شود و میان خلق تشویش و پراکنگی افتد و اگر بینه که میان شهر مناره بود و دلیل که  
 کند و اگر بینه که سران مناره از منس یا برنج بود و دلیل که پادشاه ظالم و ستمکار بود و اگر بینه که سران مناره از زایزیم بود و دلیل که  
 پادشاه دروغ زن و مقبول و غدار بود و اگر مناره از پشت پخته بود و دلیل که پادشاه که نکش و شکسته بود و اگر خود را بر مناره  
 آید و بینه و دلیل که مقرب پادشاه شود و کارش به نظام شود و اگر بینه که بر مناره طعام نهاد و دلیل که در آن مناره  
 پدید آید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بینه که در مناره بود و بانگ نماز میگفت و دلیل که پادشاه خلق را عذو میکند و اگر  
 بینه که در مناره مسجد جامع بانگ نماز داد و دلیل که عمره آرد و اگر بینه که مناره بجنبید و دلیل که پادشاه بیمار گردد و اگر بینه که  
 پادشاه مناره را بنفیکند و دلیل که پادشاهی بیاید و آن پادشاه را قهر کند و ولایت از وی بستاند و جعفر صادق علیه السلام  
 عنه گوید دیدن مناره در خواب بر چهار وجه بود یکی پادشاه دوم مرد بزرگوار سوم امام چهارم مؤذن منسب  
 رحمة الله علیه گوید منبر در خواب سلطان اهل اسلام بود و خیر و شریک و منبر بینه که پیش بر سلطان کند و اگر خواب ببیند که  
 منبر شد و علم و حکمت و خطبه میخواند اگر از اهل نبی بود و دلیل که فرزندان یا کسی از خویشان او عالم شود و اگر بینه که بر منبر  
 میخواند یا سخن خلاف شریعت میگفت و دلیل که در میان اهل اسلام به بدی و بدعت رسوا گردد و بعضی از متقدمین گویند که  
 بر او را کنند و اگر پادشاهی ببیند که بر منبر بود و آن منبر بینه که پادشاه است و دلیل که از پادشاهی معزول گردد و اگر پادشاهی  
 الله علیه گوید اگر بینه که بر منبر شد و خطبه تمام بخواند و از منبر فرود آید و دلیل که از خطابت معزول گردد و اگر پادشاهی  
 ظالم و حکمت و علم در میان مردم میگفت و دلیل که رسوا شود زیرا که نماز اعلم گفتن و خطبه تمام خواندن در میان مردم و انچه

در خواب  
 مناره

مناره

مناره

و نیز مردان را خواندن هم میان زنان بد باشد و اگر بیند که از منبر بیفتد و اگر عالم بود یا جاهل دلیل که از حرمت بیفتد و در میان مردم خوا  
و حقیر شود و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که بر منبر نشاند و دلیل که عالم و مصلح و دیندار شود و بزرگی و عز و جاه یا بد و اگر غصب بود دلیل  
که او را بد زوی بگیرد و برادر کند و هر چند که منبر بزرگ تر و پاکیزه تر باشد منزلت و جاه بلند تر بود و جعفر صادق رضی الله عنه  
گوید دیدن منبر و خواب بر سرخ و چه بود یکی پادشاه و دوم قاضی سوم امام چهارم خطیب پنجم برادر کردن ششم بن سیرین  
رحمه الله علیه گوید اگر بیند که منجم شد دلیل که پیش پادشاه و بزرگان عزت یابد و منزلت و بالا گیرد و اما سخن دروغ و محال گوید چنانچه  
که در خواب سخن از احکام بخرد گفته باشد که فی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که سخن علم نجوم و سیاحت افلاک میگوید دلیل که پادشاه و  
بزرگان او را حرمت دارند و اگر بیند که سخن در احکام نجوم میگوید تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید سخن  
در خواب بر روی دروغ زن باشد که شکر خدا تعالی بخند منجبت بن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در شهر یا در قلعه مسلمان  
سنگ منجبت می انداختن دلیل که در پس مسلمانان سخنامی بد گوید و اگر بیند که در شهر یا در قلعه کافران سنگ منجبت می انداختن  
دلیل که ایشان را دشمن دارد و پیوسته سخنان ایشان میگوید و مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که پیران شهری منجبت بناده بودند  
و بنامی آن شهر را خراب میکردند دلیل که آن شهر را از دشمنان خطر بود و اگر بیند که منجم یا بشکست یا با تیش بسوخت دلیل که با او  
آن شهر بر دشمنان مظفر و منصور شود و اهل آن شهر از ترس و بیم این شود منبیل و ستار بود و این سیرین رحمه الله علیه گوید منبیل که  
خادم بود و هر زیادت و نقصان که در وی بیند بخادم باز گردد و اگر بیند که منبیل نبود داشت یا کسی بود یا دلیل که او را خادمی حاصل شود  
و اگر منبیل بنزای سفید بود و دلیل که خادم وی با وی نیست بود و اگر منبیل سرخ بود و دلیل که خادم وی معاش و سرکش بود و اگر منبیل زرد  
بود و دلیل که خادمش بیمار گردد بلکه در اصل بیمارگون بود و اگر گوید و دلیل که خادمش مصیبت زده و اندوهگین بود و اگر منبیل سی  
فقط بود و دلیل که خادمش زاهد بود و اگر بیند که منبیل از پیش یا پنبه بود و دلیل که خادمش با امانت و دیندار بود و اگر از کتان بود و  
باشد و اگر از قریب یا بر شیم بود و دلیل که خادمش وفا و متکبر بود و اگر چرمین یا کهنه یا پوریده بود و دلیل که از آن خادم نیکوئی نبود و اگر منبیل  
ضامع شد و دلیل که خادم از وی جدا شود و اگر منبیل بسوخت و دلیل که خادمش بمیرد منشور این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که  
مردم عالم یا زاهد یا مصلح منشور بدو دادند که در آن کامها غشسته بود و دلیل که صلاح وی در دین و بحالت آخرت باشد سعادت  
دنیا و آخرت یا بد و اگر بخلاف این بیند و دلیل که دستگاهی نیابد و اگر بیند که پادشاهی منشور بود یا دلیل که شرف و بزرگی یا بد  
مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که پادشاه منشور بدو داد و در آن شهر مردمان مصلح بودند و دلیل که از پادشاه بزرگ منزلتی عظیم یا بد  
و کارهای وی بنظم شود و اگر بیند که آن شهر خراب و ولایتی درون بود و تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه  
گوید اگر بیند که فرشته یا پیغمبر منشور بخط غشسته بدو داد و دلیل که حق تعالی او را پیامرزد و از وی خوششود و در حق او شکر شود و اگر منشور  
سیاه بود تا ویش بخلاف این بود منشور این سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که او را انسان مرغ منقار بود و دلیل که بقدر  
منقار مانع از حمله کند و اگر بیند که مرغی بزرگ چون اله و کرکس و مانند این او را منقار بزرگ داد و او را کرد و دلیل که در این مرغ منجمی

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين

و نقصان مال منی بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مقدار مرعی داشت دلیل که بقدر وقت آن مرغ او بر بزرگی نعمت و خیر و  
رسد و اگر بیند که مقدار داشت و مرعیه مقدار کند رسانید دلیل که مرعیه را از وی گرفته و رحمت رسد منی آنی بود که از وی فرست  
پیدا آید این سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن منی در خواب مالی بود که باید و از آن نشاد شود و اگر بیند که یک سبونی از آب منی  
داشت دلیل که مال بسیار حاصل کند و اگر بیند که قضیب منی بسیار بیرون آید دلیل که مال بسیار از کسب خویش حاصل کند اما بقدر  
منی که مالی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از قضیب منی آب منی همی رفت دلیل که بقدر آن مال از بیگانه بدور سد مغربی رحمة الله  
علیه گوید اگر بیند که منی از وی فرو آید دلیل که مال با دنیا که با یتیمانی خود جل فرمود و الا خلقنا الا انسانا من نطفة امشاج  
بیتکلیه الخ جعفر صادق رضی الله عنه گوید منی در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند و دوم زیادتی مال سوم نقصان مال  
چهارم بزرگی و چون خداوند خواب بیند که منی از وی بیرون آید معتبر را باید که تعبیر بر زیادتی مال کند و اگر منی منی آید نقصان مال  
بود محمد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در محض نشسته بود و خداوند خواب سزاوار محمد بود دلیل بر راحت و آسایش  
و عیش و عشرت منی بود و از ترس و بیم ایمن گردد و اگر بیند که از محض بیفتاد و ماویش بخلاف این بود که مالی رحمة الله علیه گوید اگر  
بیند که در محض نشسته بود دلیل که زنی مهربان خواهد یا کینتری خود بر وی خرد و بعضی معتبران گفته اند که محمد در خواب آنکه  
و عزم وقت بود کسی را که سزاوار باشد و اگر آنکس سزاوار نباشد زندان جای حبس بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که  
در خواب دیدن بر پشت وجه بود یکی آسانی و راحت و دوم عیش و سوم غم و چهارم دولت و پنجم مرگ و ششم اینی بهشت  
کینک مهربان ششم زن و دیدن ممد در ویشان را بر چهار وجه بود یکی زندان دوم جایگاه تنگ سوم غم و اندوه  
چهارم برنج و محنت محمد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر گل مهر انگشتین نهاد دلیل که خداوند انگشتین نفع  
و بزرگی یابد و اگر بیند که بر نامه مهر نهاد دلیل که معاویه چیزی بدو رسد و اگر بیند که پادشاه یا بزرگی انگشتین بود یا دیگر  
و خرنیزه را محسوس کن اگر سزاوار بود دلیل که خرنیزه بوی سپارد و اگر سزاوار خرنیزه پادشاهی نباشد دلیل که از بزرگان کنی  
مال خود بدو سپارد و اگر بیند که پادشاه مهر خود بدو داد و سپرد دلیل که از وی بزرگی و منزلت یابد و اگر بیند که پادشاه  
بر نامه مهر نهاد چنانکه رسم است دلیل که زود ولایت یابد و حاجت وی روا شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید که  
نهادن بر نامه و کیسه و آنچه بدین مانند بر پشت وجه بود یکی بر تمامی عمل دوم فوت دین سوم ریاست چهارم حقیقت  
و اخبار دین پنجم مال ششم دولت و بزرگی هفتم کامرانی بقدر مرتبت بینند خواب محمد ابن سیرین رحمة  
الله علیه گوید اگر بیند که مهره یافت یا خرنیزه یا کسی بوی داد دلیل که بقدر قیمت آن مهره مال بدو رسد یا او را خدشگی  
حاصل شود و اگر بیند که مهره پاکیزه و سفید بود دلیل که آن خدشگی مصلح و پارسا بود و اگر مهره سبز بود دلیل که خدشگی  
مبارک روی بود و اگر زرد بود دلیل که خدشگی شمس بجاگون باشد و اگر سیاه بود خدشگی شمس سخت ل و بد خواب  
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مهره در خواب بر پشت وجه بود یکی زن دوم خدشگی رسوم کینک چهارم مال پنجم آ

محمد

محمد

محمد

و فرستاد ششم فرزند هفتم غلام خورد و برزید و نفعشان که در مریه بیند بین بنیت خیرید محسمان ابن سیرین رحمه الله علیه  
 گوید بهمانی در خواب اجتماع در چیزی بود اگر بیند که قومی را بهمانی خواند دلیل که کاری کند که انکار او را از همه شغل باز دارد و اگر  
 بیند که او را در باغی بهمانی برود که آن باغ پر از میوه های الوان و آب روان بود دلیل که بفرزند او و شمشید شود و قول تعالی فیما  
 فاکه کثیره و شراب که مانی رحمه الله علیه گوید دیدن مهمانی در خواب که در باغی چنگ و خانه و نای و رقص بود  
 دلیل بر غم و اندوه و مصیبت بود و اگر از اینها نبود خیر و برکت و غرضی باشد مغربی رحمه الله علیه گوید بهمانی در خواب دلیل  
 بر باز آمدن غائب بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که عروسی بی کجاست و مهمانی کرد دلیل که او را غم و اندوه  
 مورچه ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مورچه انبوهی مردم بود اگر بیند که مورچه بسیار در چیزی شد دلیل که مردم بسیار در خانه  
 وی فرارند و اگر بیند که موران بسیار از سرای او بیرون آمدند دلیل که مردم آن سرای تخیل بجای دیگر کنند و اگر بیند که مورچه  
 بیگانه در خانه وی شد دلیل که در بختان وی رود و اگر بیند که برتن وی موران بسیاران بسیار جمع شدند یا زدن وی  
 بیرون آمدند دلیل که زود هلاک شود مغربی رحمه الله علیه گوید مورچه در خواب دشمنی ضعیف باشد و اگر خانه خود مورچه  
 بسیار بیند دلیل که نسلش بسیار شود و اگر بیند که موران از سرای او بیرون آمدند دلیل که نسلش کم شود و استمیل اشعث رحمه الله  
 علیه گوید مورچه خورد و سرخ دلیل بر مردم ضعیف و سست باشد و موران بسیار بزرگ دلیل بر زدن مال از این است  
 و اگر بیند که موران از سرای او بیرون آمدند و در هوا می پریدند دلیل که خویشان از سفر باز آیند جعفر صادق رضی  
 عنه گوید بین موران تاویل اینست بیند خواب بود اگر بیند که موران از خانه او بیرون شدند دلیل که احوال خانه ایشان بخیر و از این  
 رحمه الله علیه گوید مورچه در خواب مردم زاده و خوش طبع و خوب روی و کامل عقل بود چنانکه دوستی را شاید و اگر بیند که مورچه در  
 که او را با چنین مردی صحبت افتد و از وی منفعت یا بد که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که درخت مور و شکست  
 یا از جانی بربکند دلیل که از صحبت چنین مردی مفارقت کند مغربی رحمه الله علیه گوید مورچه در خواب مال نعمت  
 بسیار بود و بعضی از معبران گویند که مور و فرزند صالح بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مور و فرزند  
 بر چهار وجه بود یکی مرد و زن عاقل دوم فرزند صالح سوم مال بسیار چهارم منفعت اگر زنی بیند که دسته مور بسته  
 شود هر دو دلیل که کجاست ایشان پایدار بود و مور ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مور تو اگر از مال بود و دینداران را  
 و برکت مور بهترین برکت درختها بود و اگر بیند که مور فرا گرفت یا کسی بود یا دو و آنکس تو اگر بود دلیل که مالش زیاده  
 گردد و اگر بیند که مور میخورد دلیل که منفعت دینی و دنیوی یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید مور در خواب بر تنه  
 بود یکی زیادتی مال دوم زیادتی دین سوم روزی حلال و عیش خوش و بعضی از معبران گویند که اگر بوقتش بیند که مور میخورد دلیل  
 که زنی خوب روی و توانگر زنی کند و از وی منفعت یا بد مور ابن سیرین رحمه الله علیه گوید مورچه در خواب زان سران  
 دلیل خیر و نیکوئی کند و در تابستان غم و اندوه بود و اندر موزه و مهران خلاص کرده اند ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر

بیند که موزه در پای داشت و سلاح پوشیده بود و دلیل که دشمن از وی متفکر بود و اگر بیند که با موزه صلاح نداشت  
 دلیل که غم و اندوه بیند خاصه که موزه تنگ باشد و اگر بیند که موزه اویم در پای داشت دلیل که زن خواهد و اگر بیند  
 که موزه اویم در پای داشت و باز که بود دلیل که او را غم و اندوه رسد که مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که موزه از پوست میش  
 داشت دلیل که بقدر آن مال بدو رسد و اگر بیند که زیر موزه او دریده بود دلیل که زنش بیرون و اگر بیند که از پای موزه بیرون  
 آورد دلیل که شادی و تفریحی یابد و اگر زن آن بود خلاصی یابد و اگر بیند که موزه از شن و بخت دلیل که زنش بیرون و اگر بیند  
 که موزه او صلاح شد دلیل بر نقصان مالش بود و سر موزه همین تاویل دارد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که موزه شش  
 از خانه بد افتاده است دلیل که زن را طلاق دهد و اگر بیند که موزه بزرگ بیگانه داد یا بفرخت دلیل که زن او بیرون و اگر  
 بیند که موزه او بدزدیدند دلیل که زن او بیرون و اگر بیند که موزه او بدزدیدند دلیل که جوانان قصد عیال و کنند جعفر صادق  
 رضی الله عنه گوید موزه در خواب چون نرم بود و یا نر یا نازار و دلیل بر بخت و جود بود یکی زن دوم خادم سوم کنیز که چهارم  
 فوت پنجم عیش ششم ظفر یافتن هفتم منفعت یافتن موشش ابن سیرین رحمة الله علیه گوید موش در خوابی نبی بود  
 که بظاهر مستوره باشد و بیاطن فاسقه بود و اگر بیند که موش را گرفت یا کسی بود یا دلیل که زنی بدین صفت که گفت  
 خوابد و اگر بیند که موش را در طبقه گرفت دلیل که زنی بکر و حیلت خواهد و اگر بیند که موشان بسیار در خانه او جمع شدند  
 و جمله کیسان بودند دلیل که بقدر موشان زنان در خانه وی جمع آیند و اگر بیند که موشان مختلف بودند چنانکه بعضی  
 سیاه و بعضی سپید دلیل که اختلاف بتاویل آن در شب و روز بود و در خبر است از سید عالم صلی الله علیه و سلم که فرمود  
 شب و روز و موش اند که عمر و درامی بیدار مانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از سوراخ عینی یا از سوراخ قضیب او  
 موش بیرون آمد دلیل که او را و ختری نابکار آید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در خانه موشان دشتی آمدند دلیل که  
 در آنجا زنان نابکار گرد آیند و تعبیر موشان در خواب مال و کالای زن معصده بود و موش خانگی و دشتی یا بکسان بود  
 استعیل شد رحمة الله علیه گوید گوید اگر بیند که موش گرفت دوم نداشت دلیل که زنی بی عمل خواهد و اگر بیند که موشی در دست  
 وی بود دلیل که او در مصیبت رسد و اگر بیند که موش را بسپای مالید دلیل که زنی فاسقه خواهد و از خود جدا کند و اگر بیند  
 که سنگ موش انداخت دلیل که کسی را مسموم گرداند و اگر بیند که موشی در دست وی بود دلیل که زنی معصده معصده کند  
 و اگر بیند که موش مجروح و دلیل که مال زنی معصده مجروح و موش ابن سیرین رحمة الله علیه گوید موش سپید در خواب مال و نعمت  
 بود و موش زرد بیماری و اگر بیند که موش سپید مجروح و دلیل که بقدر آن مال حلال یابد و اگر بیند که موش از وی صنایع شد یا بفرخت  
 دلیل بر نقصان مال او بود مغربی رحمة الله علیه گوید که موش هر زکات که باشد مال و نعمت بود و اگر بیند که موش سپید  
 بود و میخاید بهتر از موشهای دیگر بود و اگر بیند که موشی بخواند دلیل که کسی شکایت کند و اگر بیند که موش با تن سپید بخت  
 دلیل که بقدر آن پادشاه از مال وی بستاند و اگر بیند که از موش شمع میگیرد و بیرون میدهد و دلیل که مال خود بخیر و صلاح و نعمت



موسیٰ کو بیانی

فرج کند و با مردم خود و احسان کند مومنیانی ع ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مومنی میخورد و دلیل بر غم و اندوه بود که  
 بیند که مومنی کسی بخشد یا از خانه بیرون انداخت دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که بخشد  
 اندام مومنی خود و صحت یافت تا پیش بخلاف این بود مومنی و انبیا علیه السلام گوید مومنی در خواب میبازد از غم و اندوه  
 و زنا و زینت مومنی چهار پایان مال اندک بود و اگر صومنی بیند که مومنی حرام و زنا شد دلیل که او زینت و صلاح یابد و اگر صومنی  
 نبود دلیل که غم و اندوه بود و بعد از آن مومنی و اگر بیند که قدری از مومنی ببرد و بیند اخت دلیل که غم و اندوه از وی زایل شود  
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در وقت حج مومنی سر را سترد دلیل بر صلاح دین و کفارت گناهان بود و اگر در خواب  
 سله بهمانی حرام یعنی رجب و ذی حجه و ذی القعدة و محرم بیند دلیل که دامنش گزارد و شود و از غم فرج یابد و اگر بیند که مومنی تمام  
 سترد دلیل که آنچه بگفته ام بشیر باشد و اگر صاحب خوابشن امیری بود و بیند که مومنی سر سترد دلیل که شوهرش میرد و مالی که مالی چشم  
 الله علیه گوید اگر بادشاهی مومنی خود و بیند دلیل بر لشکر بود و اگر رعیت بیند دلیل بر زیادتی غم و اندوه بود و زنا و بی مومنی تن  
 غم و اندوه بود و اگر بر وی بیند که مومنی سر او آشفته بود دلیل بر زیادتی دین و نقصان او بود و اگر مومنی سبزه و آویخته بیند دلیل  
 بر غم و اندوه بسبب مادر و پدر یا جهت بهتری بود و اگر ستر خود را صلح بیند بنا بر زیادتی عیش و بشادی بود و اگر بیند که او را بسا  
 علوبان و گیسوی بود دلیل که بهتری یا بدو نیکنام گرد و اگر بیند که مومنی خود را میکند دلیل که کسان وی مال تلف کنند و اگر بیند  
 که مومنی خود را شانه میکشد دلیل که بر کارهای خود قادر شود و بر منفعت بود مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که مومنی بخت سترد دلیل که  
 صلاح دین وی باشد و مومنی بخت سترد دلیل بر یافتن مال و مراد بود و ناستدن مومنی بخت دلیل بر زیادتی بیم و نترس بودن بود و اگر  
 بیند که در سینه وی مومنی بود دلیل که دام بر وی جمیع شود و مومنی بر تن و آرم بود و اگر بیند که مومنی از تن خود سترد دلیل بر نقصان  
 مال وی بود و اگر انگش و رویش و دام و داند و دامنش گزارد و شود و از غم و اندوه فرج یابد و اگر بیند که انگش بر تن خود  
 مومنی از تن خود سترد اگر توانگر بود دلیل که درویش گردد و اگر درویش بود توانگر گردد و استسجیل شست رحمه الله علیه گوید اگر  
 که قدری از مومنی را بخت اگر توانگر بود دلیل بر نقصان مال او باشد و اگر درویش بود توانگر گردد و اگر دام و داند و دامنش گزارد  
 شود و اگر بیمار بود دلیل که شفا یابد و اگر بیند که مومنی را بهشت او به شرق رفت و مومنی چپا و مغرب دلیل که او را دلدیر باشد  
 که در مشرق و مغرب نام ایشان مشهور گردد و حافظ معتبر رحمه الله علیه گوید اگر عالمی بخواب بیند که مومنی او جفت بود دلیل بر عفت  
 و قلت وی بود و اگر جامه ای بخواب بیند دلیل که نعمت و عزت یابد و اگر بیند که مومنی میکند دلیل که امانت گذارد و اگر بیند که مومنی زنا و  
 را زنا بود دلیل که او را زانی زنا و زانی مومنی زنا زنا نیک باشد و اگر بیند که مومنی زنا خود می سترد دلیل که دین وی نقصان شود  
 جعفر صادق رضی الله عنه گوید که دیدن ستردن مومنی در خواب برنج و حب بود و یکی حج گذاردن و دوم سفر کردن سوم غم و جاده  
 چهارم امینی تخم دولت و بار بیتیالی در کلام محمد فرمود و محققین رُو سکتم و یقصرین الح اگر خداوند خواب را مومنی ستر  
 عادت بود و دلیل که نیک و بد آن سهل باشد همی بخشد ابن سیرین رحمه الله علیه گوید بنا و یل مال حرام بود و اگر کسی بخواب بیند

١٠

که می خورد و دست شد دلیل که بقدر مستی آن جاده و منزلت باید و اگر بیند که بی می بخفته و خمر مست شد دلیل که ترس و بیم عظیم بود پس  
 قوله تعالی لا یؤتی الناس سکران الخ مغربی رحمه الله علیه گوید مستی از می بخفته یا شکر آب بریزد زهر و زهر نال لغت که شود  
 و اگر بیند که می بخفته داشت و بهمنامی خورد و دلیل که با مردم جنگ و خصومت کند و اگر بیند که در میان می بخفته عرق شد دلیل که  
 در خصومت پاک شود و اسمعیل شوش رحمه الله علیه گوید اگر بیند که می بخفته میخورد و دلیل که مال حلال بگرام مبدل گرداند و اگر بیند  
 که می بخفته آب صافی بود و دلیل که مال بدست آورد که بعضی حلال و بعضی حرام باشد و نیز گویند که مال از زنان بستاند و اگر بیند که می  
 بخفته میخورد و دلیل که چیزی حرام فروشد میخورد این سیرین رحمه الله علیه گوید میخورد خواب برادر بود و اگر بیند که میخورد و بود  
 زود دلیل که برادرش در آنجا که میخورد و مردی فراگیر و زیاده و زیاده و دلیل که میخورد و اگر بیند که میخورد بر سنی به بست دلیل که برادر  
 بروی پیوند و اگر بیند که میخورد و دلیل که از پشت او فرزندی آید که پادشاه بود یا شرف و بزرگی تمام برسد یا  
 شود که نام او در تمام عالم منتشر گردد که آمانی رحمه الله علیه گوید میخورد خواب بهمه چیزی بزرگی و شرف و زین و دنیا بود و  
 بیند که میخورد و در خانه او بود و دلیل که بزرگی و شرف یابد و اگر بیند که میخورد از خانه خود بچند و بیند اخت تا و پیش بخلاف این  
 و اگر بیند که میخورد از چوب یا از آهن یا از نقره یا از مس یا از استخوان داشت دلیل که آن برود نوع بود یکی آنکه زن خواهد بود  
 گیر و اگر بیند که میخورد در ستون یا در چوب زد و دلیل که دوستی با کسی کند که موافق باشد و اگر برود خست زود و قرار گرفتیا ط کند  
 و آن که چه درست بود تا و دلیل از آن درخت کند بدستی یا بکل یا بعلط و و صمد مغربی رحمه الله علیه گوید اگر میخورد از سیرین  
 یا از نس بود و بنا میل نیکو باشد و اگر از آهن یا از استخوان بود و دلیل که نیکویی و قوت کند و اگر بیند که در دست وی میخورد آهین بود  
 دلیل که او را فرزندی آید که شایسته پادشاه بود و اگر فرزندان و دلیل که مقتضای او را علم و دانش روزی گرداند و اگر از ابل علم تمام  
 دلیل که ابل علم و بادوست دارند و اگر بیند که میخورد زین یا سپین و زین زد و دلیل که از کسب خود تو انگر گردد و جعفر صادق  
 رحمه الله علیه گوید دیدن میخورد خواب بر چهار وجه بود یکی برادر دوم فرزند سوم دوست چهارم زن خویش این سیرین  
 رحمه الله علیه گوید پیش در خواب زنی بزرگوار بود و شرح آن در حرف کاف بیان کردیم و اینجا نیز اندکی ذکر کنیم اگر بیند که بر نش  
 میشنیده بود و مطلع او بود و دلیل که مردی بزرگ فرمان برار او شود و اگر ماده میشی در جنگ بود و آن ز میش بر روی  
 چهره گشت و دلیل که خصم بروی غالب گردد و اگر بیند که شاههای زده میش بزرگ و قوی گشته و دلیل که انگس قوی و توانگر شود  
 و اگر بیند که زده میشی فرا گرفت یا کسی بود و دلیل که از مردی بزرگ مال نعمت یابد و اگر بیند که پوست ز میش بچند و کوش  
 جدا کرد و دلیل که بر شخصی غالب گردد و مال وی بستاند و اگر بیند که زده میش را از کشتن باز ماند و دلیل که از غم برادر آمانی رحمه الله  
 علیه گوید اگر بیند که ماده میش با وی جنگ کند و دلیل که زنی با وی کرد و چلت کند و اگر بیند که گوشت ماده میش از خانه وی بخانه کسی  
 شد و دلیل که زن وی بخش کسی دیگر مشغول گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن زده میش در خواب بر شش وجه بود یکی  
 آقام دوم خلیفه سوم امیر چهارم رئیس خشم مال ششم فرزند میوه ه این سیرین رحمه الله علیه گوید میوه که ترش و شیرین بود و دلیل

شبه



در خواب

که ناخن ازین بیفتاد و دلیل که قدری از مال می صنایع شود و اگر بیند که ناخن بقیه دو و دیگر باره برست و زیادت شود دلیل که کار وی نیکو  
 گردد و مال بسیار بدست آرد و اگر بیند که ناخنهای او سیاه و کبود شده بود و دلیل بر مصیبت او بود و اگر بیند که ناخنش  
 چنان دراز شده بود که هم شکستن داشت و دلیل بر باد شدن ناخنهای او بود و اگر بیند که ناخنهای او در دست و پا  
 باشد مفرقی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که ناخنهای او بحد اعتدال بود و دلیل بر صلاح دین و دنیا می وی بود و اگر بیند که ناخن  
 راست میگرد و دلیل که مال بسیار زیاد و ناخن پای و دست را یکتا تاویل بود و بعضی از متبحران گفته اند تاویل ناخنهای دست  
 حاصل کردن مال بود و از آن پای هم حاصل کردن مال بود و تا ورسفر جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ناخن در خواب بسیار  
 و جد بود یکی قوت و توانائی دوم مقدر از مردم در دنیا سوم دلیری چهارم فرزندان پنج منفعت ششم سنده زادگان یا برادرزادگان  
 ناخن سپید بعضی مفسران بدان سپید رحمه الله علیه گوید ناخن سپید در خواب مروی بود که قسمت کند اگر بیند که مروی سپید  
 برادر یا برادر ناخن پرا جاسم برید و دلیل که این جمله نیکو بود و اگر بیند که کسی ناخن پرا بوی داد یا بخورد اگر سپیدی دارد دلیل که سپید  
 آید و اگر دخترا و دختری دیگرش آید و اگر ناخن پرا دو باره بود همین تاویل بود که مانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که کسی ناخن  
 بدو داد یا بخورد یا بیافت اگر کسی دارد و دلیل که اسی دیگر بخورد یا بیاید و اگر ملکی دارد ملکی دیگر حاصل کند و همه تاویل برین  
 باشد از چیزیکه یکی باشد و دیگر حاصل کند مفرقی رحمه الله علیه گوید مفسران در خواب مروی نیکنام و نیک هستی باشد که با این  
 که خوشی کنند و دین و دنیا می وی زیادت گردد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ناخن پرا در خواب بر سه وجه بود

پنج

یکی مرد مقتت کننده دوم مرد نیک و دوست ناموافق ثار یا ابن سپید رحمه الله علیه گوید ناخن پرا در خواب  
 چون شیرین بود و بگوشه گو سپید یا بگوشه مرغان بچته بود دلیل بر خیر و منفعت باشد و اگر گوشه گاو یا گوشه غنچه  
 باشد دلیل بر غم و اندوه بود و ثار مشک ابن سپید رحمه الله علیه گوید اگر بیند که در زمین او ثار مشک رسته بود دلیل  
 که ناخن بخیر و خرمی و خوبی در اندام منتشر گردد و اگر بیند که ثار مشک از زمین بر کند تا ویش بپلاخین بود و کرمانی  
 رحمه الله علیه گوید اگر بیند که دشته ثار مشک تازه داشت و بوقت غیش بود و دلیل که خیر و منفعت یابد و ثار بچ و انان علی  
 السلام گوید ثار بچ که نزد است اما بوی خوش دارد و دیدار نیک پاکیزه است و از میوه های بهشت است لاجرم  
 در خواب نیکو باشد ابن سپید رحمه الله علیه گوید ثار بچ در خواب از یکی تا سه فرزند بود و اگر بیشتر از سه بود مال باشد  
 آن ثار بچ و ثار بچ بهتر باشد و ثار بچ نزد بوقت خود بد نباشد کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر بیند که ثار بچ رسته  
 بود و بعضی از متبحران گفته اند که ثار بچ سبز در خواب دلیل بسیاری و غم و اندوه بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید ثار بچ  
 در خواب بر چهار وجه بود یکی دوست دوم منازعت سوم فرزند چهارم منفعت بود و از مردمان با طاف ابن سپید  
 رحمه الله علیه گوید اگر بیند که ناخن بسیار داشت و از وی میخورد و دلیل که او ثانی نعمت بسیار بدست آید و خیر است  
 و احسان بسیار کند مفرقی رحمه الله علیه گوید ناخن طاف انگبین و ناخن طاف دلیل بر نعمت و مال بسیار بود و الا

پنج

پنج

در خواب

بنا

در خواب

در خواب

در خواب

ناطق انگیزین بهتر باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید ناطق انگیزین در خواب برسته و وجه بود یکی سخن شیرین و دوم حال  
 سوم محبت ناطق ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ناطق در خواب آن بود که نیکو کند و نیر و دست ی باشد و اگر بید  
 که ناطق وی بفتیلا و دلیل که زنا طلاق دهد یا نیکو کشد یا نیر و اگر بید که ناطق بریده است و دلیل که عیال می میرد و در جهنم  
 وی تباها گردد و اگر بید که ناطق می گوید چکت نشد تا ویش بخلاف این بود و اگر بید که ناطق او سوراخ شد و دلیل که در حال  
 غلبه بدید یا مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بید که ناطق یا بیسته او بهیچ خطی موسی برآده بود و دلیل که سنتهای پنجگانه  
 علیه وسلم راغب گردد و اگر بید که اصل ناطق می بریده بود و دلیل که از مادر و پدر خود جدا گردد و اگر ناطق تا شکم  
 شکافته بود و دلیل که دانا و عالم گردد و لیکن مالش برود و استجیل شد و رحمه الله علیه گوید اگر بید که ناطق کسی سبید  
 دلیل که بقدر آن مال وی ضایع شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ناطق در خواب بر پنج وجه بود یکی زن  
 خیر روی و دوم نیکو سوم مال و روزی چهارم پسر نیم مادر و پدر ناطق ابن سیرین رحمه الله علیه گوید ناطق  
 در خواب بر روی منافق دروغ زن بود و در هیچ خبر نباشد و اگر بید که ناطق زود دلیل که بام وی منافق نشیند  
 و به نفاق سخن دروغ گوید و در صدا دهد و اگر ناطق شکست تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه  
 گوید دیدن ناطق در خواب بر سه وجه بود یکی دروغ گفتن دوم منافق سوم مهربان نبودن و دشمنی نام  
 گروانیدن ابن سیرین رحمه الله علیه گوید نام گردانیدن بخواب گردان نام او از ما بهتر باشد چنانکه محمد و اب  
 و سعد و سعید و صالح و آنچه بدین باند و دلیل بر خیر و صلاح بود و اگر آن لقب بدتر از نام و لقب او باشد و دلیل  
 و معنا کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید نام نیکو و کنیت نیکو در خواب شنیدن چون ابو الحیر و ابو الفضل و ابو  
 یا لعلو البرکات و مانند این دلیل بر خیر و صلاح کند و آنچه بخلاف این بیند چون ابو جهم و ابو لب و عتبه و شیب و اب  
 ایضاً العنیم و دلیل بر شر و مضرت کند چنانکه در اول کتاب یاد کردیم تا ما ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر بید  
 که نامه سر بسته داشت دلیل که چیزی پوشیده بشود و اگر نامه سر کشاده داشت دلیل که چیزی فاش بشود و اگر بید  
 که نامه سر بسته داشت دلیل که مهر نامه آن خیر بود که بوی رسد که نامی رحمه الله علیه گوید اگر بید که کسی نامه بود  
 که روی آن نامه بخواند و دلیل که از کسی خیر بوی رسد و اگر آن نامه را عنوان نبود و دلیل که غم و اندوه بود و اگر بید که عنوان  
 نشسته بود و محض داشت و کسی نکشاد و دلیل که او را شغلی پیش آید که بظا هر نیکو نماید و به باطن غم و اندوه قضا کند و اگر بید  
 که مهر نامه بکشد و بخواند و دلیل که عروجه او زیادت گردد و اگر بید که خواب خوانده بود و دید که نامه را بخواند  
 که عروجه او زیاده تر گردد و بعضی از معبران گویند که اجلس نزد یک نامه باشد و توله تعالی اقول کتبک کفی  
 بفضیلتك اليوم کتبک حسبک یا مغربی رحمه الله علیه گوید اگر بید که نامه پادشاه بدو داد و اگر نکشاد و بخواند  
 و دلیل که غم و اندوه بود و اگر بر کشاد و بخواند و بشارت بشود و دلیل بر شادی و غم می و منفعت بود و اگر سخنهای

در این

خوش نباشد و دلیل بر عیش ناخوش و ترس و تنگدست بود و اگر بیدار بود و بپاوشایی و او دلیل بر خیر بود  
 بود و احتمال شوش رحمة الله علیه گوید اگر بیدار بود و آسمان بدست او آمد دلیل بر امیدواری بود و کارهای وی با  
 بدان حاجتی که خواهد اگر بیدار که سخنانی ناخوش نباشد و دلیل که کارهای او بر نیاید تا چنانکه انبیا علیه السلام گوید  
 تا زمانی پاکیزه و در خواب عیش باشد و اگر نهان ناکید و نباشد و دلیل که عیش ناخوش بود و اگر بیدار که نان خرید و بخانه برود و دلیل بر خیر  
 و منفعت بود و روزی فراخ از مال حلال بود و اگر بیدار که نان کسی داد و دلیل که راحت با آنکس رساند این سیرین رحمة الله علیه  
 گوید اگر بیدار که دو سه نان یافت دلیل که از غم و اندوه برده و شادی و راحت یابد و اگر بیدار که در جانی مجبور نیم نان یافت  
 دلیل که نیمه عمر گذشته بود و اگر بیدار که نان یافت و نتوانست خورد و دلیل که اجلس نزدیک رسیده باشد و اگر بیدار  
 تا نهایی بسیار داشت و نمیخورد و دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر بیدار که نان گرم میخورد و دلیل که نان و نهایی نوبت رسیدگرافی حجت  
 الله علیه گوید نان گرم بخواب دیدن دلیل بر عیش و راحت کند و نان خشک بخلاف این بود و سبوس خوردن دلیل بر فقر و تنگدستی  
 بود و نان گرم و پاکیزه خوردن دلیل بر عدل و انصاف پادشاه بود و نان کا و بریل رنگی عیش و پرستشکاری بود و نان  
 جوین خوردن دلیل بر بزدلی و وضع بود و نان برنجین دلیل بر سختی و تنگدستی کار نمائند و نان عدس و نان باقلا دلیل بر غم و اندوه  
 کند و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیدار که نان خشک میخورد و دلیل که روزی بروی فرسخ گردد و بعضی گفته اند که خوردن نان  
 در خواب دلیل بر کوتاهی عمر کند و اگر بیدار که نان کرده بر پیشانی او نهد و دلیل که در ویش گردد و احتمال شوش رحمة الله علیه گوید تا نان  
 نان بر او فروم و بزرگ در نیاست و اگر سلطان یک نان بخواب بیدار که ملکش زیادت گردد و اگر باز بزرگان بیدار  
 که مالش زیادت شود و یک نان از یکدم تا بزرگ باشد بقدر شخص اگر رعیت بیند ضیاع و قمارش زیادت شود و مال  
 گوید هیچ چیزی بخواب دیدن بهتر از آن نباشد زیرا که نان در خواب مال حلال بود که بیخ بدست بد و نان بخفتن در خواب  
 بتاویل کار کردن باشد و طلب محبت و تحیل کردن از مردان بزرگی حاصل کردن باشد یا مال جعفر صادق رضی الله عنه گوید  
 نان در خواب بر چهار وجه بود یکی عیش خوش و دوم مال حلال سوم ولایت شهری چهارم خیر و مکت و بدانکه نان در خواب  
 کسی بود که طلب مال کند و اگر بیدار که نان باشد دلیل که بسیار مال بخت و خصوصیت جمع کند و بعضی از معبران گفته اند که نان  
 در نان و شاه عادل بود تا بخوابد این سیرین رحمة الله علیه گوید تا بخوابد و دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیدار که نانخواه کسی را  
 یا بیدار که از غم و اندوه رسته گردد و در دین و دوزخ و در نانخواه هیچ منفعت نباشد بخیر غم و اندوه تا و دان این  
 سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که بی نان و دان آب از باها فرومی آید و دلیل که در مقام جنگ و خصومت و  
 خونریزی پدید آید و اگر بیدار که باران نمی آید و از ناودانها آب فرومی آید و دلیل که مردم آن موضع از پادشاه و مصاف  
 و رنج رسند و اگر بیدار که باران بود و از ناودانها آب فرومی آید و دلیل که از حق تعالی اجل و علایق آن موضع عنایت  
 باشد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیدار که نان و دان بر بام خود نماد و دلیل که از بزرگی شفاعت یابد و اگر بیدار که نان و دان خانه

در این

گفتار مشکست دلیل که تا ویش بخلاف این بود و اگر میند که نا و دان سین یا آیین بود و دلیل که بنظام کاشش سدام باشد و اگر  
 که از نا و دان کسی آب فرا گرفت دلیل که بقدر آن کسی منفعت یابد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید نا و دان در خواب برشته و خوب بود  
 درین شهر و دم ستر سوم خیر و منفعت اندک نامی نه و دان ابن سیرین رحمه الله علیه گوید نامی نه و دان در خواب لیل غمنازه و هوس  
 بود و شنیدن آواز نامی دلیل غم و تفکر بود و اگر میند که نامی میر و دلیل غمنازه و گرفتار نشود کرمانی رحمه الله علیه گوید نامی نه و دان کسی  
 که خیر بودم برساند و روزی نه و دان خیر نباشد نبات ابن سیرین رحمه الله علیه گوید هر نباتی که بوقت خود میند که او را ساق نباشد  
 دلیل خیر و منفعت کند و هر نباتی که او را ساق و پیکان شلخته باشد دلیل با فرونی مال نعمت و جاه بقدر سبزی و کوکابی و بیک  
 و یا یکی شاهجای وی بود و اگر میند که بر تن وی نبات یا گیاه یا درخت برست دلیل که بقدر آن خیر و منفعت یابد و هر چند  
 بیشتر میند خیر و منفعت بیشتر باشد و چون میند که بر چشم و گوش و زبان وی نبات رسته بود دلیل که او را بزرگی زیادت کرد و کرمانی  
 رحمه الله علیه گوید نبات زمین و خواب نعمت و مال بود و خوشتر و دم خاص و عام را و اگر میند که در زمین که ملک او بود نبات بسیار  
 بود دلیل که بینه و خواب دین دار و مسلمان بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید نبات در خواب بر چهار وجه بود یکی مال و دم  
 منفعت و بزرگی و جاه و سوم معیشت خوش چهارم زبانی دولت نبات جلاب ابن سیرین رحمه الله علیه گوید نبات جلاب بخواب  
 دیدن سخن خوش بود و چون بسیار میند دلیل بر مال و نعمت کند و اگر میند کسی نبات در دهان وی نهاد دلیل که از آنکس سخن خوش  
 یا دیرا بوسه دهد کرمانی رحمه الله علیه گوید اگر میند که بخواب نبات داشت دلیل که بقدر آن مال و نعمت حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه  
 گوید نبات جلاب در خواب بر پنج وجه یکی سخن خوش و دوم بوسه دادن سوم منفعت و مال چهارم فرزند پران پنجم روزی طلال نباتش آن  
 که سخن از مردگان بگوید نزد وی ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر کسی خواب میند که نباتش شد اگر آنکس از ابل علم بود دلیل که عمر او  
 و طلب دنیا و باطل باشد و عمر خود را در انصایع و صرف کند سفری رحمه الله علیه گوید اگر نباتی میند که کفن بسیار و جگر دلیل که  
 شود و علم و حکمت حاصل کند و بعضی از عجب آن گفته اند که مال حرام جمع کند و از مردم مال و دست و سر زدن یا بد نوسیند و انبیا علیهم  
 السلام اگر میند که چیزی می نویسد و نویسد با میند دلیل که بیکر و حیل مال کسی آید تا بد و کار ناکردنی بکند و اگر میند که از بهر پادشاه خیری  
 می نشت دلیل که مال و نعمت بسیار یابد و اگر میند که از بهر مردم عامی نشت دلیل که دل مردم بخوابش بیکر و حیل گرم کند  
 ابن سیرین رحمه الله علیه گوید اگر میند که ناگاه نویسد نشد و دلیل که بیکر و حیل روزی از مردمان بدست آرد و اگر مردی عالم باشد  
 و میند که نویسد که میکرد دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر میند که شعر و غزل و افسانه می نشت دلیل که بغفل و نیا مشغول گردد  
 و شغل آخرت فرو گذارد و اگر میند که قرآن و توحید و دعوات می نشت دلیل که خیر و منفعت یابد و هر نباتی که گوید اگر میند که از  
 نشت و در آتش سخن نود دلیل که قباله را بنویسد و تعمیل نشت رحمه الله علیه گوید اگر در میری خواب میند که خوابش می نشت اگر صلح بود دلیل  
 بین دو پادشاه و یا ضایع گردد و اگر افسان بود یا بگرد و اگر میند که بسری می نشت دلیل بر عیش و عشرت دنیا کند و اگر میند که نزد وی  
 نشت دلیل که بسیار گردد و اگر میند که بسری می نشت دلیل که شمشیر و خرمی در انداخته شد و اگر میند که بزر و سیم می نشت دلیل که از

خبر  
نیت

پادشاه خیر و منفعت یا بد و ضرر صادق رضی الله عنه گوید بشتن در خواب چهار وجه بود یکی خیر و منفعت دوم مال و منفعت سوم بکر و حیثیت  
چیزی حاصل کردن چهارم مغزولی عمل نمیدان این سیرین رحمة الله علیه گوید نمیدان در خواب اهل حرام بود که بخت و خصوصیت برسد  
و اگر نمیدان که در نمیدان غرق شد دلیل که در فتنه عظیم افتد و اگر نمیدان که در خانه افتد بسیار بود دلیل که بقدر آن از دست رفتی بد و منفعت رسد  
که مالی رحمة الله علیه گوید اگر نمیدان که خورد و مست شد دلیل که خونی و ترسی بد و رسد و اگر نمیدان که نمیدان با دیگران میخورد و دلیل که بقدر آن که  
خورد و بود بخت و خصوصیت کند و اگر نمیدان که در جوی یا در روی نمیدان میرفت و او در میان شما میگرد و دلیل که در فتنه افتد و اگر نمیدان که بیا که  
در وقت او بود و نمیدان و دلیل که بسبب معیشت دنیا جنگ و خصوصیت کند مغزولی رحمة الله علیه گوید اگر نمیدان که نمیدان با بخت  
بود میخورد و دلیل که مالی بدست او افتد که بعضی حلال و بعضی حرام باشد و اگر نمیدان که نمیدان میفروخت و دلیل که مال بر او بد و خورد  
نمیدان مالی با دلیل بر غزل بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید نمیدان در خواب برسته وجه بود یکی ترویج پنهانی و دوم مال حرام سوم نعمت  
ایمانی اگر نمیدان که نمیدان میباید دلیل که بر سلطان و رئیس نزدیک شود و از ایشان مال باید بخواهی این سیرین رحمة الله علیه گوید  
اگر نمیدان که مخفی دلیل که مخفی محال گوید و گویند دروغ خورد و مخفی در خواب هیچ فایده نبود بخیر این سیرین رحمة الله علیه گوید  
اگر نمیدان که بخیر او را مطیع و رام شد و دلیل که همتر و بزرگ شود و بعضی از معبران گویند که سالار و روان شود و اگر نمیدان که بخیر او را مطیع و رام شد  
تا پیش خلاف این بود و اگر نمیدان که بصورت بخیر شد دلیل که بدین شود و باطل گراید مغزولی رحمة الله علیه گوید اگر نمیدان که بخیر او را مطیع و رام شد  
گرفت و دلیل که بعد بخیر او را از مردی بیابانی بکر و حیثیت فایده رسد و اگر نمیدان که گشت بخیر میخورد و دلیل که از مال مردی بیابانی غریبه  
و اگر نمیدان که در میان بخیر این معبر شد و از آن بخیر آن را اگر نمیدان دلیل که در میان که زمینی بیابانی مقام سازد و از ایشان خیر و منفعت او را  
رسد و از خلاف این نمیدان دلیل که او را از دست و منفعت نرسد و اگر نمیدان که بخیر آن را بدی سخن گفتند و بدی مطیع شدند اگر از اهل علم و فضل بود  
و دلیل که پیش پادشاه مقرب گردد و مال یا بدد اگر باطل بود و دلیل که کار نمیدان که کار حجاب آید بخیر و این سیرین رحمة الله علیه گوید  
نخورد و خواب خواه تر و خواه خشک دلیل بر غم و اندوه بود اگر کسی بخواب نمیدان که بخورد از کسی بسته بخورد و دلیل که بسبب کسی بد و غم  
و اندوه رسد و اگر نمیدان که بخورد کسی داد و او گرسنه بخورد و تا پیش خلاف این بود و اگر نمیدان که بخورد بخورد و دلیل که در غم و اندوه  
گرفتار شود و اگر نمیدان که بخورد بخورد یا بگوششت بخیر میخورد و دلیل که غم و اندوهش کمتر بود و خبر و با خشن این سیرین رحمة الله علیه گوید  
گوید نزد با خشن در خواب باطل و فریب دنیا بود و اگر کسی بخواب نمیدان که نزدی بخت و بخت غلبه کرد و دلیل که بسبب کاری  
باطل و فریب دنیا بر کسی غلبه کند و اگر نمیدان که آنکس بروی غالب آید تا پیش خلاف این بود و این سیرین رحمة الله علیه گوید  
علیه گوید اگر کسی بخواب نمیدان که برزد بان بالا میشت و آن نزد بان از گل خشت بود و دلیل بر خیر و صلاح بود و دین وی زیادت  
و نیکویی بد و رسد و اگر نزد بان از سنگ و آبگت بود و دلیل که سنگدل و بیرحم بود و اگر از چوب بود و دلیل بر ضعف دین او بود  
و اگر نمیدان که برزد بان بالا شد از آبگت باشد و دلیل که پادشاه شود و اگر از آبگت نباشد دلیل که خیر و منفعت یا بد و اگر از  
که از نزد بان بریزد و پیش خلاف این بود و مغزولی رحمة الله علیه گوید اگر نمیدان که از نزد بان بریزد و دلیل که از جاه و دینگی

خبر  
نیت

خبر  
نیت

خبر  
نیت

خبر  
نیت





توضیح

بدون سند و اگر میند که نعل ستر داشت دلیل که از پادشاه منفعت یا بدو اگر میند که نعل خزان داشت دلیل که بقدر آن مال از بزرگان حاکم  
و اگر میند که نعلبندی میکرد چهار پایان خود را و دلیل که بسفر رود و نعلبندی کسی بود که میان مردم دوستی جوید نعلین این سیر  
رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب میند که نعلین شکست دلیل که روزگاری در سفر بازماند و اگر میند که نعلین او سوخت و داشت  
و دلیل که بسبب کاری از سفر بازماند و هیچ کشته و اگر میند که نعلین او بسفر بود و دلیل که سفرش از برای آخرت باشد و اگر میند که نعلین او  
و بدان سبب از سفر بازماند و دلیل که کیشری یا به سفری رحمة الله علیه گوید اگر میند که نعلین او سیاه بود و دلیل که آن زن مالدار باشد و اگر  
سرخ بود زن معاشش بود و طرف دوست دارد و اگر میند که نعلین او سفید بود و دلیل که آن زن پارسا و پاکیزه روی بود و اگر میند که  
نعلین او طویون بود و این صفتی است که گفتیم از هر یکی برخی در وی بود و اگر میند که نعلین او از پوست کاه و بند و پشت و دلیل که آن زن از  
اصل رحم بود و اگر میند که بند نعلین او از پوست است و دلیل که از اصل عرب بود و اگر بوقت رفتن نعلین او بختیاد و ضایع شد  
احتیاط کند و آن نعلین از پوست چه بود و اگر از پوست است و دلیل که زنش بهایش و استعجال شست رحمة الله علیه گوید اگر میند که  
نعلین او بدید بهین تاویل دارد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید نعلین در خواب برسته و چه بود یکی سفر دوم زن سودم کنیز و نفع  
بود و نعلین سیر رحمة الله علیه گوید نفع در خواب غم و اندوه بود اگر کسی بخواب میند که در زمین ملکات و نفع بود و دلیل که در غم و  
و اندوه گرفتار شود و اگر میند که نفع میخورد و دلیل که اندویش بیشتر بود و اگر میند که نفع در زمین دیگران بود و دلیل که خداوندین  
را غم و اندوه بود و اگر میند که نفع از زمین خود بر کند و بیداخت دلیل که از غم و اندوه خلاصی یا بدیقت این سیر رحمة الله علیه  
گوید بخت و خواب زنی با کار بود اگر زنی بخواب میند که نفع در خود مالید و دلیل که با زنی با کار جمعه شود و بعضی از متعبران گفته اند که  
چیزی حرام خورد و اگر میند که نفع بسیار داشت دلیل که مال حرام جمع کند مغربی رحمة الله علیه گوید نفع در خواب برسته و چه بود  
یکی زن با کار دوم مرد غار خوان سوم مال حرام نفرین این سیر رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب میند که بر ظالمی نفرین میکرد  
و دلیل که بران ظالم نظر را بدو اگر میند که او ظالم بود و مظلوم او را نفرین کرد و اویش بخلاف این بود که زنی رحمة الله علیه گوید اگر میند  
که بیاحتیاج بیگناهی را نفرین میکرد دلیل که بر کسی ظلم کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر میند که مرد بیاحتیاج نفرین کرد و دلیل که کار او  
بدشود و بعضی از متعبران گویند که نفرین بیاحتیاج در خواب بخوابد و خواب باز گردد و اگر نفرین بیاحتیاج کند تا اویش بر آگس باشد  
که او را نفرین کند و مرد مصلح را زودتر از کند از مفسد و مفسد اگر نفرین بیاحتیاج کند بخصم باز گردد و نفع او در خواب عالم  
و دانا و حکیم بود زیرا که اختیار کننده هر چه هست بهترین باشد این سیر رحمة الله علیه گوید اگر میند که کسی دیندار و صالح و نفع  
شد و دلیل که از خود علوم دین و قرآن حاصل کند و اگر از اسکار و دنیا بود و دلیل که از هر خود شرف و بزرگی حاصل کند و آن صاحب  
کند مغربی رحمة الله علیه گوید نفع در خواب مرد عاقل و متمیز بود و در میان چیزهای نیک و بد در میان مصلح و مفسد جمعه  
رضی الله عنه گوید نفع در خواب بر چهار وجه بود یکی مرد دانا دوم حکیم سوم خردمند چهارم دریا بنده کار نفعه دلیل که  
از دانا و کنایه سیر رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب میند که نفعه از کار خود فرار گرفت دلیل که از آن موضع و ولایت که او بود زنی را برجا

توضیح

توضیح

توضیح

توضیح

توضیح

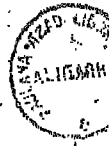


برآمد که دارد بر آید و اگر میند که فریضه شام میگزارد و دلیل که با او عیال خود معامله کند و از آن شاد و مفرح گردد و اگر میند که سلام  
 میگزارد و دلیل که بسفر رود و اگر حج را نیت میند حایض شود و اگر میند که بی و صوم ناز میگزارد و دلیل که بیمار شود و اگر میند که فریضه شام  
 میگزارد و دلیل که این شود و بر و شمع ظفر بدو اگر میند که در باغ ناز میگزارد و دلیل که از گناه توبه کند و اگر میند که در کشتیها ناز میگزارد  
 و دلیل که ویش گذارد و شود و اگر میند که بجای نازی بنود ناز گذارد و دلیل که مسند و بد کردار باشد و اگر میند که ناز کرد و روی  
 بصحرانما و دلیل که زیارت تربت مبارک حضرت رسول صلی الله علیه و سلم کند و اگر میند که در کعبه ناز گذارد و دلیل که کاشتر خلیفه  
 نظام شود چنانکه خاطر وی خواهد و اگر میند که بعد از ناز سجده کرد و دلیل که بر روی بزرگ و ارحم غشیم ظفر یا بد روی مسلط شود  
 و اگر میند که بخیر خدا تعالی کسی را سجده نکرد و دلیل که مرادش حاصل شود و اگر میند که بر سر دیاری سجده و دلیل که با و از  
 بزرگان رنج و خواهی رسد و اگر میند که ناز میگزارد و پنجین میخورد و دلیل که با عیال خود نزدیکی کند و اگر میند که در نماز سجدهات  
 انشسته بر و دلیل که از غم فرج یابد و حاجتش روا گردد و اگر میند که سلام ناز اول بدست چپ داد و دلیل که احوالش شورید شود  
 و اگر میند که ناز نشسته میگزارد و دلیل که بر دشمن ظفر یا بد بعضی گویند عذری گوید که از وی سپیدرند و اگر میند که در نماز خود را دعا کرد  
 و دلیل که وزیر فرزند آید و تلافی نادی و نه نداء اخفیا اگر میند که در تاریکی ناز گذارد و دلیل که از غم فرج یابد و اگر میند که ناز  
 شب میگزارد و دلیل که از همه ترسها این گردد و نعمت و بزرگی و فرمانروائی یابد و اگر میند که ناز بر پیلوی میگزارد و دلیل که بهایار  
 و اگر میند که ناز بر میگزارد و دلیل که در سفر رود و روزی جلالت بدو اگر میند که در بیت المقدس ناز میگزارد و دلیل که میراث یابد و روزی  
 بر وی فرج گردد و اگر میند که در کعبه ناز میگزارد و یا در بام کعبه دلیل که روی یکصد و در و عاقبت کاشن بخیر گردد و حافظ معتبر رحمة الله علیه  
 گوید ناز گذاردن در خواب بر سه وجه بود یکی فریضه دوم سنگین قطع و اگر میند که ناز فریضه میگزارد و دلیل که حق سبحانه و تعالی اجل و علا  
 و راجح روزی گرداند و از فرجش نگاه دارد و قوله تعالی ان الصلوة یقنیه عن الفساق و المنکر و اگر میند که ناز سنت میگزارد  
 دلیل بر صبر کردن کار او شکار شدن نام نیکو و شفقت بر خلق بود و اگر میند که ناز قطع میگزارد و دلیل که بر ایمی و دشمن عیال  
 و سعی کردن در کارهای دویستان و مروت کردن با هر کسی بود و اگر میند که بر ستون ناز میگزارد و دلیل که او را همه عظیم رسد و اگر میند  
 که در کارخانه یا دو کانی ناز میگزارد و دلیل که حق تعالی او را کار و کسب برکت کند و اگر میند که ناز آینه گذارد و دلیل که کار وی صحیح گردد و خانه  
 اصفهانی روح گوید رکوع و سجود در خواب بحضرت بار تعالی خود جل جلاله تقرب بود و قوله تعالی کلا لا تقطعه و انشید و اقرب  
 و معتبران گفته اند اگر میند که در نماز رکوع کرد و دلیل که زکوة مال ندید و اگر میند که ناز بجای آورد و دلیل که ایزد تبارک و تعالی عبادت پذیرد  
 گرداند و دعای او مستجاب کند و بر وی رحمت کند و جبهه صادق صلی الله علیه و سلم را یافتن بهشت نقصان در رضا و بهر گوید که رکوع و سجود در خواب پنج  
 نوع است شادی سوم خود جا و چهارم مرتبت تجریم استگاری ششم مرد یافتن بهشت نقصان در رضا و بهر گوید که رکوع و سجود در خواب پنج  
 بود یکی مرد یافتن دوم دولت سوم نصرت چهارم ظفر یافتن پنجم امر حق تعالی بجای آوردن قوله تعالی یا ایها الذین آمنوا اذكروا صلوات  
 واعبدوا ربکم و افعلوا الخیرات لعلکم تفلحون و اگر میند که بر مرده ناز گذارد و دلیل که او را دعا و شفا گوید و اگر میند که ناز

در خواب

بنا

سینه



سینه

سینه

سینه

سینه

نام گذار و مالیش بکلاف این بود نه این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ندی سپید و پاکیزه داشت دلیل که مال حلال باشد و اگر بکلی  
بیند و آن هیچ منفعت نباشد و اگر بیند که نه بسیار داشت دلیل که بقدر آن از کسب خود مال حاصل کند و اگر بیند که نه بسیار داشت دلیل  
مال نفسا و نف کند که مافی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که برتن خود جامه از نمد سپید داشت دلیل که زنی توانگر خواهد بود یا شیرکی و شیر  
مخرد و اگر بیند که نه از پیشتر بود دلیل که از پادشاه منفعت یا بد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نه داشت و از وضعی باشد دلیل  
که در مالش نقصان شود و در خواب مردی بود که بجلال که اید و از حرام بر نمی آید نکات ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نکات در خواب  
درم نقد و کاری نیکو کردن بود و اگر کسی بخواب بیند که نکات سپید داشت دلیل که بقدر آن درم نقد حاصل کند که مافی رحمة الله علیه  
بیند که نکات خور و دلیل که راه زاهد که دو کار خیر کند و نکات چرکین سیاه و دلیل جنگ و ضرورت بود و جعفر صادق رضی الله عنیه  
عنه گوید نکات در خواب بر سر و وجه بود یکی درم نقد و دوم آبروی سوم نیکویی چهارم مال بسیار پنجم خادم نیکو و نکات خوش  
در خواب بر چهار وجه بود یکی درم بی بهره دوم تخمهای ناخوش سوم تخم و اندوه چهارم خورسندی نکات سوخته  
سیرین رح گوید اگر کسی بخواب بیند که گوشت نکات بود و خورد و دلیل که لغت و روزی بود و میراث یابد و اگر نکات  
سودا خورد و دلیل که زیانی بد و رسد و هر چند که شور تر و لاغر تر بود دلیل مضرتش بیشتر بود و گوشت قدید خوردن در خواب  
و دلیل بر غلبت کردن بود و مغربی رح گوید اگر بیند که گوشت قدید است لاغر بود و دلیل که از مردم یا پادشاه او از میان  
و اگر گوشت بیشتر لاغر بود دلیل که از همتی مضرت یابد و اگر نکات سودا گوشت چهار یا میان و ششی بخورد و لاغر بود دلیل که از مردم  
بیا بانی مضرت بیند فی الجمله در گوشت لاغر منفعت نباشد و نکات ابن سیرین رح گوید نکات در خواب در دانه باشد و ستمگار  
و ستمگر نه بود و اگر کسی بخواب بیند که نکات در اسوی آب کشید و غرق شد و دلیل که در آب دلاک شود و اگر بیند که نکات در  
آب کشید و دلیل که بقدر آن از دشمن مضرت رسد و رحمت بیند که مافی رح گوید اگر بیند که در آب فرو برد و دلیل که با میان  
دلاک کند و اگر بیند که نکات بر و غالب شد تا ویش بخلاف این بود و اگر بیند که گوشت یا پوست یا استخوان نکات  
داشت دلیل که از دشمن مضرت یا بد مغربی رح گوید اگر بیند که نکات در آب کشید و دلیل که در دست دشمن شهید شود  
نمودیدن ابن سیرین رح گوید هر چیز که نو باشد پسندیده بود و دلیل بر خیر و خرمی بود و کند و در حرف گف میان که  
نوحه کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی در خواب بیند که نوحه میکرد دلیل که آن موضع بد و مبارک نباشد  
و مردمان بهتر از آن موضع متفرق شوند و اگر بیند که والی آن شهر مرد و مردم برو نوحه میکرد دلیل که ایشان را از آن الی بیخ و ستم  
رسد و بعضی از مجربان گویند که والی را خرمی باشد و اگر بیند که نوحه میکرد و فغان میداشت دلیل که او را غم و اندوه بود  
وی غمگین و ستممند شوند که مافی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نوحه میکرد و فغان میداشت دلیل که او را غم و اندوه بود  
و اندوه مضرتش رسد و اگر بیند که میکشید و آبسته نوحه میکرد و دلیل خرم و شادی بود و اگر بیند که بازمان مردمان بسیار بود  
و نوحه را و از میکشید و دلیل که بسبب پادشاه و آن موضع غم و اندوه رسد و نشاء و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید

در خواب



ملک بخت و اگر امیر بود یا سردار بود و دلیل که از جاه و منزلت میفتد و اگر تو اگر میند و رویش کرد و اگر در ویش میند و نزدش میر و نهی  
گفته اند که داشته مردی میبهرم بود و اگر میند که گوشت داشته میوز و دلیل که بقدر آن مال دشمن خود و اگر میند که داشته بسیار در جانی جمع  
و دلیل که عیاران در آن موضع جسته و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن داشته در خواب بر چهار وجه بود یکی قدر و منزلت دوم فرمان و  
سوم مال چهارم منفعت و الی کار داری و فرمان روائی بود و اگر میند که کار داری از تخت بخت یا تخت او بشکست یا کسی از وی  
بشیش بخت یا سراسی او خراب گشت یا در دایم گرفتار شد و گشته شد یا چهار پانی بسرا آمد و بخت یا کسی او را بشکست اینچنین دلیل بر آنکه از شرف  
و بزرگی میند و مغزول گردد و این سیرین رح گوید اگر کار داری میند که دشمنش با و دشمنی پیوست و دلیل که بزرگی و سیرت نیکو روی  
پایده باشد و اگر میند که بندی بر پای دوست دلیل که شرف بزرگی و از یادوت گردد و مغربی حمله الله علیه گوید اگر میند که کار داشته و در  
مصرف و دینار بود چنانکه مرد و از وی خوشنود بودند دلیل که خیر و صلاح یابد و اگر بخلاف این میند دلیل بر شر و فساد بود و خاصه  
ببیند و مقصد و ناپارسا بود و خوش چهار پان دشتی باشد هر چند از ایشان نز بود دلیل بر مردان کند و هر چند داده بود دلیل  
بر زمان بود این سیرین حمله الله علیه گوید اگر میند که خوش صید میکرد یا کسی از خوش صید بدو داد دلیل بر آن نعمت و غنیمت بود  
و گوشت و پوست و همین دلیل بود که زمانی رح گوید اگر میند که خوش مطیع و فرمان بردار او شد چنانکه سیلنا از عطیه السلام بود دلیل  
که وی ایشان را بگذرد مسلما فی خلل بود و او را مطیع و فرمان بردار شود خاصه که ببیند که خواب ستور بود و مرغ در حرف سین بیان کردیم  
و رونه و بتوک نان هر دو در خواب انباشتق بیکدیگر بودند اگر میند که در رونه و بتوک نان کسی بوی داد دلیل که او را انباشتق  
حاصل شود مغربی حمله الله علیه گوید اگر میند که در رونه داشت دلیل که با کسی صحبت کند که او را راه حق ناید و از باطل دور کند و اگر میند که در رونه  
او بشکست دلیل که از صحبت بچنین کسی جدا افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن و رونه در خواب بر سه وجه بود یکی متفق و یکبار  
دوم انباشتق که طلب کند و در معیشت سوختن کار و دشوار که بروی آسان گردد و رونه این سیرین رح گوید اگر کسی خواب میند که بر دست  
دشمن و رونه شده است دلیل که بر دشمن غالب گردد و او را قهر کند که زمانی رح گوید اگر میند که برده و میفرودخت چون غلام و کنیز که دلیل  
او را خیر و منفعت رسد و اگر میند که در دهان کافران بسته و میخیزد دلیل بر آنکه مغربی حمله الله علیه گوید اگر برده غلام بود که خرید دلیل  
بر آنکه او را فروخت و دلیل که نیک باشد و اگر غلامی که فروخته بود باز خرید دلیل که بر دشمن بخت یابد و اگر میند که در دهان داشت و از وی  
بگریخت اگر غلام بود دلیل نیک باشد و اگر کنیز بود دلیل بد باشد و نقصان مال بود و برده فروش مردی بود که اختیار مردان بود  
و رسان جانوری بود که خر اسان آنرا بکوت ترخواستند دیدن وی در خواب زن یا کنیز بود این سیرین حمله الله علیه گوید اگر  
کسی خواب میند که بکوت گرفت یا کسی بویاد و دلیل که زن خواهد و اگر میند که و رسان بخیر اگر از دست وی سپرد و دلیل که زن را  
طلاق دهد یا کنیزک فروشد که زمانی حمله الله علیه گوید اگر میند که و رسان بکشت و گوشت او بخورد و دلیل که بقدر آن مال آن  
بستم بستاند و اگر میند که و رسان بسیار داشت دلیل که کنیزک بسیار بخرد و نیز قانوی خوانند جعفر صادق رضی الله عنه گوید  
قانوی در خواب دلیل بر سه وجه بود یکی منفعت دوم معیشت سوم غم و اندوه و نیز این سیرین رح گوید فروغ در خواب مردی

خواب

و

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

خواب

راه و عابد بود اگر کسی بجا بید که وزنی گرفت دلیل که با مردی بدین صفت مصاحب شود و اگر بید که با فرغ بنزد کرد و دلیل که چنین  
 مردی صدمت کند و اگر بید که فرغ بسیار در جائی جمع شدند و فریاد میکردند و دلیل که در آن موضع عذاب خداست و فراسد مغربی  
 گوید اگر بید که فرغ را بکشت و از گوشت وی بخورد و دلیل که مردی را در آتش بکشد و بعد آن مال او بستاند و خزینه کند و اگر بید که  
 فرغ او را بگریزد و دلیل که از مردی را در ویرانج رسد و اگر بید که فرغی را از آب گرفت و بر خشک انداخت و دلیل که را در از کار  
 باز دارد و مصرت رساند و زیر این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بید که وزیر پادشاه را کاری نیکو بود و دلیل که آن وزیر را  
 نیکو شود و دولتش زیادت گردد و اگر بخلاف این بید تا ویش بدود و اگر کسی بید که وزیر شود و منصف و دادگر بود  
 و دلیل که بعد عدل انصاف پیش شرف بزرگی یابد و اگر بید که وزیر بها بکشد و دلیل که عاه و لغت مال بروی فراخ گردد و خوش  
 دراز بود و اگر بید که وزیر ویران خلعت و کلاه داد و دلیل که مردم ویرانوالی گردانند و اگر بید که وزیر در سرای او آمد و دلیل که او را  
 بسبب پادشاه غم و اندوه رسد که تانی رخ گوید اگر بید که با وزیر طعام خورد و دلیل که از وی شرف بزرگی یابد و اگر بید که  
 خانه وزیر افتاده بود یا بیمار بود یا پادشاه او را مضرول کرده بود یا اسپ او را بیفکند یا کاه وی او را بسروان زندان بید و دلیل  
 بر غل می بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید وزارت دیدن در خواب بر چهار وجه بود یکی آنکه اگر بید که چشم و آفتاب است  
 کشته بود دوم آنکه چون بید که چشم او در جلعه بکشد و کشته بود سوم آنکه چون بید که پادشاه کمری بر میان او بست چهارم آنکه  
 از چهار یاران رسول صلی الله علیه و سلم یکی تاجی بر سر او نهاد اینچه و دلیل بر یافتن وزارت کند و سیمه این سیرین رحمة  
 علیه گوید و سیمه در خواب غم و اندوه بود و اگر بید که زمینی داشت و در آن زمین سیمه بسیار بود و دلیل که در غم و اندوه بود و  
 بید که زمینی داشت و در آن زمین سیمه بسیار بود و دلیل که در غم و اندوه گرفتار شود و اگر بید که سیمه از زمین بر کند و  
 بیداخت دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد و اگر بید که سیمه بخورد و دلیل که بسبب عیال در رنج و محنت افتد و اگر کسی بید  
 که دست و سیمه بدو داد و دلیل که میان ایشان خصومت افتد مغربی رخ گوید اگر بید که دست و سیمه بدست عیال خود داد و دلیل  
 که از بید که جدا گردد و در دیدن و سیمه خیر نباشد و سیمه این سیرین رحمة الله علیه گوید و سیمه در خواب غم و اندوه بود و اگر  
 که و سیمه بردارد و داشت دلیل که غم و اندوه زیادت گردد و اگر و سیمه بکشد و دلیل که از غم و اندوه خلاص شود مغربی رحمة  
 علیه گوید اگر بید که چیزی بوشه ووشانید و دلیل که کار پراننده او جمع شود و اگر بید که و سیمه بخوراید و دلیل که غیبت مردم بسیار  
 گوید و ضحوی نماز این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بید که دست و روی بآب صافی بکشد و دلیل که کاری جوید که تمام  
 کار بسیار بد و مقصودش حاصل گردد و اگر بید که آب پدید روی حیثیت تا ویش بخلاف این بود که تانی رخ گوید اگر بید که  
 روی خود را حیثیت دلیل که از بید یاران خود یاری خواهد و اگر بید که دست و روی شست و دلیل که مرادش حاصل شود  
 و دلیل این سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بجا بید که وکیل پادشاه شد و در شغل خود منصف بود و دلیل که خیر قابل  
 دنیا یابد و اگر وکیل قاضی شد چنین دلیل دارد و اگر در شغل کالت منصف و دادگر نبود تا ویش بخلاف این بود مغربی



رحمه الله عليه گوید اگر وکیل بیند که منیب را بناخت دلیل که او را با مروی سخن لطیف گفته شود و اگر منیب آکاشه زوی  
 بیند دلیل که او را منیب منفعت رسد و اگر بخلاف این بیند دلیل که بدو واری علت حرام بود و بدین او در خواب  
 مالی بود که بوی رسد خاصه که در شن آبله سفید بیند این سیرین رحمه الله عليه گوید اگر بیند که وارش بسیار شده بود  
 دلیل که او را کاری زشت پیش آید و بعضی از متبحران گفته اند که او را معروف کرد و اند جعفر صادق رضی الله عنه  
 گوید واری در خواب در ویش را تو انگری و نعمت بود و تو انگر از ایستادن از کنه و اگر بیند که چنان شد که بهنگام  
 افتاده بود و دلیل که کاری نیکو کند و باشد که فرزند یا برادرش از دنیا برود و سیرانی ابن سیرین رحمه الله عليه گوید  
 که ویرانی خانه و دوکان و آنچه بدین ماند دلیل که ای بود و درین و اگر بیند که ویرانه آبادان میکرد تا ویش بخلاف این بود  
 که مانی رخ گوید اگر بیند که جایگاه آبادان خراب شد دلیل که اهل آنجا در بلا و مصیبت افتند و اگر بیند که ویرانه آبدان  
 میکرد و دلیل بر صلاح کار خداوندش بود و بیند که از گمراهی براه صلاح آید مغربی رخ گوید اگر ویرانی از کردار خالق است  
 دلیل که بیند را نفع بود و اگر از کردار مخلوق است تا ویش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند  
 که مدرسه یا مسجد ویران کرد دلیل بر نقصان کاری باشد حرف اطباء ما و ابن سیرین رحمه الله عليه گوید  
 ما و ن و دسته هر دو شریک باشند که ایشانرا از یکدیگر ناگیر بود و چون هر دو بهم باشند کاری کنند و فایده رسانند  
 و اگر از ایشان یکی بیند فایده نباشد و اگر بیند که در ما و ن چیزی میکوفت و آن چیزی خوردنی بود دلیل که بقدر کمیت  
 آن او را برنج و سختی نفع رسد و اگر آنچه در ما و ن بود اگر واری امساک بود دلیل بر زیادتی مال بود مغربی رحمه الله عليه  
 گوید اگر آنچه در ما و ن میکوفت شیرین بود دلیل که برنج و سختی فایده یابد و اگر تلخ بود دلیل بر غم و اندوه بود و اگر جوهر بود که  
 ما و ن میکوفت و می سود دلیل که بقدر آن منفعت بیند و عاقبت مال خود تلف بکند بسیار بدانکه که و زوره آفتاب  
 بود ابن سیرین رحمه الله عليه گوید بسیار در خواب سخن باطل کرد واری بر آکنده بود که در آن خیر و منفعت نباشد چنانکه حقیقت  
 در کلام مجید فرموده است و جعلناه هباء منسورا و جابر مغربی رحمه الله عليه گوید اگر بیند که سبائی سخن در خواب  
 دلیل که در انداز بسیار شوند اگر سیاه بود دلیل بر مصیبت بود و اگر سفید بود دلیل که هیچ غم نباشد چه بدان سیرین رحمه الله عليه  
 علیه گوید به در خواب مروی زیرک و دانا بود که از کار نمانی مردم خبر دهد و اگر بیند که به دیگر گفت یا کسی بود دلیل که  
 دانا ترک بصیفت که گفتیم او را صحبت افتد و از وی فریفتگی بکند و اگر بیند که به دیگر گفت دلیل که بر مروی دانا و بزرگ ظرفیاد و بروی نشاند  
 و اگر بیند که گوشتی بخورد دلیل که قدر آن مال از مردم غفلت حاصل کند که مانی رخ گوید به در خواب بدین صاحب خبر بود یا رسول نیک بود  
 اگر بیند که به دیوای سخن گفت دلیل که از اهل کفر کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید بدین به در خواب بر چیا و جو بود که خوش بشنود  
 و مردم بزرگی سوم بر دشمن نظر یافتن چهارم در کار که باشد زیرک و دانا باشد چنانکه حقیقتا فرمود به دیگر مغربی رخ گوید اگر بیند که  
 وادار آن به دیگر چیزی نیکو باشد که لائق و پسندیده بود و بود دلیل که هر دو بر منفعت بود و اگر چیزی نیکو نبود دلیل که

هر روز منفعت بود و اگر چیزی نیکو نبود دلیل که هر روز از یک بزرگ منفعت بود بلکه شرف و ثواب بود این سیرین رح گوید اگر کسی خواب نیکو بخیر می خورد و او را هدیه  
دادند که بخیر و دوست دارد و دلیل بر شرف و ثواب بود و اگر بنید که مردی پیر یا نوجوان را هدیه داد و دلیل  
که خیر و منفعت بود اگر مردی جوان یا زنی جوان هدیه دهد تا دلیل بخلاف این بود هر سیرین رح گوید اگر کسی خواب نیکو بخیر می خورد و او را هدیه  
آن خیر و منفعت بدو رسد و حاجت وی روا شود و بعضی از متعجلان گفته اند که او را فرزندی آید که چشمه بدن فرزند روشن شود زیرا که حضرت رسول  
صلی الله علیه و سلم فرمود که اگر کسی طاهره الحنة تغریب رح گوید خوردن هر سیرین خواب نیکو را هدیه نمود از جهت اعمال جعفر صادق و فضیلت  
عنه گوید اگر کسی بگوشت گوشت خورده بود و دلیل بر خیر و منفعت بود و اگر بخورده بود و دلیل که تقدیر آن و منفعت بدو رسد و سیرین رح  
این سیرین رح گوید بنابر روایتان در خواب فرزند خوش آواز و خوب سخن بود و الا ضعیف احوال باشد و خداوند عظم و ادب فرزند نیکو بود و بنزاکت مردمان محبوب  
باشد و اگر بنید که او را بنزد وستان عطا دادند و دلیل او را فرزندی بد نصیفت آید و اگر بنید که بنزد وستان از باغ برگرفت و دلیل او را با مردمان نیکو  
خلق و خوب سخن پیوستگی شود و اگر کسی رح گوید بنزد وستان در خواب خوش آواز بود و اگر بنید که بنزد وستان نیکو سخن خوش آواز و مظهر بخیر و  
بنید که بنزد وستان از دست وی برید و دلیل که از اطلاق بدی که کثیر می آید و اگر بنید که بنزد وستان در خواب فرزند عظام بود و خوش شیرین  
و شنیدن آواز خوش بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید بنزد وستان در خواب بدین سرخ و جود بود یکی زن دوم فرزند عظام شود یعنی چهارم حکیم خیم  
طیله این سیرین رح گوید بنید که او را خواب بدین دلیل رحم دادند و بود و دلیل بر بیماری بود و دلیل بر بیماری بود و اگر بنید که  
ازین بنید بخیر و دلیل که اندویش صعبتر باشد و اگر بنید که ازین بنید که با شکر با انگبین بخیر و دلیل که اندویش کمتر باشد و در دیدن دلیل  
بنود و همای این سیرین رح گوید که بای خواب دولت و غنای و زری و خطر باشد و اگر بنید که بای دشت دلیل که تقدیر بای غنای و دولت  
یا بد و اگر بنید که بای از دست او برید دلیل که درگاه و حرمش نقصان شود و اگر کسی رح گوید که بای خواب پادشاه بود یا رئیس مردم و اگر  
که بای را بگشت و گوشت وی بخورد و دلیل که بر مردی بزرگوار که هر دو مال و سیستان و بخورد و اگر بنید که بای دشت دلیل که ازین کسان که گفته اند  
خیر و منفعت یا بد و اگر بنید که بای را بر تیرا بگشت و دلیل که ازین مردم چنین سخن بدگوید و اگر بنید که بای در بخراشید و دلیل که ازین کسان که گفته اند  
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن بای در خواب بر بخت جود بود یکی پادشاه دوم برین مردم و بزرگوار چهارم دولت چهارم بزرگ ششم فرمانروایی  
غرقال هو این سیرین رح گوید که بنید که بای را در شرف و صفای بود و دلیل که مردم انداز را زاندرستی و سعادت نیکو راحت بود و عظام و دلیل  
را دولت و اقبال یا بد و اگر بنید که بای را تیرا بگشت و دلیل که اهل که بای را عظم و دادند و بود و اگر بنید که بای برین رنگ بود و دلیل که دران و یا جنگ  
و غنای بود و اگر بنید که بای برین بود و دلیل که دران بگشت و غنای بود و دلیل که بای بسیار پیدا شود و اگر بنید که بای سپید و پاکیزه شد و دلیل که تقدیر آن اهل  
را نعمت و فراخی کسب معیشت بسیار بود و اگر کسی رح گوید که بای را در واک بود و با بخت چیست و دلیل که پادشاه بیکانه انداز را بدو رخ و حرم  
برایشان رساند و اگر بنید که بای را بنزد بر سر شهری یا محلی شود و صفای کشته و دلیل که در آن سال اهل موضع را نعمت و فراخی و خیر و منفعت بود و اگر بنید  
تخلف بود و دلیل که اهل انداز را احاطه کند شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن بای در خواب بخت و جود بود یکی بزرگ دوم منفعت سوم منفعتی چهارم منفعت  
معیشت هاین پنج وجه دلیل بر بخت و صفای بود هر چهارم بدی که بای را در واک بود و با بخت چیست و دلیل که پادشاه بیکانه انداز را بدو رخ و حرم



55

96

1776









ض ۱۳۵۵۳  
 CALL No. { ت ۳۵۳ } ACC. No. ۱۶۵۳  
 AUTHOR \_\_\_\_\_  
 TITLE کامل التعلیم یعنی خواب نامہ  
 No. ۱۶۵۳  
 ت ۳۵۳



**MAULANA AZAD LIBRARY**  
**ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY**

**RULES:—**

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of Re. 1-00 per volume per day shall be charged for text-books and 10 Paise per volume per day for general books kept over - due.

